



دايرة المعارف مصوّر



SIGNS



& SYMBOLS



بۆدابه زاندى جۆره ها كتيب: سەردانى: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

لتحميل أنواع الكتب راجع: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

پراي دانلود كتيپه اي مختلف مراجعه: (منتدى اقرا الثقافى)

www.iqra.ahlamontada.com



www.iqra.ahlamontada.com

للكتب (كوردى , عربى , فارسى)



ةالمعارف مصوّر

معارف مصوّر SIGNS & SYMBOLS





«دایرةالمعارف مصور نمادها و نشانه‌ها»

نویسنده: Miranda Bruce-Mitfo

مترجمین: معصومه انصاری، حبیب بشیرپور

ناشر: سایان

مدیر هنری: سلمان رئیس عبداللهی

صفحه‌آرایی: محمد محمدی

نمونه‌خوان: محمد لوری آبکنار

اسکن و پردازش تصاویر: محمود رسایی

لیتوگرافی: اطلس چاپ

چاپ: ستاره سبز

صحافی: نمونه

شمارگان: ۵۰۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان



سرشناسه: میتفورد، میراندا بوروس

Miranda Bruce-Mitford

عنوان و نام پدیدآور: دایرةالمعارف مصور نمادها و نشانه‌ها

مشخصات نشر: تهران: نشر سایان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص. ۲۲ × ۲۹ س.م.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۵۲۰۳۴۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: Signs and Symbols

شناسه افزوده: انصاری، معصومه، ۱۳۴۴-، بشیرپور، حبیب، ۱۳۴۷، مترجم

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۶۵۴۰۱



راهنمای خرید کتاب

دایرةالمعارف مصور نمادها و نشانه‌ها

تهران، خیابان کارگر شمالی، نرسیده به بلوار کشاورز، خیابان قدر، پلاک چهار، واحد یک
تلفن: ۶۶۵۶۷۶۲۶ - ۶۶۵۶۷۶۲۷تهران، خیابان دماوند، خیابان سازمان آب، خیابان چهارم غربی، پلاک ۲۸ ● تلفن:
۷۷۳۵۴۱۰۵فروش اینترنتی: www.gbook.ir ● www.bookroom.ir

ارسال رایگان/ تهران: ۶۶۵۶۷۶۲۶ ● شهرستان‌ها: ۶۶۵۶۷۶۲۷

آدرس مراکز فروش این کتاب در کلیه شهرستان‌ها را از این شماره تلفن‌ها بخواهید:
۸۸۲۰۸۲۳۶ ● ۷۷۳۵۴۱۰۵

© حق چاپ برای انتشارات سایان محفوظ می‌باشد.

● هرگونه اقتباس و استفاده از تصاویر و محتوای این اثر منوط به اجازه کتبی از ناشر است.

www.iqra.ahlamontada.com

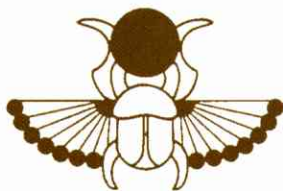
فهرست



۱۲	کیهان
۱۶	خورشید
۱۸	ماه
۲۱	سیارات
۲۲	آسمان شب
۲۴	زمین
۲۹	کوه‌ها
۳۰	آتش
۳۲	آب
۳۴	آب و هوا
۳۶	باران و برف
۳۹	سیل
۴۰	فصول
۴۲	سنگ‌های گرانبها
۴۵	طلا
۴۶	ماده گرانبها



۴۸	دنیای طبیعی
۵۲	پستانداران
۵۷	گربه‌ها
۵۸	پرندگان
۶۳	عقاب‌ها
۶۴	خزندگان و دوزیستان
۶۷	مارها
۶۸	مخلوقات آبی
۷۲	حشرات مشتمل‌کننده
۷۴	حیوانات افسانه‌ای
۷۹	اژدها
۸۰	گیاهان
۸۲	گل‌ها
۸۷	نیلوفر آبی
۸۸	سبزیجات و چاشنی‌ها



۲۴۴	باغ‌ها
۲۴۸	پوشش و لباس
۲۵۰	پوشش سر
۲۵۳	لباس فرم
۲۵۴	جواهرات
۲۵۶	تزئین بدن
۲۵۸	وابستگی گروهی
۲۶۰	فراماسونری
۲۶۲	هنر
۲۷۰	نقاب
۲۷۳	داستان‌های پریان
۲۷۴	ابزار موسیقی



۲۷۶	نظام‌های نمادین
۲۸۰	رنگ‌ها
۲۸۴	شکل‌ها
۲۹۰	الگوها
۲۹۴	اعداد
۳۰۰	نگارش تصویری
۳۰۶	الفبا
۳۱۰	علائم بین‌المللی
۳۱۴	نمادهای شغلی
۳۱۶	آرم‌ها و مارک‌ها
۳۱۸	نشان‌های اصالت خانوادگی
۳۲۴	پرچم‌ها
۳۳۰	زبان‌های نشانه‌ای و علامت‌ها
۳۳۴	حالت‌های نمادین

۳۳۸

واژه‌نامه



۱۵۳	رویاپردازی
۱۵۴	شمن‌گرایی
۱۵۷	داستان‌های آفرینش
۱۵۸	دین هندو
۱۶۴	آیین بودایی
۱۷۰	تائوایسم و شینتو
۱۷۲	یهودیت
۱۷۴	قبالا
۱۷۶	مسیحیت
۱۸۰	اسلام
۱۸۴	دین سیک
۱۸۷	وودوو
۱۹۰	شیطان و دیوها
۱۹۴	تعویذها
۱۹۶	غیبگویی
۲۰۴	طالع‌بینی چینی
۲۰۶	عدد شناسی
۲۰۹	جام مقدس
۲۱۰	کیمیاگری



جامعه و فرهنگ

۲۱۲	پادشاهی
۲۱۶	لوازم تزئینی پادشاهی
۲۱۸	تاجگذاری
۲۲۱	ملیت
۲۲۲	ابزار و اسلحه‌ها
۲۲۴	معماری
۲۲۶	معماری دینی
۲۲۸	مکان‌های مقدس
۲۳۲	ساختمان‌ها
۲۳۴	پله‌هایی به آسمان
۲۳۷	خانه
۲۳۸	کشتی‌ها و قایق‌ها
۲۴۲	

۹۱	جنگل
۹۴	درختان
۹۷	درختان مقدس
۹۸	میوه‌های زمین
۱۰۰	غذاهای زمین



زندگی انسان

۱۰۲	سر
۱۰۶	سر به نشان پیروزی
۱۱۱	بدن انسان
۱۱۴	کف دست‌ها و پاها
۱۱۶	باروری و تولد بچه
۱۲۰	آئین تشرف
۱۲۵	عشق و ازدواج
۱۲۶	مرگ و سوگواری
۱۲۸	سبک نقاشی وانیتاس
۱۳۳	



اسطوره‌ها و ادیان

۱۳۴	خدایان مصری
۱۳۸	خدایان رومی و یونانی
۱۴۰	خدایان
۱۴۲	سلتی و نروژی
۱۴۴	خدایان آمریکای
۱۴۴	جنوبی و مرکزی
۱۴۶	اجداد
۱۴۸	ارواح طبیعت
۱۵۰	حقه‌بازان، قهرمانان و توت‌های قبیله‌ای



اخیرا جوانی را دیدم که پیراهنی با علامتی عجیب پوشیده بود. از او پرسیدم می‌دانی مفهوم این نماد روی لباس چیست؟ با تعجب نگاهی به من کرد و گفت مگر مهمه؟ گفت همین که زیباست کفایت می‌کند. من می‌دانستم علامت روی پیراهن او مربوط به نمادی بی‌شرمانه است، حتی نوشته انگلیسی نیز بر همین معنا دلالت می‌کرد ولی او متوجه نبود. البته شاید بعد از گفتن من کمی به فکر فرو رفته باشد.

در دنیایی زندگی می‌کنیم که شامل فرهنگ‌ها و ادیان مختلفی است که هر کدام از نمادها و نشانه‌های بسیاری استفاده می‌کنند. کوچکتر شدن دنیا و رفتن به سمت دهکده جهانی و نیز غلبه کردن فضای مجازی ما را با شرایطی مواجه کرده که در معرض نمادهای فرهنگ‌ها و ادیان مختلف قرار گرفته‌ایم.

همیشه دوست داریم معانی نمادهای ادیان و کشورهای دیگر را بدانیم. این نیاز به دانستن در سال‌های اخیر با چند کتاب که در مورد علائم و نشانه‌ها منتشر شده تا حدی پاسخ داده شد. کتاب حاضر با رویکردی تصویری و نسبتاً کامل در صدد است در حد

بضاعت خود نمادها و نشانه‌های فرهنگ‌های گوناگون را توصیف کرده و معانی فرهنگی آن را به مخاطب خود ارائه دهد. طبیعی است که این نمادها و نشانه‌ها اکثراً مربوط به فرهنگ‌های مادی و نیز ادیان و آیین‌های غیر الهی است ولی جهت آشنایی با این معانی مرجع مفیدی محسوب می‌شود. طبیعی است که در هر مورد نویسنده نماد را از منظر آن دین یا کشور یا فرهنگ بررسی می‌کند و قصدی در اثبات درستی یا نادرستی این عقیده ندارد. نویسنده این کتاب، خانم میراندا بروس میتفورد چندین نمونه از کتاب‌های نمادشناسی را به نگارش درآورده که تا حدودی حاصل تجربیات او در کشورهای مختلف است. با این حال باید توجه داشت که این کتاب در جهت شناساندن نوعی از نمادشناسی موجود در جهان غرب است که ترجمه آن نیز تنها به این منظور است که خواننده ما با این نوع از نمادشناسی که در آن عرصه از عالم وجود دارد، آشنا شود. قطعاً و یقیناً این نوع نمادشناسی، تنها گونه نمادشناسی نیست و صد البته که اگر به همین نمادها از یک منظر و افق بالاتر نیز نگریسته شود، دریافت‌ها و برداشت‌های بسیار





کتابی با این سبک به او بدهیم که مثلا دین اسلام یا در سطحی دیگر تاریخ ایران را توضیح دهد چه جوابی داریم. قطعا هیچ کتابی به زبان انگلیسی و حتی فارسی هم وجود ندارد که به مخاطب بدهیم بگوییم دین ما این است و تاریخ ما اینگونه است.

باید بیشتر کار کرد. نشر سایان این مسیر را شروع کرده و دست تمام علاقه‌مندان را در ادامه این مسیر می‌فشارد. ولی در حال حاضر باید به همین کتاب در این موضوع بسنده کرد. با توجه به لزوم رعایت امانت در ترجمه کتاب، لازم به ذکر است تنها تصاویری که با فرهنگ ما همخوانی نداشت از کتاب حذف شده یا با اصلاحات عرضه شده‌اند. طبیعی است که ناشر به بعضی از موارد مطروحه در کتاب از فرهنگ‌های مختلف نقد داشته باشد ولی این کتاب صرفا نگاهی پدیداری به نمادها دارد و در جهت رد یا اثبات یا برتری دادن به فرهنگ خاصی نیست.

حامد کفاش

مدیر نشر سایان

غنی‌تر و پربارتری را نصیب آدمیان خواهند کرد. عمده نگرش این کتاب به مجموعه نمادها از منظر اولین مرتبه دریافت بشر، یعنی از منظر عقل جزئی نگر و سطحی‌نگر است که تنها در حوزه نفسانیات کاربرد دارد.

نویسنده با رویکردی مسیحی به جهان‌نگریسته و احساس می‌شود که این تلقی در کل کتاب غالب است. ما در این کتاب در مقام تایید مطالب نویسنده نیستیم و تنها منظور از ترجمه این کتاب آشنایی با نمادشناسی مردمان دیگر است. تقسیم کلی دنیا به دو بخش مذکر و مؤنث در همه موارد دیدگاهی جامع نیست، اما به‌هرحال نوعی تقسیم‌بندی است که عده‌ای با این عینک به دنیا می‌نگرند و معانی همه چیز را با این نگاه بدست می‌آورند که قطعا و یقینا دیدگاه دقیقی نیست.

متأسفانه در بخش ادیان مخصوصا اسلام تعاریف جامعی صورت نگرفته که این مساله قبل از مولف به ما مسلمانان باز می‌گردد که هیچ کتابی در مورد معرفی دینمان با این سبک نداریم. همیشه از خود می‌پرسم اگر از يك کشور خارجی کسی به ایران بیاید و بخواهد





ةالمعارف مصوّر

معارف مصوّر SIGNS و & SYMBOLS





«دایرةالمعارف مصور نمادها و نشانه‌ها»

نویسنده: Miranda Bruce-Mitfo

مترجمین: معصومه انصاری، حبیب بشیرپور

ناشر: سایان

مدیر هنری: سلمان رئیس عبداللهی

صفحه‌آرایی: محمد محمدی

نمونه‌خوان: محمد لوری آبکنار

اسکن و پردازش تصاویر: محمود رسایی

لیتوگرافی: اطلس چاپ

چاپ: ستاره سبز

صحافی: نمونه

شمارگان: ۵۰۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان



سرشناسه: میتفورد، میراندا بوروس

Miranda Bruce-Mitford

عنوان و نام پدیدآور: دایرةالمعارف مصور نمادها و نشانه‌ها

مشخصات نشر: تهران: نشر سایان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص. ۲۲ × ۲۹ س.م.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۵۲۰۳۴۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: Signs and Symbols

شناسه افزوده: انصاری، معصومه، ۱۳۴۴-، بشیرپور، حبیب، ۱۳۴۷، مترجم

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۶۵۴۰۱



راهنمای خرید کتاب

دایرةالمعارف مصور نمادها و نشانه‌ها

تهران، خیابان کارگر شمالی، نرسیده به بلوار کشاورز، خیابان قدر، پلاک چهار، واحد یک
تلفن: ۶۶۵۶۷۶۲۶ - ۶۶۵۶۷۶۲۷تهران، خیابان دماوند، خیابان سازمان آب، خیابان چهارم غربی، پلاک ۲۸ ● تلفن:
۷۷۳۵۴۱۰۵فروش اینترنتی: www.gbook.ir ● www.bookroom.ir

ارسال رایگان/ تهران: ۶۶۵۶۷۶۲۶ ● شهرستان‌ها: ۶۶۵۶۷۶۲۷

آدرس مراکز فروش این کتاب در کلیه شهرستان‌ها را از این شماره تلفن‌ها بخواهید:
۸۸۲۰۸۲۳۶ ● ۷۷۳۵۴۱۰۵

© حق چاپ برای انتشارات سایان محفوظ می‌باشد.

● هرگونه اقتباس و استفاده از تصاویر و محتوای این اثر منوط به اجازه کتبی از ناشر است.

www.iqra.ahlamontada.com

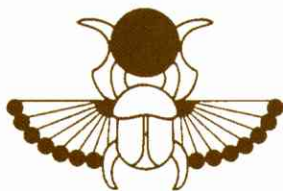
فهرست



۱۲	کیهان
۱۶	خورشید
۱۸	ماه
۲۱	سیارات
۲۲	آسمان شب
۲۴	زمین
۲۹	کوه‌ها
۳۰	آتش
۳۲	آب
۳۴	آب و هوا
۳۶	باران و برف
۳۹	سیل
۴۰	فصول
۴۲	سنگ‌های گرانبها
۴۵	طلا
۴۶	ماده گرانبها



۴۸	دنیای طبیعی
۵۲	پستانداران
۵۷	گربه‌ها
۵۸	پرندگان
۶۳	عقاب‌ها
۶۴	خزندگان و دوزیستان
۶۷	مارها
۶۸	مخلوقات آبی
۷۲	حشرات مشتمل‌کننده
۷۴	حیوانات افسانه‌ای
۷۹	اژدها
۸۰	گیاهان
۸۲	گل‌ها
۸۷	نیلوفر آبی
۸۸	سبزیجات و چاشنی‌ها



۲۴۴	باغ‌ها
۲۴۸	پوشش و لباس
۲۵۰	پوشش سر
۲۵۳	لباس فرم
۲۵۴	جواهرات
۲۵۶	تزئین بدن
۲۵۸	وابستگی گروهی
۲۶۰	فراماسونری
۲۶۲	هنر
۲۷۰	نقاب
۲۷۳	داستان‌های پریان
۲۷۴	ابزار موسیقی



۲۷۶	نظام‌های نمادین
۲۸۰	رنگ‌ها
۲۸۴	شکل‌ها
۲۹۰	الگوها
۲۹۴	اعداد
۳۰۰	نگارش تصویری
۳۰۶	الفبا
۳۱۰	علائم بین‌المللی
۳۱۴	نمادهای شغلی
۳۱۶	آرم‌ها و مارک‌ها
۳۱۸	نشان‌های اصالت خانوادگی
۳۲۴	پرچم‌ها
۳۳۰	زبان‌های نشانه‌ای و علامت‌ها
۳۳۴	حالت‌های نمادین

۳۳۸

واژه‌نامه



۱۵۳	رویاپردازی
۱۵۴	شمن‌گرایی
۱۵۷	داستان‌های آفرینش
۱۵۸	دین هندو
۱۶۴	آیین بودایی
۱۷۰	تائویسم و شینتو
۱۷۲	یهودیت
۱۷۴	قبالا
۱۷۶	مسیحیت
۱۸۰	اسلام
۱۸۴	دین سیک
۱۸۷	وودو
۱۹۰	شیطان و دیوها
۱۹۴	تعویذها
۱۹۶	غیبگویی
۲۰۴	طالع‌بینی چینی
۲۰۶	عدد شناسی
۲۰۹	جام مقدس
۲۱۰	کیمیاگری



جامعه و فرهنگ

۲۱۲	پادشاهی
۲۱۶	لوازم تزئینی پادشاهی
۲۱۸	تاجگذاری
۲۲۱	ملیت
۲۲۲	ابزار و اسلحه‌ها
۲۲۴	معماری
۲۲۶	معماری دینی
۲۲۸	مکان‌های مقدس
۲۳۲	ساختمان‌ها
۲۳۴	پله‌هایی به آسمان
۲۳۷	خانه
۲۳۸	کشتی‌ها و قایق‌ها
۲۴۲	

۹۱	جنگل
۹۴	درختان
۹۷	درختان مقدس
۹۸	میوه‌های زمین
۱۰۰	غذاهای زمین



زندگی انسان

۱۰۲	سر
۱۰۶	سر به نشان پیروزی
۱۱۱	بدن انسان
۱۱۴	کف دست‌ها و پاها
۱۱۶	باروری و تولد بچه
۱۲۰	آئین تشرف
۱۲۵	عشق و ازدواج
۱۲۶	مرگ و سوگواری
۱۲۸	سبک نقاشی وانیتاس
۱۳۳	



اسطوره‌ها و ادیان

۱۳۴	خدایان مصری
۱۳۸	خدایان رومی و یونانی
۱۴۰	خدایان
۱۴۲	سلتی و نروژی
۱۴۴	خدایان آمریکای
۱۴۴	جنوبی و مرکزی
۱۴۶	اجداد
۱۴۸	ارواح طبیعت
۱۵۰	حقه‌بازان، قهرمانان و توت‌های قبیله‌ای



اخیرا جوانی را دیدم که پیراهنی با علامتی عجیب پوشیده بود. از او پرسیدم می‌دانی مفهوم این نماد روی لباس چیست؟ با تعجب نگاهی به من کرد و گفت مگر مهمه؟ گفت همین که زیباست کفایت می‌کند. من می‌دانستم علامت روی پیراهن او مربوط به نمادی بی‌شرمانه است، حتی نوشته انگلیسی نیز بر همین معنا دلالت می‌کرد ولی او متوجه نبود. البته شاید بعد از گفتن من کمی به فکر فرو رفته باشد.

در دنیایی زندگی می‌کنیم که شامل فرهنگ‌ها و ادیان مختلفی است که هر کدام از نمادها و نشانه‌های بسیاری استفاده می‌کنند. کوچکتر شدن دنیا و رفتن به سمت دهکده جهانی و نیز غلبه کردن فضای مجازی ما را با شرایطی مواجه کرده که در معرض نمادهای فرهنگ‌ها و ادیان مختلف قرار گرفته‌ایم.

همیشه دوست داریم معانی نمادهای ادیان و کشورهای دیگر را بدانیم. این نیاز به دانستن در سال‌های اخیر با چند کتاب که در مورد علائم و نشانه‌ها منتشر شده تا حدی پاسخ داده شد. کتاب حاضر با رویکردی تصویری و نسبتاً کامل در صدد است در حد

بضاعت خود نمادها و نشانه‌های فرهنگ‌های گوناگون را توصیف کرده و معانی فرهنگی آن را به مخاطب خود ارائه دهد. طبیعی است که این نمادها و نشانه‌ها اکثراً مربوط به فرهنگ‌های مادی و نیز ادیان و آیین‌های غیر الهی است ولی جهت آشنایی با این معانی مرجع مفیدی محسوب می‌شود. طبیعی است که در هر مورد نویسنده نماد را از منظر آن دین یا کشور یا فرهنگ بررسی می‌کند و قصدی در اثبات درستی یا نادرستی این عقیده ندارد. نویسنده این کتاب، خانم میراندا بروس میتفورد چندین نمونه از کتاب‌های نمادشناسی را به نگارش درآورده که تا حدودی حاصل تجربیات او در کشورهای مختلف است. با این حال باید توجه داشت که این کتاب در جهت شناساندن نوعی از نمادشناسی موجود در جهان غرب است که ترجمه آن نیز تنها به این منظور است که خواننده ما با این نوع از نمادشناسی که در آن عرصه از عالم وجود دارد، آشنا شود. قطعاً و یقیناً این نوع نمادشناسی، تنها گونه نمادشناسی نیست و صد البته که اگر به همین نمادها از یک منظر و افق بالاتر نیز نگریسته شود، دریافت‌ها و برداشت‌های بسیار





کتابی با این سبک به او بدهیم که مثلا دین اسلام یا در سطحی دیگر تاریخ ایران را توضیح دهد چه جوابی داریم. قطعا هیچ کتابی به زبان انگلیسی و حتی فارسی هم وجود ندارد که به مخاطب بدهیم بگوییم دین ما این است و تاریخ ما اینگونه است.

باید بیشتر کار کرد. نشر سایان این مسیر را شروع کرده و دست تمام علاقه‌مندان را در ادامه این مسیر می‌فشارد. ولی در حال حاضر باید به همین کتاب در این موضوع بسنده کرد. با توجه به لزوم رعایت امانت در ترجمه کتاب، لازم به ذکر است تنها تصاویری که با فرهنگ ما همخوانی نداشت از کتاب حذف شده یا با اصلاحات عرضه شده‌اند. طبیعی است که ناشر به بعضی از موارد مطروحه در کتاب از فرهنگ‌های مختلف نقد داشته باشد ولی این کتاب صرفا نگاهی پدیداری به نمادها دارد و در جهت رد یا اثبات یا برتری دادن به فرهنگ خاصی نیست.

حامد کفاش

مدیر نشر سایان

غنی‌تر و پربارتری را نصیب آدمیان خواهند کرد. عمده نگرش این کتاب به مجموعه نمادها از منظر اولین مرتبه دریافت بشر، یعنی از منظر عقل جزئی نگر و سطحی‌نگر است که تنها در حوزه نفسانیات کاربرد دارد.

نویسنده با رویکردی مسیحی به جهان‌نگریسته و احساس می‌شود که این تلقی در کل کتاب غالب است. ما در این کتاب در مقام تایید مطالب نویسنده نیستیم و تنها منظور از ترجمه این کتاب آشنایی با نمادشناسی مردمان دیگر است. تقسیم کلی دنیا به دو بخش مذکر و مؤنث در همه موارد دیدگاهی جامع نیست، اما به‌هرحال نوعی تقسیم‌بندی است که عده‌ای با این عینک به دنیا می‌نگرند و معانی همه چیز را با این نگاه بدست می‌آورند که قطعا و یقینا دیدگاه دقیقی نیست.

متأسفانه در بخش ادیان مخصوصا اسلام تعاریف جامعی صورت نگرفته که این مساله قبل از مولف به ما مسلمانان باز می‌گردد که هیچ کتابی در مورد معرفی دینمان با این سبک نداریم. همیشه از خود می‌پرسم اگر از يك کشور خارجی کسی به ایران بیاید و بخواهد





[پیش‌گفتار]

یادآوری می‌کند. هر دوی نشانه‌ها و نمادها، به میزان زیادی شناخته شده هستند ولی تفاوت بین این دو، گاهی آشکار نیست. کارکرد یک نشانه واضح و روشن است؛ نشانه می‌تواند بخشی سازنده از زبان بصری یا مکتوب باشد، کلمه‌ای بصری در مورد هشدارهایی درباره مسیر خیابان، یا بیانی نمایشی در مورد محصول یک شرکت. نشانه‌ها به ما پیام ساده‌ای می‌دهند که از ارتباطی بسیار کوتاه و بی‌واسطه حاصل می‌آید.

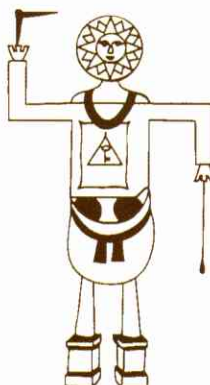
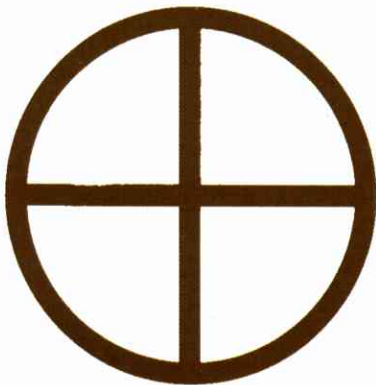
از طرف دیگر، نماد، تصویری بصری یا نشانه‌ای است که بیانگر تصور و اندیشه‌ای است که حاکی از حقیقتی جهانی به صورتی عمیق‌تر است. برای مثال آتش، هم به خورشید و هم به نیروی حیاتی مذکر دلالت دارد که در سراسر اطراف ما وجود دارد. در صورتی که یک گل بهاری، بیانگر تولد مجدد و زندگی جدید است. زندگی پر معنا و غنی می‌شود زمانی که در پرتو نمادها به نظاره آن می‌ایستیم.

یکی از ویژگی‌های متمایزکننده‌ی ما به عنوان «انسان هوشمند» ذهن جستجوگر است. ما همواره درباره‌ی چیزها، به خصوص وجودمان روی زمین سوال کرده‌ایم؛ چرا ما اینجا هستیم؟ از کجا به اینجا آمده‌ایم؟ بعد از مرگ چه رخ می‌دهد و معنای وراء پدیده‌های طبیعی در اطراف ما چیست؟ در طول هزاران سال، ما چارچوبی از باورها را ایجاد کرده‌ایم که تا حدی به ما اجازه می‌دهد تا به این سوالات دیرین پاسخ گوئیم.



تعاریف و تحلیل‌ها

به عنوان بخشی از چارچوب این باورها، ما واژه‌های فراوانی از نشانه‌ها و نمادها را به وجود آورده‌ایم که یگانگی ما با کیهان را به ما





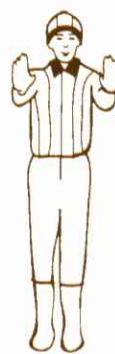
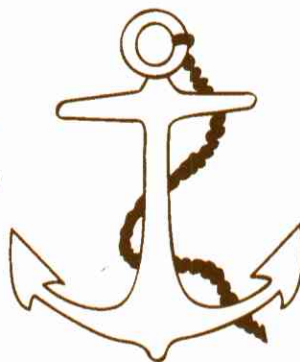
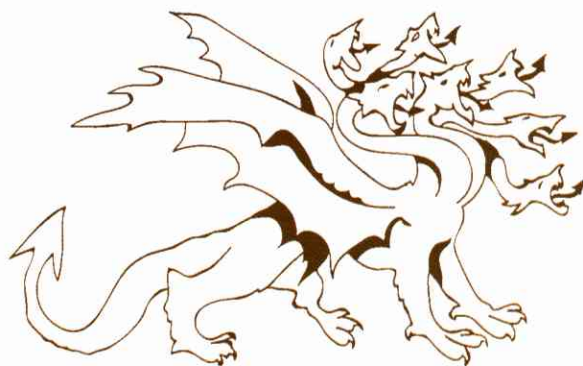
نشانه‌ها به ما پیامی ساده می‌دهند که حاکی از ارتباطی کوتاه و بی‌واسطه است. يك نماد، تصویری بصری یا نشانه‌ای است که نمایانگر يك اندیشه است.

اینها حاکی از کیفیات مشترک در مخلوقات هستند؛ برای مثال یک 'بزر مرد' که نیمه بزر و نیمه انسان است بر نفس فروتر و برتر انسان دلالت دارد.

مهاجرت نمادها

این واقعیت که برخی نمادها به گستردگی در بخش‌های پراکنده‌ای از دنیا ظاهر می‌شوند، در مورد خاستگاه آنها تردیدی را به وجود می‌آورد، آیا آنها به طور خودانگیخته به مانند بخشی طبیعی از امیال و نیازهای ناآگاهانه‌ی انسانی به وجود آمده‌اند یا این که نتیجه انتقال اندیشه‌ها از یک کشور به کشور دیگر بوده‌اند؟ ما به صورتی روزافزون از سفرهای زیادی آگاه می‌شویم که در دنیای باستان به وقوع پیوسته است.

از زمان‌های بسیار دور، نمادها به کیهان باروری، مرگ و تجدید حیات مربوط بوده‌اند، اما پیدایش نظریه‌ی روانکاوانه، موجب شده تا موضوعات و اندیشه‌ها در پرتو احتیاجات روحی و روان‌شناختی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. برای مثال سایه‌ای تاریک، می‌تواند به مانند نمادی از تشویش‌های درونی در نظر گرفته شود. زمانی که بسیاری از داستان‌های پریان مورد تحلیل قرار می‌گیرند، با روند بزرگ شدن، مواجه شدن با موانع و ظهور دوران بزرگسالی ربط دارند مانند داستان شئل قرمزی. اما نمادهای قدیمی و باستانی، غالباً به جهان و ارتباط ما با کیهان مربوطند. برخی نمادها، نظیر دایره و پرنده در حال پرواز، به صورت همگانی در همه جا قابل تشخیص هستند. اولی شامل تولد، تولد مجدد و چرخش فصول است. در صورتی که پرنده می‌تواند نشانگر عروج روح به آسمان باشد. حیوانات محیرالعقول هم برای هزاران سال در هنر دیده شده‌اند.





ایزد بانو

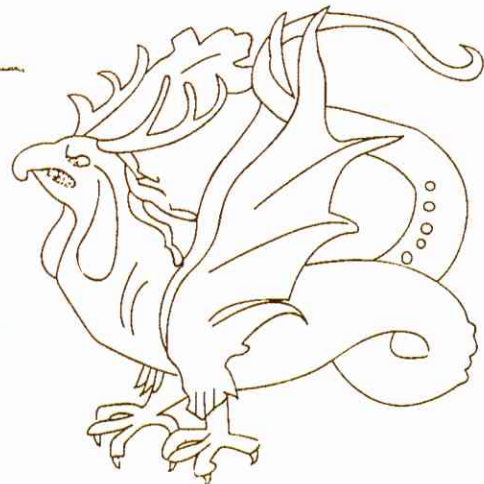
نمادی جهانی که شاید در بسیاری از مناطق، به طور همزمان رشد و تکامل یافته است، مربوط به ایزد بانوست که اغلب با شکم و سینه‌هایی بزرگ تصویر می‌شود. او بیانگر باروری و فراوانی است و تصویر او در هنر ما قبل تاریخ از کشور مالت تا استپ‌های روسیه ظاهر می‌شود. او، تولد و به عنوان مادر زمین، تجدید حیات را نشان می‌دهد. گاهی اوقات همچون مثلثی ساده ظاهر می‌شود که نماد اندام تناسلی مونث است. ایزد بانو همچنین به مانند دایره‌ای نیز تصویر می‌شود که نشانگر چرخه مداوم تولد و تولد مجدد است. به خاطر گذر زمان و توسعه یهودیت، مسیحیت و اسلام، اسطوره ایزد بانوی ازلی به میزان زیادی از آگاهی انسانی محو شده اما هنوز هم برخی، علائم او را می‌شناسند و پرستش و دلبستگی به مریم باکره، باقیمانده ارتباط نسبی با این باورهاست. از آنجایی که مردم به صورت روزافزونی از دنیای طبیعی جدا شده‌اند، جانشین ایزد بانوی پرورنده‌ی همه چیز و تولید کننده‌ی همه چیز، خدایان خالق، یا خدای متعالی شده‌اند که به نظر می‌رسد از روند آفرینش جدا

تجارت از جاده‌های متقاطع جهان می‌گذرد و اندیشه‌های دینی، سبک هنری و حتی هنرمندان با تاجران سفر می‌کردند. به همین دلیل، اسلام به آسیای جنوب شرقی رسید و بودیسم در ژاپن گسترش یافت و در قلب آمریکای جنوبی به زبان پرتغالی صحبت می‌شود. همان‌گونه که کالاها و اندیشه‌ها مبادله شده‌اند، به همین ترتیب هم نمادها منتقل شده‌اند که معناهایی را دورتر از جایگاه یا خاستگاهشان کسب کرده‌اند.

اژدها، مخلوق چینی، یکی از این نمادهاست که در چین بیانگر عظمت هم برای امپراتور و هم خورشید است اما در هنر مسیحی اروپایی، نمادپردازی منفی دارد که بیانگر نفس فرومایه‌تر نوع بشر است.

تصویر پرنده‌ای که با مار پیکار می‌کند از گزینه‌ها تا آمریکا یافت شده که نماد پیکار ابدی زمین، آسمان و آب‌هاست. سرانجام تائوتیه^۱ یا صورت بسیار تصنعی که بر ظروف چین کهن ظاهر می‌شود، ظهور مجددی در ناودان‌های کلیساهای جامع اروپایی و در نگاره‌های فرهنگ‌های اطراف حاشیه اقیانوس آرام دارد.

نمادی جهانی که شاید در بسیاری از مناطق
به طور همزمان رشد و تکامل یافته است،
مربوط به ایزد بانوست.





زمانی که ما موضوعات را به عنوان بیان‌کننده حقایق یا مسائل عمیق‌تر در نظر بگیریم، شروع به گسترش دادن فهم خود از ماهیت دوگانه هستی می‌کنیم.



می‌تواند به یادآورنده‌ی پاکی روح باشد؛ در صورتی که یک چراغ ممکن است دلالت بر نور حقیقت کند. مشاهده‌ی موضوعات با این روش نمادین به ما اجازه می‌دهد که توسط افزایش آگاهی‌مان، به صورت هماهنگ‌تری نه تنها در زندگی روز به روزمان بلکه در مورد حقایق جهانی در هستی، زندگی کنیم.

نمادها در هنر، ادبیات و خواب‌ها

زمانی که نمادپردازی در هنر استفاده شد به مانند زبان بصری برای تفسیر یک صحنه به کار رفت، اما همین که نمادها به طور عادی در هنر رنسانس به کار گرفته شدند دیگر به میزان زیادی قابل شناسایی نبودند و فهم معنای پنهان نقاشی را سخت می‌کردند.

هستند. خدایان مذکر، متفاوت از ایزدبانو، طبیعت را مهار و کنترل می‌کنند.

نمادها در زندگی روزانه

کاربرد و شناسایی نمادها، زندگی ما را پر بار می‌سازد. زمانی که ما موضوعات را به عنوان بیان‌کننده‌ی حقایق یا مسائل عمیق‌تر در نظر بگیریم، شروع به گسترش دادن فهم خود از ماهیت دوگانه‌ی هستی یعنی زندگی درونی و بیرونی در اطراف خودمان می‌کنیم. یک نردبان، به طور مثال هم به مانند یک وسیله به کار می‌رود و هم یادآورنده صعود معنوی به سوی خودآگاهی یا حقیقت والاتری است. یک پیاله می‌تواند نشان‌دهنده‌ی اصل پذیرندگی زنانه و آفرینش باشد، یک گل سوسن که از میان گل و لای برمی‌خیزد،





نمادپردازی خواب به عنوان بازتابی از کارهای ذهن ناخودآگاه تفسیر می‌شود.

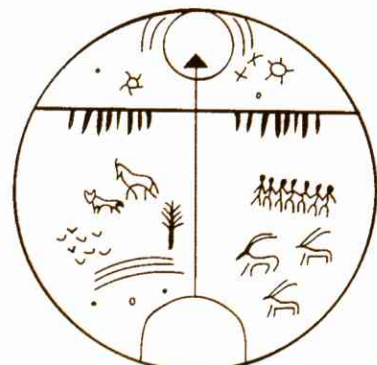
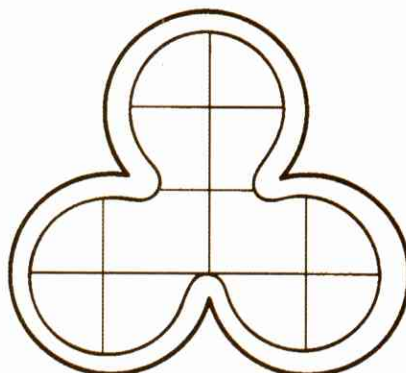
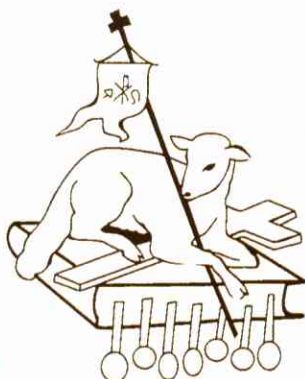
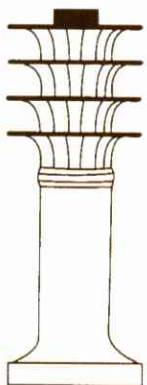


پیرامونی‌اش، «اثر شست» یگانه‌ی خود او را به وجود می‌آورد که اغلب در شن نقاشی می‌شد.

نمادپردازی در برخی آثار ادبی مشهور یافت می‌شود. در «سلوک زائر» که قصه رمزی مسیحی است، زائر نشان‌دهنده هر انسانی است که با سعی و تلاش به اتحاد با خداوند نایل می‌شود. در داستان‌های نازنیا (مجموعه‌ای از هفت داستان که بالای ۱۰۰ میلیون کپی به ۴۷ زبان در دنیا فروش داشته و شخصیت اصلی داستان شیر بزرگی به نام اصلان است) از سی.اس. لوئیس^۲، قصه رمزی مسیحی، شیری به نام اصلان را ظاهر می‌سازد که بیانگر مسیح است. ماهیت نمادپردازانه خواب‌ها از مدت‌ها پیش شناخته شده بود. تعقیب کردن یا سقوط کردن معمولاً به عنوان نمادی از ترس‌های فردی در مورد رشد کردن و روبه‌رو شدن با مسئولیت‌های زندگی بزرگسالی تفسیر می‌شد، اما، فقط در روانکاوی نیست که نمادپردازی خواب به

برای مثال در هنر مسیحی، پرندگان، نشانه‌های مشهور قدیس فرانسیس بودند، همان‌گونه که یک چرخ، نشانه‌ی قدیس کاترین^۱ (قدیس کاترین از اسکندریه که در اوایل قرن چهارم به دست رومیان کشته شد و کلیسای شرق او را به نام شهید بزرگ می‌شناسد) بود. هنر بودایی اولیه، بودا را به شکلی فاقد تصویر، نشان می‌داد، بدن او نشان داده نمی‌شد ولی وجود و حضورش را به وسیله اریکه یا اثر ردپا نمادپردازی می‌کردند.

به طور عمومی‌تری، نمایش آب در هنر ممکن است نمادپردازی ذهن ناخودآگاه یا آب‌های آغازین باشد در صورتی که ایزد بانوهای کهن، اغلب بیانگر فضایی خاص نظیر معرفت هستند. در هنر جدیدتر، موضوعات ضرورتاً برای نظاره‌گر، دارای معنایی نیستند ولی برای هنرمند، طنین عمیقی نظیر ارتباط با دوران کودکی دارند. به همین ترتیب، در پندار بومی استرالیایی، زندگی شخص و محیط





ظواهرشان برای ما خوشایند و جذاب هستند چون به صورت عمومی تحسین می‌شوند یا به خاطر سبک زندگی پرتجمل آنها که بیانگر ایده‌آلی برای بسیاری از کسانی است که خواهان آن هستند. سایر نمادها انباشته از مرگ هستند مانند ابر قارچی که بالای هیروشیما با ظهور بمب اتمی دیده می‌شود یا فروپاشی برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک، هر دوی اینها بیانگر بدترین ترس‌های ما از نابودی و فناست.

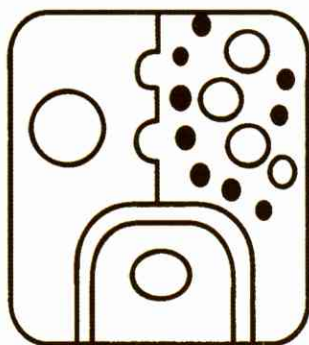
دورنمایی تازه

ما در هر کجا زندگی کنیم، توسط نمادها در برگرفته شده‌ایم، اگر بخواهیم آنها را ببینیم می‌توانیم زندگی را غافل از این تصویرپردازی غنی بگذرانیم و یا این که چشم‌های خودمان را به سوی حقایق عمیق‌تری که در ذات بیشتر این نمادهایی که در پیرامون ماست بگشاییم. برای کسانی که به پژوهش در امور فلسفی یا ماوراءطبیعی علاقه‌مندند، دنیا پر از نمادهایی است که بی‌نهایت باارزش و پرمهر هستند و ما را به فهم بیشتری از خودمان هدایت می‌کنند و دورنمایی تازه را به زندگی ما وارد می‌سازند.

عنوان بازتابی از کارهای ذهن ناخودآگاه تفسیر می‌شود. بلکه برخی از جوامع هم، اهمیت آن را می‌شناختند. برای مثال قوم سمای^۱ در مالزی به اهمیت نمادپردازی در خواب باور داشتند و خود را تعلیم می‌دادند تا با ترس‌های نمادپردازانه در زمانی که خواب می‌بینند، روبه‌رو شوند، به طوری که می‌توانستند ترس‌های نهفته در زندگی بیداری خود را مرتفع سازند.

نمادهای امروزی

در زمانی که بیشتر نمادها برای هزاران سال بدون تغییر باقی مانده‌اند، شکل جدیدی از آن تکامل یافته است. قهرمانان فرهنگ امروزی، نظیر سوپرمن و مرد عنکبوتی شبیه به قهرمانان اسطوره‌های آفرینش باستان هستند که برخی اعمال قهرمانانه را انجام می‌دادند، شبیه دزدیدن آتش توسط نوع بشر (ژئوس در عصر آفرینش انسان، پرومئوس را برگزید تا همه چیز را به انسان بدهد جز آتش، اما او که به انسان عشق می‌ورزید، دور از چشم ژئوس، آتش را به انسان داد) یا خلقت دوباره دنیا پس از سیل. به هر حال قهرمانان فرهنگ جدید که شامل مشاهیر هستند به خاطر







سِيَر



www.iqra.ahlamontada.com



انسان‌ها به تدریج با مشاهده حرکات خورشید، ماه، ستارگان و سیارات و با توجه به تغییر فصول، دیدگاهی را در مورد نظم طبیعی در جهان بسط و توسعه دادند. ما در طول هزاران سال، کیهان‌شناسی را به وجود آوردیم که مشاهدات ما را توضیح می‌داد و به ما کمک می‌کرد تا با نظم طبیعی هماهنگ شویم. ما همچنین مهار نیروهای طبیعت را به خدایانی نسبت می‌دهیم که آنها را می‌پرستیم. این امر منجر به این باور شایع و متداول شده که به منظور جان سالم به در بردن از همه وجوه ترسناکی که خدایان آغازگر آن هستند، انسان‌ها و ایزدان نیاز به همکاری با یکدیگر دارند. پس انسان‌ها قربانی‌ها و پیش‌کشی‌هایی را انجام می‌دادند تا هماهنگی کیهانی نظیر باران ملایم برای برداشت محصول کشاورزی و بادهای آرام برای دریانوردی را استمداد کنند در صورتی که بلاهای طبیعی نظیر خشکسالی‌های ویرانگر، زمین‌لرزه‌ها یا

سیل‌ها همواره به خاطر مستوجب کیفر الهی بودن، واقع شده است. در نتیجه، نمادپردازی کیهانی به طور نزدیکی با دین پیوند دارد. برای مثال خورشید، نماد کیهانی جهانی برای قدرت الهی است در صورتی که بودائی‌ان به آتش به مانند معرفتی توجه می‌کنند که تمام غفلت‌ها را می‌سوزاند. برای مسیحیان و هندویان اغلب آب نماد طهارت و پاکی است و برای همه ادیان دنیای بزرگ، آسمان‌ها منزل خداوند است.

در واقع آسمان و هر چیز در آن از ماه و ستاره‌ها تا تندر و روشنایی همه به صورتی نمادین با جهان خداوند همراهی دارند، کوه‌ها هم وضعیت مقدسی دارند چون به آسمان‌ها نزدیکند. هر یک از آنها ایزدان و ایزدانوان مربوط به خودشان را دارند که بر طبق هر فرهنگ متفاوت است.

اسطوره‌های آفرینش و اسطوره‌های مربوط به سیل جهانی برای همه فرهنگ‌ها امری معمول است و از این طریق نمادپردازی کیهانی و





دادن فهم علمی ما از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، دارند. برای مثال نجوم و طالع‌بینی از زمان‌های کهن رشد کردند؛ یعنی زمانی که مردم نمادپردازی کیهانی را برای توضیح حرکات سیارات در آسمان یا علت شکل‌گیری ستارگان به صورت صورفلکی به کار بردند. اغلب نمادپردازی کیهانی و فصلی در هم تنیده شده‌اند چون اندازه‌گیری‌های زمان معمولاً بر مبنای حرکات فصلی و روزانه خورشید و ماه بوده است. علی‌رغم بسیاری از اکتشافات علم جدید، برای بسیاری از مردم در سراسر دنیا، نمادپردازی کیهانی جای خود را حفظ کرده و به رنگ‌پردازی به زبان ما ادامه می‌دهد. افراد مشهور و «ستارگان»، بسیاری از پرچم‌های ملی، حامل نمادهای کیهانی مثل خورشید و ماه هستند که بر قدرت و سلطه‌ی الهی دلالت دارد. سنگ‌های گرانبها، به‌ویژه سنگ‌های تولد، هنوز هم مظهر معانی نمادین هستند و طالع‌بینی همچنان مردم‌پسند است. حتی امروزه هم ما هنوز سعی داریم معانی دنیایمان را از طریق علامات و نمادها پیدا کنیم.

همچنین مضمون‌های کيفر الهی را به کار می‌برد تا اسرار جهان را توضیح بدهد.

چنین نمادهایی برای جوامع اولیه مهم بودند زیرا آنها به مردم کمک می‌کردند تا به روش هماهنگ‌تری زندگی کنند و همچنین برای روشنگری الهی خود تلاش کنند و آن را درک کنند. علم اولیه سعی داشت تا پیوندهای نمادین با چهار ساختار اصلی کیهان یعنی

خاک، آتش، آب و هوا را تثبیت سازد. هوا و آتش مظهر قوای مردانه و فعال بودند در صورتی که زمین و خاک مظهر جنس مونث و منفعل بودند. به نظر می‌رسید که کسب تعادل بین عناصر، اساس هماهنگی کیهانی را موجب می‌شود. علامات و نمادها، نقش حیاتی را در وسعت

به منظور جان سالم بدر بردن از همه‌ی وجوه ترسناکی که خدایان آغازگر آن هستند، انسان‌ها و ایزدان نیاز به همکاری با یکدیگر دارند.





خورشید



بیشتر فرهنگها برای مدت زمانی، خورشید را به مانند قدرت کیهانی متعال پرستیده‌اند. یعنی نیروی حیاتی که همه چیز را قادر می‌سازد تا رشد کنند و بزرگ شوند. خورشید به عنوان منبع گرما، نماد نیروی حیات، میل نفسانی و نیروی جوانی است و به عنوان منبع نور، بیانگر روشنگری است و همچنین نشانه و علامت سلطنت و امپراتوری است. در برخی سنت‌ها، خورشید پدر جهانی است و طلوع و غروب خورشید، نماد تولد، مرگ و رستاخیز است.

▲ ماسک خورشیدی

این ماسک خورشیدی ترسناک، اقتدار خورشید را بر چهار نقطه پیرامون جهان (شمال، جنوب، شرق و غرب) نشان می‌دهد و به صورت آئینی استفاده می‌شد. پدید آورنده‌ی آن قبیله بلاکولا^۱ یا نوکسالک^۲ در کلمبیای انگلیس (ایالتی در بخش غربی کانادا) است.

خورشید است اگر چه مشخص‌کننده‌ی کاهش نور خورشید نیز می‌باشد.
دروئیدها (کاهنان مذهب سلتی در بریتانیا) به انقلاب تابستانی در سپیده‌دم، خوش آمد می‌گفتند. هر دو انقلاب با آتش مشخص می‌شود که بیانگر گرما و باروری است.

چرخش زمین

انقلاب تابستانی و زمستانی، کوتاه‌ترین و بلندترین روز سال را مشخص می‌سازد و الهام‌بخش اسطوره‌ها و جشن‌هایی در سراسر جهان بوده. انقلاب زمستانی نماد پیروزی نور بر تاریکی یا به انتها رسیدن یک چرخه و شروع چرخه‌ی جدیدی از نور و رشد است. انقلاب تابستانی، بزرگداشت زمین در اوج دریافت نور

▼ طلوع

طلوع نشان‌دهنده امید، شادی و نیروی جوانی است. طلوع، همچنین تولد، شروع مجدد و تازگی را نشان می‌دهد. در مسیحیت نماد رستاخیز است و اغلب برای نمادینه کردن پیدایش دنیا یا نوع بشر استفاده می‌شود و بنابراین با بسیاری از اسطوره‌های آفرینش هم همراهی می‌کند.



ظروف پراکنده
کننده جرقه‌های
آتش بر نور طلوع

▲ انوس^۶

مظهر نیروی جوانی، امید، هشباری و بیداری است. ایزد بانوی انوس یا ایزدبانوی طلوع و سپیده‌دم، در یونان باستان مورد پرستش بوده. انگشتان او نماد انگشتان طلوع با رنگ ملایم است که به آهستگی سراسر آسمان را در می‌نوردد.

► انقلاب استون هنج^۷

که قدرتمندترین نماد تابستانی در انگلیس است. استون هنج در ویلتشایر^۸ برای هزاران سال، مرکزی برای جشن مشترکان بوده. مردم در آنجا جمع می‌شدند تا از طلوعی که در روز نیمه تابستان خورشید بر بالای هیل استون^۹ می‌تابد و از آنجا برمی‌خیزد، استقبال کنند.



▲ فونیکس^{۱۱}

نماد جهانی مرگ، تولد مجدد و خورشید. در اسطوره‌شناسی، فونیکس به مانند پرنده‌ای شبیه عقاب تصویر می‌شود که از میان شعله‌ها برمی‌خیزد.

▲ فیتون^{۱۰}

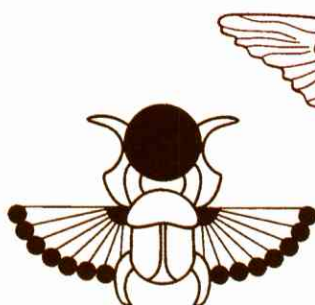
در اسطوره‌شناسی یونانی، سفر خورشید در آسمان با ارابه‌ای نشان داده می‌شود که به وسیله‌ی خدای خورشید، هلیونین رانده می‌شود که آسمان‌ها را طی می‌کند. پسر او فیتون ارابه را با بی‌احتیاطی می‌راند و تنها زمانی متوقف می‌شود که زئوس، تیری از آذرخش پرتاب می‌کند و فیتون را می‌کشد.

خدایان و افسانه‌ها

بسیاری از نمادها در فرهنگ‌های سراسر دنیا با خورشید همراه می‌شوند. خورشید بیشتر اوقات تجسم جنس مذکر است اما در فرهنگ‌های خاصی مثل ژاپن و برخی از قبایل سرخپوستی آمریکا به عنوان مونث در نظر گرفته می‌شود. مفصل‌ترین مناسک مربوط به خورشید، در مصر، آمریکای مرکزی و پرو بود. خورشید همان مقدار که مهربان و نیروی بارورکننده است، ویرانگری سوزان نیز هست.

◀ آپولو^۷

خدای یونانی آپولو که نور حیات بخش را به زمین آورد به مانند جوانی پر قدرت با موهای طلایی تصویر می‌شد که با هلیوس همراه بود. هلیوس خدایی بود که ارابه‌ای خورشید را در طول آسمان حرکت می‌داد.

▲ خبیری^{۱۵}

خدای مصر باستان که خدای طلوع خورشید است. خبیری با سوسک سر سبز غلطان مربوط است که گلوله‌های فضولات را به نشانه‌ی سفر خورشید در طول آسمان می‌غلطانند. خبیری با زندگی جدید ربط دارد و طلسم خوش‌یمنی است.

▲ ایکاروس^{۱۲}

در اسطوره‌شناسی یونانی، دیدالوس^{۱۱} برای پسرش بال‌های مصنوعی می‌سازد. علی‌رغم هشدار پدر، ایکاروس پرواز کرده و آن‌قدر به خورشید نزدیک می‌شود که بال‌هایش می‌سوزند و ذوب می‌شوند. به صورت نمادین، غرور و احترام قائل نشدن برای خدایان، منجر به سقوط او شد.

▲ راهو^{۱۲}

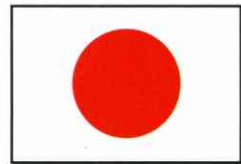
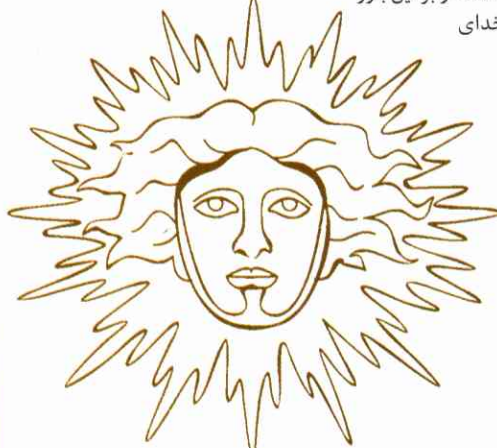
دیوی هندی که بدن ندارد و این باور وجود داشته که او خورشید را می‌بلعد و موجب کسوف می‌شود اما خورشید دوباره ظاهر می‌شود. چون این دیو بدنی ندارد تا او را دربرگیرد. داستان مشابهی در اسطوره‌شناسی چینی وجود دارد.

◀ سوریا^۹

در ودا (کتاب مقدس هندویان) خدای خورشید سوریا است که بیانگر جاودانگی و شعله‌های مرگ و تولد مجدد (غروب و طلوع خورشید) است. او روزانه آسمان‌ها را در ارابه‌ای طی می‌کند که به وسیله‌ی هفت اسب آتشین کشیده می‌شود.

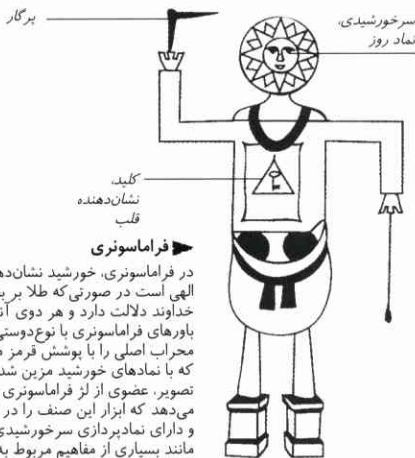
قدرت و خورشید

خورشید به مانند مرکز نمادین کیهان تصویر می‌شده است. این درخشان‌ترین جرم آسمانی، مظهری از فر و شکوه پادشاهی و امپراتوری است. چینی‌ها، خورشید را نماد یانگ امپراتوری می‌دانستند و ژاپنی‌ها آن را نماد ملی دانسته و بر این باور بودند که امپراتورشان مستقیماً از تبار خدای خورشید آماتراسو^{۱۱} است.



▲ پرچم ژاپن

خورشید به عنوان نشان قدرت بر چندین پرچم دیده می‌شود. پرچم ژاپن، حامل قرص قرمز رنگی است که نشان‌دهنده خورشید طلوع کننده است.



► فراماسونری

در فراماسونری، خورشید نشان‌دهنده‌ی عشق الهی است در صورتی که طلا بر بخشش خداوند دلالت دارد و هر دوی آنها طبق باورهای فراماسونری با نوع دوستی مرتبطند. محراب اصلی را با پوشش قرمز می‌پوشاند که با نمادهای خورشید مزین شده است. این تصویر، عضوی از لژ فراماسونری را نشان می‌دهد که ابزار این صنف را در اختیار دارد و دارای نمادپردازی سرخوردگی است. البته مانند بسیاری از مفاهیم مربوط به فراماسونری، قطعیتی در این موارد وجود ندارد و نظرات دیگری نیز در مورد این علائم مطرح است.

▼ خورشید پادشاه

لویس چهاردهم از فرانسه، مدعی بود که خورشید، علامت اوست او به عنوان پادشاه خورشید شناخته می‌شود. او به خاطر شکوه و جلال سبک زندگی‌اش مشهور بود.

همچنین ببینید
طلا صص ۴۵-۴۴، خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸، خدایان یونانی و رومی صص ۱۴۱-۱۴۰، دین هندو صص ۱۶۳-۱۵۸، تائوئیسم و شیئتو صص ۱۷۱-۱۷۰، فراماسونری صص ۲۶۱-۲۶۰، رنگ‌ها صص ۲۲۹-۲۲۴، پرچم‌ها صص ۲۸۰-۲۸۳

- 1- Bella coola
- 2- Nuxalk
- 3- Stonehenge
- 4- Wiltshire
- 5- Heel stone
- 6- Eos
- 7- Apollo
- 8- Helios
- 9- Surya
- 10- Phaeton
- 11- Phoenix
- 12 - Rahu
- 13- Icarus
- 14- Daedalus
- 15- Khepri
- 16- Amaterasu



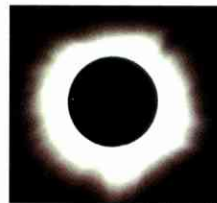
[ماه]

ماه اسرارآمیز، پیوسته تخیل انسانی را تسخیر کرده است. تلالو آن در آسمان شب، ماه را نمادی از امید و روشنگری می‌سازد. ماه هم به مانند خورشید اغلب با تولد، مرگ و رستاخیز پیوند دارد. اما ماه مهارکننده‌ی آب‌ها هم هست و علامتی از باروری است. ماه در رأس تمام پندارها با تحیری مرتبط شده و نیمه تاریک آن با علوم خفیه مربوط است. کیفیات مونث آن، ماه را به ایزدبانویی مرتبط می‌سازد.



تاثیر قمری

حرکت و سفر دوره‌ای ماه در آسمان و شکل آن که دائماً رشد یافته و هر شب بزرگ‌تر می‌شود، برای جوامع اولیه نمادی قدرتمند را برای چرخه زندگی انسانی ارائه داده بود. چون بخشی از ماه تاریک بود، به هر کدام از اشکال، شکل هلال تا بدر کامل آن معنا و مفهومی نسبت داده می‌شد. ماه علاوه بر موثر بودن بر جز و مدها، آب و هوا و زندگی، به طور کلی به حکمرانی بر سرنوشت و مشیت انسان متصف بود.



▲ ماه گرفتگی

در سراسر جهان، فرهنگ‌ها، اسطوره‌هایی را راجع به ماه گرفتگی پروانده‌اند. برخی بر این باورند که آنها علامتی از بهایای طبیعی یا مرگ حاکم و سلطان هستند. فرهنگ‌های آسیایی خاصی تصور می‌کردند که ماه گرفتگی به خاطر بلعیده شدن ماه توسط دیو یا اژدها به وجود می‌آید.

ماه کامل

ماه کامل به مانند تصویری از تمامیت و قدرت در نمادپردازی سهم دارد. چینی‌ها آن را با ماهیت بین و تانیث مربوط می‌دانستند. از نظر بوداییان، نشانگر قدرت روحی بود. ماه کامل تابستان (ماه کامل نزدیک به اعتدال در سپتامبر) نشانه‌ای از حاصلخیزی کشاورزی بود. کلمه Lunatic به معنای قمری، مشتق از کلمه لاتین Luna در اصل به معنای «دیوانه» است. تصور می‌شد ماه کامل با دیوانگی و خیم و رفتار حیوانات وحشی و انسان مربوط است.

کرک در ماه کامل زوره می‌کشد.

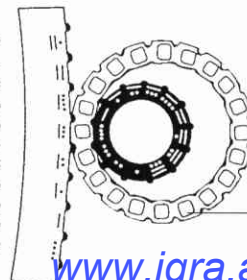


▶ کامل شدن و نازک شدن تدریجی ماه

کامل شدن و باریک شدن چرخه‌ای ماه، نشانه‌ی تولد، زندگی، مرگ و تولد مجدد است. این هلال و کامل شدن ماه، نشان‌دهنده‌ی رشد است در صورتی که باریک شدن ماه با مرگ مرتبط است.

▶ تقویم مایایی

مایاها، نظامی از تقویم‌های به هم متصل داشتند که چرخه‌های ماه، خورشید، زهره و خوشه‌ی پروین را با هم تلفیق و دنبال می‌کرد. سایر تقویم‌ها از جمله رومی، چینی، یهودی، سلتی و اسلامی بر مبنای چرخه‌ی قمری بودند.



تصاویری بر روی این حلقه‌ی خارجی دلالت بر ماه دارد

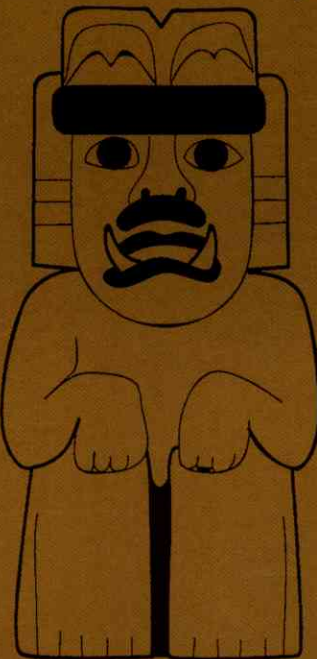


تغییر شکل دهندگان

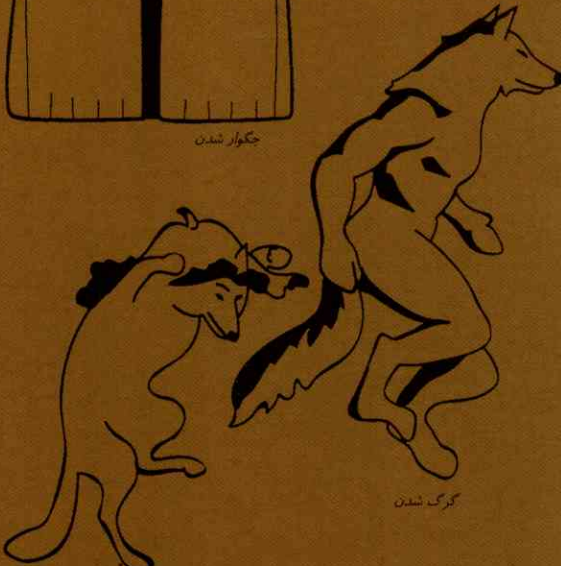
تغییر شکل دهندگی، موضوعی متعارف در فرهنگ عامه است و بسیاری از فرهنگ‌ها، داستان‌هایی را از مردمی بیان می‌کنند که در شب، به‌ویژه در زمان ماه کامل به حیوانات وحشتناک تغییر شکل می‌دهند. به صورت نمادین، این داستان‌ها می‌تواند با وجه تاریک ماه و ارتباطش با علوم خفیه همراه باشد. آنها همچنین بیانگر ترسی هستند که به وسیله غریزه‌ی حیوانی بنیادین، به آسانی بر انسان‌ها غالب می‌شود. تغییر شکل دهندگی ناخواسته و غیرارادی حاکی از محدودیت و زندانی بودن است در صورتی که شکل ارادی آن، نشانه‌ی آزادی است.

اسطوره‌های گرگ بودن در اروپا رایج

است. اما تغییر شکل دهندگان حیوانی در دیگر مناطق شامل جاکوار شدن، ببر شدن، روباه شدن و گورکن شدن است. شمن‌ها و جادوگران با نیروهای تغییر شکل دهندگی اعتبار می‌یافتند؛ یعنی سفر در این شکل که بیانگر سفر میان انسان و دنیاهای روح است.



جاکوار شدن

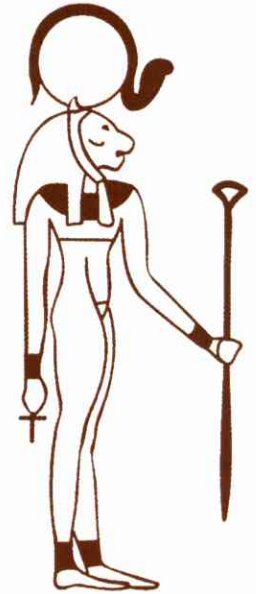


گرگ شدن

روباه شدن

خدایان و ایزد بانوهای ماه

برخی فرهنگ‌های اقیانوسیه‌ای و قبایل آفریقایی خاص، ماه را خدای مذکر بارورساز می‌دانند، اما اغلب مواقع، ماه مونث در نظر گرفته می‌شود. همان گونه که مریم باکره به مانند ملکه آسمان با ماه پیوند دارد، خدایان قمری از شخصیت‌های مادر محافظ تا ایزدبانوهای باکره‌ی وحشی نظیر ایزدبانوی شکار رومی دیانا متغیر است. همه‌ی ایزدبانوهای ماه به عنوان پدیدآورنده‌ی سرنوشت در نظر گرفته می‌شوند و اغلب همچون عنکبوت تصویر می‌شوند.



۱- بست

از بست، ایزدبانوی مصری، گاهی به عنوان ایزدبانوی ماه یاد می‌شود شاید به خاطر این واقعیت است که یونانیان، او را با آرتمیس، ایزدبانوی شکار و ماه، یکسان می‌پنداشتند. او با نماد باروری قمری مربوط است.



۲- آرتمیس

او خواهر دوقلوی آپولو، خدای خورشید یونانی است. آرتمیس با ایزدبانوهای ماه یعنی سلنا و هکیت^۱ به تدریج به یکدیگر تبدیل می‌شوند. آرتمیس، ایزدبانوی باکره‌ی شکار، ماه نو است. سلنا ماه کامل و هکیت (الهه سحر و جادو و عالم اسفل) اسرار آمیز، نیمه‌ی پنهان ماه است.



۳- چانگ نی

ایزدبانوی چینی، نوع شرقی انسان در ماه است. در جشن قمری سالیانه، پیش‌کنشی‌هایی برای او درست می‌شود.



۴- ایکس چل

ایزدبانوی ماه مایایی که ایزدبانوی مادری است که باران‌های حیات‌بخش را مهار می‌کند. او هم کیفیت حمایتی دارد و هم ویرانگر.



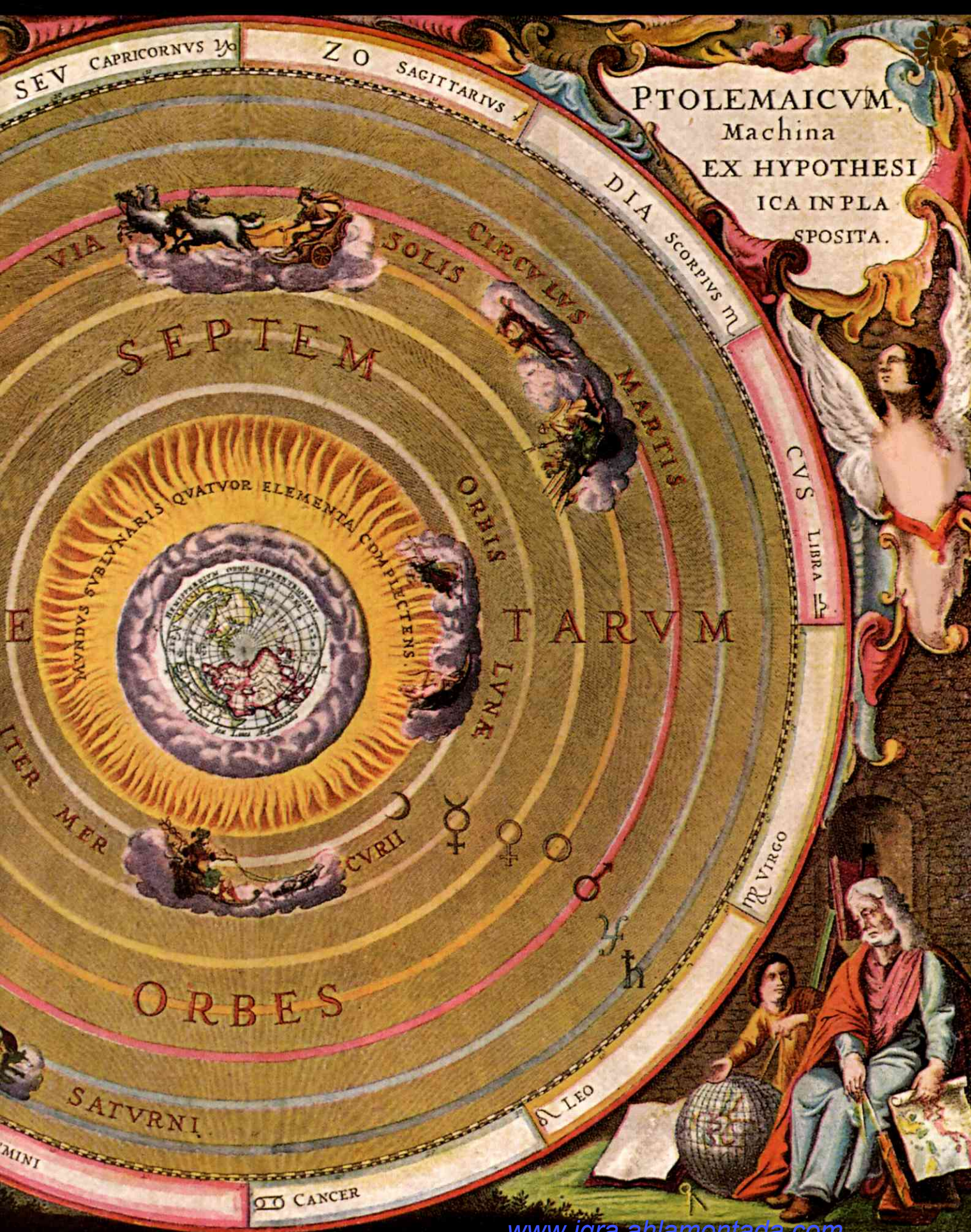
۵- کوپول شاوکی

آزتک‌ها بر این باور بودند که حرکات روزانه خورشید و ماه، به طور نمادین نبرد مکرر میان ایزدبانوی ماه، کوپول شاوکی و خورشید را به نمایش می‌گذارد که منجر به سوپریدن

مصری صص ۱۳۸-۱۳۹، خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰، خدایان آمریکایی جنوبی و مرکزی صص ۱۴۵-۱۴۴، شمنیسم صص ۱۵۵-۱۵۴

همچنین ببینید
آسمان شب صص ۲۳-۲۰، فصول صص ۴۱-۴۰، پستانداران صص ۵۵-۵۲، باروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰، خدایان

1- Bastet
2- Artemis
3- Selene
4- Hecate
5- Chang E
6- Ixchel
7- Coyolxauhqui





سیارات

منجمان اولیه توجه داشتند که علاوه بر خورشید و ماه، پنج روشنایی متحرک در آسمان وجود دارد که صرفاً با چشم غیر مسلح قابل رؤیت هستند. آنها این روشنایی‌ها را سیارات نامیدند که به معنای «گردندگان» است و آنها را بعد از اسم خدایان باستانی روم، نامگذاری کردند، یعنی مرکوری، ونوس، مارس، ژوپیتر و ساتورن. اختراع تلسکوپ در قرن پانزدهم منجر به کشف سیارات دورتر شد، یعنی اورانوس، نپتون و پلوتو. به همه سیارات بر مبنای رنگ، حرکت و اندازه‌شان، ویژگی‌هایی نسبت داده شده بود. این‌طور تصور می‌شد که سیارات تا حدی با مردم مربوطند و این که بر روز و هفته‌ای از هفته موثرند. در قرون وسطی، کیمیاگران، آنها را با فلزات، مشابه و جفت دانستند. تصویر آندریاس سلاریوس^۱ از کیهان، ابتدا در «کیهان بزرگ هماهنگ»^۲ در ۱۶۶۰ بر مبنای نظام بسط یافته شده توسط بطلمیوس منجم، منتشر شد که به اشتباه زمین را در مرکز کیهان قرار داده بود.



۱. مرکوری^۳ (تیر یا عطارد)

بعد از نام خدای پیام‌آور می‌آید. او با عقل، بازرگانی، چهارشنبه و فلز جیوه مربوط است.

۲. ونوس^۴ (زهره، ناهید)

نام ایزدبانوی عشق است که با تمایلات جنسی، میل نفسانی، تولد مجدد و شادی مربوط می‌شود و با فلز مس و روز جمعه ارتباط دارد.

۳. مارس^۵ (مریخ، بهرام)

به صورت مرد نیرومندی نشان داده می‌شد و نشانه‌ی خشونت، شهوت، آتش و دلاوری است. روز او سه‌شنبه و فلز او آهن است.

۴. ژوپیتر^۶ (مشتری)

نماد اعتدال و عدالت است. روز او پنجشنبه و فلزش قلع است.

۵. ساترن^۷ (زحل، کیوان)

به صورت مرد پیر ریش‌داری نشان داده می‌شد. ساترن با احکام اخلاقی، مایخویا و صلابت مربوط است. او نشان روز شنبه و فلز سرب است.

۶. سیارات همچون نشانه‌ها

سلاریوس همان‌طور که سیارات را به مانند خدایان در تصویرش از کیهان نشان داد، هر سیاره‌ای را با علامتی مربوط دانست که این علامات هم در ستاره‌شناسی و هم در شیمی کاربرد داشتند.



1- Andreas cel-
larius
2- Harmonia
macrocosmica
3- Mercury
4- Venus
5- Mars
6- Jupiter
7- Saturn



آسمان شب

نجوم و طالع بینی از زمان های کهن در زمانی که ناظران به حرکات سیارات در آسمان شب توجه می کردند و طرح های نقشه هایی را در ستارگان (صور فلکی) می دیدند، بسط و تکامل یافتند.

بی کرانگی فضا و راز هیبت برانگیز آن، برای هزاران سال بر انسان ها تاثیر داشته است. ستارگان و سیارات که مانند چراغ هایی در تاریکی می درخشند با نیروهای وراثتی پیوند دارند که حاکی از آرزو، تاثیر الهی و راهنمایی است.



ستارگان

نشان دهنده هدایت الهی، حفاظت و امید و نمادهای بسیار مهمی هستند. سرخپوستان آمریکایی بر این باور بودند که آنها بیانگر آتش های بزرگ اجدادشان هستند و فرهنگ های دیگر تصور می کردند که آنها دروازه هایی به آسمان ها یا قاصدان فرشتگان خدایان هستند. در مسیحیت ستاره بیت اللحم طلایه دار تولد مسیح است و برخی قدیسان در هنر مسیحی با ستاره ای تصویر می شدند. در علم رجال، ستاره، علامت شوالیه ای است. منطقه البروج از بیش از دوازده ستاره درست شده است.

ستارگان جدید

امروزه ستارگان اغلب برای نمادپردازی امیدها و آرزوهای ما به کار می روند. آنها همچنین با افراد مشهور و اشخاص نامداری همراه می شوند که با عنوان «ستارگان» مشخص می شوند. ستارگان غالباً روی پرچم ها به کار می روند و ردیفی از ستارگان نشانه ای کیفیت است. اولین پرچمی که ستاره ی پنج پر را به کار برد، پرچم آمریکا در سال ۱۷۷۷ بود.



پرچم تگزاس، دولت تک ستاره

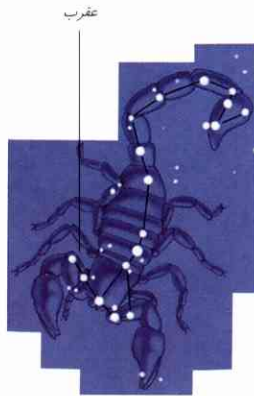


پرچم استرالیا



ستارگان هالیوود

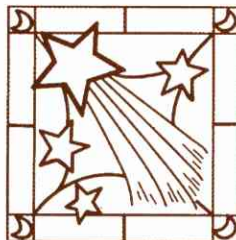
پیاپی هروی مشهور هالیوود در شهر لس آنجلس که بیش از ۲۰۰۰ ستاره در آنجا جای داده شده است و بر هر یک نام فرد مشهوری نوشته شده که هر یک از این افراد بر صنعت تفریح و سرگرمی، تأثیری داشته اند.



عقرب

▲ صورت فلکی

یک صورت فلکی، گروهی از ستارگان است که شکل قابل تشخیص دارند. آنها ۸۸ گروه شناخته شده اند که نام آنها از ویژگی هایی ناشی می شود که از اسطوره شناسی کهن آمده است.



▲ شهاب

نمایانگر جرقه های آتش آسمانی هستند. شهاب ها علامتی از الوهیت هستند که همچون پیام اوران آسمانی عمل می کنند و وجود حیات والتری را به مردم یادآوری می کنند. آنها دلالت بر تولد و خوش بینی هم دارند.



▲ ستاره پنج پر

آن را به عنوان پنتاگرام می شناسند. ستاره پنج پری که رو به بالا دارد، اشتیاق و آرزو، دنیای معنوی و تحصیل را نمادپردازی می کند. مسیحیان آن را به عنوان مظهر مسیح به منایه آغاز و فرجام امور می دانند. زمانی که ستاره معکوس شود دلالت بر اهریمن دارد.

اصل مذکر

▶ ستاره شش پر

آن را به عنوان هگزاگرام یا ستاره داوود در یهودیت می شناسند. این ستاره از دو سه ضلعی درست شده است که علامت اصول زنانه و مردانه است و همچنین نمادی از ارتباط بین آسمان و زمین است و نشانگر اتحاد آفرینش و امور متضاد است. ستاره را به عنوان مهر سلیمان هم می شناسند که روی حلقه ای که متعلق به پیامبر سلیمان بود، طرح ریزی شده بود.



اصل مؤنث



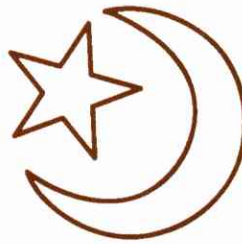
▲ ایشتر

ستاره پنج پر، مظهر ایزدبانوی باروری در سومر یعنی ایشتر در وجهه جنگویی خود به مثابه ستاره صبحگاهی بود.



▲ مریم باکره

به عنوان ملکه آسمان، مریم باکره تاجی از ستارگان دارد. او همچنین با ستاره شش پر مریمی همراه است.



▲ ستاره و هلال

هلال علامت اسلام و بیانگر اقتدار الهی و رستاخیز است و در پیوند با ستاره پنج پر، مظهر بهشت است.

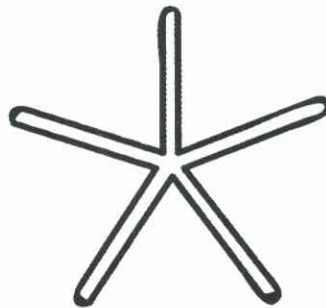


▶ ستاره قطبی

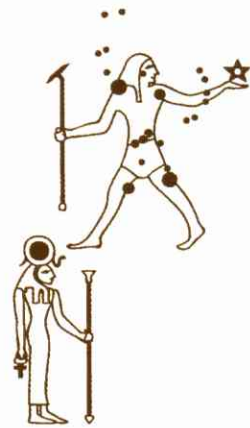
تصور می‌شد که روح فرعون متوفی در ستاره قطبی سکنی می‌گزیند این ستاره همچنین با خدای ست و خدای قتیعی یعل سایون^۲ مربوط است.

◀ تزئین دروازه مانوری (ایومی زلاندنو)

ستاره بر طبق باورهای مانوری، اهریمن را دور می‌کند و همچنین با رفتن به پیکار مربوط است.

▶ ایزیس^۱ و اوزیریس^۲

ایزیس، ایزدبانوی باروری و مادری در مصر، همسر اوزیریس پادشاه مرگ بود که روح او در ستاره‌ی شکارچی سکونت داشت. نشانه‌ی ایزیس ستاره‌ی کاروان کث در کلب اکبر بود که منادی سیل سالیانه در نیل بود.



تماشای آسمان

در فرهنگ‌های ابتدایی، تماشای آسمان بخشی مهم از زندگی بود و پدیده‌های آسمان بسیار مهم بودند و زمانی که با وقایع روی زمین مصادف می‌شدند، نشانه‌ها و علامات را می‌پروراندند. برخی اسطوره‌ها و خرافات با شکل شفق قطبی^۱ همراه شده و این باور وجود دارد که افسانه‌های اژدها در غرب و چین از آن منشا گرفته است. آتش قدیس المو^۲ که جرقه‌های الکتریکی پیوسته‌ای است که در طول توفان تندی رخ می‌دهد به وسیله دریانوردان به عنوان علامت مداخله الهی بود. مایاها تصور می‌کردند که راه شیری افعی سفید عظیمی بود که در طول آسمان شب به خود می‌پیچید.



▲ شفق شمالی

در برخی فرهنگ‌ها جلوه‌ی رنگی و جادویی شفق شمالی به مانند علامتی از تولد پادشاه است. در جاهای دیگر منادی جنگ یا حضور ارواح است. در اسطوره‌شناسی اسکاندیناوی آن را مونث در نظر می‌گیرند.

◀ راه شیری

آرتک‌ها، راه شیری را میشکواتل^۱ (افعی ابری) می‌نامیدند و این نام را به خدای ستاره قطبی دادند. بسیاری از فرهنگ‌ها بر این باور بودند که راه شیری جاده یا رودخانه‌ای است که آسمان را به زمین پیوند می‌دهد. برای سرخوستان آمریکایی، راه شیری مسیری به سرزمین مردگان است در صورتی که اینکاها آن را رودخانه‌ی آسمانی تصور می‌کردند.

1- Isis
2- Osiris
3- Orion
4- Sirius
5- Seth
6- Baal Saphon
7- Maori
8- Aurora
9- St.Elmo's fire
10- Mixcoatl

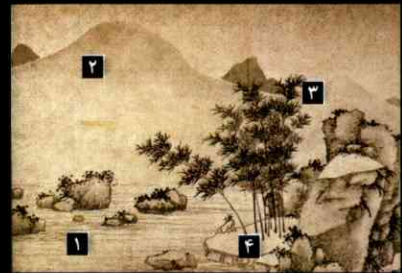
مسحیت صص ۱۷۹-۱۷۶، اسلام
صص ۱۸۳-۱۸۰، طالع‌بینی غربی صص
۲۰۱-۲۰۰، شکل‌ها صص ۲۸۹-۲۸۴،
پرچم‌ها صص ۳۲۹-۳۲۴

همچنین ببینید
خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸،
خدایان سلتی و اسکاندیناوی صص
۱۴۳-۱۴۲، پهلوی صص ۱۷۳-۱۷۲،



منظره بین و یانگ

رنگ آمیزی منظره چینی، از زمان حکومت تانگ^۱ (۶۱۸-۹۰۷ ق.م) سبک هنری مهمی بوده است. چنین رنگ آمیزی در زمان آشوب سیاسی، نشانی از صلح و آرامش و وحدت ما با طبیعت بود و شکل انسان اغلب در پس زمینه‌ی کوهها و آب قرار می گرفت. هر عنصری از نقاشی نمادین است و کل آن دلالت بر نظم و هماهنگی دارد.



۱ و ۲. بین و یانگ

بین (منفعل، سرد و مونث) در هر جایی پیدا می شود که در آنجا سیالیت و لطافت وجود دارد و در آنجا به دره آرام، آب و خمیدگی زیبای بامبو اشاره دارد. همه‌ی اشکال آب و رطوبت حاکی از بین است. یانگ (فعال، گرم و مذکر) همچون نیرو و نور نشان داده می شود. در اینجا کوههای بلند سر به فلک کشیده، صخره‌های تیز، آسمان و روشنایی آب همگی یانگ هستند.

۳. نیروهای طبیعی متحد

نابویست‌ها بر مفهوم عرفانی در مورد برادری کیهانی باور داشتند که همه‌ی نیروهای طبیعی را متحد می ساخت. همانگونه که فیلسوف چانگ ترو^۲ آن را مطرح کرد: «آسمان، زمین و من با هم زندگی می کنیم و همه چیز و من یکی هستیم» در این تصویر، کوه مسلط و غالب در کنار کوههای کوچک تر قرار دارد و صخره‌های کوچک تر یا بزرگ تر و درختان نماد این باورند که همه‌ی عناصر در طبیعت به هم مرتبط و پیوسته اند.

۴. شکل انسان

انسان‌ها اغلب در مناظر چینی حضور دارند. اندازه‌ی آنها بر این واقعیت تاکید دارد که انسان‌ها بخش کوچکی از آفرینش کیهانی وسیع هستند. تصویر نشان داده شده در اینجا می تواند فردی باشد که مراقبه یا تفکر می کند. اگر مردان و زنان، حکمت رایج خودشان را پیروی نکنند، کل نظم کیهانی آسیب می بیند.

تصویر نخستین بر ساحل رودخانه (شن زو)

1- Tang
2- Chuang tzu



PV





▲ کوه سومرو^۱
 هندوان و بودائیان از نظر اسطوره‌شناسی به کوه سومرو یا کوه مرو^۲ توجه دارند. به این عنوان که این کوه شناگر مرکز جهان است. در مندرج‌های تبتی هم اغلب کوه مرو برای کمک به مراقبه به کار می‌رود.



کوه‌ها



کوه‌ها همان‌قدر به آسمان‌ها نزدیکند که شما می‌توانید به زمین نزدیک باشید.
کوه‌ها محترم شمرده می‌شوند، گاهی مخوف هستند و در دنیای ادیان، مقدسند، آنها اغلب با خدایان، ارواح و انبیا مرتبطند.

▲ کوه زیتون
در کتاب مقدس نقل شده که عیسی از کوه زیتون در بیرون اورشلیم به آسمان صعود کرد.

از نظر مصریان قدیم، کوه‌ها نمایانگر خواسته و طلب زمین برای آسمان هستند. آنها بدن ایزدبانوی آسمان - نوت^۱ را نشان می‌دهند که به سوی بالا انحناء دارد تا به عاشقش برسد و بالا رفتن کوه به سوی آسمان، نشانی از این خواسته‌ی مادی بود. این باور، شبیه به این نظر چینی بود که شکل کوه که به شکل آلت تناسلی نر است آن را مذکر یا نماد پانگ می‌سازد که به معنای حیات و زندگی است.

معابد و کوه‌های توأمان

معابد به شکل کوه‌ها ساخته می‌شوند نظیر معابد آسیایی، آمریکای مرکزی و بین‌النهرینی که مرکز کیهانی را نشان می‌دهند. شکل پلکانی آنها هم با صعود معنوی و هم با دروازه‌هایی به آسمان مربوط است. اهرام مصری این معنای کیهان شناسی مشابه را نشان می‌دهند. کوه‌ها همراه با قلعه‌هایشان یا جایگاه الوهیت‌های خورشیدی یا ستاره‌ای هستند مانند آنچه در چین، سومر و کوه‌های غربی سینا و حوریب است و یا این که جایگاه خورشید و ماه هستند.



▲ معابد مکزیک

این ساختارهای کوه مانند و چهار وجهی، پله‌هایی را در یک طرف یا چند طرف به سوی بالا داشتند و در بالا در جایی که قربانی انجام می‌شد، هموار یا صاف بودند معابد قدیمی تخریب نشده‌اند اما به سادگی روی آن بنای تازه‌ای ساخته شده است، به طوری که ساختار آنها چند لایه هستند.

کوه‌ها در خور توجه و یک سر و گردن از ما بلندتر هستند. اغلب قله‌های آنها را ابر فرا گرفته است، آنها جدای از زندگی روزمره‌ی ما، به صورتی دورافتاده، مبارزه طلبانه و اسرارآمیز قرار گرفته‌اند. به عنوان تجسم نیروهای کیهانی و زندگی در نظر گرفته شده‌اند و در فرهنگ‌های اولیه، کوه‌ها مرکز معنوی زمین را نشان می‌دادند و در نقطه‌ای که زمین به آسمان می‌پیوست محور قرار می‌گرفتند: یعنی محل ملاقاتی الهی برای خداوند و انسان‌ها در زمانی و فضایی جدا. انسان‌ها معابد را به شکل کوه‌ها می‌ساختند تا حاکمی از صعود معنوی روح باشند.

مکان‌های مقدس

مکان‌های بلند همواره با درخواست‌های مقدس همراه بوده‌اند و نمادی از تعالی معنوی، طهارت و حتی جاودانگی هستند. بالا رفتن از کوه طاقت فرساست، هوا سبک می‌شود و تنفس مشکل‌تر و موجب توهم می‌شود. فتح قله مهم‌ترین دستاورد است و تماشا کردن از قله، چشم‌انداز جدیدی را پدید می‌آورد. این امر مشابه سلوک معنوی است که در اوج نیل قلب پاک به روشنگری میسر می‌شود. بسیاری از کوه‌ها مقدس در نظر گرفته می‌شوند. ۹ کوه مقدس در چین وجود دارد که بودائیان به آنها احترام می‌گذارند. برخی از کوه‌ها نظیر کروگ پاتریک^۲ در ایرلند یا کوه فوجی در ژاپن به مردم القا کوهنوردی می‌کنند. چنین زائران مقدسی، مظهر اشتیاقی، کناره‌گیری از خواسته‌های دنیوی و روشنگری هستند. از نظر معنوی، قله‌ی کوه‌ها به وضعیتی سرشار از آگاهی و هوشیاری ملحق می‌شود.

خدایان و انبیا

کوه‌ها به مدت طولانی با مکاشفات کتاب مقدس، انبیا، خدایان (به‌خصوص خدایان خورشید و آب و هوا) و قهرمانان مربوط بوده‌اند. کوه المپ خانه خدایان یونان کهن بود و آنها از آن‌جا بر دنیا و امورات انسان حکومت می‌کردند. موسی به بالای کوه سینا رفت تا ده فرمان را از خداوند دریافت کند. سرخپوستان آمریکایی ناوا جو^۳ تصور می‌کردند که کوه‌های خاصی، تجسم ارواح طبیعی هستند در صورتی که در مکزیک این تصور وجود داشت که کوه تلالوک^۴، تجسم باروری آرتک و خدای باران باشد.



► کوه‌های بیمارگان

این طرف چینی نماد نانویست‌ها از کوه‌های بیمارگان را نشان می‌دهد. در چین کوه‌ها گاهی شمرده می‌شوند و

1- Sumeru
2- Meru
3- Croagh Patrick
4- Navajo
5- Tlaloc
6- Nut

بودایی صص ۱۶۹ - ۱۶۴، تائوایسم و شینتو صص ۱۷۱-۱۷۰، مکان‌های مقدس صص ۲۳۳-۲۳۲، کوه‌ها صص ۹۳-۲۹

همچنین ببینید
زمین صص ۲۴-۲۵، باروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰، خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹، خدایان آمریکای جنوبی و مرکزی صص ۱۴۵-۱۴۴، دین



آتش

نشان‌دهنده تطهیر و تجدید حیات است و هم نمایانگر خانه، اجاق و عشق الهی. زمانی که مردم یاد گرفتند که آتش را به وجود آورند در زندگی آنان تغییری ایجاد شد و همه‌ی فرهنگ‌های اولیه، خدایان آتش و افسانه‌هایی مربوط به ساخت آتش دارند.

آتش ویرانگری بزرگ، هولناک و نابودکننده است. مظهر جنگ و آشفتگی است و کیفیات فعال و مذکر دارد. همچنین آتش با خورشید مربوط است. مردم به چیزهایی «آتشین» می‌گویند و نهایت احساسات را با رنگ قرمز نشان می‌دهند. آتش شخصیت دوگانه ای دارد چون هم



خدایان آتش

آتش با فضای بالای سر ما مربوط است: آتش از آسمان به شکل خورشید یا آذرخش می‌آید و دود به سوی آسمان‌ها حرکت می‌کند. به آسانی می‌توان فهمید که چرا این عنصر سرشار از قدرت که هم خشن است و هم نیکوکار و بخشنده، به خدایان منسوب می‌شود. پرستش یا خداانگاری آتش در بسیاری از ادیان وجود دارد و تاریخ آن به انسان‌های اولیه بازمی‌گردد. خدایان آتش در فرهنگ‌های جهان اهمیت دارند. یونانیان و رومیان هم خدایان آهنگری دارند و هم اجاق.

▲ آتش شعله‌ور

ارتفاع و رنگ سرخ درخشان شعله‌های آتش چنگل بر قدرت آن تأکید دارد. آتش می‌تواند نیرویی مخرب یا آفرینشگر باشد.

► ولکان^۱

خدای رومی که با آتش، آتشفشان و صنعتگری مربوط است. او اسلحه‌هایی برای خدایان و فهرمانان در اجاقش در زیر کوه اتنا^۲ می‌ساخت. بزرگداشت او در جشن ولکانالیا^۳ در ماه آگوست بود.



▲ جانتیکو^۴

ایزدبانوی ازتک آتشفشان‌ها و اجاق است که زبان آتشی داشت و حامی طلافرشان بود.



▲ سخمت^۵

اغلب به شکل زنی با سر شیر تصویر می‌شد و مار کبرایی در دست داشت که آتش را نف می‌کند. این ایزد بانوی جنگ مصری که خون‌آشام است، دشمنانش را با بیگان آتش نابود می‌کند و بدن او به مانند خورشید نیمروز می‌درخشد.

▲ اگنی^۶

خدای ودایی است. نام اگنی در سانسکریت به معنای آتش است. او با یک پا دو سر نشان داده می‌شود که دلالت بر کیفیات مخرب و بخشنده‌ی او دارد و آتش نیروی حیاتی درختان و گیاهان است.

▲ جوجانگ^۷

خدای آتش چینی. کسانی را که از قوانین آسمانی تخطی کنند. تنبیه می‌کند. اغلب به صورت پیرمردی تصویر می‌شود که جوشنی بر تن دارد و او مشهورترین فرد در جنگ با پسرش است که می‌خواست او را از غضب ارنکه آسمان بازدارد.

► هونه هونه تنوتل^۸

خدای ازتکی روشنایی و آتش که اغلب به شکل مردی با صورت زرد با قرمز تصویر می‌شد که نجوردانی (سوزاننده عود) بر سر داشت.



افسانه‌های سازنده آتش

زمانی که انسان‌ها یاد گرفتند تا آتش را روشن کنند، وسیله‌ای برای پخت و پز و گرم شدن یافتند که حیوانات وحشی را می‌ترساند و بعدها برای گداختن سنگ معدن به کار رفت. افسانه‌های بیشمار وجود دارد راجع به این که انسان‌ها چگونه یاد گرفتند که آتش را بسازند و یا این که اولین ابزار آتش‌ساز چه بود. برای مثال، پادشاه افسانه‌ای ایران، هوشنگ بعد از این که سنگ آتش‌زنه‌ای را به سوی ماری پرتاب کرد، فهمید که آتش می‌تواند به وسیله برخورد سنگ‌های آتش‌زنه با یکدیگر تولید شود. این سنگ به صخره‌ای برخورد کرد و در عوض جرقه‌ای به وجود آمد.



▲ مانوی

خدای مانوی در بسیاری از افسانه‌های بلی تریایی به خصوص در مانوی و هاوایی وجود دارد. در هاوایی، ساهینی به شکل مانوی است که آتش را از مادر زمین می‌دزدد و با شعله‌های آن می‌سوزد. به همین دلیل پره‌ای شاهین قهوه‌ای است. برای این داستان، نوع مانوی مشابهی هم وجود دارد.



▲ پرومتئوس

خدای یونانی که با خوردن استخوان‌ها به جای گوشت به زئوس کمک زد و زئوس به عنوان مجازات برای این رفتار، از او انتقام گرفت و آتش را برای انسان‌ها ممنوع کرد که پرومتئوس بعداً آن را دزدید.

شعله سرمدی

شعله سرمدی، روشنائی است که همواره روشن است. در زمان‌های باستان با روغن زیتون یا چوب شعله‌ور می‌ماند. در شکل جدید از گاز طبیعی یا پروپان استفاده می‌شود. شعله‌های سرمدی حاکی از شخص، گروه یا واقعه‌ای است که معنای بین‌المللی دارد یا حتی حاکی از هدفی شریف، نظیر صلح جهانی. مشعل المپیک که در یونان مشتعل می‌شود به شهر میزبان حمل شده و در طول مسابقات روشن نگه داشته می‌شود. برخی کلیساها شعله سرمدی را بر محراب یا بر بالای آن دارند.



► روشن‌کننده‌ی دنیا

در جزیره آزادی در شهر نیویورک، مجسمه‌ی آزادی مشعل خود را بالای سر نگه می‌دارد تا نمادی از آزادی از ظلم و ستم باشد.

مراسم مربوط به آتش

ارتباط آتش با تجدید حیات، تطهیر و تضمین شدن الهی آن باعث شده که آتش نقش آئینی را در بسیاری از ادیان و فرهنگ‌های مختلف داشته باشد. آتش نقش محوری در آیین‌های قربانی ازتک‌ها داشت که آنها به صورت آئینی در کنار بخش‌های اصلی، تنباکو و عود را می‌سوزانند. در بین زرتشتیان که به صورت سنتی در معابد، آتش را نیایش و پرستش می‌کنند، آتش مظهر توان و نیروی آفریننده است. سایر فرهنگ‌ها نظیر سرخپوستان آمریکای شمالی از آتش در مراسم تطهیر خود و طلب شهود استفاده می‌کردند.

شعله الهی

آتش ویژگی مهمی در بسیاری از ادیان است، جهنم مسیحی دارای آتش است و برخی قدیسان با قلب‌های شعله‌ور تصویر می‌شوند. در کلیساهای مسیحی، شعله‌ها، معرف حضور خدا، امید و زندگی هستند. داستان‌های عهد عتیق از بوته‌ی مشتعل می‌گویند.



قلب شعله‌ور



بوته قر و زرد



▲ آزتک

روحانیون ازتک، نمادی ویرانی دنیوی به نمادی از خدایان است. روحانیون آتشی‌ها را خاموش می‌کردند و آتش جدیدی را در درون حفره صدری انسانی که قربانی شده بود، روشن می‌کردند که در این نمادپردازی از آتش به عنوان نمادی از زندگی و پایداری می‌دانستند.

▲ زرتشتیان

معابد زرتشتی خانه آتش مقدس است که نمادی از خدایان است. روحانیون دائماً آتش را روشن نگه می‌دارند. عبادت‌کنندگان، ماسک‌های نخی سفیدی را استفاده می‌کنند تا نفس آنها، آتش را آلوده نسازد.

▲ کراکهای آتش (نوعی وسیله بازی)

در چین صدای کراک‌ها در سال جدید بر می‌خیزد تا ارواح شیطانی و بداقبال را بترساند. همچنین ازدهای طلایی را بیدار می‌کند تا در آسمان پرواز کند و موجب باران برای محصولات کشاورزی شود.

جنوبی و مرکزی صص ۱۴۵-۱۴۴، دین هندو صص ۱۶۳-۱۵۸، رنگ‌ها صص ۲۸۳-۲۸۰

همچنین ببینید
خورشید صص ۱۷-۱۶، خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸، خدایان یونانی و رومی صص ۱۴۱-۱۴۰، خدایان آمریکایی

1. Vulcan
2. Etna
3. Vulcanalia
4. Chu jung
5. Agni
6. Sekhmet
7. Chantico
8. Hue Hue teatl
9. Prometheus
10. Maui



[آب]

پرتلاطم و عمیق دارد که هر کدام نماد پردازی خودش را دارد. اگر چه آب منفعل است ولی تحت تاثیر آب و هوا قرار می گیرد و می تواند تخریب و ویران کنی یا از بین ببرد یا با خود ببرد یا این که جان تازه ای بدهد. همچنین در بسیاری از ادیان، آب منبع پاکی و سلامت است.

آب پیوسته تغییر شکل می دهد و دگرگون می شود. به صورت نمادین مونث است و با ماه ارتباط دارد و به عنوان خاستگاه همه ی زندگی با باروری مربوط است. ممکن است به صورت برف یا باران به مانند سیلی خروشنده یا دریاچه ای آرام ظاهر شود. همچنین وضعیت های گوناگونی نظیر جاری، روان، راکد،

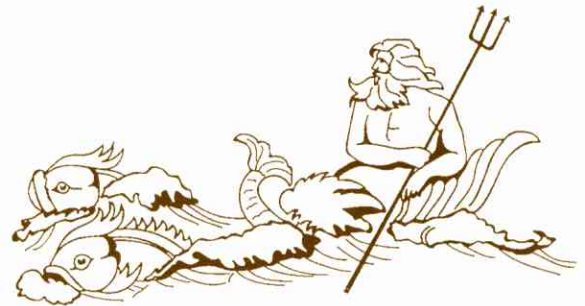
دریا

از نظر نمادین مادر است و عمق دریا نمایانگر رحم زمین است. تمام زندگی از آب های آغازین دریا به ظهور می رسد همان گونه که در اسطوره های آفرینش فرهنگ های بی شماری منعکس شده است و اغلب رازآمیز در نظر گرفته می شود. دریا همچنین بیانگر ذهن ناخودآگاه است در صورتی که نمادپردازی آب های عمیق با مرگ و امور ماوراءطبیعی مربوط است. هیولاهای ارواح و خدایان بسیاری با دریا و با پدیده های طبیعی نظیر گرداب و آب لرزه ها مرتبطند.



آب و پرستش

آب در بسیاری از ادیان دنیا امری محوری است. در غسل تعمید مسیحی که در اینجا تصویر شده آب نماد پاکی و برطرف شدن از گناه ازل است. در هندوئیسم هم آب برای استحمام و تطهیر تصاویر آیینی از الوهیت کاربرد دارد.



نپتون^۱

نامی رومی برای خدای یونانی پوزئیدون است. نپتون خدای دریا بود و به صورت مرد ریشداری تصویر می شد که نیزه سه شاخه ای در دست داشت و بر صدقی می نشست که با دلفین ها همراه است.

سدنا^۲

در اسطوره شناسی اینوئیت^۳ (ساکن در شمال آمریکا و گرینلند)، سدنا ایزدبانوی دریا و حافظ حیوانات اقیانوس بود. او بر جهان زیرین اینوئیت یا آدلون^۴ حکومت می کند. سدنا توسط گروه های مختلفی از مردم اینوئیت به نام های گوناگون نامیده می شود. او به وسیله صیادان در دریا پرستش می شد و با امید به نیک خواهی او مینی بر این که سدنا غذای صیادان را تامین خواهد کرد، به او اعتماد و توکل می کردند.

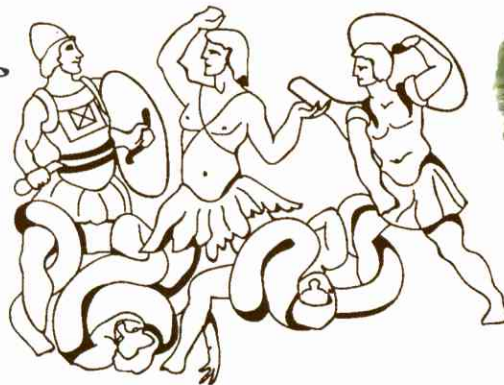
نان^۵

از کهن ترین خدایان مصری است. نام «نان» به معنای آب است. او نمایانگر آب اولیه ی آشفته ای است که از آن خلقت آغاز شد. کیفیات او تاریکی، بی کرائگی و ناآرامی است.



کاریدیس^۶

دختر پوزئیدون، کاریدیس است که در زمانی که زئوس بیکر او را می دزد و تنها دهان او را به جای می گذارد که گرداب می شود، تبدیل به هیولای دریا می شود. کاریدیس در اسطوره شناسی یک جهت از یک تنگه ی باریک را اشغال می کند در صورتی که سوی دیگر تنگه مربوط به هیولای دیگر سوی دریا یعنی اسکیلاد^۷ است. دریانوردان در تنگه ها به قدری نزدیک به دو سوی تنگه، کشتی را هدایت می کردند که خطر مرگ را به همراه داشت.



امواج^۸

امواج پیوسته از طریق فراز و نشیبشان به سوی جلو پیش می روند. امواج هم نشان از استواری و ثبات و هم نمادی از تغییرپذیری هستند. مردم از روی شادی یا غم از امواج سخن می گویند. امواج جزر و مدی^۹ ویرانی و تجدید حیات را نمادپردازی می کنند. امواج در خواب ممکن است به معنای ترس از تغییر باشند.





رودخانه‌ها



▲ گنگا^{۱۲}

نشانگر تقدس آب رودخانه گنگ، ایزدبانوی هندی گنگاست که روی یک ماکارا^{۱۳} می‌نشیند که ترکیبی از ماهی تمساح است و دلالت بر باروری و حکمت سرزمین و دریاست.



▲ استیکس^۹

در اسطوره‌شناسی یونانی، رودخانه استیکس حصار بین زمین و هادس است. افسانه‌ها قایق‌سواری به نام خارون^{۱۱} را تصویر می‌کنند که مردگان را در رودخانه آخرون^{۱۱} حرکت می‌دهد که به سوی استیکس جاری است.



▲ چهار رودخانه بهشت

رودخانه‌های کتاب مقدس در بهشت، در چهار جهت اصلی از ریشه‌های درخت حیات خارج شده و جریان می‌یابند. آب آنها نمایانگر زندگی و پرورش‌دهندگی است.

نمادپردازی رودخانه مبتنی بر آب جاری پیرامون ماست و بازتاب دهنده قدرت آفرینش در طبیعت و زمان است. رودخانه دلالت بر باروری و آبیاری خاک دارد و در طول مرزهای خود حیات‌بخش است، اما همچنین استعاره‌ای برای گذر زمان است. یک رودخانه از منبع و سرچشمه‌ی خود تا دریا جریان دارد همان‌گونه که زندگی از تولد تا مرگ جریان دارد. یک رودخانه می‌تواند حایل و مرزی در بین دو قلمرو باشد. مثل زندگی و مرگ. رودخانه‌های بزرگ دارای خصوصیات برجسته‌ای هستند که ممکن است مقدس در نظر گرفته شوند. فرهنگ‌های پیشماری، برای رودخانه‌ها ارواح و خدایانی را تعریف کرده‌اند.

► چشمه

به چشمه‌ای شبیه به این در بالی^{۱۵}، اغلب نیروهای سحرآمیز و شفابخش نسبت داده می‌شود. غالباً شهرها در حول چشمه‌ها ساخته می‌شدند و نام آنها ممکن است نشان‌دهنده این مسئله باشد. شهر بات^{۱۶} در انگلستان یکی از مثال‌های شهری است که در اطراف چشمه آب گرم توسعه و رشد یافت.



▲ هپی^{۱۴}

خدای مصری غذاهای نیل که به صورت مردی تصویر می‌شود که شکم او قابل مشاهده است که دلالت بر باروری سرزمین از طریق سیل دارد.

► آبشار

بوداییان بر این باورند که آبشارها نایاب‌داری دائم جهان را نشان می‌دهند که این خود دلیل نقش مهمی است که آبشارها در نقاشی منظره در چین و ژاپن بازی می‌کنند. در دین شینتو آبشارها مقدس هستند و تصور می‌شود که ایستادن در زیر آنها، روح را مطهر می‌کند.



► دلتا

دلتا نمادی از مرگ و انتهای سفر است و حاکی از پیچ و خم‌های طول رودخانه از سرچشمه آن در طول تمام مسیر تا جایی که به دریا می‌ریزد، است.



دریاچه‌ها

به صورت سنتی، دریاچه صلح و تامل را نشان می‌دهد. همچنین به دلیل بازتاب از سطح آن، پیوند زیادی با نمادپردازی آینه دارد. در افسانه یونانی، نارسیس^{۱۷} در زمانی غرق شد که محو بازتاب عکس خودش در دریاچه بود. در چین دریاچه‌ها به معنای خرد و معرفت، استغراق و مجذوبیت و انفعال هستند. در هندوئیسم و بودیسم دریاچه‌ها به معابد متصل می‌شوند که نشان‌دهنده آفرینش و گذر به دنیای بعدی است.

آب و اهریمن

در قرون گذشته، زمانی را که به جادوگر بودن آنان ظنن بودند به آبهای عمیق می‌انداختند. اگر آنها غرق می‌شدند، فرض می‌شد که بی‌گناهند ولی اگر آب آنها را طرد می‌کرد و غرق نمی‌شدند و شناور می‌ماندند به خاطر جادوگر بودن محکوم می‌شدند.



دریاچه مقدس

یک دریاچه مقدس، امری محوری در کهن‌ترین معابد مصری بود. این تصویر معبد آمون^{۱۸} در کرنک^{۱۹} است کاربرد دریاچه مقدس برای آیین روزانه‌ای بود که در طول آن یک غاز که نمادی از خود آمون بود در طلوع خورشید



همچنین ببینید

خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸، خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰، دین هندو صص ۱۶۳-۱۵۸، دین بودایی صص ۱۶۹-۱۶۴، تائوئیسم و شینتو صص ۱۷۱-۱۷۰، جادوگران و دین ویکا صص ۱۹۳-۱۹۲



آب وهوا

شمالی را به خاطر آب و هوای سرد مورد ملامت قرار می‌داد. آب و هوا همان‌گونه که با کيفر الهی و قدرت‌های ماوراءطبیعی پیوند دارد با نیروهای ملایم و آفرینندگی نیز مربوط است.

تغییرات در آب و هوا بر انسان‌ها تاثیر اساسی دارد و می‌تواند گاهی ایجاد وضعیت‌های زندگی یا مرگ بکند. مردم به مدت طولانی، این تغییرات را با هوس‌های خدایان مربوط می‌دانستند و فرهنگ عامه، شخصیت‌پردازی‌هایی نظیر باد

رعد و برق، آذرخش و توفان‌ها

توفان‌ها اغلب با خدایان جنگ و ایزدان متعال مربوط بودند. در بسیاری از فرهنگ‌ها رعد و برق همچون قدرت آفریننده و منادی حیاتی و بارورکننده‌ی باران در نظر گرفته می‌شد، در داستان‌های کتاب مقدس، نشانه صدای خداوند است در صورتی که آذرخش رساننده‌ی حاصلخیزی و روشنایی است. صاعقه اسلحه انتخایی خدای یونانی یعنی زئوس و همچنین اسلحه خدای جنگ هندو یعنی ایندرا بود. از نظر سرخپوستان آمریکایی، پرنده‌ی رعد نمایانگر روح جهانی بود و با جنگ ارتباط داشت.



▲ مردوک^۹

خدای خالق بابلی که خدای بین‌النهرینی یعنی انلیل^{۱۰} را در هوا قرار داد و به او قدرتی داد تا توفان‌ها و نسیم بهاری را با نفسش ایجاد کند.

▲ تلاویبیک^{۱۱}

این کاجینا^{۱۲} با عروسک روح نمایانگر آذرخش است و به وسیله‌ی سرخپوستان آمریکایی هوبی که در سرزمین‌های صحرایی نیومکزیکو زندگی می‌کردند، ساخته شده است. به خاطر پیوندش با باران، امروزه این کاجینای تلاویبیک نیکخواه در نظر گرفته می‌شود.

▶ تور^{۱۱}

تور خدای مو قرمز و ریشدار رعد و برق و جنگ در اسطوره‌شناسی نروژ است. اغلب در حالی تصویر می‌شد که گش یا صاعقه‌ای در دست داشت و ارا به او را در طول آسمان دو بز با نام‌های نامتشابه «دندان تیزکن» و «دندان فروجه‌کن» می‌کشند.



▶ رایجین^۱

از مهم‌ترین خدایان آب و هوای زائنی، رایجین است. او معمولاً همچون دیوی تصویر می‌شود که شکل‌دهنده مه و ابرهای بارانی تیره است و برای ایجاد رعد و برق، طبل‌ها را می‌کوبد. او همچنین ناف کودک‌کان را می‌خورد.

▶ شانگو^۲

شانگو که خدای رعد و برق و آذرخش است برای مردم یوروبا^۳ در نجریه مقدس است. نماد او اوشه^۴ یا تیر دو سر است و نشانگر صاعقه‌های سنگی است که او از آسمان پرتاب می‌کند.



این مجسمه کوچک مونث، آذرخش را هماهنگ می‌سازد و در رقص برای شانگو که خدای رعد و برق، و آذرخش است به کار می‌رود.



▲ شیوا^۵

در هندوئیسم، آذرخش یا آتش ویرانگر، سومین چشم بر پیشانی شیواست و نمادی از نیروهای الهی، هوش کیهانی، روشنگری، نیروهای مخرب و تجدید حیات است. یکی از سلاح‌های او نیزه سه شاخه است که نشانگر آذرخش است.



▲ رودره^۶

خدایی هندویی دوابی که نسبت به شیوا سبقت زمانی دارد. رودره خدای توفان‌ها و آذرخش است که تیرهای بیماری را روشن می‌سازد اما او همچنین سلامتی نیکو را نیز موجب می‌شود و کردارهای خوب انجام می‌دهد. معنای اسم او «زوزه کشنده» و یا «آن قرمز» و مظهر طبیعت بکر است.



خدایان باد یونانی

در اسطوره‌ی یونانی، آتلوس، یا خدای اصلی بادهای چهار جهت، بادهای را در غاری نگه می‌دارد و بر این چهار خدا حکومت می‌کند. اغلب به صورت مردی بالدار با چهره‌ای برف‌کرده نشان داده می‌شود و هر باد وضعیت‌های آب و هوایی گوناگونی را به وجود می‌آورد. از نسیم‌های بهاری ملایم تا بادهای زمستانی سرد.



(باد شرقی) «اوروس»^{۱۱}



(باد شمالی) «بورئس»^{۱۵}



(باد غربی) «زفیرئوس»^{۱۲}



(باد جنوبی) «نوتوس»^{۱۳}



▲ فوجین^{۱۴}: خدای شینتویی فوجین با ظاهری هولناک تصویر می‌شد که بر ابرها می‌نشست یا آنها را درمی‌نوردید و کیسه‌ای را حمل می‌کرد که حاوی بادهای بود.



▲ وایو: وایو در هند خدای بادهای و به عنوان یکی از پنج عنصر است و در سانسکریت به معنای «وزیدن» است او یکی از مهم‌ترین خدایان در وداها (کتب مقدس هندویی) است.



چروپ^{۱۶}

این موجودات آسمانی بالدار (که به عنوان پونی هم شناخته می‌شوند) اغلب با چهره‌ی تپیل بچگانه تصویر می‌شدند و در هنر غربی برای نشان دادن باد، شاید برای راندن قایق به کار می‌رفتند.



گردباد

جایی از حرکتی آفریننده، خورشیدی و چرخشی است. گردبادهای اغلب به مانند ارایه الوهیت در نظر گرفته می‌شوند. در کتاب مقدس، خداوند با ایوب از طریق گردباد سخن می‌گوید. در جادوگری، ارواح اهریمنی بر گردبادهای سوارند.

ابرها و رطوبت



حضور الهی

ایرهای از نظر نمادین به صورتی آسمانی با حضور الهی مربوطند. در تصویر نگاری مسیحی اغلب خداوند به صورت دستی که از ابر خارج شده، نشان داده می‌شود.

- 1- Rajin
- 2- Shango
- 3- Yoruba
- 4- Oshe
- 5- Shiva
- 6- Rudra
- 7- tala wipiki
- 8- Kachina
- 9 - Marduk
- 10 - Enlil
- 11- Thor
- 12- Notus
- 13 - Zephyrus
- 14- Eurus
- 15- Boreas
- 16- Cherub
- 17- Fujin
- 18- Valkyrie
- 19- Odin
- 20- Valhalla

همچنین ببینید

باروری و تولد بچه صص
۱۲۳-۱۲۰. خدایان نروژی
وسلتی صص ۱۴۳-۱۴۲
ارواح طبیعت صص
۱۴۹-۱۴۸. داستان‌های
آفرینش صص ۱۵۷-۱۵۶.
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶.
فرشتگان صص ۱۸۹-۱۸۸



توسن‌های والکیری^{۱۸}

در اسطوره‌شناسی یونانی، ابرها نشانگر توده‌های بشم خدای آپولو هستند اما در افسانه نروژی آنها توسن‌های والکیری یا خدای مستخدمه‌های ادین^{۱۹} (خدای خدایان اسکاندیناوی) است که او بر بالای میدان‌های نبرد پرواز می‌کند و از مقتولان تا والها^{۲۰} (ایرهای بهشتی) می‌کند.



گنگی و ابهام

مه و رطوبت عموماً برای نمادپردازی ابهام و گنگی، یا وضعیتی که قبل از مکاشفه است، به کار می‌رود. تانویست‌ها مه را با وضعیت انسان‌هایی پیوند می‌دهند که باید از مسیری قبل از روشنگری عبور کنند که شبیه به آشفتگی ذهنی است که مقدم بر شفافیت فکر است.



[باران و برف]

عامه و اسطوره بازتاب دارد. رنگین کمان هم با نمادپردازی آب و خورشید تلفیق می‌شود. نزولات جوی به خاطر خاستگاه آسمانی با خدایان آسمان ارتباط دارد. بقای انسان وابسته به همکاری بین خدایان و انسان‌هاست از آن رو که بتوان قدرت غیرقابل پیش‌بینی آب و هوا و گاهی خشن آن را مهار کرد.

تمام نزولات جوی خواه باران، تگرگ، برف یا شبنم به نمادپردازی آب و زندگی مربوط است که می‌تواند منتج به ویرانگری و تخریب یا تجدید حیات شود. همان‌گونه که باران بیانگر حاصلخیزی است، شبنم نیز حاکی از نعمت و رحمت است. همان‌گونه که سردی و ناپایداری یخ و برف در فرهنگ

ریزش باران

باران همیشه نماد مهم باروری و حاصلخیزی بوده و در فرهنگ‌های ابتدایی خاصی با منی الهی (قوه فاعلی خداوندی) پیوند داشته، همچنین با تطهیر هم همراهی دارد. برای هزاران سال مردم بر این باور بودند که خدایان آسمانی، وضعیت آب و هوا را تعیین می‌کنند تا باران نیارد، یا آن را با نیروی وحشتناکی رها می‌سازند و یا این‌که به آرامی می‌بارانند. آیین‌های گوناگونی برای طلب استمداد در ریزش باران اجرا می‌شد و باران با حیوانات خاصی نظیر اژدها، سگ و حتی طوطی مربوط بود.



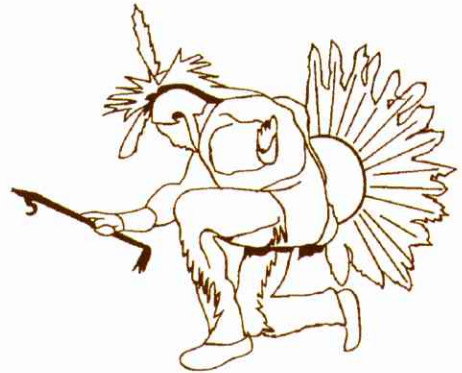
▲ باران سیل آسا

در هنگام سرما، باران تند و نافذ به شکل شدیدی می‌بارد که همان‌گونه که نعمتی الهی است می‌تواند موجب رنج و مصیبت شود. باران سنگین به نمادپردازی خود، با توفان‌ها و خشم خدایان سهیم می‌شود.



▲ اژدها

در چین، اژدها با آب و هوا مربوط بود و تصور می‌شد که اژدها باران را می‌آورد. سیل‌های بسیار بد برخی از کشورها، به تاراج کردن اژدها توسط انسان نسبت داده می‌شد. این باور وجود داشت که اژدهای چینی آب را مهار می‌کنند که برای محصولات حیاتی است. برعکس اژدهای غربی مهارکننده آتش است.



▲ رقص‌های باران

تفسیر گوناگونی از رقص باران را می‌توان در فرهنگ‌های گوناگون در سراسر دنیا یافت برای مثال سرخپوستان آمریکایی قبیله چروکی، رقص باران را انجام می‌دادند تا طلب باران کنند و ارواح شیطانی را دور سازند. کوبیدن پاها به روی زمین، تقلیدی از صدای ریزش باران روی زمین سخت بود.



▲ زئوس و دانای^۵

این نقاشی، داستانی از اسطوره‌شناسی یونانی را توصیف می‌کند که در آن دانای که مادر انسانی پرسئوس^۶ قهرمان است به وسیله زئوس به شکل بارانی از سکه‌ها باردار می‌شود. این نماد شهوت‌برانگیز، باروری الهی در مورد باران است.



▲ ایندرا^۲

خدای هندویی رعد و برق، باران، باروری و جنگ، ایندرا اغلب نشسته بر بارگاه آسمانی خود یعنی سوارگا^۳ بر ابرهایی که کوه مقدس مرو را می‌پوشاند، نشان داده می‌شود. ایندرا آذرخشی در یک دست دارد که نمایانگر روشنگری، تخریب و تجدید حیات است.



► تالوک^۴

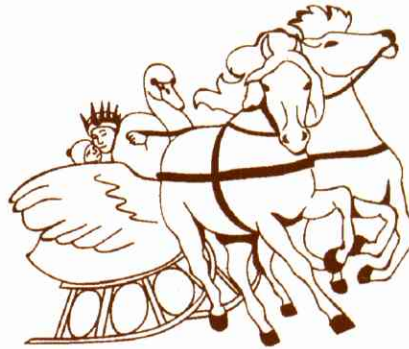
تالوک خدای ازتکی باران و حاصلخیزی است. تصویر او اغلب با تاجی از پرهای حواصیل نشان داده می‌شد که نمادی از آنها بود و جغجغه‌ای حمل می‌کرد تا رعد و برق را تولید کند و ظرفی پر از آب را تکه می‌داشت.

**❖ یخچال طبیعی**

یک یخچال طبیعی به مانند توده عظیمی از سرزمین یخی دائمی که به خاطر وزنش به سمت جلو حرکت می‌کند به عنوان نمادی از کندی و کشندگی یا خشونت متغیر است. یخچال هماهنگ با یخ، همچنین با آب‌های آلوده زمین مرتبط است به جای این‌که با آبهای گوارای بهشتی مربوط باشد.

برف و یخ

جای تعجبی ندارد که نمادپردازی یخ و برف با موضوعات سرما و برودت همراه باشد. همچنین اشاراتی هم به پاکی و سفیدی، و زیبایی بکر آن می‌شود. برف و یخ از نظر احساسی با صلابت، سردی، شکنندگی، گذرا بودن و غاری بودن از عشق همراه است. بیاناتی نظیر «ادب خشک و سرد» به صورت گسترده‌ای به کار می‌رود. در مقابل، ذوب شدن یخ حکایت از نرم شدن قلب سخت می‌کند.

**▲ ملکه برفی**

این قصه غربی حاکی از پیروزی خیر بر شر است. این داستان دو بچه است که وقتی ملکه برفی، پسر را می‌دزدد از هم جدا می‌شوند و این‌که چطور دختر هر خطری را می‌پذیرد تا او را نجات دهد.

**▲ دانه برف**

زیبایی شکننده دانه برف نمادی از گذرا بودن، خرد، حقیقت، سردی و پاکی است. همچنین نشان‌دهنده فردیت است زیرا دو دانه برف هم، با هم شبیه نیستند.

**▲ پیکر رنگین کمان**

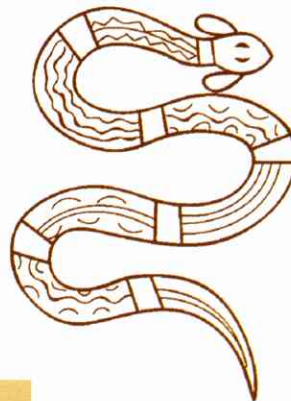
در بودیسم تئورای در تبت، پیکر رنگین کمان وضعیتی گذرا از روشنگری است که در آن پیکر حکیم به راستی ناپدید می‌شود و به نوری پاک تغییر می‌یابد. این امر معمولاً بعد از مرگ رخ می‌دهد.

**▲ ایریس^۸**

ایزدبانوی رنگین کمان و پیام‌رسان خدایان المپی، ایریس اغلب به مانند زن جوانی با بال‌های زرین و میله پیام‌آور تصویر می‌شود. رنگین کمان مسیر او را در بین آسمان و زمین نشان می‌دهد.

**پلی به سوی آسمان‌ها**

مر موزی، لطافت و ناپایداری رنگین کمان، طیف وسیعی از معانی نمادین را شامل می‌شود. رنگین کمان به مانند نشانه‌ای از امید، آرامش، پیمان الهی، علامت جنگ، موضوعی برای پرستش و حتی ترس در نظر گرفته می‌شود. آداب و رسوم و افسانه‌های مربوط به رنگین کمان بسیار گسترده هستند. رنگین کمان پلی به آسمان‌هاست و نقل شده که خرد در انتهای رنگین کمان قرار دارد.

**▶ افعی رنگین کمان**

افعی رنگین کمانی در اسطوره بومیان استرالیا با تغییرات فصلی و اعتماد انسان به آب پیوند دارد. افعی مهیب در گودال‌های آب‌های دائمی سکونت دارد و بنابراین گرانباترین منابع زندگی را مهار می‌کند.

**▲ کوزه سفالی طلا**

در فرهنگ عامه ایرلند، جن کوتوله، ظرفی از طلا را در انتهای غربی رنگین کمان نگه می‌دارد که یافتن آن با اقبال شخص مربوط می‌شود.

**▲ کاهوکورا**

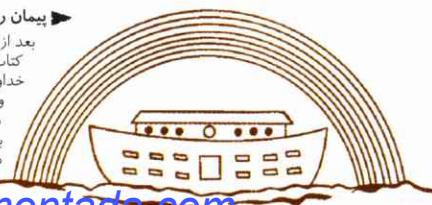
خدای رنگین کمان مائوری که در جنگ به او توسل می‌کنند و همچنین نماد فناپذیری انسان و مسیری بین آسمان و زمین است.

**▲ رنگین کمان ناواجو^۷**

رنگین کمان بر پرچم ناواجو، حاکمیت و اتحاد قبایل را در رنگین کمان ملت، نمادپردازی می‌کند. خطوط کلی، مسین، مرزهای آنها را نشان می‌دهد و بر آیدگی‌های تیز، کوه‌های مقدس را نشان می‌دهد.

▶ پیمان رنگین کمانی نوح

بعد از سیل ذکر شده در کتاب مقدس، وقتی که خداوند به سلامت نوح و کشتی او را نجات داد، رنگین کمانی را به عنوان علامتی از میثاقش فرستاد که انسانیت را نابود نکند.



۱۴۴، رویاپردازی صص ۱۵۳-۱۵۲، هندوتیسیم صص ۱۶۳-۱۵۸، بودیسم صص ۱۶۹-۱۶۴، داستان‌های پریان صص ۲۷۳-۲۷۲، پرچم‌ها صص ۳۲۴-۳۲۹

همچنین ببینید
پستانداران صص ۵۲-۵۵، ازدهای صص ۷۸-۷۹، خدایان یونانی و رومی صص ۱۴۱-۱۴۰، خدایان آمریکای مرکزی و جنوبی صص ۱۴۵ -

- 1- Cherokee
- 2- Tlaloc
- 3- Indra
- 4- Svarga
- 5- Danaë
- 6- Perseus
- 7- Navajo
- 8- Inis



کشتی نوح

داستان نوح در کتاب مقدس، سبلی را توصیف می کند که مجازات خداوند برای گناه انسان بوده. خداوند به نوح، این بنده مخلص، ساخت کشتی را تعلیم داد که سرانجام نجات یافت و او و خانواده اش مجدداً در دنیا ساکن شدند.



سیل

داستان سیل بزرگی که خداوند یا خدایان برای نابودی تمدن به عنوان مجازات الهی فرستادند، موضوع گسترده‌ای در اسطوره‌شناسی فرهنگ‌های سراسر دنیا است.

مقدس فراوان است. اما ممکن است منشاء آن در بین‌النهرین (عراق فعلی) باشد، در جایی که دجله و فرات به هم می‌پیوندند. این منطقه حاصلخیز مستعد سیل‌های سخت است و شواهد زمین‌شناسی دلالت دارد بر این که سیل‌هایی ممکن است موجب ایجاد اختلال در چندین دوره اسکان انسانی شده باشد و از نظر فرهنگ‌های کهن، سیلی که آنها را فرا می‌گرفت، به صورت جهانی ظاهر می‌شد و اسطوره‌های مفصلی را شکل می‌داد.

استثنائات قابل توجه

مناطق که فرهنگ‌های کهن در آنجا از سیل سالیانه بهره‌مند می‌شدند نظیر آمازون و نیل، داستان‌های سیل مکاشفه‌ای ندارند. در مصر سیل‌های سالیانه نیل، زمین‌های دربرگیرنده را بی‌نیازت حاصلخیز می‌ساخت و غذای مردم را تامین می‌کرد. سیل‌ها به قدری مهم بودند که خدایی را ایجاد کردند. هپی شخصیت مثبتی است که این باور وجود داشت که با فرعون به صورتی توأمان بالا و پایین رفتن سطح آب را مهار می‌کرد و موجب حاصلخیزی ناحیه می‌شد. بدون استفاده از آب‌های نیل برای آبیاری، تمدن مصر احتمالاً هرگز به صورتی تمدنی با فرهنگ و فرهیخته توسعه نمی‌یافت.

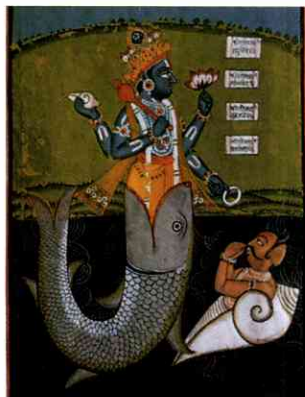
سیل‌ها به صورتی نمادین، بیانگر مرگ و تجدید حیات هستند یعنی پایان دوره و شروع دوره‌ای دیگر. آنها با نیروهای آبها، باروری و زندگی جدید همراه می‌شوند، همچنین با شستن گناهان و تطهیر انسانیت پیوند دارند.

موضوع جهانی

داستان‌های سیل جهانی برای هر تمدنی در سراسر دنیا، از چین تا روسیه تا سوماترا و پرو مشترک و عموماً بیانگر شرایط آشفته‌گی هستند که در زمانی که انسان‌ها در خارج از هماهنگی با طبیعت و خدایان باشند به وجود می‌آید. بسیاری از آنها مشابه داستان سیل مشهور در کتاب مقدس راجع به کشتی نوح هستند. آنها شامل موضوعاتی نظیر: مجازات الهی، افزایش آگاهی نسبت به سیل، ساخت یک قایق برای خانواده یا حیوانات و رهایی پرنندگان هستند تا مشخص شود که آیا آبهای سیل فروکش کرده‌اند، یا خیر. داستان‌های ماتسیا^۱ در کتب مقدس پورانه در هندوئیسم و اوتنه‌پیشتم^۲ در حماسه گیلگمش^۳ بابلی، مشهورترین این اسطوره‌ها است.

خاستگاه‌ها

نظریه‌ها راجع به خاستگاه‌های داستان سیل در کتاب



▲ اسطوره ماتسیا

در این اسطوره هندی، ویشنو در شکلی از ماهی که ماتسیا نام دارد توسط مانو (اولین انسان) نجات داده می‌شود که بعدها او را از آمدن سیل آگاه می‌سازد. مانو قایق می‌سازد، نجات می‌یابد و زندگی مجدداً در زمین برقرار می‌شود.



► سیل نیل

نیل صید ارزشمندی را به سوی خود جلب می‌کند و این کاشی کاری دقیق و مشروح از نیل که مربوط به دومین قرن پیش از میلاد است کرگدنی را نشان می‌دهد که بر صخره‌ای در حین سیل سالیانه سرگردان است.



► خدای خالق از تک

در آمریکای مرکزی، بر دوره‌هایی در دنیا باور دارند که هر دوره به وسیله بلاهای طبیعی نظیر سیل از بین می‌رود و خدای خالق و آب و هوای از تک، کوئتزال کوآتل^۴ مجدداً بعد از جنین واقع‌های

همچنین ببینید

آب صص ۳۳-۳۲، باروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰،
خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸، هندوئیسم صص
۱۶۴-۱۵۸، مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶



فصول

به صورتی جهانی برای فصول نمادهایی از تولد، رشد، مرگ، تولد مجدد و بنابراین گذر زمان در نظر گرفته می‌شود. انسان‌ها همیشه زمان را به وسیله خورشید و چرخه‌های قمری محاسبه کرده‌اند. پس ماه و خورشید در نمادپردازی فصلی نقش اصلی را دارند. هر فصلی خدایان، حیوانات، رنگ‌ها و حتی احساسات خاص خود را دارد. در برخی فرهنگ‌ها، فصول با گل‌های خاصی نمادپردازی شده‌اند نظیر گل داوودی پاییزی در چین.



بهار

تمثیل بهار

به صورت سنتی در هنر غربی با زن جوان زیبایی نشان داده می‌شود که نماد باروری است و تاج گلی از گل‌های بهاری بر سر و در منظرهای روستایی و لطیف قرار دارد. شاید او با بچه‌های کوچکی همراه باشد.

تازگی، سبزی، شادابی و سرشار از امید بودن به معنای بهار است. بهار نشان دهنده تولد مجدد و زندگی جدید و به‌خصوص پدیدار شدن طبیعت است. بچه‌های حیوانات، کودکان، زنان جوان و گل‌ها، نمادهای مرتب تکرار شونده‌ی این فصل هستند که حاکی از جوانی، زیبایی و ناپایداری اندوه‌آور در بهار به طور اختصار هستند. در چین و ژاپن شکوفه‌های گیلاس، نماد فصلی مهمی هستند. در اسطوره‌شناسی سلتی، مرد سبز (مجسمه‌ای از صورت مردی که از برگ‌ها پوشیده شده) با تجدید حیات بهاری مربوط می‌شود.

تابستان

تابستان یعنی زمانی که خورشید در اوج گرمای خود است. دنیای قدیم، تابستان را با خدای یونانی آپولو و ایزدبانوی دمیتر (که رومی‌ها آن را با نام سرس می‌شناسند) همراه می‌کرده است. حیوانات این فصل، شیر زرین و اژدها بود. نمادپردازی تابستان در چین به وسیله گل نیلوفر آبی و گل صد تومانی است.



نماد تابستان

شخصیت باستانی که تابستان را نشان می‌دهد، زنی است که تاج او سنبله‌های غلات است و دسته‌ای از غلات و داسی در دست دارد. غلات تولد مجدد، رشد و حاصلخیزی را نمادپردازی می‌کنند.



سرس

ایزدبانوی رومی کشاورزی و حاصلخیزی است. خصوصیت سرس این بود که به انسان‌ها یاد داد که چگونه غلات را بکارند و استفاده کنند. او اغلب با تاج گلی بر سر با سنبله‌های غلات نشان داده می‌شود که سیدی از میوه در دست دارد.



فلورا

در اسطوره‌شناسی رومی، فلورا ایزدبانوی بهار و گل بود. جشن او یا فلورالیا در آوریل یا اوایل مه برگزار می‌شد و به معنای از سرگیری چرخه زندگی بود.

بره بهاری

نماد اوقات بهاری برآی است که نشان‌دهنده به صلیب کشیده شدن عیسی و رستاخیز او است و آن را با ایستر پیوند می‌دهد که اولین یکشنبه بعد از ماه کامل بعد از اعتدال بهاری است.





جشن‌های برداشت

جشن‌های شکرگزاری برداشت در تمام جوامع کشاورزی معمول است. این جشن‌ها جامعه را در آیینی متحد می‌ساخت، یعنی در زمانی که وفور نعمت طبیعت بزرگ داشته می‌شود و ثیاکان به یاد آورده می‌شوند. نوشیدنی‌ها و غذاهای خاص و معمولاً آنهایی که به برداشت مربوط هستند، مصرف می‌شدند و مردم در این شادی‌ها به هم می‌پیوستند.



دوی سری^۸

جشن‌های سالانه برنج در بالی (جزیره‌ای در اندونزی) و جاوه وقت ایزدیابوی دوی سری می‌شد. او ناخی بر سر داشت و گاهی مواقع تیلوفر آبی را نگه می‌داشت که نماد رستخیز بود.



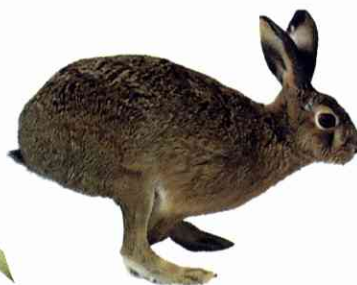
رقص یانه یاما^۹

در جزایر یانه یاما رقص‌های سنتی اجرا می‌شد تا برداشت موفق را پدید آورد. این رقص‌ها بازتاب فعالیت‌های روزانه است. در اینجا فرد رقصنده اسب اسباب‌بازی را می‌رانند تا به بیکاری ساختگی برود.

کیک‌های ماه چینی^{۱۰}

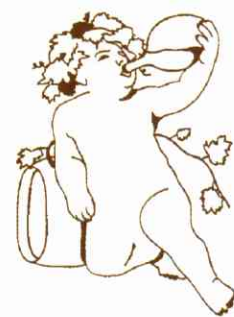
این کیک‌ها در طول جشن‌های چینی خورده می‌شوند تا بزرگداشت برداشت محصول باشند. آنها دارای زرده تخم‌مرغ هستند که نمادی از ماه است.

به صورت سنتی پاییز به شکل بچه یا زنی تصویر می‌شود که سیدی از انگور دارد که نشان از مهمان‌نوازی و وفور در این فصل دارد. حیوان این فصل خرگوش است. در هنر غربی کورنو کوپیا^{۱۱} (در اساطیر یونان نماد فراوانی، شاخ فراوانی)، وفور میوه، گل‌ها و غلات نماد کهن بخشنده پاییزی است که با حاصلخیزی پیوندهای طولانی مدت دارد.



خرگوش صحرایی^{۱۲}

در فرهنگ‌های بسیاری، خرگوش نماد باروری است. بنابراین پیوندش با وفور نعمت در پاییز است. در اسطوره یونانی - رومی خرگوش نمایانگر وفور فصلی است. همچنین جاکي از باروری در جشن‌های مربوط به ماه در پاییز چین است.



عروسکی از غلات^{۱۳}

مجسمه‌ای که با گندم بافته شده درست می‌شود. این عروسک غلات با مراسم برداشت در اروپای کهن همراهی داشت و در آیین‌های باروری سنتی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

پرسفونه^{۱۴}

ایزدبانوی پرسفونه نمادپردازی غلات را دارد که قبل از این که دوباره او به زمین برگردد و در چرخه دائمی تجدید حیات قرار گیرد هر ساله رشد می‌کند.

پاکوس^{۱۵}

خدای یونانی شراب و زیاده‌روی (که به نام دیونسیوس^{۱۶} هم شناخته می‌شود) و با جشن‌های پاییزی برداشت انگور همراهی دارد.

زمستان

زمستان زمان مرده‌ای است که بادهای سرد زوزه می‌کشند. درختان بسیاری بی‌برگ می‌شوند و زمین سرد و بی‌ثمر می‌شود. فرهنگ‌های زیادی، داستان خودشان را برای توضیح تغییرات فصلی دارند. در اسطوره یونان باستان، پرسفونه ربوده شده و به زیر زمین برده می‌شود. در طول این دوره هیچ چیزی در زمین نمی‌روید. بعد از آن او آزاد می‌شود. هادس او را مجبور می‌کند که هر ساله برای چندین ماه به دنیای زیرین برود که در این مدت، زمین بی‌ثمر می‌شود و دوره زمستان شروع می‌شود.

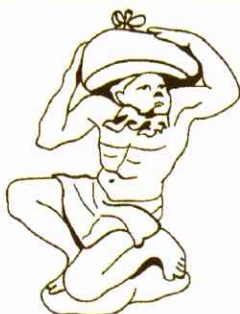


اردک^{۱۷}

اردک با ایزیس همراهی دارد. ایزدبانوی مصری مرگ که به طور سنتی به زمستان مربوط است.

شخصیت زمستان^{۱۸}

مجسمه کوچک رومی باستان که تقسیر سنتی از زمستان را نشان می‌دهد. او به صورت مرد یا زن مستی است که خود را در شنل پیچیده تا از سرما محافظت کند.



بوریس^{۱۹}

آورنده بادهای سرد شمالی و زمستان است. در اسطوره‌شناسی باستان از بوریس به خاطر نیروی بالقوه ویرانگرش می‌ترسیدند. ناوگان‌های آتشی برای او نیایش می‌کردند و جشن بوریسمی^{۲۰} را به احترام او برگزار می‌کردند.

سمندر^{۲۱}

یک نویسنده روم باستان به نام پلینی^{۲۲} در مورد سمندر گفته است: «این حیوان آن قدر سرد است که می‌توان با آن، آتش را خاموش کرد. همان گونه که یخ این کار را می‌کند.» نمادی از ایمان پایدار و ماندگار است و به آتش هم مربوط می‌شود.



- 1- Flora
- 2- Floralia
- 3- Easter
- 4- Ceres
- 5- Cornucopia
- 6- Bacchus
- 7- Dionysus
- 8- Dewi Sri
- 9- Yae yama
- 10- Boreas
- 11- Boreasmi
- 12- Pliny

همچنین ببینید
ماه صص ۱۹-۱۸، پستانداران
صص ۵۵-۵۲، پرندگان صص
۵۸-۵۷، باروری و تولد بچه صص
۱۲۳-۱۲۰، خدایان مصری صص

۱۳۹-۱۳۸، خدایان رومی و یونانی
صص ۱۴۱-۱۴۰، مسیحیت صص
۱۷۶-۱۷۵



سنگ های گرانبها



سنگ های گرانبها و نیمه گرانبها با نور و رنگ می درخشند. این واقعیت که آنها از زمین به دست می آیند، آنها را با توان الهی به مانند نمادهای قدرت معنوی و پاکی پیوند می دهد. برخی از آنها با قدرت های شفابخشی و حفاظت متصف می شوند. آنها برای قرن ها به کار رفته اند تا معنای شأن و تشخص را برسانند. سنگ های شفاف با غیگیوی مرتبطند در صورتی که نوع قرمز آنها دلالت بر شور و شوق و نیروی حیاتی دارد. برخی سنگ ها به ماه تولد مربوطند و برخی تداعی و ارتباط های خاص خودشان را دارند.



حفاظت ازدها

این کنده کاری ۱۴۰۰ ساله از چین، ازدهایی را نشان می دهد که از گنج های پنهان محافظت می کند. به صورت سنتی در فرهنگ چینی، ازدهای زمینی از اشیای گرانبها و جواهراتی حفاظت می کند که در عمق زمین مدفون است. چنین گنج های پنهانی نماد معرفت یا حقیقت هستند.

زمرد سبز

رنگ آن با حاصلخیزی و باروری، جاودانگی، بهار و جوانی مرتبط است. مصریان زمرد سبز را با فرد متوفای خود دفن می کردند تا نشانی از جوانی ابدی باشد. در مسیحیت نماد ایمان است. زمرد سبز همچنین در فرهنگ عامه به عنوان سنگ شفابخش مطرح می شود.

یشم خطایی

به آن سنگ شفابخش می گویند. یشم خطایی ارتباطات و باکی ها را احیا می کند و گاهی به عنوان سنگ جنگجو برای غلبه بر موانع و چرات بخشی در نظر گرفته می شود. یشم خطایی برای مقابله با بیماری های خونی و توقف خونریزی به کار می رود.

یاقوت زرد

به سنگ همدلی مشهور است. یاقوت زرد دلالت بر ایمان، لطف الهی، دوستی، بخشش و عشق دارد. به صورت سنتی تصور می شد که یاقوت زرد از نظر پزشکی خستگی های عصبی را برطرف می کند و تحریک کننده اشتهاست.



الماس

مظهر پاکی، حقیقت و وفاداری است. الماس برای به کارگیری در حلقه ها مورد پسند است. تالو آن به خورشید مربوط می شود. این باور وجود دارد که الماس ها همچنین احساسات فرد مصرف کننده را جذب می کنند و روح او را پاک می سازند.



یشم سبز

از نظر چین، یشم سبز سنگ آسمانی و نشانه پاکی، مظهر یانگ و خورشید است. همچنین دلالت بر عدالت، جسارت، هماهنگی و پاکی اخلاقی دارد و فرض می شود برای خوش شانسی است. یشم سبز صیفی هم مفاهیم ضمنی جنسیتی دارد.



یاقوت کبود

نمادی از هماهنگی کیهانی، صلح و حقیقت است. در سنت هندویی با زحل که سیارات مربوط به شهوات هستند، محافل این تصور وجود داشت که اهریمن را دفع می کند.



یاقوت سرخ

این جواهر نماد عشق، جسارت و نیروی حیات است و با مریخ و زحل که سیارات مربوط به شهوات هستند، پیوند دارد. پادشاهان از یاقوت سرخ استفاده می کردند زیرا تصور می کردند که این یاقوت در زمان بر خورد با خطر موقتاً تیره می شود.



عقیق

فرهنگ های کهن بر این باور بودند که مصرف کننده عقیق غیر قابل رؤیت می شود. عقیق نمایانگر شجاعت، طول عمر و رفاه است. در گذشته سنگ های عقیق به شاخ گاو بسته می شد تا به خوب شدن محصول کمک کند.



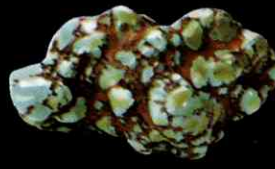
▲ چشم گربه

به نام چشم ببر هم شناخته می‌شود. این سنگ مظهر بصیرت و شفافیت است و بنابراین با مراقبه ربط دارد. تصور می‌شد برای استعداد بخت خوب است و مصرف‌کننده را در برابر شیطان حفاظت می‌کند.



▲ عقیق جگری

به خاطر کشفیات آفرینشی، معنوی و شفابخشی‌اش مورد احترام است. عقیق جگری به مقدار نزدیکی با نمادپردازی دینی پیوند دارد. مهر حضرت محمد(ص) عقیق جگری حکاکی شده‌ای بود که بر حلقه‌ای نقره‌ای نصب شده بود.



▲ فیروزه

مدت‌ها این نظر وجود داشت که فیروزه طلسمی در برابر اهریمن است. نمادی از شجاعت، موفقیت و رضایت بوده و در مرکزیک نماد آتش و خورشید است. تبتی‌ها آن را سنگ جواهر مقدس می‌دانند.



▲ لعل بنفش

سنگی معنوی و محافظ است. حلقه‌های لعل بنفش در کلیسای مسیحی توسط اسقف‌ها استفاده می‌شود. تصور می‌شد که موجب آرامش ذهنی می‌شود و از مصرف‌کننده‌ی آن در برابر تاریکی‌ها محافظت می‌کند.



▲ عین الشمس

نماد بصیرت الهی، خلوص دینی و وفاداری است. رومی‌ها تصور می‌کردند که عین الشمس از آسمان یا جرقه آذرخش می‌افتد. برخی فرهنگ‌ها عین الشمس را «سنگ چشم» می‌نامیدند و باور داشتند که پادشاه را محافظت می‌کند.

► کریستال

نمادی از پاکی که به طور سنتی در جادو اهمیت دارد. مانند توب‌های کریستالی و داستان‌های عامیانه در مورد صندل‌های کریستالی جادویی. توانایی مشهور آنها در ذخیره کردن و ارسال نیرو، آنها را وسیله‌ای برای مراقبه و شفابخشی می‌سازد.



▲ سنگ لاجورد

سنگی آبی یا نمادپردازی آسمانی که بیابانگر توان، خرد و قدرت درونی است. این باور وجود داشت که توانایی‌های جسمی و بصیرت را افزایش می‌دهد. همچنین سنگ دوستی است.

▲ عقیق رنگارنگ

سنگ‌های تیره‌ای که مشهور است نیروهای حفاظتی دارند. عقیق رنگارنگ به صورت سنتی استفاده می‌شد تا نگرش منفی را منحرف کند و این عقیق قدرت معنوی، استغناء و جواس تشدید شده را نمادپردازی می‌کند. همچنین با خوشبختی زناشویی و خلوص پیوند دارد.

▲ حجر القمر

با رنگ روشن قوس و قزحی خود، مدت‌های زیادی با ماه و عاشقان مرتبط بوده ارتباط آن با باروری موجب شده تا زن‌های عرب آن را به پیراهن خود بدوزند. حجر القمر همچنین به خاطر خصوصیت هماهنگ‌سازی دوره قاعدگی معروف است.

سنگ‌های تولد

سنگ‌های خاصی به ماه‌های گوناگون سال مربوطند و تصور می‌شد که برای کسانی که در این ماه‌ها متولد شدند موجب اقبال یا تأثیری می‌شوند. گزینش‌ها گوناگون است اما نوع پرطرفدار آن این گونه است: نارستنگ (ژانویه)، لعل بنفش (فوریه)، کبود قام (مارس)، الماس (آوریل)، زمرد سبز (مه)، حجر القمر (ژوئن)، یاقوت سرخ (جولای)، زبرجد (آگوست)، یاقوت کبود (سپتامبر)، عین الشمس (اکتبر)، یاقوت زرد (نوامبر) و فیروزه (دسامبر).



▲ کبود قام

قدیمی‌ان بر این باور بودند که نیروی دریا در درون کبود قام است به همین دلیل دریانوردان از این سنگ استفاده می‌کردند تا از خود در دریاهای دور دست محافظت کنند. کبود قام با آفرینش‌گری ارتباط خود آگاهی و اطمینان همراه است.

▲ نارستنگ

سنگ جواهر مورد پسند از دوران برنز که خصوصیات حفاظتی دارد و نگرش منفی را دفع می‌کند. این سنگ در برابر آسردگی محافظت کرده و آلاء دلبری می‌کند. همچنین تصور می‌شد به صورت سنتی نمادی از نیرو، اخلاص و وفاداری باشد.

▲ زبرجد

علامت شهرت، قدرت و نیروست. زبرجد سنگ درخشان کسانی است که در آگوست متولد می‌شوند. در اسطوره شناسی هاولی، زبرجد نشان از اسک‌های پله ایزدبانوی آتشفشان است.

گرتیلند فیروزه

فیروزه به طور سنتی با اقبال خوب و حفاظت از دوستی مرتبط است. همچنین تصور می‌شد که رنگ روشن آن آفرایش دهنده استغنا است.



▲ تالو درونی

برش و تراش سنگ جواهری نظیر این یاقوت، زیبایی و تالو آن را آشکار می‌سازد. به صورتی نمادین، روند کار بر سنگ، کمال تدریجی روح و پیشرفت به سوی خرد الهی را منعکس می‌سازد و نشان می‌دهد که روح از محدودی پست جسم انسانی رها می‌شود.

همچنین ببینید

ازدها صص ۷۸-۷۹، عشق و ازدواج
صص ۱۲۷-۱۲۸، طلسم صص
۱۹۵-۱۹۶، پادشاهی صص ۲۱۷-۲۱۸
جواهرات صص ۲۵۵-۲۵۶



▲ بت زراندود

ستایش گوساله زرین، نمادی از بت پرستی و عصیان در برابر خداوند است که به داستان کتاب مقدس مربوط است و در آنجا بنی اسرائیل گوساله زرین را می پرستیدند.



طلا



▲ علامت رتبه اول

به صورت جهانی به عنوان نماد موفقیت انسانی بزرگ شناخته می‌شود. طلا اغلب به شکل مدال، نظیر این مدال طلا و به صورت تزئینات، جام‌ها و حتی جوایز تفریحی اعطا می‌شود.

طلا، به درخشندگی و برآقی خورشید، از زمان‌های دور تحریک‌کننده امیال بوده. در نتیجه نماد قدرتمندی از اشراف‌زادگی، روشنایی و تقدس است.

ارتدوکس شرقی و به کار بردن ورقه طلا در هنر قرون وسطی نشان‌دهنده الوهیت است. طلا در دین بودایی و مسیحیت مظهر روشنگری است. در باور هندویی، طلا شکل معدنی نور و باقیمانده‌ای از نور خورشید است. از نظر مصریان، طلا، جسم قدرتمندترین خدایان یعنی خدای رع را شکل می‌داد و به عنوان کوه طلا شناخته می‌شد. سعی هنر کهن در تبدیل فلز به طلا که کار بزرگ کیمیاگری بود، به تمثیل تطهیر معنوی بسط یافت. کیمیاگران چینی طلا را جوهر آسمان‌ها می‌دانستند که با ینگ هماهنگ است.

نماد فساد

سرخپوستان آمریکایی سیوکس^۱، طلا را فلز زردی می‌نامیدند که انسان سفید را دیوانه می‌کند، این فلز سطح خاصی از نمادپردازی منفی را جلب خود کرده است. طلا در روسیه کمونست تحقیر شده است که «طبقه دشمن» با ساعت جیبی طلا نشان داده می‌شد و به صورت سنتی به وسیله کسانی که مقام بالاتری داشتند، استفاده می‌شد. برخی فرهنگ‌ها از طلا خوف داشتند و بر این باور بودند که طلا قدرت‌های فراطبیعی اهریمنی دارد. برخی داستان‌های سنتی راجع به طلا به مانند هشدار در برابر حرص و وسوسه است. اسطوره یونانی مشهور راجع به میداس، مثالی از این نمونه است. او از این که از خدایان درخواست کرد تا قدرت تبدیل هر چیز به طلا را در اثر لمس به او بدهند، پشیمان شد.

طلا فلز کاملی است: درخشندگی تابناک و ماندگاری دارد، چکش‌خور و ضد زنگ است. رنگ درخشانش، آن را به صورتی نمادین با صفات مذکر خورشید، کمال و قلب مرتبط می‌کند همراه با این که به معنای بالاترین اشتیاق روح، فسادناپذیری و پاکی است.

ارزش اشتیاقی

طلا در سراسر دنیا، به صورت سنتی در لباس رسمی مناصب بالا و سلطنتی به کار می‌رود. در امپراتوری اینکا، حاکمان جدید در صمغ کاج پوشیده می‌شدند که غبار طلا به آن پاشیده می‌شد که این خاستگاه تاریخی الدورادو (مرد زرین) است. امروزه طلا نمادی از بالاترین دستاورد یا احترام است. به خاطر کیفیانش، مدت‌های طولانی ارزش تجاری داشته و به عنوان پول رایج استفاده و از زمان‌های دور هدیه می‌شده است.

طلای الهی

طلا به صورتی نمادین با ادیان و خدایان گوناگون مرتبط است. جستجوی جیسون^۲ برای پشم زرین در اسطوره‌شناسی یونان بیانگر طلب و جستجوی انسان برای نور معنوی است. در مسیحیت، طلا نمادی چندگانه است که می‌تواند بیانگر فساد باشد همان‌گونه که در داستان گوساله زرین آمده است یا این که نماد الوهیت باشد. در طول مراسم تاج‌گذاری، به پادشاهان قرون وسطای مسیحی تاجی از طلا داده می‌شد که به معنای نور ابدی آسمان و اقتداری است که به صورت الهی القاء شده است. زرین کردن تصاویر بیزانسی و مسیحیت



▲ علامت روشنگری

تصاویر بودا اغلب به علامت روشنگری زراندود شده‌اند. طلا به خاطر پاکیزگی‌اش ارزشمند است و بوداتیان با قرار دادن آن در اشیای مقدس کسب ثواب می‌کنند.



◀ موضوع مورد پرستش

ازتک‌ها هم شبیه به مایاها و اینکاها طلا را می‌پرستیدند و آن را برای مردم با مراتب بالا و کاربردهای آئینی به کار می‌بردند. از نظر ازتک‌ها، طلا مدفوع خدای خورشید یا هوتیزیلوپوچتلی بود.

نمادها و نشانه‌ها
۱- El Dorado
۲- Jason
۳- Re
۴- Sioux
۵- Huitzilopochtli

همچنین ببینید
خورشید صص ۱۶-۱۷، ماده گرانبها صص ۴۶-۴۷
خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹، بودیسم صص ۱۶۹-۱۷۶، کیمیاگری صص ۲۱۱-۲۱۰



[ماده گرانبها]

نمادپردازی الوهیت به کار می‌رفتند و هم این‌که به عنوان ابزار و اسلحه‌هایی در راستای سایر لوازم گرانبها مثل کهربا و مروارید استفاده می‌شدند. فلزات گرانبها به خاطر زیبایی و کمیابی‌شان ارزشمند بودند و اغلب به مانند نمادهای منزلت اجتماعی در نظر گرفته می‌شدند.

در زمان‌های قدیم تصور می‌شد که فلز گرانبها، نیروی کیهانی منجمد شده است و نشان‌دهنده‌ی شیء زمینی با نیروی بالقوه آسمانی است. این باور به توسعه‌ی مدارج و سلسله مراتبی منجر شد که در آن فلزات با هفت سیاره‌ی شناخته شده، جفت شدند. فلزات گرانبها هم به عنوان اشیاء مقدس برای

مروارید

مرواریدها در بین سنگ‌های جواهر، این تاج بی‌زمانی قرن دوازدهم را در پایین‌ترین‌ترین کرده‌اند و مظهر پادشاهی، عدالت، خرد و پاکی هستند. آنها زمانی به پادشاهان اختصاص داشتند و در فلسفه اسلامی و هندو نشان کمال هستند. مروارید به مدت طولانی نمادی از منزلت اجتماعی بوده و حاکمان را در سراسر دنیا تزئین کرده است. تصویری از یوهانس ورمیر: دختری با گوشواره مروارید (سمت چپ) توصیف کاملی از این نماد درخشان پاکی است. مروارید، بیشتر به عنوان نشانی از ثمول، جایزه داده می‌شد و همچنین نشان‌دهنده ماه، تائیت و خردمعنوی است. از نظر چیناییان، مروارید به صورتی نمادین، تلفیق آب و آتش است.



یوهانس ورمیر، دختری با گوشواره مروارید، ۱۶۶۵-۱۶۶۶



تاج بی‌زمانی



▲ کهربای سیاه

چوب قدیمی سنگواره شده است. کهربای سیاه به عنوان طلسم در برابر بیماری و به عنوان درمانی برای میگرن، دردهای معده و سرماخوردگی به کار می‌رفت. اغلب در غرب به خاطر رنگش به عنوان جواهر سوگواری استفاده می‌شد.



▲ سولفید سرب

در کیمیا، سرب نشانگر وضعیت بیماری سنگین در وجود انسان یا روح است. سرب مظهر «زحل» و تنظیم‌کننده مرزهاست. به عنوان فلز پایه، نشان‌دهنده پایین‌ترین سطحی است که از آن پیشرفت معنوی امکان‌پذیر است.



▲ آهن ربا

ویژگی‌های مغناطیسی آهن ربا، آن را به جادو مربوط کرده است. نقل شده کسانی که آهن ربا را حمل می‌کردند، قادر بودند به سلامت از بین خزندگان عبور کنند و با موفقیت به سوی آینده پیش روند.



▲ آهن

نشان‌دهنده قدرت و استقامت است. فرهنگ‌های بسیاری به آهن مذاب به مانند امری معنوی توجه داشتند. شکل گرفتن یک شیء از طریق آهن مذاب با تولدی نمادین پیوند دارد.

▲ کهربا

در واقع شیره گیاهی سنگواره شده از درختان ماقبل تاریخ است. کهربا به صورت سنتی برای مسافران به عنوان طلسم به کار می‌رفت و برای مسیحیان اولیه بیانگر حضور الهی بود در صورتی که کهربا در چین نماد شجاعت یا روح پیر است. همچنین برای نبرد با بیماری‌هایی نظیر التهاب مفاصل به کار می‌رود.



▲ نقره

این فنجان بیزانسی از نقره ساخته شده که با ماه و ایزد بانوان ماه مثل دیانا و ملکه‌ها ربط دارد. نقره دلالت بر پاکدامنی، پاکی، خرد و نور امید دارد. در مصر باستان مردم فکر می‌کردند که استخوان خدایان از نقره ساخته شده. این فلز به عنوان پول رایج به کار می‌رفته است و همچنین نماد تمول بود.

▲ مس

این ظرف عود سوز از مس ساخته شده که با زهره همراهی دارد که نماد تأیید است. در آفریقای غربی، مس به عنوان مظهر شان اجتماعی و شیء آئینی و جادویی است. مس همچنین با شفا بخشی پیوند دارد و حتی امروزه مردم از دستبندهای مسی برای مقابله با التهاب مفاصل استفاده می‌کنند.



▲ صدف

جوامع اولیه، برای صدف ارزش خیلی بیشتری از مروارید قائل بودند. رنگ فوس و قرچی آن مظهر ایمان، پاکدامنی و بی‌گناهی است و همچنین نقل شده است که باعث افزایش توجه می‌شود.

▲ مرجان

مرجان به خاطر خاستگاه آبی خود با نمادپردازی ماه مرتبط می‌شد. یونانیان باستان آن را با تولد مجدد مرتبط می‌کردند و چینی‌ها آن را با منزلت اجتماع و خوشبختی و مسیحیان آن را با تولد مجدد مرتبط می‌کردند.

▲ عاج

رنگ عاج، آن را با پاکی مرتبط می‌سازد. در صورتی که سختی آن دلالت بر فسادناپذیری دارد. برج عاجی، نشان‌دهنده در دسترس نبودن است و در مسیحیت مظهر مریم مقدسه است.

همچنین ببینید

ماه صص ۱۸-۱۹، مرگ و سوگواری صص ۱۲۸-۱۳۱، مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹، طلسم‌ها صص ۱۹۴-۱۹۵، رنگ‌ها صص ۲۸۰-۲۸۲





حیاتی طبیعی





دنیای طبیعی، از عقاب‌های اوج‌گیرنده گرفته تا باتلاق‌های گل‌آلود و تاریک، تخیلات ما را حتی از زمان انسان‌هایی که در غارها زندگی می‌کردند، تغذیه کرده است. گیاهان و حیوانات اساساً به صورتی نمادین و

حقیقی، بر نوع نگرش ما به دنیا موثر بوده‌اند. ما به هر دوی آنها وابسته‌ایم هم برای بقا و هم برای همزیستی با حیوانات که نه تنها از آنها فقط برای غذا، بلکه برای پوشش و لباس هم استفاده می‌کنیم. در نتیجه همه‌ی وجوه زندگی ما با معانی نمادین آکنده است. از ماری که پوستش را می‌اندازد (تولد مجدد) تا محل سکونت آبی ماهی (زندگی و باروری).

حیوانات و حتی برخی از گیاهان در داستان‌های آفرینش به عنوان چهره‌ای از اجداد و نیاکان یا همراهی با خدایان نقش دارند در صورتی که حاکمان زمینی از گونه‌های پرابهت نظیر شیر استفاده می‌کردند تا شکوه خودشان را منعکس کنند. باوری عمومی وجود داشت که توانایی‌های بسیار زیاد حسی و جسمانی هماهنگ، آنها

را با قدرت‌های فوق طبیعی همراه می‌کند که از طریق آئین شمنی می‌توانستند مهار شوند. برخی باورها نظیر این که پرندگان پیام‌آوران آسمانی یا روحی هستند، به قدری قوی بودند که به دین‌های بزرگ ملحق شدند.

گونه‌های حیوانات بی‌نهایت زیادند و گاهی بازتاب رفتار خودمان هستند. مشابه انسان‌ها برخی مخوف و برخی مورد احترامند و دیگران صرفاً ما را به مانند حقه‌بازان یا دلقک‌ها سرگم می‌کنند. هیولاها و حیوانات در نگاه اسطوره‌شناسانه، اغلب نشانگر چالش‌های پیچیده‌ی روانشناسانه هستند. بنابراین «به هلاکت رساندن اژدها» استعاره‌ای است برای غلبه خیر بر شر یا در اختیار گرفتن دیوهای درونی فرد.

گیاهان و درختان هم مثل حیوانات منبع تغذیه هستند که آنها را با وفور، باروری، و چرخه ابدی حیات، مرگ و تجدید حیات مربوط می‌دانند. غلات اصلی به خصوص از نظر نمادین مهم هستند و اغلب در اسطوره‌های آفرینش نقش دارند. سایر غذاها، نظیر گیاهان و حیوانات، به صورتی نمادین و ادبی، اساساً بر نوع دیدگاه ما به





گیاهان و حیوانات اساسا به صورتی نمادین و حقیقی، بر نوع نگرش ما به دنیا موثر بوده‌اند

دنیا موثر بوده‌اند.
چای و قهوه با مهمان‌نوازی و
آئین پیوند دارند. میوه‌ها، نقطه
اوج نیروهای زایا در گیاه. با
جاودانگی مربوطند چون در
پایان هر دوره رسیده و رشد یافته
می‌شوند و شامل بذرها برای از
سرگیری حیات ابدی هستند.
تعداد بسیاری از گیاهان در
شفابخشی به کار می‌روند. در

صورتی که تعدادی دیگر مواد توهم‌زا، سم‌ها یا محرک‌هایی هستند
که جوامع اولیه به آنها همچون مواد جادویی توجه داشتند که تاثیر
مشخصی را بر ذهن و سلامت جسمانی ما برجای می‌گذاشتند.
بسیاری از گیاهان هم معطر یا رنگی هستند که به آنها طنینی
احساسی را اعطا می‌کند. زیبایی موقتی گل‌ها مظهري از شکوه و
کوتاهی دوران جوانی است و همچنین «زبان گل‌ها» توسعه یافته

است که امروزه باقی‌مانده، برای مثال رزهای قرمز نماد عمیقا مورد
قبول عشق و اشتیاق هستند.
همگام با سایر جنبه‌های زندگی گیاهی، درختان با حاصلخیزی
و چرخه زندگی همراه هستند اما اندازه‌ی بزرگ و قد بلندشان،
موضوعات بیشتری را در مورد پناهگاه، دوام و جاودانگی القا
می‌کند. بسیاری از آنها پرستیده می‌شدند و تصور می‌شد درخت
کیهانی عظیمی پیوند دهنده‌ی زمین، آسمان و دنیای زیرین است.
سایر درختان مقدس معمولا از نظر منطقه‌ای مهم هستند نظیر نخل
خرما که در خاورمیانه حافظ زندگی است.
بیشتر نمادپردازی گیاهی، مثبت است اما در جاهایی، طبیعت
وحشی و رام‌نشده‌ی ظاهر می‌شود نظیر جنگل‌ها و بیشه‌ها، عناصر
روانشناسانه در ایجاد نمادپردازی تاریک‌تر نقش دارند. به عنوان
مکانی خطرناک و تاریک که شخص در آن به آسانی گم می‌شود،
جنگل‌ها استعاره‌ای قدرتمند برای گذر از دوران بلوغ و بزرگسالی
هستند. حتی امروزه ما هنوز سعی داریم تا در دنیای اطرافمان از
طریق نشانه‌ها و نمادها این معنا را پیدا کنیم.





پستانداران

کیفیات انسانی مربوط هستند. جوامع شکارچی - گردآورنده مورد احترام بودند و گاهی حیوانات به عنوان بخشی از دنیای طبیعی، مقدس تلقی می‌شدند. حیوانات خاصی برای دستیابی به خرد غریزی آنها، به عنوان توتم یا اجداد برگزیده می‌شدند.

از زمان‌های بسیار دور، زندگی انسان‌ها و حیوانات در هم تنیده شده و منبع غنی از نمادپردازی را فراهم آورده است. حیوانات به عنوان خدایان پرستیده می‌شدند، با اقبال خوب یا بد پیوند داشتند، و به عنوان منبع قدرت و خرد در نظر گرفته می‌شدند. بسیاری از آنها به صورتی نمادین با



▲ شغال

شغال زیاده‌گردد. در هند نشانگر ویرانگری یا شیطان است، اما در مصر باستان یا نام آنویس' پرستیده می‌شد که مردگان را در مسیرشان به سوی دنیای دیگر دریافت می‌کرد. در عهد عتیق، شغال نماد ویرانی و افسردگی است.



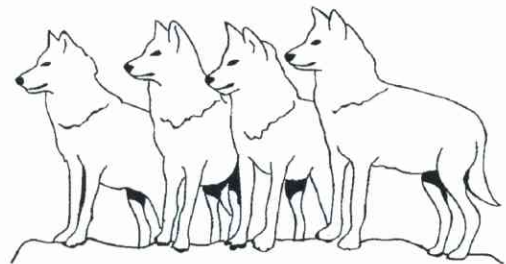
▲ کفتار

به عنوان یک لاشه‌خوار، کفتار ناپاک، ترسو و نفرت‌انگیز و حریص قلمداد می‌شود. به جهت باور قدیمی که کفتار می‌تواند جنسیت خود را تغییر دهد، نماد نابهنجاری جنسی است.



▲ رویاه

نماد نرم سخن گفتن، حيله‌گری و خیانت پیشگی و تجسم کیفیات یک حقه‌باز است. در فرهنگ‌های شرقی و سرخپوستان آمریکایی به شکل رویاه تغییر شکل می‌دهند و اغلب در ادبیات عامه، رویاه با تغییر چهره و صدا ظاهر می‌شود.



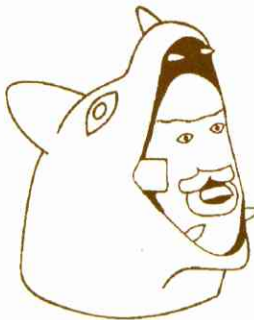
▲ گرگ

در روم باستان گرگ مظهر مراقبت مادرانه، شجاعت یا پیروزی بود. در غرب امروز، با زیرکی، سنگدلی، شهوترانی و حرص همراه است. سرخپوستان آمریکایی در رقص به او توسل می‌جویند تا ارواح را در زندگی پس از مرگ هدایت کند.



◀ راکون

در فرهنگ عامه سرخپوستان آمریکایی محبوب و یک حقه‌باز است و نماد شیطنیت، جابکی و قابلیت انطباق است. ماسک چهره راکون نمایانگر تظاهر به تغییر چهره است.



➤ خرس

در بسیاری از سنت‌های شمنی، خرس با پزشکی، شفابخشی و خرد مربوط است. عموماً نماد قدرت و شجاعت است و با الوهیت‌های جنگ‌طلب پیوند دارد.





سگ

از زمان‌های کهن، سگ به عنوان حیوان مونس و رفیق در نظر گرفته می‌شد و مظهر وفاداری، حفاظت و شکار بود. جوامع اولیه این حیوان را با دنیای روح مربوط می‌دانستند. فرهنگ‌های سرخپوستان آمریکایی و آفریقایی، سگ را ارباب آتش و باران‌ساز می‌دانستند.



▲ نشان یا علامت دولت یا خانواده

سگ که بر یک نشان خانوادگی تصویر شده نمادی از شجاعت، هوش و وفاداری است. عموماً نژادهای ترسیم شده، نازی و سگ نگهبان هستند.

▲ سیرپوس^۱

سیرپوس یا سگ سه سر نگهبان در اسطوره‌ی یونانی به عنوان نگهبان دروازه‌ی روح، نماد نگهبانی از معرفت سری مرگ و رستاخیز است.

▲ شکار
سگ از زمان‌های بسیار دور با شکار و خدایان مرتبط با آن پیوند دارد. در اسطوره‌ی یونانی، ستاره سیرپوس^۲ نماد سگ شکار اوریون^۳ (شکارچی که به وسیله آرمیس کشته شد) بود.



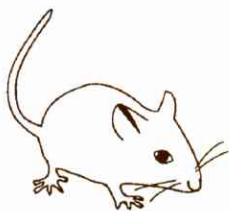
▲ سنگ قبر

توجه فرهنگ‌های بسیاری به سگ، به عنوان رفیق صمیمی، حتی در زمان مرگ است. آنها اغلب در حالت نگهبانی، وفادار و قوی بر قبور حک می‌شدند.



▲ موش صحرایی

در آسیا به عنوان اقبال خوب و ثروت مورد احترام است، اما به صورت معمولی، با مرگ و تحلیل رفتن تباهی همراه می‌شود.



▲ موش

اگرچه موش عموماً با ترسویی و کم‌رویی ربط دارد، مسیحیان آن را به عنوان اهریمنی در نظر می‌گیرند که ریشه‌های درخت حیات را می‌چود. در جای دیگر موش با صرغه‌جویی همراه می‌شود.



▲ خفاش

در غرب، خفاش یا دراکولا یا اهریمن و جادوگری پیوند دارد. این حیوان که بخشی پرنده و بخشی موش در نظر می‌شود، نماد دو رویی است. سرخپوستان آمریکایی آن را به عنوان آورنده‌ی باران قلمداد می‌کردند.



▲ خفاش میوه‌خوار

در فرهنگ عامه قوم ساموآ^۱، خفاش میوه‌خوار به عنوان نگهبان جنگل در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که در کینه‌نو نماد پیشقراول شکار است و اغلب روی سپرهای جنگی حک می‌شود.



▲ سنجاب

سنجاب قرمز در دوره قرون وسطی به خاطر رنگ و هوشیاری‌اش نماد اهریمن بود. این حیوان مظهر ایزدبانوی ایرلندی مدب^۲ است.



▲ خرگوش صحرایی

این حیوان یک حقه‌باز است و باروریش آن را با ماه مرتبط می‌سازد. در اروپا رفیق ساحره‌هاست و در شرق، تجسد قبلی بوداست.



▲ خرگوش

نمادی قمری که پیوند کهنی با باروری و تولد مجدد دارد. هوشیاری، سرعت و ترسویی‌اش، آن را در مسیحیت نماد آمادگی و هوشیاری و احساس وسوسه می‌کند.



▲ کانگورو

علامتی از استرالیا که تنها می‌تواند به سمت جلو حرکت کند و به همین دلیل نماد پیشرفت و علامت و نشان کشورش است. سرعت کانگورو و توانایی‌اش در حرکت برای ماماها بدون آب، آن را با نیرو و استقامت مربوط می‌کند. در شنیمس کانگورو نشانگر پیوندهای خانوادگی است در صورتی که از نظر بومیان استرالیایی این حیوان یکی از اجداد و حیوان توتم قبیله‌ای است.



▲ بیدستر

حیوان مهمی در اسطوره سرخپوستان آمریکایی، این استاد ساختمان‌سازی، نمایانگر صنعت و پشتکار و خانه و خانواده است. در مسیحیت بیدستر نماد پاکدامنی است.

▲ خارپشت

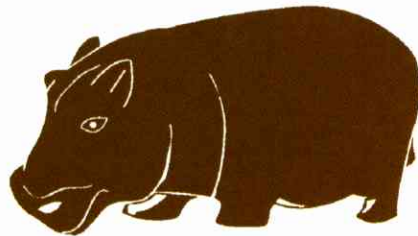
در بین سرخپوستان آمریکایی نماد محافظت از خود بود، اما مسیحیان آن را با اهریمن مربوط می‌دانستند و ایرلندی‌ها بر این باور بودند که ساحره‌ها، شکل خارپشت را به خود می‌گیرند تا از کاواها شیر بخورند.





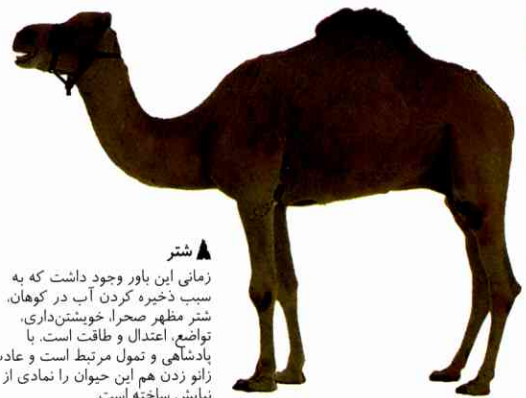
▲ بز

نمادی از مردانگی که با شهوت و باروری مرتبط است. بز همچنین نشانگر جالاکي است و بزي که از کوه بالا می‌رود دلالت بر عزم و اراده دارد. بز با خدایان یونان باستان یعنی پان، دیونیسوس^۱ و زنوس پیوند دارد.



▲ اسب آبی

در مصر باستان، زمانی که اسب آبی در لجن‌های حاصل‌خیز نیل غلت می‌زد، نماد تولد مجدد و تجدید حیات بود. ناوَرْت^۱ یا ایزدبانوی تولید بچه و محافظت یک اسب آبی باردار بود در صورتی که اسب آبی قرمز با ناسازگاری و ایزد ست^۲ در ارتباط بود.



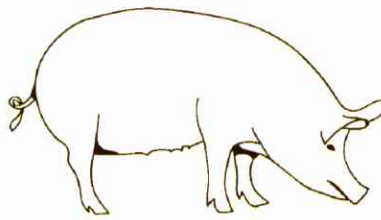
▲ شتر

زمانی این باور وجود داشت که به سبب ذخیره کردن آب در کوهان، شتر مظهر صحرا، خوشتن‌داری، تواضع، اعتدال و طاقت است. با پادشاهی و تمول مرتبط است و عادت زانو زدن هم این حیوان را نمادی از نیایش ساخته است.



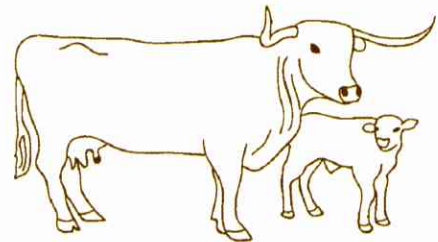
▲ گاو نر

این گاو نشان داده شده در اینجا به وسیله لاتوئیسو که موسس تائوتیسیم است رانده می‌شود و بیانگر تلاش کردن، قدرت و رفاه است. از نظر مسیحیان، گاو نر نشانه‌ی یوغ یا اسارت مسیح است. در صورتی که بودائیان گاو نر سفید را نماد معرفت یا تعمق می‌دانند.



▲ خوک

خوک با ایزدبانوی مادر همراه می‌شود و بیانگر باروری و رفاه است. اما همچنین با خودخواهی و غفلت نیز ربط دارد. یهودیان و مسلمانان، خوک را زباله‌گردی ناپاک می‌دانند. مسیحیان شکم‌پرستی‌اش را به شیطان ربط می‌دهند.



▲ گاو

نمادی از پرورش مادری است و به عنوان مظهر مادر زمین در نظر گرفته می‌شود. شاخ‌های هلالی شکل، از نظر قمری و ستاره‌ای نمایانگر ماه و شیرش بیانگر ستاره‌های راه شیری است. گاو در هندوئیسم مقدس‌ترین حیوان است.



اسب

نمادی از نجابت، سرعت، آزادی و زیبایی است و به صورت متداولی با توان فتح کردن همراه می‌شود همان‌گونه که در مجسمه‌های سوارکاری قدیمی نشان داده شده. در دنیای باستان اسب مظهري از نیروی زندگی بود که با خدایان آسمان و زمین ارتباط داشت. نمادپردازی‌های گوناگونی به اسب‌های طلایی، سفید و سیاه نسبت داده می‌شود.

▲ اسب سفید

نمادی خورشیدی از درخشش معنوی، رستخیز و زندگی است. اسب سفید نماد ایزدان، گوناگونی است و مسلمانان آن را به سعادت و خوشی ربط می‌دهند.

▲ پگاسوس^۱

همانگ و همراه با اسب سفید اسب بالدار هم نمادی معنوی یا خورشیدی است. پگاسوس اسب سفید بالدار در اسطوره‌شناسی یونان بود و اغلب سرعت فهم و اندیشه را نشان می‌داد.

▲ چهار نعل رفتن اسب

از نظر سنتی، بیانگر سرعت و نیروی حیات است و از نظر نمادین، اسبی که چهارنعل، به سرعت باد می‌رود، با آزادی و قدرت کنترل نشدنی ارتباط می‌یابد. اسب همچنین به عنوان یک پیام‌رسان نیز در نظر گرفته می‌شود.

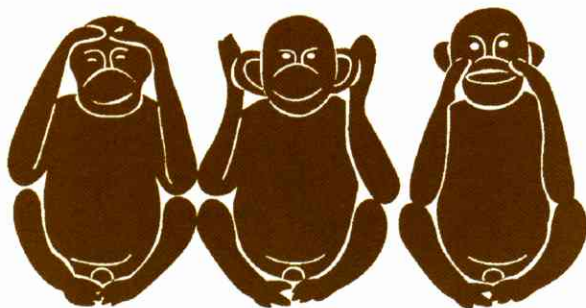


▲ هنر غار

اسب‌های خانداری که در نقاشی‌های غاری با قدمت ۲۰ هزار سال در پیمری^۱ فرانسه رویت می‌شوند، نماد کهنی هستند که در آن اسب نشانگر باد، باران، طوفان، آتش، آب‌های روان و امواج است.

**▲ کرگدن**

نماد قدرت و استقلال است و در نشانه‌های خانوادگی، نمایانگر سرخشی، زورمندی و هماهنگی است. در حالی که آفریقایی‌ها، کرگدن را نماد شجاعت و باروری می‌دانند. این حیوان به خاطر شاخش شکار می‌شود که در پزشکی به عنوان داروی مقوی کاربرد دارد. کرگدن سیاه، نماد جدیدی برای حفاظت زندگی وحشی است.

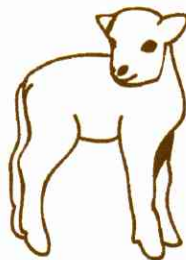
**▲ میمون**

در مسیحیت، میمون با فریبکاری و بیهودگی یا لودگی ارتباط دارد اما در هندوئیسم، ایزد میمون یا هانومن^۱ جنگجوی بزرگی بود که فرمان راما است. در زاین، میمون مورد احترام است. سه میمون عارف، نشانگر سه روش درست هستند: «هیج بدی و شری را نبین»، «هیج بدی را نشنو» و «هیج حرف بدی را مگوی».

همچنین ببینید

صص ۱۷۱-۱۷۰، مسیحیت صص
۱۷۹-۱۷۶، طالع بینی چینی صص
۲۰۴-۲۰۵، علامت‌های نشان
خانوادگی صص ۳۴۳-۳۱۸

آسمان شب صص ۲۳-۲۰، باروری
و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰،
هندوئیسم صص ۱۶۳-۱۵۸، بودائیت
صص ۱۶۹-۱۶۴، تائوئیسم و شینتو

**▲ بقره**

نماد جهانی بیگناهی، آرام بودن و سر به راهی است. در مسیحیت، بشدت برای نشان دادن مسیح و قربانی به کار می‌رود.

**▲ غزال**

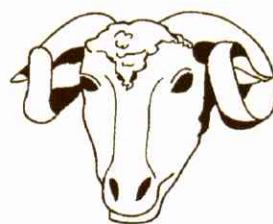
نمادی از آرامش، سرعت و لطف است. غزال در فرهنگ‌های آفریقایی و هندی مرکب خدایان بود. گریختن از شکارچی، بیانگر روحی بود که با امیال زمینی پیکار می‌کرد.

**▲ گوزن نر**

علامتی خورشیدی از باروری است. گوزن نر با شکار و نمادپردازی الهی مرتبط است و شاخ‌هایش نشان‌دهنده درخت حیات و تجدید حیات است. این حیوان اغلب در نقش و نگاره‌های نشان خانوادگی اهمیت می‌یابد.

**▲ گراز نر**

گراز وحشی نماد کهن قدرت، جسارت و باروری است. به خصوص در اروپای شمالی، سلت‌ها آن را حیوانی مقدس می‌دانند که دارای قدرت‌های فراطبیعی است و گوشت آن به صورت آئینی خورده می‌شد. گراز نر در چندین فرهنگ به عنوان تغییر شکل‌دهنده آشکار می‌شود از جمله در بین قوم درویدی و در مالانزیا. این حیوان در هندوئیسم، تجسد خدای ویشنو است.

**▲ قوچ**

نماد آتش و مظهر نیروی خورشیدی است. قوچ با ایزدان خورشید و آسمان، همچنین قدرت جنسی مردانه ارتباط دارد. پیچش شاخ‌های قوچ نمایانگر رعد است.

**▲ گوسفند سیاه**

گوسفند مظهر سر به راهی است و به عنوان بخشی از یک گله، نیاز به راهنما دارد. اما گوسفند سیاه دنباله‌رو نیست و بنابراین برای توصیف عبارت عضو ناسازگار و تک‌روی خانواده به کار می‌رود.

**▶ فیل**

مدت مدیدی در هند و آسیا، آن را با قدرت و استقلال مربوط می‌دانستند. فیل مظهر قدرت، ثبات و خرد است. خدای فیل سر یا گانشا^۲ به وسیله هندوئیان پرستیده می‌شود.

**▲ الاغ وحشی**

در غرب، الاغ وحشی نماد حماقت و لجاجت است، اما در شرق نماد ذکاوت و قدرت. در مصر الاغ‌های وحشی و صحرایی، نشان‌دهنده تنهایی و آزادی است.

▶ الاغ

الاغ نمایانگر باروری، بی‌جایی، لجاجت، تواضع و طاقت است. در «رویای شبانه نیمه تابستان» اثر ج.ک. رولینگ، شخصیت کم‌دی پاتو^۳ در اواخر داستان، یک الاغ را می‌بیند.



1- Tawaret
2- Seth
3- Pan
4- Dionysus
5- Pechmerie
6- Pegasus
7- Ganesha
8- Bottom
9- Hanuman



▲ قدرت خیر و شر

گاهی ببر به عنوان نمادی شرقی از شجاعت و قدرت در حالی تصویر می‌شود که خدایان چینی، آن را می‌رانند تا به معنای تفوق آنها بر امیال حیوانی باشد. ببر حیوانی با جنبه یانگ و دارای قدرتی برای بیرون راندن دیوهاست. در اینجا خدایی سوار بر ببر در حال انجام تعویذی است که طی آن پنج حیوان سمی را از ظرفی به بیرون می‌اندازد.



گرابه‌ها



گرابه مصری
در مصر باستان،
گرابه شکلی از
ایزد بانوی
باست است.^۱ بود.

از مصر باستان، گرابه‌ها تخیلات را تسخیر کرده‌اند. آنها به عنوان خدایان پرستیده شده‌اند، به عنوان دیو، مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند و با طیف غیرمعمولی از نمادپردازی‌های مثبت و منفی همراه بوده‌اند.

سبزیجات بود که باز هم نمادپردازی‌اش با باروری ارتباط می‌یافت. مصریان باستان به گرابه‌ها احترام می‌گذاشتند و ایزدبانوی گرابه باست را می‌پرستیدند.

گرابه‌ها در هنر

گرابه‌ها و به‌خصوص شیرها در نقاشی‌های بسیاری ظاهر شده‌اند. در اسطوره‌شناسی یونانی، یکی از دوازده کارگر هرکول قرار بود که پوست شیری را برای پادشاه اریستئوس^۱ بیاورد. او با دست خالی با شیر جنگید و این صحنه در چندین نقاشی ظاهر شده و به همین ترتیب صحنه‌های دیگری که در آنها شیری آتشگون توسط انسان خوبی رام می‌شود. برای مثال قدیس جروم^۲ با شیری به عنوان مونسش نقاشی می‌شود. نقل شده است که او تیغی را از حنجره شیر خارج کرد و بعد از آن، شیر طبیعت تند خویش را به کناری نهاد و با آرامش و به عنوان پیرو قدیس جروم، با او زندگی کرد. چنین داستان‌هایی



چشم‌ان شب

همچون مخلوقات شب، گرابه‌ها با جادو پیوند دارند.

بسیار دوست داشتنی هستند اما همچنین معانی را در بردارند که نمادی از توانایی ما برای غلبه بر ماهیت حیوانی‌مان است.



قدیس جروم و شیر

قدیس جروم به وسیله‌ی کمک به شیر بر نفس حیوانی خود مسلط شد و توان ایمان مسیحی‌اش را به اثبات رسانید.

نمادپردازی‌های خورشیدی، و قمری گرابه‌ها، شاید فقط یک نمونه از مشارکت‌های متباین است. شیر با پوشش زرد و پال سرخگونش، حیوانی با نمادپردازی خورشیدی است، اگرچه ماده شیر هم ممکن است با ایزدبانوی مادر و به همین ترتیب با ماه مرتبط شود. نقش شیرها به عنوان نمادی خورشیدی اغلب بر چارچوب معابد به مانند نگهبان‌های این فضاها مقدس حکاکی می‌شدند و سر شیر محافظ در ساختمان‌هایی برای تزئین سر ناودان‌ها به کار می‌رفت تا آب را از دیوارها دور سازد. این مجرا و لوله‌ی خورشیدی با آب تلفیق می‌شد تا نمادی از باروری را ایجاد کند. عادات شب‌روی و انزواجویی در گرابه‌ی اهلی، آن را مظهری از ماه و تاریکی می‌سازد. گرابه‌های سیاه را حالا خوش یمن در نظر می‌گیرند اما زمانی به جادوگری ربط داشتند چون زنان جادوگر اغلب با گرابه‌ی سیاه تصویر می‌شدند.

پادشاه حیوانات

در غرب به صورت بسیار شایعی، شیر پادشاه حیوانات است، در صورتی که در شرق این نقش را ببر به عهده دارد و در آمریکا، جگوار عهده‌دار این نقش است. تمام گرابه‌های بزرگ، شکارچینی درنده هستند و به همین دلیل مورد ترس و احترام بوده‌اند. در چین که گرابه‌ها مظهر شجاعت هستند، ببرها نمایانگر سرعت و قدرت و زیبایی‌اند. ایزدبانوی هندی دورگا^۳ بر ببر سوار است که به صورتی نمادین، تفوق بر امیال حیوانی را نشان می‌دهد و شیوا به دلایلی مشابه، پوست ببر را می‌پوشد. شیرها و پلنگ‌ها به خاطر قدرت و جسارتشان در هنر خانوادگی اهمیت می‌یابند و این کیفیات در دودمان‌های نجیب برجسته می‌شود.

ماهیت مقدس

گرابه‌ها ارتباطات مقدس بسیاری را در سراسر دنیا دارند. جاکوار، تجسد خدای متعالی ازتک یا تزکات لیپوکا^۴ است و در باورهای مایایی، روحانیون در حالی تصویر می‌شوند که لباس‌هایی از پوست جاکوار را در طول مراسم قربانی می‌پوشند. جاکوار همچنین با شمن‌های آمریکای جنوبی هم در ارتباط است که آنها به عنوان نمادی از قدرتش، شکل‌های حیوانی به خود می‌گیرند و یا پوست‌های جاکوار را می‌پوشند. در دنیای قدیم، پلنگ ویژگی خدای رومی باکوس^۵ (یونانی دیونیسوس^۶) بود و به آیین باروری مربوط می‌شد. در صورتی که در مصر مظهر ازیریس یا خدای دنیای زیرین و



جاکوار

فرهنگ‌های آمریکای مرکزی تصور می‌کردند که پروردگار شب، نگهبان و محافظ است و اغلب بر ظروف سفال از تنک

صص ۱۴۱-۱۴۰، شمنیسم صص ۱۵۵-۱۵۴.
ناتوئسم و شینتو صص ۱۷۱-۱۷۰، زنان جادوگر
و دین ویکا صص ۱۹۳-۱۹۲، علامت‌های نشان
خانوادگی صص ۳۱۸-۳۲۳

همچنین ببینید
ماه صص ۱۸-۱۹، آب صص ۳۳-۳۲، ایزدان
مصری صص ۱۳۸-۱۳۹، ایزدان رومی و یونانی

1- Bastet
2- Durga
3- Tezcatlipoca
4- Bacchus
5- Dionysus
6- Eurystheus
7- Jerome



[پرندگان]

دارد. خدایان پرنده سر در هنر مصری نشان از وجه معنوی طبیعت انسان داشتند. به صورت سنتی هم پرندگان با خرد، هوش و تیزفکری پیوند دارند. عبارت «پرنده کوچکی به من گفت» از باور کهنی ناشی می‌شود که پرندگان محرم اسرار هستند.

توانایی پرندگان برای پرواز، آنها را به صورتی نمادین به عنوان پیام‌آوران بین زمین و آسمان مطرح می‌کند. آنها همچنین بیانگر روح هستند، زیرا پرواز به معنای رهایی از محدودیت‌های جسمانی است که در قیود زمینی دنیا وجود



▲ ایبیس

در مصر باستان، ایبیس نماد خرد و تجسّدی از خدای توت بود که با کاتبان ارتباط داشت و مومیایی می‌شد تا در زندگی پس از مرگ تعلیم دهد.



▲ مرغ ماهی‌خوار

با سعادت زناشویی، لطف و سرعت ارتباط دارد. همچنین با پرنده افسانه‌ای که دریا را آرام می‌کند (مرغ هالسیون) و در اسطوره‌شناسی یونانی نشان‌دهنده آرامش و سکوت است، در ارتباط است.



▲ حواصیل

این پرنده خورشیدی، سهم زیادی را در نمادپردازی لک و درنا دارد و نشانگر هوشیاری، آرامی و تدبیر است. در مصر باستان نمادی از خورشید صبحگاهی و تجدید حیات بود.



▲ پلیکان

این افسانه که پلیکان، فرزندش را با خون سینه‌اش تغذیه می‌کند، او را نمادی از عذوق و عشق و قربانی مسیح می‌سازد.



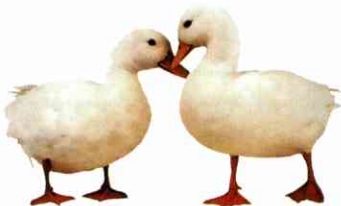
▲ مرغ دریایی

مرغ دریایی سرگردان، نماد مسافرت‌های دریایی طولانی است و از نظر قوم‌ماتوری، نشانگر قدرت و زیبایی است، در صورتی که در غرب نشان‌دهنده روح دریانورد مرده است که قصد کشتن یک فرد بداقبال را دارد.



▼ غاز

حاکم از هوشمندی است. مهاجرت غازهای وحشی، آنها را نمادی از آزادی و شروع مجدد می‌سازد. در هندوئیسم، غاز مرکب برهما یا خدای خالق است. در فرهنگ عامه، غاز نشان‌دهنده زندگی خانوادگی، وفاداری، بدگویی و پرخرفی است.



▲ اردک

در اسطوره‌های فرهنگ‌های گوناگون، پرندهای خالق دانسته می‌شود و به صورت متداول، آن را با جاودانگی مربوط می‌دانند. در چین، اردک جینی به معنای سعادت زناشویی و وفاداری است. در صورتی که سلتی‌ها بر این باورند که اردک نمایانگر کاردانی و صداقت است.



زئوس با تغییر قیافه به شکل یک قو درآمد.



▲ قو

قو نماد زیبایی و پاکی است و پرندهای خورشیدی است که با نور ارتباط دارد و با آپولو پیوند می‌یابد. عادت او که در طول عمر یک جفت دارد او را نمادی از وفاداری ساخته است. در اسطوره یونانی، زئوس به شکل قویی درمی‌آید تا لدا را بریابد.

▲ فلامینگو

مصریان باستان این پرنده را به عنوان شخصیتی از خدای خورشید یا رع تکریم می‌کردند و چون رنگش برطبق رژیم غذایی تغییر می‌کند، فلامینگوها همچنین با توهم و تغییر شکل مرتبط بودند.



▲ لک‌لک

عادت مهاجرت، این پرنده را به بهار و زندگی جدید ربط می‌دهد. لک‌لک همچنین نمادی اخبار خوب است و پیوند نمادینش با تولد بچه به اسطوره‌شناسی یونان باستان بازمی‌گردد که در آنجا برای هرا/ملکه خدایان المپ، همسر و خواهر زئوس و ایزدبانوی ازدواج یا حامی تولد بچه مقدس بود.



▲ کیوی

علامت جهانی زلاندنو و به عنوان فحش برای اهل زلاندنو است و همچنین در نماد نظامی هم به کار می‌رود. بر طبق اسطوره‌ای از پلی‌نریا، این پرنده از کالاباش یا گیاهی مسکر (مو) آفریده شده است.



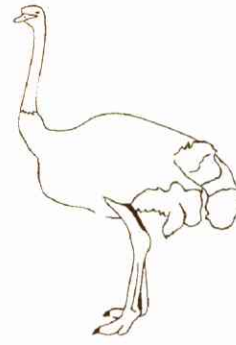
▲ بلدرچین

با بهار یا تابستان، میل جنسی و زندگی جدید ربط دارد. آن را هدیه عاشق در نظر می‌گیرند. بلدرچین در فقس نماد روح زندانی است. از نظر رومیان نماد شجاعت بود و به عنوان پرنده‌ای جنگجو به کار می‌رفت.



▲ درنا

در آسیا حرکات دقیق درنا نشانگر تدبیر است. در چین به معنای جاودانگی و همچنین نمادی از هوشمندی است. درنای دوسر در اسطوره‌شناسی مصری حاکی از رفاه است.



▲ شترمرغ

نشان خانوادگی ایمان و تأمل است. در مصر باستان پر شترمرغ نمادی از حقیقت بود. از نظر زرتشتیان، پرنده طوفان الهی بود در صورتی که در فرهنگ‌های بابلی و سامی، حیوانی اهریمنی بود.



▲ هدهد

در مصر باستان نماد خوشی و محبت بود. این پرنده همچنین مظهر خلوص فرزندی است چون نقل شده که از والدین پیرش مراقبت می‌کند. هدهد در چین علامت شانس و اقبال به نظر می‌رسد.

جغد نماد ایزدبانوی یونانی آتنا و شهر او آتن بود.



▲ جغد

به عنوان پرنده شب روی شکاری یا تاریکی، مرگ، خرد و جادوگری پیوند دارد. بومیان استرالیا بر این باور بودند که جغد نشان‌دهنده روح زنان است. فرهنگ‌های بسیاری، جغد را به نمادهای معنوی پیوند می‌دهند.



▲ قوش

پرنده‌ای خورشیدی و نمادی از قدرت مردانه است. پرواز در اوجش حاکی از آزادی روح است. از نظر سرخیوستان آمریکایی پیام آور اجداد است. به وسیله اشراف برای شکار استفاده می‌شود و نشان‌دهنده اشراف‌زادگی هم هست. این حیوان در مصر باستان نماد سلطنت الهی بود.



▲ شاهین

به خدایان خورشید نسبت داده می‌شود و نمادی از آسمان‌ها، قدرت پادشاهی و خرد است. از رنگ‌ها آن را به عنوان پیام‌آور خدایان می‌شناختند. در چین به معنای جنگ و در مصر باستان نشان‌دهنده روح بود.



▲ کندر (جانور آمریکایی)

نماد مهم سرخیوستان آمریکایی که هم خالق است و هم ویرانگر. تصور می‌شد که پنهان‌بال وسیعش موجب کسوف است. کندر کالیفرنایی یا شقایخی و قدرت‌های فراطبیعی ربط دارد و در قربانی آئینی به کار می‌رود.

▶ لاشخور

چون بر دور جسم مرده می‌گردد، نمادپردازی مختلفی دارد. از یک طرف نماد مرگ و فرصت‌طلبی است و از سوی دیگر نماد پاک‌سازی است. تنی‌ها و پارسایان هند، مردگان‌شان را به لاشخوران می‌سپردند و بر این باور بودند که این پرنده‌گان می‌توانند روح جسد را رها سازند یا منتقل کنند. لاشخور همچنین نماد دل‌نگرانی مادرانه است چون شایع است زمانی که غذا کمیاب است، از جسم خودش، بچه‌ها را می‌خورد.



همچنین ببینید

خورشید صص ۱۶-۱۷، یاوروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰، خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸، خدایان یونانی و رومی صص ۱۴۱-۱۴۰



طاووس

شکوه طاووس بیانگر الوهیت، پادشاهی، زیبایی و عشق است. در هندوئیسم این پرنده مرکب خدای جنگ کارتیکیا (سکاندا) است. در صورتی که بودائیان، طاووس را با شفقت و هوش برابر می دانند. علامت های روی دم طاووس شبیه چشم ستاره و نمادهای خورشیدی هستند. خرامیدن طاووس تر یا تکبر و عجب مرتبط است.



خروس

پرندهای خورشیدی که نماد طلوع، غرور مردانه، باروری و شجاعت است. تاج او نمایانگر فرمانروایی است. خروس برای چندین خدای روم و یونان باستان، مقدس بود و تصویرش در دین شینتو بر طبل هایی که برای فراخوان مردم جهت نیایش بود، کشیده می شد.

طوطی

به تقلید تمسخر آمیز شناخته می شود و به همین جهت نماد تقلید است. طوطی مظهر کامه، خدای عشق هندو است. چون مردم در موضوع عشق، از یکدیگر تقلید رفتاری می کنند. سرخپوستان آمریکایی، طوطی را حامل نیایش ها، آورنده ی باران و حکیم می دانستند.



کلاغ

کلاغ مرده خوار هم شبیه به زاغ در اروپا نمادپردازی منفی دارد و با اقبال بد، مرگ و شیطان پیوند دارد. سرخپوستان آمریکایی آن را خالق، ادب کننده و پرندهای خورشیدی می دانستند. در ژاپن، کلاغ نماد عشق خانوادگی است. در صورتی که مسیحیان، خصوصیت بیرون آوردن چشم های جسد را توسط کلاغ یا این خصوصیت شیطان که گناهکاران را کور می کند، مرتبط می دانند.

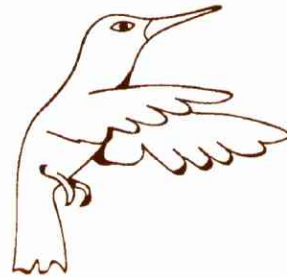
زاغ

پرندهای سخنگو که با پیشگویی ارتباط دارد، اما نمادپردازی های مختلفی دارد. در برخی فرهنگ ها بیانگر خورشید و خرد است و در فرهنگ های دیگر مظهر تاریکی و ویرانی است. در اسطوره شناسی روزی، آدین یا دو زاغ همراه می شود در صورتی که سرخپوستان آمریکایی آن را خدایی خالق و حقه باز می دانستند.



مرغ

تصویر سنتی مرغ چاق که به جوجه هایش توجه زیادی دارد به طور معمول با مراقبت مادری همراه یا فقد مربوط است. مرغ همچنین دلالت بر تولید مثل و مداخله الهی دارد. در شریعت عبری یک مرغ و خروس با هم نماد جشن عروسی یک زوج است.



مرغ مگس خوار

پیام آور شادی آور خدایان در نظر گرفته می شود. از نظر سرخپوستان آمریکایی نماد زیبایی، هماهنگی، حقیقت و قدرت است. پرهایش زینت بخش خدایان ازتک و مایایی بود و مشهور بود که خواص جادویی دارند. مرغ مگس خوار نماد تولد مجدد و شفا بخشی هم هست.



زاغی

زاغی پرحرف، پرندهای غیبگو است. در غرب، پروبال سفید و سیاهش، آنها را به اسفغان مرتبط می کند در صورتی که در چین جاکلی از شانس خوب و عشق است و در همین حال، بومیان استرالیایی، آن را به شادی و سرور ربط می دهند. اما در فرهنگ عامه اروپایی، زاغی صرفا به عنوان علامتی بد در نظر گرفته می شود.



بلبل

شهرت بلبل به خاطر آواز زیبایش است که در سراسر روز و شب ادامه دارد. بلبل با اشتیاق، عشق و مرگ در ارتباط است. در سنت مسیحی آواز بلبل بیانگر آرزوی بهشت است در صورتی که همسرایی صبحگاهی شاد او، نمادی از آمدن نور عیسی است.



جیجاق

شهرتش به لانه دزدی و تقلید، جیجاق را به اقبال بد و اذیت و آزار ربط می دهد. سرخپوستان آمریکایی آن را به مانند حقه باز، خالق و نگهبان در نظر می گرفتند. سروصدا و جیک جیکش، از نزدیک شدن دشمنان خبر می دهد.



پرنده بهشتی

به خاطر پروبال عجیب و غریبش و آئین‌های جنگگری مفصلش مشهور است. پرنده بهشتی نماد گینه‌نو است. این پرنده در پهنای بخش قرمز پرچم ملی پرواز می‌کند که بیانگر آشکار شدن پیروزی برای کشور است. قبایل محلی از پرهاي زینتی پرنده بهشتی در آئین‌ها به عنوان تزئین استفاده می‌کنند.



فاخته

منادی سنتی بهار در اروپای شمالی و نمادی از باروری است. عادت انگل وارزش در قرار دادن تخم‌هایش در لانه پرنده دیگر، او را با خودخواهی و بی‌وفایی مرتبط می‌کند و از همین‌جا، این واژه برای مردی به کار می‌رود که زنش را وادار به خیانت می‌کند، اما تیت‌ها، فاخته را پرنده‌ای مقدس می‌دانند و به آن قدرت‌های جادویی نسبت می‌دهند.



پرستو

منادی امید و فصل بهار است و پرستویی که با سرعت فرود می‌آید به معنای شانس خوب است. مهاجرت سالیانه و عادت او در بازگشت به همان لانه قبلی به عزیمت و بازگشت مربوط است که نشان‌دهنده مرگ و رستاخیز است.



توکای سیاه

آواز جذاب و پروبال سیاه و برافش، توکا را نمادی مسیحی از وسوسه‌انگیزی جنسی قرار داده است.



دودو

از قرن هفدهم منقرض شده است. دودو نماد چیزی است که مرده یا منسوخ شده. این پرنده نشان دولتی جزیره موریس است و همچنین علامت سازمان‌های امنیتی خاصی است.



کیوتر

نماد جهانی صلح و روح است. کیوتر برای نوح شاخه‌ای زیتون می‌آورد که علامت بخشش نژاد بشر توسط خداوند پس از سیل است. با روح الهی ارتباط دارد و نمادی از غسل تعمید است. در روم باستان، کیوتر برای ونوس، مقدس بود، در حالی که در چین بیانگر باروری است. کیوتر معمولی نمادی از عشق و وفاداری است.



گنجشک

گنجشک معمولی در مسیحیت نماد بی‌ارزشی است. قدیس فرانسیس آسیری عشقش را به همه حیوانات با مخاطب قرار دادن این پرندگان و بیان موعظه‌اش نشان می‌داد. گنجشک همچنین نشانگر باروری و مظهر آفرودیت، ایزدبانوی عشق یونانی است. در ژاپن نماد وفاداری است.



الیکایی

این پرنده کوچک نماد روح است و در فرهنگ عامه اروپایی به عنوان «پادشاه پرندگان» شناخته شده بود. از نظر سرخپوستان آمریکایی نمادی از خوشی است. الیکایی به صورت سنتی، نماد



سینه سرخ

در اروپا سینه سرخ نماد محبوب کریسمس است و با انقلاب زمستانی مرتبط است. همانند سهره، نقل شده که سینه سرخ، خاری را از تاج مسیح خارج کرد و خون بر سینه‌اش ریخت.



سهره

در هنر مسیحی، صورت قرمز این پرنده نمادی از مصیبت مسیح است. چون سهره با خارها و تیغ‌ها مرتبط است، در جای دیگر نشان‌دهنده باروری است و نمادی از حفاظت در برابر طاعون بود.

همچنین ببینید

خورشید صص ۱۶-۱۷، سر صص ۱۰۹-۱۰۶
قهرمانان، حقه‌بازان و توت‌های قبیله‌ای صص ۱۵۱-۱۵۰
هندوئیسم صص ۱۶۳-۱۵۸، مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶



▲ عقاب دوسر

این علامت دولتی تزئین شده چارلز پنجم، امپراتور مقدس رومی از ۱۵۱۹ تا ۱۵۵۶ است که عقاب دوسری را نشان می‌دهد و نشان‌دهنده امپراتوری‌های روم شرقی و غربی است. یک سر به سوی غرب یا روم نگاه می‌کند و سر دیگر به سوی شرق یا بیزانس می‌نگرد.



علامت دولتی



عقاب‌ها



نماد شناخته شده جهانی و بدون ابهام قدرت؛ عقاب به صورت رایجی با نمادپردازی آسمانی و خورشیدی در ارتباط است و با پادشاهی و خدایان پیوند می‌یابد.

است. عقاب دوسر نماد خورشیدی کهن است و در علائم دولتی و خانوادگی به کار می‌رود.

پیام‌آور الهی

عقاب در حالی که در آسمان اوج می‌گیرد، نزدیکی به خداوند را نشان می‌دهد و با عروج مرتبط است. در کلیساهای، کتاب مقدس، اغلب روی میز خطابه‌ای عقاب شکل قرار می‌گیرد که نشانگر قدرت و وحی کلمه خداوند است. به عنوان نمادی از قدرت عرفانی، عقاب به صورت متداولی پیام‌آور الهی در نظر گرفته می‌شود و همچنین نشان‌دهنده حفاظت از امور معنوی است که حکایت از توانایی صعود به عرصه‌های بالاتر از دنیای مادی را دارد تا حقایق معنوی پنهان را ببیند. در فرهنگ سرخپوستان آمریکایی، عقاب حاکم از الهام و وحی است. عقاب با خدایان بی‌شماری ارتباط دارد و همچنین نماد سلتی تولد مجدد و شروع دوباره



جنگجوی عقاب

این مجسمه از تنگی از نیومکزیکو، عقابی را نشان می‌دهد که نماد شجاعت در بیکار است.



مهر ریاست جمهوری ایالات متحده

عقاب قدرتمند در اینجا در طرح اصلی در سال ۱۸۸۸ ظاهر می‌شود. شاخه زیتون نماد صلح است و ۱۳ پیکان (۱۳ مهاجرنشین اصلی)، علاقه به دفاع از کشور را نشان می‌دهد.

است. از نظر مصریان باستان، عقاب نماد زندگی ابدی بود.

اندازه، توانایی و اقتدار عقاب، این پرنده را مظهر قدرت می‌سازد. در صورتی که قدرت دید قوی، سرعت، مهارت در شکار و توانایی‌اش برای به آسانی چرخ زدن در آسمان‌ها، همگی ارتباطات نمادینی را به نمایش می‌گذارند. اغلب عقاب با افعی، گاو نر یا شیر همراه می‌شود که به صورت نمادینی با پیروزی معنوی پیوند می‌یابد.

علامت قدرت

این پادشاه پرنده‌گان یعنی عقاب با پروازش بر اوج، منزلت و مقام، پیروزی و علم مطلق را نمادپردازی می‌کند. عقاب در ارتباط با قدرت و رهبری، به عنوان نماد حاکمیت و هویت ملی به وسیله مللی از جمله آمریکا و آلمان و تمدن‌های قدرتمندی همچون امپراتوری روم برگزیده شده است. عقاب همچنین علامت پادشاهی امپراتوری‌های روسیه و اتریش بود و با پرچم ناپلئون دیده می‌شد. ویژگی‌های جسمانی

این پرنده و آوازه‌اش به عنوان صیادی ترسناک، آن را با نمادپردازی جنگجویی و خدایان جنگ نظیر ادین در اسکاندیناوی ارتباط می‌دهد. چینی‌ها عقاب را با شجاعت، پایداری، توانایی و بی‌باکی برابر می‌دانند در صورتی که در مسیحیت نشانگر قدرت خداوند است.

پرنده خورشید

عقاب به عنوان پرنده‌ای خورشیدی، نماد خدایان آسمانی است و علامت خدای خورشید رومی «سُل اینویکتوس» به معنای «پیروزی بر تاریکی» است و مظهر امپراتور بود. در فرهنگ سرخپوستان آمریکایی، سیوکس‌ها بر این باور بودند که پرهای عقاب نشان‌دهنده پرتوهای خورشید است. از تک‌ها این پرنده را خورشید طلوع‌کننده و بلعنده افعی تاریکی می‌دانستند. در سنت عبری نماد شرق و شروع مجدد



پرنده جاپونگوا

کلمه‌ای از شونا (زبانی در آفریقای جنوبی)، به معنی «عقاب بانگر» (گونه‌ای از عقاب)، این پرنده مورد تکریم و تقدیس بود چون محافظ، هدایت‌کننده روح و پیام‌آور الهی بود. این پرنده حکاکی شده متعلق به شهری مخروبه در زیمبابوه بزرگ است.

همچنین ببینید

خورشید صص ۱۶-۱۷، خدایان مصری صص ۱۲۸-۱۲۹، خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۰-۱۴۱، یهودیت صص ۱۷۲-۱۷۳.

مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶، نشانه‌های خانوادگی صص ۳۱۸-۳۲۳



[خزندگان و دوزیستان]

امر نشان‌دهنده توانایی حرکت بین دنیای مادی و معنوی است. عادات آنها، ظاهرشان و اغلب ساز و کارهای دفاعی غیرعادی‌شان در نمادپردازی آنها سهیم است.

خزندگان و دوزیستان اسرارآمیز، مربوط به دوران کهن و اغلب تهدیدکننده، به مدت طولانی تخیل انسانی را تسخیر کرده‌اند. آنها با خورشید و ماه، کیهان و نمادپردازی آفرینش مرتبطند و دلالت بر تغییر و از سرگیری مجدد دارند. زیرا بسیاری از آنها به صورت دوره‌ای پوست می‌اندازند یا رنگشان تغییر می‌کند. دوزیستان و خزندگان خاصی می‌توانند در آب هم مثل خشکی زنده بمانند که این

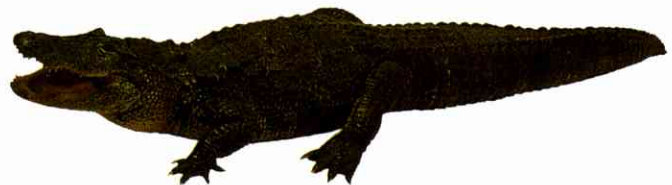


▲ سوسمار ناظر

حیوانی توتم که با جادو مرتبط است و نشان‌دهنده تغییر شکل دادن، تغییر، جایگی و بی‌تفاوتی آشکارا و واقعی است. زمانی تصور می‌شد که سوسمارها عموماً زبانی ندارند پس نماد سکوت بودند. آنها همچنین نشان‌دهنده خرد الهی به شمار می‌آمدند.

▲ سمندر

معمولاً به عنوان ازدهایی کوچک یا سوسماری بدون پال تصویر می‌شود که از شعله‌های آتش به بیرون می‌جهد. سمندر نماد آتش است. در نشان‌های خانوادگی با شجاعت در ارتباط است. در ابتدا این باور وجود داشت که فاقد جنسیت است این حیوان همچنین نشان‌دهنده پاکدامنی است.



▲ سوسمار آبی

توتم سرخسوستی که نشانگر عشق مادری (متفاوت با سایر خزندگان، این حیوان از لانه‌اش نگهبانی می‌کند) پنهانی کاری، بقاء و قابلیت انطباق است. در کلمبیا پیوندهای تمساح شدن اسطوره‌شناسانه‌ای وجود دارد که منجر به تغییر شکل به شکل این حیوان می‌شود.



▲ آفتاب‌پرست

به خاطر توانایی‌اش در تغییر رنگ پوستش معروف است. آفتاب‌پرست نماد بی‌ثبات بودن است. همچنین این حیوان هر چشم خود را به صورتی مستقل حرکت می‌دهد. از این رو تصور می‌شد که یک چشم او به آینده و چشم دیگرش به گذشته نظر دارد.



▲ تمساح

به صورت گسترده‌ای مورد احترام و ترس است. تمساح با عنوان خدای سبک در مصر پرستیده می‌شد و در آنجا نماد طلوع خورشید و آب‌های بارورساز و همچنین نگهبان مدخل بین زندگی و مرگ بود. به صورت سنتی نقل شده که بعد از خوردن انسان اشک می‌ریزد که این مساله معروف به اشک تمساح است.

▲ سوسمار قوی‌هیکل

بر طبق افسانه‌ای از قوم ناواجو متعلق به سرخپوستان آمریکا، این سوسمار اولین جادویش بود. طرز راه رفتن عجیبش که با دستانی لرزان همراه است، نشان‌دهنده توانایی شمنی برای پیشگویی کردن و مذاوا کردن بیماری‌های سخت و جدی است.

▲ سوسمار بالدار

در اسطوره‌ای استرالیایی، سوسمار بالدار نشان‌دهنده گوندامن و نیاز به وفادار بودن به نظم قبیله‌ای است. در آغاز مردی با پوست نرم به نام گوندامن به خاطر خلافتاری تنبیه و به سوسمار بالدار تبدیل شد.



مارمولک

نماد خرد، جابجایی و قابلیت انطباق است. مارمولک بی‌ضرر (نوع سوسمار کوچک خانگی) به عنوان شانس در نظر گرفته می‌شود و حیوانی مقدس است. توانایی‌اش در رشد مجدد قسمت جدا شده دهنش، نشانگر شروعی مجدد است.



سوسمار شاخدار

نماد شفابخشی و شادی برای سرخپوست آمریکایی است. قبایل میمیر^۱ و آناسازی^۲ در جنوب غربی ایالات متحده، اغلب آن را بر ظروف سفالینه و سنگ نوشته ترسیم می‌کردند و همچنین این خزنده نشان دولت تکزاس است.



لاک‌پشت

به صورت واضحی با نمادپردازی قمری، مادر زمین و آب پیوند دارد. لاک‌پشت اغلب به عنوان محافظ دنیا در آغاز آفرینش توصیف می‌شود و با عمر طولانی و آهستگی ناشی از کم‌تحرکی مرتبط است. در چین این باور وجود داشت که لاک‌پشت قدرت‌های غیبی دارد.



لاک‌پشت دریایی

یک لاک‌پشت دریایی خادار، دریانوردی است که از خط استوا عبور کرده. در مصر باستان لاک‌پشت دریایی نشان‌دهنده خشکسالی است در صورتی که در فرهنگ سرخپوستان آمریکایی، این حیوان فخر فروشی ترسو بود.

لاک‌پشت خوراکی

این باور وجود داشت که در بهارهای مقدس شمال آفریقا، لاک‌پشت‌های خوراکی مظهر ارواح آب قدرتمند هستند. بنابر این کشتن آن‌ها علامت بداقبال بود. لاک‌پشت خوراکی به عنوان حقه‌باز در اسطوره‌ی سرخپوستان آمریکایی تصویر می‌شود.



همچنین ببینید

خورشید صص ۱۶-۱۷، ماه صص ۱۸-۱۹
باروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۴
حقه‌بازان، قهرمانان و توت‌م‌های قبیله‌ای صص ۱۵۱-۱۵۰

قورباغه‌ها و وزغ‌ها

از مصر باستان تا ژاپن، قورباغه‌ها و وزغ‌ها به مدت طولانی، با طیف وسیعی از نمادپردازی‌ها همراه بوده‌اند که بیشتر آن با باروری و جادو ارتباط دارد. دوره‌ی زندگی دگرذیسی، آنها را به نمادپردازی آب و ماه پیوند می‌دهد. آنها همچنین با تغییر شکل و تولد مرتبطند، بنابراین داستان‌های غامضانه راجع به قورباغه‌هایی هستند که به شاهزاده تبدیل می‌شوند. در قرن پانزدهم در اروپا، قورباغه‌ها و وزغ‌ها با جادو و جادوگری پیوند داشتند.



نوزاد قورباغه

دگرذیسی نوزاد قورباغه به قورباغه نماد رسا تغییر است. در مصر باستان قورباغه نمادی جتنی به حساب می‌آمد در صورتی که هکت^۱ یا ایردنبوی قورباغه‌ی تولد یا تکامل پیوند داشت.

قورباغه

در اسطوره سلتی، قورباغه پروردگار زمینی و آب‌های شلخیش است. در صورتی که مایاها آن را خدای آبی می‌دانستند که غور غورش به معنای طلب باران است. در چین نمادی قمری و پانگ است.



قورباغه گاوی

دوربینی شیره‌جو و بزرگ که به خاطر قدرت صوتی‌اش مشهور است. در هند مظهر رعد است در صورتی که در چین تصور می‌شد که دلیل خسوف است چون ماه را می‌بلعد. این قورباغه علامت دولتی اوکلاهاما و میسوری است.

گله قورباغه

در کتاب مقدس گله قورباغه یکی از بلاهای نازل شده بر مصر توسط خداوند است تا به مردم هشدار دهد که تغییر رویه دهند.



وزغ خیزرانی

از نظر ریمون استرالیایی این وزغ بسیار سمی، نماد حماقت انسان سفیدپوست است چون آنها این گونه را به اروپا معرفی کردند. نمادپردازی این حیوان مثله سایر وزغ‌هاست و به عنوان پرورش‌دهنده‌ی برادر و ولد یا باروری ارتباط دارد.

وزغ

در اروپا، ترشح سم وزغ، آن را با نمادپردازی اهریمنی پیوند می‌داد. همچنین مظهر مرگ و دوست جادوگر بود. وزغ در چین یک باران‌آور است و دلالت بر شانس خوب دارد.





مارها

مار با ظاهر غیرعادی و نوع حرکت منحصر به فردش، همواره مجسم‌کننده‌ی همزمان فریبندگی و تنفر است. زیبایی ساده در شکلش با نمادپردازی قوی و پیچیده‌اش تفاوت دارد.



خرد ماری

ارتباطات کیهانی و اجدادی با توانایی مار برای به نرمی حرکت کردن در تاریکی تلفیق شده است و نگاه بدون پلک و اسرارآمیزش او را با خرد پیوند داده. در مصر باستان، مار کبری نشانگر خرد الهی و پادشاهی بود. مائوری‌ها مار را با خرد زمینی برابر می‌دانستند در صورتی‌که در فرهنگ‌های بسیاری، مارها عاقلند و میانجی‌های زیرکی بین آسمان‌ها، زمین و دنیای زیرین هستند. در هند مارها با خدایان شیوا، ویشنو و گانشا مرتبطند. در بودیسم تنتره، ستون معنوی انرژی در درون ستون مهره‌ها با مار یا «کندالینی»^۱ نمادپردازی می‌شود.



این حیوان نماد بی‌نیازی، اسرارآمیزی، سکونت در سوراخ‌های زیرزمینی و پوست‌اندازی است. مار مخلوقی است که زیر زمین ساکن است یعنی به دنیای زیرمینی مربوط است. در

➤ **نماد پزشکی**
کادیوسکوس^۲ که میله‌ای است که دو مار به دور آن پیچیده‌اند، علامتی کهن از شفابخشی است که با هرمنس یا پیام‌آور خدایان یونان ربط دارد.

رودخانه‌های پیچ و خم دار، تپه‌های متناوب و به هم پیوسته، ریشه‌های به هم گره خورده و حتی کیهان مارپیچی است. در نتیجه در نمادپردازی‌های بی‌شمارش، موضوعاتی همچون ثنویت، باروری، نیروی حیات آغازین و آفرینش را در بر دارد.

باروری و تولد

مار به خاطر شکلش، نزدیکی با زمین و توانایی در پوست‌اندازی، نماد باروری و آلت تناسلی مردانه

▲ **ناگای**
ناگای هندو یا مار، نگهبان مدخل نیکخواهی است که با باران، حاصلخیزی و شروع مجدد ارتباط دارد. اغلب با بالانته انسانی و دم مار تصویر می‌شود.

است که به مادر زمین مربوط است و در بخش‌هایی از اقیانوسیه با بارداری پیوند دارد. در مناطق دیگر، مار آورنده‌ی باران و نشانگر نیروی حیات که در هماهنگی با اسرار زمین است. در اسطوره‌شناسی هندو، ویشنو بر ماری استراحت می‌کند که در اقیانوس کیهانی شناور است. در اقیانوسیه، مار شخصیتی خالق است ولی در نقاط دیگر نیایی اسطوره‌ای است شبیه به مار رنگین کمانی بومیان استرالیایی. به عنوان باران آورنده، در دریم تایم (زمان آفرینش در اسطوره‌ی بومیان استرالیایی) که زمین شکل گرفت و چیزهای زنده خلق شدند، نشان‌دهنده باروری و وفور کشاورزی است.

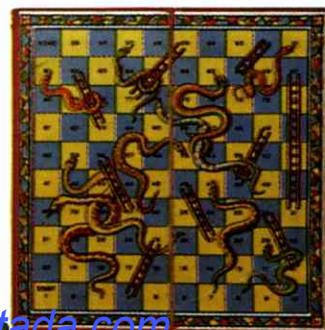


نگهبان مردگان

مرت سکر^۱ یا نگهبان مردگان مدفون شده همچون مار کبری چنبره زده در محل خاکسپاری^۲ و است^۳ در مصر نشان داده شده است که معنای نام او «اوست که سکوت را دوست دارد» است.

قدرتی دوگانه

در اسطوره‌شناسی و دین، مار قدرتی دوگانه دارد که حاکی از نمادپردازی‌های مثبت و منفی است که هم محافظ و هم ویرانگر، نور و تاریکی، خیر و شر است. زهرش می‌تواند کشنده باشد و مخلوقات بزرگ‌تر از خودش را می‌بلعد، اما عادت پوست‌اندازی‌اش آن را با شفابخشی و رستایش مرتبط می‌کند. در مسیحیت، مار حوا را گمراه می‌سازد، به این ترتیب که او را قانع کرد که از میوه‌ی ممنوعه بجشد، خداوند مار را که حالا به مانند شیطان به نظر می‌رسید، نفرین کرد، اما در بودیسم، پادشاه ماران به بودا پناه داد و مار در پرتو مثبت‌تری دیده می‌شود. این که خانه‌ی مار در مکان‌های تاریک زیرزمین است این حیوان را به دنیای زیرین مربوط ساخته که در آنجا قدرت‌های مردگان را به دست می‌آورد. در مقابل با ایزدان و قدرت‌های الهی هم پیوند دارد.



مار و پله

در آغاز، بازی هندی بود که در آن فضایل (نردبان‌ها) به بازیکنان اجازه می‌دادند تا به ملکوت بروند در صورتی که عیوب (مارها) آنها را به عقب برمی‌گردانند. ماروپله بعدها به وسیله حکومت بریتانیا در هند به غرب آورده شد.



[مخلوقات آبی]

و محل زیست‌شان مقید شده است. در نتیجه، مقدار زیادی از نمادپردازی‌های این مخلوقات با آب مرتبط است به ویژه موضوعات تولد، آفرینش و ماه. ماهی‌ها به طور گسترده‌ای با خرد معنوی، باروری و تجدید حیات پیوند دارند و شمای آزادانه آنها در آب، اغلب حکایت از هماهنگی و سعادت معنوی می‌کند.

به عنوان خدایان، در طول دوره‌ها و زمان‌هایی پرستیده شده‌اند، به عنوان هیولاهای اعماق آب‌ها مورد ترس و خوف بوده‌اند، و به خاطر گوشت، پوست، روغن، استخوان‌ها، تخم و صدفشان صید شده‌اند. نمادپردازی آنها به طور نزدیکی به رفتار و ظاهر آنها، بر تاثیری که بر فرهنگ انسان داشته‌اند



ماهی کپور

در چین و ژاپن، کابیت‌های به شکل ماهی کپور نماد شجاعت و کیفیات صبر و پایداری است که با این ماهی همراه است زیرا در مقابل جریان رودخانه شنا می‌کند. همچنین نشان‌دهنده دستاورد تحصیلی و ذکاوت تجاری و نمادی از اقبال خوب و طول عمر است.



اسب دریایی

علامتی مردم‌پسند و محبوب در بین دریانوردان و در نشان‌های خانوادگی است. اسب دریایی نماد لطف، توکل و اعتماد، قدرت و مسافرت امن است. در اسطوره‌ی یونانی، اسب دریایی ارباب یوزئیدون را از این سو به آن سوی دریا می‌گشت.



خرچنگ دراز

زاینی‌ها آن را با طول عمر و وقایع شاد نظیر سال نو مرتبط می‌دانند. از نظر چینی‌ها نماد رفاه و سازگاری زناشویی است و اغلب در جشن‌های ازدواج خورده می‌شود. قیمت بالای آن به عنوان یک غذا، این خرچنگ را نماد معاصری از افراد ولخرج ساخته است.



خرچنگ

به علامت ستاره‌شناسی سرطان مربوط است. زیستگاه آبی خرچنگ، آن را حیوانی قمری می‌سازد که یادآور تغییر شکل‌های ماه است. همچنین خرچنگ بوسته‌اش را به دور می‌اندازد که نمادی از تجدید حیات است. در چین، طرز راه رفتن خرچنگ که به طور نامناسبی از پهلوست، نشان‌دهنده نادرسنی و غیرقابل اعتماد بودن است.



وال (نهنگ)

همان‌گونه که در عهد عتیق در داستان یونس و وال (نهنگ) ذکر شده، نمادی از رحم و تجدید حیات است. این موجود عظیم‌الجثه اقیانوس نشانگر قدرت دریاست. همچنین در سنت مانوری یا وفور برابر دانسته می‌شود.



دولفین

دولفین اغلب به عنوان شکوه روانی و تحمل در نظر گرفته می‌شود. موجودی که ارواح را تا دنیای زیرین همراهی می‌کند و با نجات، تغییر شکل و عشق مرتبط است. همچنین ارتباطات شمسی و قمری دارد.



کوسه

نمادی از قدرت مردانه، یا تبحر در صید و بی‌رحمی است. این حیوان در فرهنگ‌های آفریقایی و اقیانوس آرام مورد احترام است. در مراسم تشرف یا پذیرش مردانه ظاهر می‌شود و همچنین کوسه کاربرد یک توتم را دارد. در اقیانوسیه شخصیت نبای مردم بسندی است و بومیان استرالیا آن را شخصیتی خالق می‌دانند.



صدف

با آب و نمادپردازی قمری مرتبط است. آنها را مونث در نظر می‌گیرند، شکل فرورفته‌شان دلالت بر رحم و تولد دارد، آنها همچنین به خلقت مربوطند، چندین خدا را در حالی تصویر می‌کنند که از صدف بیرون می‌آیند. در مسیحیت، صدف‌ها با غسل تعمید پیوند دارند، زیرا از آنها برای ریختن آب استفاده می‌شود.



▲ صدف به مانند اربابه

اربابی صدف، نماد ایزد اقیانوسی نظیر خدای یونانی پوزئیدون است که در اینجا نشان داده شده و همچنین نشانگر سفر در سرتاسر دریاست.



▲ صدف کاور۱

نماد باروری که با آلت تناسلی زنانه و اجماع جنسی ارتباط دارد و یکی از قدیمی‌ترین نمادهای نمون است که به عنوان ابزار پیشگویی استفاده می‌شد.

▲ صدف حلزونی

شکل این حیوان، آن را با حرکت مازیزی قمری، آنها، طلوع و غروب خورشید مرتبط می‌سازد، یکی از هشت نماد متبارک و فرخنده بودایی است.



▲ صدف خوراکی

در مسیحیت این صدف نماد زیارت را یافته است بعد از این که به وسیله کسانی حمل شد که مسیر سانتیاگو دی کامپوستلا (مرکز جامعه خودمختار گالیسیا در شمال غربی اسپانیا و مدین قدیس جیمز کبیر در گلیسای جامع این شهر) را طی کردند. در روم باستان با باروری و میل جنسی پیوند داشت.



▲ فک

نشانگر تغییر شکل است و اغلب در اساطیر یونانی و اروپای شمالی به پری دریایی یا ایزددخت تغییر شکل می‌دهد. در سنت اینویتی (اسکیمویی)، فک شخصیتی نیا و پیام‌آور الهی است.

▶ خارپوست دریایی (توتیا)

نماد نیروی نهفته که به تخم کیهانی مربوط است. نشانگر زندگی جنینی است و ارتباط نمادینی با سنگ‌ها دارد. در مطالب مختصری از دوره‌ی قرون وسطی، این عادت خارپوست دریایی در این که خودش را به صخره‌ای می‌چسباند به هشدار برای توفان تفسیر شده است.



▲ ستاره دریایی

نمادی آسمانی که نشانگر عشق الهی هم هست. در مسیحیت با روح القدس و مریم باکره مرتبط است. توانایی چشمگیری در بازسازی اعضا، آن را با تولد مجدد پیوند می‌دهد.

▲ مارماهی

به صورت رایجی به عنوان نمادی از آلت تناسلی مردانه در نظر گرفته می‌شود. در چین با عشق دنیوی ارتباط دارد و در جاهای دیگر به فرد غیرقابل اعتماد اشاره دارد. در فرهنگ‌های اقیانوسی‌های به عنوان یک حقه‌باز و نماد باروری ظاهر می‌شود و در کشورهای نظیر ژاپن که مار ندارند، جایگزین نمادپردازی مار می‌شود.



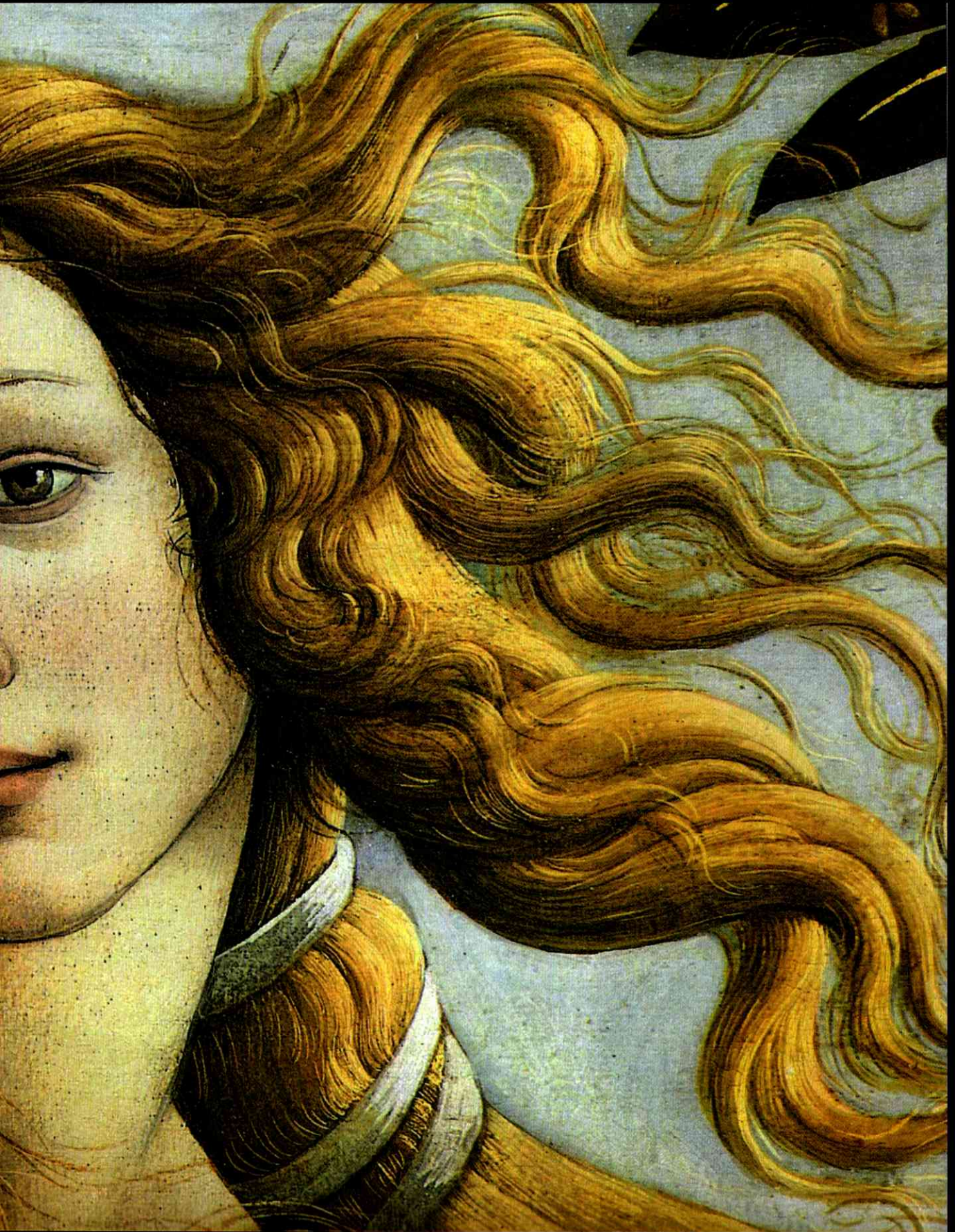
▲ ماهی آزاد

در فرهنگ سلتی، ماهی آزاد نمایانگر خرد و معرفت است و همچنین با باروری و سخاوت مرتبط است. این حیوان، توئم سرخوستان آمریکایی به صورتی همگانی است. ماهی آزاد به خاطر بازگشت اسرارآمیز از اقیانوس به رودخانه‌ی محل تولدش برای تخم‌ریزی و مرگ، نمادی قمری از تجدید و نوسازی است.

▼ هشت پا

به خاطر توانایی‌های این حیوان در تغییر شکل، نمادپردازی فراطبیعی دارد. توانایی‌اش در تغییر رنگ می‌تواند نشان‌دهنده‌ی بی‌ثباتی باشد. برخی از سرخوستان آمریکا، آن را روح مددکار می‌دانستند. در اسطوره‌ی هاوایی نمایانگر خدای خالق یا کانالوا است.







تولد ونوس

این تصویر از هنر رنسانسی، لحظه‌ای را نشان می‌دهد که ایزدبانوی ونوس از صدفی در دریا برمی‌خیزد. بادهای غربی با وزش خود، او را به سوی ساحل می‌برند که در آنجا ایزدبانوی فصول، ردایی گلدار به او می‌دهد. دور از این نمایش ساده‌ی اسطوره، هنرمند جزئیات نمادین بسیاری را به نقاشی افزوده است.



۱. ونوس

به طور سنتی، ونوس نماد تولد، باروری، عشق و میل جنسی بود. در اینجا او ایزدبانوی برهنه است که نه تنها فقط نماد عشق زمینی است بلکه نماد عشق معنوی هم هست. بسیاری او را با تصویر مریم باکره پیوند می‌دهند.

۲. رز صورتی

ونوس ایزدبانوی گل‌هاست و به‌ویژه با رز صورتی مرتبط است که نشانگر میل و تمایلات جنسی انسان است.

۳. صدف فرو رفته

صدف فرورفته‌ای که ونوس بر روی آن ایستاده. در اصل نماد تأیید و اندام‌های جنسی است. در مسیحیت، این اسطوره باروری تغییر یافت و صدف فرورفته، نماد امید به رستاخیز و تولد مجدد شد.

۴. حوری و زن زیبا

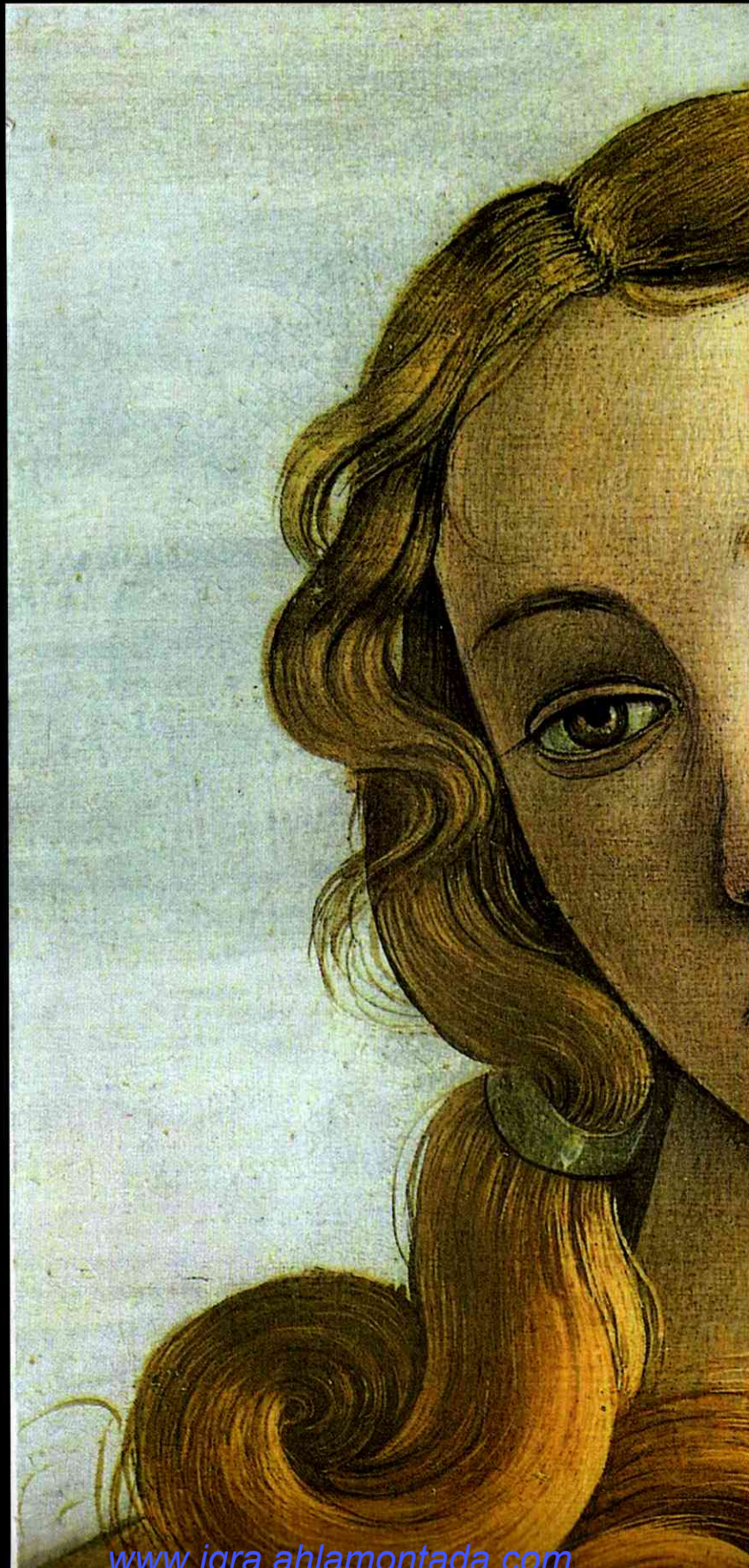
هورای ایزدبانوی بهار، نماد فصلی باروری و تولد است. او گل‌های بهاری و گیاه مورد را در بر دارد که نمادپردازی گیاهی از سعادت است که اغلب در آئین ازدواج به کار می‌رود.

۵. بادهای باختری

بادهای باختری شامل باد صبا و کلوریس (همسر باد غربی و ایزدبانوی گل‌ها) که نماد اشتیاق معنوی هستند و آنها با کمک هم روح و ماده را به وجود می‌آورند.

۶. طلا

در سراسر نقاشی به کار رفته. و طلا بر نقش تصویر به عنوان موضوعی گرانها تأکید دارد و وضعیت الهی ونوس را منعکس می‌کند. طلا همچنین نمادی از تکامل، حرارت و عشق است.





حشرات مشمئزکننده

نمادپردازی را القا کرده و بسیاری از حشرات با خدایان، ارواح و دنیای زیرین مرتبط شده‌اند.

حشرات نماد هر آن چیزی هستند که در دنیای ما کوچک و کم اهمیت در نظر گرفته می‌شوند. اما واقعیت گریزناپذیر این است که بدون آنها، زندگی انسانی از بین خواهد رفت. آنها در اکوسیستم ما، مجموعه‌ای غیرعادی و چشمگیر از وظایف حیاتی را انجام می‌دهند، شامل هوادهی به خاک، کرده‌افشانی، مهار آفت و تجزیه مواد مرده. این عادت‌ها و اشکال گوناگون آنها، حالت غنی

آخوندک نیایشگر

جادویی و مقدس، یا اهریمنی و نابودکننده در نظر گرفته می‌شود و نمادپردازی دوجبه‌ای را به خود جذب کرده است. نام این حشره یعنی Mantis از کلمه یونانی مشتق می‌شود که به معنای «نی و پیشگو» است و این حیوان را به قدرت‌های عرفانی مربوط می‌کند. در زاین علامت مردم‌پسند سامورایی برای شجاعت و زیرکی است.



زنبور (بی‌عسل)

از مصر باستان تا لهستان به صورت گسترده‌ای، نمادی اهریمنی و برعکس نمادپردازی زنبور عسل است که به صورت سنتی نشان‌دهنده خیر و خوبی است. در سنت هندو، این زنبور پایین‌ترین رده از مخلوقات را دارد.



شب‌پره

معمولاً شب پرواز است و با تاریکی ارتباط دارد. در پوستی این باور وجود دارد که جادوگران شکلی از شب‌پره دارند. عادت آنها در بال زدن به دور یک شعله نمادپردازی‌های دو وجهی را به خود جلب کرده است. به عنوان روح در جستجوی خدا و همچنین به عنوان دیوانه‌ای که با عجله و بدون تأمل به سوی فنا می‌رود.



پروانه

دوره‌ی دگردیسی جبرتناپذیر در پروانه، این حیوان را با تغییر شکل، رستاخیز و روح پیوند می‌دهد. همچنین به معنای شادی و زیبایی است. در زاین نماد گیشا (زنی که کارش سرگرم کردن مردان است) است اما دو پروانه با هم، حاکی از ازدواجی شادی‌بخش است.



سنجاقک

در چین، پرواز برنابی و بی نظم سنجاقک، نشان‌دهنده غیرقابل اعتماد بودن آن است در صورتی که در زاین نماد شادی و علامت بادشاهی است. رنگ‌های قوس و قزحی سنجاقک، آن را به جادو و توهم مربوط می‌سازد.



مگس

مگس به عنوان حامل بیماری، نمادی از فساد و شر است. یعل جنوب یا شیطان از کلمه‌ای عبری مشتق می‌شود که به معنای «پروردگار مگس‌ها» است. در بین سرخپوستان آمریکایی، قبیله ناواجو، دونسو یا «مگس بزرگ» روح پیام‌آوری است که با سلامتی و شفابخشی مرتبط است.



ملخ

باروری ملخ، این حیوان را در یونان باستان نماد وفور می‌کرد و اشراف از ملخ طلایی بر روی موی خود استفاده می‌کردند. در آسیا آوازخواندن این حشره نماد سرودخوانی راهبان بودایی و در چین ملخ نماد اقبال خوب است.



کفشدوزک

اشتهای زیاد کفشدوزک برای آفت‌های حشرای، شاید توضیح این موضوع باشد که چرا نماد خوش‌شانسی است. به صورت سنتی با مریم باکره، باروری و مادری ارتباط دارد.

سوسک سرگین غلطان

برای مصریان باستان، سوسک سرگین غلطان مقدس بود و با خدای خورشید در حال طلوع یعنی خبیری مرتبط بود و نشانگر تجدید حیات، جاودانگی و خرد الهی است.





زنبور عسل

نماد فراگیر نظم، پشتکار، جاودانگی و همکاری است. این کیفیات با کارکرد فعال زنبور عسل در نمادپردازی مسیحی سهیم می‌شود و همان‌گونه که عسل تولید می‌کند نشانگر شیرینی و موم نیز است (موم برای شمع استفاده می‌شود) و دلالت بر نور دارد. این حیوان همچنین به پادشاهی و خدایان مربوط است.



(زنبور عسل، موبار (بشمالی))

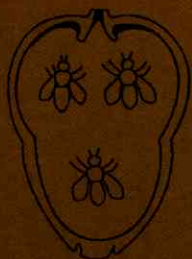
زنبورهای کاهه*

کاهه خدای هندوی عشق است که چند زنبور عسل او را همراهی می‌کنند که نماد درد و شیرینی عشق هستند. او به صورت جوان باقداری ظاهر می‌شود که شبیه به گویند* (خدای عشق در یونان) تیر و کمانی دارد و سوار بر طوطی است. در واقع زه کمان او مسیر زنبورها را نشان می‌دهد.



زنبور ملکه

در کندو زندگی در حول زنبور ملکه می‌گردد که آن را با علامت پادشاهی مشخص می‌کنند. اخیراً به معنای مسئولیت زنانه است. زنبور ملکه همچنین ساد، مریم، باکوره و مادر متعالی است.



کندوی عسل

نمادی مهم در فراماسونری و نشان خانواده‌گی. کندوی عسل اشاره به صنعت و همکاری دارد و همچنین نشان‌دهنده کلیساست. در یونان، کندوها به صورت سنتی به شکل قبر هستند که می‌تواند به معنی جاودانگی باشد. کندوها همچنین به جامعه منظم مربوط هستند.



نشان خانواده‌گی

زنبور به صورت گسترده‌ای در نمادپردازی مسیحی کاربرد دارد و در میان سایر چیزها، نشان‌دهنده خدمتکار خدا بودن است. نشان باب، اوربان هشتم (۱۶۴۴-۱۶۲۲) سه زنبور عسل است که به خاطر ارتباطشان با وفاداری و پشتکار انتخاب شده‌اند.

ملخ

توانایی آنها برای از بین بردن غلات، این حیوان را با بدبختی و ویرانی همراه می‌سازد. در عهد عتیق، خداوند بلای ملخ را به عنوان کفوری سخت فرستاد. در داستان‌های حیوانات قرون وسطی، آنها نماد شکنجه‌های روحی، تردید و دودلی و هلاکت هستند.



مورچه

نمادپردازی مورچه متعکس کننده رفتاری منظم و کوشاست. در مالی در غرب آفریقا، مورچه‌ها به معنای حاصلخیزی هستند و جاه‌طلب در نزدیکی تپه مورچه‌ها حفر می‌شوند چون این باور وجود دارد که مورچه‌ها محل جریان‌های آب را می‌شناسند.

موریانه

موریانه و مورچه نمادپردازی در هم تنیده‌ای از اصطلاحات باروری و سخت‌کوشی را دارند. در هند، تل خاک موریانه نشانگر ورود به دنیای دیگری است که به وسیله ناگاه‌ها (خدا ماران) نگهبانی می‌شود و با پیشگشایی‌های تزیین می‌شود.

عنکبوت

به عنوان مادری بزرگ، بافته‌ه شبیه، نمادی خورشیدی و حیوان شکارچی در نظر گرفته می‌شود. عنکبوت و تارهایش هر دو نماین هستند. در کاربون نشانگر هوش و خرد است. در چین عنکبوتی روی رن، نماد اقبال خوب است.



کرم

نماد زمین، مرگ و فروپاشی است. کرم گاهی در هنر هم برای نشان دادن فناپذیری به کار می‌رود. فرهنگ‌هایی از جمله ایرلندی و چینی، کرم را با اجداد و اسطوره‌های آفرینش پیوند می‌دهند.



حلزون

در نشان خانواده‌گی، حلزون به معنای ثامل و ثانی و نثات قدم است. اما به صورت وسیع‌تری به آهستگی و کند می‌مربوط می‌شود. نمادی قهری و مونت است. صدف ماریچی آن، نشانگر بی‌کفایتی و شکست بیج در بیج و



عقرب

مسیحیان آن را به خیانت ربط می‌دهند و معتقدند که بر زبان آوردن نام او کمک خواستن از شیطان است. در صورتی که در آفریقا مردم زیادی در هنگام اشاره به عقرب، از آن به عنوان حسن تعبیر استفاده می‌کنند. در بین قوم آشانته* در غرب آفریقا، مردم از طلسم عقرب برای حفاظت از نیش آن استفاده می‌کنند.

فراماسونری صص ۲۶-۲۶۱
شکل‌های صص ۲۸۹-۲۸۴. علامت‌های
نشان خانواده‌گی صص ۲۳۲-۲۱۸

همچنین ببینید:
خورشید صص ۱۷-۱۶. باروری و تولد
بچه صص ۱۲۳-۱۲۰
طالع‌بینی غربی صص ۲۰۱-۲۰۰

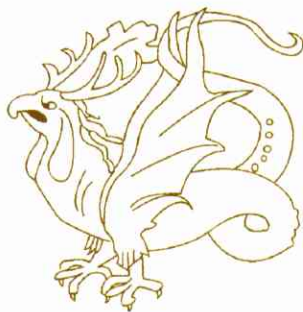


[حیوانات افسانه‌ای]

شر یا حاکمیت نظم بر آشفتگی را بدهد. حیوانات افسانه‌ای که اغلب با خدایان ارتباط پیدا می‌کنند، گاهی اربابه آنان یا مرکبشان هستند. يك حیوان هیبرید یا حیوان ترکیبی یا حیوانی که بخشی از آن انسان است، نمادپردازی

آمیخته یا ملغمه‌ای است که معنای جدیدی را پدید می‌آورد.

حیوانات افسانه‌ای که به مدت زیادی، نقش مهمی را در فرهنگ عامه، اسطوره‌شناسی و تصویرپردازی‌های دینی بازی کرده‌اند، به عنوان نمادی از قدرت فرا طبیعی یا وجوه گوناگون روان انسانی در نظر گرفته می‌شوند. آنها گاهی به مانند پیام‌آوران یا معلمان عمل می‌کنند و یا بیانگر تاریکی، نیروهای وحشی و رام‌نشدنی در طبیعت هستند که بایستی بر آنها غلبه کرد. به معنای دقیق کلمه، شخصیتی قهرمان بایستی با آنها بجنگد نظیر دلآوری که اژدها را می‌کشد تا اجازه پیروزی خیر بر

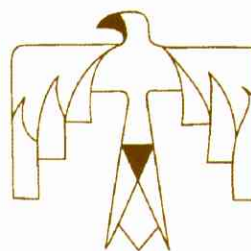


▲ **بازلیسک**^۱ یا **سوسمار بال‌دار**
بازلیسک ترسناک (یا خطرناک) با بال‌ها، تاج و کاکل، پنجه‌های خروس با بدن خرنده، یک نماد مسیحی از اهریمن در دوره قرون وسطی بود که با شهوت و بیماری مرتبط می‌شد.



▲ **گرفین**

گرفین که نمادی عامه‌پسند در دنیای کهن و مسیحیت قرون وسطی و نشانه‌های خانوادگی است، بخشی عقاب و بخشی شیر است. این حیوان از علامتی که دال بر خورشید، قدرت و انتقام‌جویی است به نماد حفاظتی هشیار و تیزبین تکامل یافت. در نوشته‌های رمزی نماد کیفر الهی است.



▲ **پرنده رعد**

برای سرخوستان آمریکایی پرنده‌ی رعد، خدا - پرنده قدرتمندی است که با هر هم زدن بال‌هایش رعد را درست می‌کند و پرتاب آذرخش به عنوان اسلحه‌ای برای اوست. این حیوان نمودی از نیروهای قدرتمند طبیعت مانند آسمان، جنگ و تغییر است.



▲ **ققنوس**

پرنده‌ی آتش افسانه‌ای که از میان شعله‌های آتش برمی‌خیزد و جان می‌گیرد. ظهور ققنوس به عنوان اسطوره، برای توضیح طلوع و غروب دورهای خورشید است که بعدها شامل علامتی برای رستاخیز شد.



► **تنگو**

تنگوی زابنی، مردی با ظاهر ترسناک، پاهای پنجه‌دار، بالدار و سرپرنده، شخصیت اسطوره‌ای با خاستگاه شینتویی است که در نیایش بودایی از برخورد با آن، کراهت و تنفر دارند. این دیو فراطبیعی، حقه‌بازی است که با فنون رزمی ارتباط دارد. او تنبیه را بر ریاکار و خودپسند اعمال می‌دارد.

► **کینارا^۲ و کیناری^۳**

این علامت آسیایی آشنا یا کیناری افسانه‌ای خاستگاهی هندی دارد. این تلفیق انسان - پرنده یک موسیقیدان آسمانی اسطوره‌ای است که با عاشقان فنانابذیر مرتبط است. گونه مونث آن کیناری (در تصویر) نماد زیبایی، لطف و مهارت و هنر است. در برخی سنت‌های بودایی، کینارا چهارمین تجسد حیوانی بوداست.



▲ **سیمرغ**

سیمرغ غول‌آسا که خاستگاهی ایرانی دارد بخشی پرنده و بخشی پستاندار است. او نگهبانی یا توان شفابخشی است که اتحاد آسمان، زمین و باروری را نمادپردازی می‌کند.

**▲ دوگیری در پیکار ابدی**

در حماسه هندی مهابهاراتا، گارودا از ناگ‌ها که در اصل با هم بسر عمومیت کینه دارد، گارودا در نتیجه یک شرط‌بندی، مجبور شد به خواسته ناگا تحقق ببخشد. این مخلوقات در پیکاری ابدی نماد رقابت بین خورشید و آب هستند. گارودا به عنوان خورشیدی که رطوبت را تخیر می‌کند، عاقبت پیروز می‌شود.

**▲ گارودا**

در اسطوره‌شناسی هندو و بودایی، تلفیقی از عقاب با انسان است که همچنین علامت ملی ناپلند و نماد خانواده پادشاهی آنهاست. این نوع «کروت فا» نامیده می‌شود که به معنای «گارودا» آرایه ویشنو است.

گارودا^۱ و ناگا^۲

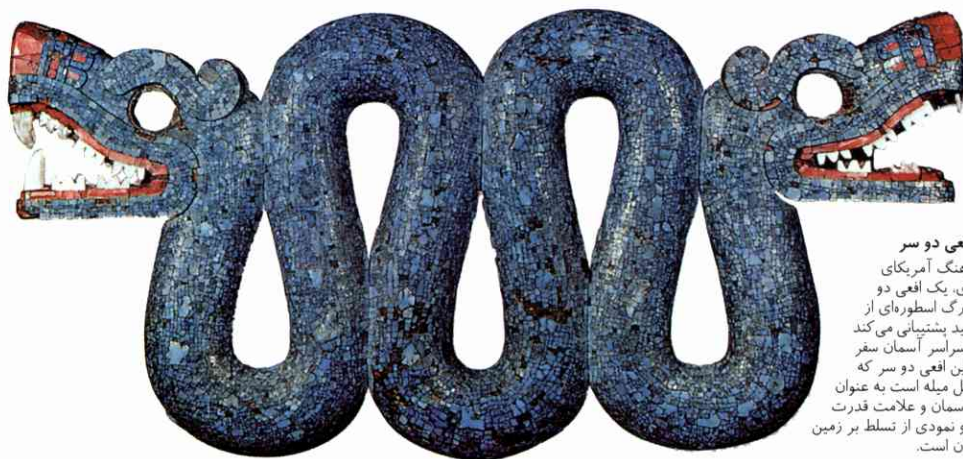
گارودا یا پرندۀ خورشید، مرکب (واها^۳) خدای هندو یا ویشنو است. در صورتی که ناگا افعی اسطوره‌ای است که با آب‌های حیات بخش و حاصلخیزی مرتبط است. این مخلوقات در اسطوره‌شناسی بودایی، خدایان فرعی هستند. در غرب گارودا، حکایت از روح آزاد و بدون محدودیت دارد و ناگا ریشه در مادر زمین دارد.

**▶ ناگا**

ناگاها، افعی‌های اسطوره‌ای هستند که در هند از گنجینه‌ها حفاظت می‌کنند و به مانند ارواح طبیعت حافظان جاه‌ها، چشمه‌ها و رودخانه‌ها مورد ستایش قرار می‌گیرند و با باران و حاصلخیزی ارتباط دارند. در بودیسم، ناگا اغلب بین افعی و اژدها جابه‌جا می‌شود.

**▲ هیدرا^{۱۱}**

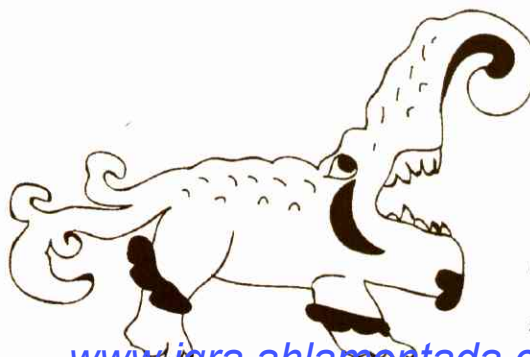
هیولای نه سر در اسطوره یونانی که به مانند یک افعی تصویر می‌شود و اگر یک سرش قطع شود، مجدداً خواهد روئید. توانایی‌اش در تولید مجدد، او را با باروری مرتبط می‌سازد.

**▶ افعی دو سر**

در فرهنگ آمریکای مرکزی، یک افعی دو سر بزرگ اسطوره‌ای از خورشید پشتیبانی می‌کند تا در سراسر آسمان سفر کند. این افعی دو سر که به شکل میله است به عنوان نماد آسمان و علامت قدرت است و نمودی از تسلط بر زمین و کیهان است.

**▶ گورگن^{۱۲}**

در یونان باستان، علامت گورگن اغلب برای دور کردن شیطان به کار می‌رفت. این زن - هیولا، موهایش، مارهای زهر دار در هم پیچده‌ای هستند که با اقیانوس، دنیای زیرین و با آتنا در جنبه ویرانگری و خورشیدی ارتباط دارد.

**▶ ماکارا^{۱۳}**

یک اژدهای آبی تلفیقی در دین هندو که بخشی خرنده و بخشی ماهی است و در تقویم هندی ماکارا نامیده می‌شود. نمادی از علامت ستاره‌شناسی جدی (دهمین صورت فلکی در منطقه البروج) است. همچنین با کامه‌دوه^{۱۴} یا خدای شهوت، و آب که منبع زندگی و حاصلخیزی است، مرتبط می‌شود.

طالع بینی غربی صص ۳۰۱-۳۰۲،
علامت‌های نشان خانوادگی صص ۳۱۸-۳۲۳

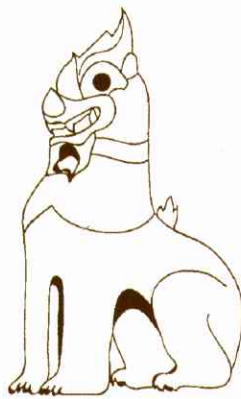
همچنین ببینید

درختان مقدس صص ۹۷-۹۶، خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰، دین بودایی صص ۱۶۹-۱۶۴

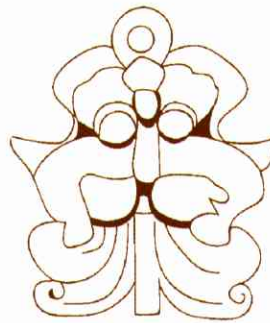
- 1- Basilisk
- 2- Kinnara
- 3- Kinnari
- 4- Tengu
- 5- Garuda
- 6- Naga
- 7- Vahana
- 8- Krut pha
- 9- Makara
- 10- Kamadeva
- 11- Hydra
- 12- Gorgon

▲ چیمرا^۱

یک هیولای تلفیقی از افعی، شیر و بز است که آتش را به بیرون پرتاب می‌کند. چیمرا که در اینجا با هر سه سر حیوانی تصویر شده، در اسطوره‌شناسی یونان، عموماً بیانگر خطر و خشم نیروهای طبیعت است اما مخلوقی خیالی است که همچنین نماد عدم و موجود نبودن یا وهم و هوس وحشی است.

▲ جینت (چین - تنی)^۲

اغلب به صورت جفت نگهبان در ورودی معبد قرار می‌گیرد تا شیطان را دور کند. جینت یک نماد برمه‌ای از قدرت عالم مطلق و حفاظت است که نیمه شیر - نیمه اژدهاست. جینت میمون و فرخنده است و با علامت ستاره‌شناسی اسد (بنجمین صورت منطقه البروج) همراه است.

▲ کیرتی موخا^۳

بر طبق اسطوره، کیرتی موخا یا «وجه شکوه» دیوی است که خود را در نظم شیوا غرق کرده است. صورتش در بالای درهای معبد به عنوان نمادی از اخلاص و حفاظت نصب می‌شود.

▲ کیتو^۴

کیتو اسطوره‌ای یک نگهبان قبور چینی و حافظ مردگان است. روحی زمینی است با صورتی شبیه به دیو و گوش‌هایی بزرگ، مانند فیل، بالدار و بدن شیر همراه با دسته‌پری که بر بالای مهره‌هایش دارد.

▲ کی - لین^۵

چهره‌ای نگهبان که به عنوان اسب تک شاخ کی لین شناخته می‌شود. مخلوقی ترکیبی با سم‌ها و شاخ‌ها بر سرش و بدنی بزرگ دارد. نماد بین - یانگ که نشان‌دهنده باروری، مهریابی و پاکی است.

▲ ابوالهول^۶

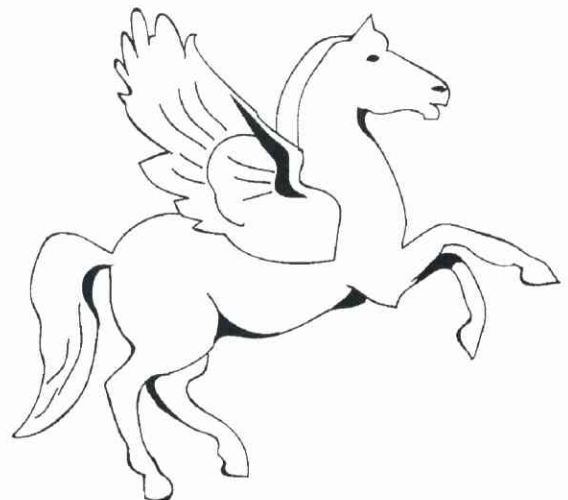
ابوالهول مصری شیری با سر انسان که نماد قدرت خورشید و حکومت فرعون است و برای نگهبانی از قبور، قصرها و مکان‌های مقدس به کار می‌رود.

▲ اسب تک شاخ

اسب تک شاخ جادویی و بسیار دوست‌داشتنی که اسبی اسطوره‌ای است با یک شاخ و نماد پاکی، شجاعت و عشق مهربان است. تصور می‌شد که فقط یک دختر باکره می‌تواند آن را شکار کند و بگیرد. این اسب با مریم باکره هم ارتباط دارد و به قدیس زوستین نسبت داده می‌شود. این باور وجود داشت که شاخش پادزهر سم است.

▶ پگاسوس^۷

اسب سفید بالدار افسانه‌ای در یونان که نمود ثنویت در طبیعت انسانی است که شامل غریزه حیوانی و خواست و آرزوی معنوی است. در اسطوره، بلروفون^۸ که پگاسوس را می‌راند، چیمرا را می‌کشد که نشان‌دهنده نمادین پیروزی نور بر تاریکی است.





پری دریایی

از نظر نمادین دو وجهی است، پری‌ها، زنان افسونگر و آدم‌های دریایی، مخلوقات دریایی نیمه انسانی هستند که پیوند نزدیکی با نماد آب، ماه و باروری دارند. آب هم منبع حیات است و هم مرگ، یا انسانی که در آب غرق می‌شود و می‌میرد. آب نشان‌دهنده‌ی امیال ناخواسته هم هست بنابراین داستان‌های انسان‌های اغواگر مربوط به ناشناختگی‌های آبی است.



پری دریایی

تلفیق دریایی زیبایی است که نماد تمایل نابود شده است. او نشانگر عشق، امید، تغییر شکل، مسیر امن و اغواست. اما همچنین نشانگر زوال روح و خیانت هم هست. از نظر کلیسای قرون وسطی، پری دریایی تجسم امیال غیر طبیعی و غریزی انسان است که مردها را می‌فریبد و از نجات و راهی دور می‌سازد.



تریتون^۱

پسر پوزیدون که یک مرد دریایی بود. قسمت فوقانی بدن او انسان بود و دم ماهی داشت. او معمولاً در حالی تصویر می‌شد که شاخ یا صدف جزروبی در دست داشت و یا آن را می‌نواخت و نیروی آنها را چهار می‌کرد.

زن افسونگر

زنان افسونگر، مخلوقات خطرناکی بودند که دریانوردان را می‌فریبتند و آنها را با صدای سحر آمیز، جنگ و قتل‌شان به سوی مرگ می‌راندند. آنها نمودی از توهم و نیروهای اغواگر حواس هستند. در اصل زنان افسونگر بریدگانی با سر زنانه بودند که با تسخیر ارواح ارتباط داشتند و بعدها با پریان دریایی یکی گرفته شدند.



بزغاله جدی

فرهنگ‌های باستان، آسمان را با اقیانوس پیوند می‌دادند و داستان‌هایی را از مخلوقات عجیبی که تلفیقی از عناصر هوا و آب با هم بودند، طرح‌ریزی می‌کردند. بنابراین تلفیق بز - ماهی یا بزغاله جدی با انقلاب زمستانی ارتباط دارد همچنین با خدای یابی انا - انیس^۱ (انا خدای آب بود که بعدها توسط یونانیان انیس نامید شد) یا (بز کوهی دریاها) ارتباط دارد.



اسلینتر^{۱۱}

اسب هشت پا (که می‌خرامد و حرکت زرمی دارد) و مرکب خدای تروزی ادین است و او را بین دنیای مادی و الهی منتقل می‌کند. هشت پای او نماد جهات پیرامون و توانایی او در حرکت از طریق هوا و روی زمین است. آنها همچنین نماد جرخ خورشیدی هشت پره هستند.



مینوتاور^{۱۲}

نیمه گاو و نیمه انسان است. مینوتاور در افسانه یونانی، فرزند اسطوره‌ای ملکه‌ای از اهالی جزیره کرت و گاو نر سفیدی است که در دهلیزی تودرتو به وسیله مینوس، زندانی بود. او نماد سیعیت درون است.

سنتاتور^{۱۳} (قنطورس)

در اسطوره یونانی، سنتاتورها نمادپردازی متناقضی دارند. برخی نظیر چیرون شریف و مهربان بودند و سایرین وحشی، بی‌عفت و جنگ‌طلب بودند. آنها نماد غریزه حیوانی هستند که با عقل انسانی ترکیب شده است.

هاری^{۱۴}

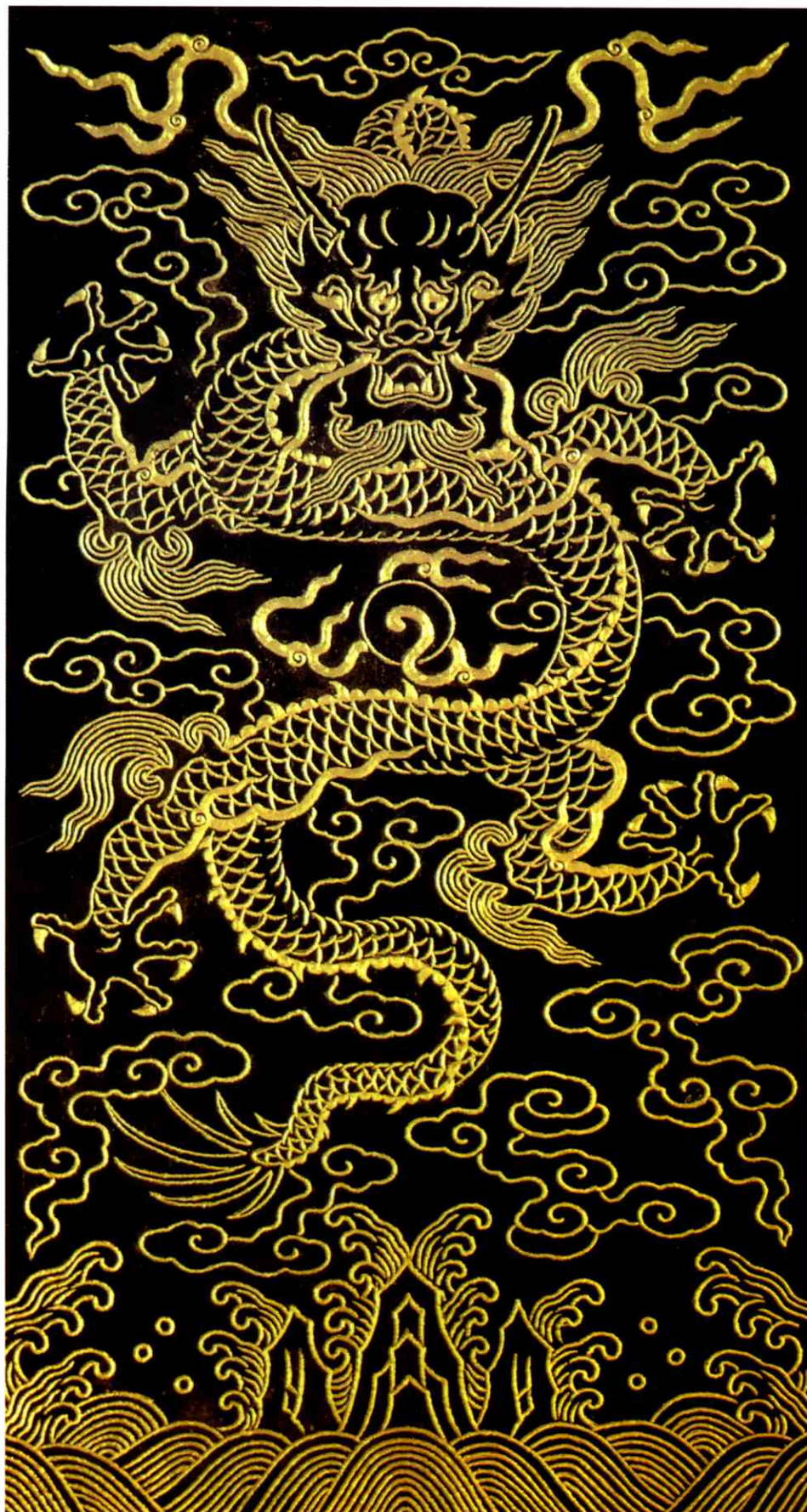
این پرنده - زن ترسناک با صورت کریه و بدن لاشخور و پنجه‌هایش با مرگ، سرنوشت و کیفر الهی مرتبط است. هاری‌ها گاهی دیوهای در نظر گرفته می‌شوند که روح مردگان را پنهانی خارج می‌کنند.



- 1 - Qitou
- 2- Kirtimukha
- 3- Chinthe (chinthe)
- 4- Chimera
- 5- Sphinx
- 6- Ki-lin
- 7- Pegasus
- 8- Bellerophon
- 9- Triton
- 10- Ea - oannes
- 11- Sleipnir
- 12- Minotaur
- 13- Centaur
- 14- Harpy

همچنین ببینید
پستانداران صص ۵۲-۵۵
خدايان تروزی و سانی صص

۱۴۲-۱۴۳
دین هندو صص ۱۵۸-۱۶۳
طالع‌بینی غربی صص ۲۰۰-۲۰۱



◀ ازدهای چینی با مروارید

ازدهای چینی اغلب با مرواریدی تصویر می‌شود که شعله‌های منشعبی آن را احاطه کرده (مرکز تصویر را ببینید). مروارید و ازدها می‌توانند نشانگر رعد غرش کننده، ماه به عنوان باران آورنده یا «مروارید کمال» باشد که با فلسفه تائوئیستی پیوند دارد. ازدهای پنج پنجه نشان‌دهنده قدرت خورشید و امپراتور است.



[اژدها]



اژدهای قدرتمند، ترکیبی نمادین از افعی و پرنده، نمودی جهانی و پیچیده از قدرت هیبت برانگیزی است که در اسطوره‌ها و افسانه‌های سراسر دنیا ظاهر می‌شود.

اهریمن است. اژدهاهای نگهبان گنجینه‌ها، اغلب دلالت بر پیکار برای کسب معرفت درونی دارد که نسبت به آن چشم طمع و حرص وجود داشته است. اژدها همچنین با پادشاهان و جنگجویان ارتباط دارد.

اژدهای شرقی

اژدهای شرقی مبارک و خوش‌یمن، نیکخواه و عاقل در نظر گرفته می‌شود. آنها نماد قدرتی عظیم به صورت مادی یا معنوی هستند و با خرد، قدرت و نیروهای آفرینشگر طبیعت ارتباط دارند. آنها مورد تکریم و تقدیس هستند و مبادی برای آنها وقف می‌شود. اژدها در شکل‌های بسیاری ظاهر می‌شود که هرکدام نمادپردازی خودش را دارد. برای مثال با ققنوس

تصویر می‌شود که

نمودی از اتحاد

آسمان و زمین

است. مهم‌ترین

مورد اژدهای پنج

پنجه فیروزه‌ای

رنگ یا «لانگ»^۱

است که در آسمان سکونت دارد و نمادی

از قدرت‌های پادشاهی و آسمانی، خورشید،

باروری، شادی، معرفت معنوی و جاودانگی است.

اژدهای چهارپنجه حاکی از قدرتی زمینی است، در

صورتی که اژدهای سه پنجه نماد باران است. در باور

چینی، آنها خود را از تبار اژدها می‌دانند و کسانی

که بخصوص در سال چینی اژدها متولد می‌شوند

سعادت‌مند هستند زیرا تصور می‌شود آنها در سلامت،

رفاه و با عمر طولانی هستند.



اژدهای وایکینگ

سر اژدها بر قایق بزرگ وایکینگ، نماد نگهبانی، محافظت و اقبال خوب در زمانی است که از سلامت و امنیت بندرگاه خانگی دور می‌شوند.



▲ قدیس جرج

حماسه‌ی پیکار قدیس جرج در برابر اژدهایی غارتگر که در این حماسه او شاهزاده خانمی و اطرافیان‌ش را از دست شخصیت ظالم اژدها نجات می‌دهد، منعکس‌کننده ارزش‌های مسیحی و پیروزی خیر بر شر است.

اژدها از کلمه‌ای یونانی (Drakon) ناشی می‌شود که برای افعی به کار می‌رود. اژدها در آغاز به عنوان نمادی رئوف به حساب می‌آمد که آب‌های حاصلخیزکننده از افعی و «نفس زندگی» الهی از پرنده حاصل می‌شد. این بخش دوم همچنین اژدها را با ایزدان آسمانی و حاکمان مربوط می‌ساخت. بعدها اژدها از نظر نمادین دو وجهی شد و هم آفریننده و هم ویرانگر در نظر گرفته شد.

ویرانگری آفریننده

اژدها در اسطوره‌شناسی به عنوان خالق و آفریننده ظاهر می‌شود و در برگرفته موضوعات حماسی نظیر آشفته‌گی کیهانی، آفرینش و تولد مجدد می‌شود. در طبیعت، اژدها نماد باران زندگی‌آور است که در پی رعد و همچنین نیروهای ویرانگر آذرخش و سیل می‌آید. قدیمی‌ترین اسطوره شناخته شده در مورد اژدهای سومری «زو»^۱ است که لوحه‌های شریعت و قانون را که تضمین‌کننده‌ی هماهنگی کیهانی بودند، دزدید تا این که به وسیله خدای خورشید «نینورتا»^۲ کشته شد تا از تاریکی و آشفته‌گی جلوگیری شود.

اژدهای غربی

اژدهاها در قرون وسطی ترکیبی از نمادپردازی هوا، آب، آتش و زمین بودند و در حالی تصویر می‌شدند که شاخدار هستند و این هیولاها نفس آتشین، بدن‌های فلس‌دار، بالدار و پاهای پنجه‌دار و دمی پیکان‌دار و پیچ‌دار داشتند. در اسطوره غربی، پیکار با اژدها نماد نبرد بین خیر و شر یا مسلط شدن بر طبیعت ذاتی انسان است و باورهای مسیحی اولیه را منعکس می‌کند. نجات دادن دختری باکره از دست اژدها بیانگر راه‌های نیروهای پاک و سالم بعد از شکست دادن



▶ اژدهای ولزی

اژدهای قرمز، علامت ولز است و از افسانه‌ای راجع به نزاع میان اژدهای قرمز ولز و اژدهای سفیدی که نشانگر تجاوز و هجوم ساکسون‌ها بود، ناشی می‌شود.

همچنین ببینید

سنگ‌های گرانها صص ۴۲-۴۳
حیوانات افسانه‌ای صص ۷۴-۷۷
تانوایسم و شینستو صص ۱۷۰-۱۷۱
طالع‌بینی چینی صص ۲۰۴-۲۰۵

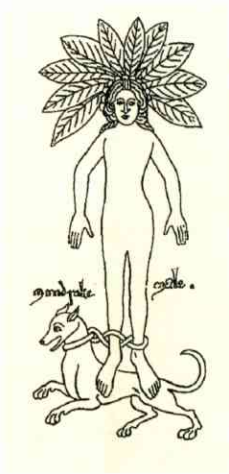
علامت‌های نشان خانوادگی صص ۳۱۸-۳۲۳
برچم‌ها صص ۳۲۴-۳۲۹



گیاهان

که اشاره به مرگ و رستاخیز دارد، ناشی می‌شوند. بر طبق فلسفه‌ای کهن که در اصل اعتقادی امضاها آمده، شکل‌های گیاهی که شبیه بخش ویژه‌ای از بدن انسان هستند، می‌توانند برای معالجه بیماری آن بخش به کار روند.

گیاهان با مادر زمین و دوروی زندگی ارتباط دارند. بسیاری به خدایان حاصلخیزی منسوب هستند و شیرهی گیاه نشان‌دهنده‌ی آب‌های حاصلخیز کننده و مادر بودن است. برخی گیاهان، اجداد اسطوره‌ای در نظر گرفته می‌شوند در صورتی‌که دیگران از خون يك خدا یا شخصیت قهرمانی



▲ مهر گیاه

به جادو مربوط است. ریشه‌اش به یک هیات انسانی شبیه است و نقل شده هنگامی که چیده می‌شود از درد جیع می‌کشد. در عبری به معنای گیاه عشق است. برخی فرهنگ‌ها این باور را دارند که این گیاه از درک و فهم مراقبت می‌کند.



▲ نی

در سنت سلتی، زیستگاه نی، آن را با تظهير و پاکی مرتبط می‌ساخت چون تصور می‌کردند که جادوگران را دفع می‌کند. مصریان، نی را با پادشاهی و نیل ارتباط می‌دادند و همچنین آن را با خدای موزیک یونانی یعنی «یان» پیوند می‌دادند.

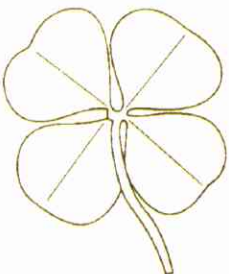
▲ بامبو

یک ماده ساختمانی حیاتی و منبع چوب در شرق است. بامبوهای قوی و با این حال قابل انعطاف، به مدت زیادی بخش اصلی فلسفه دین بودایی بوده‌اند. بامبو نشانگر حاصلخیزی، شجاعت و فروتنی است. در چین وضعیت ایستاده و با این حال قابل انعطاف، آن، نماد مسیری به سوی روشنگری است.



▲ سرخس

سرخس که نماد نشان خانوادگی کهنی است، با باروری و پادشاهی ارتباط دارد و حاکی از تنهایی و انزواست. این گیاه در نیوزیلند، علامت ملی است. سرخس نقره‌ای به معنای استقامت و پشتکار است. نماد برگ سرخس متعلق به قوم مائوری یا «کورو» نشانگر کنش‌پیش در زندگی جدید، نیروهای بالقوه و نهان است.



▲ شیدر چهاربرگ

این شیدر چهاربرگ نادر با اقبال خوب همراه می‌شود و زمانی این باور وجود داشت که هر کس یکی از این شیدرها را پیدا کند، قادر است که پریان را ببیند. چهاربرگ آن نمودی از امید، ایمان، عشق و اقبال است.



▲ شیدر چمنی

به عنوان شیدر سفید یا سه برگ هم شناخته می‌شود. شیدر چمنی نماد غیررسمی ایرلند است. مسیحیان معتقدند که این گیاه نشان‌دهنده تثلیث است. کاربرد شیدرها به صورت سنتی در عشق، غیبگویی، بوی خوش و معالجه مشکلات پوستی است.



▲ دارواش

دارواش یا شیرینک همیشه سبز نماد جاودانگی و تولد جدید در انقلاب زمستانی است. قوم دروئید بر این باور بودند که شیرینک مقدس است و آن را به حفاظت، باروری، عشق و سلامتی ربط می‌دادند.



▲ کنگر

این گیاه خار مانند به صورتی شایع به عنوان نگاره‌ای قدیمی در طراحی و معماری کاربرد دارد. برگ‌هایش نماد خرد و هنرها هستند. رشد شدید و خارهایش دلالت بر پیروزی بر موانع زندگی دارد. کنگر همچنین با جاودانگی در ارتباط است و به عنوان نقشی در گورستان قدیمی است.

▲ عشقه

در درجه اول با جاودانگی ارتباط دارد. چوب‌دستی‌ای از جنس عشقه به وسیله خدای مصری اریس به عنوان مظهر فضیلت حمل می‌شد. در اسپارتا (شهری در جنوب یونان) عشقه بر شهرت و ورزشکاران به اوج رسیده دلالت داشت و در زمان سلطنت ملکه ویکتوریا آن را با وفاداری یکی می‌دانستند. در جاهای دیگر عادت چسبیدنش، نشان‌دهنده وابستگی است.



▲ خار مقدس

علامت نشان خانوادگی و نماد مسیحی گناه و رنج عیسی است. همچنین بیانگر زهد پیشگی و گینه‌توزی است. مظهر و علامت اسکاتلند است و با حفاظت در برابر دشمنان ارتباط دارد.



▲ گل انگشتانه

نامش به خاطر غنچه‌های انگشت مانندش است که تصور می‌شد دستکش‌های نرمی هستند. استفاده از آن در شفا بخشی متداول بود. شیپور گلوماند گل انگشتانه‌ای در درمان بیماری‌های گلو و دهان به کار می‌رفت.



▲ شایبزرگ

به عنوان توت شیطان هم شناخته می‌شود و نماد فریبکاری، خطر و مرگ است، چرا که با وجود سوسه انگیز بودن میوه‌ها، سمی است. در حالت مخلوط با تاج‌الملوک که داروی توهم‌زای قوی است، به وسیله جادوگران در قرون وسطی به عنوان پماد به کار می‌رفت.



▲ مورد

مورد همیشه سبز بیانگر جاودانگی است و شکوفه‌هایش اغلب با مرده دفن می‌شد تا به روح در سفرش کمک کند و با ایزدبانوی عشق یعنی ونوس ربط داشت. گیاه مورد دلالت بر حاصلخیزی و سازگاری زناشویی دارد. در چین نماد موفقیت است.



▲ تاج‌الملوک

بر طبق اسطوره یونانی، تاج‌الملوک سمی یا اونی‌توپون از بزاق دهان سگ سه سر یا سرپروس می‌ریزد. نامش در لاتین استفاده اصلی آن را به عنوان دام سمی گرگ نشان می‌دهد. این گیاه برای مسموم کردن مردم به کار می‌رفت و با جادوگری ربط داشت.



▲ شاهدانه

شاهدانه یا ماری‌جوانا برای هزاران سال به عنوان شهوت‌زا به کار می‌رفت. در شنتوئیسم و راستافاریانیسم^۵ (فرقه‌ای در جامائیکا که معتقدند سیاهان قوم برگزیده خدا هستند) هم در آئین دینی نقش اصلی را دارد و به اشکال مختلف با پاک، باروری و تقدس ارتباط می‌یابد. در غرب، برگ متمایزش نماد نافرمانی دوران جوانی است.



▲ تنباکو

سرخپوستان آمریکایی تنباکو را مقدس می‌دانستند و به صورت آئینی، آن را به عنوان روشنی برای ارتباط با ارواح در جیق می‌کشیدند. تنباکو با صلح در ارتباط است. هندیان بونلو^۲ آن را با تظهِیر مربوط می‌دانستند.



▲ ولیک

ولیک با شفا بخشی، باروری، مراسم ازدواج، حفاظت، پاکدامنی و پریان ارتباط دارد. همچنین با خدایان از جمله ایزدبانوی رومی گل‌ها یعنی فلورا^۴ و خدای یونانی ازدواج یعنی هایمن^۷ مرتبط و همچنین گل مردم‌پسند جشن ازدواج است.

قارچ

ظاهر عجیبشان و گاه گاهی خصوصیات سمی یا توهم‌زای آنها به مدت طولانی قارچ‌ها را با جادو و در فرهنگ عامه اروپایی یا سحرپریان مربوط می‌ساخت. قوم آرونتا در استرالیا بر این باور بودند که قارچ‌ها از ستارگان افتاده‌اند، در صورتی که چینی‌ها قارچ را با جاودانگی ربط می‌دادند در دوران جدید، آنها با اثر پیم هسته‌ای ربط داده می‌شوند.



قارچ کدو



قارچ مگ



قارچ لوبک

- 1- Doctrine of signatures
- 2- Koru
- 3- Pan
- 4 Pueblo
- 5- Rastafarianism
- 6- Flora
- 7- Hymen

مسحبت صص ۱۷۹-۱۷۶
علامت‌های نشان خانوادگی صص ۳۱۸-۳۲۳

همچنین ببینید:
عشق و ازدواج صص ۱۲۷-۱۲۶
خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰
تائوئیسم و شنتو صص ۱۷۱-۱۷۰



[گل ها]

گل‌ها با رنگ، بو و ظاهر پیوند دارند. در دوره سلطنت ملکه ویکتوریا «زبان گل‌ها» توسعه یافت و گل‌ها برای فرستادن پیام‌های مخفی به کار می‌رفتند. همچنین از گل‌ها از زمان‌های باستان در شفا بخشی استفاده می‌شد.

گل‌ها در حالت شکوفایی کامل، نمادی از طبیعت در اوج شکوه آن هستند. آنها بازتاب‌دهنده هر آن چیزی هستند که منفعل و مونث است و با زیبایی، جوانی، زمان بهار و همچنین کمال روحی و آرامش ارتباط دارند. بیشتر نمادپردازی‌های مربوط به



▶ گل داوودی

گل‌دهی دیر هنگامش، آن را با پاییز مربوط می‌سازد. در صورتی که در شرق، چون در زمستان گل می‌دهد، نماد خوش‌بینی در مورد عمر طولانی، ثروت و سعادت است. گلبرگ‌های درخشانش، آن را به نمادپردازی خورشیدی و به خانواده امپراتوری ژاپن، ارتباط می‌دهند. در هنر غربی، داوودی دلالت بر زوال و مرگ دارد.



▲ ترگس زرد

نماد شادی بخش بهار که همچنین با رستاخیز و ایام روزه مسیحی ارتباط دارد. گونه یونانی‌اش یا نارسیس آن را به اسطوره‌ای راجع به جوانی به نام نارسیس پیوند می‌دهد که عاشق عکس خودش شد. بنابراین ترگس زرد برای نشان دادن عشق به خود است.



▲ زعفران

به صورت سنتی با بهار، جوانی، خوشحالی، شادی بخشی و باروری ارتباط دارد. مردم معتقدند حلقه‌های گل که از گل زعفران درست شده، تاریکی را دور می‌کند. گونه زعفران به کار می‌رود تا رنگ لباس را زرد کند.

▲ پامچال

شاید به خاطر زود گل‌دهی‌اش، آن را گل نخستین می‌نامند. اول از همه نشانگر عشق، جوانی و پاکی است. با ایزدبانوی عشق تروزی یعنی «فریا» پیوند دارد. در صورتی که سلتی‌ها آن را گل پریان می‌دانند. پامچال به صورت سنتی در شفا بخشی کاربرد دارد.

▲ سنبل

وقتی فرد محبوب خدای آپولو یعنی هیاسینتوس^۱ به صورت تصادفی با دیسک کشته شد، نام او را به گلی دادند که از خون او روئید. سنبل شاید به خاطر این داستان، نماد مسیحی دوران‌دینی و احتیاج است.

▲ لاله

نماد ایرانی کمال و عشق و مظهر حاکمان عثمانی در ترکیه شد. به صورت رایج با هلند پیوند دارد و نماد آمستردام، ثروت، زیبایی و بهار است.

▲ سوسن

با پاکی و آرامش ارتباط دارد و به ایزدبانوان باکرگی و باروری پیوند می‌یابد. در چین این باور وجود داشت که سوسن برای کستن غم و غصه است در صورتی که سوسن بزرگ «کیمی» برای بومیان استرالیا نشانگر صبر و استقامت بود.

**گل ساعتی**

میلغان اسپانیایی در دنیای جدید گل ساعتی را به عنوان نماد تسلیم می‌شناختند. برای مثال، تاجش نشانگر تاج خاردار و سه کلاه بالایی آن نشانگر میخ‌هایی است که برای میخ کردن مسیح به صلیب استفاده شد. در فلسطین، ظاهرش موجب شده که به آن نام خودمانی و مصطلح گل ساعتی را بدهند.

**گل سیکلمه یا نگوئنسار**

چون مرکز گل سیکلمه قرمز تیره است با میل شدید ارتباط دارد و ریشه‌اش در معجون‌های عشق به کار می‌رود. تصور می‌شد نقطه قرمز برای نمادینه کردن قلب خونین مریم باکره است. این گل همچنین با استغفاء و خداحافظی گفتن پیوند دارد.

**گل برف**

زیبایی دست نخورده گل برف، آن را نماد پاکی و امید می‌سازد و برخاستن آن ندای بهار را می‌دهد. در دوره سلطنت ملکه ویکتوریا، آن را با مرده دفن شده ربط می‌دادند زیرا رشدش کم بود. گل برف همچنین مظهر مریم باکره و عید تظهير مسیحی (در دوم فوریه) است.

**ارکیده**

ارکیده در شرق با زیبایی، میل شدید و باروری پیوند دارد. همچنین نماد لطافت زنانه است. در غرب نشانگر تجمل، زیبایی و فرهیختگی و همچنین نماد کمال است. تصور می‌شود که نقاط بر روی ارکیده، نشانگر خون مسیح باشد.

بنفشه

عبارت «بنفشه کمر» به صورت سنتی برای توصیف شخص خجول به کار می‌رود و اشاره دارد به روشنی که بنفشه خود را به زمین نزدیک می‌سازد و نیمی از خود را زیر برگ‌هایش پنهان می‌سازد. در نقاشی‌هایی که در مورد ستایش مسیح است، بنفشه‌ها نشانگر باکدامنی مریم و ملایمت و لطافت کودک مسیح هستند. در دوران قرون وسطی این گل‌ها نماد ثبات قدم و ایستادگی بودند.

**گل صد تومنی**

گل امپراتوری در چین که در آنجا گل بهار است. همچنین با زیبایی و تأیید ارتباط دارد. از نظر زاپنی‌ها نماد باروری است و با سعادت زناشویی پیوند دارد. گل صد تومنی به صورتی رایج در پزشکی سنتی کاربرد دارد.

**زنبق**

زنبق نشان‌دهنده امید و قدرت نور است و با ایریس ایزدبانوی یونانی رنگین‌کمان پیوند دارد. در چین جاکي از زیبایی در انزواست و در فرانسه، سه گلبرگ آن را نمودی از ایمان، خرد و شجاعت می‌دانند.

بیج امین الدوله

این گیاه که اندام پیچیده‌ای دارد نماد آغوش عاشق است در صورتی که تصور می‌شود بویش، رویاهای عاشقانه را به یاد می‌آورد. بر طبق فرهنگ عامه اگر بیج امین‌الدوله به خانه آورده شود، یک عروس در آن سال رخ خواهد داد.

بنفشه فرنگی

چهره‌گشاده و باز بنفشه فرنگی را نشان از آسایش فکری می‌دانند که با طرز تفکر، عشق و مسائل قلبی ارتباط دارد. مردم عامه معتقدند که هر کس می‌خواهد تا خود را برای رنج‌های دلدار آماده سازد بایستی یک بنفشه فرنگی را حمل کند.

همچنین ببینید:

خدایان یونانی و رومی صص
۱۴۰-۱۴۱. خدایان نروژی و سنی
صص ۱۴۲-۱۴۳

عشق و ازدواج صص ۱۲۷-۱۲۶،
مرگ و سوگواری صص ۱۳۱-۱۲۸



گل‌های رز

رز خوشبو و در هم بافته نماد کمال و میل شدید است. به صورتی جهانی با عشق زمینی یا الهی ارتباط دارد و به ایزدبانوان نسبت داده می‌شود. به معنای باروری، دوشیزگی یا زیبایی است. با باز شدن غنچه، پنهان کاری و راز زندگی را به نمایش می‌گذارد. در مسیحیت، نماد پردازی رز شبیه به نماد پردازی نیلوفر آبی در شرق است. رز سفید و قرمز هر دو با مسیحیت ارتباط دارند و تیغ‌هایشان نمادی از تاج تیغ‌دار و شهادت مسیح است. در جاهای دیگر رنگ‌های گوناگون رز، معانی خاصی دارند.



روز فرزند

این گل ویژگی ونوس، ایزدبانوی عشق است. رز قرمز اشاره به زیبایی، عشق، میل شدید و کامروایی دارد و با عنصر آتش ارتباط می‌یابد. در سنت مسیحی نماد خون شهید و رستخیز است.



روز زرد

رز زرد با خورشید پیوند دارد و آن را به عنوان نمادی از شادی و دوستی گرم مطرح می‌سازد. به صورت سنتی به حسادت و عشق در حال نابودی هم ربط دارد. امروزه این گل نماد تکرار است در سنت کاتولیک، روز طلایی یک مظهر پایی است.



روز سفید

رز سفید با پاکیزگی، آینه عالم، دگرگرم و مریم باکره پیوند دارد. سنتی که در معماریش رز به کار رفته به صورت سنتی به هر چیز محرم‌نمایی که پایین‌تر از آنها گفته می‌شود یا انجام می‌شود اشاره دارد و از کلمه لاتین Soluto برای بیان حالت فرموده ریشه می‌گیرد.



▲ فراموشم نکن

بر طبق افسانه‌ای اروپایی، فراموشم نکن، آخرین کلمات جوانی بود که زمانی که این گل را برای معشوقش می‌چید، غرق شد. این شکوفه آبی نمادی از یادگاری، دوستی و وفاداری و همچنین عشق یاس‌آور است و با نیکو کاری‌های گوناگون ربط می‌یابد.

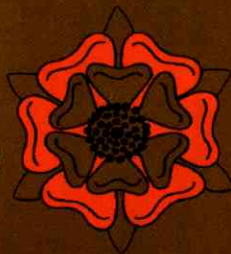
▶ آلاله

آلاله طلایی، به معنای تمول و علامت ماه مارس است و در اصل خدای باروری رومی است. عادت او در رشد کم و سادگی‌اش نماد تواضع و نظم و ترتیب است. همچنین آلاله‌ها با تمسخر و بچگی ربط دارند. به قصد شوخی به کار می‌رود تا شباهت به کره را بیان کند.



بابونه گاوی

مظهري خورشیدی که نامش از توصیف اصلی‌اش به عنوان «چشم روز» نشأت می‌گیرد. بابونه گاوی نماد کاملی از شرم و حیا و سادگی است، همچنین با بی‌گناهی و عشق باوفا ارتباط دارد. به صورت سنتی، دختران با کندن گلبرگ‌های بابونه و گفتن «دوستم دارد، دوستم ندارد» تا جایی که یک گلبرگ باقی بماند، تعیین می‌کنند که آیا خواستگارشان راست می‌گوید یا نه!



▲ روز تدویر

جنگ‌های رز (۱۴۵۵-۱۴۸۵) مجموعه‌ای از جنگ‌های داخلی در انگلستان بین خانواده‌های سلطنتی لانکستر و یورک بودند. هر خانواده علامت رز مخصوص به خود داشت. رز قرمز مربوط به لانکستر و رز سفید مربوط به یورک بود. بعد از جنگ به نشانه اتحاد این دو رز با هم ترکیب شدند و رز تدویر را ایجاد کردند.



▲ پنجره رز: یک پنجره‌های شیشه‌ای رنگی با طرح رز

پنجره‌های رز در به خصوص به معماری گوتیک مربوطند و آکنده از نمادپردازی هستند. اغلب با تکثرت و پیچیدگی ارتباط می‌یابند. این نمونه‌ای از کلیسای جامع در فرانسه است.

**▲ استودوس**

از قدیم برای عطر، پاک‌ی و شفا بخشی به کار می‌رفت. بوی استودوس ارتباطات نمادین زیادی دارد. به عنوان طلسم خوشبختی، جلب‌کننده مهر و عطف است و به خواب کمک می‌کند. ظرفی پر از گلبرگ‌های خشک و معطر آن برای دفع شیطان به کار می‌رفت و این گل همچنین با عشق مرتبط است.

▲ میخک

میخک صورتی نماد مادری و میخک سفید نماد عشق پاک است. دارای ویژگی‌های شهوت‌زاست. میخک قرمز نماد رایجی از عشق و باروری است و به ازدواج ربط دارد. در نقاشی‌های مریم و یحیی، اغلب نمایانگر عشق مادری است.

**▲ شقایق نعمانی**

از کلمه یونانی Anemos به معنای باد مشتق شده. شقایق قرمز روشن، یا گل باد نشانگر کیفیت زودگذر و بی‌دوام زندگی است، چون این گل‌ها عمر زیادی ندارند و با سوگواری ارتباط می‌یابند.

**▲ خشخاش**

در غرب، شقایق قرمز خونین نماد یزرگداشت متوفیان جنگ است زیرا آنها در میدان‌های جنگ جهانی اول می‌رویدند. چینی‌ها بر این باورند که شیطان‌های اقیونی از دانه‌های آن ساخته می‌شوند در صورتی که در یونان باستان، خشخاش با خدایان خواب و رؤیا یعنی هیپنوس^۱ و مورفئوس^۲ مرتبط بود.

**▲ گل آفتابگردان**

بزرگ‌ترین حرکت سرش به صورت دائم و دنبال کردن خورشید، پرستشی برده‌وار و کورکورانه را نشان می‌دهد اما برای برخی، وضعیتش که همیشه تغییر می‌کند به معنی غیرقابل اعتماد بودن است. گل آفتابگردان به گونه Helianthus تعلق دارد که به هلیوس خدای خورشید ارتباط دارد. چینی‌ها بر این باورند که گل آفتابگردان با جاودانگی مرتبط است.

**▲ کاسنی زرد**

کاسنی زرد با شفا بخشی و غیبگویی مرتبط است. به صورت سنتی سر برداشتن به عنوان پیشگوی عشق به کار می‌رود. در صورتی که نقل شده که جای کاسنی زرد، توانایی جسمانی را افزایش می‌دهد. گلبرگ‌های درخشان و طلایی‌اش نشانگر خورشید است. در جاهای دیگر این گل به خاطر مزه برگ‌هایش، نماد تلخی و ناخوشایندی است.

▲ گل جعفری

مظهري از خورشید که به نام «سبزی خورشید» شناخته شده. گل جعفری نماد میل شدید و آفرینندگی است. در چین با طول عمر و در هند با خدای کریشنا ارتباط دارد. مسیحیان اولیه هم پیشگویی‌های خود را از «گل جعفری» درست می‌کردند.

▲ همچنین ببینید

نیلوفر آبی صص ۷۷-۸۶
مرگ و سوگواری صص ۱۳۱-۱۳۸
دین هندو صص ۱۶۳-۱۵۸
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶

1- Tudor
2- Lancaster
3- York
4- Hypnos
5- Morpheus



▲ لوتوس هزار برگ

نماد بالقوه روشن شدگی معنوی است به خصوص در زمانی که در ارتباط با بودا باشد. او در وضعیت لوتوس با نیلوفر آبی نشسته است.

در کیهان‌شناسی بودایی، اغلب بودا به عنوان جواهری در نیلوفر آبی نشان داده می‌شود که بر اریکه‌ای از گل نیلوفر آبی در اوج کمال نشسته است. یک نیلوفر آبی هزار برگ



[نیلوفر آبی]



▲ گل جواهر مانند

گلبرگ‌های درخنده‌ی نیلوفر آبی همچون خورشید که طلوع می‌کند، باز می‌شوند و به بسیاری از اسطوره‌های آفرینش راه می‌یابد.

نیلوفر آبی نماد کهن آفرینش و باروری، به طور گسترده‌ای در هند، مصر، چین و ژاپن مورد احترام است و همچنین نماد پاکی است چرا که از آب‌های گل‌آلود بدون هرگونه خدشه و آلودگی برآمده و رشد می‌کند.



اعتقادی بودایی اصلی است که انسان به وسیله آن قادر است خود را به بالاتر از طبیعت پست‌تر خود بکشد و بالا برود. غنچه روی سطح آب باز می‌شود و تصویری از پاکی در نظر گرفته می‌شود و گل باز نشانگر روشنگری است. نیلوفر آبی همچنین بخش مهمی از تصویرنگاری بودایی است. تصاویر بودا اغلب نشسته بر اریکه‌ای به شکل نیلوفر آبی در پدماسته^۱ یا وضعیت نیلوفر آبی است. (پدما در زبان سانسکریت به معنای نیلوفر آبی است). پدما پانی یا خدای بودایی، نیلوفر آبی در دست دارد. ورد پرتوپرداز om mani padme به معنای «جواهری در نیلوفر آبی» است. در بودایی باطن‌گرا، این امر به معنای اتحاد اندام جنسی مردانه (جواهر) با اندام جنسی زنانه (نیلوفر آبی) است که نمادی از قدرت نیروی آفرینش است.

تولد و تولد مجدد

از نظر مصریان باستان، نیلوفر آبی که با حرکات خورشید باز و بسته می‌شد، نمادی از تولد و تولد مجدد بود و با خدای نفرت^۲ (ایزد زیبایی و شفا بخشی که نمادش نیلوفر آبی است) و خدای خورشید یا رع در ارتباط بود که او به شکل یک بچه یا جوان طلایی تصویر می‌شد که بر نیلوفر آبی دراز کشیده است. از این گل به خاطر ارتباط بین آب و خورشید، تصویری مهم ساخته می‌شود. بر طبق یک افسانه‌ی مصری در مورد آفرینش، در آغاز زمان یک نیلوفر آبی غول‌آسا از آب‌های اولیه به ظهور رسید که خورشید خودش در آغاز صبح از مرکز آن طلوع می‌کرد. نیلوفر آبی همچنین مظه‌ری از کلیسای اولیه مسیحی بود اگر چه بعدها با سوسن آبی جایگزین شد. در افسانه‌ای بودایی، نیلوفرهای آبی در جلوی پای شاهزاده تازه متولد شده‌ی سیدهارتا که در آینده بودا می‌شد، شکوفا شدند.



▲ نیلوفر آبی طلایی

بودا نمادی از پاکی و روشنگری را در دست جیش نگاه می‌دارد.

پایه‌ی پیچان و بلند نیلوفر آبی نماد بندناف است که انسان را به ریشه‌هایش وصل می‌کند و غنچه گل آن نماد نیروهای بالقوه انسان است. گلبرگ‌های درخشان نیلوفر آبی در هنگام طلوع باز می‌شوند، سپس در زمان غروب بسته می‌شوند و این امر نمادی از بالا آمدن خورشید از اقیانوس کیهانی است.

خورشید و آفرینش

یکی از متداول‌ترین نمادها در فرهنگ هندی، نیلوفر آبی است که نمودی از خورشید و آفرینش، پاکی و کمال است و اغلب در معماری و مجسمه‌سازی هندی مطرح می‌شود. در اسطوره‌ی آفرینش اصلی هندی، بره‌مای خالق بر نیلوفر هزار برگی ظاهر می‌شود که از ناف خدای بزرگ ویشنو در حالت خوابیده بر اقیانوس شیری خارج می‌شود و جهان را از نو می‌آفریند.

خدای خورشید یا سوریا^۱ در حالی تصویر می‌شود که دو نیلوفر آبی باز شده در دست دارد که نماد روشنگری است. اغلب نعل‌های درگاه‌های معابد با گل نیلوفر آبی تزئین می‌شود که اقبال خوبی را به همه وارد شوندگان اعطا می‌کنند. گلبرگ‌ها در پایه ستون‌های معابد هم نشان می‌دهد که معبد بر گل نیلوفر آبی باز شده‌ای ایستاده است که نمودی از زمین و اقیانوس کیهانی است.

روشنگری

نیلوفر آبی در فلسفه بودایی امری اساسی است. آب‌های لجن‌آلودی که از آنها گیاه رشد می‌کند، نشان‌دهنده غفلت و چرخه‌ی خسته‌کننده‌ی تولد و تولد مجدد (سَمساره) است، در صورتی که پایه گیاه که به بالای آب می‌آید، نمادی از اصل

خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹
داستان‌های آفرینش صص ۱۵۴-۱۵۷
دین بودایی صص ۱۶۴-۱۶۹

همچنین ببینید:
خورشید صص ۱۶-۱۷
گیاهان صص ۸۰-۸۱
گل‌ها صص ۸۳-۸۵

► سرستون‌های مصری

ستون‌های مصری اغلب سرستون‌های انجناداری به شکل غنچه یا گل نیلوفر





سبزیجات و چاشنی‌ها

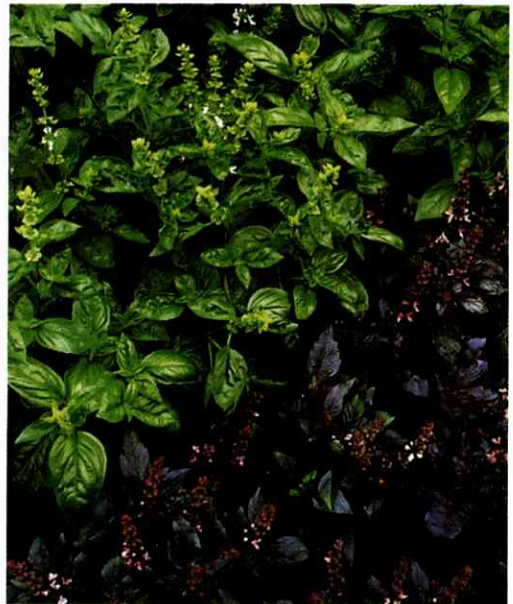
نیز مقدس به نظر می‌رسند. پیوندهای مرتبط با سبزیجات و ادویه‌جات می‌توانند با جادو، یا شیطان ارتباط یابند، چون که بسیاری از آنها قدرت آسیب یا شفا بخشی دارند. بر طبق فلسفه‌ای اروپایی، نمادپردازی سبزیجات هم مانند گیاهان به ویژگی‌های ظاهریشان مرتبط است.

بو و مزه متمایز سبزیجات و ادویه‌جات به مدت طولانی، آنها را با پخت و پز مرتبط کرده است. اما آنها به مدت هزاران سال برای شفا بخشی و آئین‌های دینی هم به کار رفته‌اند. بسیاری از سبزیجات و ادویه‌جات معطر هستند و از این رو برای نشان دادن پیوستگی‌های عاطفی به کار می‌روند. و دیگران



ریحان

از کنگوی آفریقا تا انگلستان، گیاه ریحان به عنوان طلسمی در برابر شیطان است. در اسطوره یونانی، پادزهری در برابر زهر بازیلیسک (سوسمار بال‌دار - اژدها) نفرت‌انگیز بود و با عشق و تمول مربوط و همچنین در آئین تشییع جنازه به کار می‌رفت.



جعفری

بر طبق فرهنگ عامه، تصور می‌شد که ریشه‌های بلند جعفری به جهنم می‌رسد که این معنای شیطانی داشت. یونانیان باستان، آن را نماد فراموشی و مرگ می‌دانستند و از این رو جعفری گیاهی برای استفاده در تشییع جنازه شد. اما در سنت یهودی از آن به عنوان نمادی برای شروعی مجدد در عید پسخ استفاده می‌شود.

رازیانه

یکی از قدیمی‌ترین گیاهان کشت شده که از زمان‌های قدیم، به عنوان نماد شجاعت به کار می‌رفت. گلادیاتورهای رومی دانه‌های آن را می‌خوردند تا شجاعت را افزایش دهند. در حالی که انگلوساکسون‌ها از آن به عنوان طلسم استفاده می‌کردند. رازیانه همچنین با موضوعاتی همچون فهم، تطهیر و مریم باکره در ارتباط است و استفاده آن در ساخت داروهای گیاهی است.



آویشن

با شجاعت ارتباط دارد. زنان انگلیسی قرن پانزدهم، آویشن وحشی را بر هدایایی که به شوالیه‌ها می‌دادند، گلدوزی می‌کردند. سربازان رومی را با استحمام با آویشن می‌شناختند تا دلیری خود را افزایش دهند. آویشن همچنین با شفا بخشی، خواب، تطهیر، عشق و نیروی فراروانی مرتبط است.

مریم گلی

به جهت نیروهای شفا بخشی‌اش بسیار ارزشمند است و نام خود را از کلمه لاتین Salvare می‌گیرد که به معنای «نجات دادن» است. با جاودانگی، حفاظت و خرد ارتباط دارد و نماد مسیحی مریم باکره است. سرخیوستان آمریکایی، مریم گلی سفید را در آئین‌های شفا بخشی می‌سوزانند.

رزماری (اکلیل کوهی)

اغلب در قبور به عنوان نماد جاودانگی کاشته می‌شود و با یادمان و خاطره ارتباط دارد. در اروپا مظهر سنتی وفاداری است و از این رو در دسته‌های گل ازدواج به کار می‌رفت. دانش آموزان در روم باستان از رزماری برای افزایش تمرکز و دقت استفاده می‌کردند.

نعنا

عرب‌ها، سوسنیر را به عنوان شهوت‌زا می‌شناختند اما از آن به عنوان جای و نماد سنتی مهمان‌نوازی استفاده می‌کردند. اسطوره‌ی یونانی توضیح می‌دهد که چگونه هادس، جوری منت را به نعنا تغییر شکل داد تا او را از حسادت همسرش نجات دهد. نعنا به صورت آئینی برای حفاظت، غیغویی و استعاده استفاده می‌شد.



دارچین

نقل شده که قنوس خود را بر تل هیزمی از دارچین مشتعل می‌سازد. این باور موجب شد که این ادویه نماد عید نوئل و از سرگیری مجدد بشود. دارچین بسیار ارزشمند است و به عنوان شهوت‌زا به کار می‌رفته. در چین این گیاه به عنوان عودی تظهير کننده است.



جنسینگ

شمن‌ها در جستجوی اکسیر زندگی ابدی روی جنسینگ آزمایش می‌کردند. بنابراین با جاودانگی و طول عمر ارتباط دارد. این سبزی، مردانه و یانگ است و با قدرت جنسی پیوند دارد. اسمش به معنای «ریشه مرد» است و افسانه‌ای می‌گوید که «بچه جنسینگ» در کسانی زندگی می‌کند که آن را می‌خورند.



زنجبیل

در هاوایی، زنجبیل گلداز یا کاهیلی^۲ ارتباط دارد که مظهر پادشاهی است که روسای قبایل آن را همراه داشتند. ریشه‌های زیرزمینی آن که گرم و آتشین است، آن را به میل شدید و موفقیت پیوند می‌دهد. مدت‌ها به عنوان ادویه تجارت می‌شد و ارزش بالایی آن، این گیاه را به تمول و قدرت ارتباط می‌داد.



فوفل

تخریب‌کننده سرخوشی در حد ملایمی است و جویدن فوفل بخش مهمی از فرهنگ‌های آسیایی و اقیانوس آرام است. با مهمان‌نوازی، معامله به مثل و باروری ربط دارد و مونث در نظر گرفته می‌شود. در حالی که برگ‌هایش مردانه است. ویتنامی‌ها آن را نماد عشق و ازدواج می‌دانند.



میخک

نماد عشق و حفاظت است و به صورت سنتی یک درخت میخک کاشته می‌شد تا مشخص‌کننده تولد بچه‌ای باشد. همچنین درخت میخک، تجسم آن بچه بود و اگر درخت قطع می‌شد، نشانه‌ای از مرگ آن کودک بود. این ادویه گرانبها که بعدها بسیاری خواهان آن شدند، نماد تمول بود.



جوز هندی

خاستگاه آن اندونزی است و اکنون به صورت وسیعی در گرانا کشت می‌شود و بر پرچم آن ظاهر شده است. استفاده از آن به عنوان شهوت‌زا شایع بود و در اروپای قرن‌های هجدهم و نوزدهم نماد تمول بود و کسانی که می‌توانستند آن را در اختیار داشته باشند، این جاشی را برای رنده کردن در غذا تهیه می‌کردند.



سیر

خرافه‌های قدیمی حتی امروزه برای سیر نیروهای حفاظتی در برابر سماجت‌های خون‌آشامان در نظر می‌گیرند. یونانیان باستان، پیشگشای سیر را در جاده‌های فرعی برای ایزدبانوی هکیت یا ایزدبانوی دنیای زیرین قرار می‌دادند و آن را به قدرتمندی ربط می‌دادند. در چین، سیر به عنوان شانس و اقبال در نظر گرفته می‌شد و با باروری پیوند داشت.



صمغ سقزی

در آئین دینی به عنوان عود به کار می‌رود. صمغ سقزی نماد بالا رفتن نیایش‌ها به آسمان است و با پاکي و مهربانی در ارتباط است. در مصر باستان در مومیایی استفاده می‌شد که آن را با مرگ پیوند می‌دهد. نامش را از کلمه عربی به معنای «تلخ و گزنده» انتخاب کرده‌اند و نمادی برای رنج، توبه و مصیبت مسیح است.



زعفران

از کلاه‌های خشک شده گل زعفران به دست می‌آید. رنگ زعفران آن را به خورشید ربط می‌دهند. برای رنگ کردن پیراهن‌های بلند راهبان بودایی به کار می‌رفت و نماد فروتنی بود.

خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۰-۱۴۱

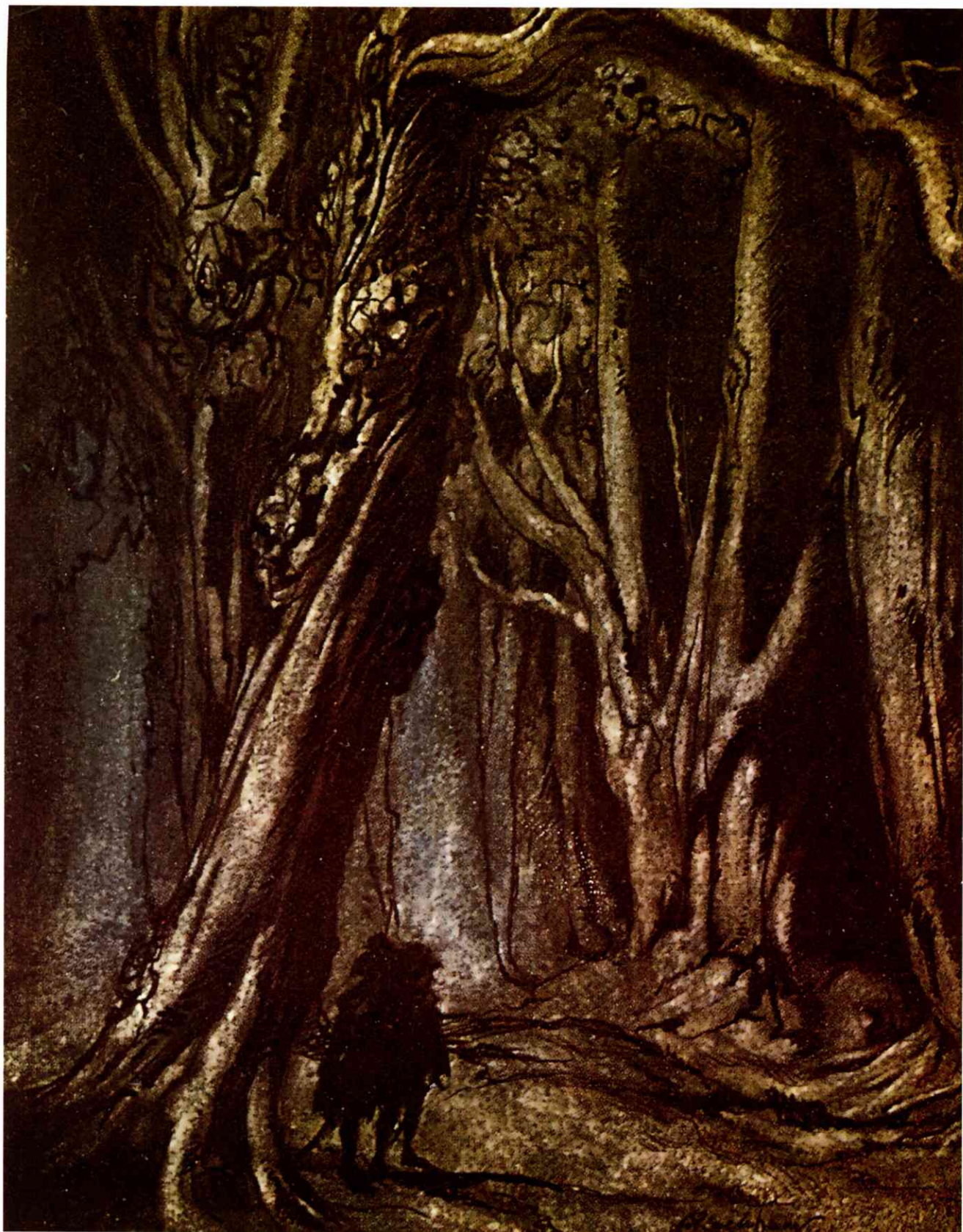
بهدیت صص ۱۷۲-۱۷۳
تعویذها صص ۱۹۴-۱۹۵

همچنین ببینید:

گیاهان صص ۸۰-۸۱

گل‌ها صص ۸۲-۸۵

عشق و ازدواج صص ۱۲۷-۱۲۸

**▲ نماد روان‌شناختی**

در این قصه پریان که به وسیله برادران گریم^۱ نوشته شده است، جنگل نشان‌دهنده سایه‌های تاریک ترس درونی است که بایستی با آنها مواجه شد و آنها را برطرف کرد. در این روش، ترس به تدریج تحلیل می‌رود و سرانجام منجر به روشنائی نمادین کشف خود می‌شود.



[جنگل]



تأمان مکان ترس و عزلت معنوی در نظر گرفته می‌شود. جنگل پر از سایه، در مدت زمان طولانی نمادپردازی‌های مختلفی را به خود جلب کرده که در بسیاری از فرهنگ‌ها، اهمیت معنوی و روان‌شناختی ریشه‌داری دارد.



مکان خطر

در جنگل تمایزات بین صوت و رؤیت، واقعی و غیرواقعی، نور و تاریکی نامشخص می‌شود. چتر سایبان، نور خورشید را از خود عبور می‌دهد و جنگل را به صورت نمادین در تقابل با نور خورشید قرار می‌دهد و بنابراین مکانی برای ترس و سرماست. مملو بودن از حیوانات بالقوه خطرناک، جنگل را به عنوان طبیعت رام‌نشده نشان می‌دهد. داستان‌های پریان اروپایی نظیر «هنسل و گرتل» پر از نمادپردازی‌های جنگل است و تلنگری به ترس غربی قدیمی که جنگل، حوزه خطرناکی است که شخص به آسانی راه خود را در آن گم می‌کند.



▲ نماد جدید

جنگل‌های بارانی، نماد قوی «آخرین سرحد» هستند یعنی طبیعت رام‌نشده‌ای که به وسیله انسان‌ها با نابودی روبه‌رو می‌شوند.

آستانه و ورودی

جنگل جایی است که در آن به صورتی نمادین با ترس مواجه می‌شویم و معرفت واقعی نسبت به نفس در آن به ظهور می‌رسد. این اندیشه در نظریه روان‌شناختی کارل یونگ^۱ (روانشناس سوئیسی) بازتاب داشته است که در آنجا جنگل آستانه و ورودی نمادین برای ترس ناآگاهانه است که قدرت استدلال را می‌پوشاند. همچنین استعاره‌ای برای غلبه بر بی‌تجربگی و ورود به دوران بلوغ و بزرگسالی است و یا مکان و بستری برای آزمایش تشرف و پذیرش جنگل‌زدایی جهانی امروزه، بستر آزمایش جدید و آستانه نمادین جدیدی را پدید می‌آورد. جنگل‌های بارانی، به عنوان نماد جدیدی از طبیعت مورد تهدید و هشدار مطرح شده‌اند.

جنگل‌ها اولین مکان‌ها در دنیای طبیعی بودند که با ارواح و خدایان ارتباط یافتند و در آنها پیشگامی‌ها از درختان آویزان می‌شد. فرهنگ‌های بسیاری بر این باور بودند که درختان منزلگاه ارواح یا اشباح هستند. در استرالیا قوم وارلپیری^۲ تصور می‌کردند که ارواح در درختان جمع می‌شوند و حضور بسیاری از آنها شاید بدخواهانه باشد و درختانی که نور کمی را از خود عبور می‌دهند، نماد مرگ و ناشناختگی بودند. تنه‌ی درختان با ستون‌های معابد و کلیساها و سایبان و چترهای جنگل‌ها با انحنای معماری داخلی کلیساهای جامع پیوند داشته است. در واقع مکان‌های عبادت بسیاری در مکان بیشه‌زارهای مقدس ساخته شده‌اند، از جمله کلیسای جامع چارترس^۳ در فرانسه.

در مسیحیت جنگل «طبیعتی رام‌نشده» است که با کفر ارتباط دارد و نماد انسانی است که در تاریکی بدون روشنایی معنوی گم شده. اما در آسیا جنگل مکانی برای پیشرفت معنوی و مراقبه است. در سنت هندو، یک فرد ساکن جنگل، شخصی است که عزلت‌گزیده تا زندگی همراه با تامل داشته باشد.

► جنگل‌های معنوی

جنگل‌های کاج اغلب در هنر چینی و ژاپنی تصویر می‌شوند و این باور وجود دارد که بر ارواح جنگل پیروز می‌شوند. کاج مقدس نشان‌دهنده جاودانگی است.

همچنین ببینید:

درختان صص ۹۴-۹۵
ارواح طبیعت صص ۱۴۸-۱۴۹
دین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳
مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹
داستان‌های پریان صص ۲۷۲-۲۷۳

1- Grimm brothers
2- Waripin
3- Charters
4- Jungian theory (carl jung)





راده‌ها و کریشنا

خدای هندوی کریشنا با دختر گاوچران محبوبش (gopi) یعنی راده‌ها در بیشه‌ای جنگلی، صحنه‌ای است که غالباً در نقاشی‌های عاشقانه هندی از قرن شانزدهم تا نوزدهم تصویر می‌شد. هنرمند هندی نمادهای شاعرانه‌ای را به کار گرفته تا حرارتی عاطفی و عشقی را ایجاد کند. گل‌ها صرفاً گل نیستند و ابرها هم صرفاً ابر نیستند، هر چیزی از نمادپردازی عمیق‌تری برخوردار است.



۱. راده‌ها

میل شدید راده‌ها به کریشنا، نمادی از علاقه و اشتیاق شدید روح برای اتحاد بهایی یا خداست. در آغوش رفتن آنها نشانگر شیوا و شنگی است که وجوه مردانه و زنانه خود ماست که به مدت زیادی خواستار یکی شدن و اتحاد مجدد با یکدیگر بودند.

۲. کریشنا

نماد دولتمردی تواناست که جنگجو، فیلسوفی بزرگ و معلم هم هست. در اینجا او به مانند مرد جوان زیبایی نشان داده می‌شود که نمادی از عشق، اخلاص و لذت است.

۳. درخت رونده

درخت رونده گل‌دار بر تنه یک درخت، نشان‌دهنده میل شدید و فضای خیال‌انگیز است و به صورت نمادین در آغوش رفتن راده‌ها و کریشنا را مجدداً تداعی می‌کند.

۴. نیلوفر آبی

گل نیلوفر آبی نشانگر زیبایی و عدم تعلق است. این گل از آبهای لجن آلوده، بدون این که کثیف و آلوده شود، رشد می‌کند. این امر، باور هندو را نمادپردازی می‌کند که شخص باید در این دنیا بدون تعلق به اطرافش زندگی کند.

۵. حواصیل

چند حواصیل سفید در رودخانه که نماد هوش، طول عمر و سادی هستند.





[درختان]

درختان منبعی برای مواد غذایی، پناهگاه، مواد ساختمانی و هیزم هستند که با باروری، طول عمر و قدرت ارتباط دارند. آنها نمودی از زندگی پویا، مرگ و رشد جدید هستند و به صورت نمادین با آسمان، زمین و دنیای زیرین پیوند دارند. بسیاری از آنها مقدس هستند و با ارواح یا خدایان خاصی

مربطند، در صورتی که درختان میوه‌داری نظیر نخل خرما اغلب نشان‌دهنده درخت حیات هستند. درختان همیشه سرسبز به جاودانگی اشاره دارند در حالی که درختان برگریز به معنای تولد مجدد هستند. سایر درختان نیز به عنوان جامعه‌ای دارای ارزش اصلی و با اهمیت به شمار می‌آیند.



▲ برگ بو

در شمال آفریقا، این باور وجود دارد که برگ بو شیطان را دفع می‌کند. در صورتی که در سنت یونانی - رومی نشان‌دهنده پیروزی، صلح و آرامش، تظهِیر و غیب‌گویی است. برگ بو همچنین علامت خدای آپولو و نماد ابدیت و سرمدیت است.



▲ درخت زیرفون (نمدار)

نمادی اروپایی از شادی و زیبایی است. زیرفون نشان‌دهنده دوستی نیز هست و به ایزدبانوی فریا (ایزدبانوی عشق نروژی) نسبت داده می‌شود. به صورت سنتی ضد آدرخش در نظر گرفته می‌شوند و به همین جهت زیرفون‌ها به صورت نمادین «نگهبانان» دهکده به شمار می‌آیند.



▲ بید

در غرب بید مجنون نماد سوگواری است و با شیطان ارتباط دارد. اما در شرق نشان‌دهنده فصل بهار و زیبایی زنانه است. آمینوهای ژاپن بر این باورند که اولین مردان، ستون فقراتی از بید داشتند.



▲ راش

در سبیری بسیار ارزشمند است. راش نماد ثبات، رفاه و غیب‌گویی است. در اسطوره‌شناسی سلتی، فاکوس (نام گونه راش) خدای درختان راش بود. این درخت مظهر دئمارک و همچنین نشان‌دهنده صبر و استقامت است.



▲ بلوط

نشان‌دهنده دلیری و قدرت مردانه است. از نظر درویندها، بلوط درخت مقدسی بود که با غیب‌گویی ارتباط داشت. این درخت برای سلت‌ها هم مقدس و مورد احترام بود و همچنین بلوط با خدایان گوناگون باروری، آسمان و رعد پیوند دارد. از نظر یهودیان علامت حضور الهی است.



▲ سرو

نماد غربی مرگ و سوگواری که با خدایان دنیای زیرین در ارتباط است و این تصور وجود داشت که این درخت بدن را حفظ می‌کند. بنابراین کاربردش در گورستان است. در شرق، صنوبر فالوسی نشان‌دهنده جاودانگی و استقامت است.



▲ درخت کریسمس

به عنوان درختی همیشه سبز (به صورت سنتی یک درخت از نژاد صنوبر) نشان‌دهنده انقلاب زمستانی است. سنت تزئین درخت به قرن شانزدهم در آلمان برمی‌گردد. لامپ‌های روی درخت نماد ستارگان، خورشید و ماه است که درخت زندگی را روشن می‌کنند.



▲ کاج

درخت کاج نمادی از قدرت شخصیت و مردانگی است. این درخت همیشه سرسبز با جاودانگی و خدای رومی باکوس ارتباط دارد. از نظر سرخپوستان آمریکایی ابروکوتیس^۲ کاج سفید درخت صلح و آرامش است.



▲ سرخ‌دار

مظهر جاودانگی است. سرخ‌داران در پیشه‌زاران سلت می‌رویند که برخی از این مکان‌ها، بعدها به عنوان محل‌هایی برای کلیساهای مسیحی استفاده شدند. سلتی‌ها بر این باور بودند که سرخ‌دار خصوصیات جادویی دارد و از آن برای ساختن عصا و کمان استفاده می‌کردند.

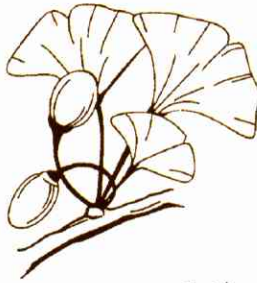


▲ خاس

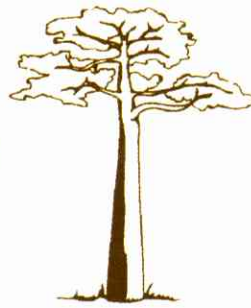
نماد امید و خوشی که با ایزدبانوی آلمانی هول^۱ (تجسم سه وضعیت یک زن یعنی دوشیزه، مادر و پیرزن) ارتباط دارد. میوه‌های قرمز نشان‌دهنده خون اوست که ریختن خون، باعث همبستگی بودن سرسبزی آن می‌شود. خاس برای خدای ساتورن مقدس بود و گاهی درخت مسیحی برای صلیب در نظر گرفته می‌شود.

**▲ درخت گز**

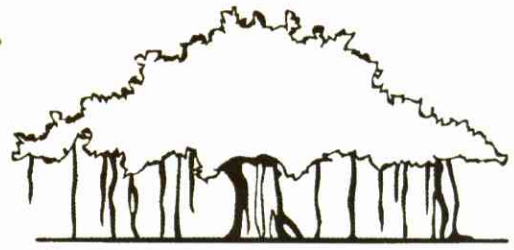
در صحرای خاورمیانه، به عنوان درخت حیات مورد احترام است. درخت گز، صمغ شیرینی را تراوش می‌کند که شاید همان «صن» ذکر شده در کتاب مقدس باشد که نماد لطف الهی است. درخت گز برای خدای مصری ازیریس، مقدس بود.

**▲ کینگو**

داروبین آن را با نام «فسیل زنده» توصیف می‌کند. در پزشکی چینی استفاده می‌شود تا طول عمر را افزایش دهد. همچنین نماد امید و عشق است. برگ کینگو، مظهری مردم‌پسند در زاین است که به صورت سنتی علامت وفاداری سامورایی است.

**▲ باتوباب**

استقامت، طول عمر و اندازه شگوه‌مندش، باتوباب را درخت حیات مقدس و محترمی می‌سازد. در فرهنگ آفریقایی، باتوباب نماد استقامت، حفاظت و آفرینندگی است. درخت باتوباب اغلب محل گردهمایی و ملاقاتگاه دهکده به صورت سنتی است.

**▲ درخت لول**

برای هندویان مقدس است و به خاطر منطقه سایه‌ی وسیعی که ایجاد می‌کند، نماد جاودانگی است. در صورتی که ریشه‌های هوایی آن به معنای دنیای معنوی است. در اسطوره‌شناسی فیلیپین، ارواح شیطانی و شیطان‌ها در درخت لول خانه می‌کنند. این درخت در علامت دولتی اندونزی هم ظاهر می‌شود که در آنجا نشانه اتحاد ملی است.

► انجیر

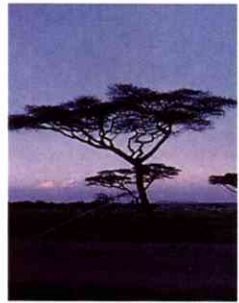
از زمان‌های بسیار دور منبع غذایی بود و در بخش‌هایی از آسیا، اقیانوسیه و مصر به عنوان درخت حیات در نظر گرفته می‌شد. در دین بودایی این درخت نشانگر تعلیم اخلاقی است. برگ انجیر با اندام‌های تناسلی مردانه ارتباط دارد.

**▲ زیتون**

نماد کهن صلح، شکوه و جاودانگی است و در نمادپردازی یهودی مسیحی و یونانی رومی مقدس است. برگ‌های زیتون تاج سر پیروزمندان ورزشی می‌شد در حالی که شاخه زیتون را کبوتری برای یوح بعد از سیل به علامت صلح آورد.

**▲ نخل**

در فرهنگ‌های مصری و عربی، درخت حیات است. نخل علامتی خورشیدی است که با باروری و پیروزی ارتباط دارد. در سنت یونانی رومی، برگ‌های نخل برای خوشامدگویی به فاتحان در جنگ یا وقایع مسابقات به کار می‌رفتند. در مسیحیت این نمادپردازی شامل پیروزی بر مرگ هم می‌شود.

**▲ افاقیا**

در نمادپردازی یهودی مسیحی نشان‌دهنده جاودانگی است. چوب افاقیا برای ساختن کشتی عهد به کار رفته بود. در جاهای دیگر گل‌های سفید و سرخس به مرگ و زندگی اشاره دارد. بخش‌های گوناگون این درخت برای ساختن عود به کار می‌رود.

**▲ بادام**

درخت آسمانی ایرانی که نشان‌دهنده لطف الهی، حقیقت نهان و بکارت و پاکی است. در فرهنگ چینی نماد زیبایی زنانه و انعطاف است. به عنوان اولین گل‌دهنده در سال با «بیداری» و همچنین با هوشیاری ارتباط دارد.

**▲ گلاس**

علامت ملی چین و زاین است. و اقبال خوب است. همچنین نشان‌دهنده بهار، دلبری و فضیلت غلبه بر مشکلات است و مظهر سامورایی می‌باشد. در چین به معنای بکارت، زیبایی و طول عمر است.

**▲ آلو**

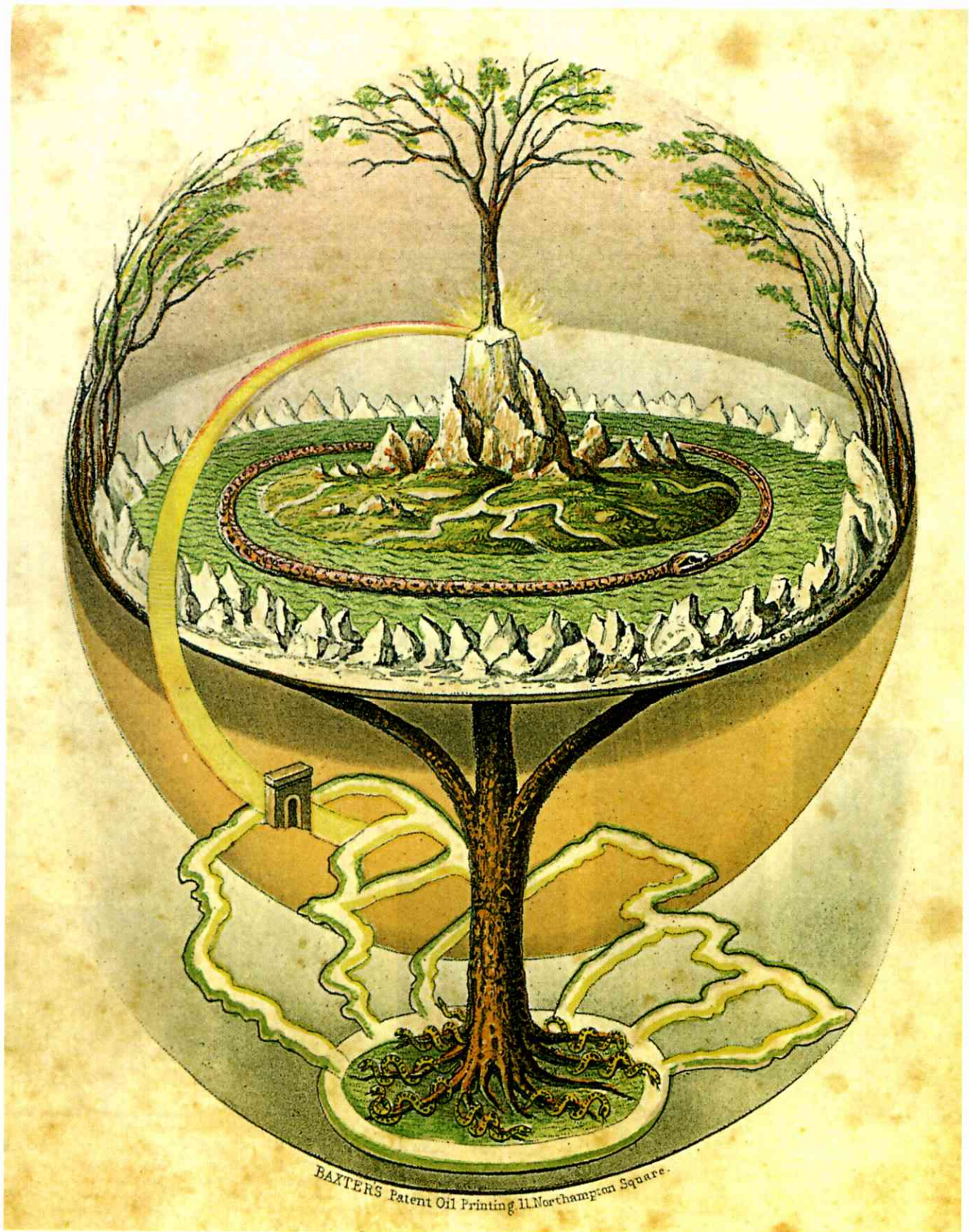
در فرهنگ زابنی، آلو نماد شادی بخشی و اقبال خوب است. همچنین نشان‌دهنده بهار، دلبری و فضیلت غلبه بر مشکلات است و مظهر سامورایی می‌باشد. در چین به معنای بکارت، زیبایی و طول عمر است.

**▲ توت**

چینی‌ها تصور می‌کردند که این درخت حیات نیروهایی دارد که شیطان را در غار نگه می‌دارد. آنها همچنین توت را با پاکی مربوط به فرزند و سخت‌کوشی مرتبط می‌دانند. ارتباط آن با ابریشم (برگ‌های آن به وسیله گرم ابریشم خورده می‌شود) به معنای تمول و لذت‌جویی است.

همچنین ببینید

درختان مقدس صص ۸۶-۸۷
دین بودایی صص ۱۶۴-۱۶۹
مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹

▲ یک دراسیل^۱

درخت حیات در اسطوره‌شناسی نروژی که یک درخت زیان‌گنجشک غول‌آسا به نام یک‌دراسیل بود که قلمرو خدایان، انسان‌ها و دنیای زیرین را به هم وصل می‌کرد. از ریشه‌های آن چشمه‌هایی می‌جوشید که از آنها رودخانه‌ها جاری می‌شد.



[درختان مقدس]



درختان همیشه به عنوان نمادهای قدرتمند حیات، مرگ، ازسرگیری مجدد در نظر گرفته شده‌اند و برخی مقدس انگاشته می‌شدند. آنها با حاصلخیزی، معرفت، حفاظت و آفرینش ارتباط داشتند.

▲ **درخت بودی**
درخت انجیر مقدس که در زیر آن، بودا به روشنگری رسید. بودی یا بو با خرد و توجه و آگاهی ارتباط دارد.

زندگی و معرفت

درخت حیاتی که در بهشت رشد می‌کند نمایانگر جاودانگی و آغاز و انجام یک دوره و جنبه دیگری از درختان کیهانی است. ریشه‌هایش در دنیای زیرین آکنده از رطوبت است و تنه‌اش در دنیای فانی شوندگان است و برگ‌هایش به آسمان می‌رسد که اینها همگی نماد رشد، مرگ، تولد مجدد و بنابراین جاودانگی هستند. در حالی که شکل درختان حاکی از نیروی مردانه و آلت تناسلی مردانه است اما همچنین با مادر زمین و آئین‌های باروری ارتباط دارد چون اغلب درختان حامل میوه‌ها هستند. درخت حیات در فرهنگ‌های بسیاری شامل سومر کهن، هند، چین و ژاپن شناخته شده. درخت معرفت سنت یهودی مسیحی، دارای مضمونی ثنویتی و شامل خبر و شر است و نشان‌دهنده وضعیت بهشتی است که از آن انسان‌ها هبوط کردند. درختان جفت یا دارای تنه‌های چند شاخه هم نشان‌دهنده ثنویت هستند.



▲ **درخت حیات مصری**

یکی از درختان مقدس مصری، یعنی سیکامور (آبنار) یک درخت حیات است و بر آستانه و مدخل بین مرگ و زندگی، بر پشته‌ای مقدس رشد می‌کند که نماد آغاز آفرینش است.

عرفان و مراقبه

درخت معکوس، درخت کیهانی است که ریشه‌هایش ارزش و خاصیت معنوی داشته و در آسمان قرار دارد و از آنجا از طریق شاخه‌هایش به طرف پایین و زمین پخش می‌شود و نماد قبایلی یهودی است و اغلب به عرفان ربط دارد. در قبایلا، درخت سفیروت^۲ معکوس می‌تواند به صورت ده قلمرو و حوزه نشان داده شود که نمادی از وضعیت‌های کشف و الهام است. از نظر بودائی‌ان هم درخت خاصی وجود دارد که اهمیت دینی دارد. آنها بر این باور هستند که درخت بودی از اخلاف درخت مقدس انجیری است که در زیر آن بودا در زمان مراقبه در ۲۵۰۰ سال پیش به روشنگری رسید. مکان این درخت و سایر درختانی که از پاچوش و جوانه‌هایش رشد می‌کنند به عنوان مکان‌های مقدس در نظر گرفته می‌شوند.

► **درخت معرفت**
درخت معرفت خوب از بد، در کتاب مقدس که نشانگر ثنویت و جذابی طبیعت و خداوند است. مار، وسوسه است در صورتی که میوه نشان‌دهنده معرفت ممنوعه است.



همچنین ببینید:

درختان صص ۹۴-۹۵

داستان‌های آفرینش صص ۱۵۶-۱۵۷

دین بودایی صص ۱۶۴-۱۶۹

تورات صص ۱۷۳-۱۷۴



میوه‌های زمین

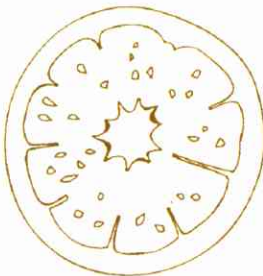
مزه میوه‌ای که دارای دانه است و از آن آب میوه می‌چکد، با لذتجویی پیوند دارد. این نمادپردازی اغلب در هنر هم استفاده می‌شود. میوه‌های زیادی همچنین به ایزدان نسبت داده شده‌اند و از اهمیت دینی برخوردارند.

میوه که نمادی از باروری و جاودانگی است، فرآورده‌ای مطبوع است که دانه نسل بعدی را دربرمی‌گیرد. میوه با درخت حیات ارتباط دارد که میوه خدایان را تولید می‌کند، همچنین با درخت معرفت خیر از شر پیوند دارد و به عنوان علامتی که انسان‌ها از فیض و تایید الهی ساقط می‌شوند، بو و



▲ گلابی

لذتبخشی بی‌نظیرش، آن را با عشق و نماد مادری پیوند می‌دهد. ایزدبانوی آتنا در یونان باستان، مادر درختان گلابی در نظر گرفته می‌شد. چینی‌ها، درخت گلابی که عمر زیادی داشت را به طول عمر ربط می‌دادند. در صورتی که مسیحیان، آن را به عنوان علامت عشق مسیح به بشریت می‌دانستند.



▲ پرتقال

ظاهر گل‌ها و میوه‌اش به طور همزمان، پرتقال را با باکرگی و باروری مربوط می‌کند و شکوفه خوشبوی آن به صورت سنتی بخش اصلی مراسم ازدواج را تشکیل می‌دهد. چینی‌ها پرتقال را در دومین روز سال نو می‌خورند تا برایشان شانس خوبی را موجب شود، آنها همچنین پرتقال را به جاودانگی مرتبط می‌کنند.



▲ لیمو

مزه گزنده‌اش، آن را با ترش‌مزگی، ناکامی و یاس پیوند می‌دهد اما در سنت عبری نماد قلب است.



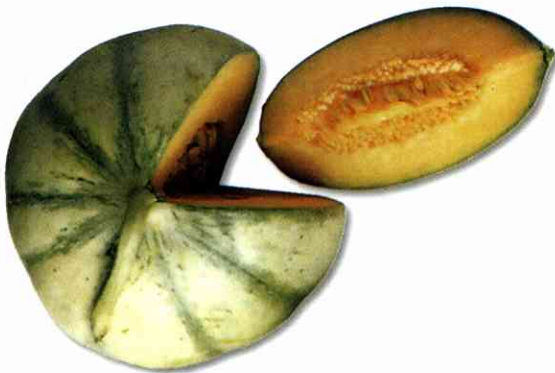
▲ هلو

در چین و ژاپن، هلو با جاودانگی و شکوفه‌هایش با بهار در ارتباطند. تائویست‌ها و اروپایی‌ها، آن را به باکرگی ربط می‌دهند و این میوه برای خدای رومی ازدواج یعنی هاین مقدس بود. هلو زمانی که در هنر غربی با مریم مقدس و بچه نشان داده شود، نماد نجات و رهایی است.



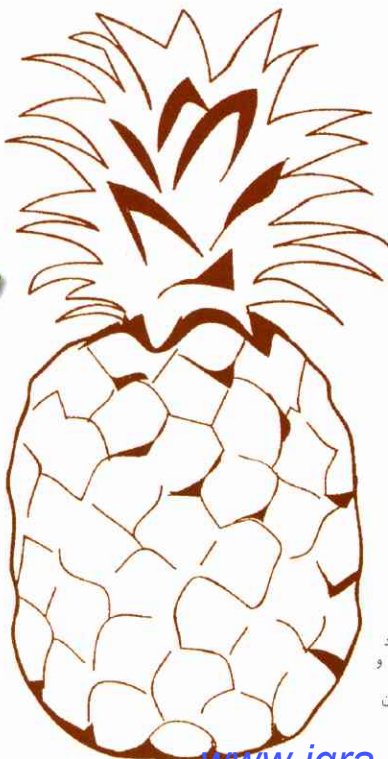
▲ سیب

در اروپا، سیب نماد عشق، باروری، جوانی و جاودانگی است. شکل کروی آن نشان‌دهنده سرمدیت است و به صورت رایجی با درخت حیات ارتباط دارد. از نظر سلتی‌ها، سیب نماد باروری و زندگی بعد از مرگ است، در چین مظهري از صلح است. در کتاب مقدس، سیب میوه ممنوعه‌ای است که به وسیله حوا خورده شد و نماد اغواگری و گناه است.



▲ ملون

نشان‌دهنده باروری، شیرینی و مهربانی، رطوبت و نیروی حیات هستند. لذتبخشی زیاد، آنها را به تحمل و برخوردی ربط می‌دهد در حالی که رشد سریعش به معنای نیروی آفریننده است. در چین، ملون‌ها به صورت سنتی با باروری در ارتباطند و دانه‌هایشان گاهی در مراسم عروسی دیده می‌شوند. چون این میوه در شمال اروپا بندرت یافت می‌شود نماد تمول است.



▲ آناناس

در غرب هند شرقی، آناناس نماد دوگانه باردارندگی و مهمان‌نوازی است. در آمریکا به عنوان مظهر مهمان‌نوازی شناخته می‌شود.



▲ انجیر

انجیر نماد جهانی باروری است. درخت انجیر به صورت سنتی نشان‌دهنده درخت حیات و نماد هر دوی مرد و زن است که برگ آن در مورد مرد و میوه آن در مورد زن به کار می‌رود. در سنت عبری، انجیر میوه صلح و رفاه است. در کونکو از کشور چاد، آن را با بارداری مرتبط می‌دانند.



▲ انبه

گاهی به عنوان غذای خدایان توصیف می‌شود و نماد هندویی عشق و باروری است. برگ‌هایش نشان‌دهنده زندگی و به صورت آئینی از آن برای استمداد اقبال خوب استفاده می‌شود. شکل پته جقه‌ای از نقش نگاره انبه منشأ می‌گیرد که از سال‌های کشمیری قرن یازدهم کیی شده.

▲ کدوقلیانی

به عنوان ظرف آب یا ماسک آئینی، ابزار موسیقی و حتی کابوت آلت مردانه استفاده می‌شده است. ارتباط آن با اسطوره‌های خلقت و باروری در فرهنگ‌های بسیاری رایج است. مائوری‌ها از آن در آئین‌های زایش و تولد استفاده می‌کنند و در جاهای دیگر با شفابخشی و فراطبیعی بودن پیوند دارد.

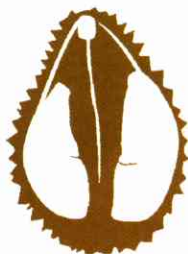
▲ انار

که در این کاشی‌کاری نشان داده شده، میوه‌ای است که پر از دانه‌های براق و مظهری خورشیدی از باروری (رحم) و خون زندگی است. در چین این موضوع را بسط داده‌اند تا به معنای سعادت بسیاری از کودکان باشد. در اسطوره یونانی، انار به جان تازه بخشیدن مرتبط می‌شود.



▲ خرما

نخل خرما. درخت حیات عربی و همچنین نشان‌دهنده استقامت است و میوه‌ای را در زیستگاه صحرائی خشک تأمین می‌کند. میوه آن در مصر، یاستان و خاورمیانه نماد باروری بود در صورتی که برگ متمایز آن علامت قدیمی قبایل یهودیه است.



▲ قهوه سودانی

نقل شده که مزه ملکوت و بوی جهنم دارد. قهوه سودانی که متعلق به جنوب شرقی آسیاست نماد تکدر خاطر و دلخوری است که مانع رسیدن به زیبایی و حقیقت درونی می‌شود. مالایی‌ها آن را شهوت‌زا می‌دانستند. در صورتی که گرانی آن در هنگ‌کنگ، منعکس‌کننده مقام و منزلت آن بود.



▲ خرمالو

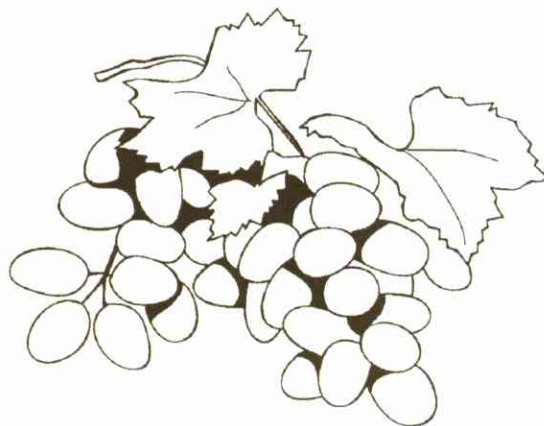
متعلق به گونه‌ای از گیاهان به نام diospyros به معنای «میوه خدایان» است و نماد چینی لذت و خوشی است که از قدیم در داروسازی به کار می‌رفت و این باور وجود داشت که نیرو یا chi را تنظیم می‌کند. در ژاپن، معتقد بودند نشان‌دهنده پیروزی است.

▲ گوجه‌فرنگی

زمانی که به اروپا معرفی شد، آن را با عنوان سیب عشق شناختند. گوجه‌فرنگی را شهوت‌زا در نظر می‌گرفتند و شاید این امر به خاطر تعداد زیاد دانه‌های داخل میوه بود. کلیسا بی‌درنگ آن را به اهریمن پیوند داد.

▶ بادام

ارتباط بادام با پاک‌ی از اسطوره‌های یونانی منشأ می‌گیرد که درباره آتیس^۱ از مادری باکره است. این میوه در چین نشان‌دهنده زیبایی زنانه است. تعدادی فرد از بادام برای برخورداری از شانس و اقبال در مراسم ازدواج اهدا می‌شود. بادام همچنین نماد کتاب مقدسی در مورد به سرعت گذشتن سال‌های پیری است.



▲ انگور

ارتباطش با شراب، انگور را به خدای رومی باگوس و موضوعات مرتبط با آن راجع به خوشگذرانی، لذت و باروری پیوند می‌دهد. در سنت مسیحی، شراب نماد خون مسیح است. انگور از قدیم با برداشت باطنی



غذاهای زمین

نشان‌دهنده غذای خدایان و بسیاری از آنها از اهمیت دینی ویژه‌ای برخوردارند یا به معنای مهمان‌نوازی هستند.

از زمانی که کشاورزی شروع شد، دانه‌های اصلی نماد حاصلخیزی و شروعی مجدد برای کسانی بودند که آنها را می‌کاشتند. غلات منبع قوی در خصوص مقولات رستاخیز، پختگی و رسیدن و خشکیدن شاخ و برگ قبل از ظهور مجدد به صورتی معجزه‌آسا در بهار به شمار می‌روند. برخی از غذاهای زمین با فراوانی و وفور یا حاصلخیزی مرتبطند. دیگر غذاها نظیر عسل



ذرت

از نظر تاریخی، ذرت در سراسر آمریکا دانه‌ای حیاتی بوده و به عنوان نمادی از زندگی در نظر گرفته می‌شد. بلال و ذرت در بیشتر نمادپردازی‌های غلات سهیم است و عموماً با حاصلخیزی و وفور رابطه دارد. این گیاه نقش اساسی را در بسیاری از اسطوره‌های آفرینش بازی می‌کند و در آئین‌ها کاربرد دارد.



برنج

غله‌ای اصلی در سراسر آسیا که نماد وفور و همچنین جاودانگی، تغذیه و پرورش معنوی، پاکی و معرفت است. رسم پرتاب کردن برنج در مراسم عروسی در اصل از هند است و نشان‌دهنده باروری و خوشبختی است. در ژاپن هم تصور می‌شد که این محصول دفع‌کننده شیطان است.



گندم

در مصر باستان گندم با جاودانگی ارتباط و در جاهای دیگر گندم با تابستان، حاصلخیزی و برداشت فراوان پیوند داشت.



نان

نشان‌دهنده غذا برای جسم، روح و یگانگی و اتحاد است. در عید یسح یهودی، نان تخمیر نشده به معنای فروتنی و قربانی است. شکستن نان با تقسیم کردن آن با آئین مقدس مسیحی عشای ربانی ارتباط دارد که در آن نان نماد جسم عیسی است.



سیب‌زمینی شیرین

این سبزی، غذای سه بخشی است که برخی فرهنگ‌ها، آن را با بدن انسان یکی می‌گیرند. در فرهنگ‌های اقیانوس آرام و آفریقای، در گینه نو اهمیت دارد و آئین‌های زیادی را با داشت و برداشت سیب‌زمینی شیرین مرتبط می‌دانند. همچنین با قدرت جنسی مردانه، شهوترانی و شان و مقام ارتباط دارد.



ساگو

در گینه‌نو که ساگو دانه‌ای اصلی است، نماد زندگی می‌باشد در صورتی که برای قوم اسمات^۱ در نیمه غربی جزیره گینه‌نو، درخت ساگو نشان‌دهنده بدن انسان و میوه آن به منزله سر انسان است.



▲ شیر

نماد مادری است. شیر غذای حیاتی است که با باروری، وفور و تغذیه معنوی ارتباط دارد. همچنین به عنوان «شیر» عاطفه انسانی» به معنای شفقت و در مراسم‌های تشریف و پذیرش علامتی از تولد مجدد است.



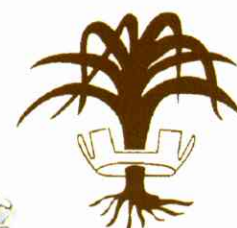
▲ تخم مرغ

نماد جهانی باروری و نیروی بالقوه زندگی است. تخم مرغ کیهانی، امری محوری برای بسیاری از اسطوره‌های آفرینش است. در دین بودایی، شکستن پوست غفلت تخم مرغ به معنای دستیابی به روشنگری است. در مسیحیت تخم مرغ نماد رستاخیز است.



▲ پیاز

حلقه‌های متحدالمرکز درونی آن، پیاز را با سرمذیت مرتبط می‌کند. کندن و در آوردن لایه‌هایش، نشان‌دهنده کشف و شهود است. در مصر باستان، پیاز پیشگویی تشییع جنازه و تدفین به حساب می‌آمد که نمادی از جاودانگی بود و این در صورتی بود که در اروپای قرون وسطی به عنوان اجاره و کرایه بها پرداخت می‌شد.



▲ تره فرنگی

این علامت ولری مشهور با پیروزی در ارتباط است و ولزی‌ها برای این که در طول نبرد از ساقسون‌ها مشخص شوند از تره فرنگی استفاده می‌کردند. در عبری «تره فرنگی» شبیه به کلمه دیگری است که به معنای «بریدن» و «جیدن» است و بنابراین به صورت نمادین، تره فرنگی در مراسم روش هشانا (عید سال نو یهودی) خورده می‌شد تا به این وسیله دشمنان را برچینند.



▲ قهوه

در افسانه‌ای تاکید می‌شود که قهوه را جوانان اتیوپیایی هنگامی که ملاحظه کردند برها بعد از جویدن دانه‌های قهوه، قیاح و سرخال می‌شوند. کشف کردند. به خاطر اقبال و پذیرش عامه و به شدت خانگی شدن قهوه، نماد اجتماعی بودن و مهمان‌نوازی شد.



▲ شکلات

شهوت‌زا را در نظر گرفته می‌شود و نماد لذت‌جویی و انحطاط است. از نظر قوم مایا و ازتک مقدس بود و نوشیدنی‌های شکلات، نقش مهمی را در آئین‌های ازدواج و نامزدی مایایی بازی می‌کرد. ازتک‌ها از دانه‌های کاکائو به عنوان پول رایج استفاده می‌کردند و نوشیدنی شکلات اختصاص به خواص داشت و هنوز هم تصور تحلی از آن وجود دارد.



▲ عسل

عسل طلایی نشان‌دهنده جاودانگی و غذای خدایان بود. عسل با باروری ارتباط دارد و تصور می‌شد که شهوت‌زا باشد. در مسیحیت، عسل نشان‌دهنده مهربانی کلمه الهی است. زمانی که عسل با روغن مخلوط شود، چینی‌ها آن را با دوستی دروغین یکی می‌گیرند.



▲ نمک

زمانی کالای گرانبها بود. نمک در ازای دستمزد به سربازان در روم باستان داده می‌شد. ارتباط طولانی مدت با حفاظت از گوشت، منجر به نمادپردازی مربوط به پاکی و فسادناپذیری آن شد. در مسیحیت نشان‌دهنده خرد الهی است. در فرهنگ عامه، قرار دادن نمک بر شانه فرد، اقبال بد را دفع می‌کند.



▲ چای

نمادی از خانواده، مهمان‌نوازی و سازگاری است. چای از نظر آئینی در شرق مهم است. در چین ملاقات آدم‌های سیاستمدار اغلب با وسایل چای‌سازی نمایش داده می‌شد تا نمادی از قاطعیت صلح‌آمیز باشد. در ژاپن مراسم چای هنری است که از ذن تاثیر پذیرفته و از آن معنای نظم، احترام و آرامش منتقل می‌شود.

یهودیت صص ۱۷۳-۱۷۲
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶

همچنین ببینید:
سر صص ۱۰۹-۱۰۶
باروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰
عشق و ازدواج صص ۱۲۷-۱۲۶
داستان‌های آفرینش صص ۱۵۷-۱۵۴





زندگی انسان





ما از حیوانات به وسیله توانایی مان برای استدلال، ابداع و خلق متمایز می شویم همان گونه که نمونه اش در اسطوره ها، نمادها و نشانه ها وجود دارد. فلاسفه برای هزاران سال در مورد جایگاه انسان در کیهان بحث

کرده اند و این که ما باید چگونه به موضوعات اساسی تولد، زندگی و مرگ بپردازیم. برای پدید آوردن نظم و معنا در زندگیمان، نمادپردازی ها و آیین های گوناگونی را شکل داده ایم تا با نقطه عطف های کلیدی در زندگی مردم نظیر تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ همراهی کنند.

در دنیای باستان، اغلب بدن انسان را به عنوان جهانی در عالم صغیر در نظر می گرفتند. چینی ها بر این باور بودند که در یک بدن سالم، بین - یانگ در توازنی کامل قرار دارند در صورتی که ادیان بسیاری این امر را با قدرت الهی مربوط می دانستند، بنابراین خدایان در شکل انسان ظاهر می شدند. هر بخشی از بدن، نمادپردازی خودش را دارد که به وسیله کارکرد

یا ظاهرش القا می شود. برای مثال، سر به اشکال گوناگون نیروی زندگی، جایگاه عقل و معنویت را نشان می دهد. اهمیت سر، با این واقعیت منعکس می شود که مردم، صاحبان قدرت را «سران» می نامند و پادشاه تاجگذاری می کند. چشم، همه چیز بین و «پنجره روح» است، در صورتی که بینی معمولا فالوسی شکل است و تصور می شد که موها علامت قدرت و توانایی باشند. به صورت نمادین، مرد با آتش برابر گرفته می شود و فالوسی است در صورتی که زن با آب ارتباط دارد و پذیرنده است. آن دو با هم یک کل را شکل می دهند شبیه به خورشید و آبها که نماد آفرینندگی هستند. جوامع اولیه توجه داشتند که دوره زندگی انسان، بخصوص در مورد زنان، با نظم متغیر فصول مشابهت دارد. خدایان و نمادها به صورت نزدیکی با حاصلخیزی خاک و الگوهای فصلی رشد، مرگ و تجدید حیات ارتباط دارند. برای مثال، یک دسته گندم طلایی، نماد حاصلخیزی و وفور است. فرهنگ های بسیاری بر اصل مردانه و باروری تاکید دارند و آلت تناسلی مردانه به عنوان نماد نیرومند باروری مردانه مورد تقدیس واقع می شد که به صورت ستون هایی،





را مشخص می‌کردند، بلکه به عنوان وسایل تنظیم و متحد کردن جامعه به کار می‌رفتند. هر جامعه‌ای به صورتی متفاوت به مرگ می‌پردازد و این امر در روش دفن مردگان توسط مردم و چگونگی سوگواری و به یادآوری آنان منعکس می‌شود. اغلب نگرانی زیادی برای حمایت از متوفی وجود داشت که مسیر امنی را تا بعد از این زندگی داشته باشد و اسطوره‌های زیادی راجع به زندگی بعد از مرگ وجود دارد. برخی از دنیاها بعدی مکان‌های لذت‌بخشی هستند و در مکان‌های دیگر ترس، برزخ و بلا تکلیفی وجود دارد که غالباً این موضوع به عنوان پاداش یا کیفر برای رفتار افراد در طول زمان زندگی‌شان در نظر گرفته می‌شد.

مرگ و آئین‌های سوگواری همچنین مملو از نمادپردازی هستند از تعیین جای قبور گرفته تا رنگ لباس‌های عزاداری. سایر نمادها، نیز موضوع مرگ را تکامل دادند، نظیر فرشته قبض روح یا میوه فاسد و گندیده که به عنوان تذکری برای کوتاه بودن دوران زندگی روی این زمین به شمار می‌روند.

یا ستون هر می شکل سنگی
یا تیری آراسته به گل که دور
آن می‌رقصیدند (ستون رقص)
نشان داده می‌شد، اما در جوامع
کشاورزی اولیه یک ایزد بانوی
مادر که تجسم اصل زنانه بود، به
عنوان منبع همه حیات در نظر
گرفته می‌شد.

خدایان و نمادهای تولد بچه
و باروری به ارتقا درک و
فکر، یا به تسکین یک زایمان
دردناک، یا مراقبت از بچه‌ای

سالم کمک می‌کردند و صدف کاوری که شبیه به آلت تناسلی
زنانه است یکی از این طلسم‌های نمادین است. اجتماع در هم
بافته متنوع و آئین‌های دینی نظیر نامگذاری یک کودک، مراسم
ازدواج و تشرف توسعه یافتند. این آیین‌ها نه تنها نقاط گذار مهم

جوامع اولیه توجه
داشتند که دوره‌ی
زندگی انسان،
به‌خصوص در مورد
زنان، با نظم متغیر
فصول مشابهت دارد.





[سر]

در بسیاری از فرهنگها، سر مهم‌ترین بخش بدن انسان در نظر گرفته می‌شود زیرا شامل مغز است. سر در خودش نمادی از نیروی حیات را دارد و جایگاه عقل، خرد، هوش و معنویت است. اهمیت آن این‌گونه است که به عنوان نمادی از زندگی،

سرها به عنوان علامتی از احترام خم می‌شوند، تاجها را بر سر پادشاهان قرار می‌دهند. به برندگان، تاجهای افتخار داده می‌شود و صاحبان قدرت را با نام «سران» می‌شناسند.



سرهای چندگانه

اسطوره‌شناسی پر از مخلوقات با چند سر است (خواه انسان، روح یا خدا) که هر یک از سرها نشان‌دهنده وجهی از صاحب آن است. هکیت اولین مورد بود که به صورت خدایی با سه سر تصویر شد. سرهای او، سه وجه شخصیت او را نشان می‌دهند که گاهی با یک سگ، اسب و افعی جایگزین می‌شود. موجودات با چند سر نظیر برهما در شرق بیشتر معمول هستند به خصوص در دین هندو و بودایی.

گوش

به صورت نمادین، شکل گوش آن را با شکل صدف و حلزونی ارتباط می‌دهد. صدف نماد تولدی است که به آلت تناسلی زنانه پیوند می‌یابد و این مساله دلیل و توجیهی برای تصور و ایده تولد از گوش است که در اسطوره‌شناسی هندی به وقوع می‌پیوندد. کر مه از گوش‌های مادرش متولد شد، گوش همچنین با نفس زندگی هم ارتباط دارد. در نمادپردازی مصری، گوش راست «هوای زندگی» و گوش چپ «هوای مرگ» را دریافت می‌کند. در آفریقا گوش‌ها نماد طبیعت و ماهیت جنسی هستند در صورتی که در دین بودایی و جاین، گوش‌های بزرگ و بلند نشانه خرد هستند.



▲ ساتیر^۷

ساتیرهای یزمانند که پیروان دیونیسوس هستند با گوش‌های برجسته و نوک تیز تصویر می‌شوند. بز نماد تمایلات جنسی مردانه است و این گوش‌ها، عنان گسیختگی ساتیر را برجسته می‌کند که روحی مهار نشدنی دارد و به سوی لذت‌های حسی جذب می‌شود.

▲ هکیت

مجسمه‌های ایزدانای رومی هکیت اغلب در محل انشعاب جاده‌ها یافت می‌شد. سر سه‌گانه او نماد توانایی‌اش برای دیدن همه جهات است تا از مسافران در این تقاطع‌های خطرناک محافظت کند.

▼ شیوا

معمولاً با یک سر نشان داده می‌شود. در اینجا سه سر دارد. سر مرکزی خود شیواست. سر سمت راست نشان‌دهنده همسر او پارواتی و سر سمت چپ بهایراوا^۱ است که جنبه خشن و خشم‌آلود شیواست.



▲ برهما^۴

در هنر هندو، برهما معمولاً چهار سر دارد. به نظر می‌رسد که این‌ها نشانگر بسیاری از وجوه دین هندو هستند. نظیر چهار ودا^۵ (مشهورترین متون دینی هندوایان، چهار طبقه (نظام کاستی) و چهار یوگا (تقسیمات زمان)

► زانوس^۶

به عنوان خدای رومی آغاز و فرجام، با دو صورت تصویر می‌شد به طوری که او می‌تواند در دو جهت به طور همزمان نگاه کند یعنی به سوی گذشته و آینده. این دو سر از محل خروج ورود نکهانی می‌کنند.



▲ ستون گوش

در هنر تدفین مصری، تصور می‌شد که گوش‌ها به خدایان برای شنیدن دعاها کمک می‌کنند. به خصوص در ردهای از برجسته‌کاری که ستون گوش نامیده می‌شد این امری نسبتاً شایع بود. این ستون‌ها برای خدایان خاصی در تقدیر از نیت خیرشان وقف می‌شد.



▲ گوش‌های بودا

نرمه‌های گوش کشیده و بلند از ویژگی‌های بودا هستند که خرد او را نمادپردازی می‌کنند. آن‌ها همچنین به یاد ما می‌آورند که او زمانی شاهزادای بود که از گوشواره‌های سنگین استفاده می‌کرد. حتی بعد از استفاده نکردن از آن‌ها، نرمه‌های گوشش اثرات این تملک قدیمی دنیایی را نشان می‌داد.





▲ چشم چپ هوروس

در آینه، چشم چپ است و این چشم نشان‌دهنده ماه و هر دو چشم با هم نشان‌دهنده کل جهان هستند. چشم هوروس نماد مقدسی است که تقریباً در همه آثار هنری مصری یافت می‌شود.



▲ چشم راست هوروس

شبیه به چشم یک باز یا شاهین است. در مورد این نماد که ودجت^{۱۱} یا ادجت^{۱۲} است معمولاً نقل شده که نشانگر چشم راست خدای باز مصری یعنی هوروس است که با خورشید ارتباط دارد.



▲ چشم مشیت

در مسیحیت، چشم مشیت نشان‌دهنده علم مطلق و حضور فراگیر الهی است. از اواخر رنسانس، اغلب چشم درون سه وجهی تصویر می‌شد که به معنای تثلیث مقدس بود.

چشم

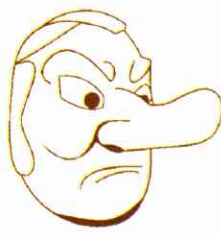
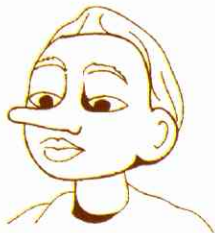
نمادی از خدایان، بخصوص خدایان خورشید که همه موجودات را می‌بینند. چشم‌ها نشان‌دهنده روشننگری معنوی و فهم و درک هستند. دو چشم، اغلب با ماه و خورشید مطابقت داده می‌شوند، چشم سوم می‌تواند به معنای آتش باشد، چشم‌ها همچنین توانایی ویرانگری و نابودی هم دارند، اما در مصر چشم به عنوان طلسم حفاظت‌کننده به کار می‌رفت. در دین بودایی، چشم نماد خرد است در حالی که دیگران به چشم شیاطانی باور دارند که با یک نظر، باعث نفرین و مصیبت می‌شود. در طول قرون و سده‌ها، در آثار هنری به چشم‌ها از ترس قدرتشان صدمه زده می‌شد.

بینی

به صورت رایجی آن را نماد تیزی و هوشیاری در نظر می‌گیرند، بینی به معنای بصیرت و هوشمندی و همچنین به عنوان مشخصه فضولی کردن یا کنجکاوی کردن است. زیرا برای حس بویایی به کار می‌رود و به وسیله قبایل صیاد جمع‌آوری‌کننده مورد احترام بود چرا که آنها پوزه‌های حیوانات صید شده را جمع‌آوری می‌کردند. بینی نمادی فالوسی در نظر گرفته می‌شود به همین جهت مردان، بینی بزرگ را ترجیح می‌دهند و زنان بینی کوچک را که نشانگر تأنیث و آگاهی جنسی آنان است.

▲ سیکلوس^{۱۰}

در اسطوره‌شناسی یونانی، سیکلوس‌ها نژادی از غول‌های نافهم و وحشی بودند که هر کدام یک چشم در وسط پیشانی خود داشتند که این به معنای وضعیت پایین‌تر از انسان و پایین‌تر بودن هوشیاری و آگاهی آنان است.



▲ پینوکیو

در رمان ایتالیایی پینوکیو که به وسیله کارلو کولودی نوشته شده، بینی عروسک هر زمان که دروغ بگوید بزرگ می‌شود. حالا یک حرکت و اشاره دست که از نوک بینی به بیرون کشیده می‌شود به معنی شخصی است که دروغ می‌گوید.

▲ تنگو^{۱۳}

در زاین روحانیونی که به دنبال شهرت و آوازه هستند و از متون مقدس بودایی سوءاستفاده می‌کنند، بعد از مرگشان تنگو میشوند یعنی اهریمنان کوه با بینی‌های بزرگ و دراز. به همین جهت مردم معرور در زاین با بینی‌های دراز نشان داده می‌شوند و تنگو نامیده می‌شوند.

▲ بینی سربالا یا چروک خورده

در اروپا یک بینی سربالا یا چروک خورده، تکیه یا تنفر را می‌فهماند. همچنان که در عباراتی مثل «بینی را به سوی بالا دادن»، مشخص است. در زاین «بینی سر بالا» یا هاناکا^{۱۴} به معنای غرور است.



▲ روشننگری

در دین هندویی و بودایی، چشم سوم یا چشم خرد در چاکرای چشم (یا چاکرای پیشانی) یک خداوند قرار دارد که به معنای روشننگری است. (برخی معتقدند چاکرا، گره یا نقطه متمرکز بر بدن است که انرژی‌های مادی و معنوی را منتقل می‌کند)



▲ ازیریس

خط تصویری مصری (هیروگلیف) خدای ازیریس را به صورت یک چشم در بالای اریکه می‌کشد که به معنای «جایگاه چشم» است. بر طبق اسطوره، هوروس به ازیریس چشمی را به عنوان هدیه داد تا به او کمک کند تا بر دنیای زیرین حکومت کند.



▲ پره‌ای طاووس

غول یونانی آرگوس^{۱۵} صد چشم داشت و در هر زمان فقط تعداد کمی از آنها می‌خوابیدند. در زمان مرگ آرگوس، هرا، ملکه خدایان چشم‌های او را بر روی دم طاووس قرار داد که به معنای دل‌مشغولی به دنیای خارجی باشد.



▲ سینه قایق

چشم بد یا شیاطانی یکی از فراگیرترین خرافات و طلسم‌هایی به شکل چشم برای محافظت در برابر آن به کار می‌رفت. در مدیترانه، گاهی چشم بر قایق نقاشی می‌شد تا این افسون شیاطانی را دفع کند.

▲ نقاشی‌های ایتوبایی

وجه تمایز هنر ایتوبایی از هنر بسیاری از اقوام بومی دیگر به وسیله چشم‌های درشتی است که در تمام موضوعات انسانی دیده می‌شود. اهمیت این مسئله به جهت تأکید روی چشم‌ها به عنوان پنجره روح است.



▲ همچنین ببینید:

خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹
خدایان رومی و رومی صص ۱۴۱-۱۴۰
دین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳
تعویذها صص ۱۹۵-۱۹۴
نگارشی تصویری صص ۳۰۰-۳۰۵

- 1- Parvati
- 2- Bhairava
- 3- Janus
- 4- Brahma
- 5- Veda
- 6- yuga
- 7- Satyr
- 8- Chakra
- 9- Argos
- 10- Cyclops
- 11- wadjet
- 12- Udjat
- 13- Tengy
- 14- Hanataka



▲ شیوا

اغلب با توده‌ای از موهای گلوله شده فشرده نشان داده می‌شود که شبیه به تاج است. شیوا هرگز موهایش را کوتاه نمی‌کرد زیرا این باور وجود داشت که موها دارای منبعی جادویی از قدرت و نیرو هستند. موهای شیوا معمولاً با یک هلال تزئین می‌شود.



▲ زئوس

چند قهرمان در یونان باستان موهای بلندی داشتند. سربازان یونانی در بیکار به نشانه اشرافیت، موهای خود را بلند نگاه می‌داشتند. در اینجا موهای ائبوه زئوس یا پادشاه خدایان، نماد قدرت الهی و قدرت جنسی است.



▲ مریم مجدلیه

در بیشتر آثار هنری مسیحی در دوره قرون وسطی، مریم مجدلیه باموهای بلند قرمز نشان داده می‌شود که او این موها را روی شانه‌هایش می‌ریزد که به نظر می‌رسد عموماً علامتی از عمل ناپسند زنان در این زمان و نشانگر پشیمانی و توبه باشد.



▲ شمشون^۱ و دلیله^۲

در عهد عتیق، سر پر موی شمشون نماد قدرت جنسی و توانایی است. او به خاطر کارهای بزرگ و قدرت فوق عادی‌اش مشهور است. نام شمشون به معنای «شبیه به خورشید» است و موهای بلند نمادی از قدرت خورشید بود. زمانی که دلیله به او خیانت کرد و موهای او را کوتاه کرد، سامسون ضعیف و آسیب‌پذیر شد.



▲ خدایان مصری

خط تصویری مصر، خدا را به صورت یک چهره ریش‌دار نشان می‌دهد چون ریش یک ویژگی الهی در نظر گرفته می‌شد. پادشاهان مصری در تصاویر رسمی‌شان با ریش تصویر می‌شدند. خواه در این زندگی واقعی ریش داشتند یا نداشتند.



▲ موی مدل گوجه‌ای بودا

بودا معمولاً با یک اوشنیشا^۱ نشان داده می‌شود یعنی یک برجستگی روی سر که به معنای معرفت معنوی است که شاید نشان‌دهنده موی مدل گوجه‌ای باشد که او قبل از رها کردن زندگی شاهزادگی داشت.



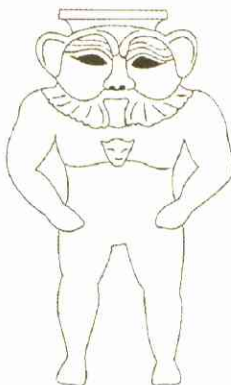
▲ ایزدبانوی کالی^{۱۰}

مجسمه‌های ایزدبانوی هندی ویرانگری یا کالی اغلب به خاطر چشم‌های دیوانه‌وار و زبان بیرون زده که شبیه به شعله آتش است، ترسناک به نظر می‌رسند. حالات صورتی او، میزان قدرتش برای ویرانگری را نشان می‌دهد و زبان لرزان و حرکت‌کننده‌اش نمادی از استهزاء و تمسخر غفلت انسان است.



▲ فریادهای جنگ مانوری

قبل از نبرد، افراد قبیله مانوری در ژالندنو رقصی به نام هاکا^۱ انجام می‌دهند تا از خدای جنگ یا توماتاتونگا^۱ طلب استمداد کنند و دشمن را از سرتوشتن آگاه سازند. رقص شامل حالت‌های چهره‌ای خشم‌آلود و بیرون آوردن زبان تا حد امکان به عنوان نمادی از پرخاشگری و مبارزه‌طلبی است.



▲ خدای مصری بس^۲

خدای کوچک مصر باستان یا بس به صورت یک کوتوله با سری بزرگ و زبانی بیرون زده نشان داده می‌شد. بس یک محافظ خانگی برای کسانی بود که با اهریمین می‌جنگیدند. او با تولد بچه هم ارتباط داشت زیرا تصور می‌شد که او را ارواح مضر را در طول وضع حمل دفع می‌کند.

▲ گورگن^۵

رایج‌ترین تصویر به کار رفته برای دوری از شیطان در یونان باستان سر گورگن یا گورگوتین^۱ بود. این تصویر ترسناک با چشم‌های از حدقه بیرون زده، موهای ماری و زبان بیرون زده، بر درها، دیوارها و سنگ‌های قبور به امید حفاظت در برابر اهریمین نصب می‌شد.



**▲ بی‌دندانی**

وجود نداشتن دندان‌ها علامتی از نبودن جوانی و از دست رفتن توانایی جنگ و دفاع از خود است. بی‌دندانی نمادی از ناکامی و ضعف است چون فکي سالم دلالت بر توان و بنیه، امید و اعتماد دارد. کلمه «بی‌دندان» با هر چیزی که فاقد نیروست مترادف است.

▲ خدای غضب‌آلود

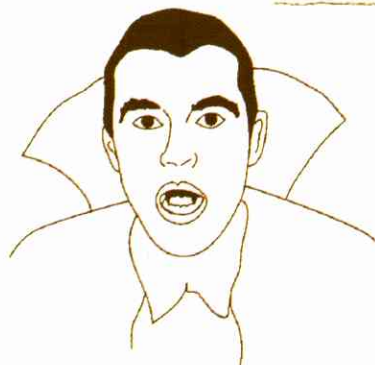
اغلب دندان‌های بیرون آمده، مشخصه خدایان شیوایی و بودایی نظیر کالی و یمه در وجوه خشمناک و غضب‌آلودشان است. دندان‌های تیز و برجسته نشانگر قدرت و نیرو است و در مجسمه‌های خدایان به عنوان محافظان در برابر شیطان در نظر گرفته می‌شوند. دندان‌های بزرگ و نیش مانند ویژگی شیطان‌های آسیایی هستند.

▶ کادموس^{۱۱}

در یونان باستان، دندان‌ها نمادی از باروری بودند. جنگجویان مقاوم که اسب‌اترئی^{۱۲} نامیده می‌شدند («انسان‌های کاشته شده») از جایی رشد می‌کردند که در آن‌جا کادموس (بنیانگذار شهر تب) دندان‌های ازدها را در خاک می‌کاشت و شهر تبس^{۱۳} در این نقطه تاسیس شد.

**دهان**

دهان مجرای است که ما از طریق آن صحبت می‌کنیم، می‌خوریم و تنفس می‌کنیم. به عنوان نمادی از نیروی آفریننده در نظر گرفته می‌شود، اما آنچه ما می‌گوییم، می‌تواند توانایی ما را برای استدلال و بیان افکار تضعیف کند. کلماتمان ما را به دنیایی متعالی‌تر یا پست‌تر که حقیرتر است هدایت می‌کنند. دهان گاه گاهی به مانند لب‌های یک فرشته و یا آرواره‌های یک هیولا تصویر می‌شود.

**▲ دراکولا**

دندان‌های نیش برای نمادپردازی دراکولاها و خون‌آشام‌های خونخوار است. مشهورترین خون‌آشام که در فرهنگ عامه شناخته شده است، کنت دراکولا اثر برام استوکر^۱ (نویسنده ایرلندی خالق دراکولا) است که او از دندان‌های نیش خود استفاده می‌کرد تا قبل از مکیدن خون قربانش، دندان‌ها را در جسم او فرو کند. نمادپردازی جنسی دندان تیز، به صورت تلویحی، بریدن و شکافتن جسم انسانی است.

▶ دهان جهنم

در هنر مسیحی قرون وسطی، ورودی جهنم اغلب به مانند دهان آتشین بازی نشان داده می‌شد که متعلق به هیولای خزنده و غول‌آسای لویاتان^{۱۴} (در عهد عتیق) است. در این نقاشی از روز قیامت، کسانی که در آسمان بی‌قابلیت بوده و شایسته نیستند به وسیله شایطین به دهان جهنم ریخته می‌شوند که در آن سوی آن، درد و شکنجه ابدی قرار دارد.

همچنین ببینید:

خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸

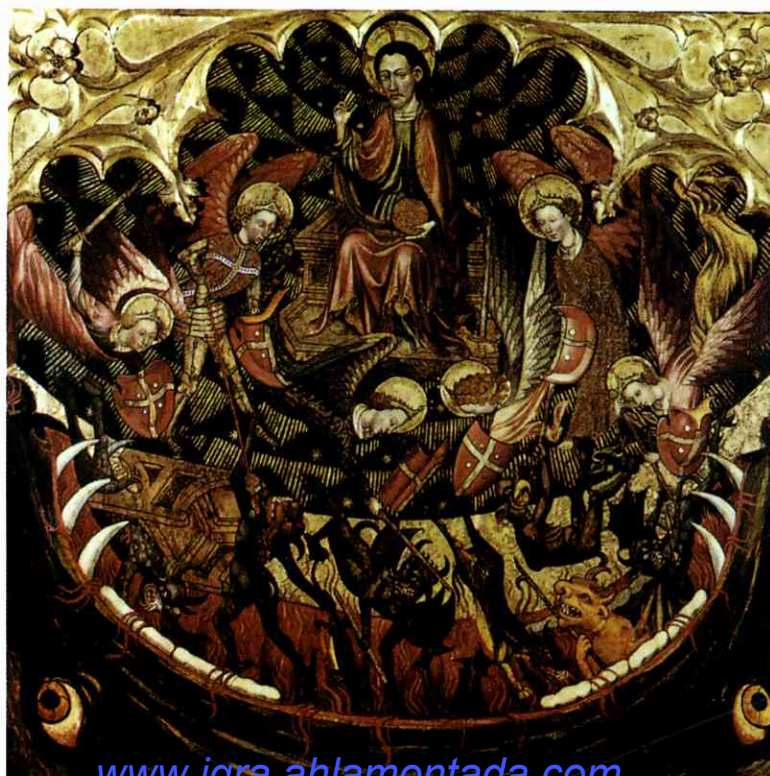
خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰

دین هندویی صص ۱۶۳-۱۵۸

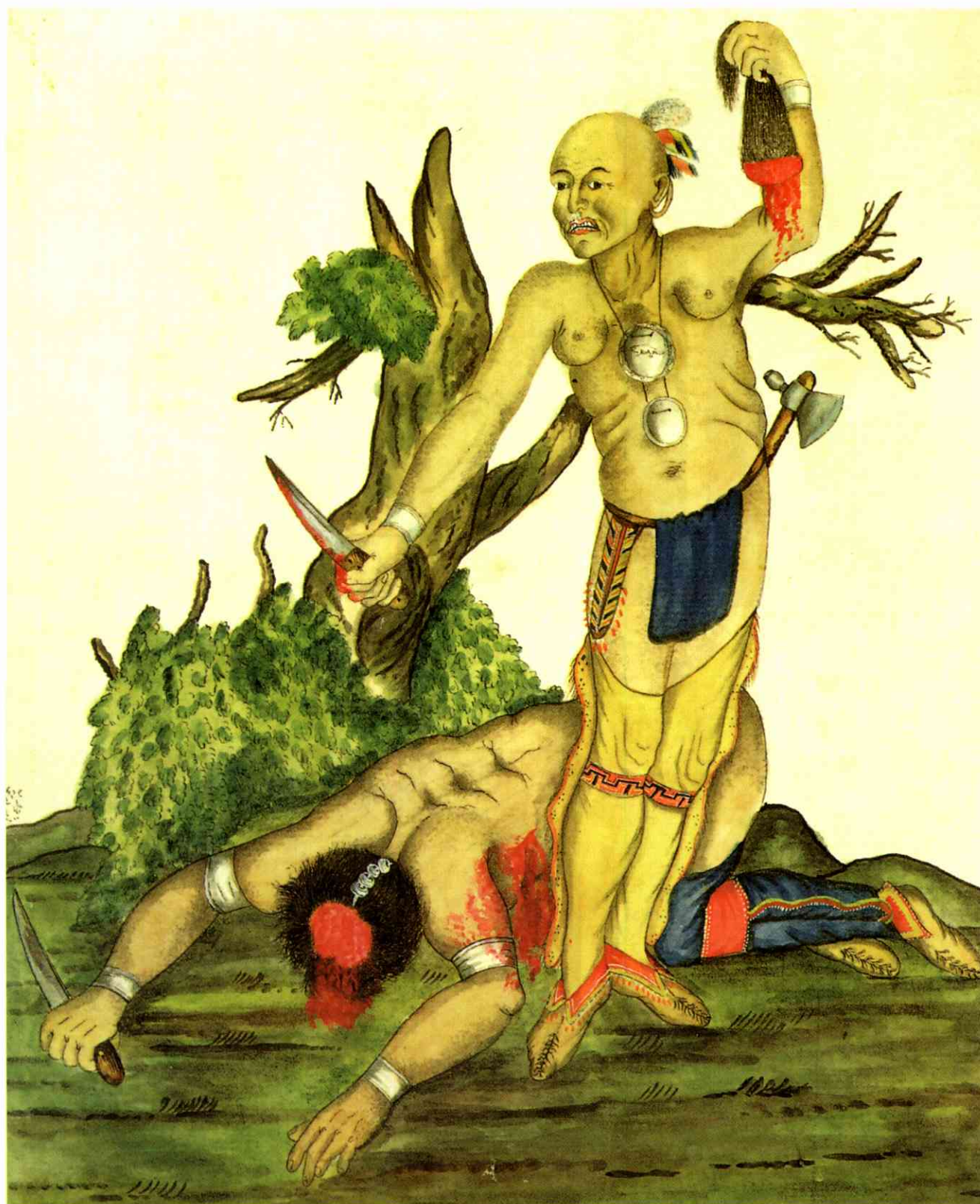
دین بودایی صص ۱۶۹-۱۶۴

مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶

نگارشن تصویری صص ۳۰۵-۳۰۰



- 1- Samson
- 2- Delilah
- 3- Ushnisha
- 4- Ptah
- 5- Gorgon
- 6- Gorgoneion
- 7- Bes
- 8- Haka
- 9- Tumatawenga
- 10- Kali
- 11- Cadmus
- 12- Spartoi
- 13- Thebes
- 14- Bram stoker
- 15- Leviathan



▲ کندن پوست سر

از نظر سرخپوستان آمریکایی، پوست سر یک انسان، نمادی از نیروی حیات اوست. کندن پوست سر نه تنها به نشان پیروزی در جنگ است بلکه از شجاعت و دلیری جنگجوی برنده هم حکایت می‌کند. گاه گاهی قربانی که پوست سرش کنده شده بود زنده می‌ماند، اگر چه که جراحت سختی داشت. آئین‌های بسیاری در مورد آورنده پوست سر از جنگ به خانه، خشک کردن و نثرین آن وجود داشت.



سر به نشان پیروزی



▲ جام جمجمه

در دین بودایی به کار می‌رفت. جام جمجمه، ظرف یا جامی ترنین شده است که از جمجمه انسان ساخته شده و نشانگر ناپایداری و گذرا بودن دنیاست.

جمجمه یکی از جالب‌ترین نمادهاست. يك باور فراگیر وجود دارد که قدرت روح انسان در سری که از جمجمه ساخته شده، سکونت دارد و سرها به عنوان نشان پیروزی در بسیاری از فرهنگ‌ها به شمار می‌روند.



شد که روح در سر اقامت دارد و از طریق بریدن سر، شکارکننده‌ی سر در پی آن بود که روح یا نیروی حیات را به خودش یا سرزمین و جامعه‌اش منتقل کند. شکار سر، وسیله مهمی برای از سرگیری مجدد باروری و قدرت معنوی بعد از مرگ یا برداشت محصول ناموفق در جامعه بود. در بعضی جوامع این سرها از بدن جدا می‌شدند و مردان جوان فقط بعد از اولین سر بریدن می‌توانستند ازدواج کنند. در جنوب شرقی آسیا و ملانزی در بین قبایلی همچون ایبان،^۱ ایلنگوت^۲ و دایاک^۳ شکار سر یک آئین همچون جنگ بود. مائوری‌ها، سردشمنان خود را با دود دادن آنها بعد از برداشتن جمجمه حفظ می‌کردند، در چین هم سربازان چین^۴ (اولین حکومت امپراتوری در چین) سر دشمنان خود را جمع می‌کردند و از آنجایی که بیشتر سربازان برده بودند، آنها در بازگشت از جنگ، آزادی خود را با چنین نشانه‌های پیروزی به دست می‌آوردند.

تصویر جمجمه‌ای خندان، به‌ویژه در غرب استعاره‌ای قابل رؤیت برای فناپذیری است. برای مثال، این تصویر به عنوان هشدار روی محصولات سمی یا به عنوان تصویری ناخوشایند روی سنگ یادبود ظاهر می‌شود. اما در برخی فرهنگ‌ها، نگرش‌ها بسیار متفاوتند و مردم به جای این‌که از جمجمه به عنوان نماد ترسناکی از مرگ بترسند به آن به عنوان منبعی قدرتمند از زندگی و باروری احترام می‌گذارند.



▲ جایگاه جمجمه

مصلوب کردن عیسه مسیح در محل جلجتا^۵ واقع شد و برخی نقل کرده‌اند که آنجا همان نقطه‌ای بود که جمجمه آدم در آن دفن شده بود. جکیدن خون مسیح بر آن باعث پاک شدن انسان از گناه ازلی شد.

سرهای کوچک شده

از بین بسیاری از جهان‌بینی فرهنگ‌های سر بُر، فقط قبیله جیوارو^۶ از جنگل‌های آمازونی اکوادور و پرو

به کوچک کردن و منقبض کردن سر انسان‌ها یا عمل کردن سر انسان‌ها یا عمل

تسانتسا^۷ شناخته شده‌اند. با به دست آوردن یک سر در نبرد، جنگجوی جیوارویی قدرت شخصی یا آروتام^۸ خود را افزایش می‌داد، اما هنوز به نظر می‌رسید که روح مرده خطرناک باشد. کوچک کردن سر قدرتش را از بین می‌برد و از بازگشت روح انتقام‌گیرنده قربانی جلوگیری می‌کرد. همچنین تصور می‌شد که این سر، رشد غلات را افزایش می‌دهد.



▲ کوچک کردن سر

برای کوچک کردن سر، ابتدا جمجمه خارج می‌شد و پوست سر با سنکریزه یا شن داغ پر می‌شد. این سر سپس ماساژ داده می‌شد تا کوچک شود.

جمجمه‌های مقدس

جمجمه به خاطر ارتباطش با روح و زندگی پس از مرگ، معنای ضمنی دینی و قوی دارد. در بین مردم قدیم، مراسم مربوط به جمجمه به عنوان موضوعی مقدس، شایع و متداول بود. در اسطوره‌شناسی نروژی، جمجمه یمیر^۹ غول، بعد از مرگش طاق‌قوسی آسمان شد. در آمریکای دوره پیش کلمبیایی (آمریکای مرکزی پیش از ورود اروپائیان) ازتک‌ها و سایر قبایل، جمجمه را مورد تکریم و تقدیس قرار می‌دادند. جمجمه‌ها همچنین در تصویرنگاری بسیاری از خدایان هندو و بودایی اغلب در تاج‌های گل یا عصای سلطنت ظاهر می‌شدند. جمجمه به عنوان علامتی مسیحی با پشیمانی و توبه ارتباط دارد و تذکری خداترسانه برای گذرا و کوتاه بودن زندگی است.

آئین‌های شکار سر

تا همین اواخر، برداشتن سر انسان‌ها به عنوان نمادی از قدرت، امری متداول در بین اقوام خاصی در بخش‌هایی از آسیای جنوب شرقی، اقیانوسیه و جنوب آمریکا بود. این رسم از این باور ناشی



► باشگاه ورزشی گینه‌نو

یک باشگاه ورزشی آئینی بزرگ در جزیره گینه نو در شمال استرالیا برپا شده است که در آنجا جمجمه‌های ارسال شده شکار در سال ۱۹۷۸ به

همچنین ببینید:

- ۱- مرگ و سوگواری صص ۱۲۸-۱۳۱
- ۲- بین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳

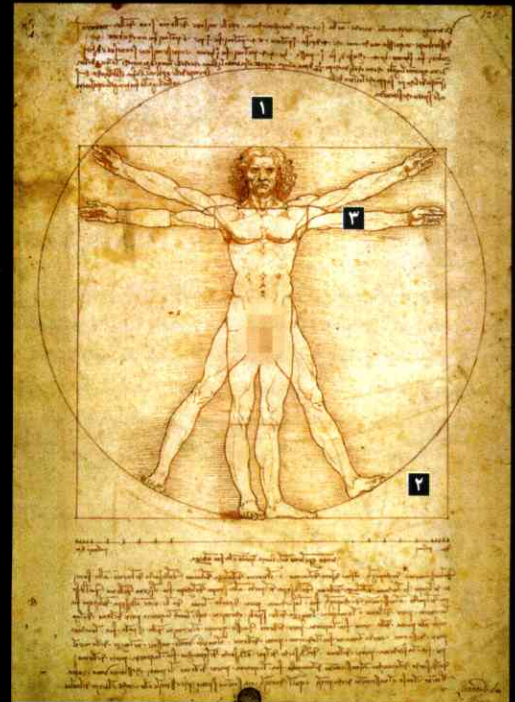
- 1- Ymir
- 2- Iban
- 3- Ilngot
- 4- Dayak
- 5- Qin
- 6- Jivaro
- 7- Tsantsa
- 8- Arutam
- 9- Golgotha

www.igra.ahlamontada.com



انسان و جهان

ارتباط بین انسان و جهان موضوع مهمی در تفکر دوره رنسانس بود. طرح مشهور لئوناردو داوینچی از انسان ویتروین^۱ که بر مبنای ایده‌ی معمار ایتالیایی ویتروئوس^۲ کشیده شده بود را می‌توان به عنوان همانندنگاری ساختار بدن انسان و ساختار جهان تفسیر کرد. از نظر اگریپا از اهالی نتشیم^۳ (منجم، الهی‌دان و جادوگر آلمانی) که کیمیاگر و نویسنده است، بدن انسان عالم صغیری بود که شامل عالم کبیر یا جهان نیز بود.



۱. دایره

در طول دوره رنسانس، انسان‌شناسان کمال دایره را به خداوند پیوند دادند. آنها بر این باور بودند که شخصی که در اینجا به وسیله لئوناردو تصویر شده، به وسیله حرکت دایره‌ای بدنش، یک دایره یا دنیای معنوی را شکل می‌دهد. که نمادی از روح آفرینشگر است که مردم را به بالاتر از محدودیت‌های دنیای مادی یا مربع می‌برد.

۲. مربع

این بیکر در درون مربعی که بر روی دایره‌ای قرار گرفته، واقع شده و برخی از مردم بر این باورند که لئوناردو نه تنها عمل و فعالیت متناسبی را ارائه داده، بلکه به صورت نمادین نشان می‌دهد که چگونه یک فرد به صورت همزمان می‌تواند در دنیاهای طبیعی معنوی باشد.

۳. تناسب الهی

در پی هدایت و ایده‌ی ویتروئوس، هدف اصلی لئوناردو در این طرح، توصیف مفهوم تناسب الهی است. بر طبق این اصل، هر بخش مجزایی از بدن، جزئی ساده از این کل است. برای مثال سر از پیشانی تا جانه، دقیقاً یک‌دهم کل ارتفاع بدن است و بازوهای گشوده شده همواره به اندازه قد و طول بدن است. تناسب الهی بدن انسان، منعکس‌کننده تقارنی است که در سراسر جهان وجود دارد.

▲ انسان، عالم صغیر

اگریپا از اهالی نتشیم (۱۴۸۶-۱۵۳۵) برجسته‌ترین مؤلف رنسانس در موضوع جادو، اختربینی و مسائل رمزی و باطنی است. شناخته شده‌ترین اثر او، کتاب سه بخشی فلسفه رمزی^۴ است که به مدت زیادی مورد قبول بود و این مفهوم را بیان می‌داشت که جهان به مدل یک انسان ساخته شده و دارای روح است. انسان اگریپا یا عالم صغیر در شکل مشابهی به عنوان ستارهای پنج‌بر به عنوان عالم کبیر یا جهان قرار داشت. در این طرح، پنج‌گوشه این ستاره پنج بر، مشترکاً بخش‌های بدن و سیارات را نشان می‌دهند که به صورت نمادهایی نشان داده می‌شدند که برای اخترشناسان در آن زمان شناخته شده بود. در بالا سر و سیاره مریخ قرار دارد. بازوها زهره (در چپ) را به مشتری (در راست) ربط می‌دهند و پاها بین عطارد (در چپ) و زحل (در راست) قرار دارند. ماه در مرکز ستاره پنج بر و نزدیک به اندام تناسلی قرار دارد.

1- Vitruvian
2- Vitruvius
3- Agrippa of net-
tasheim
4- De occulta
philosophia



[بدن انسان]

در سنت‌های بسیاری، بدن انسان عالم صغیری از این جهان در نظر گرفته می‌شد: هر چیزی که در عالم خارج از فرد وجود دارد، در عالم درون او هم مشاهده می‌شود. اکثریت فرهنگ‌ها، نمادپردازی را به هر بخش از بدن انسان تخصیص داده‌اند و به این بخش‌ها، معانی خاصی را اعطا کرده‌اند که

در ورای کارکرد زیست‌شناختی آنهاست. در بسیاری از ادیان، هیئت انسان نمادی از قدرت الهی و نماد اصلی تقدس بود. خدایان در شکل انسانی ظاهر می‌شدند و در عهد عتیق آمده است که «خداوند انسان را به صورت خود آفرید.»

اسکلت

تجسم مرگ، تصویر ناخوشایندی از اسکلت انسان است. در دوران باستان یونانی- رومی، اسکلت‌ها در ضیافت‌ها به عنوان تذکری از خوشی زودگذر زندگی حضور داشتند. اسکلت را اغلب به صورت نشسته در کنار روحانیون و کشاورزان تصویر می‌کردند تا یادآوری شود که مرگ با همه افراد رفتار یکسانی خواهد داشت.

استخوان‌ها

استخوان‌ها به عنوان چارچوبی برای بدن انسان، نشان‌دهنده قدرتمندی، ثبات و تعین هستند. قبیله یانومامی^۱ در آمازون بر این باور بودند که روح در مغز استخوان سکونت دارد و به همین دلیل آنها مغز استخوان متوفایی را که از خویشاوندان بود می‌خوردند تا ادامه زندگی روح آنان را تضمین کنند. به همین دلیل، مغز استخوان، نمادی از جاودانگی و رستاخیز است.



دنده

در سفر بیدایش کتاب مقدس بیان می‌شود که چطور خداوند از یک دنده آدم، حوا را ساخت. بنابراین دنده نمادی از زن است که از مرد متولد می‌شود.

ورق فالگیری مرگ

در فالگیری، ورق مرگ دست‌ها و سرهایی را نشان می‌دهد که در حوزه زندگی رشد می‌یابند در صورتی که اسکلتی یکی از سرها را با داس درو می‌کند. این ورق می‌تواند به معنای تغییر و دگرگونی و هم چنین مرگ باشد.



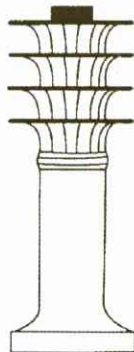
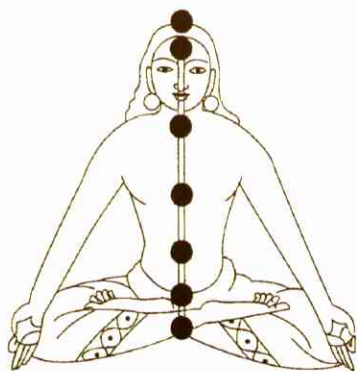
روز مرگ

نظری که در مکزیکو نسبت به مرگ وجود دارد این است که فرد خیلی بداقبال خواهد بود اگر بخواهد با آن مبارزه کند و بلکه مرگ نجات‌نهایی است. مکزیکایی‌ها به جمجمه و اسکلت در طول مراسم روز مرگ احترام می‌گذارند و حتی اسباب‌بازی‌ها و شیرینی‌ها به شکل اسکلت هستند. این زوج ترسناک برای کیک عروسی ساخته شده‌اند.



مهره‌ها

جد^۱ (نشه ستون در خط هیروگلیف که می‌تواند به عنوان ستون مهره‌ها باشد) که نشیبه به ستون است نشانگر استخوان پشتی خدای مصری ازپریس است. در دین بودایی تنترای، جاکره‌های اصلی (نقاط یا گره‌های انرژی در بدن) تا پایین مهره‌ها هستند و انرژی با باز شدن آنها در طول مراقبه رها می‌شود.





قلب

از زمان‌های دور قلب به عنوان مرکز معنویت و احساسات انسان به کار می‌رفت. ارتباط دادن قلب با عشق امری متداول است در صورتی که واژه «قلب» به بیان شاعرانه برای اشاره به روح به کار می‌رود. تصاویر ساختگی و تصنیفی از قلب برای نشان دادن عشق به کار می‌روند و اغلب «قلب مقدس» که پیچیده در تاجی از خارها در سینه عیسی مسیح است، نقشی مردم‌پسند در هنر مسیحی است.



قلب بخت‌آزمایی

از نظر ازتک‌ها، قلب مرکز نیروی خیالی آنان و دین بود. قلب هزاران انسان در حالی که همچنان در حال ضربان بود، به خدای خورشید تقدیم می‌شد تا رشد مجدد غلات و تجدید حیات خاک تضمین شود.



قلب کردن قلب

قلب بخش اساسی و اصلی در باورهای مصری باستان بود. در تالار داور، قلب متوفی با پری از شترمرغ یا ایردینوی درستی و عدالت با ماعت مورد مقایسه قرار می‌گرفت.



قلب بالدار

قلب بالدار معنای صعود را در گرایش‌های صوفی‌گری نمادپردازی می‌کند که از شاخه‌های عرفانی اسلام هستند و حاکی از این امر است که قلب بین روح و جسم، واسطه‌ای بین معنویت و ماده است.

اندام‌ها

در طول عمل مومیایی در مصر، چهار اندام یعنی کبد، ریه‌ها، معده و روده‌ها را در کوزه‌های جداگانه قرار می‌دادند و هر کوزه به وسیله یک خدا که از چهار پسر هوروس بودند و با یکی از جهات چهارگانه اصلی ارتباط داشتند، محافظت می‌شد.



هوم بابا



بافته بی‌انتها

روده‌ها

بافته بی‌انتها نمادی از طول عمر و ابدیت است. تصور می‌شود که تصویر تصنیفی از روده‌ها باشد در حالی که در اسطوره‌شناسی آشوری در برخی روایات نقل شده که هوم بابا (هوبلای فناناپذیر که نگهبان جنگل محل سکونت خدایان بود) صورتی شبیه به امعاء و احشاء بیچ در بیچ انسان و حیوانات داشته است.



دست‌ها (بازوها)

دست‌ها در نبرد به علامت تسلیم و در نیایش یا تضرع و توسل به سوی آسمان بالا می‌روند. در دین هندویی چندین دست خدایانی نظیر ویشنو (در پایین) نماد نقش‌های مختلف و زیاد آنان است.

کبد

از نظر رومیان باستان کبد جایگاه میل شدید و اشتیاق بود. در چین یکی از هشت اندام ارزشمند است و با گل نیلوفر آبی نشان داده می‌شود.

طحال

طحال به عنوان جایگاه خلق و خوی یعنی خنده، افسردگی و غم در نظر گرفته می‌شود. در شرق، طحال تنها به معنای شادی و خوشی است. در چین یکی از هشت گنجینه پیوند یافته با انرژی بین است.

اعضا

پاها و دست‌های ما فعال‌ترین بخش‌های بدن ما در نظر گرفته می‌شوند. پاها علامت تعادل و حرکت رو به جلو هستند و همچنین نمادی از اقبال خوب به شمار می‌روند و به صورت صلیب شکسته چهار عضوی و در علامت‌های سه پای تصویر می‌شوند که باروری و تجدید حیات را توصیف می‌کنند. دست‌ها (بازوها) نشان‌دهنده قدرت، توانایی و حفاظت و ابزاری برای عدالت هستند.

پاها

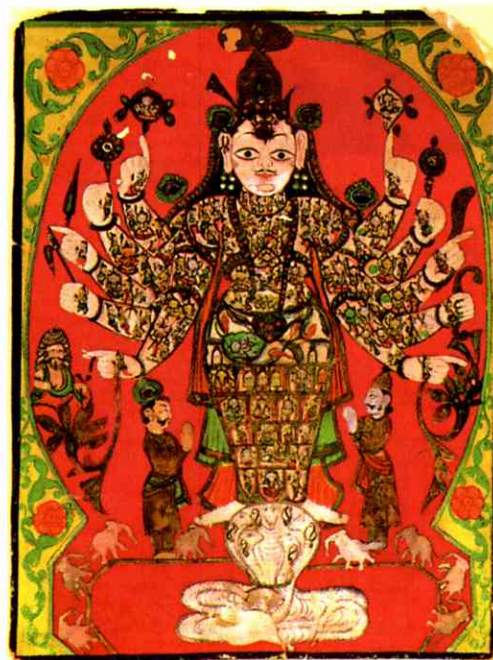
شاید مشهورترین نماد پای، این شکل سه پاست که بر پرچم سیسیل دیده می‌شود که به معنای اقبال خوب، باروری و تجدید حیات است همراه با این که تصویری از حرکت دائمی و اثرات پاست.



دست‌های نیایشگر در نقاشی دیواری



علامت دست و بازو در خط تصویری مصر



همچنین ببینید:

- نیلوفر آبی صص ۸۶-۸۷
- مرگ و سوگواری صص ۱۲۸-۱۳۱
- دین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳
- تائوایسم و شینتو صص ۱۷۰-۱۷۱
- مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹
- اسلام صص ۱۸۳-۱۸۴

- 1- Yanomami
- 2- Djed
- 3- Humbaba
- 4- Ma'at



کف دست‌ها و پاها

فرهنگ‌های متعدد برای بهتر کردن و اصلاح مراقبه و آیین‌های دینی به کار می‌رود. پاها نشان‌دهنده توازن، زمین، مسافرت و مسیری که شخص اختیار می‌کند و از این رو نمادی از اراده آزاد به شمار می‌روند.

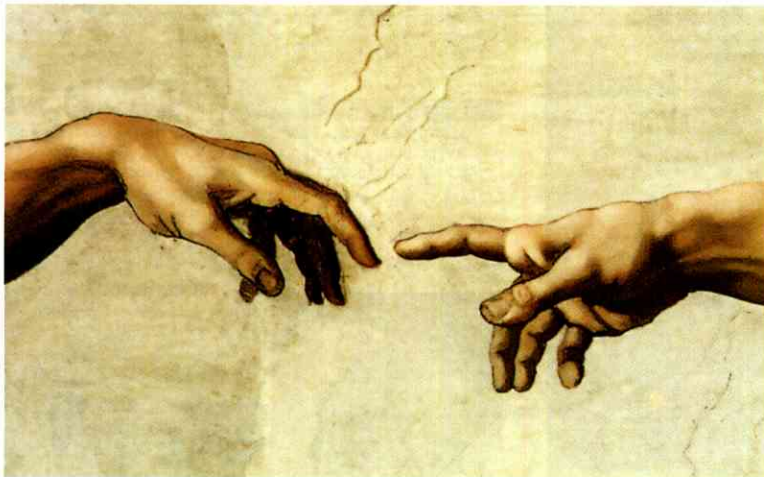
برای بسیاری، اثر دست‌ها و پاها، تذکری شخصی از مکانی خاص است. در دین بودایی، اثر پاهایی که ادعا می‌شود متعلق به بودا هستند، مورد احترام قرار می‌گیرند. فعالیت دست آکنده از نمادپردازی است و وضعیت‌های مختلف دست در

کف دست

دست‌ها بی‌نهایت پر معنا هستند و توانایی نمایش طیف وسیعی از نشانه‌ها و حالت‌ها را دارند که هر یک معنای مختلفی دارد. دست‌ها می‌توانند وسیله‌ای برای فرمان دادن باشند اما ممکن است به معنای حفاظت، خلقت، دعای خیر، قدرت، قول و تعهد، توانایی و تعلیم باشند. شفا دهندگان با «مالیدن» دست‌ها کار می‌کنند. دست‌های مردم می‌تواند عشق یا رنج را منتقل کند. ما زمانی که دیگران را ملاقات می‌کنیم، دست‌هایمان را تکان می‌دهیم و «دستی کمک کننده» را به سوی کسانی که نیاز دارند دراز می‌کنیم.

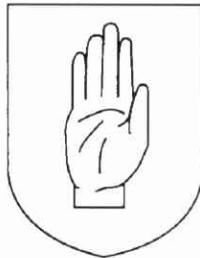
دست خدا

اغلب دستی که از آسمان دراز می‌شود، ترسیمی از دست خداست. به صورت سنتی دست چپ خدا با عدالت و دست راست خدا با رحمت مربوط است. دست خدا ایجاد می‌کند و محافظت می‌کند اما اگر قوانین و شریعت او اطاعت نگردد، کیفر می‌دهد.



شستن دست

شستن دست نشان‌دهنده بی‌گناهی است و این معنا از شستن دست‌های پانتیوس بیلیت^۱ یا پیلاتوس (که عیسی را محکوم به مصلوب شدن کرد) بعد از تعقیب عیسی ناشی می‌شود. دست‌های تمیز بیانگر روحی پاک و بیگناه است.



ایمان و عدالت

در نشان خانوادگی، دستی روی یک آرم یا حفاظ به عنوان تعهدی از ایمان، صمیمیت و عدالت است. دو دست راست به هم فشرده شده، نشانه‌ای از اتحاد و پیمان است. یک دست باز شاید به معنی خورشید باشد.

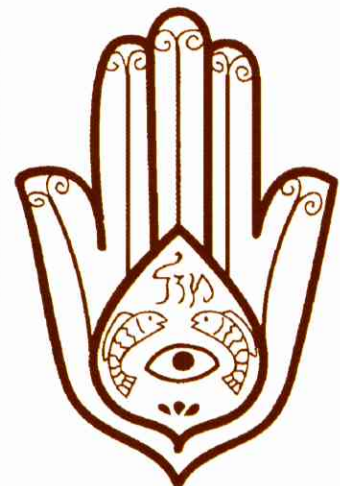


خدایان خالق

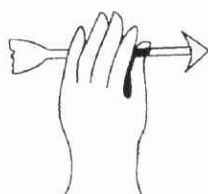
دست‌های خدایان خالق مصری مثل بت‌های «خنوم» نمادی از قدرت آفرینندگی هستند. بت‌های آسمان‌ها و زمین را ایجاد کرد در صورتی که خنوم انسان‌ها را خلق کرد.

دست حمسه

این نماد دست قدیمی به عنوان «حمسه» یا «چشم» شناخته می‌شود و به عنوان تعویذی حفاظت کننده به وسیله مسلمانان و یهودیان استفاده می‌شود تا در برابر چشم بد و شیطانی محافظت کند. در برخی موارد، چشمی ساختگی در مرکز کف دست ظاهر می‌شود.



دست‌ها در بالای زنجیر شکسته



توری در دست داشتن



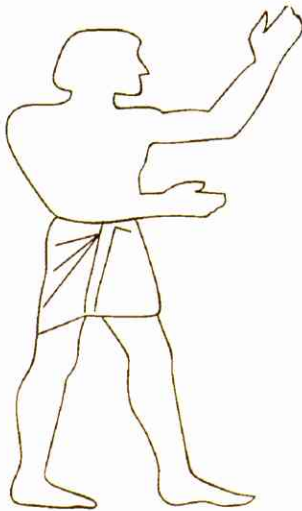
انگشت اشاره رو به بالا



با هم دست دادن

دست‌ها بر سنگ قبر

معانی بسیاری برای دست‌های بر روی سنگ‌های قبور در نظر گرفته می‌شود. با هم دست دادن به معنی وداع با زمین است. یک انگشت اشاره رو به بالا بیانگر امید به آسمان است. یک تیر در دست گرفتن به معنای فناییری است و دست‌هایی در بالای یک زنجیر شکسته به معنای از دست رفتن فردی از خانواده است.

**▲ واحد اندازه گیری**

تاریخ به کارگیری دست به عنوان واحد اندازه گیری به مصر برمی گردد. امروزه این واحد اندازه گیری در وهله اول در تعیین ارتفاع اسبها به کار می رود. اگر چه در بالی (جزیره ای در اندونزی) هنوز هم خانه افراد بر طبق اندازه خودشان بر مبنای پهنای کف دست و طول بازو ساخته می شود.

**▲ محافظ ناخن**

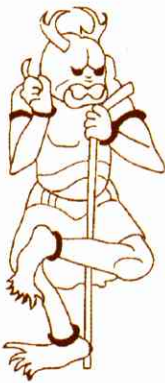
در آسیا محافظ های ناخن بلند به عنوان علامتی از تمول بودند چون فقط ثروتمندان می توانستند ناخن های خود را با این چیز بیهوده محافظت کنند. این محافظ های ناخن طلایی و ظریف و کنده کاری شده در چین برای محافظت ناخن های بلند انگشتان به کار می رفت.

**▲ دست های در هم قفل شده و مخفی شده**

در چین دست های در هم قفل شده یک مرد که اغلب در آستین های بلندش مخفی شده اشاره به احترام و خوش برخوردی دارد چون این دست ها نمی توانند در پرخاشگری به کار گرفته شوند. وقتی کف دست ها رو به هم بلند شوند به عنوان شکلی از خوشامدگویی و نمادی از احترام است.

کف پا

به وسیله پاهای ما، قدرت تحرک و «مبنایی محکم و استوار» نمادپردازی می شود. در دین هندویی، پاها به عنوان نقطه تماس الهی بین موجودات انسانی و زمین هستند. در خاورمیانه، فرد احترام خود را به دوست یا مهمان با شستن پاهای او نشان می دهد، در صورتی که در آسیا، پاها کثیف در نظر گرفته می شوند، پس این یک تابو است که شما کف پاهایتان را به سوی فرد دیگری نشان دهید.

**▲ پاهای اهریمنی**

نقل شده که پاها از روح حفاظت می کنند چون با کل بدن را در حالت ایستاده نگاه می دارد. به همین دلیل، موجودات اهریمنی اغلب با پاهایی تصویر می شوند که با پاهای افراد دیگر متفاوت است و همچنین مو دارد که این موضوع تأکیدی است بر این که دیو ماهیتی حیوانی دارد یا به راه اشتباه و غلط گرایش دارد.

**▲ گام های غول آسای ویشنو**

پاها و اثر پاهای ویشنو بعد از بیان یک اسطوره پرستیده می شوند. در این اسطوره گفته شده که ویشنو در یکی از تجسدهای خود به شکل کوتوله از پادشاه بالی درخواست کرد هر مقدار سرزمین را که او با سه گام برود، به او عطا کند. ویشنو با برگشت به اندازه کاملش، یک پایش را بر زمین، پای دیگرش را در هوا و یک پایش را بر سر پادشاه قرار داد.

**▲ پای برهنه**

در غرب، پاهای برهنه علامتی از تواضع و فقر هستند. مسیح و جواربون، فرقه فرانسیسکان و قدیسان همگی در هنر بدون پوشش یا نشان داده می شوند. مرسوم است که ملل شرقی همه اعمال پرستش دینی خود را با پای برهنه انجام می دهند. در دوره قدیم پاهای برهنه، همچنین علامتی از سوگواری بودند.

▲ شستن پاها

شستن پاهای زائر، اولین عمل نمادین مهمان نوازی بود که در دیرها در طول جاده های زیارتی انجام می شد. شستن بیادآورنده اعمال مسیح در شام آخر بود. او پای حواریون را به معنای خدمتی متواضعانه و عشق شست. چون پاها بخش های

همچنین ببینید

مرگ و سوگواری صص ۱۲۸-۱۳۱

دین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳

شیطان و دیوها صص ۱۹۱-۱۹۴

تعویذها صص ۱۹۴-۱۹۵

علامت های نشان خانوادگی صص ۳۱۸-۳۲۳

ایما و اشاره های نمادین صص ۳۳۷-۳۴۴





اثر پای بودا

اثر پاهای بودا یا «بوداپده» در بسیاری از معابد بودایی یافت و به عنوان علامتی از حضور بودا در نظر گرفته می‌شود. این باور وجود دارد که او این اثر پاها را به جا گذاشت تا ما را به سوی روشنگری هدایت کند. بسیاری از آنها با تصاویر نمادین تزئین شده‌اند که شامل ۳۲، ۱۰۸ یا ۱۳۲ علامت مجزای بودا هستند این اثرات پا از استوای هندی آماراواتی^۱ هستند که با نگاره‌های نمادینی در بر گرفته شده‌اند.



۱. مرکز کف پا

در مرکز کف پا، جرخ هزار پره است (دهرمه چاکره)^۲ که حاشیه آن نواری از گل‌ها یا چهار گلبرگ است. جرخ نمادی از تعالیم بودا و یکی از هشت نماد فرخنده است.

۲. اسواسیتیکا^۳

اسواسیتیکا به معنی «فرخنده و مبارک» و یک نماد هندی قدیمی است.

۳. تری رتنه^۴

علامت تری رتنه یک نماد لذت‌بخش و مناسب است که در این نماد، رکن سه شاخه در بالای یک نقش گل قرار دارد که نماد سه جواهر بودایی است یعنی بودا، شریعت بودایی (دهرمه)^۵ و جامعه راهبان (سنگهه)^۶

۴. گل‌های نیلوفر آبی

پاها به وسیله گل‌های نیلوفر آبی درهم پیچده احاطه شده‌اند. نیلوفر آبی یکی دیگر از هشت نماد فرخنده است. ریشه‌های نیلوفر آبی در لجن محکم شده و ساقه آن از آب بالا می‌آید و گل در برابر نور خورشید قرار می‌گیرد و نمادی از پاکی و روشنگری است.

۵. انگشتان

انگشت بلند و قوی که همگی طول یکسانی دارند یکی از ۳۲ علامت بودایی بودن است.

۶. پیوند و گره

شکل یافته شده نمادی از خرد بیکران بودا است.

۷. شخصی کوچک

روحی نیکخواه یا کیشه^۷ در جایی در طول انگشتان می‌نشیند. بند ناف او درخت انگوری است که بر آن جواهراتی به شکل میوه رشد می‌کند.





باروری و تولد بچه

بیشماری برای استمداد در امر کمک به باروری داشتند. آئین‌های مشرکانه اصلی در بهار برگزار می‌شد که بزرگداشت تولد مجدد و باروری بود. با از راه رسیدن مسیحیت، باور به نمادهای باروری خاتمه نیافت. در واقع ریشه آنها در فرهنگ ما به قدری عمیق بود که هنوز بسیاری از آنها امروزه نیز به کار می‌روند.

مردم در سراسر تاریخ انسانی، نمادهای تولد و باروری را از فالوس گرفته تا قدیسان حامی و پشتیبان، محترم داشته‌اند. هر تمدن باستانی، دارای آئین‌های مهمی با تمرکز بر آفرینش زندگی جدید و برداشت محصول فراوان بود. بین‌النهرینی‌ها باور داشتند که مجسمه‌های کوچکی را برای استفاده در آئین‌های باروری بسازند در صورتی که مصریان خدایان

خدایان باروری

از زمان‌های بسیار دور و در هر فرهنگی، تولد متعارف بچه‌ها تضمین کننده ادامه حیات بود. فرهنگ‌ها خدایان بسیاری را برای حمایت و مراقبت از باروری به وجود آوردند. عبادت کنندگان انرژی خاصی را با سر تعظیم فرود آوردن در پیشگاه خدایان جمع می‌کردند و به کار می‌انداختند تا در تلاششان به آنها کمک شود. این خدایان نشان‌دهنده باروری مردم و سرزمینی بودند که در آنجا زندگی می‌کردند.

لینکا^۱

شیوا یا خدای متعال آفرینشگر انرژی در هند اغلب به وسیله نماد فالوسی که لینکا نامیده می‌شود، نشان داده شده و مورد پرستش قرار می‌گیرد. این تصویری نیرومند از حضور خدای نادیدنی در مرکز آفرینش بود.

پریاپوس^۲

خدای یونانی باروری که بسر آفرودیت و دیونیسوس یا هرمس است و با فالوسی افراف آمیز نمادپردازی می‌شود. او محافظ دام، گیاهان میوه، باغ‌ها و اندام‌های تناسلی مذکر است.

ایزدبانویی با سری به شکل لوتوس^۳

ایزدبانوی اسرارآمیز لاجا گانوری با نیلوفر آبی به عنوان سر و با باهای باز شده و بالا برده شده ترسیم می‌شود که نشان‌دهنده زایش یا آمادگی جنسی است. او نیروی اساسی همه حیات است.

مین^۴

خدای مصری مین، خدای باروری در مورد حیوانات و غلات و همچنین مسئول باران بود. در زمان برداشت محصول ستایش می‌شد به این امید که با لطفش به غلات تبرک ببخشد. مین همیشه با آلت تناسلی در حال نعوظ تصویر می‌شد.

عشتروت^۵

این هیبت طلای مبالغه‌آمیز، عشتروت را تجسم می‌کند که ایزدبانوی سامی در مورد مادری و عشق جنسی و باروری است. تاریخ آن به حدود قرن شانزدهم قبل از میلاد می‌گردد.





▶ طاووس

طاووس مدت طولانی با باروری ارتباط داشته است چون این تصور وجود داشت که قبل از ریزش باران می‌رقصد. نقل شده که دم بادبزی شکل این پرنده نمادی از خورشید و یا این که نشانگر طاق قوسی آسمان است و چشم‌های بر روی دم، ستاره‌های آن هستند.



نمادهای باروری

به مدت زیادی، گیاهان و حیوانات خاصی با باروری به خاطر عادت تولید مثلی یا ظاهرشان ارتباط داشته‌اند در نتیجه از تصویر آنان گاه‌گاهی به عنوان طلسم باروری استفاده می‌شد مانند گاو تر، جوجه خروس، خرگوش و همچنین انار پردهانه.

◀ تخم مرغ ایستر

بسیاری از نمادهای روز جشن ایستر امروزی در اصل مسیحی نیستند. تخم‌مرغ‌های سبکی و خرگوش، بازتاب‌هایی از آئین‌های باروری باستان در فصل بهار هستند و نام ایستر از آئستر* می‌آید که ایزدبانوی انگلوساکسون باروری است.



▶ مخروط کاج

در بسیاری از فرهنگ‌ها، درخت‌های کاج نماد باروری قدرتمندی بودند. سلت‌ها مخروط‌های کاج را برای استفاده به عنوان طلسم برای زنی که امید به حاملگی او داشتند، جمع می‌کردند. اغلب آنها را در زمان خواب زیر بالش خود می‌گذاشتند.

▶ میوه بلوط

این میوه شبیه به درخت بلوط یعنی درخت حامل این میوه از زمان‌های بت‌پرستی و شرک نماد باروری قوی در نظر گرفته شده است. نیرومندترین آوردندگان باروری، میوه‌های بلوطی بودند که در شب جمع می‌شدند.

▶ فندق

فندق با دانه‌های مقوی و تمایل به رشد در کنار آب، نماد سنتی باروری و خرد جنس مونث بود. رشته‌هایی از فندق در اتاق‌ها آویزان می‌شد تا باروری را برای ساکنان به وجود آورد.



▶ کورنو کویا* (نماد فراوانی در اساطیر یونان)

واژه کورنو کویا به معنای «شاخ وفور» است و از کورنو به معنای شاخ و کویا به معنای وفور و فراوانی است. در هنر رومی و یونانی باستان کورنو کویا استفاده می‌شد تا وفور را در ذهن مجسم کند و اغلب با سرریز شدن میوه، گندم و گل‌ها نشان داده می‌شود.



▶ انار

وفور دانه‌ها منجر به استفاده از انار به عنوان نماد باروری، تولد و زندگی سرمدی شده است. موضوعات آئینی نظیر سیو، آویز و عصای سلطنت اغلب به شکل انار در نظر گرفته می‌شوند.



▶ صدف کاوری

این صدف‌ها به خاطر شباهت به آلت تناسلی زنانه، نماد متداول باروری، تولد و زنانگی تلقی می‌شوند. آنها را به عروس‌ها می‌دادند تا فرزندان آوری تضمین شود و زایمانی امن فراهم آید.

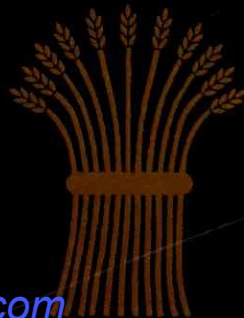
▶ ماهی

در سراسر دنیا به عنوان نماد دینی مرتبط با ایزدبانوی مادر که مربوط به مشترکات بود، استفاده می‌شد. نماد ماهی اغلب با دو هلال ماه نازک بر روی هم افتاده، کشیده می‌شد.



▶ دسته گندم

دسته‌ای از گندم به معنای برداشت محصول خوب، باروری و نزدیکی به زمین و منابع آن است. برای مردم کشاورز اولیه، برداشت خوب گندم، فراوانی نانی را تضمین می‌کرد که جامعه را در سرتاسر زمستان زنده نگاه می‌داشت.



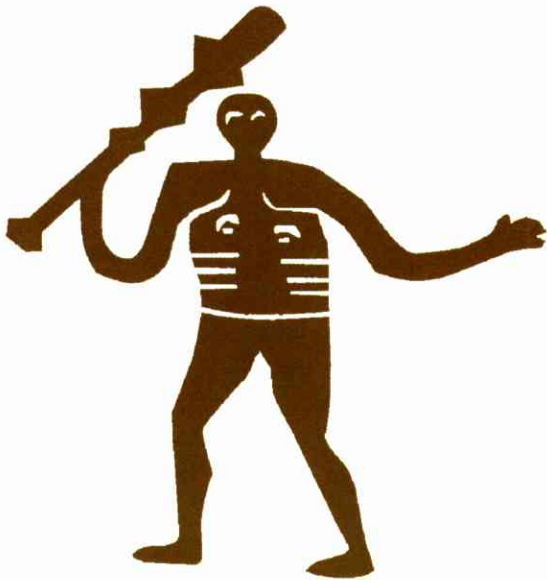
همچنین ببینید:

مخولوات آبی صص ۶۸-۷۱
میوه‌های زمین صص ۹۸-۹۹
دین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳
مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹



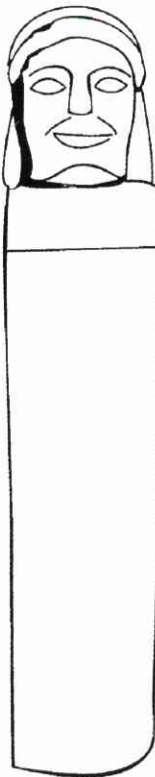
نمادهای فالوسی

فالوس یا اندام جنسی مذکر در حالت نعوظ، نمادی از باروری و قدرتمندی است. نمادهای فالوسی در بین قدیمی‌ترین اشیای از زیر خاک درآمده در آسیا و اروپاست که نشان‌دهنده ارتباط طولانی مدت با باروری است. فالوس می‌تواند در خدایانی نظیر خدای رومی - یونانی پری آپوس یا موضوعاتی شبیه لینگا شیوایی در هند دیده شود.



▲ سرن ایاس

غول سرن ایاس یا «مرد بی نزاکت» بزرگ‌ترین پیکر تپه‌ای در انگلستان است که بر روی زمین کنده شده است نا گچ زیر آن را در معرض دید قرار دهد. این غول ۵۵ متر (۱۸۰ فوت) طول دارد. فالوس شرم‌آور و گرز بزرگش نمادی از باروری و شروع مجدد هستند.



◀ هرم

در گوشه‌های خیابان شهر آتن قدیم، یک هرم وجود داشت که وقف هرمس شده بود. یک هرم، ستون چهارگوشی بود که بر بالای آن سر خدایی قرار داشت و بر روی آن یک آلت تناسلی مذکر در حالت نعوظ حکاکی شده بود و عابران با لمس آن در طلب اقبال و شانس بودند.



نمادهای فالوسی امروزی

نماد فالوسی در فرهنگ مدرن به همان اندازه رایج و متداول است که در زمان‌های قدیم بود. اگرچه ارتباطش با تجدید حیات در دنیای غرب کاهش یافته است. موضوعاتی که شکل فالوسی دارند تمایل به ارتباط با قدرت دارند. در قرن بیستم نظریه‌های روانشناسی زیگموند فروید تاثیر عظیمی را بر فرهنگ غربی داشت. فروید بر این باور بود که در ضمیر ناخودآگاه ما، همه موضوعات بلند و باریک، نشان‌دهنده عضو جنسی مردانه هستند.

▶ گیتار

گیتار الکتریکی از دهه ۱۹۵۰ مورد توجه قرار گرفت. ظهور گروه راک آندرول به عنوان نماد طغیان و جوانی می‌تواند نشانگر نیروی حیاتی مذکر هم باشد. برخی از نوازندگان گیتار را به روش جنسی پر خاشکانه‌ای می‌نوازند.



▲ اسلحه

اسلحه یکی از تأیید شده‌ترین نمادهای فالوسی جدید است. از دست دادن اسلحه به معنای اختکی است.



▲ موشک

موشک شکل فالوسی برجسته‌ای است و حتی زمانی که با آن همراه است یعنی معنای «پرتاب کردن» به عنوان اندام جنسی ساختگی تلقی می‌شود و می‌تواند به تمایل مردانه برای فتح تفسیر شود و در این مثال منظور فتح قبلاست.



▲ ماشین‌های ورزشی

روانشناسان ادعا دارند که هر وسیله نقلیه‌ای از جمله ماشین، موتور یا اسکوتر نماد نیرومند فالوسی است و از نظر بسیاری، ماشین‌های ورزشی در اوج آنان قرار دارند که قیمت، موتور با اکتان بالا، طول و قدرتش نشان‌دهنده توان جنسی و قدرت تولید مثل است.



لک‌لک

به مدت طولانی با تولد بچه ارتباط داشت. لک لک نماد باروری است که همچنین با تولد و زمان بهار پیوند دارد. این مفهوم که یک لک‌لک، بچه‌های کم‌کم می‌کرد. اسکندینی‌ها به عنوان آرام‌بخشی ضعیف در طول زایمانی مشکل از گیاه علف ماست با گالیوم و روم استفاده می‌کردند که به آن لقب علف فریگ داده بودند.

کا

این خط تصویری مصری کا معمولاً ترجمه به «روح» یا «روان» می‌شود و زمانی که فردی به دنیا می‌آید «کا» به وجود می‌آید و نشانگر نیروی حیات شخص است و به مانند دو گانه‌ای نامرئی رفتار می‌کند.



اسکورپیو^۲

این علامت منطقه البروجی بر اندام‌های جنسی زن و مرد سلطه دارد و بنابراین پیوندهای نزدیکی با تولید مثل دارد. تمام نمادهای منطقه البروجی بیکان دار با قوای مردانه پیوند دارند.

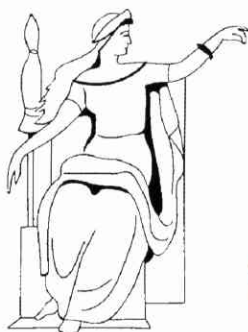
اسب آبی

در مصر باستان، تاوورت^۱ ایزدی که بخشی از آن اسب آبی بود، ایزدبانوی همه چیزهایی بود که انسان از آن می‌ترسید. اما زمانی که فهمیدند که اسب آبی ماده برای حفاظت از بچه‌اش پرخاشگری می‌کند تاوورت ناظر تولد بچه شد.



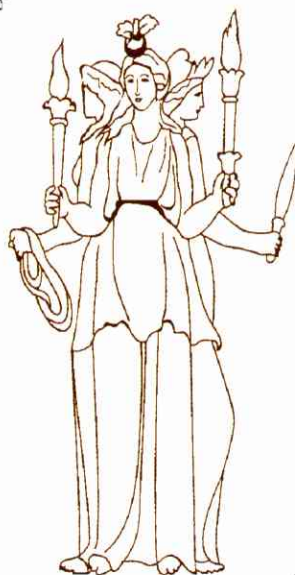
حافظان تولد بچه

چون تولد بچه‌ها، همیشه واقعه‌ای مهم و پرخطر بوده، جای تعجبی ندارد که بسیاری از حافظان و ایزدبانوان برای کمک طلبیده می‌شدند. بیشتر فرهنگ‌ها نوعی از حافظ و حامی را در این زمان داشتند خواه ایزدبانوی تولد بچه نظیر لوسینا^۴ رومی که حافظ مادر و بچه بود، ایزدبانوی یونانی جانو^۵ و هاتور^۶ و ایزیس مصری، یا بسیاری از قدیسان کاتولیک رومی.



فریگ^۱

ایزدبانوی نروژی زنان، مادری و مدیریت کارهای خانه که همسر ادین و حامی تولد بچه بوده و به زنانی که از دردهای زایمان رنج می‌بردند، کمک می‌کرد. اسکندینی‌ها به عنوان آرام‌بخشی ضعیف در طول زایمانی مشکل از گیاه علف ماست با گالیوم و روم استفاده می‌کردند که به آن لقب علف فریگ داده بودند.



هکیت^۸

علاوه بر نقش او به عنوان حافظ مسافران در جاده‌های متقاطع، همچنین ایزدبانوی تولد بچه بود. در این هیئت از او اغلب استمداد گاهش دردهای زایمان و همچنین تضمین سلامتی بچه می‌شد. به عنوان یک ماما او جاقوی مقدسی را در دست داشت که با آن بند ناف را می‌برد.



قدیس جرارد ماجلا^۸

بسیاری از بیمارستان‌ها، بخش‌های زایمان خود را برای قدیس حامی بارداری و مادران باردار وقف می‌کنند. او بعد از این که به اشتباه متهم شد به این که پدر یک بچه است، در دوره



ایکس‌چل^۹

در فرهنگ ماما، ایکس‌چل ایزدبانوی بارداری و تولد بچه بود. او همچنین ایزدبانوی «شدن و تبدیل شدن» است. به عنوان خدای باروری او زنان را بارور می‌ساخت و باران‌های بارورساز را به زمین می‌فرستاد.

قدیس آن^{۱۱}

بر طبق ادبیات ابوکریفایی مسیحی، قدیس آن (حتا)، مادر مریم باکره بود. زنان باردار به منظور داشتن دوران بارداری امن و زایمان و داشتن شیر کافی برای تغذیه نوزاد به درگاه او نیایش می‌کردند. در طول قرون، قدیس آن، یکی از مردمی‌ترین قدیسان شد.



همچنین ببینید:

- برندگان صص ۵۸۶۱
- خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰
- خدایان نروژی و سلتی صص ۱۴۳-۱۴۲
- خدایان آمریکای مرکزی و جنوبی صص ۱۴۵-۱۴۴
- طالع‌بینی غربی صص ۲۰۳-۲۰۰
- نگارشی تصویری صص ۳۰۵-۳۰۰



آئینه

آئینه ختنه تاریخ طولانی دارد و در بسیاری از جوامع سنتی انجام می‌شد. مصریان باستان که این کار را به عنوان یک آیین مقدس می‌دانستند، این کار را در شهر شادان و آدرشده انجام می‌دادند. ختنه را به عنوان نمادی از باروری انجام می‌دادند و این کار را به عنوان یک آیین مقدس می‌دانستند.

www.igra-ahlamontada.com



[آئین تشریف]



▲ غسل تعمید

آئین تطهیر با آب معمولاً با پذیرش در دین مسیحی ارتباط دارد.

انسان‌ها بین دو نقطه ثابت تولد و مرگ، تغییرات چشمگیری را تجربه می‌کنند. نقطه عطف‌هایی در زندگی نظیر ورود به دنیای بزرگسالی، اغلب با آئین‌های نمادینی مشخص می‌شود.



معمول است. برای مثال پسران یهودی اولین اصلاح موی سر را در سن سه سالگی به علامت آمادگی برای شروع تعلیم انجام می‌دهند. سر نوزادان هندو تراشیده می‌شود تا موهای زمان تولد برطرف شود که تصور می‌شود که تأثیرات منفی را از زندگی گذشته با خود دارند. سر تراشیدن نماد بریدن از گذشته و مهیا کردن بچه برای آینده است.

بزرگسالی

نقطه عطف‌های زندگی اغلب در مراسمی دینی نظیر بارمیسوا در یهودیت قابل تشخیص است. در برخی جوامع یک جوان در آستانه بلوغ، آئین‌های محک زدن شخصیت را تحمل و در طی آنها مرگ نمادینی را فقط به خاطر این که به عنوان یک بزرگسال دوباره به جامعه معرفی شود، تجربه می‌کند. معمولاً این آئین‌ها در زمانی که فرد از جامعه جدا می‌شود، شامل دوره‌ای از آزمایش و تعلیم است. برای پسران نوجوان، اغلب ختنه یا برداشتن پوست آلت تناسلی مردانه، مرحله نهایی چنین مراسمی است. این آئین دردناک نمادین، جهت ورود بچه به دوران مردانگی است. در برخی فرهنگ‌ها، ختنه رفع جنبه‌های «زنانه» از یک مرد تلقی می‌شود. ختنه زنان کمتر معمول است و محتمل‌تر است که با اولین قاعدگی، مراسم را اجرا می‌کنند. در غنا، دختر به صورت آئینی حمام می‌کند و لباس جدیدی را می‌گیرد. در نپال، یک آئین بودایی، دختران را به مدت ۲ روز از نور خورشید و همه مردان دور می‌کند.

دختران زولو^۱ (در جنوب آفریقا) بعد از این که به عنوان بزرگسال معرفی شدند خاک رس را بر بدن خود می‌مالند تا بازگشت به دوران بیگناهی کودکی را نشان دهند.



▲ گذار زندگی

بعد از صرف مدتی در بوته‌ای و به دست آوردن معرفت، این پسران بومی استرالیایی که با گل آخری رنگ شده‌اند، منتظر ختنه می‌شوند.

اصلاح کردن سر به صورت آئینی

در سراسر دنیا، آئین‌های تشریف بر طبق باور و فرهنگ متفاوت است. اما برخی از آنها نظیر آئین اصلاح کردن موی سر در مورد تعداد زیادی از جوامع و ادیان

► بارمیسوا^۲

به معنای «پسر فرمان الهی» است. بارمیسوا تشریف پسر سیزده ساله یهودی را به تبعیت از تورات مشخص می‌سازد. این امر برای دختران به صورت مشابهی در دوازده سالگی به وقوع می‌پیوندد و بت میسوا^۳ نامیده می‌شود. این پسر در دیوار غربی اورشلیم مشرف به شورش

همچنین ببینید

- ۱- دین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳
- ۲- دین بودایی صص ۱۶۴-۱۶۹
- ۳- یهودیت صص ۱۷۲-۱۷۳
- ۴- مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹



عشق و ازدواج

قدیمی‌ترین و شاید قوی‌ترین پیوندهای اجتماعی که به وسیله مردم در هر جایی تجربه شد، پیوندهای خانوادگی بودند. بنابراین ازدواج نقشی حیاتی را در جامعه به عهده دارد و نمادی از نظم و ثبات است. در غرب با ازدواج اعلام می‌شود

که عشق آن چیزی است که دنیا را می‌چرخاند و یقیناً امری محوری و مرکزی برای زندگی و سعادت بسیاری از مردم است. نمادهای عشق غالباً در هر جایی بسط یافته‌اند از گل رز قرمز در انگلستان تا برگ افرا در چین و ژاپن.

نشانه‌های عشق

برای مدت زمان طولانی، نشانه‌های عشق در تلاش برای جلب کردن نظر زنان به کار می‌رفت. زیرا آنها روشی احترام‌آمیز و بی‌ریا برای ابراز عشق فرد در نظر گرفته می‌شدند. بسیاری از نمادهای عشق و نشانه‌های آن، خاستگاهی در زمان‌های دور دارند مثل ماه و ستاره‌ها که مظاهر میل شدید، جذابیت و باروری هستند اما عاشقان در طول قرن‌ها آنها را به گل، عطر، سنگ‌های قیمتی، حیوانات، نقوش ورق فال و رنگ تغییر داده‌اند تا برای بیان احساساتشان به آنها کمک کنند.



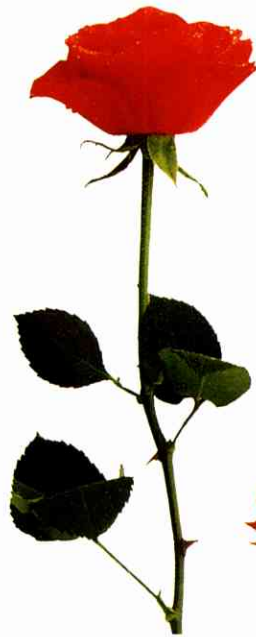
▲ کبوتران معمولی

کبوتران برای زندگی جفت می‌شوند بنابراین نمادی از عشق، وفاداری و آرامش در نظر گرفته می‌شوند. کبوتر با ونوس ارتباط دارد و علامت بهار و میل جنسی است. در ارتباط با شاخه زیتون، کبوتر علامتی از صلح و از سرگیری زندگی است.



▲ قلب تیر خورده

فرهنگ‌های بسیاری این باور را داشتند که قلب جایگاه عواطف انسان بویژه عشق است. زمانی که گویند 'یا اروس' (ایزد عشق) تیری را به سمت قلبی پرتاب می‌کند، باعث می‌شود که قربانی با تمام وجود عاشق شود. به همین جهت است که عشق هم دردناک و هم لذت‌بخش است.



▲ برگ افرا

در چین و ژاپن، برگ افرا علامت عاشقان است. ساکنان آمریکای شمالی برگ‌های افرا را در پایین تخت‌هایشان قرار می‌دادند تا اهریمنان را دور سازند و همچنین تمایلات جنسی و خواب‌آرام را افزایش دهند.

▲ گیاه دارویش یا شیرینک

در برخی مکان‌ها گیاه دارویش مقدس است و به صورت شایعی با راز، جادو و خرد ارتباط دارد. مردم زیر این گیاه یکدیگر را می‌بوسیدند. زیرا این گیاه نه درخت است و نه درختچه و این به معنای آزادی از محدودیت‌هاست.

▲ رز قرمز

گل رز قرمز نشانگر همه امور حسنی، پاک و خیال‌انگیز است. در روم و یونان باستان این گل برای آفرودیت (ونوس) مقدس بود و علامت او در مورد زیبایی بود. این گل در غرب نمادی از اشتیاق، میل و عشق است.

▲ ماه و ستاره

این نماد آفریقای غربی به نام آدینکرا (از ماه (مذکر) و ستاره (مونث) تحت عنوان اسرم نی نسوروما شناخته شده است که به معنای هماهنگی و عشق است و بر مبنای داستانی است که در طی آن ستاره قطبی عشق عمیقی را به همسرش یعنی ماه دارد و منتظر بازگشت او می‌شود.



▲ قاشق‌های عشق

قاشق‌های عشق کنده‌کاری شده و برزرق و برق، به صورت سنتی به وسیله خواستگاران ولزی جوان به علامت عشق داده می‌شد. این قاشق از یک تکه چوب ساخته می‌شود و ممکن است چندین معنای خیال‌انگیز داشته باشد نظیر قلب‌ها (قلب من مال توست).

▲ کارت روز والتین

در دوره ملکه ویکتوریا، کارت‌های والتین بر کار و بر طوطی‌ها شد و هر باهمه نمادهای مرتبط با عشق و علاقه‌ای تصویر می‌شد مثل کبوتران، پیوندهای عشقانی در تیر و گمان طلایی یا نفرین، حلقه‌های زنجاری قرمز، گویند، دست‌ها، گل‌ها، فراموش‌کن و قلب‌هایی به رنگ خون.



والنتینان

قدیمی‌ترین نوشته موجود راجع به والتین، شعری از چارلز دوک اوزلین است. بعد از دستگیری او در نبرد آگین کورت در سال ۱۴۱۵، او در برج لندن نگاه داشته می‌شد و از آنجا این نوشته را به همسرش در فرانسه فرستاد. امروزه کارت‌هایی بر مبنای روز قدیمی والتین در ۱۴ فوریه فرستاده می‌شود. اولین پیوند دقیق بین این روز و خالتی عاشقانه شاید در اثر مجلس پرنس‌گان متعلق به جفری چاوسر در ۱۳۸۲ باشد.

**▲ حلقه معما**

در خاورمیانه، زنان از حلقه‌های معما استفاده می‌کردند تا اعتمادشان را به همسرشان نشان دهند. این حلقه از حلقه‌های زیادی ساخته شده که وقتی به درستی در دست شود، تشکیل یک حلقه را می‌دهد. پیچیدگی این طرح به این معناست که آنها به ندرت کنار گذاشته می‌شوند.

**▲ حلقه روسی ازدواج**

این حلقه‌های در هم رفته شامل سه رنگ مختلف قرمز، زرد و سفید طلا هستند و این باور وجود دارد که نشان‌دهنده تثلیث مقدس هستند و هنوز هم خیلی پرطرفدار هستند. در دوره ایزابت اول نوعی از این حلقه به نام حلقه گیمبل^۱ را استفاده می‌کردند.

**▲ حلقه طلا**

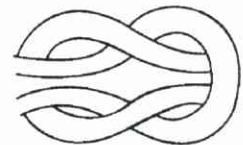
پیوند ازدواج نمادی از سرمدیت، با نداشتن آغاز و پایان است. به صورت سنتی هر دو طرف زوج در انگشت سوم دست چپ یک حلقه می‌اندازند و این باور وجود دارد که رگ این انگشتان به قلب می‌رود و شاید مشیت این زوج را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

ازدواج

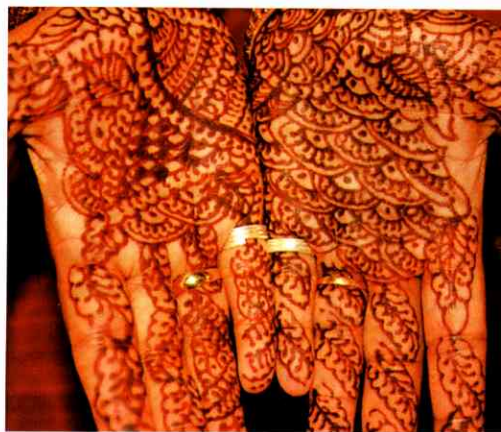
ازدواج یکی از قدیمی‌ترین نظام‌های اجتماعی است که به وسیله انسان ایجاد شد و آئین‌های ازدواج غالباً به صورتی تاریخی در هر جامعه‌ای مشاهده می‌شود که به هدف تولید مثل از اتحاد اعداد یعنی مرد - زن، بین - یانگ، خدا - ایزدانو شکل می‌گیرد تا یک گل را به وجود آورد. مردم با افراد داخل گروه خود یا از بیرون ازدواج می‌کنند. پیمان‌ها و تعهداتی بین خانواده‌ها ایجاد می‌شود و پیوندهای اجتماعی محکمی شکل می‌گیرد. آئین‌های ازدواج از بی‌نهایت مفصل تا بسیار ساده با هم متفاوت و ممکن است وقایعی دنیوی یا مراسمی دینی باشد.

▶ پیوند عشق

بر طبق روایات رومی، این بافته نمادی از باروری افسانه‌ای هرکول است. همچنین آن را به عنوان پیوند ازدواج می‌شناسند و نمادی از عشق ابدی است و به گمریند محافظ عروسان الصاق می‌شود تا به دامادشان ملحق شوند.

**▲ کیمونوی شیرو موکو^{۱۱}**

کیمونوی سفید ازدواج در ژاپن یا شیروموکو نام خود را از دو کلمه به معنای «سفید» و «پاک» می‌گیرد که دلالت بر بیگناهی دارد. عروس همچنین یک شال سفید یا ابی^{۱۲} سفید می‌پوشد که نشان‌دهنده قابلیت زنانگی است.

**▲ دست‌های حنا بسته شده**

برای عروس هندی، روز مهندي^{۱۳} زمانی است که دست‌ها و پاهای عروس با طرح‌های ظریف حنا تزئین می‌شود و به معنای قدرت عشق در ازدواج است. طرحی که رنگ‌های پررنگی داشته باشد، نشانه‌ای از اقبال خوب است. نام‌های عروس و داماد اغلب در طرح به صورت مخفی نقاشی شده است.

▲ جام عشق

استفاده از جام عشق، سنتی باستانی است که ریشه در فرهنگ‌های سلتی و یهودی دارد. عروس و داماد به عنوان زن و شوهر در اولین نوشیدنی خود سهم می‌شوند و این امر با هم بودن دو خانواده را به نمایش می‌گذارد.

**▲ کیدوش**

در مراسم ازدواج یهودی، عروس و داماد از جام کیدوش می‌نوشند تا نمادی از عشق‌شان باشد. به صورت سنتی یک شیشه نوشیدنی در مراسم ازدواج شکسته می‌شود تا انتهای زندگی مجردی و شروع زندگی همراه با وصلت را نشان دهد.

**▲ کیک عروسی**

کیک عروسی نماد کلیدی ازدواج غربی است. تازه عروس و داماد اولین برش را با هم انجام می‌دهند تا نماد آینده شراکتی آنان باشد. در انگلستان کیک‌های عروسی دارای میوه و خشکبار است که نماد باروری هستند.

**▲ دسته گل ازدواج**

تصور می‌شد که با گذر زمان، عروس عروس و داماد سنتی بسیاری قدیمی می‌تواند اقبال خوب را منتقل کند. پس مهمانان سعی در لمس او دارند و او در تلاش برای خلاصی و فرار، دسته گل خود را پرتاب می‌کند. امروزه گفته می‌شود که زنان مجردی که آن را به دست می‌آورند عروس بعدی هستند.

**▲ برنج و کاغذ رنگی ریز**

پرتاب این چیزها بر سر زوج‌های تازه عروس و داماد سنتی بسیاری قدیمی است که سابقه آن به مصر یا روم باستان برمی‌گردد. به عنوان نمادی از وفور و به امید این که زوج ثروتمند بشوند و ازدواج باروری داشته باشند.

**▲ گره زدن میج‌های دست**

سنت قدیمی گره زدن میج دست‌های نو عروس و داماد به یکدیگر با روبان یا طناب با نیت ایجاد بی‌نهایت رمز و نشانه بین عروس و داماد انجام می‌شود. نقل شده است که عبارت «گره زدن پیوند» به معنای ازدواج از این سنت گرفته شده است.

**▲ تور و حجاب صورت عروس**

در بسیاری از فرهنگ‌ها تصور می‌شد که پوشیدن تور و حجاب، عروس را از ارواح بداندیش و اهریمن دور می‌کند. اما نمادی بی‌گناهی هم هست. برداشتن این حجاب، به صورت آئینی نشان‌دهنده انکشاف و نور است.

- 1- Cupid
- 2- Eros
- 3- Adinkra
- 4- Osrar ne nsoromma
- 5- Agincourt
- 6- Parliament of fowls
- 7- Geoffrey
- 8- Gimmel
- 9- Mehndi
- 10- Shiro-muku
- 11- Obi

▲ همچنین ببینید:

- ۱ گل‌های صص ۸۳-۸۵
- ۱۱۲-۱۱۵ بدن انسان صص
- ۱۴۰-۱۴۱ خدایان رومی و یونانی صص
- ۱۷۶-۱۷۹ مسیحیت صص



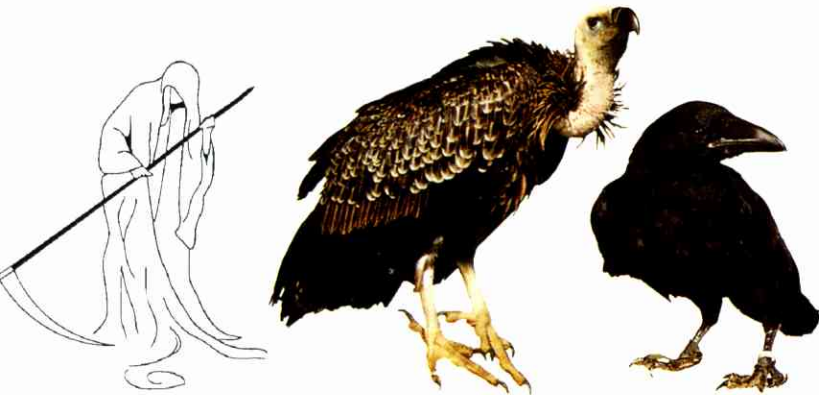
[مرگ و سوگواری]

تشریفات آئینی مرگ، اهمیت زیادی دارد. نظیر مراقبت از جنازه، روش تدفین، مراسم یادبود و سوگواری. مرگ با نمادهایی همراه است که بازتاب دهنده نگرانی، سفر به دنیای دیگر، و خوشی که این سفر ممکن است با خود داشته باشد، است.

مردم در سایه مرگ و این راز سر به مهر زندگی می‌کنند. ترس هر فرهنگ از مرگ بستگی به اعمال، اسطوره‌ها و باورهای آن دارد. برخی باور به زندگی پس از این دنیا را پرورانده‌اند و دیگران جاودانگی یا تولد مجدد را در نظر دارند، در نتیجه

نمادهای مرگ

گستره تصاویر مرگ از تجسم‌های بی‌پرده گریمریپر^۱ تا ترسیم‌های نامحسوس و پنهان کاری در مورد بی‌ثباتی زندگی است. جمجمه انسان نمادی از مرگ است که در سنت‌های دینی و فرهنگ‌های بسیاری یافت می‌شود. گذر زمان با ساعت، تقویم، ساعت شنی و ساعت آفتابی نشان داده می‌شود. حیوانات خاصی نظیر کلاغ، گریه، جغد، لاشخور و خفاش هم با مرگ ارتباط دارند چون برخی از آنها از جسد تغذیه می‌کنند و برخی دیگر سیاه یا مخلوقات شب هستند.



▲ گریمریپر

در فرهنگ غربی اغلب به مرگ نام گریمریپر می‌دهند. او به مانند پیکر اسکلتی ترسیم می‌شود که داس بلندی در دست دارد که وسیله برداشت است و برای قطع و کوتاه کردن زندگی است و ردایی سیاه و کلاه‌دار در نیمه شب می‌پوشد.

▲ لاشخور

به خاطر به دنبال مردار گشتن و خوردن مرده مشهور است و به عنوان نماد مرگ مطرح می‌شود. در تبت آنها را «خاکسپاران آسمانی» می‌دانند و آنها بر اجساد ضیافت برپا می‌کنند.

▲ کلاغ سیاه

علاوه بر این که در بسیاری از فرهنگ‌ها نمادی از خرد، امید و باروری تلقی می‌شود، از نظر مسیحیان، کلاغ نقطه مقابل گاوتر سفید بی‌گناه است. کلاغ‌های سیاه یا خورندگان جسد، پیام‌آوران مرگ، طاعون و نبرد بودند و یا شیطان ارتباط داشتند.

▲ جغد

به عنوان مخلوق مربوط به شب، جغد می‌تواند نشان‌دهنده بداقایی و تاریکی معنوی باشد. برخی فرهنگ‌ها معتقدند که جغدها با سرعت به سمت پایین پرواز می‌آیند تا ارواح مردگان را بخورند. تصور می‌شد که فریاد گوش‌خراش بلندشان و خیره‌شدن با نگاه مات، علامت مرگ و مصیبت باشد.



▲ پرچم نیمه افراشته

در اصل این مراسم مربوط به نیروی دریایی است. پرچم در نیمه دکل، علامت سوگواری است. این پرچم به آرامی به سمت پایین تا نیمه دکل، معمولاً به صورت آهسته و با آئین و مراسم خاص حرکت می‌کند. برخی کشورها درست به اندازه یک پرچم پایین‌تر از آن را جایی برای «پرچم مرگ» نادیکنی در نظر می‌گیرند.

▲ خشخاش

به مدت طولانی قبل از جنگ جهانی اول، خشخاش قرمز نمادی از خواب، مرگ و خون عیسی بود و به نظر می‌رسد که هر خشخاشی در روز یادبود، نشان‌دهنده روح یک سرباز افتاده بر خاک است.



▲ فرشتگان

فرشتگان در سنت مسیحی پیام‌آوران بین خدا و انسان‌ها هستند که انتقال بین آسمان و زمین را نمادپردازی می‌کنند. این تصویری از میکائیل است و این باور وجود دارد که او ارواح مومنان را به خصوص در ساعت مرگ از قدرت شیطان نجات می‌دهد.

**مومیایی کردن**

مصریان باستان برای محافظت از جسد و تضمین جاودانگی آن در حیات دیگر، مومیایی را توسعه و پیشرفت دادند. مجموعه از تابوت‌های چوبی زرانموده شده قرار می‌گرفت.

**مراسم تدفین با کشتی**

انگولساکسون‌ها در تشییع جنازه سلطنتی از قایق یا کشتی استفاده می‌کردند چون به شکل رحم بود. این کشتی در آب رزده شده، نمادی از تولد مجدد پادشاه بود. کشتی با کالاهایی برای متوفی بارگیری می‌شد تا در پس از این زندگی استفاده کند.

**مرده سوزی اهالی جزیره بالی (در اندونزی)**

در دین مردم بالی، مرده‌سوزی آئین مهمی است که پرهزینه و مفصل است. شکلی از تابوت سنگی منقوش به شکل حیوان، نمادی از طبقه خانواده است.

**تابوت یهودی**

در دین یهودی، متوفی در جعبه پرداخت نشده ساده قرار داده می‌شود که هیچ چیز اضافی و یا دستگیری ندارد. این امر نمادی از این موضوع است که همه در برابر مرگ یکسان هستند حتی اگر تمول شخصی وجود داشته باشد. تشییع جنازه هم همیشه ساده برگزار می‌شود.

**قبر مایایی**

مرده مایایی در گوری قرار داده می‌شد که رو به شمال یا غرب بود، یعنی در جهت آسمان‌های مایایی تا متوفی آسان‌تر امکان دسترسی به دنیای دیگر را داشته باشد. قبرها از نه طبقه پلکانی تشکیل شده که نشان‌دهنده نه مرحله جهان زیرین بود.

**تشییع جنازه به روش جاز**

این سنت تشییع جنازه بی‌همتا که از اعمال معنوی آفریقایی در آمریکا سرچشمه می‌گیرد نمادی از نیاورلند شده است. تشییع جنازه شامل نوحه‌های غم‌دای است که با موزیک خوشبینانه و ضرب بالا و رقصیدن در مراسم عمومی و گروهی خاتمه می‌یابد.

**قبیله گا از غنا**

قبیله گا در گینه ساحلی معتقدند که بعد از مرگ به سوی حیات دیگری می‌روند و تابوت‌های آنها نمادی از زندگی دیگرشان است. پس این تابوت به شکل ماهی، مربوط به کسی است که با دریا پیوندهای نزدیکی دارد.

**سکه**

در اسطوره‌شناسی رومی و یونانی، رودخانه استیکس مرز میان زمین و دنیای زیرین بود. خارون یا ناخدای قایق، فرد متوفی را هدایت می‌کرد و در بازگشت طلب حق‌الرحمه داشت. پس برای این که انتقال آسانی به دنیای بعدی وجود داشته باشد، سکه‌هایی را بر روی زبان یا چشم‌های متوفی در بسیاری از آئین‌های تدفین قرار می‌دادند.

مرده سوزی

آئین تدفین به صورت مرده‌سوزی در تمدن‌های باستانی شایع بود و تل هیزم تدفین، بخشی از آئین تشییع جنازه رومی‌ها و یونانی‌های باستان بود. غالباً از بین مردم قدیم، یهودیان به سبب بی‌حرمتی به بدن، مرده‌سوزی را در بین مردم ممنوع می‌کردند. هندوها همیشه مرده‌سوزی می‌کردند. از نگاه آنان آتش به آزاد شدن روح از بدن کمک می‌کرد تا برای تجسد دیگری آماده شود.

**رودخانه گنگ**

از نظر هندوها، گنگ رودخانه مقدسی است. شستشو در آب موجب تمیزی روح می‌شود و رها کردن و ریختن خاکستر بر امواج آن تضمینی بر تجسد دوباره به شکل مطلوبی خواهد بود.

**درختان سرو**

در کشورهای مدیترانه، سرو درخت تدفین در نظر گرفته می‌شود به خاطر ارتباط نزدیکی که با خدای رومی پلوتو یا حاکم دنیای زیرین دارد. اما هنگامی که با زئوس، ونوس یا آپولو پیوند می‌یابد می‌تواند به معنای زندگی هم باشد.

**ناقوس**

صدای «ناقوس در حرکت» علامت مرگ است و توجه را به سوی این واقعیت جلب می‌کند که روح در حال گذر کردن به دنیای دیگر است و از شما تقاضای نیایش دارد. این باور وجود داشت که ناقوس ارواح شیطانی را هم فراری می‌دهد.

**رقص مرگ**

این صحنه تمثیل گونه، ابتدا در زمان مرگ سیاه ظاهر شد. در این رقص، مرگ در حالی ترسیم می‌شود که خوش گذرانان را هدایت می‌کند و نشان می‌دهد که آنها در سرانجام گریزناپذیر و برای همه یکسان است.

**شمع**

شمع نشان‌دهنده گذر زمان و کوتاهی هستی انسان است که سرانجام خواهد سوخت و به ته می‌رسد و اغلب در نقاشی‌های سبک وایتناس دیده می‌شود که در این سبک، زندگی آرام و ساکت سرشار از نمادپردازی‌ها درج می‌شود.

همچنین ببینید:

- برندگان صص ۵۸۶۱
- گل‌ها صص ۸۲-۸۵
- درختان صص ۹۴-۹۵
- خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۰-۱۴۱
- دین هندویی صص ۱۵۸-۱۶۳
- خانه صص ۲۳۸-۲۴۱



سوگواری

در حالی که مرگ باعث اتحاد همه افراد در غصه و غم می‌شود، نمود آن بستگی به باورهای فرهنگی دارد. در برخی جوامع دوره سوگواری می‌تواند برای یک سال طول بکشد در حالی که در جوامع دیگر ابتدا آئین سوگواری وجود ندارد. عموماً تمرکز بر روی گرامیداشت فرد متوفی و تسلی بخشی و آرام بخشی زندگان و بازماندگان است. از نظر نمادین در فرهنگ غربی این امر شامل لوحه یادبود بر روی نیمکت‌ها، یا سنگ قبور در باغ‌های یادمان است و همچنین سوگواری به لباس پوشیدن هم منتقل شده و عموماً مشکی می‌پوشند که نمادی از شب و غصه است. برخی فرهنگ‌ها از جمله بوداییان و هندوئیان لباس سوگواری سفید می‌پوشند که به معنای نوری است که از جانب متوفی دریافت می‌شود.



▲ ملکه ویکتوریا

ملکه ویکتوریا را بعد از مرگ همسرش «شاهزاده آلبرت»، غم بزرگی در بر گرفت. او لباس بوه زنی خاص خودش را برای باقی عمرش پوشید که به میزان زیادی روی عادات و رسوم سوگواری قرن نوزدهم هم تاثیر گذاشت.



▲ کلاه زن بیه

در انگلستان قرن نوزدهم، یک زن بیه از یک کلاه سیاه متمایز، «حجابی گریان» (حجاب و تور سیاه) بدون هیچ گونه تزئینی استفاده می‌کرد. انتظار بر این بود که او تا دو سال سوگوار بماند اما یک بیه زن مسن ممکن بود تا آخر عمر سوگوار بماند.



▲ بازوبند سیاه

در دوره ملکه ویکتوریا، مردان سوگوار از بازوبند سیاه استفاده می‌کردند که تا دهه ۱۹۴۰ امری عادی بود. علی‌رغم از مد افتادن این نشان، هنوز هم این بازوبند به وسیله تیم‌های ورزشی که دچار مرگ یکی از هم‌گروهی‌ها یا فردی از جامعه ورزشی می‌شوند، به کار می‌رود.

لباس‌های سوگواری

زمانی رنگ سفید، رنگ سوگواری در پادشاهی اروپایی بود اگرچه در غرب، رنگ سیاه جایگزین شده است. فرهنگ‌های زیادی هنوز هم برای نشان دادن غم و غصه سفید می‌پوشند. در اینجا گروهی از زنان در ماکائو که در آنجا بودایی دین عامه است، لباس سوگواری سفید بر تن دارند.

جواهرات سوگواری

از دوره قرون وسطی جواهرات سوگواری یا یادمان استفاده می‌شد و هدف و قصد بسیار واقعی در آن وجود داشت. این جواهرات به یاد فرد جدا شده و به صورتی بسیار عاطفی و پرشور استفاده می‌شد. بسیاری از آنها، نوشته‌ای داشت و یا شامل دستهای از موی محبوب بود. نمادهای مطلوب استفاده شده در جواهرات سوگواری در دوره ملکه ویکتوریا شامل گل‌هایی نظیر فراموشم نکن، قلب، صلیب و برگ‌های عشقه بود. این موارد خیلی عامه‌پسندتر از نمادهای هولناکی نظیر جمجمه، تابوت و سنگ قبر شدند. هدفشان دور کردن مرگ و وقایع بدشگون بود.



▲ شقاق سینه

جواهرات سوگواری اغلب سیاه بودند و در بهترین نمونه آن از رنگ مات یا از جنس کهربای سیاه یا رنگ سیاه زغالی بود که زینت و زیور سوگواری محبوب و مردم پسندی به شمار می‌رفت.



▲ قاب گردن بند

دسته‌ای از موی متوفی اغلب در حلقه‌ها یا قاب‌های گردن بند یا به صورت تافته شده در براق برای گردن‌بند استفاده می‌شد. موم‌نماد زندگی بود و کوتاه کردن موها در بسیاری از فرهنگ‌ها با سوگواری مرتبط است.



▲ حلقه‌ها

حلقه‌های سوگواری در قرون هفده و هجدهم نمادهای مقام و منزلت اجتماعی بودند. حلقه‌های جمجمه که اغلب از طلا و لعاب سیاه ساخته می‌شدند به عنوان تذکر دهنده مرگ عمل می‌کردند.



▲ تاج محل

این آرامگاه یکی از مشهورترین بناهای یادبود در دنیاست و نمادی از هندوستان و سوگواری است. در ۱۶۳۱ شاه‌جهان، تحت تاثیر غم و غصه‌ی ناشی از مرگ ممتاز محل، سومین همسرش، شروع به طرح‌ریزی این بنا کرد که در حدود ۱۶۴۸ به اتمام رسید.



▲ اهرام

برطبق یک نظریه، اهرام مصر باستان نشان‌دهنده اولین سرزمین‌هایی هستند که از آب‌های آغازین سربرآوردند. نوک اهرام با خورشید ارتباط دارد و به عنوان یک اتاقک برای دفن، مسافرت موفق فرعون را به زندگی مرفهی در حیات بعدی تضمین می‌کند.

یادبودها و جشن‌ها

هر فرهنگی، فرد متوفای خود را به یاد می‌آورد و به او احترام می‌گذارد. این امر معمولاً با انتخاب جایی برای دفن او در قبرهای ساده، اهرام و مقبره‌های پرزرق و برق و همچنین با برگزاری جشن‌های سالانه صورت می‌گیرد. این جشن‌ها می‌توانند وقایع شادی مانند روز مرگ در مکزیکوسیتی و یا غمناک مانند روز یادبود باشند. بسیاری از این مراسم ریشه‌های دینی عمیقی دارند که ارواح اجداد فوت شده را خوشنود سازند و به دوستان یا خانواده بازمانده، تسکین دهند یا سعادت فرد محبوب را بعد از این زندگی تضمین کنند.



آبان^۲

جشن بودایی ژاپنی برای مردگان است تا ارواح جادشگان به دنیای زندگان برگردند. خانواده‌ها فانوس کاغذی روشن می‌کنند و در جلوی خانه‌هایشان آویزان می‌سازند تا موجب کمک به ارواح برای یافتن مسیر خانه‌شان شود.



روز مرگ

روز مرگ سالیانه در مکزیکو در اول نوامبر برگزار می‌شود که مصادف با جشن کاتولیکی روز همه قدیسان است. این یک واقعه منحصر به فرد مکزیکو در تکریم ارواح جادشگان است تا تشویق به بازگشت به زمین شوند و در این خوشگذرانی به بازماندگان بیوندند.



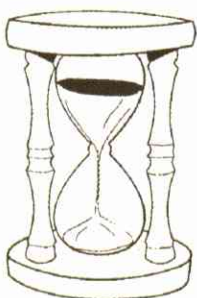
بنای یادبود

نهی گور یا بنای یادبود، در یونانی به معنای «قبر خالی» است. این بنای یادبود در مرکز لندن ابتدا ساختاری از چوب و گچ برای اولین سالگرد روز آتش‌سوزی (یازدهم نوامبر روز یادمان پایان جنگ اول جهانی) در ۱۹۱۹ بود. به خاطر شور و اشتیاق عمومی، تصمیم بر این شد که این بنای یادبود، دائمی و نماد قربانیان جنگ شود.



سنگ‌های قبر

هزاران علامت و نماد دنیوی و دینی مختلف در طول سال‌ها، سنگ قبور را تزئین کرده است که نشان‌دهنده تلقی‌های گوناگون نسبت به مرگ و جهان پس از مرگ است که می‌تواند به صورت عضویت در نظامی برادروار یا معامله‌ای فردی باشد. در مسیحیت، فرشته‌های بالدار نشانگر روح صعودکننده به طرف آسمان هستند. مجسمه و ساعت شنی بیاد ما می‌آورند که زندگی فانی و کوتاه است و چشم‌اندازهای کتاب مقدس، طیفی از اندیشه‌ها را بیان می‌دارد نظیر رستخیز، وفاداری جدی به کلمه خداوند یا گناهکاری انسان.



ساعت شنی

نماد سنتی عمو روزگار است و گذر زمان را نشان می‌دهد. در حالی که یک ساعت شنی در حال پرواز به یاد ما می‌آورد که زمان پرواز می‌کند. ساعت شنی که بر روی پهلو قرار گرفته به معنی متوقف شدن زمان برای متوفی است.



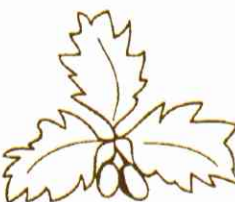
شیر

نگاه ابدی شیر از قبر در برابر ارواح شیطانی نگهبانی می‌کند و به معنای دلیری، قدرتمندی و رستخیز است. مجسمه شیر اغلب روی سنگ قبر یک مدافع و محافظ و یا قهرمانان جنگ نصب می‌شود.



چراغ

چراغ‌ها از جمله چراغ نفتی بر روی سنگ قبر، نمادی از جاودانگی، ایمان و نور خرد، و معرفت خداوند است.



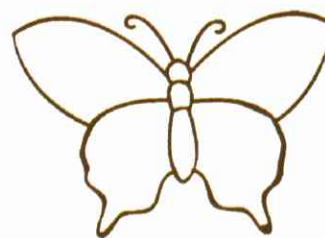
برگ بلوط

برگ‌های بلوط که اغلب بر قبرهای نظامی دیده می‌شوند می‌توانند به معنای قدرت، اقتدار و پیروزی باشند. بلوط حاکی از قدرتمندی، شکوه و استقامت است و میوه آن نمادی از نوید کمال و قدرتمندی است.



ستاره پنج پر

ستاره پنج پر نمادپردازی ستاره بیت‌الحم است که راهنمایی الهی و حفاظت متوفی را در پی دارد. همچنین نماد جادوگران و جادوگری عیسایی



پروانه

استفاده از این مخلوقات به معنی زندگی کوتاه است به همین جهت اغلب بر سنگ قبر کودکان دیده می‌شود. آنها همچنین نشانگر استحاله مسیحی هستند. یعنی کرم و شقیره که پروانه نماد کامل زندگی، مرگ و رستخیز است.



مشعل

مشعل در زندگی پیروزمندانه به معنای جاودانگی و زندگی در مقابل مرگ است. مشعل می‌تواند دست به دست شود همان‌گونه که در مسابقه امدادی این کار انجام می‌شود و زمانی که مشعل خاموش می‌شود، نشان‌دهنده پایان راه است. در بعضی فرهنگ‌ها، مشعل نماد زندگی خاتمه یافته دارد.

همچنین ببینید:

- درختان صص ۹۴-۹۵
- دست‌ها و پاها صص ۱۱۴-۱۱۹
- مکان‌های مقدس صص ۲۳۲-۲۳۳
- رنگ‌ها صص ۲۸۳-۲۸۰
- شکل‌ها صص ۲۸۴-۲۸۹



▲ زندگی خاموش یا سبک وانیتاس همراه با نوتیلوس (نوعی نرم تن دریایی) و عود
 این اثر به وسیله مانیس نایوتو (Matthys Naiveu) شامل اشاراتی به کمال (صدف نوتیلوس)،
 گذر زمان (ساعت شنی)، بیهودگی هستی مآکره، گوناگونی زندگی (ایراز موسیقی، گل‌های در
 حال پژمردگی) و ناگزیری مرگ (شمع خاموش شده و حبه‌ها) دارد.



سبک نقاشی وانیتاس



در نقاشی‌های زندگی بی‌جان، به نام وانیتاس تذکری وجود دارد در مورد این‌که قدرت، خوشی و حتی زیبایی این زندگی زمینی در حال گذر است و این‌که سرانجام هر چیزی باید برود.



نمادهای وانیتاس

در این سبک هنری، موضوعات به ندرت، آنچه که به نظر می‌رسند، هستند. گیلاسی از شراب قرمز، صرفاً ممکن است ظرفی در نظر گرفته شود که حاوی آب انگور تخمیر شده است و می‌تواند همچنین نشان‌دهنده خون عیسی هم باشد (بخصوص اگر در کنار قرص نانی قرار گیرد) یا ممکن است اشاره به حس چشیدن در انسان و یا حتی به فسق و هرزگی باشد. عناصر در طبیعت بی‌جان نقاشی وانیتاس به طور خاص به یکی از این سه طبقه تعلق دارد:

۱. لوازم زندگی اخلاقی نظیر کتاب، ابزار، کیف پول یا سند
۲. موضوعاتی که غیردائمی بودن این دنیا را منعکس می‌کند نظیر جمجمه، ساعت شنی
۳. موضوعاتی که نوید رهایی و زندگی ابدی را می‌دهد، نظیر خوشه ذرت یا شاخه‌های عشقه یا برگ بو.

نمادهای ثروت شامل صدف‌های دریا و لباس فاخر است، در صورتی که مقدار زیادی ظرف و بشقاب‌های در هم ریخته، شاید اشاره به مسخرگی زندگی باشد که تمرکز بر دغدغه‌های زمینی دارد و در تقابل با کسی قرار دارد که تمرکز بر رهایی روحش دارد. آینه برای نشان دادن خرد و معرفت استفاده می‌شود اگر چه زمانی که غبار گرفته باشد، شاید به معنی روحی باشد که بر آن گرد غفلت نشسته است.



▲ سبک وانیتاس با ساعت آفتابی، مکتب فرانسوی
ساعت از جمله ساعت آفتابی حاکی از گذر زمان است و اغلب شعارهایی نظیر «شاید در آخرین ساعت» را به بازی می‌گیرد.



▲ سه میمون
میمون نماد آز و شهوت پرستی است که در اینجا در نقاشی از فرانس استیو در "وضعیت میمون‌ها نسبت به غذاها، همداری بر غریزه حیوانی است."

پیام اخلاقی

طرح‌ریزی این سبک به این سبب بوده تا در چندین سطح اثر کند و نه این‌که صرفاً به عنوان آثار هنری عالی و بی‌عیب به آن نگریسته شود. نقاشی‌های وانیتاس مملو از نمادپردازی هستند که بیننده را به اجتناب‌ناپذیری مرگ فرامی‌خواند تا در حماقت منتج از همه بلندپروازی‌های انسانی تأمل کند. هدف این نقاشی‌ها، اخلاقی‌سازی است و به عنوان تذکر و حتی هشدار و سرزنش عمل می‌کنند و معنای دل‌بستگی یا اهمیت دادن به امور این دنیا را نمی‌رسانند. به صورت سنتی در نقاشی‌های وانیتاس، ویژگی‌هایی که ثروت مادی، معرفت، طبیعت و امور موقتی یا مادی این زمین را نمادپردازی می‌کنند تمایل دارند که با موضوعاتی در کنار هم قرار گیرند که امید به رستاخیز عیسی و زندگی بی‌پایان را تجسم می‌بخشند.

فن‌پذیری

سایر عناصری که عموماً در این سبک از نقاشی وجود دارند شامل میوه گندیده که نمادی از پیری است، حباب که ناگهانی بودن مرگ را می‌رساند، شمع خاموش شده و ساعت که کوتاهی زندگی را به ما یادآوری می‌کند هستند، اما اغلب بیشترین استفاده از نماد ترسناک مرگ در نقاشی وانیتاس، جمجمه بود. در نمایش شکسپیر، شاهزاده‌ای که هملت نام دارد، جمجمه یوریک خدمتکار پیشین را در دست دارد و در سوگ بی‌فایده‌گی و موقتی بودن طبیعت و ماهیت مواد دنیایی می‌نشیند. از مرگ راه فراری نیست و



▲ جمجمه در دست مرد جوان

در این نقاشی از فرانس هالس، هشدار را بیان می‌کند و تماشاگر را دعوت می‌کند که در مورد مرگ، حتی در جوانی فکر کند.

همچنین ببینید:

سر به عنوان نشان پیروزی صص
۱۱-۱۱۱
مرگ و سوگواری صص ۱۳۱-۱۲۸
رنک‌ها صص ۲۸۳-۲۸۰





اسرار والدين





ما به خاطر ترس از امور ناشناخته ادیان را به وجود آوردیم و در کیهان خدایانی را اسکان دادیم که ما را در سفر زندگی و فراسوی آن هدایت کنند. (نظریه پردازی‌های گوناگونی راجع به خاستگاه ادیان صورت گرفته است و

نمونه مطرح شده در اینجا یکی از آن نظریه‌هاست که گویا مورد قبول نویسنده کتاب است.) هر فرهنگی نمادها، داستان‌های آفرینش و حکایت‌های مربوط به اجداد خودش را دارد و ریشه‌های عمیقی را ارائه می‌دهد که حس هویت ما را تقویت می‌کند.

فرهنگ‌ها، از زمان‌های دور، خدایان گوناگون را ابداع کرده‌اند که هر یک از آنها ویژگی‌های متفاوتی را به نمایش می‌گذارند، مانند اروس^۱ یا خدای یونانی عشق. شخصیت‌های اسطوره‌شناسی نمادین در همه فرهنگ‌ها وجود دارند و شامل قهرمانان و حقه‌بازانی می‌شوند که در داستان‌های قدیمی در خصوص آفرینش، نقش اصلی را دارند.

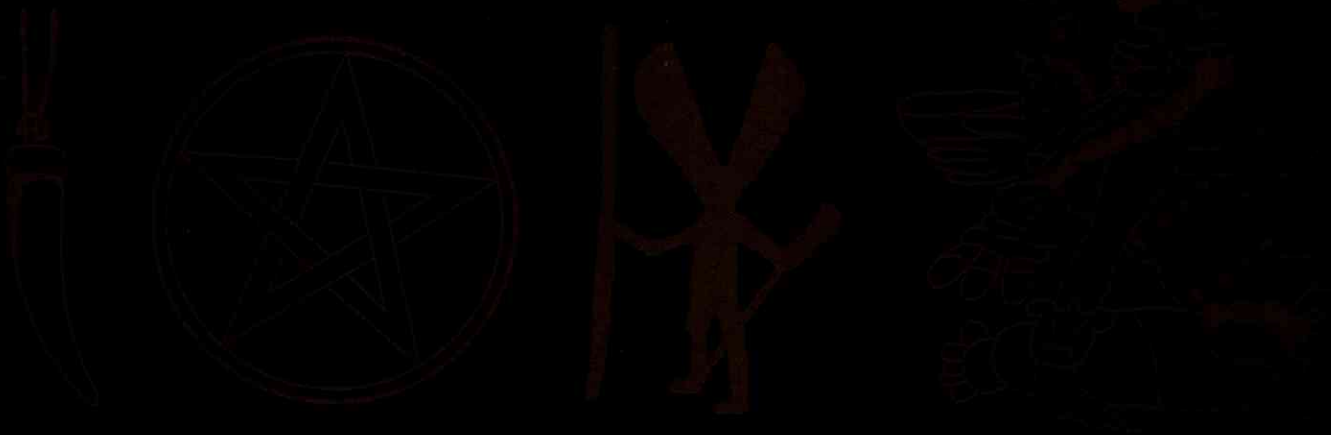
غیبگویی یا توانایی دیدن گذشته و آینده هم، برای هزاران سال انجام می‌شده است و گستره استفاده از آن از توپ‌های بلورین تا طالع بینی تغییر می‌کند. در طول هزاران سال، نظام‌های اعتقادی

کمی توانسته‌اند اذهان و تخیل‌ها را تسخیر کنند و در فراسوی مکان به ظهور رسیدنشان گسترش یابند و در بعضی موارد به عنوان ادیان جهانی مطرح شوند.

هندو، دینی است که از طریق ترکیب باورهای زیادی به تدریج شکل گرفته است اما عموماً ادیان بزرگ، یک پدر موسس یا پیامبر یا معلم دارند نظیر بودا، مسیح (ع) و محمد (ص) که اصول اعتقادی را در اختیار همگان قرار دادند و آموزه‌هایشان بعدها در کتابی مقدس با حرمت نگاه داشته شد.

در برخی فرهنگ‌ها، نظامی از باورها و نمادها به صورتی مجزا توسعه یافته‌اند که برای بیگانگان مبهم و ناشناخته هستند یکی از این مثال‌ها «خیالپردازی» بومیان استرالیایی است. نمادهای بسیاری از گروه‌های سرخپوستان آمریکایی هم به صورتی مشابه مجهز است. اما علی‌رغم اختلاف در باور، آئین و سنت، دغدغه‌های اساسی مشابه در مورد زندگی، مرگ و زندگی پس از مرگ در همه فرهنگ‌ها مطرح می‌شود.

در بسیاری از جوامع نظیر چین، بخش اعظمی از موضوعات پس از مرگ را پرستش و مراسم مربوط به اجداد برعهده دارد. زمانی که





هر فرهنگی نمادها،
داستان‌های آفرینش
و حکایت‌های مربوط
به اجداد خودش را
دارد و ریشه‌های
عمیقی را ارائه
می‌دهد که حس
هویت ما را تقویت
می‌کند.

شخصی فوت می‌کند به مقام
اجداد می‌پیوندد و سپس بر
فرزندان خود نظارت می‌کند
و مورد تکریم و احترام قرار
می‌گیرد. اغلب در مراسم،
نبردها و جشن‌ها به صورت
روحي حضور می‌یابد. حضور آنها
از طریق تصاویر و نمادهای حک
شده بر اسلحه‌ها و خانه‌ها در
مسائل اصلی روزانه آشکار است
و حس انسجام و پیوند در درون
جامعه تضمین می‌شود.

در برخی فرهنگ‌های گرداگرد
دنیا با قطع نظر از باورهای دینی رسمی، تاثیر ارواح قوی است و
بر این باورند که ارواح در کوه‌ها، درخت‌ها، آب‌ها، صخره‌ها و مزارع
سکونت دارند و بایستی با پیشکشی‌های کوچکی خشنود شوند تا
همه‌انگهی باقی بماند. حتی خانه‌ها هم روح خاص خودشان را دارند

که در کنار مکان مقدسی در کنار بودا یا اجداد قرار می‌گیرند.
تقدیم کردن پیشکشی‌های نمادین از غریزه بنیادین مشابهی
سرچشمه می‌گیرد که مانند آئین انجام قربانی برای خشنودی
خدایان است.
هر فرهنگی واسطه‌های خود را دارد مانند روحانیون یا شمن‌هایی که
از طریق آگاهی معنوی بالاترشان، اغلب از طریق استفاده از نمادها
با خدایان یا ارواح ارتباط برقرار می‌کنند، برخی نظیر کشیشان
کاتولیک، آئین را اجرا و هدایت می‌کنند و کلمه الهی را تعلیم
می‌دهند، در صورتی که دیگران نظیر شمن‌ها با ارواح ارتباط برقرار و
از قدرت‌های «جادویی» استفاده می‌کنند.
بسیاری به خاطر خیر و خوبی و اصلاح جامعه کار می‌کنند اما
دیگران هم جادوی سیاه انجام می‌دهند و ترس را در بین پیروانشان
القا می‌کنند. همه آنها عموماً نظیر طبیبان مورد احترام هستند،
اما از آنجایی که مردم سراسر دنیا هنوز هم نیاز به میانجی‌گران
با خدایان را احساس می‌کنند، از این رو آنها به جنبه‌های معنوی
جامعه می‌پردازند و به مردم اجازه می‌دهند تا به زندگی روزمره‌شان
ادامه دهند.





خدایان مصری



خدایان مصری از درهم ادغام شدن دو فرهنگ قدیمی‌تر حاصل شدند. یکی از آنها خدایان را در شکل انسانی می‌پرستید در صورتی‌که دیگری خدایانی به شکل حیوان داشت. به تدریج دینی به ظهور رسید که بر آئین و مناسک مردگان تمرکز داشت و به نمادپردازی بسیار علاقه‌مند بود. خدایان مصری تقریباً همیشه نمادهای قدرت را می‌پوشیدند یا حمل می‌کردند نظیر تاج، عصا و خرمنکوب. برخی هم عنخ^۱ را حمل می‌کردند که نماد زنگی ابدی بود. این نمادهای دینی مشابه آنهایی که در خط تصویری مصری (برای نگارش) یافت می‌شود نیستند.

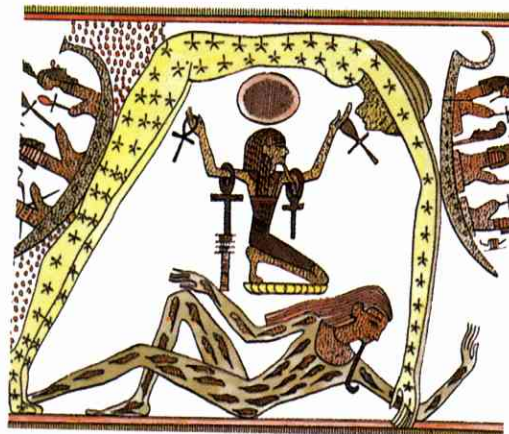
▲ ازیریس^۲

نمادی از تولد مجدد و باروری است. ازیریس با دنیای زیرین ارتباط دارد. بدن او به نیل انداخته شد، سپس برادر حسودش یعنی ست، او را قطعه قطعه کرد و آنها را در زمین پراکند، اما ازیریس از نو به وجود آمد. این تولد مجدد به عنوان نمادی از مراسم تدفین، رویش و رشد گندم در خاک حاصلخیز دره نیل در نظر گرفته می‌شود. به عنوان داور مردگان، ازیریس یک عصا و خرمن کوب به علامت قدرت و حاکمیتش در دست دارد.



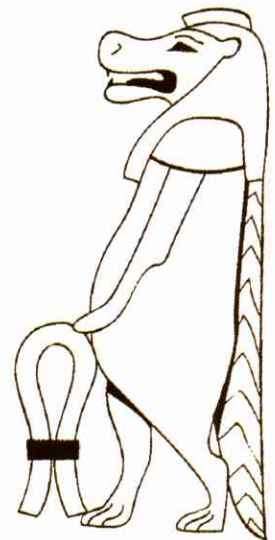
▲ آمون^۳

انسان‌ها او را نمی‌بینند ولی معتقدند که روح یا ذات همه مواد است. آمون خدای خاکی بود که بعدها با خدای خورشید یا رع ترکیب شد و آمون - رع نامیده و برای موجودات میرا قابل دیدن شد. وقتی در شکل انسانی ترسیم می‌شود، دستمالی بر سرش دارد که از پرهایی درست شده که نمادی از آسمان و ارتباط آن با باد است، اما امکان دارد که به عنوان افعی یا نیل ظاهر شود که نمادی از آب‌های تجدیدپذیر است یا همانند اینجا به عنوان یک قوچ با شاخ‌های انحنایافته محافظ به عنوان نماد باروری ظاهر می‌شود.



▲ نوت^۴ و گب^۵

نوت ایزدانوی خالق است که طاق قوسی آسمان را تجسم می‌بخشد و نهاد رستخیز است. هر روز، شب هنگام، خورشید را می‌بلعد و دوباره در هنگام صبح، آن را به دنیا می‌آورد. در اینجا، او به روی خدای زمین یا گب خیم شده است. گب هم بر روی یک آرنج تکیه دارد، در حالی که زانویش را به طرف بالا خم کرده که به معنای کوه‌ها و دره‌هاست. این دو خدا به وسیله خدای شو^۶ یا هوا از یکدیگر جدا می‌شوند. شو چندین عنخ در دست دارد که نمادی از زندگی ابدی است. دو گشتی که در دست او قرار دارد، نمادی از قدرت و حاکمیتش در دست دارد.



▲ تاوارت^۷

یکی از چند خدای به شکل اسب ایی است. تاوارت معمولاً در حالت ایستاده تصویر می‌شود. سینه‌ها و شکم برآمده‌اش، نمادی از نقش او به عنوان محافظ زنان در هنگام زایمان است.

▲ سبک^{۱۲}

سبک خدای نیل است و سر تمساح و تاجی از پره‌های شترمرغ با صفحه خورشید شاخدار را بر سر دارد که نمادی از قدرت فرعون است.

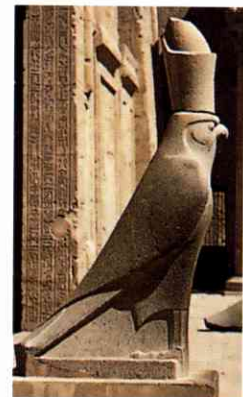
▲ آنوبیس^{۱۳}

خدای تدفین با سر شغال است و ناظر بر مومیایی کردن مرده است. نماد مرگ بودن او شاید از این واقعیت ناشی می‌شود که شغال به ویژه در شب در اطراف گورستان‌ها پرسه می‌زند. آنوبیس همیشه سیاه تصویر می‌شود اگرچه شغال‌ها سیاه نیستند، چون نماد مرگ است و رنگ جسم مومیایی شده سیاه است.

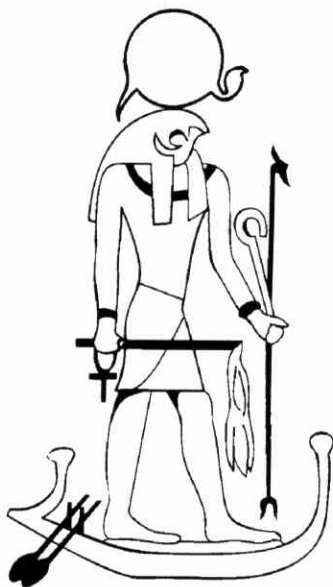


▲ ست

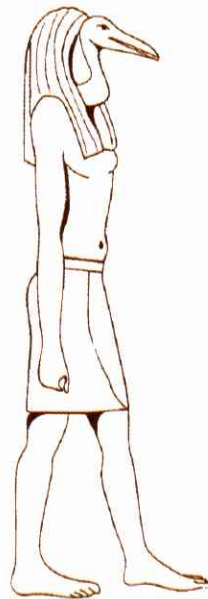
ست خدای آشفته‌گی و مصیبت و بدبختی است. ست در اینجا به مانند پرنده‌ای اسطوره‌ای تصویر شده که عنخ و عصای «واس»^{۱۴} در دست دارد که نمادی از قدرت است.

▲ هوروس^{۱۵}

حاکم از نسبت و ارتباط با شاهین است و به صورت شاهین نشان داده می‌شود. هوروس «رب آسمان» است. چشم هوروس (ادجت^{۱۶}) به عنوان تعویذی برای دور کردن شیطان استفاده می‌شود.

▲ رع^{۱۷}

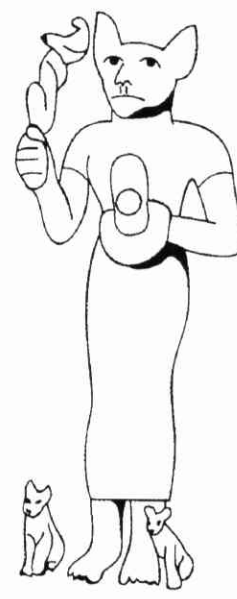
یکی از چند خدای خالق است. رع همچون شاهینی خورشیدی با صفحه‌ای از خورشید بر سرش تصویر می‌شود. او یک عنخ و چندین نماد قدرت عصا و خرمن‌کوب و عصای «واس» را حمل می‌کند.

▲ توت^{۱۸}

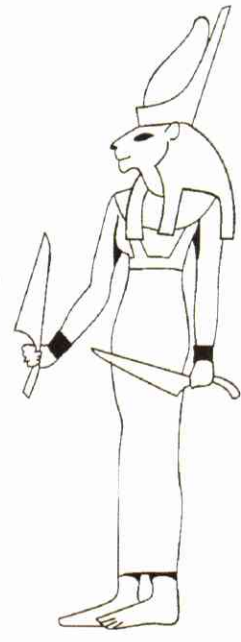
خدای ماه است و به مردم هنر نگارش را اعطا کرد و با خرد و جادو مرتبط است. اغلب همانطور که اینجا تصویر شده سر لک لک دارد یا به صورت یک بوزینه تصویر می‌شود.

▲ ایسیس^{۱۹}

تاج به شکل اریکه‌اش نشان می‌دهد که او در اصل تجسم اریکه فرعون است. ایسیس، اوزیریس را نجات داد و از نو به او زندگی بخشید که این عمل نمادی از رستاخیز است.

▲ بست^{۱۶}

ایزدبانوی ماه است که در اینجا با سر گربه تصویر شده. او به عنوان علامتی از درنده‌خوبی‌اش، سبکی کوچک در دست دارد که نشان‌دهنده خوب‌شاوندی و قربایت نزدیک با ایزدبانوی سخمت است.

▲ سخمت^{۱۵}

ایزدبانوی جنگ و وحشت و همچنین حفاظت و سلامتی است. سر شیر سخمت نمادی از درنده‌خوبی اوست و با جاق‌های مربوط به نیستان در دستش، مراقبت از طبیعت را بیان می‌دارد.

- 1- Ankh
- 2- Osiris
- 3- Seth
- 4- Tawaret
- 5- Nut
- 6- Geb
- 7- Shu
- 8- Amun
- 9- Re
- 10- Horus
- 11- Udjat
- 12- Was
- 13- Anubis
- 14- Sobek
- 15- Sekhmet
- 16- Bastet
- 17- Isis
- 18- Thoth
- 19- Re(Ra)
- 20- Ma at

همچنین ببینید:

پرنده‌گان صص ۱۹۴-۱۹۵
تعویذها صص ۱۹۴-۱۹۵
نگارش تصویری صص ۳۰۰-۳۰۳





[خدایان رومی و یونانی]



تمدن یونان باستان با خدایان قدرتمندی ارتباط دارد که داد و قال می‌کنند، احساس نفرت دارند، عشق می‌ورزند و خیلی شبیه به انسان‌هایی هستند که روی کره زمین زندگی می‌کنند. بعدها رومی‌ها این خدایان را اقتباس کردند و به آنها نام‌های رومی دادند نظیر ژوپیتر به جای ژئوس و گاهی هم ویژگی‌های آنها را با خدایان خودشان ترکیب کردند. برای مثال کروئوس در هنگام ساتورن شدن، داس بلندش را با داسی معمولی معاوضه کرد. ما هنوز هم امروزه این خدایان بزرگ را به خاطر کیفیات و قدرتهای گوناگونشان که در نقاشی‌های کهن و معماری سراسر دنیای غرب نمادپردازی شده‌اند، می‌شناسیم.

▲ ژئوس^۱ / ژوپیتر^۲

پادشاه خدایان و خدای آسمان‌هاست. بسیاری از فتوحات عاشق بیشه‌ای ژئوس، منعکس کننده فتح قلمروهای همسایگان یونان و جذب ایزدبانوهای مادر در فرهنگ آنهاست. در میان نمادهای او عقاب است که به معنی قدرت و شان پادشاهی اوست.



▲ اروس^۱ / کوپید^{۱۱}

خدای عشق یا اروس که کمان، ترکش و تیرهایی را حمل می‌کند که با آنها قربانیانش را هدف قرار می‌دهد. تیرهای طلایی او به معنای عشق واقعی و نوع سربی آن به معنای میل شدید و هوس است. او گاهی اوقات چشم‌بند دارد که نمادی از کوری عشق است.



▲ آفرودیت^۸ / ونوس^۹

آفرودیت تجسم بهار، ایزدبانوی زیبایی، عشق جنسی و باروری بود. او اغلب برهنه تصویر می‌شد که باعث ویرانی در میان خدایان هم سنخ خودش می‌شد. نمادها یا ویژگی‌های او شامل قو، کف صدف، دلفین و قلب مشتعل است.



▲ نایک^۶ / ویکتوریا^۶

برای یونانیان نماد تفوق و پیروزی بود. او بالدار است، زمان که ویکتوریا در تصویر می‌شود که تاجی بر سر دارد و در دستش یک تیر و یک پیکان است. نمادها یا ویژگی‌های او شامل ماهیت زودگذر پیروزی است. نوع ساختمانی و تصنعی آن با یک بال، ارم و تاج شاه لباس، و رزش است.



▲ هادس^۳ / پلوتو^۳

به عنوان خدای مرگ و حاکم دنیای زیرین است. هادس اغلب در حالی تصویر می‌شود که تاجی بر سر دارد و عصا دو ساقه دارد که نماد زندگی و مرگ است. با او سگ سه سری به نام سربروس^۵ همراهی دارد که از نام سربروس^۵ گرفته شده است.



گرگ ماده با پسران مارس که رومولوس و رموس هستند

آرس ۲۱ / مارس ۲۲

آرس خدای جنگ است و مناسب با این امر از ویژگی‌های او کلاهخود و نیزه است. در جنگ تروا، ایزدبانوی آتنا از او دفاع می‌کرد که نمادی از پیروزی خرد بر خشونت است. گاهی گرگی با او همراه است شاید به خاطر پسرهای دوقلویی که از گرگ‌ها به وجود آمدند.



کرونوس ۲۵ / ساتورن ۲۶

کرونوس خدای غلات است و داسی که او حمل می‌کند برای برداشت محصول است و نماد او شده. اما این داس بلند به داسی معمولی برای ساتورن تغییر کرد که نمادی از مرگ و نابود کردن تولد مجدد پیشین است.



پان ۳۰

خدای جوانان و صیادان است. شاخ‌ها، سم‌ها و دم پان علامتی از ماهیت میل جنسی حیوانی اوست. گاهی در حالی تصویر می‌شود که موسیقی مسخ‌ورکننده‌ای از نی خاص خود می‌نوازد. او همچنین ترس غیرقابل کنترل را به مردم القا می‌کند و از این جهت است که اصطلاح «پانیک» (ترس) از آن مشتق شده است.

همچنین ببینید:

مار صص ۶۴-۶۷

مخلوقات آبی صص ۶۸-۷۱

داستان‌های آفرینش صص ۱۵۶-۱۵۷

علامات شغلی صص ۲۱۴-۲۱۵



پوزئیدون ۱۸ / نپتون ۲۰

خدای پوزئیدون نماد قدرت و غیر قابل مهار بودن دریاست. او به صورت پیرمرد ریش‌داری تصویر می‌شود و در میان ویژگی‌های او نیزه سه شاخه‌ای است که نماد آذرخشی است و یک دولقین که علامت دریای آرام و ناجی کشتی غرق شده و شکسته است.



هرا ۱۴ / جاتو ۱۵

ایزدبانوی قدرت‌مند است. نماد هرا شامل طاووس است (که در اینجا نشان داده شده) که گویا او خودش این طاووس را خلق کرده است. همچنین نماد دیگر او نیلوفر آبی است که با نقش او به عنوان ایزدبانوی ازدواج پیوند دارد.



دیونیسوس ۱۲ / باکوس ۱۳

خدای شراب و رشد انگور است و برای یونانیان خدای باروری نیز هست. دیونیسوس اغلب با تاجی از انگور یا عشقه نشان داده می‌شود که نمادی از زندگی ابدی است.



هرمس ۱۶ / مرکوری ۱۷

پیام‌آور خدایان است. هرمس کلاه بالدار می‌پوشد و پاشنه‌های بالدار دارد که حاکی از سرعت اوست. او همچنین چوب‌دستی بالدار را حمل می‌کند که کادوسوس نامیده می‌شود و نمادی از توازن و هماهنگی است.



آتنا ۲۷ / مینروا ۲۸

در اصل ایزدبانوی خرد و تعلیم است. آتنا ویژگی‌های جنگ‌طلبی را در دوره میسنیان^{۱۱} (فرهنگی یونانی متعلق به جنوب این کشور) اتخاذ کرد. اغلب با کلاهخود جنگجو، سپر و نیزه تصویر می‌شود. او حامی آتن بود و نماد او یک



آپولو ۱۸

خدای نور و هنر است. آپولو تجسم زیبایی مردانه است. ویژگی‌های او جنگ، کمان و تیر و گاهی یک مار یا گرگ هستند. آنها حاکی از خاستگاه‌های روستایی او و حاکمیت بر حیوان شکارگر گوسفند است. او پروردگار معبد دلفی بود.

- 1- Zeus
- 2- Jupiter
- 3- Hades
- 4- Pluto
- 5- Cerberus
- 6- Nike
- 7- Victoria
- 8- Aphrodite
- 9- Venus
- 10- Eros
- 11- Cupid
- 12- Dionysus
- 13- Bacchus
- 14- Hera
- 15- Juno
- 16- Hermes
- 17- Mercury
- 18- Apollo
- 19- Poseidon
- 20- Neptune
- 21- Ares
- 22- Mars
- 23- Romulus
- 24- Remus
- 25- Cronus
- 26- Saturn
- 27- Athena
- 28- Minerva
- 29- Mycenaean
- 30- Pan



خدایان سلتی و نروژی

خدایان دوران پیش از رومیان مردم نروژ و سلط، خدایانی خالق و ایزدبانوان مادر، یا خدایان طبیعت بودند که دلالت بر باروری، جنگ و عشق داشتند و نمادی از قدرتی بزرگتر از قدرت انسان‌ها. به خدایان هر مسئولیتی برای هر کاری نسبت داده می‌شد که انسان‌ها آن را نمی‌فهمیدند. نظیر آذرخشی که تصور می‌شد از تبر جادویی خدای تور یعنی میولنیر^۱ به ظهور می‌رسد. خدایان سلطی فناناپذیر بودند اما خدایان نروژی این‌طور نبودند. آنها جوانی خود را با خوردن سیب‌های خاصی که ایدون^۲ ایزدبانوی جوانی پرورش می‌داد، حفظ می‌کردند.



▲ تور^۳

او سوار بر ارابه خود که به وسیله بز کشیده می‌شود سراسر آسمان‌ها را طی می‌کند. تور خدای جنگ و حاکم آسمان‌هاست. او با اسواستیکا^۴ اصلیب شکسته ارتباط دارد که شاید از تبر او نتیجه شده است. علامت او، درخت فندق است که نمادی از باروری، غیب‌گویی و خرد است.

► آریاترود^۵

ایزدبانوی ولری مربوط به دنیای زیرین و همچنین خدای ماه و ستاره است. آریاترود را «چرخ نقره‌ای» می‌نامند زیرا او روح‌ها را به دنیای زیرین یا چرخ نقره‌ای خود حمل می‌کند که نمادی از تولد و تولد مجدد است.



چرخ نقره‌ای



▲ کاسید یوس^۶

خدای شکار و جنگجوی انگلیسی در اینجا با سیری در دست و نیزه‌ای در دست دیگر تصویر شده. ساح‌های کوچک بر سر او نماد قدرت جنسی و باروری است.



▲ ریانون^۷

ایزدبانوی سلطی اسب و دنیای زیرین است. ریانون بر مادیانی سوار می‌شود و نمادی از قدرت‌های طبیعت است و با زمین پیوند دارد. او با باروری و تجدید حیات نیز ارتباط دارد.

▲ موریکان^۸

ایزدبانوی سلطی جنگ، باروری و گیاهان است. موریکان با نمادپردازی اسب پیوند دارد. او همچنین با کلاغ مرتبط است چون شکل کلاغ را به خود می‌گیرد تا نتیجه نبرد را پیشگویی کند.

▲ بریجید^۹

به عنوان ایزدبانوی خورشید، سلطی و جامی زرگران یا فلزکاران، بریجید با نمادپردازی اسب پیوند دارد. او همچنین با خصوصیات شفابخشی بهارهای مقدس ارتباط دارد.

▲ سرنونس^{۱۰}

این «خدای شادمان» خدایی متعلق به زیرزمین است که قدرت‌هایی را بر دنیای زیرین اعمال می‌کند. او اغلب در زست یک یوگی ظاهر می‌شود که یک طوق در دست دارد که گردنبندی بیخ‌خورده است و در دست دیگر او یک افعی است که به ترتیب نمادهای مونت و مذکر هستند. افعی همچنین نماد رستاخیز است. سرنونس بر سر او یک کلاه است که نماد قدرت جنسی است. خودش یک نماد تمایل جنسی است که خوش بایستی ریخته شود تا هماهنگی و توازن باقی بماند.





▲ شاخ اَدین

شاخ سه‌گانه نمایی برای مشروب که نماد اَدین است و به خودی خود دلالت بر توان و قدرتمندی دارد و نشان‌دهنده سه طرح ساخته شده از جادو است که اَدین بعد از کاوشی طولانی فراهم آورد.



▲ اسب اَدین

اَدین اسب هشت پای افسانه‌ای را می‌راند که اسلیپتر^{۱۹} نامیده می‌شود که از قرار معلوم از همه اسبها چابکتر است. پاهای زیاد او دلالت بر این دارد که می‌تواند بر روی زمین، آب و هوا چهار نعل بنزد.

اَدین^{۱۸}

خدای آسمان، جنگ و پیروزی در نبرد است. اَدین کشته‌شدگان قهرمان را به والهالا^{۱۷} (سالن پذیرایی خدای اَدین) یا تالار اسلایم^{۱۶} (مقتولین) در آسگارد^{۱۵} (یکی از نه دنیای خدایان نروژی که خانه خدایان بود و والهالا یا محل حکومت اَدین در آن قرار داشت) فرا می‌خواند. او در اسطوره‌های آلمانی، ایسلندی و نروژی شناخته شده است و با کلاغ سیاه و گرگ‌ها ارتباط دارد که به عنوان مرده‌خوار، نماد مرگ هستند. به تقلید از او که خود را در پای درخت دنیا یا ایگدراسیل^{۱۴} (درخت زیان گنجشکی که از جهان حمایت می‌کرد) قربانی کرد، زندانیان جنگی را برای اَدین قربانی می‌کردند. اَدین همچنین خدای تمول و ثروت است.

◀ فریگ^{۲۳}

این ایردیانوی مادر و باروری وایکینگ (جنگجوی اسکاندیناوی) بر بچه‌ها نظارت دارد. از ویژگی‌های او لک است که نمادی از آورنده نوزادان است. نماد دیگر او چرخ نخ رسی است که با آن ابرها را می‌ناید.

◀ فریا^{۲۴}

ایردیانوی عشق، باروری، گیاهان، جنگ و مرگ است. آرنه فریا را گریه‌ها می‌کشند. او گاهی شکل ماده بزی را به خود می‌گیرد که نمادی از باروری است.

▶ تیر^{۲۵}

خدای نروژی جنگ، عدالت و قربانی کردن خود است. تیر در اینجا با یک دست تصویر شده، او دست راست خود را برای فتریر^{۲۶} که گرگی است که نماد اهریمن است در اثر یک بی‌دقتی قربانی کرد تا به خدایان دیگر فرصت و زمان دهد تا او را مهار کنند.

◀ فری^{۲۶}

او دوقلوی فریاست. فری خدای نروژی باروری، خوشبختی و صلح است. به عنوان خدای باروری او اغلب با یک گراز و حشی فوی تصویر می‌شود و یک شمشیر جادویی را حمل می‌کند که آنقدر قوی است که می‌تواند خودش یا غول‌های آدم‌خوار بچند و آنها را بکشد.

▲ داگر^{۲۷}

خدای نروژی روز و پروردگار نور است. داگر اسب نر سفید درخشانش یعنی اسکینفاکسی^{۲۸} را هر روز در سراسر آسمان‌ها می‌راند و پال درخشان اسب می‌تواند تمام زمین را در پایین روشن کند. دوره روز و شب با تولد او از ایردیانوی شب یعنی نوت^{۲۹} آغاز می‌شود.

▲ بالدِر^{۲۸}

او در برابر مرگ حفاظت شده و مصون است به جز در برابر گیاه دارویش یا شیرینک. بالدِر بعد از این که «لوکی»^{۲۹} حقیقتاً برادر بالدِر را ترغیب کرد تا از این گیاه نیزه‌ای بسازد. به دست برادر کشته شد. مرگ بالدِر نمادی از فناپذیری خدایان نروژی است. اما مظهر او یعنی همیشه سر زنده می‌ماند.

همچنین ببینید:

آب و هوا صص ۳۴-۳۵

درختان مقدس صص ۹۶-۹۷

حقیقت‌آزان، قهرمانان و توت‌های قبیلای صص ۱۵۱-۱۵۰

شیطان و دیوها صص ۱۹۱-۱۹۰

- 1- Mjollnir
- 2- Idun
- 3- Cernunnos
- 4- Brigid
- 5- Morgann
- 6- Rhiannon
- 7- Thor
- 8- Swastika
- 9- Ananrhod
- 10- Cocidius
- 11- Odin
- 12- Valhalla
- 13- Slain
- 14- Asgard
- 15- Yggdrasil
- 16- Sleipnir
- 17- Freya
- 18- Baldr
- 19- Loki
- 20- Dagr
- 21- Skinfaxi
- 22- Nott
- 23- Frigg
- 24- Tyr
- 25- Fenrir
- 26- Freya



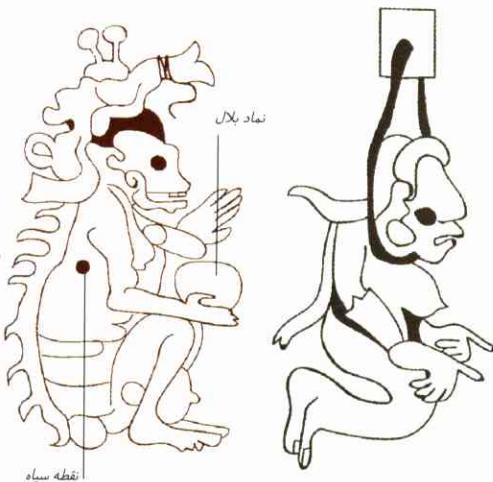
خدایان آمریکای جنوبی و مرکزی

قاره گسترده آمریکا با تنوع آب و هوا و مناطق، خدایان و فرهنگ‌های زیادی را پرورش داده است. مایاهای بزرگ، ازتک‌ها و امپراتوری‌های اینکای آمریکای جنوبی و مرکزی شکل گرفتند و پادشاهی‌های ثروتمندی که اهرام و معابد بزرگشان نمایش غنی‌ای از نمادپردازی را ارائه می‌دهد.

این فرهنگ‌ها تحت تسلط کیش‌هایی بودند که در آن‌ها مردم، خشم بسیاری از خدایانشان را با قربانی‌های انسانی و حیوانی آرام می‌کردند، چون تصور می‌کردند که ریختن خون به زمین برای تجدید حیات و برقراری نظم در طبیعت امری ضروری است.

خدایان مایایی

تمدن مایاهای بزرگ در آمریکای مرکزی بین ۹۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد به شکوفایی رسید. مایان‌ها نظام نگارش با استفاده از نمادها و تقویم‌ها و نقشه‌های اخترشناسی پیچیده را بسط دادند. شهرهایی نظیر تئوتی هوآکان^۱ با هرم‌هایی که دلالت بر ماه و خورشید داشت، به مانند عالم صغیری از جهان ساخته شدند. خدایان مایایی شامل خدایان عناصر، غلات، تولد و مرگ بودند که به وسیله ویژگی‌های گوناگونشان شناخته می‌شدند.

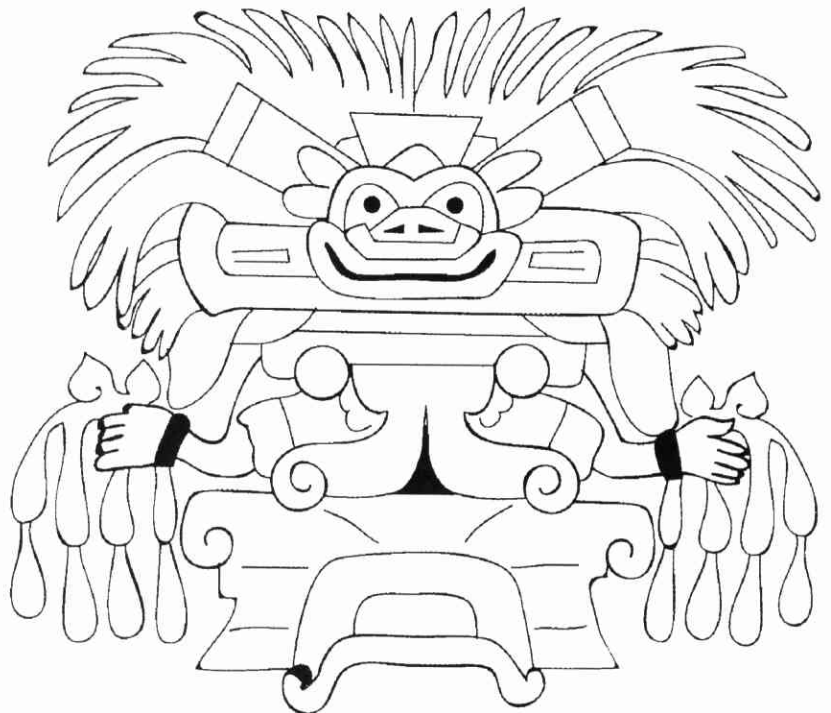


▲ خدای مرگ

شکل اسکلتی بوم سمبل^۲ نمادی از نقش او به عنوان خدای مرگ است. نقاط سیاه به معنی تجزیه و از هم پاشیدگی است. تزئینات او از استخوان‌ها ساخته شده و او نمادی را برای ذرت و بلال در دست دارد که نشانگر تجدید حیات و تولد مجدد است.

▲ ایزدبانوی خودکشی

او را با نام ایکس‌تیب^۳ می‌شناسند. این ایزدبانوی خودکشی همیشه در حالی تصویر می‌شود که با طنابی اطراف گردنش، خود را دار می‌زند. او پرستیده می‌شد زیرا مایاهای تصور می‌کردند که اگر شخصی جان خود را بگیرد به مسیر بهشت خواهد رفت.



▲ کوکولکان^۴

به عنوان «افعی بردار» شناخته می‌شود. زیرا او نیمه مار رنگی و نیمه تروگن (مرغ رنگارنگ بومی آمریکای مرکزی و جنوبی) است. کوکولکان خدای خالق است که دنیا را بعد از ویرانی مرمت کرد. مار نمادی از زمین و پرنده نمادی از آسمان و الوهیت است. ازتک‌ها کوکولکان را کترالکوانل^۵ می‌نامیدند.

▲ زن عنکبوتی

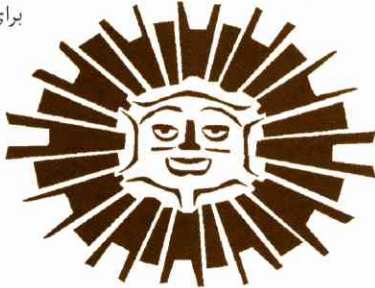
ایزدبانوی مایایی دنیای زیرین که پوشش سر مفصلی دارد. او گاهی از صفحه و پوششی بر روی بینی استفاده می‌کند که بینی و دهان او را می‌پوشاند و نمادی از تغییر شکل او به عنکبوت است. چکدن آب از دست‌هایش به معنای ارتباط او با آب است.



خدایان اینکا

اینکاهای پرو بین سال‌های ۱۱۰۰ و تسخیر اسپانیایی‌ها در دهه ۱۵۳۰ مهم و برجسته بودند. آنها مردمی جنگ‌طلب بودند و بنابراین خدایان سنگدلی داشتند از جمله اینتی^۱ که قربانی‌های انسانی و حیوانی نمادین بسیاری را طلب می‌کرد. گویا حاکمان اینکا تجسم مجدد خدای خورشید بودند.

خدایان آنها به عنوان وسایلی برای ترساندن و مهار مردم مناطق فتح شده به کار می‌رفتند. اما آنها خدایان شکست‌خوردگان را نیز اتخاذ کردند نظیر پاچاکاماک.



اینتی

به عنوان خدای خورشید، به صورت نمادین به صورت صفحه‌ای درخشان با صورتی انسانی که به وسیله پرتوها احاطه شده است، نشان داده می‌شد. از او به خاطر قدرت زیادش می‌ترسیدند و تصور می‌کردند که گرفتگی خورشید نمادی از عصبانیت و طلا به معنی عرق اوست.

پاچاکاماک^{۱۱}

خدای زمین‌لرزه و آتش مربوط به پیش از دوره اینکا است که در اینجا بر چوب حک شده. پیوند او با کشاورزی به وسیله چوب‌های پیلال بر پیراهن بلندش اعلام می‌شود.

ویراکوچا^{۱۰}

خدای طوفان، خالق و خورشید بیش از اینکا که تصور می‌شود نمایشگر اینکا از کوکولکان باشد. او معمولاً به مانند مرد کوچکی با هاله‌ای در اطراف سرش تصویر می‌شود که نمادی از خورشید است و صاعقه را در دستانش حمل می‌کند که نمادی از نقش او به عنوان خدای طوفان است.

همچنین ببینید:

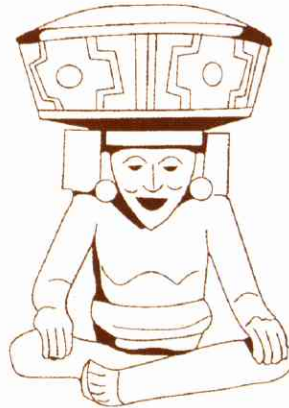
آتش صص ۳۱-۳۰

حیوانات افسانه‌ای صص ۷۴-۷۷

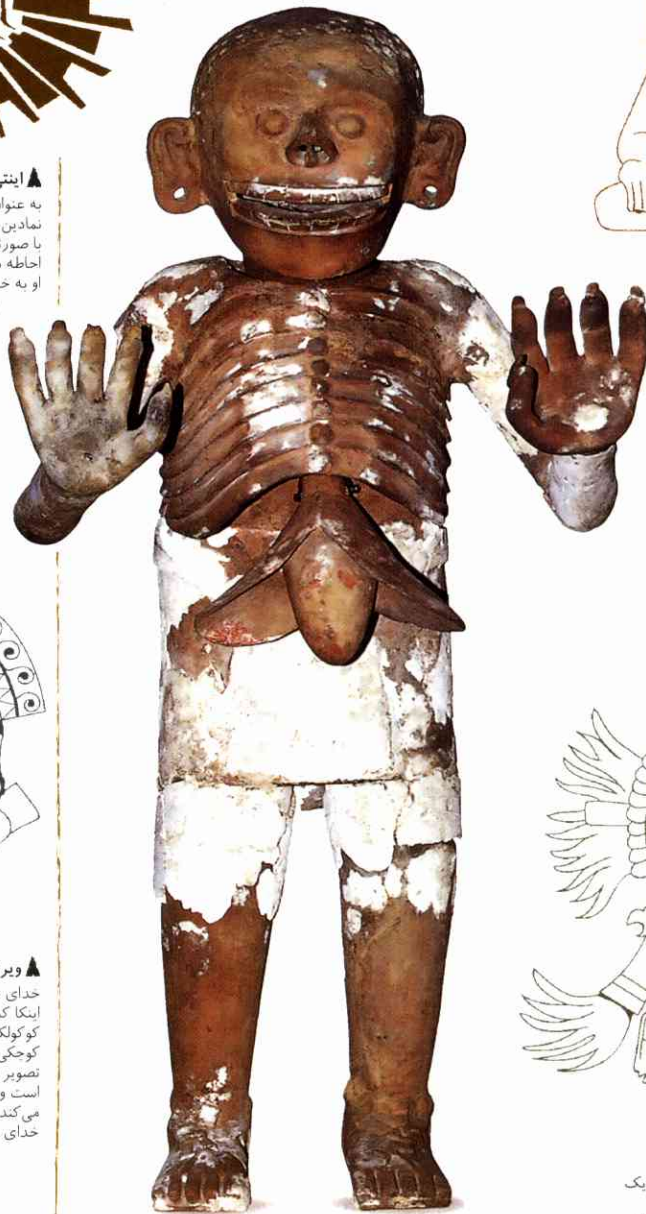
نگارشی تصویری صص ۳۰۵-۳۰

خدایان ازتک

بعد از این که مایاها سقوط کردند، ازتک‌ها به تدریج در آمریکای مرکزی بعد از مایاها قدرت را در دست گرفتند. امپراتوری آنان سلسله مراتبی بود و طبقه جنگجو حاکم بودند. در میان سایر خدایان دیگر، خدایان جنگ، مرگ و آتش برجسته بودند. این خدایان شبیه به خدایان مایایی پیش از خود، ویژگی‌های مادی یا زیورهای داشتند که نمادی از نقش آنان بود.

هوتن هوتن توتول^۶

خدای آتشی است که معمولاً به صورت پیرمرد ریشداری تصویر می‌شود که بر روی سر خود منقل عودی دارد که نمادی از آتشی‌های آتش و قربانی است. او مقام ریاست را به عهده داشت.

هویتز یلوپوتلی^۷

خدای خورشید و جنگ که مانند یک جنگجو تصویر می‌شود. او پوشش سری از پره‌های مرغ مگس‌خوار دارد که نمادی از جنگجویان کشته شده هستند. سری از پره‌های عقاب در یک دست دارد که نمادی از روح جهانی و نور است و چوبدستی شبیه به مار در دست دیگرش دارد که به معنی باروری زمین است. معبد اینکاسا بود که نمادی از جنگ است.

میکتلان تکتولی^۸

خدای ازتکی مرگ که معمولاً به مانند اسکلتی با چشم‌های خیره و دندان‌های

- 1- Teotihuacan
- 2- Ixtab
- 3- Yum cimil
- 4- Kukulkan
- 5- Quetzalcoatl
- 6- Huehueteotl
- 7- Huitzilopochtli
- 8- Mictlantecuhtli
- 9- Inti
- 10- Viracocha
- 11- Pachacamac



[اجداد]

حمایت می‌کنند و برای آنها به معنی مفهومی از الوهیت و اتحاد هستند. به همین دلیل، مردم پیشکشی‌هایی را به اجدادشان تقدیم می‌کنند و تصاویر آنها را در موضوعات آئینی نظیر ماسک‌ها قرار می‌دهند تا آنها را آکنده از توانمندی حفاظت قرار دهند. در بعضی کشورها اجداد مومیایی می‌شوند در صورتی‌که در کشورهای دیگر، نام آنها از نسلی به نسل‌های بعد می‌رسد. آنها نمادی از قدرت هستند، برای مثال ادعا می‌شد که فرعون‌های مصری از نسل خدایان هستند.

در بسیاری از بخش‌های دنیا، اجداد مورد احترامند و حتی خدا دانسته می‌شوند. تصور می‌شود که آنها بر اخلاف خود نظارت دارند و از آنها



مومیایی چیمو^۱
بقایای یک انسان، نماد قدرتمندی از خویشاوندی است. قوم چیمو در پرو بقایای مومیایی اجداد خود را در اتاق‌های مقدسی نگاه می‌دارند و آنها را در طول جشن‌ها و آئین‌ها به بیرون می‌آورند.



► تیرک‌های بیسج

قوم آسمات^۵ از گینه نو این تیرک‌های بیسج را برپا می‌سازند که حکاکی شده از چهره‌های اجداد است. برآمدگی در کنار تیرک یا تجمن^۶ به معنای «آلت مردانه» است و دلالت بر باروری دارد. این تیرک‌ها نماد قدرتمند حفاظت هستند و در آئین‌های مرتبط با شکار سر و حاصلخیزی غلات استفاده می‌شوند.

تکریم اجداد

از نظر بسیاری از اقوام، احترام به اجداد و نیاکان یک فرد، بخشی از پذیرش ساختار و سنت‌های جامعه اوست. آنها نماد وقایع گذشته و قدیمی گروه‌های خاصی از مردم هستند و با تکریم آنان، اخلافتان، جایگاه آنها را در جامعه و باورشان را به ارزش‌هایشان تایید می‌کنند که به وسیله اجدادشان حمایت می‌شود.

► ماسک زئیری^۲

از نظر قوم کوبا^۳ در زئیر ماسک‌های غلفی دامن‌دار، نظیر این ماسک، نمادین بوده و نشانگر ارواح اجدادشان هستند. پسرها در گذشته در طول مراسم تشرف به اجدادشان معرفی می‌شدند. با خریدن در بین باهای رقصندگان، این پسر به عنوان یک مرد با خاستگاه‌های قبیله‌اش پیوند می‌خورد.



کنفوسیوس

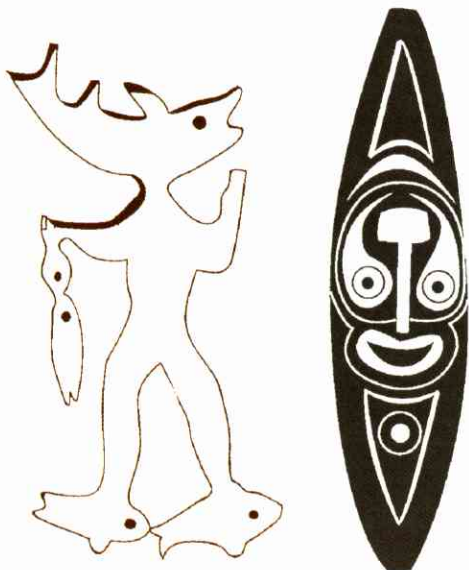
کنفوسیوس که در قرن ششم قبل از میلاد زندگی می‌کرد برای بسیاری از چینیان، نماد ارزش‌های چین قدیم است. معلمی بزرگ که اصول اعتقادی مبتنی بر پادشاهی و وظیفه نسبت به والدین، خانواده و دولت را مطرح کرده است. با تأکید بر وفاداری به خانواده، کنفوسیوس بر اهمیت اجداد که از پیش در چین مطرح بود، اصرار دارد. تصویر او در بسیاری از معابد خانگی قرار دارد و در برخی معابد دینی پرطرفدار در کنار اجداد خانواده و طایفه قرار می‌گیرد.





از تبار حیوانات

برخی گروه‌های انسانی بر این باورند که از تبار یک حیوان یا نیایی که بخشی از او حیوان است، هستند. به همین دلیل، چنین مردمی با دنیای حیوانی احساس وابستگی دارند. کیفیات نیای مخلوق از نظر نمادین مهم است. به همین ترتیب یک پرنده ممکن است به معنی نزدیکی با خدایان یا اشتیاق و علاقه به شهود باشد و حیوانات نیز نشانگر دلیری، قدرتمندی یا مخفی کاری هستند.

▲ منولو^{۱۲}

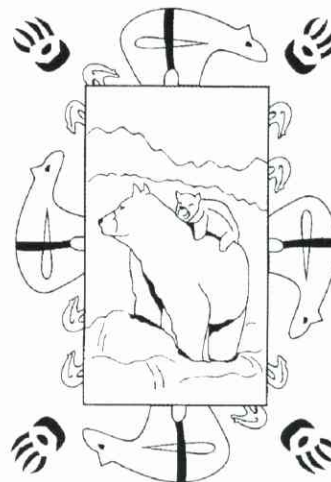
برخی جزیره‌نشینان جزیره سلیمان (در اقیانوس آرام جنوبی) خدا کوسه‌ای را تکریم می‌کنند که مدعی‌اند از تبار او هستند. او نماد دریاست که آنها به آن وابسته‌اند و نشانگر سرعت، وحشیگری و زیبایی است. چون منولو یک جد و نیاست و جزیره‌نشینان کوسه را شکار نمی‌کنند.

▲ لاک‌پشت

قوم الما^۱ بر این باورند که از تبار یک لاک‌پشت غول‌آسا هستند که دریا او را در زمانی بسیار دور به پابوی جنوبی رساند (در اقیانوسیه، گینه‌نو). این ماسک آئینی که سمس^{۱۱} نامیده می‌شود تصویر روح هیولای دریا را دارد که دلالت بر این مسافرت دارد.

▲ دخان^۸

بومیان استرالیایی قوم کبی^۹ ادعا دارند که از تبار دخان یا افعی غول‌آسایی هستند که نمادی از آفرینش است. دخان اغلب به مانند رنگین کمانی تصویر می‌شود که شکلی است که او در ضمن سفر بین لانه‌هایش به خود می‌گیرد.



▲ خرس

قوم میک مک^۶ در آمریکای شمالی ادعا دارند که از تبار یک خرس هستند. حیوانی که نماد قدرتمندی، دلیری و شروع مجدد است. در ضمن اسطوره‌ای از دختری سخن به میان می‌آورد که با مرد جوانی ازدواج کرد و فهمید که دهکده آن پسر، دهکده خرس‌هاست. او خرس‌های دوقلویی به دنیا آورد که می‌توانستند تغییر شکل دهند.

از تبار خدایان

اغلب حکومت‌ها نامشان را به خدایی پیوند می‌دادند و برخی ادعا داشتند که مستقیماً از تبار خدایان هستند تا به عنوان حاکم، مشروعیت خود را تثبیت سازند، چون تبار الهی حاکی از شان خداگونه است و به عنوان بازدارنده‌ای برای بسیاری از مدعیان است. از تبار یک خدا بودن، همچنین نمادی از شان حاکم به عنوان واسطه‌ای بین آسمان و زمین یا خدایان و انسان‌هاست. این حاکمان و روحانیون هستند که خواست خدایان را تفسیر می‌کنند.



▲ اوزیریس و ایزیس

فرعون‌های مصری ادعا داشتند که از تبار اوزیریس و ایزیس هستند چون هر دوی آنها نماد تولد مجدد و شروع دوباره بودند و این ادعا، باور فرعون را که برای همیشه حکومت خواهد کرد، تحکیم می‌بخشید. ایزیس هم نمادی از مادر فرعون بود. در اینجا او صفت‌های خورشیدی بر سر دارد که نمادی از خورشید است.

▲ موآی^{۱۳}

موآی‌ها شخصیت‌های سنگی و غول‌آسای جزیره ایستر^{۱۵} (در اقیانوس آرام جنوبی) متعلق به کشور شیلی هستند که رو به داخل جزیره دارند و بر مردمشان نظارت می‌کنند. آنها نشانگر نمادین اجدادی هستند که رئیس بودند و تصور می‌شود مستقیماً از تبار خدایان هستند. آنها مشتمل بر حدود ۹۰۰ موآی در جزیره می‌شوند. بر روی سر تعداد کمی از آنها سبک قرمزی قرار دارد که شاید نشانگر پوشش سر باشد.

▲ آماتراسو^{۱۴}

امپراتور ژاپن، نیای خود را به آماتراسو یا ایزدانوی خورشید می‌رساند. آنها از او نوردهی را که نماد خورشید است، دریافت می‌کردند. تا امروز هم با امپراتور با احترامی رفتار می‌شود که معمولاً با رفتار با خداساز کاری و همخوانی دارد.

همچنین ببینید:
خورشید، صص ۱۶-۱۷
پستانداران صص ۵۳-۵۵
خزندگان و دوزیستان صص ۶۴-۶۵

سر به عنوان نشان پیروزی صص ۱۱۰-۱۱۱
خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹
رواپردازی صص ۱۵۲-۱۵۳

- 1- Chimu
- 2- Zaire
- 3- Kuba
- 4- Bisj
- 5- Asmat
- 6- Tjemen
- 7- Micmac
- 8- Dhakhan
- 9- Kabi
- 10- Elema
- 11- Semese
- 12- Menolo
- 13- Amaterasu
- 14- Moai
- 15- Easter



ارواح طبیعت

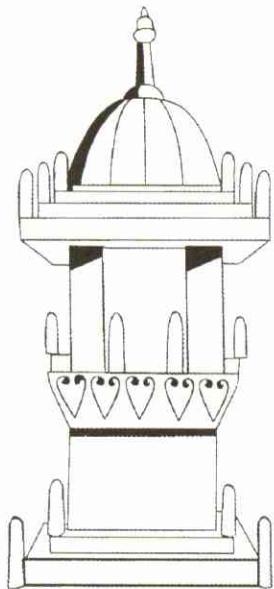
قرار می‌گیرند در صورتی‌که در آمریکا، عروسک‌های نمادین یا شخصیت‌های کوزه‌ای و سفالی ساخته می‌شوند. برای بسیاری، ارواح طبیعت در گذشته دور مقدس بودند اما برای دیگران، آنها هنوز هم زنده‌اند، معابد کنار جاده در مناطق بسیاری دیده می‌شود و برای مثال ارواح طبیعت بخش اصلی شینتوی ژاپنی است.

تقریباً در همه کشورها، ارواح طبیعت به طور همزمان مورد احترام بوده‌اند و آنها نمادی از ماهیت رودخانه‌ها، دریا، کوه‌ها، درختان و حیوانات هستند و از آنها درخواست حفاظت و شانس و اقبال خوب می‌شود، با ادای احترام می‌توان عصبانیت آنها را فرونشاند. در آفریقا، ارواح طبیعت با پوشیدن ماسک‌هایی در طول رقص‌های آئینی مورد توسل



کاجینا^۲

شبهه به آبوها، کاجیناها هم ارواح طبیعت هستند که در مناطق کوهستانی مرتفع زندگی می‌کنند. قوم سرخپوست هویی از او تقاضای بارانی را دارند که علائشان را از بین نبرد. این عروسک نشان‌دهنده مرد ابیری است. شکل‌های نیم دایره‌ای سفید و سیاه بر روی سر او به معنای باران است. اغلب چنین عروسک‌هایی بر روی ردای خود، نمادهای تی شکل سیاهی دارند که به معنای ابر است.



ناتس و فی^۱

معبدی‌های کنار جاده در برمه و تایلند ارواح را احترام می‌نهند که به ترتیب ناتس و فی نامیده می‌شوند. معابد معمولاً در مکان‌های خطرناک دیده می‌شوند شامل قتلگاه‌های تصادف خیز، یا درست کردن بیشکشی‌های نمادین در این معابد، مسافران با امنیت خاطر جاده را تا مقاصد گوناگون خود طی می‌کنند.

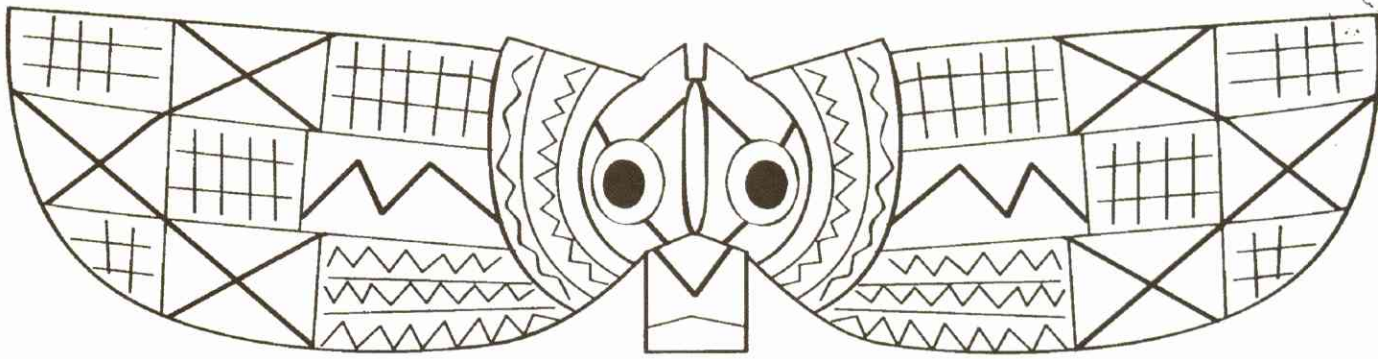
زن روح از برمه

گاهی اوقات زنان و مردان در تملک روحی درمی‌آمدند که زمام امور زندگی آنها را در دست می‌گرفت و با آنها «ازدواج» می‌کرد. نیروهای روح، آنها را به اعمالی وا می‌داشتند که دوشان آنها بود و به روش‌های شهوت پرستانه و غیرقابل بدبیش عمل می‌کردند و مرتباً می‌رقصیدند که شاید نمادی از جنبه وحشی شخصیت آنان در جامعه مرسوم و متعارف نباشد.

آبوا^۳

آبوها یا «بروردگاران» خدایان نگهبان هستند که در قله‌های کوه آند ساکن هستند. آنها معمولاً مذکرند و مقدس و قدرتمند در نظر گرفته می‌شوند. بیشکشی‌هایی از انشای طبیعی که در کاغذ سفید پیچیده شده و دسیاچوس^۴ نامیده می‌شود به آبوها تقدیم می‌شود و نمادی از عشق و علامت پیوندهای ما با همه چیزهای دیگر است.

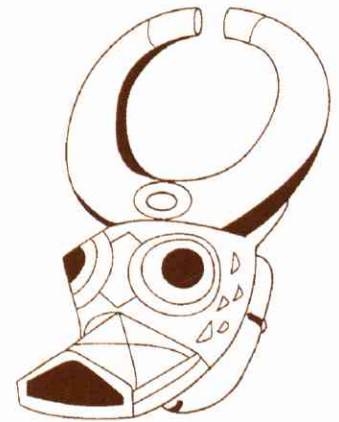
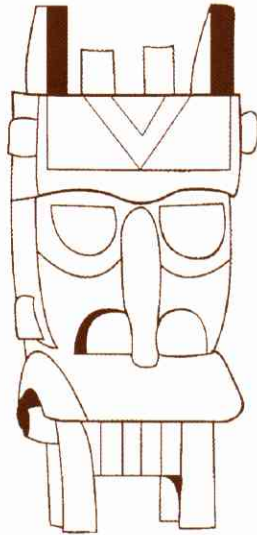


▲ روح در حال پرواز بوا^۱

این ماسک از بورتینافاسو برای درخواست حفاظت از باز یا قوش است که پرندهای آسمانی و خورشیدی است. خط‌های زیگزاگ نمادی از مسیر اجدادند و الگوها و شکل‌های شطرنجی به معنای معرفت و غفلت. و نور و تاریکی است.

► روح آب

این ماسک اسب آبی متعلق به منطقه دجما^۲ در نیجریه است و نمادی از روح آب است و این باور وجود دارد که به معنی درستی و درستکاری است. این ماسک در رقص‌های آئینی در جشن‌های سالانه استفاده می‌شود تا برای مردم باروری را به ارمغان بیاورد.



▲ روح فیل

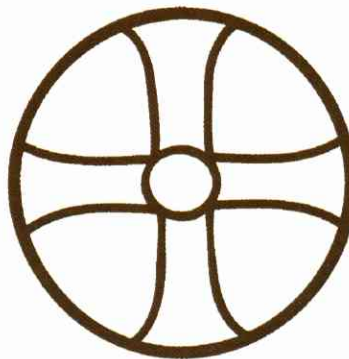
وقتی در رقص مقدس از این ماسک‌ها استفاده می‌شود، می‌توانند روحی را فعال کنند و تشخیص بدهند. اگر چه در نیجریه برای مدتی قبلی وجود نداشت، اما ماسک‌های تصنعی شبیه به این، خیلی زیاد ساخته شد که قدرت‌های مقدس روح فیل را تسخیر می‌کرد و هنوز هم برای اهداف آئینی ساخته می‌شود. ماسک نشان داده شده در بالا به عنوان نماد زشتی و بی‌ریختی استفاده می‌شود.

▲ روح بوفالو

بوفالو در میان قوم نونا^۳ از بورتینافاسو، نماد قدرت و توانمندی است. روح حافظ و سعادت‌بخش این حیوان به منظور ورود بر شخصی که در طول رقص‌های مقدس از این ماسک استفاده می‌کند، فراخوانی می‌شود.

◀ آندین^۴

آندین‌ها ارواح آب اروپایی هستند که شبیه به پریان دریایی‌اند ولی در شکل انسانی. مخلوقات بی‌نهایت زیبایی هستند که با جریان آب حرکت می‌کنند و نمادی از یادآوری نیروهای خلاقه آب به شمار می‌روند.

▲ الف‌ها^۵

الف‌ها ارواح طبیعت هستند که در افسانه آلمانی و نروژی در جاهای، چشمه‌ها و جنگل‌ها زندگی می‌کنند. آنها به صورت متنوعی در اسطوره‌شناسی نروژی توصیف شده‌اند. مثلاً این که الف‌ها نورانی و فرشته‌ای با این که پوست تیرهای دارند و شبیه کوتوله‌ها هستند. نماد صلیب الف برای حفاظت در مقابل الف‌های تیرنگ‌باز استفاده می‌شود.

◀ گنوم^۶

واژه «گنوم» احتمالاً مشتق از یونانی genomos به معنای «ساکن زمین» است. نقل شده که گنوم‌ها، نگهبان گنجینه‌های اعماق زمین هستند. پس نمادی از باروری، حفاظت و اقبال خوب هستند.

- 1- Apu
- 2- Despachos
- 3- Kachina
- 4- Nats and phi
- 5- Bwa
- 6- Nuna
- 7- Gnome
- 8- Elves
- 9- Degema
- 10- Undine

همچنین ببینید:

آب و هوا صص ۳۴-۳۵
حقه‌بازان، قهرمانان و توت‌های قبیله‌ای صص ۱۵۰-۱۵۱
تائوایسم و شینتو صص ۱۷۰-۱۷۱
تعوندها صص ۱۹۴-۱۹۵
ماسک‌ها صص ۲۷۰-۲۷۱

حقه‌بازان، قهرمانان و توتم‌های قبیله‌ای

هر فرهنگی در اسطوره‌شناسی خود شخصیت‌هایی

را دارد که به نظر می‌رسد آنها به

طرقی بر آن فرهنگ اثر گذاشته‌اند

یا به صورت شخصیتی جد و یا نیا.

نجات‌دهنده جامعه از خطر بوده‌اند و

یا این‌که به مردم و جامعه هدایایی

را می‌دهند. گاهی مواقع ممکن است

این شخصیت دو یا تعداد بیشتری از این

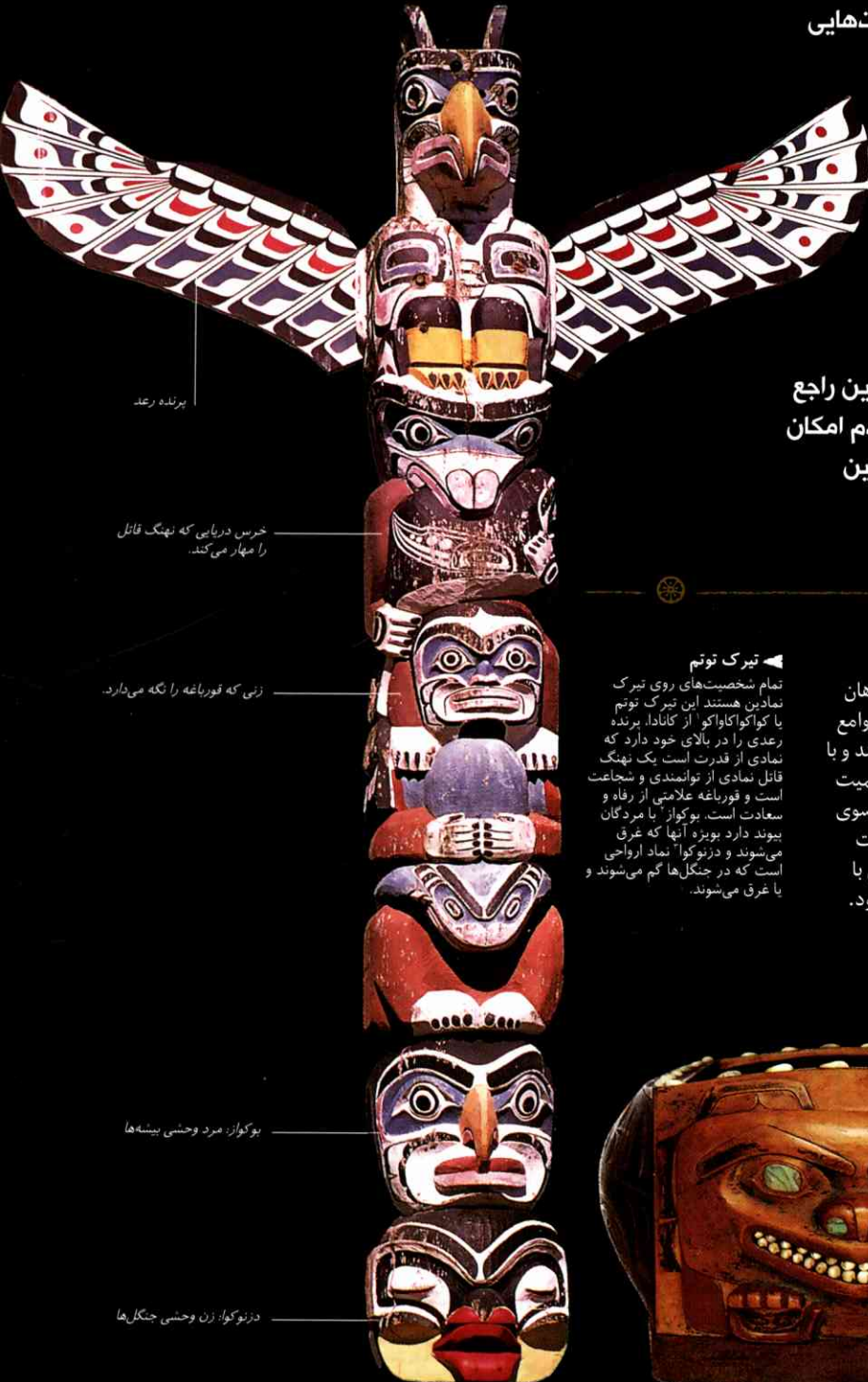
نقش‌ها را ترکیب کند و اغلب برخاستگاه آن

فرهنگ اشاره داشته باشد. داستان‌های نمادین راجع

به این شخصیت‌ها می‌گویند که آنها به مردم امکان

می‌دهند تا آفرینش در دنیا را بیاموزند و اولین

سکنه آن فرهنگ باشند.



پرنده رعد

خرس دریایی که نهنگ قاتل
را مهار می‌کند.

زنی که قورباغه را نگه می‌دارد.

بوکواز، مرد وحشی بیشه‌ها

دزنوکوا، زن وحشی جنگل‌ها

تیرک توتم

تمام شخصیت‌های روی تیرک
نمادین هستند این تیرک توتم
یا کوآکواکاواکوا از کانادا، پرنده
رعدی را در بالای خود دارد که
نمادی از قدرت است یک نهنگ
قاتل نمادی از توانمندی و شجاعت
است و قورباغه علامتی از رفاه و
سعادت است. بوکواز یا مردگان
بیوند دارد بویژه آنها که غرق
می‌شوند و دزنوکوا نماد ارواحی
است که در جنگل‌ها گم می‌شوند و
یا غرق می‌شوند.

توتم‌های قبیله‌ای

اجداد حیوانی معمول‌ترین توتم‌ها هستند اما بعضی از گیاهان

هم مقدس در نظر گرفته می‌شوند. مشخص شده که در جوامع

صیادی، توتم‌های قبیله‌ای، نمادی از جامعه‌ای خاص هستند و با

ابهت در نظر گرفته می‌شوند و اعضای جامعه برای آنها اهمیت

آئینی قائل هستند. در برخی فرهنگ‌ها، اجداد حیوانی به سوی

تیرکی از توتم تمایل یافته‌اند که دلالت بر خاستگاه و ماهیت

جامعه دارد. کشتن یک حیوان توتم، تابوست زیر آن حیوان با

مردم ارتباط دارد و به عنوان یک برادر در نظر گرفته می‌شود.



خرس

خرس که نمادی از
قدرتمندی، حفاظت و
شیرینی و خوبی حقیقت است.
در بسیاری از فرهنگ‌ها، حیوانی
مقدس است. در آمریکای شمالی
این حیوان نگهبان جهت غرب
است و برخی از قبایل سرخپوستان
نظیر انااناک یک خرس توتم
دارند.

▲ چی وارا^۱

چی وارا ای آنتلوب (نوعی چهار پا شیه گوزن) به قوم بام بارا^۱ در مالی کشاورزی را اعطا کرد. غرش سم‌هایش حاکی از آمدن باران و نمادی از حاصلخیزی است.



▲ زن بوفالوی سفید

در فرهنگ سرخپوستان آمریکایی، بوفالو حیوان پراهمیت و نمادی از قدرت و توانمندی است که می‌تواند غذا و پوست است. بوفالوی سفید مقدس در نظر گرفته می‌شد و حاکی از دعاها و مستجاب است. زن بوفالوی سفید، قهرمان فرهنگی قوم لاکوتا^۲ است که برای آنها جیق آئینی مقدس را آورده است که نماد مهم فرهنگ آنهاست.

▲ لویی^۳

لویی یا حیل‌گر، قهرمانی ایزلندی است که نماد زیرکی است و به عنوان «مخترع کلاهبرداری» شناخته می‌شود. او به خدای ادین نزدیک بود اما از طریق حقه‌ای باعث مرگ پسر ادین یعنی بالدر شد که تجسم بیگناهی، صلح و زیبایی بود.

▲ میمی^۴

میمی ارواح حقه‌بازی هستند که در درون غارها و شکاف‌ها در سرزمین مهم^۵ در استرالیا زندگی می‌کنند. آنها نمادهای فرهنگی‌ای هستند که شخصیت‌های لاغر و باریک و جوب کبریتی دارند. میمی به مردم یاد داد که چگونه صید کنند، جمع آوری محصول کنند و رفتار اجتماعی و آئینی صحیح را بجا می‌آورند.

▲ کایوت^۶ (گرگ صحرایی آمریکای شمالی)

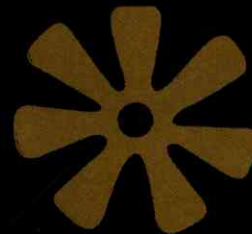
حقه‌بازی مهم در آمریکاست. کایوت نشانه‌ای است که چیزی در شرف اتفاق افتادن است. از نظر قبیله هویی^۷ راه شیری را کایوت خلق کرده است. او سربوش ظرف مهر و موم شده‌ای را برداشت و امکان خلاص شدن ستاره‌ها را به وجود آورد. او همچنین آتش، سیل و شب را به انسان‌ها داد.

▶ ناناپوش^۸

یک قهرمان فرهنگی و حقه‌باز قوم اچیوی^۹ از منطقه دریاچه بزرگ در آمریکای شمالی که نماد فرهنگ آنان است. ناناپوش بعد از یک سیل، مجدداً دنیا را خلق کرد. از ویژگی‌های او گوش‌های بزرگی است که شبیه به گوش‌های خرگوش است.

▲ رنارد^{۱۵} رویاه

حقه‌بازی از فرانسه و بلژیک که نماد حیل‌گری است. او اشرافیت و روحانیت را درست کرد و مضحکه بسیاری از مردم‌های او را به دو گروه هستند و بدین وسیله فریب می‌دهند.

▲ آنانسی^۸

این علامت آفریقای غربی نمادی از تار عنکبوت است و نشان‌دهنده حقه‌باز و قهرمان عنکبوتی است. آنانسی در آفریقن انسان‌ها کمک کرده است.



▲ کلاغ سیاه

یک حقه‌باز سرخپوستی، شناخته شده که نمادی از منشاء و ابتداست. کلاغ سیاه انسان‌ها را در صدفی خوراکی می‌یابد و با استفاده از حقه و کلک به آنها در یافتن غذا کمک می‌کند.

▶ خرگوش برر^{۱۲}

در آفریقای غربی، خرگوش حقه‌باز هنرمندی است که شبیه به کایوت آنش را دزدید تا به انسان‌ها بدهد. او بر کف‌نار نیرنگ‌باز برتری دارد اما او هم دوستی‌ها را می‌شکند و نماد ترس است. به عنوان خرگوش برر با کشتی‌های بردگان به جامائیکا و ایالات متحده مهاجرت کرده است.



▲ سنجاب

در اسکندیناوی، سنجاب حقه‌بازی است که نماد شرارت است. او موجب مشکل بین غقاب و افعی در شاخه‌های سنجاب‌دخت دنیا را ایجاد کرد.

▲ همچنین ببینید^۱

آتش صص ۳۰-۳۱

پستانداران صص ۵۳-۵۵

برندگان صص ۵۸-۶۱

درختان مقدس صص ۹۶-۹۷

خدایان روزی و سستی صص ۱۴۳-۱۴۴

- 1- Kwakwaka'wakw
- 2- Bukwas
- 3- Dzunukwa
- 4- Ouataouak
- 5- Lakota
- 6- Chi wara
- 7- Bambara
- 8- Anansi
- 9- Coyote
- 10- Hopi
- 11- Mimi
- 12- Amthem
- 13- Loki
- 14- Brer
- 15- Renard
- 16- Nanabush
- 17- Ojibway



▲ رویاپردازی انسان

اگرچه برای افراد ناآشنا، این نقاشی انتزاعی است اما نقاشی‌های بومیان سرشار از نمادپردازی است. در اینجا خطوط موجدار به معنای آب‌های جاری است. اثرات یا حکایت از سفر هنرمند از طریق خیال‌پردازی دارد و دایره‌های فشرده و متراکم آب ساکن یا اودوگاه است.



[رویاپردازی]



▲ نقاشی بارک^۱ (نقاشی تشکیل شده از خطوط و شکل‌های ساده که می‌توان آن را تفسیر کرد) ارواح وندجینا^۲ نمادی از ریزش باران و طوفان است. هاله‌های آنها نمادی از آبر و آذرخش است.

بومیان استرالیا. ارتباط منحصر به فردی با خشکی را مطرح می‌کنند و از نظر طبیعی، اخلاقی و معنوی به وسیله نمادپردازی آن چیزی که آنها به آن تحت عنوان رویاپردازی اشاره دارند. با خشکی پیوند می‌یابند.

میراثی غنی

همان گونه که اجداد خلق شده سفر می‌کردند، موسیقی می‌نواختند، می‌خواندند، می‌رقصیدند و داستان می‌گفتند، آنها نقاشی هم می‌کردند و بر روی صخره‌ها و دیواره‌ها کنده‌کاری انجام می‌دادند و این سنت‌ها مکملی برای دین بومیان استرالیا شده‌اند. در بین نمونه‌های باستانی، صخره‌هایی وجود دارند که نقاشی و کنده‌کاری شده‌اند و این باور وجود دارد که آنها آثار خود اجداد هستند یا حداقل ترسیم‌های آنهاست. انرژی این نقاشی‌ها هم همین گونه است یعنی آنها دوباره به صورت آئینی نقاشی می‌شوند تا به صورت نمادین، آزادکننده قدرت معنوی آنها به عنوان شکلی از عبادت باشند. این تصاویر نه تنها نمادی از آفرینش زمین هستند بلکه اشاره به آداب و اصول اجتماعی و اخلاقی دارند که احترامی عمیق برای سرزمین بنا نهاده شده است. هنر باستانی تا امروز زنده در نقاشی بارک، نقاشی بدن، صخره و حکاکی زنده است و از طریق آنها طوایف و قبایل مختلف، تفسیر خودشان را از رویاپردازی پرورش دادند.



▲ نقاشی پرتو ایکس

سنتی دیرینه به صورت نقاشی پرتو ایکس که در آن ساختارهای درونی حیوانات و مردم قابل دیدن می‌شود و بر روی صخره‌ها یا دیوار غارها وجود دارد. این نقاشی‌ها احتمالاً اهمیت آئینی دارند.

ارتباط نمادین

تقریباً تمام هنر رویاپردازی، سرزمین را مطرح می‌کند و شامل نمادهایی است که شکل طبیعی را نشان می‌دهند که شامل خطوط شکسته برای باران، خطوط منحنی برای رنگین کمان، اثرات پا برای سفر، ردپای حیوانات برای حیوانات گوناگون، یک بیضی برای سپر و حفاظ، و دایره‌های فشرده برای اردوگاه یا گودال آب است. برای هزاران سال، چنین هنری تجلی خارجی تمرکز هنرمند بر سرزمین یا رویاپردازی فردی اوست و نمادی از پیوند قوی بومی استرالیایی با گذشته اجدادش است.

توصیف کیهان و اسطوره‌هایی که با رویاپردازی‌ای ارتباط دارند که برای خود نمادپردازی غنی دارد، چهارچوب عقیدتی را برای زندگی هماهنگ با طبیعت ارائه می‌دهند. فقط یک رویاپردازی وجود ندارد بلکه شبکه‌ای پیچیده از رویاپردازی‌ها وجود دارد که به مکان‌ها، گروه‌ها و افراد تعلق می‌یابد.

خاستگاه‌های اجدادی

بر طبق افسانه‌ای متعلق به بومیان استرالیا، رویاپردازی نمادی از زمانی است که اولین موجودات اجداد بر روی زمین خلق شدند و از سرزمین بدون مشخصه و بی‌شکل به ظهور رسیدند و شروع به سفرهای دور و وسیع کردند. مناظر را شکل دادند و شکل و چهره را خلق کردند. آنها قادر بودند تغییر شکل دهند، پس برخی انسان و برخی دیگر تبدیل به حیوانات، درختان و غیره شدند. به محض این که کار آنها انجام شد، این موجودات به عنوان ابر یا اقیانوس به خشکی برگشتند و یا این که فقط استراحت کردند و یا در زیر سطح زمین به صورت خاموش و بالقوه ماندند. امروزه ویژگی‌های طبیعی خشکی نمادی از فعالیت این اجداد است، یک ورودی غار دلالت بر سوراخی دارد که اجداد از آن به ظهور رسیدند، کوه‌ها و رودخانه‌ها به معنای مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که با مسافت اجداد شکل گرفتند. خشکی یا «سرزمین» برای بومی استرالیایی، مسئله اصلی باقی ماند که می‌تواند احساس کند، بشنود، بپوید و بترسد و تذکری دائمی از خاستگاه‌های او باشد. قلب نمادین این چشم‌انداز اسطوره شناسانه الورو^۳ (یا صخره آیرس) است. (در مرکز استرالیا)



► نقاشی بدن

نقاشی بدن مکمل مراسم بومی استرالیایی است که اغلب شامل نمادپردازی است که با موجود اجدادی خاصی ارتباط دارد. همچنین ممکن است به طور مثال برای اشاره به شان و مقام فرد و جایگاه او در جامعه باشد. این نقاشی‌ها توسط بومیان استرالیایی انجام می‌شود.

همچنین ببینید:

حقه‌باران، قهرمانان و توتنم‌های قبیله‌ای
صص ۱۵۱-۱۵۰
شکل‌ها صص ۸۹-۸۴

شمن گرایی

در درون جامعه، پل‌های بی‌نهایت قدرتمند بین دنیای طبیعی و دنیای معنوی هستند. این نقش معمولاً به ارث می‌رسد و آنها لباس‌های متمایزی می‌پوشند. اگرچه خاستگاه مذهب شمنی در سیبری یا مناطق قطبی است اما میانجی‌ها و واسطه‌های مشابهی در هر قاره‌ای وجود دارند.

یک شمن، روحانی سنتی یا رهبر معنوی است که می‌تواند ارواح را مهار کند و سفرهای «خارج از جسم» را به وجود آورد و با استفاده از جادو، موجب معالجه و درمان شود. شمن‌ها می‌توانند از طریق قربانی یا روش‌های دیگر، آینده را پیشگویی کنند که این امر با استفاده از نمادپردازی صورت می‌گیرد. شمن‌ها



مدال‌های فلزی

جفجه

طبل

شمن مغولی

شمن به عنوان تمرکز معنوی جوامع، پیوندی بین مردم و خدایانشان است. طبل نمادی از توازن جهان است و قدرت‌های سحر و جادو دارد. چون ارواح در بین ضربان طبل خانه دارند.

ویژگی‌های اساسی

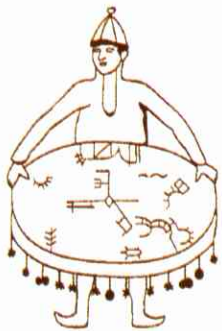
زمانی که یک بچه که معمولاً پسر است، به عنوان شمن احتمالی مورد تایید قرار گیرد، برای این کار تخصیص یافته و تعلیم او شروع می‌شود. این روند چندین سال طول می‌کشد که در طی این زمان، او موضوعات نمادین و آئینی نظیر یک طبل، جفجه، استخوان‌ها و دندان‌هایی را دریافت می‌کند که همه این ویژگی‌ها به او قدرت اضافه‌ای را می‌دهند که این قدرت با فلزی ارتباط دارد که برای این ابزار استفاده می‌شود و با پرندگان و حیواناتی ارتباط دارد که دندان‌ها و استخوان‌هایشان را شمن استفاده می‌کند.

زنگ

شاخ گوزن نمادی از دفاع و حمایت است که در اینجا با زنگ‌ها و پرهایی ترکیب شده تا نمادپردازی و قدرت را افزایش دهند. تصور می‌شد که اشیاء فلزی، انرژی کیهانی در شکل جامد باشند و به معنای قدرت زمین هستند. پرها نمادی از پرواز معنوی هستند و با آسمان‌ها پیوند دارند.

استخوان‌های حیوانی

استفاده از تصاویر یا استخوان‌های حیوان در لباس شمن، به صورت نمادین او را با توانمندی آن حیوان، قدرتمند می‌سازد. آنها همچنین به معنای زندگی، مرگ و تجدید حیات هستند.



طبل جادو

در آئین‌های گوناگون برای پیشگویی آینده استفاده می‌شود. طبل جادو از پوست حیوان ساخته شده است و با حروف الفبای جادویی (رون) علامتگذاری شده است. شمن، حلقه‌ای را تکان می‌دهد و بر روی طبل جادو نمادی از ارواح مددبران مشخص شده، اظهار نظر می‌کند.

پیش‌بند

نماد حیوان و طلسم‌های اجداد بر پیش‌بند شمن، به اقتدار او می‌افزاید و او را در طول آئین‌ها و سفرهای معنوی خطرناک حفظ می‌کند. از نظر برخی از مردم، این اشیاء نمادی از ارواح مددبران هستند.



جفجه

وسایلهای مقدس که برای دور کردن اهریمن به کار می‌رود و بر این باورند که صدای جفجه تمام ارواح اهریمنی را می‌ترساند و همچنین می‌تواند برای تقلید صدای باران در مراسم درخواست باران استفاده شود. جفجه‌ها اغلب با تصاویر نمادین حیوانات یا پرندگان کنده‌کاری می‌شوند تا قدرتمندی آن را افزایش دهند. نظر این کلاغ سیاه و قرنی در سطح داخلی جفجه.



سربند

فقط در طول آئین‌های شمنی استفاده می‌شود و وقتی استفاده می‌شود، نمادی از این آئین‌هاست. سربند شمن ممکن است بر یا بال داشته باشد که نشانه‌ای از سفر معنوی شمن است و یا این که در سربند، پنجه حیوانی باشد که به شمن، قدرت آن حیوان را می‌دهد.

**▲ روح مددرسان اینویت**

از نظر اینویته‌ها، روح مددرسان شمن خرس قطبی است که به دلیل خواب زمستانی و بیدار شدن خرس‌های ماده در بهار یا توله‌های جدید، نمادی از قدرت و رستاخیز است. خرس قطبی یک چهره نیا و جد است و تجسم موجودی متعالی است. در زمان‌های پیش از تاریخ، استخوان‌های خرس به صورت آئینی یا بقایای انسان دفن می‌شد.

▲ روح مددرسان ننت^۲ (قومی در شمال روسیه)

شمن‌های ننت از سبیری در هنگام سفر به دنیای روح، اغلب با گراز نری همراه می‌شوند که نماد قدرتمندی و عنان گسیختگی است.

روح مددرسان

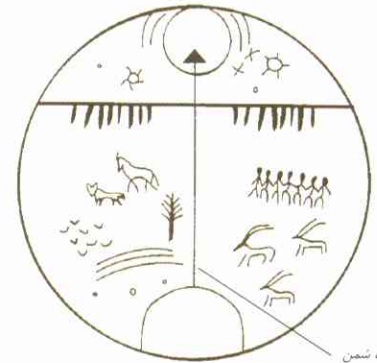
بیشتر شمن‌ها، روح مددرسان دارند که در بین سایر کارها، آنها را در طول سفرهای گوناگونشان به دنیای روح راهنمایی و حفاظت می‌کند. ارواح مددرسان ممکن است حیوان، گیاه یا اجداد قبیله‌ای باشند. خرس یکی از متداول‌ترین ارواح مددرسان است. شاید به خاطر این که نمادی از قدرت و توانمندی زیاد است. نوع خرس با منطقه جغرافیایی عوض می‌شود. برای مثال، شمن‌های اینوئیت^۱ (سکنه قطب شمال) خرس قطبی را به عنوان روح مددرسان می‌شناسند. پوشش سفید رنگ آن نمادپردازی اضافی دارد که علامتی از پاکی است.

**دنیای طبیعی**

شمن‌ها نمادی از زندگی معنوی جامعه‌شان هستند. آنها درک عمیقی از دنیای طبیعی دارند و از گیاهان و حیوانات این دنیا به طرق گوناگون بهره‌برداری می‌کنند. برخی از شمن‌ها تجربیات خارج از جسم را به وسیله استفاده از داروهای توهم‌زا ایجاد می‌کردند نظیر پودر کوهوبا^۳ که هم حاکی از سفرهای به دنیای روح است و هم این توانایی را ایجاد می‌کند. دیگران لباسی از پوست حیوان می‌پوشند تا این سفر نمادین را انجام دهند و یا به عنوان علامت‌های ملموس و محسوس قدرتشان، عصای جادویی پرزرق و برقی را حمل می‌کنند.

**▲ حمل عصا**

شمن یک عصای کنده‌کاری شده یا چوب جادویی را حمل می‌کند که نه تنها نمادی از قدرت است بلکه به معنای مرزها و حدود بین دنیای طبیعی و معنوی است. شمن‌های بتک^۴ از سوماترا^۵ که آنها را با عنوان داتوس^۶ می‌شناسند عصاهایی دارند که حاوی مواد جادویی قدرتمندی به نام یک‌بک^۷ است.



درخت شمن

▲ درخت شمن

شمن‌های پاکوت^۸ (قومی در شمال سبیری) و اوئک^۱ (قوم نژادی در شمال سبیری) به عنوان نمادی از مراقبه، درختی را بر روی طبل جادو ترسیم کردند که از نظر آنها شکل این درخت به شکل درخت دنیاست. ریشه‌ها، ساقه و شاخه‌ها همگی مسیرها و راه‌های به ترتیب دنیای پایین‌تر، میانی و بالاتر را به هم وصل می‌کند و به آن اشاره دارد.

**▲ پودر کوهوبا**

شمن‌های مناطق دریای کارائیب قبل از این که با پرده‌های مددرسان اسطوره‌ای به دنیای روح پرواز کنند، پودر کوهوبا را استنشاق می‌کنند تا به وضعیت خواب‌گونه یا خلسه وارد شوند. در اینجا آنها ارواح مسبب بیماری را تولید می‌کنند تا قربانیانشان را مداوا کنند. تصور می‌شد بر گشت شمن به وضعیت عادی و به تنهایی مواجه شود به عنوان علائم مرئی.

▶ پوشیدن پوست حیوان

شمن‌ها، نظیر شمن سیه با که در اینجا نشان داده شده، اغلب پوست‌های حیوانی معمولاً خرس، گرگ یا بوفالو را می‌پوشند. پوست به شمن این امکان را می‌دهد تا قدرت و پشتیبانی حیوانی را برای ایجاد شود که پوست آن را می‌پوشد. همچنین شمن با هر کسی مواجه شود به عنوان علائم مرئی.

**کلبه رنج و انتظار**

در بین قبایل سرخپوست آمریکایی جلگه‌ها، مراسم کلبه‌ی زحمت و انتظار، آئینی نمادین و مهم در مورد تطهیر و تولد مجدد است. یک کلبه زحمت و انتظار فضایی کوچک و محصور است که از چوب درختان برگ ریز ساخته می‌شود که دلالت بر مرگ و تولد مجدد دارد. این کلبه شامل عناصر آتش، هوا، آب و زمین است. به خاطر تاریکی داخل کلبه، با پاشیدن آب بر روی سنگ‌های داغ، فضایی بخار گرفته ایجاد می‌شود که تصور می‌شد شبیه به وضعیت‌های داخل رحم است و مردم از آن‌جا به صورت نمادین متولد می‌شدند.

**تولد مجدد همیشگی**

مردم در زمانی که به کلبه رنج و انتظار وارد می‌شوند به صورت نمادین می‌میرند و زنده می‌شوند، بعد از گذشتن ساعتی در تاریکی و گرما در داخل کلبه، آنها مجدداً تولد جدید می‌یابند.

همچنین ببینید:

پستانداران صص ۵۲-۵۵

گیاهان صص ۸۰-۸۱

درختان مقدس صص ۹۶-۹۷

مراسم ششرف صص ۱۲۴-۱۲۵

- 1- Rune
- 2- Inuit
- 3- Nenets
- 4- Cohoba
- 5- Batak
- 6- Sumatra
- 7- Datus
- 8- Pukpuk
- 9- Yakut
- 10- Evenk



◀ آغاز

این تذهیب قرن
دوازدهم، آفرینش
دنیا را در طول شش
روز به وسیله خداوند
نشان می‌دهد. ابتدا او
زمین را آفرید، سپس
آب، خشکی و گیاهان،
ستارگان و خورشید،
ماهی و پرندگان و
سرانجام حیوانات و
انسان‌ها را آفرید.



داستان‌های آفرینش



هر فرهنگی داستان‌هایی دارد که در تلاش برای توضیح فعل آفرینش هستند. از نظر بسیاری، آنها روایات دقیق وقایع نیستند اما ممکن است تلقی‌ای از نماد حقیقت عمیق‌تری باشند.



بابلی چنین آشفتنگی را تیامات^۱ نشان می‌دهد که مادر متکبر و پرنخوت خدایان و هیولاهاست و نمادی از آب‌های زیرزمینی است. او را خدای مردوک^۲ کشت و آسمان را از قسمت بالایی بدن او ساخت و زمین را از نیمه پایینی بدن او به وجود آورد. اشک‌های تیامات نشانگر آب‌های رودخانه‌های دجله و فرات است. در بین بسیاری از اسطوره‌های آفرینش هندو، یک اسطوره است که در آن ویشنو بر روی مار آنانتا^۳ دراز کشیده که نمادی از سرمدیت است، در حالی که بر اقیانوس وسیعی شناور است. ویشنو سرچشمه و منشاء برهمناس و او جهان را از آب‌های آغازین می‌آفریند. وقتی رودره^۴ یا جنبه ویرانگر ویشنو ظاهر می‌شود و هر چیزی را نابود می‌کند با فاصله‌ای اقیانوس دوباره جان می‌گیرد. بعدها ویشنوی خالق که آنانتا سایانا^۵ نامیده می‌شود بیدار شده و این دوره تکرار می‌شود.



ایزدبانوی یونانی گایا که نمادی از «مادر زمین» است و صور زیادی او را نیمه برهنه نشان می‌دهند که با طبیعت او را در بر گرفته است و یا حتی از زمین به بیرون می‌آید.

آفرینش توسط یک خدا

اغلب بخش عمده باور دینی این ایده است که وجود قادری دنیا را از عدم خلق کرد، در عهد عتیق، خداوند درست در شش روز دنیا آفرید که نمادی از تسلط بر همه چیز است. یهودیان روز سبت را به عنوان نمادی از هفتمین روز خداوند می‌دانند که او در این روز بعد از فراغت از کار و زحمت آفرینش دنیا، استراحت کرد. آفرینش در دین‌های مایا، اسلام و سیک هم مبتنی بر یک یا چند وجود متعال است که جهان را می‌آفرینند و قبل از آن هیچ چیزی وجود نداشت.



تیامات

این صحنه از لوح‌های آشوری آفرینش است که جنگ تیامات را با مردوک نشان می‌دهد و نماد پیروزی نظم بر آشفتگی است که منجر به خلقت آسمان و زمین می‌شود.

اگرچه خاستگاه‌های بیشتر داستان‌های آفرینش در طول زمان گم شده، اما موضوعاتی مشترک وجود دارند. اغلب در کنار یک داستان آفرینش، داستانی راجع به سیلی بزرگ وجود دارد که این سیل همه موجودات قبلی را نابود می‌کند و حاکی از شروعی جدید است. داستان‌های دیگر، اعمال خدایان، نیمه خدایان و حیوانات را شامل می‌شود که هر کدام اشاره‌های تلویحی نمادین خود را دارند.

اتحاد و تخم

مفهوم «تولد» در داستان‌های آفرینش مطرح می‌شود و اغلب شخصیت‌های نمادین پدر و مادری را در بردارد. برای مثال در اسطوره‌شناسی یونانی، اتحاد ایزدبانوی زمین یا گایا با خدای آسمان یا اورانوس، جهانی را به وجود آورد. آنها بچه‌های زیادی آوردند و در میان سایر چیزها، آنها گیاهان و حیوانات را خلق کردند. موضوع دیگر شکافتن تخم کیهانی است که نمادی از جهان است. خالق چینی پان‌کو^۶ روی چنین تخمی خوابید و ماده را به سوی یین و یانگ نظام‌دهی کرد و همچنین خورشید و ماه، آب و خشکی.

وقتی تخم شکسته شد او در نتیجه زحمت و وضع حمل از دنیا رفت. اسطوره‌های از فیجی^۷ (در جنوب غربی اقیانوس آرام) شرح می‌دهد که چگونه توروکاوا^۸ یا قوش روی دو تخم خوابید و از یکی پسری و از دیگری دختری درآمد و افعی دجی^۹ به آنها یاد داد تا تکلم کنند، آتش بسازند، پخت و پز کنند و غذا را برای آنها آفرید.

شکل گرفتن نظم از آشفتگی

داستان‌های آفرینش گوناگون، هماهنگی را توصیف می‌کنند که به وسیله نیروی قدرتمندی از وضعیت آشفتگی به وجود می‌آید. در اسطوره‌شناسی



پان‌کو

به صورت نمادین بر روی تخمی کیهانی به مدت ۱۸۰۰۰ سال خوابید و جهان را خلق کرد. وقتی تخم شکسته شد او از دنیا رفت و اعضای او همه ویژگی‌ها و شکل‌های طبیعی را به وجود آورد.

همچنین ببینید

زمین صص ۲۴-۲۵
سیل صص ۳۸-۳۹
ازدها صص ۷۸-۷۹
دین هندو صص ۱۵۸-۱۶۱



دین هندو

در دین هندو، خدایان و ایزدبانوان فراوانی در نتیجه ترکیب فرهنگ‌های گوناگون وجود دارد. هر کدام از این خدایان نمایشگر وجوه مختلف برهمن است که او امر جهانی یا کل هستی است. برای مثال ویشنو تجسم حفاظت است و برهما مظهر آفرینش است. برخی از خدایان با حالات معنی‌داری ارتباط دارند نظیر رقص شیوا (یا شیوا ناتاراجا)^۱ و همه این خدایان موضوعات و اشیاء نمادینی دارند. هر خدایی، حیوان مختلفی را می‌راند یا واهانا^۲ (وسیله انتقال) که به معنای اتحاد با طبیعت و تفوق بر امیال حیوانی است.

شیوا

شیوای ویرانگر با آفرینشگری و باروری هم ارتباط دارد و اغلب به شکل یک ستون فالوسی یا لینگا^۳ پرستش می‌شود. او در هیئت‌های بسیاری ظاهر می‌شود نظیر مرتاضی دوره‌گرد، معلم یا رقص. ویژگی‌های او شامل نیزه سه شاخه‌ای است که نمادی از سه نقش او یعنی ویرانگر، آفرینشگر حافظ است.

ازدواج شیوا و پارواتی^۴

همسر شیوا پارواتی است. هر دوی آنها وجوه خشم آلودی دارند اما در اینجا به مانند زوجی عاشق تصویر شده‌اند. ملازمان منتظرند و گاو تر سفید شیوا یعنی ناندی^۵ یا «آن شاد» را می‌رانند که نمادی از باروری است. دست چپ پایینی شیوا در مودرا^۶ (یا حالت) اعطاکننده هدیه است و دست راست پایینی او، دفع‌کننده ترس است.



شیوای بهایراوا^۷

شیوای بهایراوا به عنوان نابودکننده دشمنان، تجلی ترسناک و خشم آلود شیوا است که با فنا ارتباط دارد. در این شکل او اغلب سگی را همراه دارد که حیوانی است که عموماً ناباک در نظر گرفته می‌شود و کاسه‌گدایی را حمل می‌کند که از جمجمه ساخته شده و نماد مرگ است.



شیوای ناتاراجا^۸

در اینجا، در چرخ از آتش، شیوا قیافه رقص ناتاراجا را اختیار کرده است. بخشی از وظیفه الهی او رقصیدن در خارج از روند تولد و تولد مجدد است. موهای پریشان او نشان‌دهنده رودخانه گنگ است در صورتی که او بایش را بر روی کوتوله‌ای که نماد غفلت و نادانی است، قرار داده است.



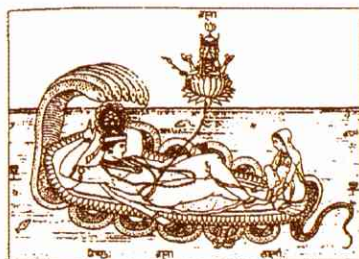
شیوا

با حلقه گل‌های یاس سفید و گل جعفری تزئین شده است. شیوا همچنین در این رُست نشستن. با علامت تیلک^۹ (علامت قرمز روی پیشانی که شکل آن برای فرقه‌های گوناگون، با هم تفاوت دارد) قرمز مسخ شده، گل‌ها و تکریم هستند در صورتی که تیلک علامتی از سعادت و فرخندگی است.



➤ ویشنو

اغلب با پوست تیره‌ای تصویر می‌شود و پیراهن بلند زردی در بر دارد. اشیای مختلفی را در هر دستش حمل می‌کند. صدف حلزونی نماد آفرینش است. نیلوفر آبی نماد آفرینش و پاکی، گرز علامتی از اقتدار و دیسک چرخ وجود یا سرعت تفکر است. یک مار چند سر کیهانی یعنی آنانتا که نشانگر نامحدود بودن و بی‌کراچی است، یا ویشنو ارتباط نزدیکی دارد.



▲ ویشنو آنانتا سایانا

ویشنو را در زمان استراحت بر روی مار آنانتا، همان‌طور که در اینجا نشان داده شده است او را ویشنوی آنانتا سایانا می‌نامند. در آغاز زمان او بر روی اقیانوس شیری رانده می‌شود. خدای برهما در حالی که بر نیلوفر آبی نشسته از ناف ویشنو خارج می‌شود و جهان را از نو می‌آفریند که این آفرینش در هر یک کالبا رخ می‌دهد. (یعنی ۴۳۲۰ میلیون سال)

برهما

اگرچه او خدای خالق است، عبادت و پرستش او کمتر از شیوا و ویشنو رایج است. چهار سر او رو به چهار جهت دارند و نمادی از چهار ودا یا کتاب‌های مقدس هستند. سر پنجم او به وسیله بهاویرا که شکلی از خدای شیواست، قطع شده.



◀ برهما

متفاوت با دیگر خدایان، برهما سلاحی ندارد. در عوض او متن مقدسی را در دست دارد و کوزه‌ای آب که نشان‌دهنده آب‌های حیات است. یک تسبیح که نمادی از چرخه ابدی زمان است و قاشقی برای تطهیر آتینی از قربانی در اختیار دارد. مرکب برهما یک غاز یا قو است.

همچنین ببینید:

عشق و ازدواج صص ۱۲۷-۱۲۴
داستان‌های آفرینش صص ۱۵۷-۱۵۶
کالی و شیوا صص ۱۶۳-۱۶۲

پستانداران صص ۵۴-۵۵
حیوانات افسانه‌ای صص ۷۷-۷۴
باروری و تولد صص ۱۲۳-۱۲۰

- 1- Nataraja
- 2- Vahana
- 3- Linga
- 4- Parvati
- 5- Nandi
- 6- Mudra
- 7- Tilaka
- 8 - Bhairava
- 9- Garuda
- 10- Matsya
- 11- Kumara
- 12- Varaha
- 13- Narasimha
- 14-Vamana
- 15- Parashurama
- 16- Rama
- 17- Krishna
- 18- Kalki
- 19- Ravana
- 20- Hiranyakashipu
- 21- Mandara
- 22- Amrita

ویشنو

در آغاز خدای کوچکی بود. ویشنو به تدریج صعود و جایگاه والایی را کسب کرد و بعدها خودش را در مجموعه‌ای از تجسدها متجلی ساخت. او حافظ جهان و نگاهدارنده نظم موجود است. او به وسیله مشخصه‌هایی قابل تشخیص است از جمله صدف حلزونی، گرز، دیسک و نیلوفر آبی. ویشنوی چهار دست اغلب سوار بر مرد - پرنده گارودا^۱ است.

اوتارهای ویشنو

ویشنو در تلاش برای دفع اهریمن، در تجسدهای گوناگون (اوتاره) بر زمین فرود آمده است تا دیوها را نابود کند و نظم را برقرار سازد. او نه بار ظاهر شد، به عنوان ماهی ماتسیا^۲، لاک‌پشت کورما^۳، گراز وارا^۴، مرد-شیر ناراسیمها^۵، کوتوله وامانا^۶، روحانی جنگجوی پاراشوراما^۷، شاهزاده رام^۸، ازابه‌ران کریشنا^۹ و حکیم بودا. ویشنو هنوز در دهمین تجسد خود ظاهر نشده است که به عنوان اسب کالکی^{۱۰} است.



▲ وامانا

ویشنو در تجسد خود به مانند یک کوتوله، پادشاه بسیار قدرتمند بالی (جزیرای در اندونزی) را میبوهت کرد، به وسیله این ادعا و مسحور کنندگی که او می‌تواند تمام خشتکی را در سه گام خود خای دهد. گام‌های ویشنو کل کره‌مین را در بر گرفت و تقو و تسلط او بر جهان تأیید شد.



▲ رام

معمولاً با پوست آبی و با یک کمان تصویر می‌شود. رام بر اهریمن که به شکل دیو پادشاه راوانا^۱ بود و بر سیاه او (اهریمن) غلبه کرد، رام به صورت گسترده‌ای مورد تکریم و احترام است و در شکل هندوی نامی «رام» به صورت نمادین، وارهاری برای خداوند شده است.



▲ کریشنا

برای بسیاری از هندوان، کریشنا مورد احترام ترین خداوند است که معمولاً با پوست آبی تصویر می‌شود. او ممکن است به صورت یک بچه، یک ارباب‌رمان یا خدایی جوان ظاهر شود. او همچنین حکیمی بزرگ است که در بهکود کیتا، خرد را در صورت عشق و وظیفه بیان می‌کند.



▲ لاک‌پشت کورما

ویشنو به عنوان یک لاک‌پشت، کورما نامدار^۱ را آنکه داشت در زمانی که خدایان و دیوان اقیانوس شیری را متلاطم کردند تا اهریما^۲ یا اکسیر حیات را به دست آورند.



▲ ناراسیمها

ویشنو به عنوان یک مرد-شیر، یک پیشگو را به وسیله دفاع از یک سر میرده و مخلص در برابر پدر متکبرش که پادشاه هیرانکاشیپو بود، شکست داد.



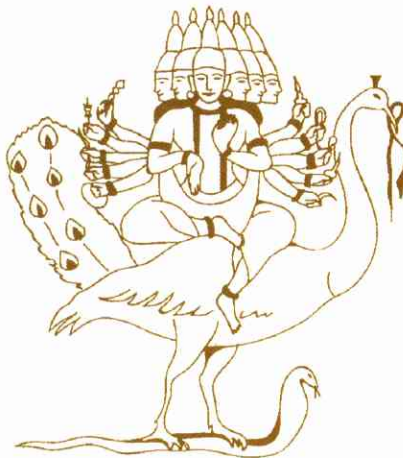
خدایان و ایزدبانوان

خدایان و ایزدبانوان هندی زیادی علاوه بر خدایان ویشنو، شیوا و برهما وجود دارند که در زمان‌های مختلف برای دلایل گوناگون می‌توانند فرخوانده شوند. برای مثال گانشا برطرف‌کننده موانع است، خدایان هر کدام ظواهر متفاوتی دارند که به وسیله آن ظاهر شناخته می‌شوند و هر کدام با ویژگی‌های خاصی همراه می‌شوند که نمادی از قدرت آنهاست. برای مثال، ایزدبانوی لکشمی^۱ با گل‌های نیلوفر آبی و سکه‌هایی تصویر می‌شود، در صورتی که خدای جنگجوی هانومن^۲ سلاح دارد.



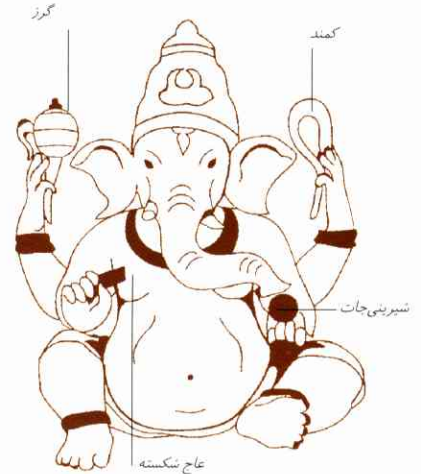
▲ هانومن

نمادی از وفاداری و قهرمانی که در سراسر شبه جزیره هند مورد احترام است. او لباسی قرمز و زعفرانی دارد. یعنی رنگ‌هایی که نمادی از قدرتمندی و قربانی هستند. این میمون جنگجو با اسلحه‌های زیادی تصویر می‌شود. در اینجا او اسلحه‌های محبوب خود را دارد یعنی گادا^۱ یا گرز که اسلحه‌ای الهی است که برای نابودی اهریمن به کار می‌برد. ممکن است او یک کمان، چاق، سنگ یا عصا را حمل کند.



▲ کارتی‌کیا^۲

خدای جنگ که در اینجا در شکل شن سر خود نشان داده شده است. که خدا پسری است که به صورت گوناگون کارتی‌کیا، اسکنده^۳، کومارا^۴ و سایر اهماثیا^۵ شناخته می‌شود او طاووسی را می‌راند که نمادی از تبار پادشاهی او و جاودانگی است و اسلحه‌هایی را حمل می‌کند شامل تیر کوچک، نیزه و شمشیر تا با قدرت‌های اهریمنی بجنگد.



▲ گانشا

خدای فیل سر گانشا اغلب عاج شکسته خودش را در دست دارد که با آن می‌نویسد و کاسه‌ای از شیرینی‌جات در دست پایین‌ترش دارد. او در دست‌های بالایی خود یک کمند دارد که نمادی از میل دنیایی است و یک گرز که محرکی فیزی است که او با آن انسان‌ها را در طول مسیر زندگی به حرکت درمی‌آورد.



▲ دورگا^{۱۱}

ایزدبانوی زیبا، ولی ترسناک در اینجا سوار بر ببرش نشان داده شده که نمادی از قدرت نامحدود اوست. با کشتن یووالوی تیتان^{۱۲} و بیرون کردن دیوهای درون آن، دورگا نمادی از تقوی بر حواس حیوانی و همچنین شاید توانمندی کیش این ایزدبانو باشد.



▲ لکشمی

شکلی با محبت از ایزدبانوی مادر که نمادی از ثروت و یخشندگی است. او بر نیلوفر آبی نشسته و از دریاچه‌ای رشد کرده است. او به وسیله فیل‌های سفید، پاکیزه و تطهیر می‌شود که نمادی از اقبال خوب و وفور است. سرازیر شدن سکه‌های طلا به معنی رفاه است همان‌گونه که طلا بر روی پیراهن قرمز او گلدوزی شده.



▲ کالی^{۱۰}

این ایزدبانو در شکل کالی نمادی از امید و یاس به صورت توأم است. در دو دست چپ او شمشیری است تا سرباهی را در نتیجه غفلت ببرد که نمادی از مرگ است. در صورتی که در دست راست او علامانی برای دفع ترس و اعطای هدیه است. حلقه‌ای از جمجمه‌ها در اطراف گردن او نمادی از گذرا بودن زندگی است.



▲ ايساراس^۹

این حوریان هوس‌انگیز در طول متلاطم شدن اقیانوس شیری، از آب‌ها خارج شدند. بدن‌های خوشایند آنها، تأکید بر پیوند آنان با باروری دارد. آنها تجسم ابرهای بارانی و رطوبت هستند و در اطراف ورودی‌های معابد ظاهر می‌شوند و نمادی از وفور هستند.



❖ دیوالی ۱۶

این جشن نور در بازگشت رامای^{۱۶} (در قسمت میانی چپ) و سیتا^{۱۷} (قسمت میانی راست) از تبعید برگزار می‌شود که تجسیدی از ویشنو و لکشمی هستند. مردم برای پنج شب، چراغ‌ها را روشن می‌گذارند که نشانه‌ای از خرد و معرفت است تا به لکشمی خوش آمد بگویند که ویژگی‌های او شامل اقبال خوب است که به خانه‌های آنها وارد شود.



فعل پرستش و عبادت

عبادت یا پوجا^{۱۸} وظیفه‌ای مقدس است که شامل نیایش، سرودخوانی منتره‌های نمادین، تقدیم کردن پیشکشی در خانه و معذب و عمل درشان^{۱۹} یا مبادلۀ نظر و نگاه با خدایان است. اغلب حلقه گل‌هایی به نشان احترام بر گردن خدایان انداخته می‌شود. گاهی زائران جایگاه‌های مقدسی را می‌سازند نظیر واراناسی^{۲۰} که پایایی بر روی رود گنگ است و به صورت نمادین به معنی گذار از یک دنیا به دنیای دیگر است.



▲ اوم ۲۱

حروف a و m نماد سه گنا^{۲۱} یعنی ذات، فعالیت و سکون، و تریمورتی است که شامل سه خدای اصلی هندو یعنی برهما، شیوا و ویشنو است. اوم بذر همه منتره‌های الهی یا صداها و کلمات نیرومند است.

▲ سادهو ۲۰

زندگی زاهدانه بخشی از فرهنگ هندویی است. این سادهو پیرو شیواست که از علامت سه خط بر روی پیشانی او و شاخ‌های بوفالو بر روی عصایش مشخص است. این آرمان هندویی است که به عنوان یک سادهو در زندگی بعدی خود زیست کند.



▲ معبد

معماری معبد هندویی نمادین است. این برج مرکزی نشانگر کوه مقدس است که خانه خدایان است و تصویر خدا در مکان مقدس داخلی یا گریه‌گره^{۲۲} قرار دارد که نمادپردازی مادرانه دارد. ورودی‌های پیرامون ممکن است خود معبد را تحت‌الشعاع قرار دهد که تأکید بر اهمیت ورودی به عنوان ارتباطی بین دنیای مادی و دنیای مقدس دارد.



▲ عبادتگاه

قسمت اصلی مقدس در هر خانه، عبادتگاهی خانگی است که پیشکشی‌های سالم نظیر میوه، عود و گل‌ها که همگی نمادی از وفور هستند در مقابل خدا قرار می‌گیرند. ذات آنها به وسیله دود عودی که می‌سوزد به آسمان‌ها منتقل می‌شود.



- 1- Ganesha
- 2- Lakshmi
- 3- Hanuman
- 4- Kartikeya
- 5- Skanda
- 6- Kumara
- 7- Subrahmanya
- 8- Gada
- 9- Apsaras
- 10- Kali
- 11- Durga
- 12- Titan
- 13- Puja
- 14- Darshan
- 15- Varanasi
- 16- Diwali
- 17- Rama
- 18- Sita
- 19- Garbhagriha
- 20- Sadhu
- 21- Aum(om)
- 22- Guna
- 23- Trimurti
- 24- Ganga

همچنین ببینید:

مرگ و سوگواری صص ۱۳۱-۱۲۸
معماری دینی صص ۲۳۱-۲۲۸

▲ رود گنگ

مقدس‌ترین رودخانه هندوستان، رود گنگ است که از هیمالیا سرچشمه می‌گیرد و خانه خدایان است و به وسیله ایزدبانوی گنگا^{۲۳} نشخص می‌یابد. زائران به وارناسی (پایاب گنگ) می‌آیند تا گناهان خود را بشویند و خاکسترهای سنگان، منترها و آب‌های مقدس بریزند که تصور می‌شود مرگشان را تسکین می‌دهد.







آیین بودایی



در میانه قرن ششم قبل از میلاد، در شمال هند، شاهزاده سید هارته^۱، از زندگی دنیایی خود در جستجوی زندگی بدون رنج و آزاد از سمساره یا چرخه بی‌پایان تولد و تولد مجدد دست کشید. زمانی که او به این هدف از طریق مراقبه و ریاضت رسید، یک بودا و به روشنی رسیده شد. هنر بودایی، حالت‌ها و مفهومیهای بسیاری دارد که تعالیم او را نمادپردازی می‌کند و وجوه گوناگون قابل دیدن در اصول اعتقادی پیچیده دین بودایی را به طور موجز بیان می‌کند.

▲ بودای دراز کشیده

بودا بعد از یک دوره زندگی تعلیمی در حدود ۸۰ سالگی درگذشت تا دیگر متولد نشود. این امر به وسیله حالتی به نام پری نیروانا^۲ نمادپردازی می‌شود که در این حالت بودا به صورت دراز کشیده بر پهلوئی راست خود نشان داده می‌شود.

اساناس^۳

بودا در چهار ژست گوناگون نشسته، ایستاده، قدم زنان یا دراز کشیده ظاهر می‌شود که آنها را با نام اساناس می‌شناسند. هر ژستی بیانگر واقعه‌ای متفاوت از زندگی اوست. بودای نشسته متداول‌ترین است چون او در لحظه روشن شدگی نشسته بود و مراقبه می‌کرد. هر چیزی راجع به بودا نمادین است، از ظاهر جسمانی او تا لبخند و حالت‌های دستش.



آشنیشا

گوش‌های بلند و بزرگ

لیخند

گردن کامل

بازوهای شبیه به خرطوم فیل

▲ بودای قدم زن

در اینجا با ظاهری مونت و پر نشان داده می‌شود که شاید به معنی کیفیات روحی او باشد. بودای قدم زن، یک برآمدگی به شکل شعله بر روی سرش دارد. آشنیشا^۴ که نمادی از معرفت معنوی اوست. لیخند به معنای ماهیت آرام اوست. حلقه‌ها بر گردنش برای نمادپردازی صدای مقدس اوست. دست او به حالت تعلیم بالا آورده شده است.



▲ بودای ایستاده

در اینجا با دست راست بالا آورده شده، به عنوان حالتی از اطمینان خاطر دوباره تصویر شده. همچنین بودای ایستاده، گوش‌های بزرگ و طویل او را نمایش می‌دهد که به معنای روشن‌شدگی است.



▲ بودای نشسته

در حال مراقبه در زیر درخت بودهی، بودای نشسته با دست راستش به زمین اشاره دارد که نمادی از احضار کردن ایزدبانوی زمین در طول نزاع او با اهریمن مارا است.



حالت‌های دست

دهیانا مودرا^۱

حالت دست در حال مراقبه که در این حالت دست راست بر روی دست چپ قرار می‌گیرد و هر دو کف دست رو به بالا قرار می‌گیرد. اغلب بودا در این مودرا تصویر می‌شود که همچنین ممکن است کاسه صدقه‌ای در دست‌هایش قرار بگیرد.

بودا همیشه با استفاده از حالت‌های دست یا مودرا^۲ تصویر می‌شود. برخی از این حالت‌ها نظیر بهومیسپارسا مودرا فقط به وسیله بودا استفاده می‌شود در صورتی که دیگران شایع‌تر هستند. برای مثال دهیانا مودرا در طول مراقبه استفاده می‌شود. مودراها از تعلیم بودا باقی مانده است.



آیها یا مودرا

دست بالا آمده و کف دست رو به تماشاگران نمادی از دور کردن ترس و به معنی اطمینان خاطر به پیروان راه بوداست.



ویتارکا مودرا

این حالت تعلیمی است و در آن حالت انگشتان شست و اشاره یکدیگر را لمس می‌کنند که می‌تواند به وسیله اهمیت و مهم در طول آئین‌ها و رزها تعلیم بوداست.

دهرمه چاکرا^۱ مودرا

بودا بعد از کسب روشن‌شدگی، او این موعظه خود را در پارک غزالان بنارس انجام داد. این حالت به معنی «چرخیدن چرخ قانون» (شریعت) در طول موعظه است.

وارادا^۴ مودرا

این حالت که می‌تواند با هر دست درست شود نمادی از اعطای معرفت یا برآورده شدن آرزو یا تبرک کردن یک سر سبز است.

بهومیس پارسا^۳ مودرا

این حالت دست که حالت «لمس زمین» نامیده می‌شود به عنوان نمادی از روشن‌شدگی بوداست.

هشت نماد فرخنده



▲ صدف حلزونی

یک صدف حلزونی سفید به معنی قدرت و اقتدار. قدرت تعلیم و بی بردن به حقیقت دهرمه است.



▲ چتر آفتابی

نمادی از قدرت معنوی است. این چتر در بالای تصاویر خدایان و مردم با اهمیت و مهم در طول آئین‌ها و رزها نگه داشته می‌شود.



▲ ماهی طلایی

نمادی از توانایی فرد برای روشن‌شدگی است تا آزادانه و بدون ترس حرکت کند. همچنین ماهی طلایی به معنی دو رودخانه مقدس در هند، یعنی گنگ و یامونا است.



▲ نیلوفر آبی

گل نیلوفر آبی نمادی از پاکی است و شکوفایی آن به معنای گردار سالم است.



▲ چرخ

چرخ نمادی از چرخ گردان شریعت بودا در اولین موعظه‌اش است.



▲ گلدان یا کوزه سفالین

این نماد مشهور و فور است. این نمونه به معنای معرفت نامحدود و غنای معنوی بوداست.



▲ پرچم

این نماد به معنی پیروزی ذهن بر نیروهای منفی درون و همچنین پیروزی اصول اعتقادی بودایی بر انبساط نفس است.



▲ طرح

این خطوط یا زوایای راست خود یک بافته می‌انتهای به وجود آورده‌اند که نمادی از معرفت نامحدود بودا و اتحاد شفقت و معرفت است.

- 1- Siddhartha
- 2- Paninirvana
- 3- Asanas
- 4- Ushnisha
- 5- Mudra
- 6- Dhyana mudra
- 7- Bhumisparsa
- 8- Varada
- 9- Dharmachakra

همچنین ببینید:

مخلفات آبی صص ۶۸-۷۱
نیلوفر آبی صص ۸۶-۸۷
درختان مقدس صص ۹۶-۹۷



بودهی ستوه‌ها:

دو نوع بودهی ستوه وجود دارد که هر دو به وضوح با روشن‌شدگی ارتباط دارند. اولین نوع، گوتمه بودا تا نقطه روشن‌شدگی است و شامل تمام زندگی‌های قبلی او می‌شود. دومین نوع در زمانی است که به روشن‌شدگی نایل شده اما از ورود به نیروانا منصرف شده است تا این که همه موجودات زنده به روشن‌شدگی برسند. بودهی ستوه‌ها معمولاً با جواهرات و لباس‌های مجلل تصویر می‌شوند و مشخصه‌های نمادین گوناگونی را حمل می‌کنند.



▲ منجوسری^۱

این منجوسری جوان با تجسد خردمندی، کمربند تزیین شده و گردنبند متمایزی از پنجه پیر دارد. در دست چپ او یک نیلوفر آبی قرار دارد که علامتی از پاک‌ی است و بر بالای این نیلوفر آبی، کتابی از سوترها (متون مقدس) قرار گرفته که به معنای خردمندی است. دست راست او با کف دست باز و رو به جلو به معنای رحمانیت و عطف است.



▲ کوان بین^۵

در چین اولو کیشوره مونث با نام کوان بین شناخته می‌شود و به عنوان بودهی ستوه رحیمیت و رحمانیت است. او اشکال بسیاری دارد. در اینجا او در جامعه بلند سفید و مواجی نشان داده شده است که نمادی از پاک‌ی و زنانگی است. دست راست او در حالت وینارگا است که حالت تعلیمی است و نمادی از اصول اعتقادی بودا است.



▲ تارا^۶

اولو کیشوره وجه مونثی دارد که تارا نامیده می‌شود. در اینجا دست راست او در حالت نمادین عطیه خرد است. در صورتی که دست چپ او به معنی تعلیم است. او به وسیله رفع غفلت و ناآگاهی، مردم را به روشن‌شدگی هدایت می‌کند.



▲ اولو کیشوره^۳

بودهی ستوه‌ای که تصویر او بسیار متداول است و اشاره به رحمانیت متعالی دارد. حالت دست او و آشیایی که او نگاه می‌دارد نمادی از قدرت‌های بسیار اوست. برای مثال تسبیح اشاره به چرخه زندگی دارد.



▲ میتریه^۲

بودای دوره‌ی آینده است و اغلب به صورت بودایی چاق و خندان تصویر می‌شود. چاق او نمادی از شادی است و شکم او دارای معرفت جهان است. او به نشانه وفور و فراوانی یک کیف حمل می‌کند.

پنج بودا

پنج بودا که بخش اصلی بودیسم تبتی است به عنوان بوداهای بزرگ خردمند هم شناخته می‌شوند. این بوداهای جهت‌دار - چهار جهت و بودای مرکزی - موجودات متعالی هستند که نماد نیروهای الهی هستند و می‌توان در طول دوره‌های مراقبه بر آنها تمرکز کرد و هرکدام به صورت نمادین با عنصر، رنگ و نگرش خاصی ارتباط دارد و هرکدام نمادی از فضیلت ویژه‌ای است. برای مثال، آموگ‌ها سیدها با حسادت و رشک می‌جنگد و وایروکانا با غفلت، آکسوبیا با عصبانیت و نفرت پیکار می‌کند.



▼ غرب: آمیتایه^۷

با نامی به معنای «نوری پایان» و خردی که دارای قوه تمیز است. ویژگی‌های آمیتایه شامل عنصر آتش و رنگ قرمز است که به معنای خورشید غروب‌کننده است. طاووس نمادی از شفقت و نیلوفر آبی نمادی از پاک‌ی است.

► شمال: آموگ‌ها سیدی^۸

نام او به معنای «فاتح قادر» است و خرد او به تحقق تمام رسیده است. ویژگی‌های او شامل عنصر هوا و رنگ سبز است که علامتی از خردمندی و مخلوق اسطوره‌ای «گارودا» است.



▲ شرق: آکسوبیا^{۱۱}

دارای خردی آینه‌مانند که با نمادش یعنی تندر جفت است و عنصر آب است. از ویژگی‌های دیگر او رنگ آبی است و قیل که اریکه او را نگاه می‌دارد و نمادی از استواری و قدرت است.



◀ مرکز: وایروکانا^۹

خرد وایروکانا، خرد چهار بودای پیرامون خود را تجسم می‌بخشد. او با رنگ سفید به معنای پاک‌ی ربط دارد. چرخ، نمادی از چرخ شریعت و فضا است. حیوان او شیر است که علامتی از قدرتمندی و شجاعت است.

▲ جنوب: رتنا سامبهاوا^{۱۰}

بودایی با خرد مساوی و متعادل که عنصر زمین را مهار می‌کند. رنگ او زرد است که نمادی از تلالو خورشید است و او جواهری دارد که نمادی از ذهن رها شده و آزاد است.





رهبانیت

پسرانی که به سلک رهبانی درمی‌آیند ممکن است به تقلید از شاهزاده سیدهارته، سیروسلوکی نمادین را به عهده گیرند. در ورود به صومعه، شخص تشریف یافته، ظاهری مشابه با سایر راهبران را برمی‌گزیند که به عنوان علامتی از فراخوانی آنهاست. رهبانیت یا سنگهه^{۱۱} یکی از سه جواهر اصلی در دین بوداست. دو تای دیگر، خود بودا و دهرمه (تعلیمات او) است.

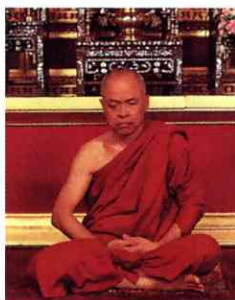


جدایی بزرگ

این کتیبه شاهزاده سیدهارته را تصویر می‌کند در حالی که قصر خود را ترک می‌کند و از زندگی دنیایی چشم می‌پوشد. این موضوع را با عنوان «جدایی بزرگ» می‌شناسند. پسرانی که دین بودایی دارند این صحنه را به صورت نمادین قبل از پوشیدن لباس رهبانی، مجدداً انجام می‌دهند و به عنوان مبتدی وارد صومعه می‌شوند.

ظاهر

با لباس‌های بلند به رنگ قرمز و زعفرانی و سرهای تراشیده قابل تشخیص هستند. راهبران، مقام روحانی ندارند و ملزم به پذیرش و به عهده گرفتن خدمات نیستند. لباس آنها نمادی از زندگی ساده‌ای است که آنها در پیروی از آموزه‌های بودا نشان می‌دهند و سرهای بی‌موی آنها به معنی چشم‌پوشی از امورات دنیوی است. آنها پیشتر وقت خود را در تامل می‌گذرانند.



چرخ نیایش

از سنت تبتی به ظهور رسیده و نیایش‌های مردم را نمادپردازی می‌کند. آیه‌های مقدس که منتره نامیده می‌شود، بر روی آنها و بر روی صفحه‌هایی نوشته و حک می‌شود که بر روی استوانه‌ای قرار می‌گیرد. هر چرخش چرخ نیایش، نشانگر یک قرائت منتره است.



همچنین ببینید:

درختان مقدس صص ۹۷-۹۶
خانه صص ۲۳۹-۲۳۸

نمادهای بودا

در اوایل پیشرفت دین بودایی، حضور بودا در هنر با اشیایی که با بخش‌هایی از زندگی او ارتباط داشت، نشان داده می‌شد. برای مثال او اغلب به وسیله یک درخت بودهی، اثر پا یا کاسه صدقات نمادپردازی می‌شد. نمادهای دیگر نظیر چرخ دهرمه هم به معنای بودا و همچنین تعلیمات او بود.



کاسه صدقات

بودا بعد از روشن‌شدگی از تمام امور مادی چشم‌پوشی کرد و لباس بلند ساده‌ای پوشید و کاسه‌گدایی در دست گرفت. برای راهبان کاسه‌گدایی بیادآورنده تواضع است. در صورتی که برای اهداکنندگان و بخشندگان به معنای کرمه خوبی است که آنها از اعمال همراه با محبتشان دریافت می‌کنند.



اریکه خالی

اریکه خالی نمادی از بودا به عنوان رهبر معنوی و هم علامتی از دودمان پادشاهی بوداست. در اینجا غزالانی بر پایه ستون نقش بسته‌اند که معنای نمادین هم دارند.



شیر

نمادی از بوداست. شیر علامت طایفه و قبیله او ساکیاس^{۱۲} است و غرش او نمادی از توانمندی و ازگان بوداست. این شیرها بر مکانی ایستاده‌اند که ابتدا بودا در آنجا یعنی سامات^{۱۳} موعظه کرد. آنها را پادشاه آشوکا برپا داشت که نماد او هم شیر بود.



برگ‌های بودهی

بوا در زیر درخت بودهی به روشن‌شدگی نایل شد. واقعه‌ای که این درخت و برگ‌هایش را به عنوان علامتی از اخلاص و سرسپردگی توسعه داد. به عنوان تذکری نمادین. درخت‌های بودهی در مراکز بودایی در اطراف دنیا کاشته می‌شوند.



چرخ شریعت (دهرمه)^{۱۵}

چرخه دهرمه، تمثالی مهم و نمادی از تعلیم بوداست و بخش‌های آن به معنای وجوه مختلف اعمال اوست. طوقه آن به معنی تمرکز است. پردها به معنی خردمندی و توبی آن به معنای نظم است. پردهای چرخ دهرمه نمادی از مسیر هشتگانه شریف به نیروانا نیز هست یعنی فهم و درک درست، فکر درست، قول درست، عمل درست، زندگی و معاش درست. تلاطم آگاهی و آگاهی از کارهای نیک و بد. این نماد از اولین موعظه بودا در پارک غرای است.





چرخ بودایی زندگی

چرخ بودایی زندگی نمادی از چرخه دائمی عمل و تغییر آن به چیزی است که ما را تحت کنترل خود درمی‌آورد. این چرخ نشان‌دهنده قانون کرمه است که بر طبق آن توهّمات و امیال منجر به اعمالی می‌شود که ما را همیشه در چرخه زندگی می‌چرخاند و از این رو قادر نخواهیم بود خودمان را از آن جدا سازیم و به روشن‌شدگی نایل شویم.



۴. حلقه خارجی

تصاویر حلقه بیرونی، نشان‌دهنده ۱۲ زنجیره یا بیوندعلق و وابستگی است. در این منطقه تمام موضوعات مهم زندگی انسان نشان داده شده است. یعنی تولد، زندگی دینی، بیری، بیماری و مرگ، از بالای حلقه این موارد شامل غفلت (فرد نابینا)، اعمال ارادی (سفالگری در این چرخ)، هوسبازی و آگاهی (میمون بر درخت)، شکل و صورت (مردانی در قایق)، شش حس (یک خانه بدون پنجره)، تماس (زوجی در آغوش یکدیگر)، احساس (مردی با تیر در چشمش)، استیاق و طلب (شخصی که الکلی می‌نوشد)، جنگ زدن و جسییدن (زنی که میوه می‌چیند)، وجود (زن باردار)، تولد (زن خیم شده و سربا نشسته) و سن بیری و مرگ (مرد بیری که باری را حمل می‌کند).

۵. یاما و بودا

بروردگار مرگ یا یاما چرخ را می‌چرخاند که به معنی قطعیت مرگ برای همه ماست. در بالای سمت راست، بودا به مسیر روشن‌شدگی اشاره دارد که بیرو اصول اعتقادی بودا به آن می‌رسد و در خارج از چرخ شریعت بودا قرار دارد.

۱. مرکز چرخ

در قلب یا مرکز چرخ زندگی، یک خروس، نمادی از حرص و طمع، یک مار (نمادی از نفرت) و یک خوک (نمادی از غفلت و نادانی) وجود دارد که هر یک به دنبال حیوان دیگر و گاز گرفتن آن است که چرخه بی‌پایان تولد مجدد را نشان می‌دهد. اینها سه توهّم هستند که مانع ما در دستیابی به نیروانا می‌شوند.

۲. حلقه درونی

بخش داخلی را در بر گرفته است و چرخه‌ای از زمینه سیاه و سفید است که نشان‌دهنده این موضوع است که موجودات بر طبق کردارشان می‌آیند و می‌روند. کسانی که خوب زندگی کنند، صعود می‌کنند در صورتی که کسانی که زندگی بدی دارند به غفلت و تاریکی سقوط می‌کنند.

۳. حلقه میانی

مناطق بین شکل پره‌های حلقه میانی چرخ، نمادی از محدوده‌های مختلف وجود است. نیمه بالایی، حوزه بالاتری از وجود را تصویر می‌کند که مربوط به انسان‌ها، خدایان و نیمه خدایان است. نیمه پایینی نشان‌دهنده حوزه پایین‌تر وجود مربوط به حیوانات، دیوان و ارواح گرسنه است. در هر حوزه بودا نوید رهایی می‌دهد.



تائوایسم و شینتو

است و پیروان سعی بر باقی نگاه داشتن آن دارند. خدایان تائویی می‌توانند نیروهای طبیعت و دیگر وجوه زندگی را مهار کنند. ارواح شینتو در هر جایی هستند و در مکان‌هایی نظیر غارها و چشمه‌ی سکونت دارند.

تائوایسم و شینتو، آیین‌های چینی و ژاپنی هستند که تاکید بر زندگی هماهنگ با طبیعت دارند. چشم‌انداز اطراف ما، اقیانوس‌ها، کوه‌ها، دریاچه‌ها و گل‌ها همگی بخشی از توازن متعادل در زندگی است. این هماهنگی در هر دو آیین نمادین

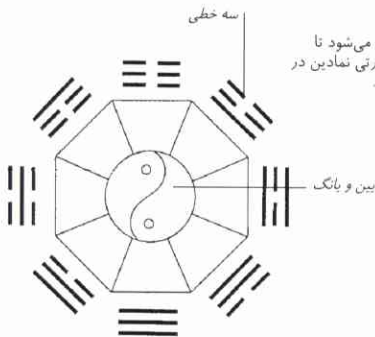
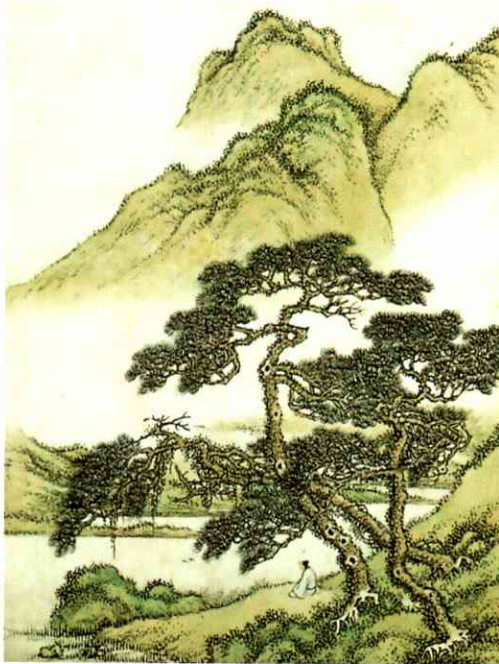
تائوایسم

تائوایسم فلسفی، نظام قدیمی تفکر است که با آموزه‌های لاتوئسو شروع می‌شود و نقل شده که او کتاب «تائوته چینگ» را بین قرن‌های ششم و چهارم قبل از میلاد نوشته است. او نوشت که هر چیزی در طبیعت، نمادی از نظم طبیعی امور است، از کوه‌ها و صخره‌ها تا درختان و رگبرگ‌های درون برگ‌هایشان. تائوایسم از بی‌عملی (وو-وی) صحبت می‌کند. بی‌عملی یعنی کاری و عملی برخلاف طبیعت صورت نگیرد. بین و یانگ اصطلاحاتی هستند که معنایی متضاد را نشان می‌دهند ولی «نیروهای» متوازنی مثل مذکر و مؤنث هستند.



یین و یانگ

دنیای طبیعی در دو واژه مکمل یکدیگر یعنی یین و یانگ دیده می‌شود که نیروهای متفاوتی دارند. شکل نشان داده شده در اینجا، شکلی نمادین است. آنها نشان‌دهنده دو نیمه تائو هستند. یین، مؤنث، تاریک، منفعل، پایین و شب است در صورتی که یانگ، مذکر، روشن، قوی، بالا و روز است. برای مثال می‌توان یین را در دره‌ها دید در صورتی که کوه‌ها یانگ هستند.



سه خطی

نقاشی تائویی
عناصر زمین، چوب، آتش، فلز و آب به شکلی نمادین در هنر استفاده می‌شود تا نشانگر ذات آن شیء باشد. خاک به معنای زمین است. آتش به صورتی نمادین در نقاشی با دوده نشان داده می‌شود و آب با مواد نقاشی مخلوط می‌شود.

رگبرگ‌های طبیعت

فهم و درک از مسیرها و رگبرگ‌های پخش شده در درون اشیا طبیعی نظیر درختان و برگ‌ها از امور بسیار چشمگیر در تائوایسم است و یا مسیرها و رگ‌های «آزدهای» فلز که در درون زمین پخش است. همه آنها نمادی از یگانگی و وحدت در زندگی و توازن طبیعی یین و یانگ است.

سنگ تتراشیده

لاتوئسو از تخته سنگ تتراشیده‌ای صحبت می‌کند که توده‌ای است که پیوسته و مرتب تغییر کرده، در هنر، نمادپردازی این توده اغلب صخره بدقواره‌ای از اشکالی است که هرگز این اشکال تکرار نمی‌شود. چنین سنگ‌هایی اغلب جمع‌آوری شده و در باغ‌ها به عنوان نمادی از جهان در شکل مینیاتوری قرار داده می‌شوند.

لاتوئسو

آموزه‌های لاتوئسو بنیانی برای تائوایسم است، اما چیزهای کمی راجع به او می‌دانیم. احتمالاً در قدیم الایام متولد شده، ریش‌های خاکستری و گوش‌های بزرگی به نشانه خردمندی داشته. در این تصویر او یادبزی در دست دارد که نمادی از جگونگی انتشار یافتن تائوایسم و نجات طالبان است. ممکن است نمادی از کمال جهان هم باشد. تائوایست‌ها او را به مقام خدایی می‌رسانند و هاله اطراف سر او به معنای تقدس اوست.



یشم

یشم در تائوایسم، ذات آسمان است و نقل شده که از منی ازدها شکل یافته. یشم نمادی از اشرافیت، کمال و جاودانگی است.



- 1- Tao te ching
- 2- Wu-wei
- 3- Lao tzu
- 4- I ching



ارواح شینتو

در شینتو موجودات مقدسی را که دلالت بر هر چیزی به صورت هیبت برانگیز یا فوق‌العاده دارند، کامی می‌نامند. مهم‌ترین آنها آماتراسو است. اما این نام به همه ارواح داده شده است فارغ از این که خوب باشند همچون ایناری^۱ یا بد همچون کاکگو-زوچی^۲ که به دستور و اجازه او خانه‌ها می‌سوزند.



▲ آماتراسو^۱

روشنایی ایزدبانوی خورشید. اغلب با پرتهایی که از سر او ساطع می‌شود مشخص می‌گردد این باور وجود داشت که او جد و نیای امپراتور است.



▲ ایناری

مستول برداشت خوب و رفاه است. ایناری یک جواهر دارد که همه آرزوها را محقق می‌سازد و دو روباه سفید با او همراهی دارند که نمادی از قدرت به عنوان پیام‌آور او هستند.



▲ خدایان کوه

بیشتر کوه‌ها و آتشفشان‌ها، خدایان یا ارواح خودشان را دارند که قدرت آنها را مشخص و نجسم می‌بخشد. برای مثال، ایزدبانوی کوه فوجی سنگن سما^۳ است.

► خدایان آتش

روح آتش یا کاکو-زوچی مخوف است و زاپنی‌ها به او احترام می‌گذارند. او همیشه به مانند مرد جوان قدبلندی تصویر می‌شود که اغلب سیمش عریان است اما همیشه بر آن شعله‌های آتش است و فقط خودش می‌تواند آن را مهار کند. چون آتش برای خانه‌های چوبی، تهدیدی واقعی است، خشم این خدا را با انجام منظم آیین فرو می‌خوابانند.



همچنین ببینید:

خورشید صص ۱۶-۱۷

آتش صص ۳۰-۳۱

اجداد صص ۱۴۶-۱۴۷

باغ‌ها صص ۲۴۷-۲۴۸

شینتو

خاستگاه‌های شینتو قدیمی است و عمیقاً با اسطوره‌شناسی ژاپنی پیوند دارد. این دین بر ارواح زیادش (کامی)^۱ تمرکز دارد. برای مثال هرگونه بی‌توازی که به وجود آید مثل افتادن یک درخت یا کشتن یک حیوان، به صورتی نمادین از طریق آیینی و تطهیر، ترمیم می‌شود.

عبادتگاه شینتو

محل اصلی عبادت دین شینتویی در عبادتگاه است. توری^۲ یا دروازه‌ای مقدس که هرکس از آن عبور کند، به عبادتگاه وارد می‌شود. نمادی فوری و بلادرنگ و قابل تشخیص است که نشان‌دهنده معبری به حوزه‌ای مقدس است. این دروازه آب را با آسمان و خشکی پیوند می‌دهد که دلالت بر توازن در طبیعت دارد.



مهره شفقت ماگاناما



شمشیر قدرت



آینه حقیقت



نمادهای شینتو

سه نمادی که در عبادتگاه‌های شینتو یافت می‌شود: گردنبندی از مهره‌های ماگاناما^۱ (اشیایی کوچک که ابتدا از سنگ‌های ابتدایی به عنوان جواهر می‌ساختند و بعدها تنها از پشم ساخته می‌شد و در مراسم مذهبی به کار می‌رفت). که حاکی از شفقت است و توسط آمار تراسو یا ایزدبانوی خورشید حمل می‌شد. آینه فلزی یا حقیقت که به وسیله آن آماتراسو از غارش، اغوا کرده شد و به دام انداخته شد، شمشیر قدرت که به وسیله خدای سوسانو^۲ یافت شد و بعدها اولین امپراتور ژاپن، صاحب آن شد.

باغ یا تزنین گل

آرمان‌های شینتو در مورد هماهنگی با طبیعت، اساس آداب و رسوم سنتی است نظیر طرح باغ و تزنین گل که مقیاس کوچکی از هماهنگی با جهان را نمادپردازی می‌کند.





یهودیت

یهودیت دینی کهن است که در حدود ۳۵۰۰ سال پیش در قسمت غربی آسیا در کنعان پایه‌گذاری شد. یهودیان معتقدند که آنها قوم برگزیده‌ای هستند که خداوند (یهوه) آنها را از بردگی در مصر به سوی سرزمین موعود هدایت کرد. امروزه یهودیان در سراسر جهان پراکنده‌اند و بنابراین، نمادهای دینشان، عامل متحدکننده مهمی به شمار می‌رود. تمام وجوه زندگی یهودی - از غذاهایی که در جشن‌ها خورده می‌شود و جامه‌هایی که برای نیایش پوشیده می‌شود تا اشیای آئینی که در کنیسه‌ها به کار می‌رود - آکنده از بازتاب معنایی، از گذشته‌ای غنی و عشق عمیق به خداوند است.



ملت و شریعت

یهودیان بر این باورند که شریعت که حالا هلاخا نامیده می‌شود به وسیله خداوند به موسی اعطا شده و تجسم ساختارهای اخلاقی ملت یهود است.



ستاره داوود

ستاره داوود، نماد شناخته شده در سراسر دنیا به عنوان نمادی عامه‌پسند از یهودیت است که نشانه‌ای قدرتمند از هویت یهودی و اتحاد آنان است و معمولاً بر روی سنگ قبور از اواخر قرن هفدهم دیده می‌شود. صهیونیست‌ها، آن را در دهه ۱۸۹۰ برگزیدند و این ستاره اکنون بر پرچم ملی (رزیم اشغالگر قدس) دیده می‌شود.



دیوار غربی

در سال ۷۰ میلادی، معبد اورشلیم توسط رومیان تخریب شد. دیوار غربی که تحت عنوان «دیوار توبه» شناخته می‌شود هنوز باقی است و از نظر یهودیان مکانی برای زیارت و نمادی از ملت یهود است.



اورشلیم

اورشلیم، شهر مقدس و کهن در قلب یهودیت است. از زمان پادشاهی داوود در ۳۰۰۰ سال پیش که حاکم این کشور بود، این شهر مرکز نیایش‌ها و نماد ملیت یهود شد.



تابوت عهد

در اصل دلالت بر حضور خداوند دارد. تصور می‌شد که این صندوق جویی حاوی ده فرمان بوده است. امروزه هر کنیسه‌ای، تابوت عهد نمادینی دارد که صندوق مقدسی است که طومارهای تورات را در آن نگه می‌دارند.

تورات

تورات، شریعت خداوند و امری اصلی برای ایمان یهودی است که طوماری دست‌نویس است و شامل پنج کتاب اول «کتاب مقدس عبری» است. چوب‌هایی به نام اری حیتم که طومار را به دور آن می‌پیچند به درختان حیات اشاره دارند.

پوشش تورات

یک پوشش پارچه‌ای تورات را محافظت می‌کند که به صورت سنتی یا نمادهای یهودیت گلدوزی می‌شود. در اینجا، یک تاج که نمادی از دولت‌های شاهان تورات است با دو شیر که در کنارش قرار گرفته‌اند دیده می‌شود که نمادی متداول با پیوند به قوم یهود است.

سکوت^{۱۰}

در طول جشن سکوت (غرفه‌ها) که یاد آورنده مراقبت خداوند از قوم در زمانی است که در جستجوی سرزمین موعود بودند، سایبان‌های جشن که نمادی از خیمه‌هایی است که در صحرا برپا شد، ساخته می‌شود و برگ‌های نخل، بید و مورد با یکدیگر بافته می‌شوند تا لولوا^{۱۱} (نشان داده شده در اینجا) را بسازند. آنها در تمام جهات در کتیسه به حرکت درمی‌آیند تا اشاره به تسلط خداوند بر جهان داشته باشند و برای سال بعد درخواست باران شود.



کتاب نیایش نقره‌ای

چند موضوع با نیایش مرتبط است شامل کتاب نماز و نیایش که هم نمادین است و هم حاوی کلام خداوند. پوشش‌های تزئین شده برزرق و برقی دلالت بر تقدس متن داخل آن دارد. کتاب‌های نیایش عموماً به پسرها در بارمیسوای آنها داده می‌شود که آئینی است که ورود آنها را به ۱۳ سالگی بزرگ می‌دارد.

مزوزا^۹

صندوق کوچکی که مزوزا نامیده می‌شود اغلب به عنوان نمادی از ایمان ساکن خانه به تبرک جلویی چارچوب در خانه یهودی متصل می‌شود. این موضوع، سنتی است که فرد انگشت خود را بپوسد و مزوزا را در هنگام ورود به خانه به عنوان نمادی از اخلاص و سرسیردگی فرد به خداوند لمس کند. هر مزوزا حاوی طومار کوچکی است که متن کتاب مقدس بر آن نوشته شده است.



طومار مزوزا

تفیلین که با تسمه‌ای چرمی به بازو بسته می‌شود.

جشن‌ها و نیایش

نیایش برای ایمان یهودی امری بنیادین است. یهودیان مخلص روزی سه بار نماز می‌خوانند. شنبه یا سبت اهمیت ویژه‌ای دارد، اما جشن‌هایی هم وجود دارد که در طی برگزاری آنها، یهودیان به بزرگداشت تاریخ و سنت خود هم می‌پردازند و هم این که بر ایمان به خداوند صحنه می‌نهند. چون نیایش و نماز، بخشی اصلی در یهودیت است، اشیاء و موضوعات نمادین گوناگونی حول آنها و آئین‌های مرتبط با آن شکل گرفته است.

سبت

سبت یهودی (در عبری سبت^{۱۲}) از عصر جمعه شروع می‌شود و در غروب روز بعد خاتمه می‌یابد. مردان ارتدوکس یهودی از دو تفیلین^{۱۳} استفاده می‌کنند که جمعه‌های کوچک چرمی است که حاوی عباراتی از تورات است. یک کپا^{۱۴} کلاه کوچک که نمادی از حضور خداوند است و یک شال نماز که تالیت^{۱۵} نامیده می‌شود با ۶۱۳ منگوله که نمادی از ده فرمان است نیز به کار می‌رود.



شال نماز تالیت

تفیلین که با تسمه‌ای چرمی به بازو بسته می‌شود.

منورا^{۱۴}

یک شمعدان هفت شاخه یکی از قدیمی‌ترین نمادهای یهودیت است. شاید خاستگاه منورا در نماد کهن درخت حیات باشد. روشنائی آن نمادی از نوراندی تورات است.

شوفار^{۱۵}

شاخ قوچ که رضایت خداوند را از وفاداری ابراهیم نمادپردازی می‌کند و نشانگر قوچی است که خداوند به ابراهیم اجازه داد تا به جای پسرش قربانی کند. شوفار همچنین نمادی از روش هشانا^{۱۶} یا سال نو یهودی است.

عید پسخ

عید پسخ بزرگداشت آزادی یهودیان از مصر است. آئین‌های مرتبط با این جشن، آکنده از نمادپردازی است، به خصوص وعده غذای عید پسخ یا سدر^{۱۷} که شامل تعدادی از مواد گوناگون است (نشان داده شده در زیر) و هر کدام نمادپردازی خودش را در مورد این واقعه دارد.

نان مصا^{۱۸}

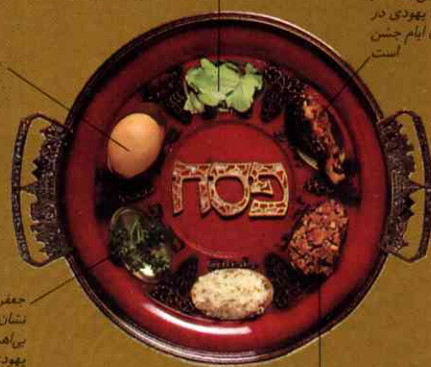
با نان فطیر که نمادی از سرعتی است که یهودیان مصر را ترک کردند و آن قدر وقت نداشتند تا منتظر بمانند که خمیر نشان ور آید.



سبزی تند نظیر ترب کوهی یا نوعی کاهو با برگ‌های سبز تیره که نمادی از سختی بردگی است.

ران تیره که نشانگر پره‌های قربانی شده در معابد یهودی در طول ایام جشن است.

تخم مرغ پخته که نمادی از زندگی جدید است.



جعفری که نشان‌دهنده بی‌اهمیتی بردگی یهودی است.

آب نمک

آب نمک برای فرو بردن سبزی تند در آن که به معنی اشک‌های یهودیان در طول بردگیشان در مصر است.



همچنین ببینید:

درختان مقدس صص ۹۶-۹۷
آئین‌های تشریف صص ۱۲۴-۱۲۵
قبایلا صص ۱۷۵-۱۷۶
شکل‌ها ۲۸۹-۲۸۴
برچم‌ها صص ۳۲۸-۳۲۹

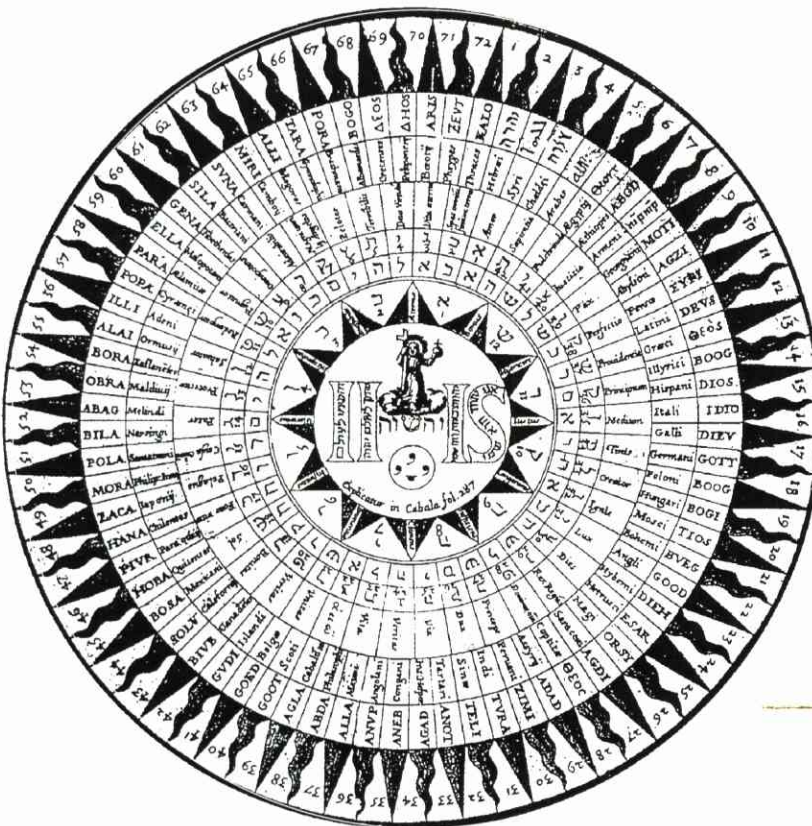
میوه و خمیری از خشکبار که نشان‌دهنده ملاطی است که به وسیله یهودیان برای قهرهای مصری ساخته می‌شد.

- 1- Halakha
- 2- Azei hayyim
- 3- Shabbat
- 4- Tefilin
- 5- Kippah
- 6- Tallit
- 7- Seder
- 8- Matzah
- 9- Mezuzah
- 10- Sukkolth
- 11- Lulav
- 12- Shofar
- 13- Rosh hashana
- 14- Menorah



قبالا

پیروان قبلا که شاخه‌ای از عرفان یهودی است، معنای پوشیده و پنهان تورات یا همان پنج کتاب اول عهد عتیق را شرح می‌دهند. تا به ارتباط معنوی بیشتری با خداوند نایل شوند. قبلا نظام باطنی‌گرایی بسیار پیچیده‌ای است که از نمودارها، نمادها و عددشناسی استفاده می‌کند. در اصل سنتی شفاهی بوده اما از حدود قرن سیزدهم در ادبیات ظاهر می‌شود که از میان نوشته‌های آنان، می‌توان زوهر^۱ را نام برد که مهم‌ترین اثر است.

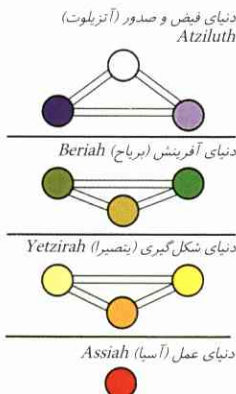


خدای قبلا

قبالاتیان مفهومی ثنوی از خداوند دارند: خداوند نامحدود و عدم، آن خدایی نیست که در نیایش‌ها مورد خطاب قرار می‌گیرد و خداوندی که افراد مومن با او ارتباط برقرار می‌کنند، خداوند آشکار و متجلی و خدایی فعال است. عنصر مهم قبلا، استفاده از مراقبه است که در طول آن شخص قبلائی بر روی یکی از نمادهای قبلائی یا نمودارهای استفاده شده برای حضور خداوند تمرکز می‌کند، یا در ذهن متصور می‌سازد.

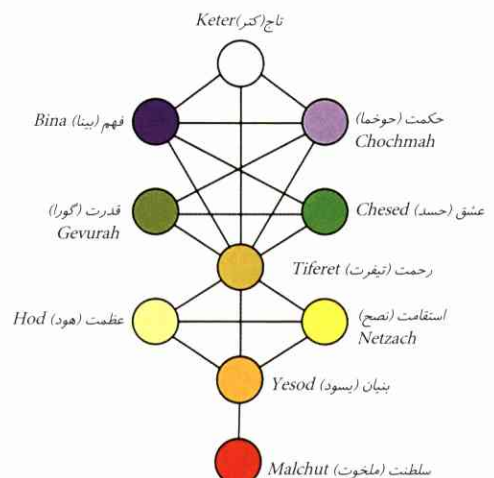
▲ ۷۲ نام خداوند

در بین نمادهای گوناگونی که برای مراقبه قبلائی استفاده می‌شود، ۷۲ نام خداوند است که نقل شده که قادر به غیب‌گویی و انجام معجزات است نظیر شکافته شدن دریای سرخ توسط موسی. ۷۲ نام از سه آیه در سفر خروج استخراج شده است که هر کدام از آنها شامل ۷۲ حرف عبری است. با برداشتن یک حرف از هر آیه که از سمت چپ به راست از اولین آیه شروع می‌شود و راست به چپ در دومین آیه و چپ به راست از آیه آخر، ۷۲ نام سه حرفی خداوند شکل می‌گیرد.



▲ چهار دنیا

یکی از راه‌هایی که با آن می‌توان سفیروت را تفسیر کرد از طریق گروه بندی ده صدور خداوند در «چهار دنیا» است. همان‌گونه که در بالا نشان داده شده. هر دنیا مرحله‌ای مجزا را فرآیند خلقت را نشان می‌دهد.



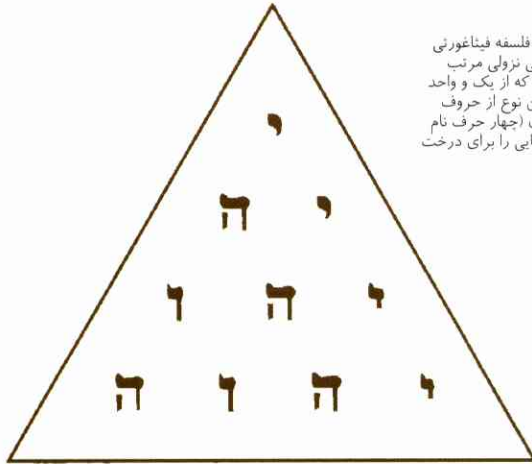
▲ سفیروت

نمودار بالا، نمایی نمادین از درخت حیات است که اغلب در قبلا معکوس می‌شود و ریشه آن در آسمان قرار می‌گیرد. این درخت، سفیروت را نشان می‌دهد که امری اصلی و مرکزی در تفکر قبلائی است و نشان‌دهنده گذار و توسعه خداوند از نامحدودیت یا تبدیل خدای ناشناخته به خدای فعالی است که جهان را خلق کرد. هر ده مرحله یا سفیروت، نمادی از وجوه گوناگون ارتباط شخص با خداوند است و به دیگر قسمت‌ها نیز با راه‌هایی مرتبط می‌شود و گروه‌هایی را به وجود می‌آورد.

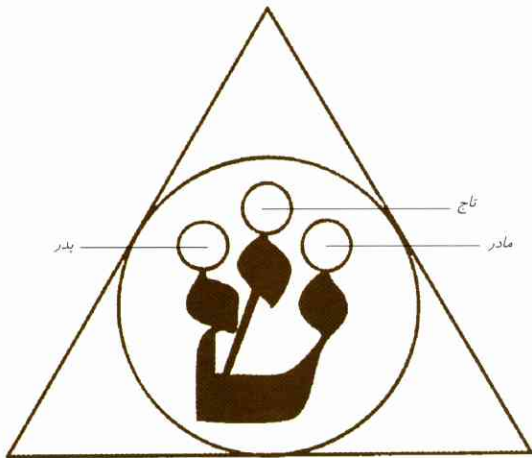


► عین سوف^۲

این نماد نشان‌دهنده «عین سوف» یا وجه نامتناهی خداوند از نظر قبالاتیان است که قبل از آفرینش وجود داشته. یعنی عذمی ناشناخته که بعد به عنوان خدای آفرینش و پرستش متجلی شد. از طریق ده سفیروت اغلب آن سوف نمادی از نور الهی است.

◀ تتراکتیس^۵

یا تتراد: فیالایی، نمادی از کیهان مبتنی بر فلسفه فیثاغورثی یونان باستان است که ده نقطه را در نظم نزولی مرتب می‌کند و نمادی از فرآیند آفرینش است که از یک و واحد شروع می‌شود و به کثرت می‌رسد. در این نوع از حروف الفبای عبری استفاده شده که تتراکراماتون (چهار حرف نام خداوند - یهوه) Yhwh را می‌سازد و مبنای را برای درخت حیات قبایلا یا سفیروت ارائه می‌دهد.



◀ سه تایی عبری

حرف عبری «شین» نشان‌دهنده این سه تایی است که شکلی سنتی از سه سفیروت اول است و تاج در مرکز، پدر در سمت چپ، و مادر در سمت راست را نمادپردازی می‌کند.



دستبند قرمز

قبالاتیان سعی دارند تا با استفاده از تعویذ پشیمی قرمز از انرژی منفی «چشم شیطان» اجتناب کنند، به صورت سنتی، پشم قبل از این که به اندازه طول مچ بریده شود، بایستی در حول مقبره راحیل پیچیده شود. راحیل زن یعقوب است و از نظر قبالاتیان، او مظهر حفاظت در برابر شیطان است.

◀ دستبندی با زنجیر قرمز

قبالاتیان بر این باورند که انرژی از طرف پهلوی چپ وارد بدن می‌شود و از سمت راست خارج می‌شود. بنابراین با استفاده از دستبندی در مچ دست چپ، مانع ورود شیطان می‌شوند.

▶ الفبای عبری

در الفبای عبری ۲۲ حرف وجود دارد که پنج تا از آنها دو قسمتی هستند بسته به این که آیا آنها در شروع کلمه یا در میانه کلمه می‌آیند و یا در انتهای کلمه.

جماتریا^۳

جماتریا (نظام آشوری بابلی عددشناسی که بعدها توسط یهودیان اتخاذ شد که برای حروف ارزش عددی قائل می‌شوند) شکل عبری از عددشناسی است که در قبایلا استفاده می‌شود تا معانی پنهان در واژگان و ارتباط با ده سفیروت و الفبای عبری را بفهمند. جماتریا هنری بینهایت پیچیده است که در تعدادی از روش‌های گوناگون به کار می‌رود.

هر حرف الفبا عمیقاً نمادین است هم در صوتی که می‌سازد و هم در جایگاهش در یک کلمه. گلیف^۶ هم اهمیت عددی دارد و می‌توان کلمات را با اضافه کردن ارزش‌های عددی حروف مجدداً تفسیر کرد. کلمات پیوند خاصی با کلمات دیگری می‌یابند که با آنها یک جمع یا کل را به وجود می‌آورند، کلمه دوم به کلمه اول معنای جدیدی را می‌دهد.

گلیف	عبری	رقم و عدد
א	ALEPH	۱
ב	BET	۲
ג	GIMEL	۳
ד	DALED	۴
ה	HE	۵
ו	WAW	۶
ז	ZAYIN	۷
ח	HETH	۸
ט	TETH	۹
י	YODTH	۱۰
כ	KAPH	۲۰
ל	LAMED	۳۰
מ	MEM	۴۰
נ	NUN	۵۰
ס	SAMEKH	۶۰
ע	AYIN	۷۰
פ	PE	۸۰
צ	TSADI	۹۰
ק	QOPH	۱۰۰
ר	RESH	۲۰۰
ש	SHIN	۳۰۰
ת	TAW	۴۰۰
ך	KAPH	۵۰۰
ם	MEM	۶۰۰
ן	NUN	۷۰۰
ף	PE	۸۰۰
ץ	TSADI	۹۰۰



مسیحیت

مسیحیت که حدود ۲۰۰۰ سال پیش ظاهر شد، در یهودیت ریشه دارد. مسیحیان بر این باورند که عیسی بر صلیب جان داد تا دنیا را از گناه رها سازد. بنابراین صلیب، نماد متعال ایمان مسیحی است که به وسیله پیروان استفاده می‌شود تا نشانگر ایمان آنان

باشد و در شکل بسیاری از کلیساهای مسیحی بازتاب می‌یابد. داستان‌های کتاب مقدسی، تعدادی از نمادها را نظیر کیوتر صلح، مطرح کرده‌اند در صورتی‌که شهدا که برای ایمانشان جان دادند و همچنین هواربون، نمادهای دیگری را ارائه کرده‌اند.

نمادهای ایمان

هنرهای تصویری، همواره بخشی از مسیحیت بوده است و نمادهای زیادی از این دین در بخشی از آگاهی دین مسیحی قرار می‌گیرد. همچون صلیب، هاله یا حلقه‌ای از نور که به دور سر عیسی و مقدسان دیده می‌شود و اغلب به عنوان نمادی از تقدس ظاهر می‌شود. سایر نمادها، شامل ماهی که در طول دوران رومی، در زمانی ظاهر شد که مسیحیان به خاطر ایمانشان تحت آزار و شکنجه بودند و هنوز هم امروزه استفاده می‌شود. نماد دیگر کیوتر است که اکنون به صورت جهانی، علامتی از صلح است.



▲ **بره دراز کشیده**
بره دراز کشیده بر روی صلیب و کتاب هفت مهر (عبارتی در کتاب مکاشفه که به هفت مهر نمادین اشاره دارد که از کتاب یا طومار محافظت می‌کند و بره این مهرها را باز می‌کند) نمادی از پیروزی ایمان مسیحی در داوری روز واپسین است.

▲ **بره ایستاده**
بره قربانی، نمادی از مسیح است. بره ایستاده یا یک بیرق به معنای پیروزی مسیح در برخاستن از میان مردگان بعد از مصلوب شدن است.



▲ **صحنه ولادت**
این صحنه تولد مسیح را در یک اصطبل نشان می‌دهد. ملاقات چوپانان و سه مرد حکیم یا مغ، نمادی از پذیرش مسیحیت به وسیله مردم همه مناطق و همه ملیت‌هاست.



▲ **مریم باکره**
در اینجا مریم با پیراهن قرمز سنتی تصویر شده که بر روی آن ردایی آبی است و نمادی از آسمان و جایگاه او به عنوان ملکه آسمان است. او کف دست‌هایش را روی هم به حالت نیایش بر روی قلبش قرار داده که علامتی از تواضع و صداقت است.

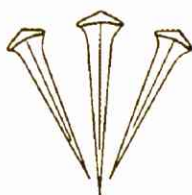
▲ **مریم باکره و کودک**
مسیح به مانند یک کودک اغلب برهنه تصویر می‌شود و بر روی پارچه سفیدی می‌نشیند تا نمادی از بیگناهی و پاکی و تقدس باشد. حضور مریم باکره به معنای ماهیت مادری او و وجه انسانی عیسی است.



◀ **عیسی مسیح**
مسیحیان معتقدند او پسر خداست و از مریم باکره متولد شده. در این تصویر روسی، عیسی همراه با هاله‌ای به دور سرش تصویر شده و دست راست خود را بالا برده است تا برای مومنان دعای خیر بگوید. سه انگشتی که با هم تماس دارند علامتی از تثلیث مقدس هستند. در صورتی‌که دو انگشت آزاد، نمادی از تواضع او و آمدنش به زمین در شکل انسان است. در دست چپ او کتاب مقدس است.

▶ **ماهی**
اولین حروف کلمات عیسی مسیح، پسر خدا و ناجی به مفهوم Ichthys یا «ماهی» در یونانی است. مسیحیان اولیه به عنوان علامتی سری از آن استفاده می‌کردند. یک نفر یک کمان آن را می‌کشید و شخص دیگر با کشیدن کمان خود آن را کامل می‌کرد.





▲ سه میخ

برای مصلوب کردن عیسی و محکم کردن دست‌ها و پاهای او، سه میخ شبیه به تاج تیغی به کار رفت که نمادی از قربانی متعالی مسیح است.

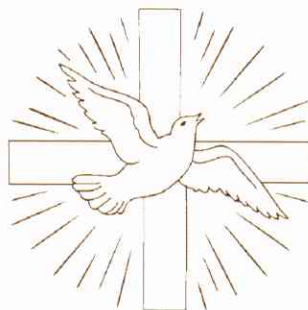


▲ تاجی از تیغ

بر روی سر مسیح قرار دادند تا حاکی از تحقیر او باشد، تاج تیغ از نظر مسیحیان علامتی از رنج برای نجات بشریت است.

► کبوتر

نمادی از روح القدس و سومین عضو تثلیث، کبوتر همچنین نمادی از صلح است و در هنگام بارگشت به کشتی نوح شاخه زیتونی را به همراه داشت.



▲ فلور د لی (نماد گل زنبق)^۱

از نظر مسیحیان، فلور د لی نماد تثلیث مقدس (پدر، پسر، روح القدس)، پاکی مریم باکره و جبرئیل فرشته است.

قدیسان مسیحی

قدیسان انسان‌هایی هستند که زندگی مخلصانه ویژه‌ای داشتند و کلیسا بعد از مرگشان، آنها را قدیس اعلام کرد. بسیاری از قدیسان، نمادی از ویژگی خاصی هستند نظیر سرسپردگی و اخلاص و به وسیله خصوصیاتشان مشخص می‌شوند. بعضی از علامت‌ها و نشانه‌ها حاکی از روش کشته شدن قدیسان است و برخی دیگر نظیر کلیدهای متقاطع، متعلق به قدیس پطرس حواری مشهورند به این که نمادی از خود قدیس پطرس هستند.



▲ قدیس سیاستین^۲

نیر نمادی از طاعون و قدیس سیاستین است. چون او از تیرهایی که به او اصابت کردند، جان سالم به در برد و چون اثر جای تیرها شبیه به علامت‌های بجا مانده از طاعون است، ویژگی او تیر است. اگر چه وی محکوم به سنگسار شد.

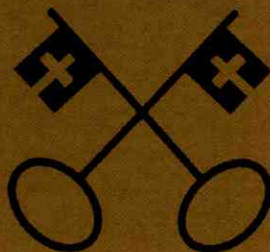


▲ قدیس فرانسیس آسیزی^۳

قدیس حامی حیوانات و پرندگان که اغلب در همراهی با آنان تصویر می‌شود تا نشانگر عشق او به طبیعت باشد.

▲ قدیس کاترین^۴

به خاطر باورهایش بر روی چهار چرخ شعله ور شهید شد و نمادی از اخلاص گردید. علامت او چرخ میخ دار است که به عنوان چرخ کاترین شناخته می‌شود.



▲ قدیس پطرس^۵

معمولاً در حالی تصویر می‌شود که کلیدهای آسمان را حمل می‌کند. قدیس پطرس به وسیله کلیدهای متقاطع نمادپردازی می‌شود که نشانگر قفل بودن در تکفیر و باز بودن در بخشایش است. کلیدها حکایت از قدرت او برای بخشش گناهان دارد.



▲ قدیس پولس^۶

در جاده‌ای به سوی داما اسکوس^۷ (دمشق) به مسیحیت تغییر کیش داد. قدیس پولس در دست راستش یک شمشیر دارد که شبیه به صلیب است و به آن اشاره دارد تا حاکی از تعلیم کلمه الهی به عنوان «شمشیر روح» داشته باشد. او همچنین یک نامه را حمل می‌کند که نمادی از نامه‌های زیادی است که به کلیساهایی نوشت که تاسیس کرده بود.

پرستش و عبادت

مسیحیان مومن برای عبادت به کلیسا می‌روند و به کارهای گوناگونی شامل غسل تعمید و مراسم تشییع جنازه توجه دارند. کاتولیک‌ها ممکن است با استفاده از تسبیح عبادت کنند و در بخش اصلی باورهایشان، شرکت در عشاء ربانی وجود دارد که پیروانی که ایمانشان تایید شده این کار را انجام می‌دهند که نمادی از اتحاد آنان با خداوند است.



► تسبیح

نام آن را (رزاری^۸) از رز سفید برداشته شده است که نمادی از پاکی و بی‌گناهی است. تسبیح را به صورت دایره‌ای می‌بندند.

▲ کلیسا



کلیساهای در سطوح زیادی نمادین هستند. در کلیساهای صلیبی شکل، سمت غرب را ناو می‌نامند که در لاتین به معنی «کشتی» است و این امر بعد از توصیفات اولیه برای کلیسا به گونه‌ای که ناو را به مانند کشتی می‌دانستند.

همچنین ببینید:

جام مقدس صص ۲۰۹-۲۰۸
معماری دینی صص ۲۳۱-۲۲۸
حالت‌های نمادین صص ۲۲۷-۲۲۴

► عشاء ربانی

آئین مقدس عشاء ربانی که به وسیله مومنان باید شده انجام می‌گیرد، از شام آخر آغاز شد. در زمانی که عیسی آخرین غذای خود را با حواریون خورد، او گفت که این نان و شرابی که با آنها تقسیم کرده است جسم و خون او بوده. بسیاری از مسیحیان، این معنا را به همین ترتیب برداشت می‌کنند، در صورتی که دیگران بر این باورند که این بیان، حقیقی نمادین است.



1- Fleur de lis
2- St. sebastian
3- St. paul
4- Damascus
5- St. peter
6- St. francis of assisi
7- Catherine
8- Rosary

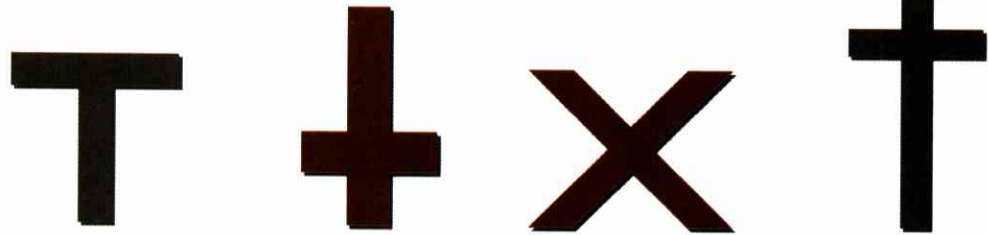


صلیب

اگرچه صلیب در گذشته تداعی‌های زیادی داشته، اما شاید شناخته‌شده‌ترین، نماد ایمان مسیحی است که دلالت بر قربانی شدن مسیح و مردن او بر صلیب دارد تا بشریت را نجات دهد. حتی ترسیم کردن علامت صلیب نیز نمادی از تثلیث مقدس است و در طول مراسم دینی به وسیله کشیش به عنوان دعای خیر در نظر گرفته می‌شود. این علامت به این صورت نشان داده می‌شود که بخش افقی بر روی بخش عمودی قرار می‌گیرد. در طول زمان، تغییرات بصری زیادی در صلیب صورت گرفته که هر کدام نمادپردازی ویژه‌ای دارد که منجر به اتخاذ آن صلیب خاص به وسیله گروه‌های مسیحی و سازمان‌های مختلف شده است. برای مثال، صلیب مالتی نمادی از حفاظت است و علامت آتش نشانان آمریکاست.

صلیب عیسی مصلوب

تصویر عیسی بر صلیب، موضوع مورد توجه سرسپردگی و اخلاص مسیحی است.



صلیب لاتینی

بخش عمودی بلند است و شاخه افقی کوتاه‌تر که نمادی از صلیبی است که عیسی بر آن مصلوب شد. اگرچه مسیحیان اولیه آن را ترسناک می‌دانستند و به جای آن از علامت ماهی استفاده می‌کردند اما به تدریج به عنوان نماد مسیحی پذیرفته شد.

صلیب قدیس اندرو

صلیب ایکس شکلی که آن را به عنوان سالتیر^۲ هم می‌شناسند و اشاره به صلیبی دارد که قدیس اندرو بر آن مصلوب شد و نمادی از سرسختی و پایداری در مشکلات است. این صلیب^۱ به عنوان علامتی بر روی پرچم‌های اسکاتلند و جامائیکا برگزیده شده است.

صلیب قدیس پطرس

بعد از این که قدیس پطرس به صورت معکوس بر این صلیب، مصلوب شد، آن را به این نام خواندند و از نظر مسیحیان، نمادی از تواضع است. اما در زمان جدید مفهومی شیطانی یافته و برای تمسخر نمادپردازی صلیب لاتین به کار می‌رود.

صلیب قدیس آنتونی

از آخرین حرف الفبای عبری برگرفته شده و به یونانی برگردانده شده است و به عنوان صلیب ناو^۳ شناخته می‌شود که شکلی استاندارد از صلیب بود که توسط رومی‌ها برای تصلیب به کار می‌رفت و نمادی از رستگاری و سعادت است.



صلیب مالتی

شبهه به صلیب یونانی است اما چهار بازوی آن به سوی بیرون بسط یافته‌اند و دم هر بازو باریک شده است. در نتیجه می‌توان در اطراف آن هشت ضلعی را فرض کرد که نمادی از تولد مجدد است و علامتی از احترام و حفاظت بوده و نماد سازمان‌های مسیحی گوناگونی است.



صلیب یونانی

صلیب یونانی چهار بازو با طول برابر دارد. این صلیب به صورت رایجی نماد مسیحی از قرن چهارم بود و بلافاصله شناخته می‌شد و نمادی از اشاعه و انتشار انجیل به همه بخش‌های دنیاست.



صلیب سلتی

در این شکل قدیمی، شکل صلیب به وسیله یک دایره احاطه شده که برخی گفته‌اند نمادی از اتحاد و عشق ابدی خداوند است و دیگران آن را به عنوان یک هاله در نظر می‌گیرند. صلیب سلتی در ایرلند مقدم بر مسیحیت است.



صلیب قبطی

صلیب قبطی از عنخ مصری، اتخاذ شده که به وسیله مسیحیان مصری اولیه، بعد از اشاعه مسیحیت توسط قدیس مرقس به کار می‌رفت. تغییراتی در شکل آن به وجود آمد و نماد مسیحیان اتیوپیایی شد.



صلیب کای - رو

از حروف ایکس و پی ساخته شده است که اولین دو حرف نام «عیسی» در یونانی است. این صلیب به وسیله امپراتور کنستانتین رومی برگزیده شد. از نظر خاستگاه باستانی، این صلیب، پیش از این نماد کروئوس یا خدای یونانی زمان بود.



▲ عیسی مصلوب

این عیسی مصلوب مربوط به قرن ۱۴ و ۱۵ از کلیسای کاتولیک در کرواسی مسیح را بر صلیب نشان می‌دهد در حالی که خداوند از بالا به او که در پایین است، می‌نگرد.



▲ صلیب معمولی

این کلیسای متدیست، جدید در سنگاپور، صلیب ساده‌ای را به نمایش می‌گذارد که شبیه به آن در بسیاری از کلیساهای پروتستان دیده می‌شود.

صلیب یا صلیب مسیح

صلیب در کل، نماد مسیحیت است، اما شاخه‌های گوناگون این دین از انواع مختلف صلیب استفاده می‌کنند. برای مثال پروتستان‌ها از صلیب معمولی و ساده استفاده می‌کنند که نمادی از مسیح است که از میان مردگان برخاست. کاتولیک‌ها عیسی مصلوب را اختیار می‌کنند که صلیبی با عیسی به صلیب کشیده شده است و نمادی از قربانی شدن عیسی است. حضور او بر صلیب نیز نمادی از فعل جاری و کار خداوند است که با مرگ و رستاخیز او، این کار پایان نیافته. برخی از صلیب‌های کاتولیک حجمه‌ای در پایین خود دارند که نمادی از «مکان حجمه» یا جلجلا است که عیسی در آنجا مصلوب شده است.

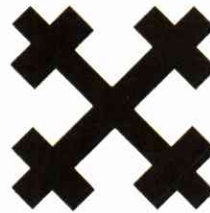
▲ صلیب لورن^۶

صلیبی که نشانی خانوادگی است و دو نرده دارد که به صورت سنتی طول یکسانی دارند و توسط کلیسای کاتولیک استفاده می‌شود تا به کاردینال (دومین مقام در کلیسای کاتولیک) اشاره داشته باشند. این صلیب به وسیله ژاندارک، قدیسه فرانسوی به پیکارها برده می‌شد و بعدها نمادی از فرانسه آزاد شد.



▲ صلیب پاپی

این صلیب فقط به وسیله پاپ استفاده می‌شود. سه نرده‌ی آن نشانی از آسمان، زمین و کلیساست که سه قلمرو تحت تسلط آن است. این صلیب در بالای سر پاپ در هیئت‌ها و جمعیت‌های پاپی حمل می‌شود.



▲ صلیب ژولیوس سزار

علامت آوازه‌خوانان دوره گرد است که از چهار صلیب لاتینی به وجود آمده که بر روی هم قرار گرفته و در بین آنها زاویه راست وجود دارد که هر یک به چهار گوشه دنیا اشاره دارد. به همین دلیل گاهی مواقع آن را به عنوان صلیب میسیونری یا تبلیغی می‌شناسند.



▲ صلیب ارتدوکس روسی

نمادی از توازن بین نجات و لعنت است که توسط کلیسای ارتدوکس روسی برگزیده شده. نرده پایینی نشان می‌دهد که گناهکاران توبه کار به بهشت می‌روند در صورتی که دیگران به جهنم سرازیر می‌شوند.

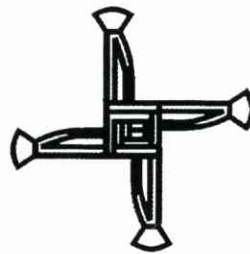


▲ صلیب غنچه‌ای

شکل خود را از صلیب لاتینی برداشته اما در انتهای بازوها، غنچه‌هایی که به شکل برگ شبیه است دیده می‌شود. این سه غنچه اشاره به تثلیث مقدس دارند و شاید از صلیب درویندی (سلتی) ناشی شده باشد که در آن گیاه سه برگی به نشانه زمین، دریا و آسمان است.

► صلیب غسل تعمید

این صلیب هشت بازو از یک ایکس که بر روی صلیب یونانی قرار گرفته، به وجود آمده و اغلب برای غسل تعمید به کار می‌رود، زیرا عدد هشت، علامتی از تولد مجدد است و همچنین اشاره به هشت روز بین ورود مسیح به اورشلیم و رستاخیز او دارد.



▲ صلیب عروس یا بریجید

این صلیب ایرلندی احتمالاً قدمتی قبل از مسیحیت دارد که ایرلند به عنوان قدیسه بریجید دارد که شاید از ایزدبانوی سلتی توسعه و تحول یافته باشد. این نوع صلیب معمولاً از پوشال و گاه برای عید تظہیر بر سر پافته می‌شود و نمادی از پاکیزگی و باروری است.



▲ صلیب لنگری

این لنگر به درستی صلیب قدیس کلمنت نامیده شده چون قدیس کلمنت گویا به لنگر بسته شده بود و در دریا انداخته شد که نمادی از لنگری است که مسیحیان را در طول طوفان‌های زندگی ثابت و استوار نگه می‌دارد.

▲ صلیب کاماگو^۷

این صلیب از کاماگو در جنوب فرانسه، سه بخشی دارد: صلیب، لنگر و قلب که نمادی از ایمان، امید و محبت (یا عشق) است. این لنگر همچنین به عنوان نمادی از ماهیگیران محلی است.

1- St. andrew
2- Saltire
3- St. anthony
4- Tau
5- Chi Rho
6- Lorraine
7- Camargue

شیطان و دیوها صص ۱۹۱-۱۹۰
تعزین‌ها صص ۱۹۵-۱۹۴
شکل‌ها صص ۲۸۹-۲۸۴
نگارشی تصویرری صص ۳۰۵-۳۰۰
نشان‌های خانوادگی صص ۳۲۳-۳۱۸
پرچم‌های صص ۲۹۴-۲۹۳

همچنین ببینید:
سر به عنوان نشان پرورزی صص ۱۱۱-۱۱۰
خدایان روسی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰
خدایان تروزی صص ۱۴۳-۱۴۲



اسلام

نظیر ستاره و هلال نمادهایی از این دین هستند. رنگ سبز نمادی از بهار و مهم است. قرآن اعلام می‌دارد که ساکنان بهشت جامه‌هایی از ابریشم سبز می‌پوشند.

پیروان دین اسلام یا مسلمانان به خدای یگانه اعتقاد دارند و این‌که محمد(ص) پیامبر اوست. اسلام دینی است که نمایش و تصویر انسان را در هنر ممنوع کرده، اما اشیاء گوناگونی

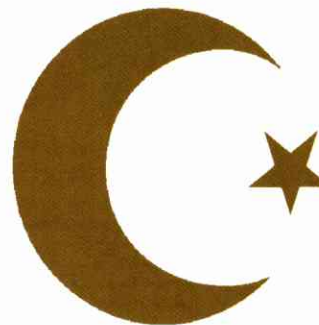


▲ گنبد مسجد صخره

مسجد نمادی از قلب دین اسلام و امت است. گنبد نمادی موت و قدیمی و نشانگر قوس آسمان‌هاست و مومن با گذر از دروازه قوسی به صورت نمادین به وضعیت دیگری از هستی وارد می‌شود. خلفا مسجد را به عنوان علامتی بارز از پرهیزگاریشان می‌ساختند. برخی مساجد نظیر گنبد مسجد صخره، مکان‌های مقدس خاصی هستند که حرمت آنها حفظ می‌شود. این نقطه‌ای که جبرئیل محمد(ص) را قبل از شب معراج در آسمان، به آن محل برد.

مسجد و مکه

مکان‌های عبادت مسلمانان، مسجد نامیده می‌شود که در آنجا مومنان جمع می‌شوند تا حداقل هفته‌ای یک بار نماز بخوانند. اگرچه مساجد طرح و ویژه‌ای ندارند، اما بسیاری از آنها یک گنبد و مناره‌های بلند دارند که در افق شهر، برجستگی آنها مشهور است و خودشان نمادهایی از دین اسلام هستند. برخی مساجد پنج ستون دارند که نشان‌دهنده پنج رکن در دین است و محرابی دارد که جهت مکه را نشان می‌دهد. مکه به عنوان قلب نمادین اسلام، جایی است که همه مسلمانان در تلاشند تا حداقل یک بار در طول عمرشان آنجا را ببینند. حج (زیارت) یکی از پنج رکن است.



◀ ستاره و هلال

در قرن چهاردهم، هلال ماه در کنار ستاره به عنوان نمادی از اسلام اختیار شده بود که به معنای قدرت مطلق و شان و بزرگی است. آنها تذکری از تقویم قمری هستند که زندگی دینی اسلامی، به وسیله آن نظم می‌گیرد.



▲ کعبه

مسلمانان در نماز رو به کعبه دارند که نمادی از اتحاد مسلمانان و یگانگی خداوند است. زائران هفت بار دور کعبه می‌چرخند که نمادی از هفت بار عروج محمد(ص) به آسمان است.



▲ مناره

مومنان از مناره به نماز فراخوانده می‌شوند و بخش مکمل بسیاری از مساجد و نماد بالقوای از ایمان اسلامی است. ممکن است نام خداوند را در نوک مناره قرار دهند که حاکی از تقوی او بر همه چیزهاست.



▶ چراغ مسجد

لامپ‌های فلزی یا سرامیکی، اغلب با زنجیرهایی در مساجد آویزان هستند. نوری که آنها تولید می‌کنند نمادی از حقیقت ابدی، خرد و قدرت خداوند است. همچنین علامتی از حضور خداوند در مسجد است.



▲ زیرانداز و جهت نماز

تمیزی در هنگام نماز امری مهم است. زیرانداز نمازگزار نشان‌دهنده مکان تمیز است و جهت نما، جهت مکه را نشان می‌دهد.



▲ نماز روزانه

مسلمانان پنج بار در روز، رو به مکه نماز می‌خوانند. ابتدا آنها کف دست‌هایشان را به طرف بیرون بالا می‌برند تا نشان دهند که آنها هر چیزی را بجز خداوند را در پشت خود رها می‌سازند. بعداً آنها زمین را یا پیشانی‌هایشان لمس می‌کنند و این کلام را می‌گویند که «خداوند بزرگ است» که نمادی از اطاعت خداوند است.



▲ کاشی سرامیک

مظهر تزئین اسلامی، به کار بردن کاشی‌های آرائش شده است. در مثال بالا از صنعتگری اسلامی، شکل ستاره نمادی از الوهیت و تفوق اسلام است.



▲ قرآن

متن مقدس اسلام قرآن یا Koran یا Qur'an است که بیان‌کننده کلام الهی است که به محمد پیامبر(ص) وحی شده و تصور می‌شود که نمادی از پیامبری محمد(ص) و حقیقت دین است. به زبان عربی نوشته است که زبانی است که کلام خداوند یا آن وحی شده. اغلب به این متن، کناره‌های زیبا و تزئینات طوماری شکل ضمیمه می‌شود.

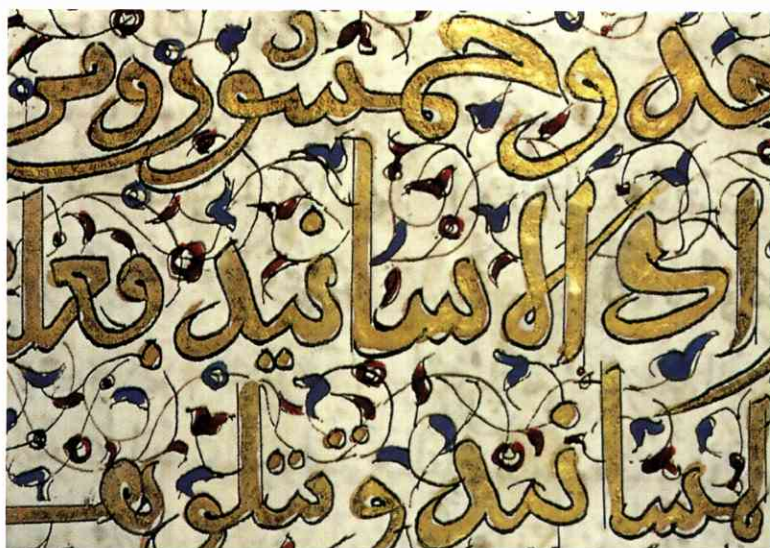


▲ مهره‌های نماز

تسبیح مسلمانان شامل ۹۹ مهره است که نمادی از ۹۹ نام الهی خداوند است. گاهی یک دانه خاص که بلندتر است و «رهبر» نامیده می‌شود به عنوان صدمین دانه اضافه می‌شود که همان اسم ذات است و فقط در بهشت یافت می‌شود. مسلمانان نام‌های خداوند را با ترنم اسم الله تا صدمین دانه تسبیح تلاوت می‌کنند.

► رمضان

رمضان نهمین ماه سال است و کسانی که قادر به روزه گرفتن هستند در طول ساعات روز، روزه‌داری می‌کنند. علائمی که شروع رمضان را نشان می‌دهد، به کار بردن عطر گل سرخ که عطری تند است و تهیه ظروف شیرینی سنتی یا استفاده از رشته فرنگی یا ورمیشل که بعد از غروب خورشید مصرف می‌شود. در مصر این جشن با چراغانی کردن فانوس‌های روشن ارتباط دارد که نمادی از شکرگزاری خداوند است.



▲ خطاطی

نمادی از زیبایی، قدرت و اتحاد است. خطاطی اسلامی، شکل هنری عالی و بی‌نقصی است. کلام‌هایی از قرآن و نام خداوند مهمه در تزئینات مذهبی و ادبی کاربرد دارد. دیوارهای کاشی کاری شده مساجد،





فرش اسلامی

سنت غنی‌ای از الگوهای هندسی نمادین در هنر اسلامی وجود دارد و بسیاری از آنها به مهارت‌ها و حرفه‌های سنتی وارد شده‌اند. در فرش‌های اسلامی، طیف ترکیب‌ها و رنگ‌ها فراوان است. اغلب صاحبان قالیچه‌ها می‌توانند رد خاستگاه‌های قالیچه‌هایشان را بگیرند و به شهر، ناحیه یا قبیله خاصی برسند.



۱. الگوها و تناسب

در فرش‌های متوازن از تناسب الگوها استفاده می‌شود و نمادی از نسبت‌های متوازن است. طرح شکل‌ها و جای آنها معمولاً به صورت مسایه در دو سوی محور مرکزی دیده می‌شود. تکرار الگوها برای نمادپردازی اتحاد در کثرت به کار می‌رود.

۲. کناره‌ها

اغلب در طرح فرش اسلامی چندین کناره وجود دارد که تعداد آنها نمادین است. سه، پنج و هفت و نه اعداد مقدسی هستند که برای تعیین تعداد کناره‌ها در فرش به کار می‌روند. سه کناره نشان داده شده در اینجا نمادی از زمین، آسمان، تقدس قدرت تولید و باروری است.

۳ و ۴. شکل‌ها

ستاره‌ها بسیار نمادین هستند و تعداد پرها و نوک‌های آن، معنای آن را مشخص می‌کند. ستاره هشت‌پر نمادی از مسیر زندگی از تولد تا مرگ است. نقطه مرکز فرش نمادی از خدای واحد و نقش مکه به عنوان مرکز اسلام است که همه مسلمانان رو به آن نماز می‌خوانند.

۵. رنگ‌ها

هر رنگی در فرش اسلامی، معنای متفاوتی دارد. برای مثال، رنگ زرد نمادی از وفور و زندگی متبیلانه است در صورتی که آبی، عمق غیرقابل دسترس و عدم تنهایی اسطوره‌ای آسمان و دریا است. سبز نشانگر بهار و بهشت است.





دین سیک

دین سیک، یک دین توهیدی است که در هند شمالی در قرن پانزدهم به وسیله گورو نانک^۱ بنیان نهاده شد و به وسیله نه گروی بعدی بر همان مبنا ادامه یافت. سیک‌ها به برابری مردم بدون توجه به دین آنها احترام می‌گذارند و به خدمت به دیگران، تواضع و نیایش روزانه تاکید دارند. آنها از خدایان یا گوروها، در معابدشان مجسمه‌هایی را ندارند، اما در عوض تعدادی از اشیا و اعمال را دارند که دارای نمادپردازی دینی مهمی است. تصاویر گوروها پیوسته بسیار نمادین بوده‌اند چرا که ظاهر سیک‌هایی را نشان می‌دهند که به شعائر عمل می‌کنند و پنج «ک» دارند.

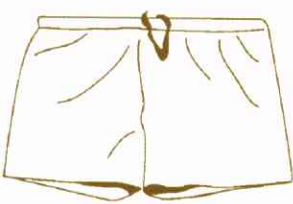


گوروناتک

اولین گورو از ده گورو است که تجسم خردمندی در دین سیک است. او همیشه با تسبیح‌هایی تصویر می‌شود و هاله‌ای هم در اطراف سرش وجود دارد که نمادی از شان و جایگاه مقدس اوست. چشم‌های نیمه باز او علامتی از جذب و خلسه معنوی و شوق اوست. ریش سفید نمادی از خردمندی است.

پنج «ک»

پنج موضوع با ظاهر مادی و پوششی وجود دارد که با حرف «ک» شروع می‌شود که دهمین و آخرین گورو یعنی گورو گوپیند سینگ^۲ در سال ۱۶۹۹ آنها را به عنوان علامات مشهود برای پیروان قوانین و قواعد دین سیک وضع کرد تا همه با این نظم عمل کنند. این پنج موضوع شامل: کیرپان، کنگا، کارا، کچرا و کش هستند. امروزه با اتخاذ این پنج «ک» سیک‌ها باور و غرور به دینشان را آشکار می‌سازند.

▲ کچرا^۱

شورت‌های نخی که بی‌شباهت به شورت‌های بوکسورها نیست، به وسیله همه مردان سیک به عنوان لباس زیر در همه اوقات پوشیده می‌شود. اگرچه آنها امکان انجام اعمال به صورتی آزادانه را دارند، ولی کچرا نمادی از خودمهار و خوشتنداری جنسی و تذکری از ممنوعیت زنا می‌محسسه است.

▲ کارا^۲

دستبندی فولادین که اشاره به توانمندی و صداقت دارد و همیشه در دست راست قرار می‌گیرد. شکل حلقوی آن نمادی از کمال و اتحاد با خداوند است و تذکری دائمی از عهدی که با همه سیک‌ها بسته شده: کاری را انجام ندهند که برای آنها مایه خجالت دینشان شود.

▲ کنگا^۳

شانه‌ای چوبی که نمادی از تمیزی و مهار روحی و اخلاقی است. سیک‌ها شانه‌ای را بر روی مو قرار می‌دهند و از آن روزی دو بار برای شانه کردن موهایشان استفاده می‌کنند تا خودشان را از مرتاضان هندو متمایز سازند چون آنها موهای نامرتب و کرک دارند.

▲ کیرپان^۴

سلاحی آیینی که نمادی از شجاعت و شرافت است و علامتی از آمادگی هر سیک برای دفاع از ضعف و ستم‌دیدگان. این سلاح نزدیک به پوست قرار می‌گیرد تا یادآورنده فتادیری انسان و نشانگر عدالت، نظم و اخلاق باشد.

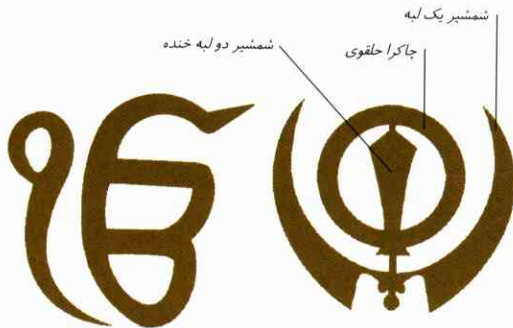
▶ کش^۵

موهای کوتاه نشده که کش نامیده می‌شوند نمادی از برهیزگاری هستند. آنها موهایشان را با کلاه عمامه‌ای متمایزی می‌پوشانند که علامت مشخصه دین سیک است.



علائم و نام‌ها

عقاید اصلی دین سیک، قدرت خداوند واحد و برابری است. علامت خنده^۱ از سه بخش ساخته شده است که نمادی از این اصول است. سیک‌ها از روشی برای نشان دادن برابری خود استفاده می‌کنند و آن اختیار نام «سینگ»^۲ برای مردان و «کاتور»^۳ برای زنان است.



▲ اک انکار^۴
به معنای «خداوند یکتاست» اینها در کتاب مقدس گورو گرانث صاحب دو کلمه اول هستند و سیک‌ها آنها را بیشتر از همه کلمات دیگر تکرار می‌کنند. این کلمات از سنگ‌نباهای دین سیک هستند و در شکل مکتوب خودشان، یکی از مشهورترین نمادهای سیک هستند.

▲ خنده
علامت دین سیک خنده است که شمشیر دو لبه و نمادی از حقیقت و عدالت است. دو شمشیر بیرونی قدرت خداوند را نشان می‌دهند. دایره نشان‌دهنده اسلحه چاکرا است که نمادی از ابدیت است.



گوبیند سینگ

همه مردان سیک، نام «سینگ» به معنای شیر را دارند در صورتی که زنان نام «کاتور» به معنای شاهزاده را دارند. در ابتدا شاگردان دهمین گورو یعنی گوبیند سینگ، نام «سینگ» را اختیار کردند و دیگران این روش را ادامه دادند. این یکتاوتی، تاکید دین سیک را بر برابری و طرد نظام کاست (نظام طبقاتی) نمادپردازی می‌کند که می‌تواند از آخر نام‌های آنها مشخص شود.

همچنین ببینید:

سه صص ۱۰۶-۹

ایزار و اسلحه‌ها صص ۲۲۵-۲۲۴

مکان‌های مقدس صص ۲۲۳-۲۲۲

پوشش سر صص ۲۵۱-۲۵۰

معبد یا گردواره

خداوند دین سیک، شکل مادی ندارد و بدون استفاده از نمادهای دیگر ادیان نظیر عود یا شمع پرستیده می‌شود. روحانی وجود ندارد و هرکسی می‌تواند مراسم عبادت را بجا آورد. اما در هر گردواره^۵ شخصی به نام گرانته^۶ منصوب می‌شود تا قرائت و مراقبت از کتاب متون مقدس را انجام دهد که گورو گرانث صاحب^۷ نامیده می‌شود. گاردوارا نقطه مرکزی زندگی دینی سیک و نماد پرستش و عبادت است.



وظایف گردواره

خدمت به جامعه نظیر پخت و پز (نشان داده شده در اینجا) بخش مهمی از ایمان سیک است و تذکری نمادین از فضایل خضوع و خدمت‌رسانی.

معبد طلایی

به وسیله چهارمین گورو یعنی گورو رام داس^۸ بنا نهاده شد و به وسیله پنجمین گورو یا گورو ارجان دو^۹ توسعه و گسترش یافته. معبد طلایی در امریتسار^{۱۰} بر روی دریاچه مقدس ساخته شده که آب‌های آن نمادی از آفرینش و وفور است. این معبد ساخته شد تا کتاب مقدس در آن قرار داده شود.



ورودی گردواره

برخی معابد سیک چهار ورودی دارند. آنها درهای معاش، تعلیم، لطف و صلح هستند. آنها این واقعیت را نمادپردازی می‌کنند که مردم از هر جهت مورد استقبال قرار می‌گیرند. به همین دلیل همیشه در معبد نور قابل رؤیتی وجود دارد.



کتاب مقدس

گورو گرانث صاحب نامیده می‌شود و شامل سرودهایی است که به وسیله گوروها و سایر نویسندگان سروده شده است و دین سیک بر مبنای آنها قرار گرفته. در هر معبد یک نگهبان برای نگاهداری از کتاب منصوب شده است. یک گردگیر مقدس یا چاری^{۱۱} که نمادی از احترام و قدرت مطلق است، در هر زمان که کتاب قرائت می‌شود، بر روی آن تکان داده می‌شود.



- 1- Guru nanak
- 2- Guru gobind singh
- 3- Kirpan
- 4- Kangha
- 5- Kara
- 6- Kachhera
- 7- Kesh
- 8- Gurdwara
- 9- Granthi
- 10- Guru granth sahib
- 11- Guru ram das
- 12- Guru arjan dev
- 13- Amritsar
- 14- Chauri
- 15- Khanda
- 16- Singh
- 17- Kaur
- 18- Ek onkar



▲ محراب مامی واتا^۱

در طول مراسمی آئینی، محراب‌ها به صورتی سنتی و سخاوتمندانه با شمع‌ها و موضوعات نمادین و هدایایی که با استمداد از لو^۲ ارتباط دارد، آلباشته شده است. در اینجا، مارهایی در اطراف دستان مامی واتا پیچیده شده که نمادی از باروری و شروع زندگی است. (تصویر چاپ در مجله‌ای از ایران است.)



وودوو



نظامی عقیدتی که با قدرت ارواح حاکم بر دنیای طبیعی ارتباط دارد. وو دوو به صورتی مخفی به وسیله بردگان بجا آورده می‌شد و آنها برای مخفی کردن دین خود از نمادپردازی استفاده می‌کردند.

عبادت کنندگان، سلامتی، اقبال و حفاظت خوب از ارواح اهریمنی را مقرر می‌دارد.

آئین وودوو

آئین‌های نمادینی در شکرگزاری برای اقبال پیش آمده یا درخواست کمک در زمان بیچارگی برگزار می‌شود. این عبادت کنندگان خواسته‌هایشان را اعلام می‌دارند تا توسط رقص یا سرود و ضربه طبل به دنیای روح و به خصوص با لوآ و ویژه‌ای مرتبط شوند، تا این که یک یا چند نفر از آنها به تسخیر روح درمی‌آیند. ایجاد وضعیتی خلسه مانند، دلالت بر سرپرستی عبادت کنندگان دارد و برای سایر معتقدان علامتی از ظهور و حضور روح است. سپس لوآ، اراده‌اش را از طریق این فرد به تسخیر روح در آمده به اطلاع می‌رساند و بیان می‌کند.

جادوی وودوو

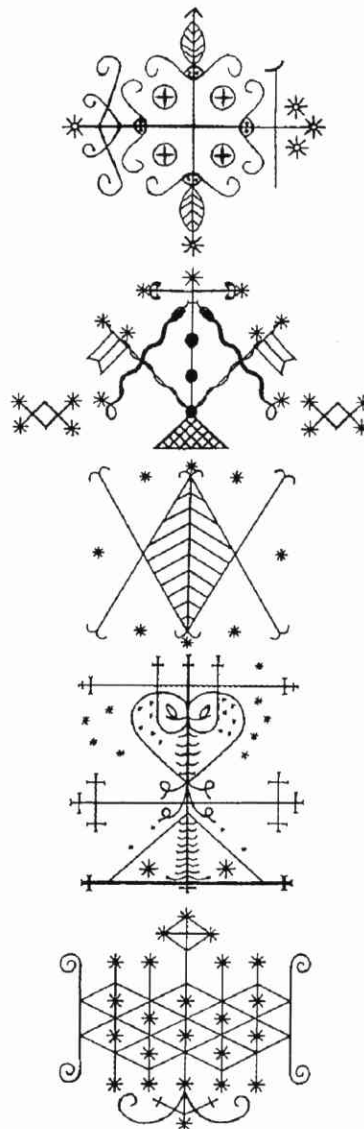
دو گروه لوآ وجود دارد: «رادا»^۱ یا ارواح نیکو که تصور می‌شود خاستگاه آفریقایی دارند، در صورتی که شاید «پترو» یا ارواح گزنده و آسیب‌رسان، خاستگاهی کارائیبی داشته باشند و بیشتر کینه‌توز هستند. تصور می‌شود جادوگران رادا، جادوی سفید را در شکل افسونی سودمند یا «وانگا» اجرا می‌کنند که شامل ساختن معجون عشق یا استفاده از سبزیجات شفا بخش است. شکل بدتری از وودوو بر روح ارواح پترو تمرکز دارد و با جادوگری یا جادوی سیاه ارتباط دارد.

► وورها

در آغاز آئین‌های وودوویی از غذا یا آرد ذرت ساخته می‌شود. وور هر لوآ منحصر به فرد و نماد همان لوآست. وورهایی که در اینجا نشان داده شده است اشاره دارد به پاپا لگبا^۹ (در بالا)، دامبالا لا فلامینو^{۱۰}، آیزان^{۱۱}، بریجیت^{۱۲} و اوگون^{۱۳} (در پایین). تعدادی از لوآها در هر آئینی فراخوانده می‌شوند.

- 1- Mami Wata
- 2- Loa
- 3- Voo doo
- 4- Vodun
- 5- Gran met
- 6- Veve
- 7- Rada
- 8- Wango
- 9- Papa legba
- 10- Damballah la flambeau
- 11- Ayizan
- 12- Brigitte
- 13- Ogoun

همچنین ببینید:
شیطان و دیوها صص ۹۱-۱۹۰



کلمه «وو دوو» از کلمه «و» دون^۱ از آفریقای غربی ریشه می‌گیرد که به معنای «روح» است. خاستگاه این دین در طول دوران بردگی در قرن هجدهم از هائیتی است و عناصری از تعدادی ادیان آفریقای غربی گوناگون را با هم به صورت ترکیبی دارد. بردگان، عقاید خود را با ترکیب کردن آنها با آئین‌های مسیحی زنده نگاه داشتند و اغلب نام‌های مسیحی را به ارواح قدیمی خود دادند و این در صورتی است که نمادپردازی آنها را حفظ کردند تا مدت‌های طولانی افراد ناآشنا، وودوو را با بدگمانی در نظر می‌گرفتند و تا حد زیادی نسبت به آن برداشت‌های غلطی داشتند و آن را با ارواح شیطانی و مردگان زنده ربط می‌دادند.

▲ عروسک‌های وودوو

از الباف طبیعی و با سر حیوان ساخته شده. این عروسک وودوو حاکی از موهبت دنیای طبیعی و در تقابل با نازایی و بی‌حاصلی است. یک عروسک ساخته می‌شود تا موجب تغییری در شخص شود. گویا آنچه که برای عروسک انجام شده، برای فرد هم رخ می‌دهد.

لوآ

مفهوم «روح» برای فرهنگ وودوو امری اساسی است و خودش را در تعدادی از روش‌های گوناگون متجلی می‌سازد. پایین‌تر از الوهیت متعالی یا گرن مت^۲ (رئیس بزرگ) تعداد کثیری «لوآ» (دقیقا به معنای راز یا سر) وجود دارد که هر کدام روح جد و نیایی با اهمیت است نظیر یک پادشاه، روحانی بزرگ یا یک قهرمان در زندگی گذشته. هر کدام از این لوآها به وجوه مختلف دنیای طبیعی اشاره دارند نظیر سلامتی، مرگ، عشق، جنگل‌ها، نه‌رها و قدرت تاثیرگذاری در وضعیتی بهتر یا بدتر را نمادپردازی می‌کنند. بنابراین، لوآها در مرکز عبادت وودوو قرار دارند. معتقدان به دین وودوو به لوآها استغاثه می‌کنند و در آغاز مراسم آئینی نمادی آئینی را بر روی زمین می‌کشند که «وور»^۳ نامیده می‌شود. هر

لوآیی نماد مختلفی دارد که از ترکیب نقش مایه‌هایی به وجود می‌آید که به وجوه مختلف قدرت‌ها و شخصیت‌های او اشاره دارد. مبنای دو سویه‌ای برای ارتباط بین معتقدان و لوآهای آنان وجود دارد و این اشکال بخش اصلی مناسک است. متقابلاً در مورد غذا و نوشیدنی، معتقدان به لوآها می‌گویند که لوآها از این غذا و نوشیدنی استفاده می‌کنند.



۱۸۸

اسطور ہما وادیان





شیطان و دیوها



کیش شیطان

اخیراً چند فرقه شیطانی توسعه و تکامل یافته است. برای مثال کلیسای شیطان، دین نظام یافته را طرد می‌کند و در عوض بر احترام به شیطان تأکید دارد. در اینجا او نمادی از اهریمن نیست اما صرفاً در نقطه مقابل خداوند قرار می‌گیرد.

بیشتر فرهنگ‌ها خواه باستانی یا معاصر، چهره‌ای از اهریمن یا دیوها را در دین و اسطوره‌شناسی خود دارند. آنها در بهترین حالت به شومی و بدبختی و فقر سلامت اشاره دارند و در بدترین حالت، آنها تجلی اهریمن و مرگ هستند. همچنین چنین چهره‌هایی با تاریکی و جنبه‌ی ناشناخته پیوند دارند. آنها نشان‌دهنده بزرگ‌ترین ترس‌های ما هستند به خصوص شیطان که نمادی از جهنم است که در نقطه مقابل بهشت قرار دارد.

شیطان و شیطان‌گرایی

در کتاب مقدسی، شیطان رقیب و هم‌اورد خداوند است. به عنوان فرشته ابلیس، او به خاطر چالش کردن با اقتدار خداوند از آسمان و ملکوت طرد شد. در نتیجه شیطان نمادی از اهریمن صرف است که استاد فریبکاری و مظهر اغوا و وسوسه‌گری است. در طول قرون وسطی، به کسانی اهریمن گفته می‌شد که در برابر مسیحیت طغیان می‌کردند. بسیاری از تصاویر عامه‌پسند و محبوب که امروز از شیطان وجود دارد از این زمان ناشی می‌شود و هرکدام نمادپردازی خودش را دارد.



ست

از نظر مصریان باستان، خدای ست نماد اهریمن است. او خدای آشفته‌گی، طوفان و جنگ است. اصطلاح شیطان‌گرایی (Satanism) شاید از Seitanism مشتق باشد که برای توصیف پرستش ست به کار می‌رفت.

اهریمن

زرتشتی که دین ایرانیان باستان بود، اولین موردی است که خیر و شر را به عنوان نیروهای متضاد به رسمیت می‌شناسد. اهریمن که نمادی از بدی و شر است بر مفهوم شیطان در یهودیت و مسیحیت تأثیر گذاشت.



شیطان به مانند افعی

شیطان در تعویض شکل خود برای فریبکاری، ماهر و استاد است. او شکل مار را به خود گرفت تا آدم و حوا را اغواء کند به این منظور که میوه ممنوعه را در بهشت عدن بخورند. نفرین خداوند برای مار، او را نماد بالقوای برای محروم شدن از فیض و لطف خداوندی ساخت.



عشاء ربانی سیاه

شیطان گراها به صورتی سنتی «عشاء ربانی سیاه» را انجام می‌دادند که در آن بیشتر نمادهای مسیحی معکوس می‌شد. صلیب به صورت معکوس آویزان می‌شود و خون، شرابی نیست که از جام نوشیده می‌شود. ممکن است اشاره‌های تلویحی جنسی یا قربانی به کار رود که حاکی از تسلط ماهیت جسمانی ما باشد.

سر نونوس

مسیحیان قرون وسطی نه تنها شیطان را با نیزه سه شاخه مرتبط می‌دانستند، بلکه شاید آنها شاخ‌های خدای سلتی، یعنی سرنونوس را به او دادند. یا شاخدار کردن نمادین شیطان، آنها خدای مشرکان را توصیف می‌کردند.



مهر یا نشان جادویی بفومت

سه بازوی بایینی بفومت (بزی که به وسیله Eliphas levi کشیده شد و شامل عناصر دوتایی و نشان‌دهنده کل جهان است اما به خاطر برگزیدن آن به عنوان نماد از طرف کلیسای شیطان، با شیطان‌گرایی ارتباط یافت) اشاره به طرد تثلیث مسیحی دارد و دو بازوی بالایی، شاخ‌های سر بزی است که نمادی از امور شهوانی و نفسانی است.

نیزه سه شاخه

در طول قرون وسطی، مسیحیان، ویژگی‌های «اهرمیتی» را به خدایان مشرکان مربوط می‌دانستند تا آنها را بی‌اعتبار کنند. نیزه سه شاخه که در ادیان هند و یونان باستان، سلاحی در برابر اهریمن بود تغییر وضعیت داد و نمادی از اهریمن و ابزار اهریمن شد.



کتاب گرموره از انوریوس

کتاب‌های جادوی سیاه در طول قرون وسطی غیر معمول نبودند. این کتاب (گرموره که ادعا شده به وسیله پاپ انوریوس نوشته شده است و شامل تعالیم گفتارهای عشاء ربانی است تا یک روحانی از آن استفاده کند) شامل طلسم‌ها، نمادها و دستوراتی بود که در قرن هفدهم منتشر شد و تعلیماتی را برای بیان در عشاء ربانی ارائه می‌داد تا دیوان را سحر کند. این کتاب باعث مضحکه عشاء ربانی مسیحی بود که نمادی از توهم و بی‌حرمتی به مقدسات شد.





دیوها و اهریمنان

دیوان در طول زمان در باورهای تمدن‌های زیادی نقش داشته‌اند و اغلب به عنوان تجلی اقبال بد و شرارت مورد توجه بوده‌اند. آنها همچنین به عنوان اشاره‌ای بر وجه تاریک‌تر افراد درک شده‌اند و برای توضیح بیماری ذهنی به کار رفته‌اند. در موارد زیادی، دیوان به صورت تفکیک‌ناپذیری با خرافات و نیاز مردم پیوند دارند و همواره این سوال در مورد فهم این که چرا امور بد در دنیا با وجود حضور خداوند که ذاتا خیر است و گویا قادر مطلق است، وجود داشته است با این حال بیشتر نمادپردازی‌هایی که با دیوان و اهریمن ارتباط دارد به نبرد بین خیر و شر مربوط می‌شود.

▲ دیو قرون وسطایی

افسانه‌های مسیحی در زمان‌های قرون وسطی - شبیه به آنچه که درباره قدیس آنتونی بزرگ است که او به طور بی‌امانی به وسیله دیوان تعقیب می‌شد - نمادی از قدرت ایمان به خدا در برابر وسوسه اهریمن بود.

▲ گولا

در اسطوره‌شناسی بین‌النهرینی، هفت دیو وجود دارد که گولا نامیده می‌شدند و نماد مرگ و تاریکی هستند. آنها شب‌ها در جستجوی قربانیان برای به زیر کشاندن آنها به دنیای زیرین، پرسه می‌زنند.

▶ دختران مارا

در دین بودایی، دیو مارا نمادی از وسوسه است، او همان کسی است که سعی داشت تا حواس بودا را در مراقبه‌اش برت کند. او حتی دختران زیبایی را در تلاش برای پریشان کردن او فرستاد. بودا پیش رفت تا به روشن‌شدگی رسید و اصول اعتقادی خود را نظم بخشید.



جن‌گیری

تصور می‌شد که شیطان قدرت ورود به جسم افراد را دارد، حتی اگر خود آنها هم نخواهند. در آئین نمادین مسیحی، در جن‌گیری، برای برطرف کردن روح شیطانی وسایل زیر را به کار می‌بردند.



▲ دیو بابلی

در بابل به صورت متداولی، باور داشتند که شخص یا بیماری روحی یا جسمی یا شخصی که از فقدان عمیق سلامتی رنج می‌برد، خدایان را آشفته و نگران می‌سازد. این بدبختی و بدقابلی آنها نمادی از این موضوع و دلیلی برای در کار بودن دیوان بود.

▲ خدای هاوایی کو

در فرهنگ‌های بسیاری، خدایان نظیر کو ظاهری دیوی دارند تا ترس و هیبت را در میان پرستش کنندگانشان بیافرینند. این امر برای «بیگانگان» مشکلی را به وجود می‌آورد تا بین وجه خدایی و دیوی تمایز قائل شوند.

▲ توکولوشه

دیوان در آفریقای جنوبی به شکل توکولوشه نمادپردازی می‌شوند. در بین مردم ترس از این دیوان شایع و رایج است و گروهی از مردم رختخوابشان را بر روی آجر و خشت قرار می‌دهند تا بالا بایند و از حمله این ارواح در شب جلوگیری شود.



▲ راهو

راهو، اسوره‌ای بود که به خاطر نوشتن از جام جاودانگی کردن زده شد. او نماد خسوف و کسوف است زیرا او خورشید و ماه را تعقیب می‌کند و آنها را می‌بلعد. ولی آنها مجدداً از طریق راهو ظاهر می‌شوند.

▲ اسوره

در اسطوره‌شناسی هندو، اسوره‌ها طالبان قدرتی بودند که دانما یا خدایان نبرد داشتند. اگر چه اغلب به آنها به عنوان دیوان اشاره می‌شود، اما این موجودات نمادهایی از اهریمن صرف نبودند بلکه بخشی از تعادل بودند.

▲ راوانای ده سر

از نظر هندوان، راوانا تجسم اهریمن و اشاره به نفس دارد. او با ده سر تصویر می‌شود و دست‌های زیادی که نماد تمول و حرص اوست. مجسمه‌های راوانا در جشن دوشرا^۴ سوزانده می‌شود.

همچنین ببینید:

- 1- Baphomet
- 2- Seth
- 3- Cernunnos
- 4- The grimoire of honorius
- 5- Tokoloshi
- 6- ku
- 7- Ravana
- 8- Dussehra
- 9- Asura
- 10- Rahu

ماه صص ۱۸-۱۹
خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹
خدایان نروژی و سلتی صص ۱۴۲-۱۴۳
ابزار موسیقی صص ۲۷۴-۲۷۵







تعویذها

برای بیشتر از هزاران سال از تعویذها در جهت حفاظت و توانمندی استفاده شده است و نمادی از قدرت بخشی هستند. اغلب از مواد طبیعی نظیر عاج، سنگ‌های قیمتی و چوب ساخته می‌شوند. این اشیاء کوچک را به عنوان طلسم هم می‌شناختند و به خاطر زیبایی‌شان استفاده می‌کردند و یا این‌که افراد به منظور اقبال خوب، حفاظت و توانمندی، آنها را حمل می‌کردند. تعویذها ممکن است خاستگاه‌های دینی یا خرافی داشته باشند و اغلب نمادی از میل به دفع و دور ساختن شیطان هستند.

کهریا یا شق

گاهی در آمریکای جنوبی، به نوزادان تازه متولد شده، دستبند طلایی داده می‌شود که بر آن مشت گره شده‌ای آویزان است که از مرجان قرمز یا سیاه ساخته می‌شود. این طلسم نمادی از مقاومت است و کودک را از چشم شیطان یا مال دو آغوا حفظ می‌کند که با تحسین افراطی ارتباط می‌یابد.



چشم

در سراسر خاورمیانه دیده می‌شود. تعویذی که استفاده کننده را از «چشم شیطان» محافظت می‌کند. نقل شده که از حسادت دیگران ناشی می‌شود. نماد چشم، نگاه‌های خیره تماشاییان و ناظران را منحرف می‌کند.

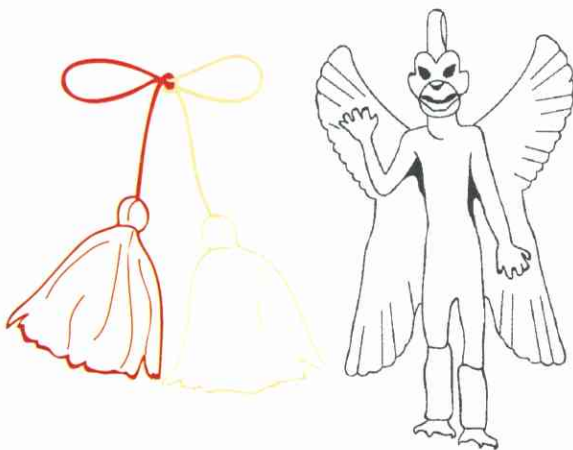
قوطی معطر

این قوطی‌ها حاوی بوی خوش و ادویه جانی بودند که به دور کردن آویخته می‌شد و در قرون وسطی متداول بود. نمادی از مهربانی و حفاظت و از آنها به عنوان محافظت در برابر بیماری‌های واگیردار استفاده می‌شد.



دستبند طلسم نقره‌ای

برای دختران جوان از آغاز قرن بیستم محبوب بود. دستبندهای طلسم نقره‌ای در روزهای تولد به همراه طلسم‌های اضافی که در سال‌های بعدی به آنها اضافه می‌شدند، اهدا می‌گردیدند. هر طلسم نقره‌ای معنای متفاوتی دارد. برای مثال نعل اسب نمادی از اقبال بود، کوبید به معنای عشق و لک لک تولد بچه را نمادین می‌کند.



بازوزو

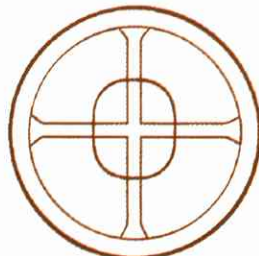
منگوله‌های نخ قرمز و سفید

بر طبق سنت بلغاریه منگوله‌های سفید و قرمز را به دور مچ دستشان به عنوان طلسم می‌بندند تا فرا رسیدن بهار را سرعت بخشند. رنگ‌های قرمز و سفید با هم نمادی از شادی و خوشی است.



تعویذ شوالیه

شوالیه‌های قرون وسطی اغلب تعویذهایی را در تیرد استفاده می‌کردند. این نمونه از کمریند شوالیه‌ای لهستانی به دست آمده که وفور، سلامتی، نمول و قدرت را نمادین می‌کند.



تعویذ قلذی

تعویذ فلزی

پادشاهان آشوری از گردنبندهایی با تعویذ فلزی استفاده می‌کردند که حامل نمادهای حفاظتی خدایان بود. فلز نشانه‌ای از توانمندی زمین بود.



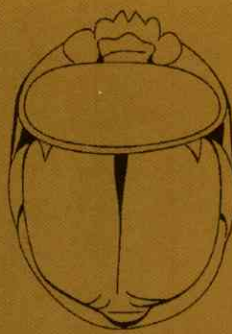
چشم هوروس

چشم راست هوروس نمادی از خورشید و چشم چپ نمادی از ماه بود. به عنوان یک نماد، این چشم جهت محافظت در برابر اهریمن است و همچنین به استفاده کننده قدرت‌های شانه‌خشی را اعطا می‌کرد.



عنخ

عنخ یا خورشید ارتباط داشت و زندگی ابدی را نمادپردازی می‌کند. اغلب از طلا یا مس ساخته می‌شد و عموماً در قبور متوفیان قرار داده می‌شد تا تنفس مورد نیاز برای بعد از مرگ را نمادپردازی کند.



سوسک سر گین غلتان

خدای خورشید مصری یعنی خیری را نمادپردازی می‌کند که خورشید را در سراسر آسمان می‌غلتاند. همان گونه که این سوسک پهن تالاهایش را می‌غلتاند. تصور می‌شد که این سوسک از قلب هم محافظت می‌کند و در نتیجه به عنوان تعویذ از آن استفاده می‌شد.

تعویذهای مصری

نمادپردازی بخش مهمی از زندگی در مصر باستان بود و بویژه در استفاده از تعویذها، نقش مهمی می‌یافت. آنها از سفال، جواهر و فلزات ساخته می‌شدند. تعویذها حاکی از ویژگی‌های حیوانات یا خدایان خاصی بودند و به عنوان نمادهای ستایش، حفاظت و اقبال استفاده می‌شدند که با مومیایی شدگان برای سفر به دنیای دیگر مدفون می‌شدند.

تعویذ جواهر نشان

نمادی از نور و حقیقت پنهان شده است. تعویذهای جواهر نشان برای حفاظت در برابر اهریمن و به منظور شناسایی و تعیین هویت با متوفی دفن می‌شدند چون آنها می‌توانستند فرد متوفی را به سطح و شان درستی در زندگی بعد از مرگ برسانند.



هی تیکی

طلسمی مانوری بود که به شکل یک انسان ساخته می‌شد و نمادی از جنین به حساب می‌آمد این طلسم به وسیله زنان استفاده می‌شد تا نویدبخش باروری باشد.



قدیس کریستوفر

گاهی به عنوان حفاظت در برابر «مرگ سیاه» یا طاعون استفاده می‌شد. تعویذهای قدیس کریستوفر نمادی از سلامت و ایمنی به خصوص در زمان سفر است.



پای خرگوش

در غرب به مدت طولانی، نمادی از اقبال خوب بود. آنها بر این باور بودند که پای خرگوش برای فرد باروری را به همراه می‌آورد و همچنین برای جینی‌ها رفاه و سعادت را به ارمعان می‌آورد.



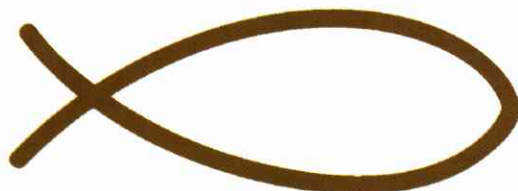
دندان ببر

تعویذهایی با خاستگاه حیوانی نظیر پنجه‌ها و دندان‌ها حاکی از کفایت مثبت آن مخلوق است. دندان ببر، دلیری و توانمندی آن حیوان را نمادپردازی می‌کند.



قاب آویز

زمانی به عنوان ظرفی برای ادویه‌جات از آنها استفاده می‌شد تا بیماری و اهریمن را دور کنند. قاب آویزها در زمانی که حاوی دسته‌ای از موها یا تصویر کسی بودند که فرد او را دوست داشت، نمادی از عشق به حساب می‌آمدند.



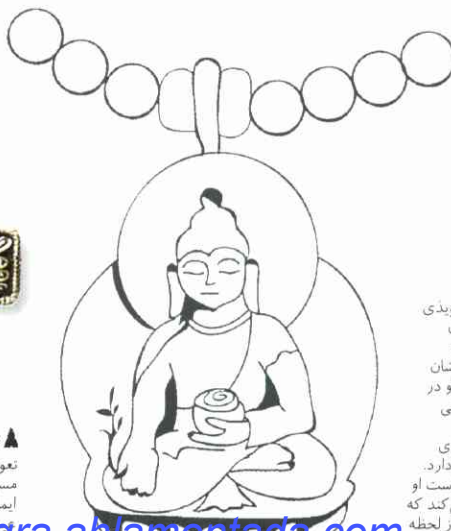
ماهی

در زمان‌های قدیم به عنوان تعویذی که حاکی از باروری است، استفاده می‌شد. ماهی بعدها به عنوان نمادی مسیحی شد و به عنوان علامت رمزی و طلسم به کار رفت. در آمریکای شمالی، ماهی حیوانی توم است و نمادی از معرفت نهفته بوده و از آن برای حفاظت استفاده می‌شود.



مسیح مصلوب

تعویذی که حاکی از مصلوب شدن مسیح است. به مدت طولانی نمادی از ایمان مسیحی بوده. این مظهر «خیر» برای محافظت است که در برابر اهریمن محافظت می‌کند.



طلسم بودا

بوداییان اغلب تعویذی از بودا را به عنوان نشانه‌ای صوری و ظاهری از اخلاصشان استفاده می‌کنند. او در رست‌های گوناگونی ظاهر می‌شود که هر کدام نمادپردازی خاص خودش را دارد. در اینجا دست راست او زمین را لمس می‌کند که نشانه‌ای نمادین از لحظه روشن‌شدگی بوداست.

حقه‌بازان، قهرمانان و توت‌های قبیله‌ای

صص ۱۵۱-۱۵۰

خورشید صص ۱۶۷-۱۶۴

بودیسم صص ۱۶۹-۱۶۴

مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶

همچنین ببینید:

خورشید صص ۱۶۷-۱۶۴

سرس صص ۱۰۹-۱۰۶

باروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰

خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸



غیبگویی

خواندن علامات

روش‌های بیشمار وجود دارد که در آنها «خوانندگان» می‌توانند آینده را پیشگویی کنند و یا یک وضعیت مورد نظر را به وسیله خواندن «علامات» تفسیر کنند. این امر ممکن است شامل مشاهده شکل ساخته شده به وسیله دودی باشد که بالا می‌رود، مشاهده چگونگی اشکال موم ذوب شده باشد در حالی که منجمد می‌شود، یا نگاه کردن به الگوهای ساخته شده به وسیله باقیمانده چای یا ته نشین قهوه باشد. در تمام نمونه‌ها، شکل‌های حاصل شده نمادی از معانی عمیق‌تر هستند. برای مثال خط دو شاخه یا چند شاخه از دود سیگاری که بالا می‌رود حاکی از تصمیم‌گیری است در صورتی که یک خط صاف، نویدبخش نتیجه‌ای مثبت است.



استخوان‌های غیبگو

شکل چینی قدیمی در مورد پیشگویی، شامل تعدادی از نمادهایی است که بر استخوان حیوانی کشیده می‌شد و چندین حفره ایجاد شده و مسیرهایی را در بین آنها به وجود می‌آورد. وقتی استخوان داغ می‌شد، ضعیف شده و ترک می‌خورد و خط‌هایی را به وجود می‌آورد. سپس ارتباط آنها با نمادهای مختلف تفسیر می‌شد تا معانی پیشگویی شود.



باقیمانده چای

هنر فال جای شامل خواندن شکل ساخته شده به وسیله باقی‌مانده چای در فنجان بعد از نوشیده شدن چای است. الگوهای ته فنجان نشانگر گذشته است و شکل‌های رو به بالا، آینده را نشان می‌دهد. هر شکل - برای مثال کلاغ سیاه، میوه بلوط یا برجم - معنی نمادینی مثل خبرهای خوب، موفقیت یا خطر را به همراه دارد.

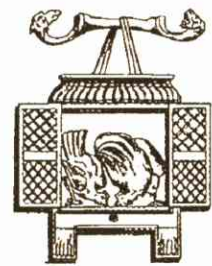
پاندول
استفاده از پاندول، شکلی از یافتن آب یا چوب است. غیبگو مجموعه‌ای از سوالات ساده را می‌پرسد و جهت حرکت پاندول حکایت از پاسخ آری یا خیر دارد.

مشاهده حرکت

سوالاتی که به پاسخ «بله» یا «خیر» نیاز دارد متکی بر ساده‌ترین «نشانه از مشاهده حرکت» است. خواه در شکل تفسیری از نوسان پاندول، الگوها و شکل‌هایی که گروه‌هایی از پرندگان در حال پرواز می‌سازند یا تغییر یافتن دو ترکه چوب که برای پیدا کردن آب به کار می‌رود. چنین شکل‌هایی از پیشگویی برای سال‌های زیادی استفاده می‌شده و دست‌کم به زمان‌های مصر باستان بازمی‌گردد.

نظاره جوجه

حکمای رومی اغلب قبل از پیکارها با جوجه‌های مقدس مشورت می‌کردند. روشی که برنده‌ها غذایشان را می‌خوردند و به زمین ناخن می‌کشیدند، نمادین بود. خوردن علامتی خوب بود و اگر آنها از خوردن غذا امتناع می‌کردند بدشگون بود.



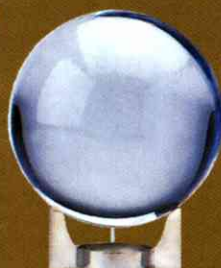
کاسه پیشگویی

قوم بوروبا^۱ در نیجریه، کاسه‌ای را پر از شن می‌کنند و سپس با یک ترکه چوب به آن ضربه می‌زنند. پیشگو، الگوی به دست آمده از شکل‌شن‌ها را تفسیر می‌کند. (مطالب مطرح شده در این قسمت هیچ مبنای عقلی و علمی ندارد و تنها مطالبی است که گروهی در بستر زمانه بافته‌های ذهنی خود را به این ترتیب و شکل و نظام داده‌اند و با القاء ذهنیات خویش، مراجعان خود را تحت تأثیر قرار می‌دادند.)



توپ بلورین

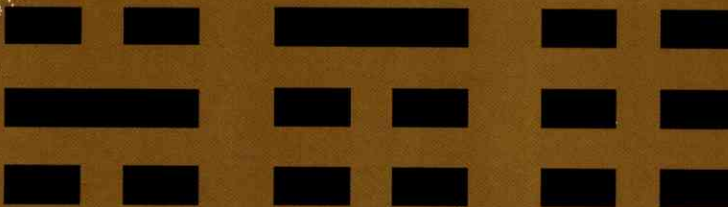
اغلب برای غیبگویی از آن استفاده می‌شد. این توپ بلوری، پرتوهای خورشید یا نورهای دیگری را متمرکز می‌ساخت و در انجام این کار نمادی از نور الهی و قدرت آسمانی بود. غیبگو سپس سعی می‌کرد ذهن خود را خالی سازد و به عمق این توپ بلوری خیره می‌شد تا شاید از آن بارقه‌هایی را دریافت کند که صحنه‌هایی از وقایع گذشته یا آینده‌ای است که هنوز اتفاق نیفتاده.





ای چینگ

به عنوان کتاب تغییرات هم شناخته می‌شود. ای چینگ^۱ بنیاد و اساس فلسفه چینی است و برای پیشگویی هم استفاده می‌شود و بر مبنای تفسیر شش خطی‌هایی است که از هشت انگاره سه خطی ساخته شده است (که در اینجا نشان داده شده) هر کدام از سه خط شکسته (یین) و توپر (یانگ) تشکیل شده است که به صورت تصادفی به وسیله انداختن سکه یا تاس انتخاب می‌شود. هر سه خطی حاکی از وجوه گوناگون جهان است یعنی شکلی، ارتباطی، جهت و ماهیتی مختلف و بخشی از بدن.

▲ سه خطی زمین (کون^۲)

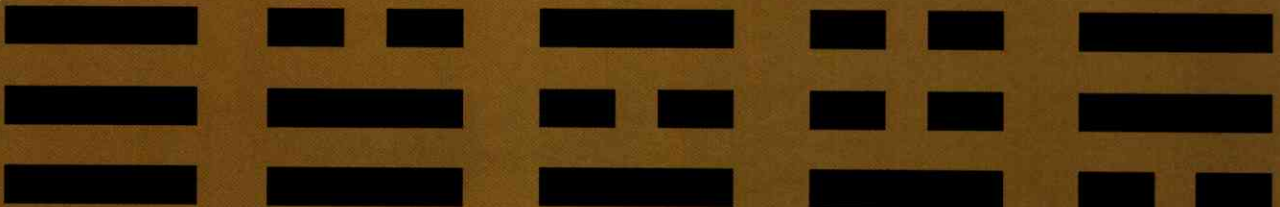
نمادی از پذیرش است. علامت کون از سه خطی‌های یین تشکیل یافته است و بنابراین مونث است و نشانگر مادر است و با عنصر زمین، جهت غرب و اندام‌های تولیدمثل ارتباط دارد.

▲ سه خطی کوه (کن^۳)

بیشتر یین است تا یانگ. این نمادی از آغازها و فرجام‌ها و حاکی از «جوان‌ترین پسر است و با عنصر زمین، غرب و دست‌ها ارتباط دارد.

▲ سه خطی آب (کان^۴)

کان نمادی از کار سخت و همداری در برابر رکود و کم‌کاری است. این سه خطی بر «پسر میانی» دلالت دارد و با ماه، آب، شرق و گوش پیوند دارد.

▲ سه خطی باد (سان^۵)

نمادی از مهریابی و آرامی است و حاکی از «بزرگ‌ترین دختر» است. با جنوب نرم، شرق، مفضل ران و کل‌ها ارتباط دارد.

▲ سه خطی تندر (چن^۶)

نمادی از رشد و نیروی حیاتی است و نشانگر «بزرگ‌ترین پسر» است و با جنوب سخت، نرمی و لطافت، شرق و پاها ارتباط دارد.

▲ سه خطی آتش (لی^۷)

نمادی از نور است و حاکی از شکوه است و نشانگر «دختر میانی» است و با آتش، خورشید، شرق و چشم ارتباط دارد.

▲ سه خطی دریاچه (توی^۸)

نمادی از خوشی و مسرت است. این سه خطی نشانگر «کوچک‌ترین دختر» است و با فلز نرم، غرب و دهان ارتباط دارد.

▲ سه خطی آسمان (چین^۹)

نمادی یانگ از انرژی خلاق و مذکر است. به «پدر» اشاره دارد و با فلز سخت، غرب و سر ارتباط دارد.

روش‌های پرتابی و انداختن

فرهنگ‌های بسیاری از پرتاب چیزهایی مثل سنگ، چوب، یا اشیاء مشابهی برای غیبگویی استفاده می‌کنند. ای چینگ شاید از شناخته شده‌ترین این روش‌ها باشد. اما آنها خیلی بیشتر هستند شامل حروف الفبایی و جادویی رون^{۱۰}، تاس و حتی پوسته‌های نارگیل. در این روش ممکن است تنها از یک چوب استفاده شود همان‌گونه که در روش کان کیم است یا پرتاب ۲۴ حروف الفبایی رون. ماهیت پرتاب این‌گونه است که نتیجه تصادفی و آماری به دست می‌آید و تفسیر نمادینی در هر بار از نو صورت می‌گیرد.



▲ تاس

تاس‌ها احتمالاً قابل تشخیص‌ترین نمادهای شانس هستند. سبک‌های گوناگونی برای پرتاب آنها در مورد مقاصد غیبگویی وجود دارد. یکی از این روش‌ها، شامل پرتاب سه تاس است. هر نتیجه‌ای در چرخش و پرتاب حاصل می‌شود و عدد نشان داده شده در زمانی که تاس در حالت ثابت خود قرار گرفت، به همان ترتیب تفسیر می‌شود.

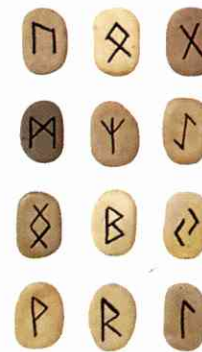
▲ خواندن استخوان در آفریقا

زمانی به صورت شایعی به کار می‌رفت. امروزه خواندن استخوان کمتر معمول است. این روش غیبگویی شامل پرتاب چند استخوان است که معمولاً چهار و ۱۴ است و تفسیر براساس الگویی است که آنها در افتادن تشکیل می‌دهند و جهاتی که آنها به آن اشاره دارند. هر استخوان نمادی از چیزی مختلف است. برای مثال استخوان بال پرند به معنی مسافرت است در صورتی که استخوان سینه نمادی از عشق است.



▲ هم‌چنین ببینید:

سنگ‌های گرانیتها صص ۴۳-۴۲
شمن گرای صص ۱۵۵-۱۵۴
تائوئیسم و نینتو صص ۲۱-۱۷
وودو صص ۸۷-۸۶



▲ سنگ‌های رون

انداختن الفبایی جادویی رون به قرون وسطی بازمی‌گردد. ۲۴ سنگ به هر شکلی چیده می‌شود و خواندن آنها بر مبنای نمادی است که هر سنگ رون و در هر بار از نو صورت می‌گیرد.

▲ کان کیم^{۱۱}

تعدادی از «چوب‌های شانس و اقبال» در لوله‌ای نگاهداری می‌شود و تکان داده می‌شود تا این که یکی (یا گاهی بیشتر) به بیرون پرتاب شود. هر کدام از آنها معنا یا نماد خاصی دارد که سپس در بستر سوالی که پرسیده شده تفسیر می‌شود.



▲ نارگیل

در برخی بخش‌های آفریقا، چهار تکه از نارگیل پرتاب می‌شود و پاسخ سئوالات آنکا به این دارد که آیا این تکه‌ها از سمت گوستی و میوه‌ای افتاده است یا برعکس. تنها پنج نتیجه ممکن است که در مقیاسی متغیر از مثبت تا منفی به دست آید. از کیم روش استفاده می‌شود.

- 1- Tasseography
- 2- Yoruba
- 3- I ching
- 4- Kun
- 5- Ken
- 6- Kan
- 7- Sun
- 8- Chen
- 9- Li
- 10- Tui
- 11- Chien
- 12- Rune
- 13- Kan kim







P...









نمودار ستاره شناسی

کلمه Astrology اصطلاحی یونانی به معنای «علم ستاره‌ها» است. منطقه البروج یونانی که مبنای منطقه البروجی استاندارد جدید ماست از نظام بابلی قدیمی تر اتخاذ شده بود. منجمان باستان در بین صور فلکی ستاره‌ای، حیوانات و شخصیت‌های اسطوره‌ای را انتخاب کردند، برخی از آنها بعدها ۱۲ علامت منطقه البروجی شدند. منطقه البروج که در آغاز تدبیری برای اندازه‌گیری زمان بود، بعدها برای پیشگویی به کار رفت. اولین استفاده طالع بینی شناخته شده با کاربرد «علامت خورشیدی» منطقه البروجی به حدود ۴۱۰ پیش از میلاد بازمی‌گردد. این نمودار قرن شانزدهم بخشی از مجموعه‌های نمودارهای دریانوردی است و اطلاعات ستاره‌شناسی، آسمانی و محاسبه براساس تاریخ‌های تقویمی را ترکیب می‌سازد و پیوندهایی را منعکس می‌کند که معتقد بودند بین آنها وجود دارد.



تفسیری بدیع

در سال ۱۶۶۰، اطلس ستاره‌ای که «عالم اکبر هماهنگ» نام داشت، منتشر شد و شامل تصاویری بود که در آنها علامات منطقه البروجی «مسیحی‌سازی» شده بود. ۱۲ علامت منطقه البروجی با ۱۲ خواری جایگزین شد و صور فلکی شمالی و جنوبی به ترتیب با چهره‌هایی از عهد جدید و عهد عتیق جایگزین شدند.



۱.۲. نمادها و علامت منطقه البروجی

۱۲ علامت منطقه البروجی که از نام‌های صور فلکی ستاره‌ای مخصوصشان مشتق شده است، اما آنها می‌توانند به صورت نمادین هم نمایش داده شوند. برای مثال عقرب می‌تواند هم به صورت علامت عقرب یا نیز تصویر شود. این اشتقاق علامت ناواضح و نامشخص است، اگرچه برخی از مردم می‌گویند که این نماد شبیه به نیش عقرب است.

۳. دوره قمری

هر علامت منطقه البروجی دوره چهار هفته‌ای را در برمی‌گیرد که با دوره قمری ارتباط دارد و به همین خاطر با ۱۲ ماه تقویم گریگوری (تقویم مسیحی) برابر و هماهنگ نیست. در عوض هر علامت شامل بخش‌های دو ماه است. برای مثال، میزان (هفتمین صورت منطقه البروجی) از ۲۴ سپتامبر شروع می‌شود و در ۲۳ اکتبر تمام می‌شود.

۴. سیارات

سیارات در تعیین طالع یک شخص هم مهم هستند، اما در زمانی که این نمودار تنظیم شده است یعنی در قرن شانزدهم، جهان به خوبی شناخته نشده بود. تنها تعداد کمی از سیارات در اینجا نشان داده شده‌اند و ارتباط آنها با علامات منطقه البروجی آشکار نیست.





طالع بینی چینی

آسمان شکل گرفت. در ساده ترین حالت، هر واقعه یا شخصیت فرد و تقدیر او وابسته به وجوه عنصری - شامل چوب، زمین، آتش، فلز، یا آب - و وجوه حیوانی تفسیر می شود و افزون بر این، اینکه آیا آنها نمادی از بین یا یانگ هستند.

نظام طالع بینی چینی باستان با در نظر گرفتن علوم طبیعی و فلسفه، به طور نزدیکی با تفکر چینی پیوند داشت. در حدود ۵ هزار سال پیش، شکلی از پیشگویی بر مبنای مسیر اجسام آسمانی نظیر خورشید، ماه، سیارات و ستاره های دنباله دار در

علائم حیوانی

تحت عنوان ۱۲ «شاخه زمینی» به آنها اشاره می شود. علامت های حیوانی، نمادهای بسیار شناخته شده تری در طالع بینی چینی هستند. آنها نه تنها به ماه ها، همچون طالع بینی غربی، بلکه به سال ها هم مرتبطند و هرکدام پنج بار در یک دوره ۶۰ ساله تکرار می شوند و با مدار مشتری پیوند دارند که کامل شدن مدار آن ۱۲ سال طول می کشد. هر دوره در سال جدید چینی در فوریه شروع می شود که آغاز تقویم قمری را هم مشخص می سازد. با موش صحرایی شروع می شود و به گراز ختم می گردد. هر ۱۲ علامت حیوانی نمادی از گونه مختلفی از شخصیت است. به خصوص آن ویژگی هایی که تجلیات خارجی مشخص را می سازند و هرکدام هم تحت تاثیر عنصری و همچنین کیفیات بین (تأنیث) و یانگ (مذکر بودن) است.



▲ گاو تر

۱۹۶۱، ۱۹۷۳، ۱۹۸۵، ۱۹۹۷: مورد اعتماد، منظم، صبور، اما لجباز است. گاو تر علامت بین است. در او به آهستگی احساسات پدید می آید با وجود این عمقی می شود.



▲ موش صحرایی

۱۹۶۰، ۱۹۷۲، ۱۹۸۴، ۱۹۹۶: سخت کوش و جاه طلب و نشانه ای از یانگ هستند و همچنین خجالتی و خوددار بوده و احتمالاً پول جمع می کنند.



▲ اسب

۱۹۶۶، ۱۹۷۸، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲: محبوب، خوش اخلاق و از نظر جسمانی و ذهنی، چابک و زربنگ هستند. اسب علامتی یانگ است. اسبهای معمولی می توانند دمدی مزاج و ساده لوح باشند.



▲ مار

۱۹۶۵، ۱۹۷۷، ۱۹۸۹، ۲۰۰۱: حساس، خلاق، محتاط و مسئولیت پذیر است. مار علامتی بین است. مارها ممکن است پنهان کار باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند و بدگمان باشند.



▲ اژدها

۱۹۶۴، ۱۹۷۶، ۱۹۸۸، ۲۰۰۰: مصمم و تند مزاج است. اژدها می تواند همچنین متکبر و سلطه جو باشد. علامتی یانگ است و اژدهاهای واقعی، معمولاً موفق هستند.



▲ خرگوش

۱۹۶۳، ۱۹۷۵، ۱۹۸۷، ۱۹۹۹: هنرمند، متفکر، باهوش و خوش شانس هستند. خرگوش علامتی بین است. خرگوش واقعی اغلب به دنبال سبک زندگی راحت و مرفه است.



▲ ببر

۱۹۶۲، ۱۹۷۴، ۱۹۸۶، ۱۹۹۸: تابع امیال آنی و غیر قابل پیش بینی، بخشنده و با محبت است. ببر علامتی یانگ است. ببرها اهل خطر و خود را به مخاطره انداختن هستند و معمولاً خوش شانسند.



▲ گراز

۱۹۷۱، ۱۹۸۳، ۱۹۹۵، ۲۰۰۷: اجتماعی، وفادار و قابل اعتماد است. گراز علامتی بین است. گرازهای معمولی ذاتاً با شور و حرارت هستند ولی می توانند ساده لوح و تن پرور باشند.



▲ سگ

۱۹۷۰، ۱۹۸۲، ۱۹۹۴، ۲۰۰۶: راستگو، وفادار و با محبت هستند. سگ یانگ است. سگ معمولی می تواند بدبین و غیر قابل انعطاف هم باشد.



▲ خروس

۱۹۶۹، ۱۹۸۱، ۱۹۹۳، ۲۰۰۵: علامتی بین است. خروس معمولی، منظم و سازمان دهنده ای خوب است. جوجه خروس ها می توانند عجیب و غریب باشند ولی معمولاً بدله گو هستند.



▲ میمون

۱۹۶۸، ۱۹۸۰، ۱۹۹۲، ۲۰۰۴: کنجکاو، مینگر و باهوش هستند. علامت میمون، یانگ است و می تواند اهل رقابت، تکبر و بدگمان باشد.



▲ کوسفند (بز)

۱۹۶۷، ۱۹۷۹، ۱۹۹۱، ۲۰۰۳: علامتی از بین، دمدی مزاج، دودل هستند و به آسانی می رنجند (زودرنجند) اما همچنین محبوب، با شعور و دلسوز هستند.



پنج عنصر

به عناصر فلز، چوب، زمین، آتش و آب که نقش مهمی را در طالع بینی چینی بازی می‌کنند، تحت عنوان ده «بن آسمانی» اشاره می‌شود. هرکدام از این پنج عنصر یک بار برای یانگ و یک بار برای یین در هر دوره ۶۰ ساله تکرار می‌شود که با چوب (یانگ) موش صحرایی شروع می‌شود و به آب (یین) گراز ختم می‌شود. این عناصر برای حیوان خاصی ثابت و مقرر نشده‌اند چون دو علامت حیوانی بیشتر از عناصر یین و یانگ وجود دارد. چهار عنصر از پنج عنصر (فلز، چوب، آتش و آب) همچنین با ساعت و سال تولد پیوند دارند. در این بستر این عناصر با توجه به علامت حیوانی که آنها نشانگرش هستند، غیر قابل تغییرند.



火

آتش

نشانگر مریخ، جهت جنوب و رنگ قرمز است. آتش با قلب و سیستم گردش خون پیوند دارد. خصوصیات معمول شامل ذاتی رقابت جو و پرتوان است.

چوب

به معنی سیاره مشتری، جهت شرق و رنگ سبز است. چوب با کیسه صفرا و کبد پیوند دارد. ویژگی‌های معمول شامل سرشت گرم و بخشنده است.

土

زمین

نشانگر سیاره زحل و جهت مرکز و رنگ زرد است. زمین با معده و طحال ارتباط دارد. خصوصیات معمول شامل جاهطلبی، سماجت و بیگیری و قابل اطمینان بودن است.

فلز

نمادی از سیاره زهره، جهت غرب و رنگ سفید است. فلز با ریه‌ها ارتباط دارد. خصوصیات معمول شامل ذاتی مصمم و قائم به ذات است.

آب

نمادی از سیاره عطارد و جهت شمال و رنگ سیاه است. آب با سیستم هاضمه ارتباط دارد. ویژگی‌های معمول شامل شفقت، خردمندی و خلاقیت است.

水

چرخ منطقه البروجی چینی

نمادهای یین و یانگ که به معنی توازن کامل هستند، در مرکز این چرخ منطقه البروجی قرار دارند. در قسمت خارجی ۱۲ نشانه حیوانی وجود دارد که همچنین به وسیله ویژگی‌های چینی خود مشخص می‌شوند. حلقه چهاررنگ در بین این دو به معنی عناصر ثابتی برای آن علامات حیوانی است. برای مثال آتش با رنگ قرمز ارتباط دارد و بر مار، اسب و بز حکومت می‌کند.

نشانه‌های سری و درونی

ویژگی‌های شخص شامل نشانه‌های خارجی، داخلی و سری است. نشانه‌های خارجی همان‌ها هستند که به وسیله سال تولد شخص معین می‌شوند و به عنوان «حیوان خارجی» (سمت چپ) شخص توصیف می‌شوند. «حیوان داخلی» به وسیله ماه تولد شخص مشخص می‌شود که برطبق تقویم

کشاورزی چینی که سال را به ۱۲ دوره ۵ هفتگی تقریبی می‌کند، است. با استفاده از ۱۲ علامت حیوانی، حیوان داخلی ارتباطات و احساسات درونی شخص را نمادپردازی می‌کند. «حیوان سری» با ساعت تولد معین می‌شود که مجدداً به علامت حیوانی اشاره دارد و بر این باورند که این حیوان، تجلی و نمود واقعی شخص است.

همچنین ببینید:

آتش صص ۳۱-۳۰
آب صص ۳۳-۳۲
بستانداران صص ۵۵-۵۴
مارها صص ۶۷-۶۶
تائوایسم و شینتو صص ۱۷۱-۱۷۰
طالع بینی غربی صص ۲۰۳-۲۰۲
الفبا صص ۹-۳۰۶



عددشناسی

اشکال گوناگون عددشناسی امروزه هم ادامه دارد: مبنای عددشناسی، هر نظامی که باشد، این اندیشه است که هر عددی از ۱-۹ معنای نمادین خودش را دارد که می‌تواند تفسیر شود تا ویژگی‌های اصلی شخص را تعیین کند و وقایع خاصی را در گذشته توضیح بدهد، یا وقایع آینده را پیش‌بینی کند. در برخی اشکال اعداد ۱۱ تا ۲۲ مهم است و نمادپردازی را تشدید می‌کند.

تمدن‌های گوناگون بسیاری در طول سال‌ها از عددشناسی استفاده کرده‌اند تا گذشته را توضیح دهند و آینده را پیش‌بینی کنند. عددشناسی در پیشگویی چینی قدیم، نقش اصلی را داشت مانند «مربع جادویی» که همچنین با پیشگویی هندی و مصر باستان هم مرتبط بوده است. سایر ملل، شامل بابلیان، یهودیان و یونانیان باستان، نظام‌های جمع و محاسبه رقمی را توسعه دادند یعنی سلسله عددهای ویژه‌ای با هم جمع شود مانند چهار رقم در سالی خاص. به کار بردن

مربع جادویی

مربع‌های جادویی برای تعدادی از تمدن‌ها، معنایی نمادین دارد. یکی از قابل تشخیص‌ترین این مربع‌های جادویی از اسطوره‌شناسی چینی باستان ناشی شده است و لو‌شو^۱ نامیده می‌شود. در اینجا مربعی با ترتیب سه تایی وجود دارد که سه ستون و سه ردیف دارد و به ترتیب شامل ارقام از ۱ تا ۹ می‌شود به گونه‌ای که جمع هر ردیف یا هر ستون و به طور ضربدری به حاصل ۱۵ می‌رسد. (که تحت عنوان «مقدار ثابت جادویی» به آن اشاره می‌شود) سایر ملل همین اصل را با استفاده از اعداد گوناگون یا مربع‌های بزرگ‌تری دارند که نتیجه در آنها مقدار ثابت جادویی دیگری است.

4	9	2
3	5	7
8	1	6

لو‌شو

ارزش عددی لو‌شو از ای‌جینگ ناشی می‌شود که پیوندی نمادین بین سه خط سه خطی و ردیف‌های موجود در این مربع است. رنگ‌ها هم نمادین هستند. از چپ به راست، سبز نشانگر عقل، استدلال و داوری است، بنفش نشانگر احساسات، عواطف و حس ششم و نارنجی نشان‌دهنده زندگی، امور مالی و تجارت است.

جمع کردن ارقام با هم

یکی از رایج‌ترین اشکال استفاده از عددشناسی در امروز، جمع کردن ارقام با یکدیگر و رسیدن به یک عدد منفرد و معنادار است. ساده‌ترین روش، جمع کردن ارقامی با یکدیگر است که تاریخ تولد شخص را به وجود می‌آورند. مثلاً دوم دسامبر ۱۹۸۴ بدین ترتیب محاسبه می‌شود: $0+2+1+1+2+0+1+9+8+4=27$ به همین ترتیب جمع ۱۷ جولای ۱۹۴۱ به عدد ۳ می‌رسد. فیثاغورس فیلسوف یونان باستان، اصول مشابهی را برای حروف الفبا به کار می‌برد که $1=A$ و $2=B$ و غیره، مجدداً زمانی که حروف به شکل‌هایی دو تایی اعداد می‌رسید مثلاً برای حرف Z (۲۶) آنها با هم جمع می‌شدند و در این مورد، حاصل ۸ می‌شود. (تمام حروف الفبا/ اعداد را در پایین ببینید) متعاقب این نظام، احتمال دارد هر مجموعه مهمی از اعداد یا کلمات در زندگی شخص ارزیابی و تخمین زده شود تا معنی بزرگ‌تری برای وقایع و اوضاع موثر بر زندگی حاصل گردد.

A	B	C	D	E	F	G	H	I
1	2	3	4	5	6	7	8	9
J	K	L	M	N	O	P	Q	R
1	2	3	4	5	6	7	8	9
S	T	U	V	W	X	Y	Z	
1	2	3	4	5	6	7	8	



12

▲ خلاقیت و اعتماد به نفس

عدد یک نشانگر روحی خلاق است و حسی قوی از فردیت و شجاعت یا قاطعیت را به همراه دارد که اگر سرکوب شود، همین عدد می‌تواند نماد رفتاری اعتیادآور و عادت، برخاستگی یا نیرویی غالب و مسلط باشد.

▲ همکاری و توازن

این عدد نشانگر توانایی برای سازش پذیری و کار کردن با دیگران است. عدد دو نمادی از شراکت و همکاری و مهارت واسطه بودن است. اگر سرکوب شود، همین عدد می‌تواند نشانگر خجالتی بودن و ماهیتی خود آگاه باشد.

اعداد چه معنایی دارند

شخص ممکن است بر مبنای تاریخ تولد یا حروف نام، کشف کند که او مجموعه‌ای از اعداد با معنا را در زندگی‌اش دارد که هر کدام نمادپردازی خودش را دارد. اعداد، اطلاعاتی را راجع به ویژگی‌های شخص و همچنین انگیزه‌ها، اهداف و استعدادهای او را فاش می‌سازند. برخی اعداد امکان دارد تکرار شوند که در این صورت، معانی آنها تشدید می‌شود. هیچ عدد خوب یا بدی وجود ندارد، ولی هر عدد به یک اندازه کیفیات مثبت و منفی را با هم دارد که می‌تواند به عنوان توانمندی و ضعف او به ترتیب بیان شود. زمانی اعداد را با داشتن تاثیر منفی بالقوه بر روی شخص می‌شناختند. اثرات آنها می‌توانست به وسیله اعمال بعدی شخص متوقف یا تعدیل شود.

برای مثال او می‌تواند کار کند تا تمایلات رفتاری خاصی را مهار کند و همچنین این اختیار را دارد که توانایی‌های گوناگون خود را به کار برد. در برخی موارد، نمادپردازی اعداد داده شده ممکن است از پیش در زندگی شخص، آشکار شده باشد یا چیزی باشد که خود را بعد از آن متجلی سازد.

34567

▲ اعتماد و صراحت

عدد هفت نشانگر کیفیت منحصربه‌فرد، میل به تعلیم ذهنی علمی و تمایل به کمال است. اگر سرکوب شود جذابیت طبیعی شخص ممکن است ره به سوی عزت گزینی و طبیعی طعنه زن ببرد.

▲ بصیرت و پذیرش

این عدد نشانگر زیبایی، پاک، آرمان‌های والا، عاقل بودن و منشی اینارگرانه است. اگر سرکوب شود، می‌تواند نمادی از طبیعی سلطه‌جو و لجوج و یکدنده و تمایل به قضاوت و داوری باشد.

▲ آزادی و نظم

عدد پنج نشانگر ماهیتی انبساط‌پذیر و همه فن حریف یا تمایل به سرعت عمل در هر وضعیت مفروض است. اگر سرکوب شود این عدد می‌تواند نمادی از طبیعی بیقرار و بی‌حوصله باشد.

▲ استواری و پیشرفت

این عدد نشانگر ساختن شالوده و مبنایی مقاوم و قابل اعتماد است که اساس آن حرکتی رو به جلو و همراه با پیشرفت، مهارت‌های نظام یافته خوب و توانایی برای اداره کردن شکل می‌گیرد. اگر سرکوب شود، همان عدد می‌تواند نماد غیرقابل انعطاف بودن و عدم توانایی مشخص برای پیشرفت باشد.

▲ اظهار و حساسیت

عدد سه، نشانگر تبیین خود به صورتی شفاهی یا خلاقانه و الهام به دیگران است. اگر سرکوب شود نشانگر خوش‌بینی زیاد و طبیعی خوش گذران است که به نقد جدی و دمدمی مزاج بودن میدان می‌دهد.

► صداقت و خرد

عدد نه نشانگر هیبت طبیعی، کیفیات رهبری خوب و فداکار است. اگر سرکوب شود، این عدد می‌تواند نمادی از طبیعی مال دوست و منفی و نداشتن جهت و رهبری باشد.

► فراوانی و قدرت

این عدد به معنای حسی قوی از اقتدار، توانایی برای تصمیم‌گیری و نیرومندی است. اگر سرکوب شود نظام اخلاق کاری طبیعی به سوی جاه‌طلبی زیاد، سوءتدبیر و سوءاستفاده از قدرت ره می‌برد.

همچنین ببینید:

تائوسم و شینتو صص ۱۷۱-۱۷۰
غیبجویی صص ۱۹۹-۱۹۶
اعداد صص ۲۹۷-۲۹۶

89



www.igra.ahlamontada.com



جام مقدس



جام مقدس نمادی قدرتمند در اسطوره‌شناسی مسیحی با خاستگاه‌هایی در داستان‌گویی قرون وسطی است که بیانگر هدف غایی یا جستجو برای جاودانگی و معنویت با ریشه‌های عمیق است.

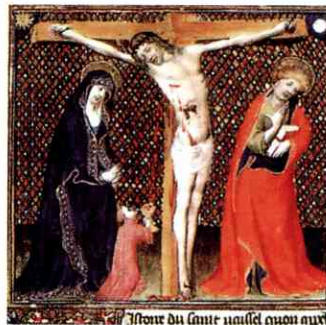
▲ دیگ یا پاتیل گاندستراپ^۱
(در دانمارک)

در اسطوره‌شناسی سلتی، ظرف پاتیل نشانگر مرکز کیهانی همه چیزهاست.

معنای جام در اصل و ماهیت حکایت می‌کند که همان جستجو برای حقیقت والا تر است.

در جستجوی جام

داستان‌های عامیانه در مورد جام مقدس شامل روایات قرون وسطایی پرسوال^۲، مرد ولزی حقیر و شوالیه‌های میزگرد شاه آرتور است. در این داستان‌ها نیز ماهیت جام این‌گونه است که تنها به وسیله یک فرد پاک، نجیب و ارزشمند به دست می‌آید. هر قهرمان داستان، مسافرت طولانی چالش برانگیزی را برای کشف خود آغاز می‌کند و چندین بار مورد آزمایش قرار می‌گیرد، تنها در نقطه روشنگری است که او قادر می‌شود تا جام را به دست آورد. در نتیجه جام نماد خوبی و حقیقت مطلق است و جایزه‌ی یابنده، جوانی همیشگی و فراوانی است.



▲ یوسف رامهای
جام مقدس پیوندهای پیچیده‌ای با خون عیسی دارد و همین امر این جام را با نمادپردازی معنوی و عمیقی همراه ساخته است.

موضوعی تکرار شونده در ادبیات و هنر قرون وسطایی، جام مقدسی است که به صورت‌های گوناگون مانند پیاله، جام شراب یا بشقاب توصیف شده است و برای قرن‌ها مردم را مسحور کرده و برخی سعی کرده‌اند که جای دقیق و معنای آن را کشف کنند. اما برای بسیاری، واژه «جام» بیشتر مفهومی نمادین دارد تا جسمی مادی.

ماهیت جام

از نظر نمادین، تصور می‌شود که خاستگاه‌های جام مقدس با پاتیل یا دیگ اسطوره‌شناسی سلتی مرتبط باشد. نکته اساسی در آئین مشرکان، دیگی بود که نمادی از باروری و وفور است. در برخی داستان‌ها، جام به عنوان ظرف یا بشقاب برآورده کننده آرزوها توصیف می‌شود. در داستان‌های دیگری نیروهای غیبگویی دارد و بی‌شباهت به غیبگویان اسطوره‌شناسی یونانی نیست و در گونه دیگری از داستان‌ها، این جام، شی‌ای است که از سنگ ساخته شده است. در ایام قرون وسطی، این مسئله به صورت رایجی پذیرفته شده بود که آن جام، همان جام یا پیاله‌ای بود که عیسی در شام آخر از آن نوشید و یوسف رامهای، خون عیسی را در حالی که بر صلیب بود، در آن ریخت و یک فرد معنوی و مقدس می‌تواند در طلب آن باشد و آن را بیابد. بخش اصلی برخی از افسانه‌های این جام ارتباطش با نیرهای است که از آن خون می‌چکد و نمادی از سوزناکی و سوراخ شدگی پهلوی عیسی است. هر شکلی از این جام که در این داستان‌ها مطرح می‌شود، همیشه اهمیت کمتری را نسبت به

مجادله‌ی جدید

در دوران اخیر نظریه‌ای بر مبنای ترجمه فرانسوی جام مقدس^۱ وجود دارد. فقط یک نامهی تکان‌دهنده، معنای «خون پادشاهی»^۲ را تغییر داد و این ایده را ایجاد کرد که جام مقدس نمادی از رحم مریم مجدلیه بود و این‌که او با عیسی ازدواج کرد و از او بچه‌ای به دنیا آورد. بنابراین «خون عیسی» دلالت بر تبار و دودمان او دارد. این موضوع مجدداً در کتاب رمزگشایی داونینجی اثر دان براون^۳ در ۲۰۰۳ مطرح شد. این نظریه که بحث‌های بیشتری را می‌طلبد اگرچه به وسیله مورخین به صورت جدی رد می‌شود، شاهدهی بر افسون دیرپای ما در مورد جام مقدس است.



شام آخر

این نمادپردازی در نقاشی لئوناردو داوینچی جای گفت‌وگوی بیشتری را می‌طلبد. به خصوص جنسیت فردی که در سمت راست عیسی نشسته است. بیشتر مورخان او را یوحنا حواری می‌دانند اما ایده جدید که در کتاب رمز داوینچی^۴ مطرح شده است، مریم مجدلیه معرفی می‌کند.

همچنین ببینید

مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹
خانه صص ۲۳۸-۲۴۱

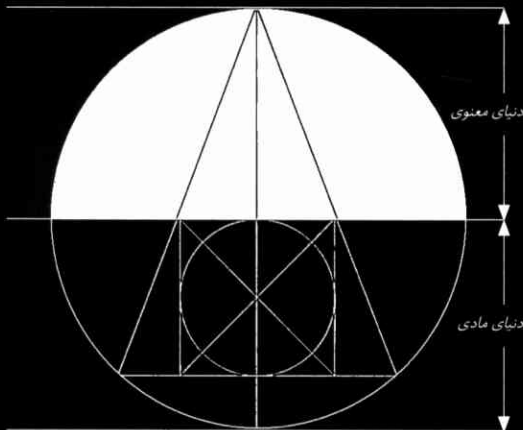
1- Robert de boron
2- Joseph of
animathea
3- Gundestrup
4- Da vinci code
5- Percival
6- San Greal
7- Sangreal
8 - Dan brown



کیمیاگری

در جستجوی طلا

جستجوی کیمیاگر برای طلا، نمادی از میل او برای معنویت بود. به منظور دستیابی به این امر، کیمیاگر مجبور بود که بفهمد «سنگ فیلسوف» چه چیزی است. (سنگی که فلزات ساده را به طلا تبدیل می‌کند) گفته شده بود که سنگ واقعی یا پودر قرمز خشک، کیفیات عرفانی گوناگونی دارد و مکمل روند تبدیل فلز کم‌بها به فلز پربها است، گاهی آن را «اکسیر جوانی» می‌نامیدند. سنگ فیلسوف دلالت بر پاکی و جاودانگی دارد و نتیجه «کار بزرگ» را برای کیمیاگر به بار می‌آورد.



▲ سنگ فیلسوف

این نماد پیچیده نشانگر سنگ فیلسوف است و تعدادی از اصول کلیدی مرتبط با کیمیاگری را تجسم می‌بخشد. در میان آن یک سه ضلعی است که دلالت بر سه ماده آسمانی (نمک، گوگرد و جیوه) دارد و مربعی که نشان‌دهنده چهار عنصر است و دایره نمادی از مفهوم فلسفی «همه یکی است» دارد.

کیمیاگری غربی که تحت تاثیر اعمال مصر و بین‌النهرین بود، در طول قرون وسطی در اروپا گسترش یافت و در اصل کوششی برای تبدیل فلزات کم‌ارزش به طلا یا نقره است. کیمیاگری همچنین اهمیت نمادین زیادی برای کسانی داشت که آن را انجام می‌دادند. تبدیل فلز به طلا به معنی تغییر شیء ناخالص به خالص است و به این ترتیب، نمادی از سلوك معنوی برای کیمیاگر است که از غفلت به روشنگری سفر می‌کند.

نمادپردازی کیمیاگری

کیمیاگران از علامات سیاره‌ای نظیر خورشید و ماه استفاده می‌کردند تا برخی از نمادهای کیمیایی را نشان دهند، اما در طول قرون وسطی از ترس شکنجه و آزار، آنها واژه‌های پیچیده خودشان را برای علامات ابداع کردند تا معرفت و دانش خودشان را ضبط کنند و انتقال دهند. کیمیاگری به خاطر این حالت مرموز و پنهان کاری با کلاهبرداری و اخاذی مربوط می‌شد و ارزش و اعتبار آن را از برخی از کشفیات علمی کمتر می‌کرد.

نمادهای آسمانی که فرشتگان آنها را در بر گرفته‌اند.

تقسیم متمایز بین آسمان و زمین



فئوس که آتش و هوا را کنترل می‌کند.

عقاب که زمین و آب را کنترل می‌کند.

► مهر سلیمان

مهر سلیمان ستاره‌ای شش گوشه است که ویژگی ادیان گوناگونی است که از همه چشمگیرتر یهودیت است. در ترکیب نمادهای آتش و آب، دلالت بر اتحاد اضداد و تبدیل نهایی روندهای کیمیاگری دارد.



► نمادهای ماه و خورشید

نماد خورشید برای نشان دادن طلا به کار می‌رود و برای کیمیاگران، علامت کمال است. نقطه مرکزی آن به معنی تکمیل «کار بزرگ» است. برای نشان دادن نقره و «کار کوچک‌تر» ماه نمادی است که بیانگر شهود و باروری است و به منزله جسم است که در مقابل روح خورشید قرار دارد.



▲ اثر هنری شیمی پزشکی
این تصویر از اثر هنری شیمی پزشکی در ۱۶۱۸ است و چهار عنصر (زمین، آب، هوا و آتش) را و همچنین سایر نمادهای کیمیاگری نظیر پادشاه، ملکه، ماه، عقاب، شیر و فئوس را نشان می‌دهد. (تصویر برای جاب‌دچار تغییرات شده است)



حیوانات

تعدادی از حیوانات در کیمیاگری نقش اصلی را دارند و هر کدام از آنها آکنده از نمادپردازی خاص خودش است. برای مثال چهار عنصر با چهار حیوان نشان داده می‌شوند. عقاب (هوا)، شیر (زمین)، ماهی (آب) و اژدها (آتش) هستند. حیوانات همچنین برای نشان دادن هر مرحله از فرآیند کیمیاگری به کار می‌روند که با سیاهی (کلاغ یا زاغ) شروع می‌شود و به محصول نهایی (ققنوس) می‌رسد.



▲ اوروبروس^۱
افعی که در حال خوردن دم خود است دایره‌ای را به وجود می‌آورد که به این ترتیب نماد انسجام و جاودانگی می‌شود و این اصل کیمیاگری که «یکی همه چیز است».

▲ ققنوس
چون ققنوس تخم خود را قبل از مردن در خاکسترهای حاصل از شعله‌های آتش قرار می‌دهد. نماد آخرین مرحله فرآیند کیمیاگری است یعنی تبدیل شدن به طلا و کمال فلسفی



▲ شیر سبز
نشان دهنده زاج سبز است که مایع بسیار گزنده‌ای است که در بسیاری از فرآیندهای کیمیاگری به کار می‌رود. شیر سبزی که در اینجا نشان داده شده در حال بلعیدن خورشید است که نمادی از محصول نهایی جریان کیمیاگری یعنی طلاست.

▲ کادوستوس^۲
حکایت از اتحاد اضداد دارد که به وسیله گوگرد و جیوه هم نمادپردازی می‌شود. میله کادوستوس نشانگر قدرت، تغییر شکل و استحاله است در صورتی که بال‌ها نمادی از تعادل و توازی است که از این فرآیند نتیجه می‌شود.

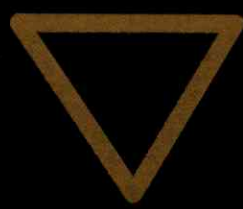


▲ عقاب
استحاله و تغییر شکل فلز کم‌بها را به طلا نمادپردازی می‌کند و بنابراین از بین رفتن ناخالصی و تولد خلوص را نشان می‌دهد. عقاب با بال‌های گشوده‌اش نشانگر هوا و جیوه است در حالی که شیر زمین و گوگرد را نشان می‌دهد.



▲ نماد هوا

سومین عنصر از چهار عنصر کیمیاگری هواست که نشانگر وجوه گرم و رطوبت این فرآیند است و نماد دم و تنفس در زندگی است و با فلز آهن ارتباط دارد.



▲ نماد آب

دومین عنصر از چهار عنصر کیمیاگری آب است که نشانگر وجوه سرد و مرطوب این فرآیند است و نماد روند تطهیر است و با فلز قلع ارتباط دارد.



▲ نماد زمین

یکی از چهار عنصر در کیمیاگری است که نشانگر وجوه سرد و خشک این فرآیند است و با فلز مس ارتباط دارد.



▲ نماد آتش

آخرین عنصر از چهار عنصر کیمیاگری آتش است که نشانگر وجوه گرم و خشک این فرآیند است و با فلز سرب مربوط است و نمادی از تغییر شکل و استحاله نهایی است.



▲ نماد گوگرد

سولفور یکی از سه ماده آسمانی است که فلزات کم‌بها را می‌سازد. نیروی قابل اشتعال و خشک آن با سیالیت جیوه واکنش نشان می‌دهد و نمادی از میل به دستیابی به معنویت بزرگ‌تر و زیاده‌تر است. گاهی گوگرد با کیفیات مردانه پیوند می‌یابد و در تقابل با کیفیات زنانه جیوه قرار می‌گیرد.



▲ نماد جیوه

جیوه در کنار نمک و گوگرد یکی از سه ماده آسمانی است. سیالیتش نشانگر تغییر از فلز کم‌بها به طلاست و نمادی از اتحاد بین معنویت و مادیات.

▲ توصیفات کیمیاگری

این نقاشی آبرنگ از متون مربوط به کیمیاگری به نام شکوه سولیس^۳ است که در ۱۵۹۸ منتشر شد و شامل رنگ‌های سیاه، سفید، قرمز و طلایی است که اشارات ضمنی نمادینی دارد. برای مثال سیاه نشانگر اولین مرحله این فرآیند است و سپس کنگره‌ای که با فلز مس پیوند می‌یابد و در نهایت به طلا تبدیل می‌شود.

همچنین ببینید:

طلا صص ۴۴-۴۵

ماده گرانبها صص ۴۶-۴۷

عقاب صص ۶۳-۶۴

داستان‌های بریان صص ۷۴-۷۷

نکات صص ۲۸۴-۲۸۹

1- Medico chymicum
2- Splendor solis
3- uroborus
4- Caduceus





جہان ہیں





نمادها در قلب هویت فرهنگی و اجتماعی ما قرار دارند. آنها ممکن است از طبیعت ناشی شوند یا ساخته انسان باشند. جاندار یا بی‌جان باشند و ممکن است شکل‌های مختلف زیادی داشته باشند که از تصاویر تا آئین‌ها و داستان‌گویی تغییر می‌کند. نمادها کارکرد حیاتی دارند چون به ما کمک می‌کنند تا با یکدیگر پیوند داشته باشیم و نظام مشترکی را تدوین می‌کنند که بازتابی از منزلت اجتماعی، ملیت، فعالیت‌های فرهنگی و چیزهای دیگری است. در برخی تمدن‌های کهن، حاکمان با خدایان یکی گرفته می‌شدند و این احترام در برخی کشورها نظیر ژاپن و تایلند هنوز باقی است. پادشاهی و جاه و جلال و تاج پادشاه، مملو از نمادپردازی است که در جهت ارتقاء و افزودن اعتبار است و حاکم را از افراد تحت سلطه خود جدا می‌سازد.

ملیت طریقه‌ای آشکار برای جمع کردن مردم با یکدیگر است و این امر با استفاده از نمادهای ملی و فرهنگی مشترک تقویت می‌شود. این تصویرها ممکن است شکل حیوانات یا پرندگان باشد مانند کیوی از زلاندنو، یا پرچم، تمبرهای پستی و یا حتی زمان‌هایی باشد که

وقایع تاریخی بزرگ داشته می‌شوند نظیر شب آتش یا شب گای فاکس^۱ در بریتانیا (جشن سالانه‌ای که در بریتانیا برای رستگاری پادشاه انگلستان، اسکاتلند و ایرلند در پنجم نوامبر برگزار می‌شود) از زمان‌های دور، آرمان‌های هر فرهنگ و جامعه‌ای از طریق معماری آن بیان می‌شد. معماران ساختمان‌هایی را بنا کرده‌اند که وضعیتی بصری و جهانی را نشان می‌دهد، از ساختمان‌های قدیمی که قدرت امپراتوری را بزرگ می‌دارد تا نمادپردازی آسمانی که به وسیله مناره‌ها و گنبد مساجد و کلیساها نمایان می‌شود. بناهای عادی ممکن است در مقام مقایسه، فاقد چنین کارکردی باشند، اما آنها هم عمیقاً با باورهای رایج به خانه و کانون خانوادگی ارتباط دارند. شکل رحم بودن خانه و مونث بودن آن، خانه را حریمی مقدس و امن قرار می‌دهد. دیوارهایش دنیای خارجی را به طور جدی دور می‌کند. پله‌ها با صعود به روشن‌شدگی معنوی پیوند می‌یابد. در صورتی که پنجره‌ها «چشم روح» به حساب می‌آیند و اجازه ورود به نور حقیقت را می‌دهند. چنین نمادپردازی عموماً با بناهای دینی ارتباط می‌یابد. هر فرهنگی هم به صورت نمادین، مکان‌های مقدسی





که از طریق نسل‌ها منتقل می‌شود به اشکال گوناگون به دین، روانشناسی یا کیهان مرتبط می‌شوند. پوشش و لباس، بازتابی از وجوه گوناگون فرهنگ و جامعه ماست، شامل ملیت، شغل، دین، شخصیت، آرزوها و منزلت اجتماعی. لباس غربی به مقدار زیادی تحت تأثیر مد است اما هنوز مردم سراسر دنیا به سبک سنتی لباس می‌پوشند که مملو از نمادپردازی است نظیر ساری هندی. جواهرات همیشه علامتی از شأن و مقام و همچنین علامت شناسایی یک قوم و قبیله است، در صورتی که تزئین بدن به صورت سنتی با اشتراکات دینی، نظامی یا قبیله‌ای ارتباط می‌یابد. نیاز به حس تعلق برای همه جوامع انسانی امری بنیادی است و حس هویت فرهنگی ما را تقویت می‌کند. خواه به وسیله تولد و نسب، وابستگی گروهی و یا از طریق دین، «عضویت» به وسیله پوشش، آئین‌ها، مراسم و تصاویر فرهنگی نمادپردازی می‌شود که همگی آنها خواه به وسیله تولد و نسب، وابستگی گروهی و یا از طریق دین، مردم مرتبط به هم را به یکدیگر گره و پیوند می‌زند.

دارد که ممکن است ساخته دست انسان باشد نظیر استون هنج در انگلستان یا ساخته طبیعت نظیر رودخانه گنگ در هندوستان. باغ‌ها هم همچون خانه‌ها به عنوان بهشت به شمار می‌آیند، اما آنها نشانگر تعداد زیادی از آرمان‌های دیگری نیز هستند که از نشانه منزلت اجتماعی تا بهشتی بر روی زمین که باغبان چهره‌ی آفرینشگر آن است، حکایت

دارد. ظاهراً سایر موضوعات نظیر وسایل و اسلحه‌ها، زمانی به صورت نمادین معنا می‌یابند که با سیاست، دین یا فرهنگ عامه پیوند یابند. فعالیت‌های فرهنگی نظیر موسیقی، رقص و تئاتر در زمان‌های کهن خود ریشه دارند. در صورتی که داستان‌های پریان

نیاز به حس تعلق برای همه‌ی جوامع انسانی امری بنیادی است و حس هویت فرهنگی ما را تقویت می‌کند.





پادشاهی



لوئیس چهاردهم

برگزیدگان و خواصی که در تمدن‌های باستانی حکومت می‌کردند به مانند خدایان بر روی زمین مورد احترام بودند. در مصر تنها خدایان، پادشاهان و ملکه‌ها مجاز به حمل نماد عنخ قدرتمند یا «علامت زندگی» بودند که به آنها این حق را می‌داد که به کسی زندگی بدهند یا زندگی او را بگیرند. پادشاه تایلند یا بهومبول آدولیدج^۱ که طولانی‌ترین مدت پادشاهی را تا به حال داشته به عنوان «نور هدایت» کشور مورد احترام است. آئین‌ها و نمادهای استقلال ملی در این خصوص دامنه‌دار است چرا که آنها در ۳۰ پادشاهی دیگر در دنیا نیز به جا آورده می‌شوند.



آیا پادشاه بنین

پادشاه

پادشاهان زمانی به عنوان هم‌نای خداوند بر روی زمین در نظر گرفته می‌شدند. مراسمی که به پادشاهان منتسب می‌شد، هنوز در بسیاری از کشورها دارای جایگاه و قدرت است و تاج‌های پادشاهی، گوی شاه، عصای سلطنت و ارپکه‌ها، از نمادپردازی زنده‌ای برخوردارند. ضرب سکه و مدال‌ها هم، گیش پادشاهان را استمرار می‌بخشد. همچون این مدال برنز از فرانسه «پادشاه خورشید» یا لوئیس چهاردهم (در بالا) که ادا داشت که با «حق الهی» حکومت می‌کند. آیا «پادشاه» از بنین موجودی الهی در نظر گرفته می‌شد که از سوی خداوند آمده است. او همانند پلنگانی که در دست دارد مورد خوف و احترام بود.



فرعون

توتان خامن^۲ به مانند خدا پرستیده می‌شد و واسطه‌ای بین زمین و آسمان بود. ماسک او از طلاست زیرا تصور می‌شد که جسم خدایان طلائی باشد. پوشش سرطلائی با خط‌های آبی، منعکس‌کننده رنگ پادشاهی، حقیقت و تولدی نجیب و شریف است.



پادشاه و ملکه

رسم همراه بودن پادشاه و ملکه مانند پادشاه ویلیام سوم با ملکه مری دوم، که در اینجا نشان داده شده توازن و هماهنگی را نمادپردازی می‌کند. این صفحه یادبود از ۱۶۸۹ (با تاج‌ها و لباس‌های خز نمادین) عروج آنها را گرامی می‌دارد.



ملکه

ملکه نماد برجذبه قدرت و تأیید است. ملکه الیزابت اول در گسترش و ایجاد تصویری محبوب از خودش ماهر و استاد بود. تصاویر بیشماری از او، اینت و جلالت بی‌گمان را با نمادهای گوناگونی از پاکدامنی، تمول و صلح ترکیب می‌سازد.

کارت‌ها

بازی ورق به خصوص در قرن شانزدهم در فرانسه با مق‌های «دریاری» و تصاویر نمادین از پادشاه به صورت گسترده‌ای انتشار یافت. نمودهایی از سرباز، ملکه و پادشاه اغلب با شمشیر، تاج، گوی پادشاهی و جواهرهای پرزرق و برق به صورت تمام قد ظاهر می‌شوند و این امر تصاویر آنها را بسیار شاهانه می‌سازد.



شطرنج

از قرون وسطی محبوب است. شطرنج پیکاری بین پادشاهان، ملکه‌ها و «مردان» و «مهره‌های» خامی آنها را نشان می‌دهد. واژه کیش و مات یا Chechmate از معنی عربی «پادشاه مرده است» به دست می‌آید.

مسابقات قدرت

مسابقات کارتی و مسابقه قدیمی شطرنج از تصاویر پادشاه و دربار، شامل پادشاهان، ملکه و سپاهیان، در بازی نمادین استفاده می‌شود که فارغ از نزاع بین نیروهای متقابل است. موضوع این مسابقه، ایجاد مبنای قدرت قوی و آسیب‌ناپذیر است تا بر افراد رقیب پیروز شود یا با از بین بردن سپاهیان آنها، دفاع را انجام دهد.



شوالیه‌ها

جنگجویانی بر پشت اسب که برای پادشاهان خود سواران و نفقات و عثریه را تأمین می‌کردند. شوالیه‌ها خواه در شکل یک سامورایی یا شوالیه قدیس جرج، نشانگر جوانمردی هستند. این موضوع شامل نهایت ادب نسبت به زنان («عشق مذهب») و نسبت به دشمنانشان نیز می‌شود. دستیابی به این آرمان‌ها در مراسم شاهانه و دینی مشخص می‌شود، از جمله شوالیه شدن.



▲ جنگجوی سامورایی

سامورایی‌های ژاپنی. اعضای تخیلی نظامی بودند. مشهورترین اسلحه آنان و نمادشان شمشیر بود. سامورایی در رفتار تأکید بر وفاداری به ارباب و رئیس خود و تهذیب نفس داشت.

▲ سر گاواپین

فهرماتی از شوالیه‌های پادشاه ارتور و میزگرد اوست. سر گاواپین مطهر جوانمردی و وفاداری در مقایسه با سایر شوالیه‌هاست. در برخی روایات گاواپین به صورت نمادین یا خدای خورشید سلتی پیوند می‌یابد.



▲ شوالیه در پیکار

این لوحه از تزئینات فیری، شوالیه‌ای قدیمی را بر پشت اسب با زرهی درخشان تصویر می‌کند که نماد واضحی از قدرت، اقتدار و شجاعت است.



▲ امپراتور زن

یک امپراتور زن نشان‌دهنده آفرینش و رشد است و نمادهایی از پادشاهی را حمل می‌کند. در آتیوبی به صورت سنتی، شاه شاهان وجود داشت که از نظر اروپاییان امپراتور بود، اما زئودیتو «ملکه پادشاهان» بود و از ۱۹۱۶ تا ۱۹۳۰ حکومت کرد. او اولین زنی بود که در راس مقامات دولتی در عرصه بین‌المللی در آفریقای جدید شناخته شد و در عین حال او ارزش‌های محافظه کارانه داشت.



▲ امپراتور

در چین و ژاپن بر این باور بودند که امپراتور، پسر آسمان و نمادی از نظم اخلاقی است که هماهنگی بین آسمان و زمین را حفظ می‌کند. یکی از مشهورترین این حاکمان کین شی هوانگ دی^۱ است که اولین امپراتور چین در ۲۲۱ ق.م است. در فیر او در خارج از شهر شی آن^۲ حدود ۸۰۰۰ سرباز سفالی دفن شدند تا به عنوان نگهبانان نمادین در پس از مرگ به او خدمت کنند.



▲ شاهزاده و شاهزاده خانم

هر دو در داستان و واقعیت وجود دارند. شاهزاده و شاهزاده خانم نشان‌دهنده فرمان‌مرد و زن مثالی هستند. آنها اغلب به عنوان پادشاهان آینده تصویر می‌شوند که باید بر موانع غلبه کنند تا به موفقیت و اتحاد برسند. شاهزاده خوش‌قیافه با دشمنان ترسناک و موانع جادویی می‌جنگد تا شاهزاده خانم را نجات دهد. شاهزاده خانم هم به همین ترتیب، حبسی ظالمانه را صبورانه تحمل می‌کند و تجسم زیبایی همراه با شجاعت اخلاقی است.



▲ احق

در کسوت بازیگر، احق یا دلقک می‌توانست در حضور پادشاه مزاح کند و از مجازات او در امان بماند. احق در دربار به خاطر شانس و اقبال و دور کردن چشم شیطان نگاه داشته می‌شد. این بازیگر به دلیل نقش خود در تئاتر، به عنوان نماد غریب و غریب احق را نماد برابری می‌دانند.

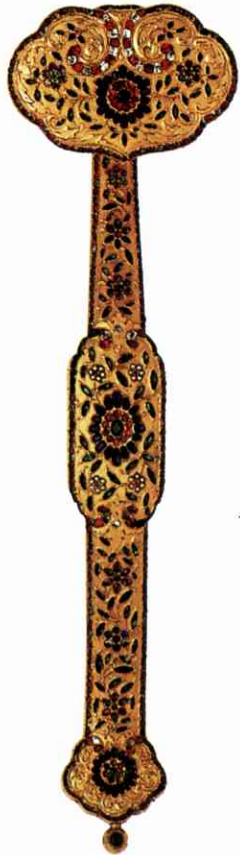
1- Bhumibol adulyadej
2- Tutankhamen
3- Oba
4- Benin
5- Qin shi huangdi
6- Xi an
7- Zewditu
8- Sir gawain

همچنین ببینید:
خورشید صص ۱۶-۱۷
لوازم تزئین پادشاهی صص ۲۱۹-۲۱۸
ایزار و اسلحه‌ها صص ۲۲۵-۲۲۴

لوازم تزئینی پادشاهی

جواهرات نشان می‌دهد. همان‌گونه که آنها بر اریکه‌ای پرزرق و برق می‌نشینند. اینها و دیگر وسایل تزئینی پادشاهی، باعث تحکیم نمادپردازی حاکمان شده و آنها را موجوداتی الهی یا نیمه الهی معرفی می‌کند.

حاکمان همواره برای تأیید مقام والایشان، خود را با وسایل مجلل مربوط به قدرت مرتبط دانسته‌اند. مراسم نمادین تاجگذاری، وظایف تشریفاتی در مراسم، ضیافت‌ها و نگهبانان سلطنتی، پادشاهان را پوشیده در زر و زیور و



پیرایه‌های تشریفاتی

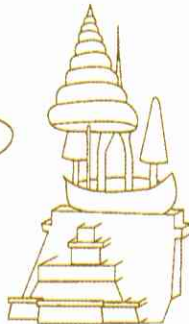
علائم و نشانه‌های پادشاهی را تحت عنوان پیرایه‌های تشریفاتی می‌شناسند و «پشتوانه»‌های نمادینی به شمار می‌روند که «آن جهانی بودن» را به قدرت زمینی پادشاه می‌افزایند. تاج، جواهرنشان که پوشیده از تزئینات و زر و زیور یا به صورت پوشش سر با تزئین پر است. نماد شاهانه مجازی است.

چوگان شاهی

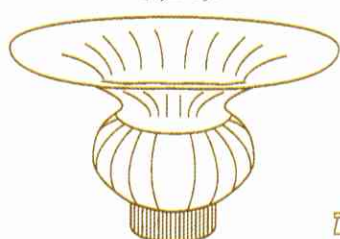
عصا یا میله‌ای تزئینی که به وسیله حاکمان در مراسم حمل می‌شود و علامتی از اقتدار و قدرت مطلق است. ممکن است در زمان صلح یک نیزه غیرفلزی به چوگان شاهی مبدل شده باشد تا اشاره‌ای بر قدرت متعال مستدام باشد.



چتر سفید بزرگ دولت



ظرف مشروب



پیرایه‌های تشریفاتی در تایلند

بهومیل آدولیاچ^۱ در ۹ ژوئن ۱۹۴۶ به عنوان پادشاه تایلند در زیر چتر سفید بزرگ دولت که نمادی از خود پادشاه است، تاجگذاری کرد. ابزار شاهانه نظیر ظرف مشروب طلایی که نمادی از الوهیت و پادشاهی است، در طول مراسم در کنار تخت سلطنتی قرار می‌گیرد.

مگس‌بران

نمادی از مقام ریاست به خصوص در آفریقا، آسیا و اقیانوس آرام که تصور می‌شد این وسیله زمانی در دست خدایان بوده است. توتان خامن^۲ یک مگس‌بران با پوشش طلا از پره‌های شتر مرغ داشت.

گوی شاهی

از نظر رومیان باستان نشانگر کیهان بود. صلیب در قرون وسطی اضافه شد تا دنیایی را تحت حکومت دین مسیحی نمادپردازی کند و نشان‌دهنده نقشی مونت است که نماد مذکر چوگان شاهی را متعادل می‌سازد.



تاج امپراتوری روم مقدس

تاج دوتایی مصری



تاج

فرعون‌های مصری به عنوان پروردگار حاکم بر دو سرزمین مصر علیا و سفلی اغلب در حالی تصویر می‌شدند که تاج دو تایی بر سر داشتند. تاج امپراتور روم مقدس (در بالا) مانند قوس‌هایی که نشانگر تاق قوسی آسمان است به نمادپردازی مسیحی مزین شده بود.



**▲ چرخ سکان**

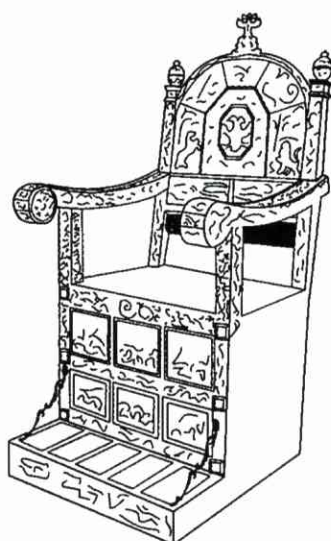
مهر پادشاه ادوارد سوم، مهرهای پادشاهی اغلب پادشاه را بر تخت تصویر می‌کنند اما ادوارد سوم در اینجا بر پشت اسب نشان داده می‌شود تا موفقیت‌های او را در برابر فرانسه نشان دهد.

**▲ آرم‌های پادشاهی**

این آرم به صورت نمادین نشان‌دهنده انگلستان، اسکاتلند، ولز و ایرلند یا حیوانات، مخلوقات اسطوره‌ای، گیاهان، وسایل و کتیبه‌هاست. با چرخ سکانی در زیر تاج آرم‌های پادشاهی نشان‌دهنده خود پادشاه هستند. بدون چرخ سکان آنها نشانگر بریتانیای کبیر در صحن دادگاه و سفارتخانه به شمار می‌روند.

**مهرها و آرم‌های سلطنتی**

آرم‌ها که از جنبه‌های اسلحه‌ای برخوردارند، مشخص‌کننده شوالیه‌ها یا حاکم خاصی در قرون وسطی بودند. این علائم گوناگون خواه بر روی سپر، زره و شل یا بر روی پرچم‌ها، همگی به منزلت اجتماعی می‌افزاید و آرم‌های پادشاهی علامتی از نهایت قدرت بودند. مهرها و نشانه‌هایی که حامل آرم‌های پادشاهی بودند در موم داغ زده می‌شدند و بر روی اسناد و نامه‌ها می‌خوردند تا مالکیت را به ثبوت برسانند و آرامش را تضمین کنند. مهرهای پادشاهی ممکن بود عکسی از پادشاه داشته باشند و در زمانی که بیشتر مردم نمی‌توانستند بخوانند یا بنویسند، چنین مهرهایی فهم و درک آسانی از تایید پادشاه بود.

**▲ اریکه عاج**

اریکه عاج برای ایوان مخوف ساخته شد که اولین تزار روسیه بود و در ۱۵۴۷ تاجگذاری کرد. اریکه عاج صندلی پشت بلندی است که با عاج و استخوان فیل دریاچه تزئین شده است. برخی از لوحه‌های تزئین شده آن، موضوعات کتاب مقدسی دارند از جمله صحنه‌هایی از زندگی داوود پادشاه که حاکم ایده‌آل را نمادپردازی می‌کرد.

**▲ اریکه شیر**

اریکه ۱۸۰ ساله شیر مربوط به پادشاهان برمه که بلند ساخته شده است تا پادشاه را بالا ببرد و به صورت نمادین در بالای سر تابعین خود قرار گیرد.

اریکه‌ها یا تخت‌های سلطنت

اریکه نمادی تمثالی از قدرت ثبات و شکوه حاکمی است که بر آن می‌نشیند. در زمان یونان باستان، اریکه‌ها مسند خدایان بودند و هنوز هم برای تأثیر بیشتر اغلب همراه با «سکو» یا شاه‌نشین ساخته می‌شود. تخت سلطنت معمولاً در مرکز قصر قرار می‌گیرد که نشانگر مرکز کیهان است. امروزه اریکه فقط نماد نیست بلکه بخشی از زبان پادشاهی است. واژه «اریکه» اشاره به حاکم دارد. برای مثال، تخت طاووس به پادشاهی ایرانیان یا پارسیان در گذشته اشاره دارد. زمانی که پادشاه از تخت پایین آورده شود یا بی اریکه شود، قدرت خود را از دست خواهد داد.

**▲ شهر ممنوعه**

تقارن و جایگاه متناسب ساختمان‌ها در شهر بیجینگ، یا شهر ممنوعه (دوفین) شهر بزرگ چین که ورود به قصر آن بدون اجازه مخصوصی امپراتور ممنوع بود، تقلیدی از کیهان هندویی و بودایی است. قصرها، معابد و خانه‌ها همگی رو به جنوب هستند که جهتی است که از آن سو، شانس و اقبال لیخت می‌زند. حدود صد هزار نماد قدرت امپراتوری، دیوارهای محصور را تزئین کرده تا سعادت آسمانی را تضمین کند.

قصرها

قصر به عنوان اقامتگاه حاکم نمادی از آسمان و قلب قلمرو است. ساختار آن از هر چیزی باشد. الوار، سنگ مرمر یا سنگ. قصرها بازتاب دهنده عالی‌ترین معماری و مواد زمان و موقعیت خودش هستند و شاید اهداف باشکوه حامی را منعکس می‌سازند. داخل قصرها معمولاً با هدایای پادشاهی پر می‌شدند که می‌گفتند: «نگاه کن به سلیقه و تمول بی نظیر من»، اما شاید برخی از اتاق‌های زیاد قصر دارای گنجینه‌هایی بودند که نشانگر حقایق معنوی باشند.

**▲ قصر ورسای**

یکی از باشکوه‌ترین قصرهای اروپایی که به وسیله لوئیس چهاردهم یا «پادشاه خورشید» در قرن هفدهم در زمان آشوب‌های سیاسی ساخته شد که ساخت و نگهداری آن بی‌اندازه برخرج مردم و دولت فرانسه می‌انداخت و نوت و تروت شد.

همچنین ببینید

- ۱- خورشید صص ۱۶-۱۷
- ۲- تاجگذاری صص ۲۲-۲۳
- نشان‌های خانوادگی صص ۳۱۸-۳۲۳

- 1- Tutankhamen
- 2- Bhumibol adulyadej
- 3- Beijing
- 4- Versailles



▲ لباس تاجگذاری
چهر از استرالیا، برگ درخت افرا از کانادا، سرخس زلاندنو، گل بوته شیرین از آفریقای جنوبی، گل‌های نیلوفر آبی از هند و سیلان (سريلانكا) و گندم، کتاب و کتف هندی از پاکستان. این نقش‌ها بر روی ابریشم یا مروارید، الماس، کوارتز بنفش و کریستال گلدوزی شده‌اند.

جهت نمادینه کردن نقش البرایت دوم به عنوان ملکه کشورهای مشترک المنافع، طرح نورمن هارتنل 'برای لباس تاجگذاری او، شامل علائم کشورهای عضو او بود از جمله رز از انگلستان و وچیل از کانادا. همچنین شامل گل‌های گندم و کتاب از انگلستان و کتف هندی از هند و سیلان (سريلانكا) و گندم، کتاب و کتف هندی از پاکستان. این نقش‌ها بر روی ابریشم یا مروارید، الماس، کوارتز بنفش و کریستال گلدوزی شده‌اند.



تاجگذاری



در تاجگذاری‌های باب‌بخت و شکوهمند، موضوعات آئینی، از کالسکه‌ها تا جواهرات تاج، نشانه‌های بارزی هستند که به صورت نمادین از قدرت حاکم در سرزمین و در واقع قدرت الهی اطلاع می‌دهند.

که نمادی از مسئولیت معنوی و زمینی حاکم است ادامه می‌یابد و دلالت بر عنایت خداوند نسبت به حکومت دارد و بازتابی از باوری قدیمی در مورد حق الهی پادشاهان است. در عملی نمادین، در مورد ادغام اقتدار دینی و دنیوی، اسقف اعظم کانتربری یا اسقف اعظم همه انگلستان، الیزابت را به عنوان وارث مشروع تخت سلطنت به جمعیت معرفی کرد. سوگند وفاداری ادا شد در حالی که پادشاه جامه بلند سفیدی پوشیده بود که نمادی از پاکی بود و با روغن مقدس که از ظرف عقابی شکل مقدس به داخل قاشقی ریخته شد، تذهین گردید. عقاب نماد وفاداری است. در پی تذهین، به پادشاه، سه شمشیر هدیه داده شد که نمادی

از لطف، قدرت و عدالت است و او با آنها مسئول «توزیع عدالت به صورت برابر و حفاظت از کلیسای مقدس خداوند» شد. همچنین پادشاه الیزابت به عنوان «مدافع ایمان» منصوب شد و گوی شاهی را در دست گرفت که نمادی از دنیای زیر نظر عیسی است. هر موضوعی از موضوعات تشریفاتی پادشاهی، ماهیت مقدس و نقش جدید او را تقویت می‌کند.



نمادهای پادشاهی

الیزابت دوم در تاجگذاری لباس بلندی پوشید و از تاج دولتی امپراتوری، گوی شاهی و چوگان شاهی استفاده کرد که نمادی از اقتدار کلیسا و خدمت شاهانه در جهت دفاع از دین و ایمان هستند.



کالسکه دولتی طلایی

ملکه الیزابت دوم، سوار بر کالسکه دولتی طلایی به تاجگذاری رفت که این کالسکه توسط پادشاهان از ۱۹۷۲ استفاده می‌شد. بر سقف کالسکه فرشته‌های بالدار قرار دارند که نشانگر انگلستان، اسکاتلند و ایرلند، حامیان تاج شاهی هستند.

نمادین‌ترین مراسم برای شناسایی امپراتور، ملکه و پادشاه جدید، و تثبیت مهر او در دولت، تاجگذاری است. تاجگذاری‌ها، فرصت‌هایی عالی مملو از شکوه و رویداد هستند. نمادپردازی چشمگیری نه تنها در خود آئین وجود دارد، بلکه به صورتی آشکار، اشیاء استفاده شده، پوشیده شده و حمل شده، در این مراسم مشروعبیت حاکم جدید را به نمایش می‌گذارد و با ایجاد می‌کند. این اشیاء شاید به منظور تذهین یا غسل تعمید پادشاه به کار رود از جمله نظیر شاخ‌ها یا صدف‌های مقدس یا ظروف مورد استفاده در مراسم مسیحی، و یا این که حمل شوند همان‌گونه که با تاج، وسایلی همچون چوگان شاهی، گوی شاهی بیزانسی و دنیای غربی حمل می‌شوند. اریکه یا تخت سلطنت، نماد تاجگذاری اصلی در تقریباً همه تمدن‌هاست. اشیاء و آئین‌های اروپایی بین قرون نهم و پانزدهم تحول و توسعه یافت و به سمت نمادپردازی با ارتباط مقدس رفت به خصوص از طریق مراسم‌های تاجگذاری امپراتور روم مقدس و مقام پاپی.

ملکه الیزابت دوم

پخش تاجگذاری ملکه الیزابت دوم از طریق تلویزیون در دوم ژوئن ۱۹۵۳، بسیاری از نمادها و اصول مشروعبیت مقدس پادشاهان را ادامه داد و آئین تاجگذاری‌های پیشین را حفظ کرد. ملکه از قصر باکینگهام^۱ با کالسکه دولتی طلایی به صومعهی وست مینستر^۲ برده شد. در زوایای این کالسکه درختان نخل هرکدام از سرشیری بیرون آمده است که مملو از نشان‌های افتخاری است که پیروزی بریتانیای کبیر را در جنگ هفت ساله (۱۷۵۶-۱۷۶۳) نمادپردازی می‌کند. تاجگذاری با رفتن به صومعه وست مینستر



جواهرات تاج

جواهرات تاج انگلیسی، تزئینات پادشاهی هستند که تنها در مراسم تاجگذاری واقعی به عنوان نمادهایی از اقتدار نمادین و زمانمند استفاده می‌شوند. انگلستان تنها پادشاهی اروپایی است که هنوز از لوازم تزئینی پادشاهی برای مراسم مخصوص تاجگذاری پادشاه استفاده می‌کند.

همچنین ببینید:

عقاب صص ۶۲-۶۳

پادشاهی صص ۲۱۶-۲۱۷

لوازم تزئینی پادشاهی صص ۲۱۸-۲۱۹



ملیت

این تصاویر در شکل مجسمه‌ها و اشکال باشد و یا قهرمان فرهنگ عامه. پنجاه سال پیش، ۸۲ کشور مستقل وجود داشت ولی با شروع قرن بیست و یکم، ۱۹۴ کشور مستقل وجود دارد. ملیت برای ما مهم است و نمادهای مشترک حس تعلق ما را تقویت می‌کند.

از طریق خاستگاه، تولد و یا به تابعیت پذیرفته شدن، ما به مردم یا ملت خاصی متعلق می‌شویم. هویت ملی ما از تاریخ، زبان و فرهنگ مشترک ما سرچشمه می‌گیرد که ظاهراً به وسیله تصاویر شناخته شده‌ای بازتاب می‌یابد. به خاطر معانی نمادینشان، ما با میل خود به سوی آنها جذب می‌شویم، خواه

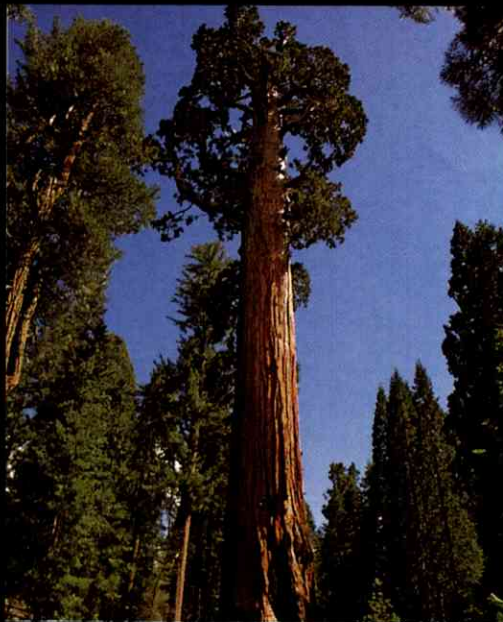
مهر بزرگ انقلاب فرانسه

تاریخ مهر فرانسه به سقوط پادشاهی در ۱۸۴۸ برمی‌گردد و این مهر، ایردیناوی بونو^۱ را نشان می‌دهد که بیانگر آزادی است. لباس و تاج او مشابه لباس و تاج مجسمه آزادی در آمریکا است. او نمادی کهن از اقتدار مدنی را در دست دارد که به صورت میله‌ای^۲ است که تیری در میان آن قرار دارد و نشان قدرت است. موضوعات نمادین این چهره را احاطه کرده است شامل دسته‌ای گندم (به نشانه کشاورزی) و چرخ دندانه‌ای (به نشانه صنعت).



رقص و موسیقی

رقص و موسیقی سنتی یک کشور، بازتابی از ویژگی ملی است. فلانکو^۳ (رقص تند کولی‌های اسپانیایی) نمونه‌ای قدیمی است که از طریق رقص بای پیچیده و پر جوش و خروش، دست زدن، گیتار استادانه همراه با شور و اشتیاق و هیجان، روح اسپانیایی را نمادپردازی می‌کند.



یادبودها

درخت ژنرال گرانت^۴ تنها زیارتگاه ملی «زنده» است که یاد مردان و زنان آمریکایی را که زندگی خود را در خدمت به کشورشان نثار کرده‌اند، گرامی می‌دارد. هر ساله در کریسمس، نگهبانان پارک، تاج گل بزرگی را در بای این درخت سکونای غول‌پیکر قرار می‌دهند. لفة لإعالیعضها خلالتحکم ادوبی یکنک بيم المتفقکنک



آرم

شیری تاجدار در آرم نروژی تصویر می‌شود که تیری در دست دارد که به معنی توانمندی، عدالت و پادشاهی است. (در راس کشور نروژ، پادشاه وجود دارد). گوی پادشاهی با صلیب نمادی از دین لوتری انجیلی این کشور است.



مجسمه یادبود

این مجله در هارپور^۵ در نیویورک قرار دارد که ابتدا مهاجران ایتالیایی اطلس سرزمین جدید خودشان را در آنجا در نظر گرفتند. مجسمه ۴۶ متری (۱۵ فوت) آزادی، مشعلی و دسته کاغذی را در دست دارد که نشانگر امنیت و آزادی در این سرزمین است و آمریکا را به عنوان «دور دنیا» مطرح می‌سازد.



تمبر

تصویری از پادشاه حاکم بر روی تمبرهای پست انگلیس، نشانگر هویت ملی آنهاست. از آنجایی که پست انگلستان در ۱۸۴۰ پیش از همه معرفی شد. از این رو تنها ملتی در دنیاست که تمبرهایش به وسیله نام این کشور تعیین هویت نمی‌شود.



جنگ قایق شکل برمه‌ای

سانوک گانوک: نماد موسیقی از برمه، قوسی شکل و طولی و تزئین شده است. این ابزار موسیقی سابقه‌ای بسیار قدیمی دارد و زمانی آن را به عنوان «صدای بودا» می‌شناختند.



قهرمان ملی

ملیت اغلب خود را در مردان و زنان قهرمان متجسم می‌سازد که می‌توانند واقعی یا تخیلی باشند. رابین هود که از افراد ثروتمند می‌دزدید تا به فقرا کمک کند، جهرای انگلیسی است که نمادی از آزادی برای ضعیف ساخته شد که در این خصوص از طریق آوازهای نوازندگان دوره کرد، شاعران قرون وسطی و همچنین نمایشنامه‌ها و نمایش‌های تلویزیونی و فیلم در روزگار جدید به تصویر کشیده شد.



شب آتش

هر ساله در پنجم نوامبر، انگلستان به وسیله آتش بازی و استفاده از وسایل آتش‌بازی به صورت نمادین، گای فاکس^۱ و توطئه باروت را در ۱۶۰۵ بیاد می‌آورد. فاکس بخشی از تلاشی کاتولیکی برای سرنگون کردن پادشاهی پروتستان بود. بعد از این که توطئه خنثی شد، انگلیسی‌ها آموختند که «پنجم نوامبر را به یاد داشته باش، به یاد داشته باش» تا در دفاع از قلمرو خود هوشیار باشند.

روز شکرگزاری

ایده سس زغال اخته و بوقلمون به عنوان گل سرسید شام شکرگزاری، امروزه عمیقاً در سبک زندگی آمریکایی تثبیت شده است. این غذا به صورتی نمادین یا خواسته زائرین آغازین (موسس) پیوند یافته است که برداشت خوب محصول را در ۱۶۲۱ با روزه گرامی داشتند و این که در صخره پلیموث^۲ به خشکی رسیدند.



همچنین ببینید:

پستانداران صص ۵۵ - ۵۴

نشان‌های اصالت خانوادگی صص ۲۲۴ - ۲۱۸

پرچم‌ها ۲۲۹ - ۲۲۴

- 1- Harbour
- 2- Juno
- 3- Fasces
- 4- General grant tree
- 5- Flamenco
- 6- John bull
- 7- Santa maria
- 8- Saung gauk
- 9- Guy fawkes
- 10- Plymouth rock

بولداگ لباس پوشیده به مانند جان بول*
تصویری از بریتانیامای از دهه ۱۷۰۰



بولداگ انگلیسی

بعد از این که وینستون چرچیل و ملت انگلستان در برابر هجوم نازی در جنگ جهانی دوم مقاومت کردند، بولداگ به صورت نمادین یا «سمجیت و سرسختی» پیوند یافت.

پرندگان و حیوانات به عنوان نمادهای ملی

بیشتر کشورها، حیوان یا پرنده‌ای را به عنوان علامتی برگزیده‌اند که به صورت نمادین نشانگر آنهاست و این حیوان به دلیل توانمندی‌اش، زیبایی، سرعت، شجاعت یا منحصر به فردی‌اش اختیار شده است. برای مثال عقاب سرسفید آمریکایی یا کانگوروی استرالیایی.



کیوی از زلاندنو

کیوی حیوان بومی زلاندنو و مظهری از این کشور است و بر پیراهن تیم ملی راگی این کشور نقش بسته است.

فیل سفید تایلند

در تایلند فیل سفید مقدس است و نشان «فرقه فیل سفید» یکی از بالاترین افتخارات است که به وسیله پادشاه اعطا می‌شود و فیل سفید بر پرچم کشور پادشاهی تایلند ظاهر می‌گردد.



خرس روسی

خرس روسی یک استعاره است و نمادی انسان الگاترانه از این ملت را مطرح می‌سازد. این استعاره به عنوان یک کاریکاتور از زمان ناپلئون برای توانمندی و وسعت روسیه به کار رفته است.



آرم باهاما

در آرم باهامایی، صدفی حلزونی در بالای سپری دیده می‌شود و شامل فلامنکو است که پرندۀ ملی به شمار می‌آید و یک نیزه ماهی که وقور زندگی دریایی در جزیره را نمادپردازی می‌کند. ناو سر فرماندهی کریستف کلمب یا سانتا ماریا^۳ بر روی سپر دیده می‌شود.





ابزار و اسلحه‌ها

برای ساختن، تعمیر کردن، کشتن یا مثله کردن طرح‌ریزی شده‌اند و وسایلی هستند که از دوره سنگی با هدفی غایی ساخته شده‌اند. اگر چه هنوز هم آنها اساسا وسایلی به کار رفتنی و عملی هستند اما زمانی‌که با دین، فرهنگ عامه یا سیاست پیوند یافتند، معنی نمادین فوق‌العاده‌ای را کسب کردند. ابزار و اسلحه‌ها می‌توانند در شناسایی خدایان کمک کنند و امکان دارد در داستان آنها به نمادی از قدرت، حفاظت یا ویرانگری قرار گیرند. برخی ابزار، نظیر داس، هم مرگ و هم زندگی را نشان می‌دهد.



چکش خدای تور

نماد نروژی قدیمی یا چکش، مربوط به خدای تور که بر رعد و برق و آذرخش (با صدای تکرار ضربات) اعمال قدرت می‌کند. نام نروژی آن میولنیر به معنای آذرخش است. چکش جادویی همواره به هدف می‌خورد و همیشه بعد از پرتاب برمی‌گردد.



تیر

از زمانی‌که انسان نشاندرتال، توانست تیری را در اختیار داشته باشد، این ابزار نمادی از قدرت و اقتدار شد. تیرها همواره به صورت واضحی با عوامل طبیعی پیوند داشتند یعنی به عنوان هادیان تند و حافظان غلات بودند.



داس و چکش

کمونیست‌ها بر این باور بودند که وقتی آنها این علامت مختلط در مورد کار بدی را در دهه ۱۹۲۰ انتخاب کردند، کارگران و کشاورزان به وسیله نماد داس و چکش در کنار هم متحد می‌شدند.



نیزه

چون نیزه به عنوان پادشاه اسلحه‌ها در نظر گرفته می‌شد، به دست آوردن و شکستن نیزه دشمن که عملی نمادین از تحقیر و خفت بود، گواه بر برتری هم می‌توانست باشد. نیزه علاوه بر این که معنای ضمنی و آشکار فالوسی دارد از بیوندهای دینی هم حکایت می‌کند مانند «نیزه منیت» که نیزه‌ای است که بهلوی عیسی را شکافت.



تیر و کمان

تیر و کمان با هم، نشانگر صید و جنگ است. تیر کیفیت فالوسی خاصی نیز دارد و کمان در شکل هلالی خود (زنانه و مونث)، تنش و کشیدگی جنسی را ارائه می‌دهد. کمان نمادپردازی بیشتری دارد در مورد این که نشانگر نظم و نیروی معنوی است، در صورتی که بر آذرخش، باران و قدرت هم دلالت دارد. از نظر مسیحیان، تیرهای نیز و پرا، نمادی از قدیس سیاستین هستند که او عموماً در حالی تصویر می‌شود که به تیر کی بسته شده و تیرهایی به سوی او پرتاب می‌شوند.



سپر

به عنوان یک حفاظ هم کارکرد عملی دارد و هم نمادین. سپر علاوه بر قدرت، بر مونث بودن و غفت و پاکدامنی هم اشاره دارد، چون با ایزدیونای یونانی آتنا همراه است. یک سپر نرژین شده می‌تواند تبلیغی از منزلت اجتماعی باشد.



داس

شناخته شده‌ترین نماد فانیذیری، گریم ریپر با داسش است که برای «دروغی ارواح مردگان آماده است. ساعت شنی در دست دیگر او، نمادی از پدر زمان است که زمان و عمر را کوتاه می‌کند.



شمشیرها

با تیغه بلندش، شکل شمشیر با جنیه‌های مردانگی در ارتباط است. چون با دسته مستقیمش شبیه به یک صلیب بود، از نظر صلیبیون، شمشیر کشت و کشتار به نام خدا را توجیه می‌کرد. بسیاری از قدیسان مسیحی شمشیری را به عنوان نشان خود حمل می‌کردند. شمشیرها نمادی از قدرت پادشاهی، توان نظامی و افتخار هستند. در بودیسم و تائوئیسم تصور می‌شد که شمشیرها بصیرتی را نمادپردازی می‌کنند که از طریق بریدن و جدا شدن از غفلت حاصل می‌آید.



شمشیر اسلامی

به عنوان نمادی از «قدرت ریشه گرفته از ایمان» بر پرچم عربستان سعودی، شمشیری نقش بسته است و کلمانی از متون مقدس بر بالای آن نوشته شده است.



شوالیه گری

در قرون، از طریق سنت قدیمی شوالیه گری، یک حاکم، شانه‌های فرد مطیع خود را با لبه پهن شمشیر لمس می‌کرد تا نمادی از ارتقای شان و مرتبه او باشد.

شمشیر آسانته (مهم‌ترین قوم نژادی در جنوب غنا)

این شمشیر آیینی غنایی از اواخر قرن نوزدهم بر سته‌اش مهرهای جوی زراندودی دارد که نمادی از تولد و باروری است.



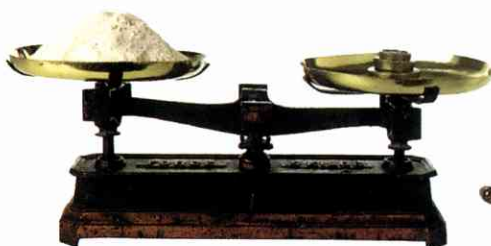
شمشیر ساموایی

از نظر ساموایی به همان اندازه که شمشیر موضوعی نظامی است، بیانگر «تعلیم معنوی» هم هست و در آنجا پوشیدو* یا «طریق جنگجو» از ترکیب دن با هنرهای جنگی حاصل می‌شود. شمشیر ساموایی به خاطر برتری و زیبایی‌اش مجدداً نوسازی می‌شود.



تفنگ

تفنگ نمادپردازی پر خاشک‌رانه مردانه و فالوسی بالقوه دارد. قدرت پرتابی آن نشانگر مردانگی و قدرت جنسی و بارور کردن است. شناسایی اسلحه‌ها با مردان جاهل‌مآب، غالباً به وسیله فیلم‌های گانگستری تقویت شده است.



ترازو

دستگاه ترازو می‌تواند به عنوان نماد عدالت و انصاف شناخته می‌شود. عدالت اغلب به مانند زنی با جسمانی بسته شخص می‌باید که ترازویی در دست دارد. مفهوم «داوری متوازن» به زمان مصر باستان برمی‌گردد یعنی زمانی که قلب انسان متوفی در برابر پری از حقیقت در مقابل ازیریس یا خدای دنیای زیرین و زن می‌شود.



تور

از نظر مسیحیان، تور نشانگر درو و برداشت مومن است. مسیح به حواریون خود تعلیم داد تا «ماهگیر انسان» باشند. در فرهنگ‌های قدیمی‌تر، تور با قدرت‌های به دام انداختن زنانه ارتباط دارد. از نظر چینی‌ها ستاره‌ها در شب، «تور آسمان» به شمار می‌آید.



قلاب

از نظر فرهنگ‌هایی که به ماهیگیری وابسته‌اند نظیر مائوری‌ها، قلاب ماهیگیری به معنای رفاه و خوشبختی است. قلاب در پلی تریا با توانمندی و رهبری ارتباط دارد. در فرهنگ معاصر، قلاب هم جذاب و هوس‌انگیز است و شما را جذب می‌کند و به داخل می‌کشد و شما را «به قلاب می‌گیرد» و به سبوی یک اعتیاد می‌کشد و هم در پناک‌سایت به خصوص در شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام.



خنجر
توسط تمدن‌های باستانی برای قربانی آئینی انسان و حیوان به کار می‌رفت. خنجر نماد بالقوه کشت و کشتار، مرگ و رضایت قربانیان است. خنجر است که در جنوب شرقی آسیا استفاده می‌شد و اغلب با کلام نوشته شده‌ای از قرآن تزئین می‌شود تا نشانگر حقیقت مطلق باشد.



گاوا آهن

گاوا آهن جاکي از نفوذ در زمین و حاصلخیز کردن آن است. شخم زدن همچنین نمادی از عمل‌آفرینش است. گاوا آهن به عنوان موضوعی اصلی، خراب می‌کند تا زندگی متفاوتی شکل بگیرد.



طناب

به صورت نمادین، هم محدود کننده است و هم ارتباط‌دهنده از تکه‌ها از طناب به عنوان طناب دار (یا کمند) استفاده می‌کردند. با این حال ارزش تجاری هم داشت. به عنوان یک نردبان یا پل، نماد پیوند با آسمان است. از نظر هندوان، طناب نشانگر پاکی است زیرا خدای هندو پی‌شوا از طنابی مقدس استفاده می‌کند. در مسیحیت نماد حیانت است چون عیسی به وسیله آن اسیر شد.



معماری

تا زبان بصری جهانی را پدید آورند. ساختمان‌های با شکل‌های متفاوت، نشان دهنده آرمان‌های نمادین گوناگون است. آسمانخراش‌ها می‌توانند حاکی از منزلت و مقام و موفقیت باشند در صورتی‌که از نظر زیست‌محیطی، ساختمان‌های آگاه به این امر (ساختمان‌های سبز) بیشترین نزدیکی ما را به طبیعت و اشکال طبیعی نشان می‌دهند.

در سراسر تاریخ، هر فرهنگ و جامعه‌ای، آرزوهای خود را از طریق معماری به نمایش گذاشته است. معماران، از ساختمان‌های روم و یونان باستان که قدرت امپراتوری را نشان می‌دهد تا نمادپردازی‌های آسمانی که در شکل طاق‌های قوسی و منارهای مخروطی در کلیساهای جامع شکوهمند با سبک گوتیک دیده می‌شود، ابتکارات خودشان را نشان دادند.



تأثیرات طبیعت

بسیاری از مردم، خانه‌ها را از مواد طبیعی می‌سازند. از کلبه‌های خشتی در آفریقا تا کلبه‌های برفی از بلوک‌های یخ در قطب شمال. در جوامع جدید هم شوق «بازگشت به طبیعت» به صورت روزافزونی از طریق معماری آگاه به مسائل زیست محیطی بیان می‌شود.



سکونت بر روی زمین

خانه‌های زولویی (در جنوب آفریقا) همیشه گرد هستند. سمت راست خانه مربوط به مرد و در سمت چپ، زن قرار می‌گیرد. معتقد بودند که محوطه‌ای که برای ذخیره کردن وسایل آشپزخانه و چیزهای باارزش است، به ارواح تعلق دارد.

پل‌ها

از نظر نمادین، پل می‌تواند نشان‌دهنده ارتباط میان حوزه آسمانی و زمینی یا گذر از یک وضعیت وجود به وضعیت دیگر باشد، اما با اتکا بر جای نصب ویژه یک پل، آن می‌تواند از کیفیتی تصویری حکایت کند و نشانه‌ای بشود که جایی را (گاهی کل یک کشور) در ذهن ما تداعی کند.



تصویر یک شهر

سبک معماری گوتیک هنوز هم کارکرد دارد. پل برج لندن، مهندسی دوره ویکتوریایی بود که شاهکاری از دوره بخار به شمار می‌آمد و هنوز هم به عنوان تصویری گردشگری از شهر پایتخت بریتانیای کبیر به صورتی نمادین مطرح است.



مرکز غرور ملی

در ۱۹۳۲، پل سیدنی‌هاربور^۱ کامل شد که تصویری اسطوره‌ای از سیدنی و خود استرالیاست و نشانگر آزادی و فرصت برای ملتی جدید است.



همانگی با طبیعت

طرح ریزش آب از فرانک لوید رایت^۲ در پنسیلوانیا، تصور او را از معماری طبیعی نشان می‌دهد. با تقلیدی از الگوی لبه‌های صخره‌ها، خانه‌ها در مجموعه‌ای از صفحه‌های بازویی از بالای آبشار به سوی پایین سرازیر می‌شوند که تجسم این آرمان است که مردم می‌توانند در هماهنگی با طبیعت زندگی کنند.



غرور انسان

داستان اسطوره‌ای این برج در سفر پیدایش کتاب مقدس بیان شده و تذکری نمادین است از طغیان انسان در برابر خداوند «غرور قبل از سقوط».

برج بابل

برج بابل، برجی کتاب مقدسی، اما با پیشینه‌ای واقعی است. برج بابل قدیمی، هرمی پله‌دار بود. بابلی‌ها تصمیم گرفتند تا برجی بسازند که به آسمان‌ها برسد، اما خداوند، برطبق کتاب مقدس باعث شد تا سازندگان به زبان‌های بسیار گوناگونی صحبت کنند و نتوانند یکدیگر را بفهمند و از این رو برج هرگز کامل نشد، بنابراین، این برج نمادی از تکبر انسان است.

**آمنی تنافر**

یکی از بزرگ‌ترین آثار معماری رومی، این سالن بزرگ در روم است که نمادی جالب از امپراتوری و قدرت است و امروزه اثر تاریخی مهمی در «شهر ابدی» (یا روم) در ایتالیا است. شکل بیضی آن نمادپردازی حفاظتی و زنانه دارد و پوشش رحم مانند را نشان می‌دهد.

معماری زنانه

شکل‌های خاصی در این طرح ساختمان‌ها، خواه در طرح و نما یا در تزئینات وابسته به آن به کار می‌رود که به محض مشاهده تداعی گر مطالبی است که از آنها به ما خبر می‌دهند. یعنی ساختارهای کم ارتفاع و «پوشیده» در شکل مونث هستند، در صورتی که ساختارهای مرتفع در شکل مردانه‌ای «برمی‌خیزند». ساختمان‌های زنانه‌ای که از شکل‌های منحنی استفاده می‌کنند، نمادی از امنیت و سلامت رحم هستند.

**قلعه**

قلعه‌ها، شبیه به قلعه بودیام^۱ در ساسکس^۲ شرقی (در جنوب شرقی انگلستان)، زمانی برای اشراف و رعایای آنها، در زمان‌های جنگ، امنیت را تأمین می‌کرد. قلعه به وسیله خندق محاصره می‌شد. نمادپردازی مونث به صورت حفاظت و پرورندگی بسیار قوی است. اما قلعه نمادی از توانمندی و قدرت را هم نشان می‌دهد.

نمادپردازی دوگانه

بسیاری از ساختمان‌ها هر دو نشانه‌های زنانه و مردانه را دارد. قصر پورتالا^۳ در تبت که وقف بودی ستوده اولوکیتشوره است که او هر دو شکل مردانه و زنانه را دارد. گنبد هم می‌تواند مردانه و زنانه باشد همچون منطقه ۰۲ لندن که همه چیز را در برمی‌گیرد که حاکی از پرورندگی معرفت و هنر است.

**قصر**

قصر پورتالا در لاسا (۱۶۴۵-۱۶۹۵) نمادی از تبت و همچنین بودایی تبتی است (زمانی خانه رهبران معنوی تبت یعنی دالایی لاما بود). این قصر از برجستگی بلندی سربر آورده است. قصر طلا، سفید، و قرمز شکوهمند، چشم‌انداز حیرت‌انگیزی را ایجاد می‌کند.

**گنبد**

منطقه ۰۲ لندن، همانند گنبدها در دوران قدیم، چتری کیهانی را نشان می‌دهد. گنبد از دوران رنسانس در ساختمان‌های دولتی برای نمادپردازی قدرت دیده می‌شوند.

همچنین ببینید:

باروری و تولد بچه صص ۱۲۳-۱۲۰
معماری دینی صص ۲۳۱-۲۲۸
مکان‌های مقدس صص ۲۳۳-۲۳۲

معماری مردانه

برج نمادی از قدرت است و در معنای ضمنی فالوسی خود، برتری مردانه را نشان می‌دهد. انسان‌ها (و ملل) سعی داشته‌اند از منارهای مخروطی در قرون وسطی گرفته تا آسمانخراش‌های جدید، تفوق خود را از طریق ارتفاع عمودی و جاه‌طلبانه بیان کنند، در همین ارتباط، بارزترین نماد متاثرکننده احساس مصونیت یک ملت، حمله تروریستی فاجعه‌آمیز به مرکز تجارت جهانی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است.

**آسمانخراش**

از ۱۹۳۱ ساختمان‌های دولتی امپایر^۴ برای ۴۰ سال، بلندترین ساختمان جهان بود. امروزه این علامت آرت دکو^۵ (سیک هنری تجملی در جهت مدرنیسم)، نماد مردانه همراه با غرور را در خودباوری و جاه‌طلبی مهار نشده آمریکا نشان می‌دهد.

فانوس دریایی

نشان‌دهنده فانوس نشاندهنده فانوس حقیقت و نمادی از باروری مردانه که همچنین تعلیمات مسیح را نیز نمادپردازی می‌کند. چون فانوس دریایی، نور را برای هدایت کشتی‌ها در امنیت حفظ می‌کند، درست سویی ایمان می‌رود.

**برج تایپه**

یکی از بلندترین ساختارها در دنیاست. تایپه، صدویکمین طرحی است که منعکس‌کننده معانی بودایی و چینی و همچنین نمادپردازی برای یک تایوان و همچنین بلند پروازی در قرن بیست و یکم است.

- 1- Steam - driven
- 2- Sydney harbour
- 3- Frank Lloyd wright
- 4- Bodiam
- 5- Sussex
- 6- Empire
- 7- Art deco
- 8- Taipei
- 9- Portala



معماری دینی

مخروطی، برجها، مناره‌ها و گنبد‌ها، مومنان را (به وسیله زنگ یا اذان مودن به نیایش فرا می‌خوانند) از دور دست و نزدیک می‌خوانند تا به دنیایی معنوی و آسمانی رو گردانند.

معابد، مساجد، کلیساها و زیارتگاه‌ها مکان‌های عبادت هستند و از این رو همواره مملو از یاد و تذکر باورهای اصلی عبادت‌کنندگان در ارتباط با خداوند. معماری‌های دینی هم پیچیده است و هم بسیار نمادین. مناره‌های

تزئین

شناختن مکان‌های دینی توسط نمادهای تزئینی آنها صورت می‌پذیرد نظیر صلیب، ستاره یا هلال ماه و همچنین مسجدهای خدایان، قدیسان و دیگر شکل‌ها و قالب‌های مقدس که در سنگ، چوب یا شیشه کنده کاری می‌شود. گستره نمادپردازی‌ها از ناودان‌های کلیساهای جامع در دوران قرون وسطی که نشانگر آتش جهنم و لعنت و نفرین است تا خطاطی‌های زیبا که نمایشی از قرآن است، تغییر می‌یابد.



▲ فضای داخلی با قدیسان

فضاهای داخلی کلیساهای کاتولیک سرشار از نمادپردازی و تزئین هستند. نمادپردازی در مجسمه‌ها، نقاشی‌ها و سایر نقش و نگارهای دیگر آشکار می‌شود. گنبد اکوتلان بازیلیکا (مکان زیارتی وقف مریم باکره) در شهر تلاکسکالا^۵ در مکزیکو (در بالا) تصویری از مریم و حواریون را دارد.

▲ فضای داخلی کلیسای لوتری

اکثراً در شمال غربی اروپا بنا شده‌اند. کلیساهای لوتری بر اهمیت متن مقدس تأکید دارند به همین دلیل در این کلیساهای استفاده از شکل‌های هنری پرتجمل ممنوع است و فضای داخلی تزئین نمی‌شود. در این مورد تأکید بر نماد صلیب است.



▲ کاشی‌های اسلامی

کاشی‌های تزئین شده، ویژگی زینت‌بخشی در بسیاری از مساجد اسلامی است. طرح‌های هندسی نمادینی که از قرآن برداشت شده و همچنین نگاره‌هایی از گیاهان مورد توجه قرار می‌گیرند.

▲ شیشه رنگی

به صورت سنتی، پنجره‌های با شیشه رنگی، داستان‌های کتاب مقدس و زندگی قدیسان را از طریق طرح‌دار کردن شیشه‌های رنگی «وضوح» می‌بخشد. این نمونه، قدیس یونو^۶ را در کلیسای قدیس وینفرد^۷ در شهر هولی ول^۸ در ولز نشان می‌دهد.



▲ کنیسه

شریعت یهودی تنها مرجع و راهنمای عمومی را به شکل کنیسه در نظر می‌گیرد و این گونه تعلیم می‌دهد که این مکان می‌بایست پنجره داشته باشد چون در ورای این مکان مقدس، دنیایی وجود دارد که در آن بایستی کارهای خوب انجام شود. کنیسه کوبا^۹ در شهر کراکو^{۱۰} در لهستان (بالا) برای فقرادر ۱۶۴۳ بنا شد.

► معبد کائودای^۶

معبد اصلی کائودای (دینی توحیدی در ویتنام)، نظام عقیدتی است که ادیان بزرگ دنیا را با هم تلفیق می‌کند تا صلح را ترغیب کند. این معبد کائودای («برج بلند یا قصر») در نه سطح ساخته شده تا نه پله به سوی بهشت را منعکس کند. سقف به رنگ آسمان آبی با ابرهای سفید است که نشان‌دهنده آسمان‌هاست.



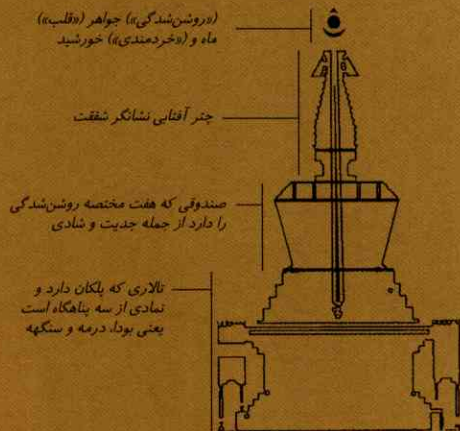


پاگودا و استوپا

آنها ساختارهای بسیار نمادینی هستند. در اصل به عنوان مکان‌های تدفین ساخته می‌شدند و گاهی حاوی بقایا و آثاری از بودا یا سایر موضوعات مقدس است. شکل پاگودا (معبد چینی) اغلب می‌تواند با شکل نشسته بودا در حالت مراقبه، یکی گرفته شود، پس می‌تواند به عنوان کمکی برای مراقبه و نمادی از نیروانا به کار رود.

پاگودای چینی

یک پاگودای چینی به وسیله طیفانی که اغلب هفت تا نه تاست، شناسایی می‌شود. طبقات مجزا، همان‌طور که به سوی بالا می‌روند، کوچک‌تر می‌شوند و سطوح مختلف بهشت و مراحل رسیدن به روشن‌شدگی را نمادپردازی می‌کند. پاگودا شبیه به استوپاهای قدیمی هند، نمادی از مسیر به سوی روشن‌شدگی است.



شکل استوپا

تعداد بالکن‌ها و شکل‌های مختلف استوپا بر مبنای تعلیمات بودیسم است. هدف و نیت آنها تمرکز بخشیدن به آگاهی است و ضرورت وجود پله‌ها به سوی بالا برای رسیدن به روشن‌شدگی است. در این مثال، استوپا به صورت بودا ساخته شده که تاجی بر سر دارد و در حالت مراقبه بر روی تخت نشسته است.

- 1- St. beuno
- 2- St. Winefride
- 3 - Holywell
- 4- Ocotlan basilica
- 5 - Tlaxcala
- 6- Cao dai
- 7 - Kupa
- 8- Krakow
- 9 - Parshvanath
- 10- Khajuraho
- 11-Harmika
- 12- Boudhanath
- 13- Garbha griha
- 14- Angkor wat
- 15- Cambodia
- 16- Suryavarmam

همچنین ببینید:
کوه‌ها صص ۲۸-۲۹ اسلام صص ۱۸۳-۱۸۰
معماری صص ۲۲۷-۲۲۶
پله‌هایی به آسمان صص ۲۳۶-۲۳۷

جهت

جهتی که ساختمان دینی در آن سو بنا می‌شود به مقدار زیادی نمادین است. سمت شرق، جهت طلوع خورشید و نمادی از تولد است و غرب، جهت غروب و نمادی از مرگ و تولد مجدد است. بسیاری از کیش‌های باستانی، خورشید را می‌پرستیدند و ساختارهای مقدس آنها یا زیارتگاه‌هایشان به سوی فعالیت خورشید و چرخه‌های آن گرایش داشت.



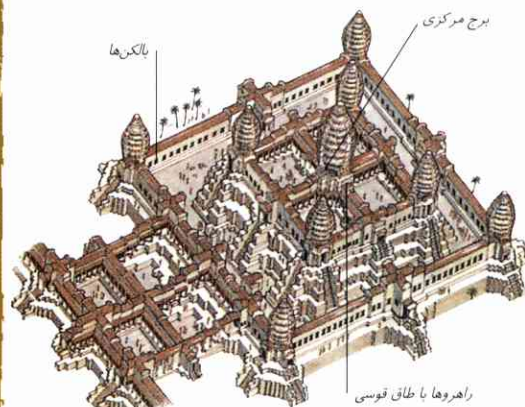
گربه گریه

در معابد هندو، هیچ فضای داخلی برای عبادت وجود ندارد. تصویر اصلی در گربه گریه و به معنای دقیق «اتاقک رحم» قرار دارد. سایر تصاویر در فرورفتگی‌هایی در جهات اصلی چهارگانه واقع شده‌اند.



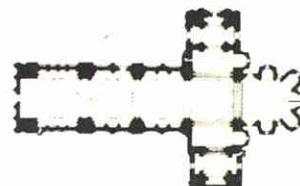
محراب

محراب، فرورفتگی در دیوار مسجد است که قبله یا جهت مکه را نشان می‌دهد که مسلمانان بایستی به سوی آن نماز بخوانند.



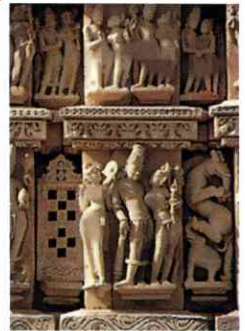
اتنکور وات^{۱۴} (مجموعه‌ای از معابد که در کامبوج برای ویشنو ساخته شد و بعد به معبدی بودایی تبدیل شد)

مجموعه معبد مربوط به قرن ۱۲ در اتنکور در شهر کامبودیا^{۱۵} (پادشاهی در جنوب شرقی آسیا بین تایلند، ویتنام و لائوس) برای حاکم خمر یعنی پادشاه سوریا وامان^{۱۶} دوم ساخته شد. معبد و برج‌های بلند آن نشانگر کوه مرو است، یعنی کوهی که خانه خدایان هندو است. (وات؛ واژه‌ای خمری برای معبد)



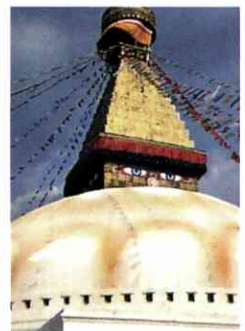
جهت کلیسا

بسیاری از کلیساها به شکل صلیبی ساخته می‌شوند که رو به شرق دارد و نمادی از جهت شرقی کلیساست و رو به سرزمین مقدس یا فلسطین دارد.



مجسمه نقش برجسته

هند به خاطر مجسمه‌های نقش برجسته‌اش در معابد و زیارتگاه‌ها مشهور است. مجسمه، نمودهایی را از بسیاری از ایزدان و خدایان نشان می‌دهد. در بالا این هیئت‌های برجسته از موجودات آسمانی در معبد پارشوانات^{۱۷} در شهر خاجوراهو^{۱۸} در هند مرکزی قرار دارند.



چشم استوپای تنالی

استوپاها در آغاز تل خاک‌هایی برای تدفین بودند و نمادی از ورود بودا به نیروانا به حساب می‌آمدند و در این نمونه، چشم‌های بودا بر هارمیکا^{۱۹} (طبقه‌ای کوچک در بالای استوپا، گاهی چتری به نشانه احترام و تقدس بر بالای هارمیکا قرار می‌گیرد) بر استوپای بودانات^{۲۰} در تنال، تذکری برای همه کسانی است که امکان روشن‌شدگی برای آنها وجود دارد.



نگهبانان در

زیرالای امپراتوری چین باستان در حالت جنگ و شیرهای نگهبان امپراتوری، تصاویر دروازه‌های غامه‌بستند و محبوب در معابد چینی هستند. این باور وجود دارد که آنها از ارواح جلوگیری می‌کنند.





بورو بودورا^۱

در قرن‌های هشتم و نهم در جاوه ساخته شد و بزرگ‌ترین بنای یادبود بودایی در جهان است. این بنا با ۵۰۴ مجسمه از بودا و ۱۴۶۰ قاب سنگی کنده‌کاری شده که داستان‌های بودایی را تصویر می‌کند، تزئین شده. بورو بودور کتاب عظیمی است که روشن‌شدگی و مسیر دستیابی به آن را نمادپردازی می‌کند. سرسپردگان با قدم زدن در اطراف زمین پلکانی آن و خواندن تصویرهایی که بر دیوارهای این گالری حکاکی شده، همان‌گونه که به قله و اوج نزدیک می‌شوند، از نظر مادی و معنوی نیز صعود می‌یابند.



۱. قاعده (کامادهاتو)^۲

نقش برجسته‌ها در قاعده بورو بودور نشانگر کامادهاتو (قلمرو آرزوها و خواسته‌ها) است و انسان‌هایی را نمادپردازی می‌کند که باز هم اسیر شهوت می‌شوند.

۲. چهار طبقه بالایی

نقش برجسته‌های چهار طبقه بالایی نشانگر رویادهاتو^۳ (قلمرو شکل) است و انسان‌هایی را نمادپردازی می‌کند که خود را از دست شهوت‌ها رها ساخته‌اند اما باز هم در قید غرور و تکبر هستند.

۳. سه بالکن بالاتر

بر روی بالکن‌های گرد، مجسمه‌های بودا بر گنبدی‌هایی در داخل حفره‌هایی قرار گرفته‌اند که نشانگر آروپادهاتو^۴ (قلمرو بی‌شکلی) هستند و مردمی را نمادپردازی می‌کنند که رها از شهوت و ظواهر هستند.

۴. بالای بالکن‌ها

این ساختار بر تپه‌ای به شکل هرمی پله‌دار از شش طبقه مستطیلی شکل برپا شده است. بالای بالکن‌ها را آروپا^۵ می‌نامند که نمادی از نیروانا^۶ است که نقل شده که بودا در آنجا اقامت دارد.

۵. شکل مندرله‌ای

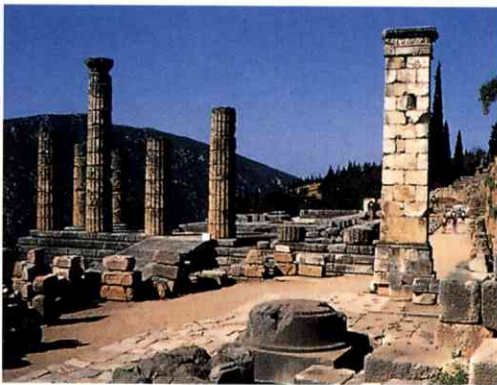
زمانی که از بالای بورو بودور نگرسته شود، شبیه به یک مندرله است که استعاره‌ای بصری برای کیهان در نظر گرفته می‌شود. شکل اصلی آن به صورت دایره‌ای است که به وسیله مربعی محصور است که در وسط هر ضلع «در»ی دارد که رو به چهار جهت اصلی دارند (چهار عنصر بودایی). مندرله‌ها در اهداف مراقبه‌ای کارکرد دارند. اگر چه هیچ‌گونه شواهدی در زمان معاصر از این کارکرد وجود ندارد. اما مراقبه هنوز شبیه همان روشی انجام می‌شود که قبلاً انجام می‌شد.





مکان‌های مقدس

در هر فرهنگی، مکان‌ها و فضاهایی وجود دارد که آکنده از تقدس است که از طریق صدها و هزاران سال عبادت حاصل شده است. این مکان ممکن است به وسیله انسان‌ها ساخته شده باشد نظیر معابد و اهرام و یا از طریق طبیعت، نظیر رودخانه‌ها، صخره‌ها و درختان. دنیا با مکان‌های مقدسی مشخص شده است که به آگاهی عمومی وارد شده‌اند خواه مملو از اهمیت دینی باشند یا فرهنگ عامه و در حد خودشان نمادهای فرهنگشان شده‌اند.



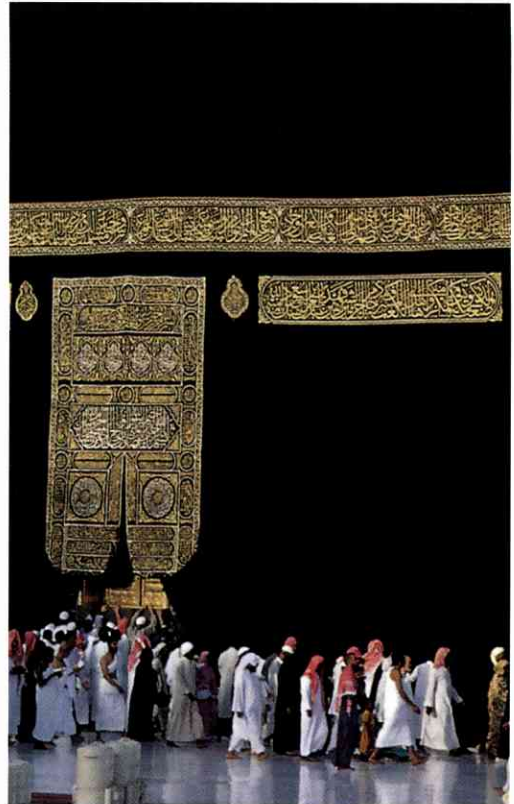
▲ دلفی^۳

دلفی خانه پیشگوی اسرارآمیز دنیای مدیترانه‌ای باستان بود و غرق در افسانه است. در اینجا مکان مقدس ایریدانوی زمین یا گایا و حریم خدای یونانی آپولو قرار دارد. در کنار آن، کوه پارناکسوس^۱ است که در افسانه‌های یونانی برای موزها^۲ (الهه‌های هنر و دانش) مقدس است.



▲ کوه تاق^۲

این کوه صرفاً شبیه به کوه المپ، خانه خدایان نیست بلکه کوه تاق خودش خدا در نظر گرفته می‌شد و پسر امپراتور آسمان بود. امپراتوران چینی، آن را به عنوان مقدس‌ترین قله برای تقریباً ۳۰۰۰ سال تکریم می‌کردند.



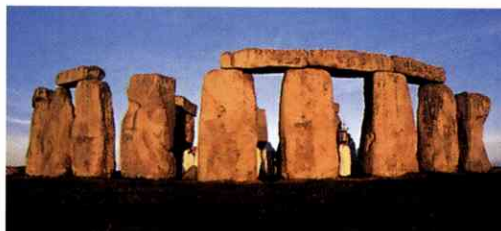
▲ کعبه

ساختاری مکعبی در مسجدی بزرگ در مکه کعبه نامیده می‌شود و مرکزی برای دین اسلام است. مسلمانان اگر استطاعت داشته باشند یک بار در طول عمر خود حج (زیارت) را انجام می‌دهند. زائران هفت بار به دور کعبه می‌چرخند.



▲ معبد پراکو^۴

مقدس‌ترین زیارتگاه بودایی در تایلند (معبد بودای سیز)، در بانکوک است. پادشاه تایلند سالی سه بار پوشش این بودا را تغییر می‌دهد.



▲ استون هنج^۵

در حدود ۲۰۰۰ ق. م ساخته شده است و شاید به عنوان ساعت ستاره شناسانه‌ای یا ماشینی حساب کیهانی به کار می‌رفت. ظرفیت این مکان برای تعیین تاریخ‌های انقلاب و اعتدال مهم بود چون قبایل قدیمی به خورشید و ماه همچون موجوداتی مقدس می‌نگریستند. چرخه‌های ماه، فصول و کسوف و خسوف می‌نواستند از طریق ترکیب سنگ‌ها مشاهده شوند و در آئین‌های مقدس، بزرگ داشته شوند.



▲ چالما^۶

غار مقدس چالما مربوط به دوره پیش کلمبیایی در مکزیکو که توسط قبایل سرخپوستی آمریکایی و در جستجوی درمان استفاده می‌شد. این مکان و آئین به وسیله ساکنان اسپانیایی که کلیسایی زیارتی را در آنجا در دهه ۱۵۳۰ ساختند، تقلید و اتخاذ شد. از آن پس این صومعه سلطنتی و جای مقدس، مکان مقدس مسیحی باقی ماند و زائران برای سیاست‌گذاری از اجابت دعا و یا در جستجوی درمان بدنیا می‌آمدند.

▲ کلیموتو^{۱۲}

آتشفشانی در جزیره اندونزیایی فلور^{۱۳} است. کلیموتو شامل سه دریاچه با رنگ‌های متفاوت است که معتقدند اقامتگاه مردگان است و هر کدام خانه ارواح بر طبق زندگی آنهاست.

▲ جاسناگورا^{۱۱}

صومعه جاسناگورا در لهستان یکی از بزرگ‌ترین مکان‌های زیارتی کاتولیک در دنیا و نمادی برای لهستانی‌ها از دین و کشورشان است. آنجا خانه شمال «بانوی ما» مریم در شهر چستوچوا^{۱۴} است.

▲ بوده گایا^۹

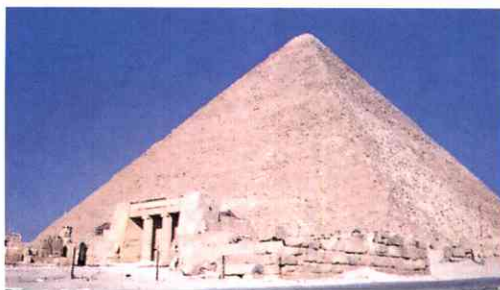
نمادی از روشن‌شدگی بودا در نزدیکی بیهار در هند که برای بوداییان مکانی مقدس است. در اینجا معبد مهابوده^{۱۵} در کنار بودهی قرار دارد که گفته شده که در زیر آن بودا به روشن‌شدگی نایل شد.

هنر صخره‌ای

هنر صخره‌ای بومی استرالیایی و پیشاتاریخی، اولین کتاب‌های تصویری بودند که قصه‌گویی آنها به وسیله سنگ‌نوشته‌ها، تصویرنگاره‌ها و نقاشی‌های در غار انجام می‌شد. این زبان اشاره‌ای بسیار نمادین، در حدود ۱۰۰۰۰ سال بر اهرام قدمت دارد. ارتباط قوی با مناظر و هر مخلوق زنده‌ای که مورد مواجهه قرار می‌گرفت، بنیانی را برای این هنر شکل می‌دهد.

صخره روزنامه‌های یوتا^{۱۶}

صخره روزنامه‌ای، صخره سنگ تراشیده ماندگاری در صخره‌ای سنگ ماسه‌ای در صخره‌ای یوتا در آمریکاست که فعالیت‌های انسانی را در گستره زمانی در حدود ۲۰۰۰ سال را ضبط می‌کند و شامل نمودهایی از فرهنگ‌های سرخپوستی آمریکایی شامل قبایل آناسازی^{۱۷} و ناواجو^{۱۸} است.



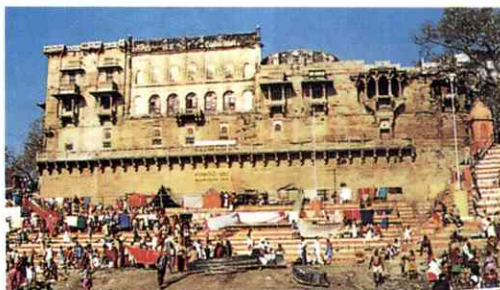
▲ اهرام بزرگ

خیلی بیشتر از قبری عظیم برای حفاظت از فرعون است. اهرام شاید نشانگر ورودی تزئین شده غول‌آسایی باشد که از طریق آن پادشاه مصر باستان می‌توانست به خدای خورشید و آسمان بیوندد.



▲ قدیس پطرس در روم

در سال ۶۴م، قدیس پطرس شهید شد و ۳۰۰ سال بعد کنستانتین، اولین امپراتور مسیحی روم، در این مکان کلیسایی را ساخت. امروزه کلیسای صدر قدیس پطرس در واتیکان، مرکز معنوی برای کلیسای کاتولیک رومی است.

▲ واراناسی^{۱۹}

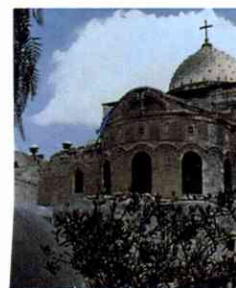
در کنار گنگ واقع است. مکان زیارتی بزرگی در هند که مقدس‌ترین مکان برای هندوان در مورد مرگ و مرده‌سوزی است. رودخانه گنگ، آگاهی الهی و بدین ترتیب فنانابذیری را نماینداری می‌کند.

لاسکائوکس^{۲۰}

نقاشی صخره‌ای پیشاتاریخی در مجموعه غار لاسکائوکس در فرانسه که تاریخ آن به ۱۳۰۰۰-۱۵۰۰۰ ق.م. برمی‌گردد. آنها حیوانات، نمایش‌هایی از انسان و علامات را تصویر کرده‌اند. غارها احتمالاً برای هر دو مورد، آیین‌های صید و آیین‌های جادویی استفاده می‌شد.

▲ تتوتی هواکان^{۲۱}

مجموعه شهری از تکی در مرکزیک که اهرام خورشید (در بالا) را در خود جای داده است. این مجموعه شامل یک مجموعه از جاذبه‌ها، خدایان و خدای



▲ کلیسای مقبره مقدس

یکی از مقدس‌ترین مکان‌های روی زمین بر جایگاه قبر فرضی عیسی است. معتقدند که نمازخانه‌ای کوچک در کلیسای مقبره مقدس در اورشلیم، مقدس‌ترین مکان برای مسلمانان است.

- 1- Chalda
- 2- Tai
- 3- Delphi
- 4- Parnassus
- 5- Muses
- 6- Stonehenge
- 7- Phra Kaew
- 8- Bodhi tree
- 9- Mahabodhi
- 10- Jasna gora
- 11- Czestochowa
- 12- Kelimutu
- 13- Flore
- 14- Varanasi
- 15- Teotihuacan
- 16 - Quetzalcoatl
- 17- Utah
- 18- Anasazi
- 19- Navajo
- 20- Lascaux

همچنین ببینید:
کوه‌ها صص ۲۸-۳۹
مرگ و سوگواری صص ۱۲۸-۱۳۱
معماری صص ۲۲۶-۲۲۷
معماری دینی صص ۲۲۸-۲۲۹



ساختمان‌ها

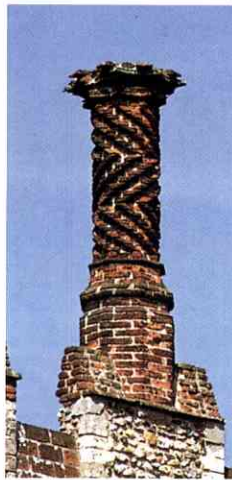
خارجی ساختمان مستقیماً با سلامت معنوی شخص پیوند دارد. فنگ شویی یا روش چینی باستان هم در بسیاری از ساختمان‌های غربی جدید به کار می‌رود تا تعیین جای اتاق‌ها و وسایل درون آنها برای دفع ارواح شیطانی و شانس و اقبال بد، بهینه باشد.

اگرچه معماران، بنا را با این نیت طرح‌ریزی می‌کنند که هم کارکرد داشته باشد و هم از نظر زیبایی شناختی، خوشایند به نظر برسد، اما برای بیشتر مردم، عناصری که خانه‌ای را کامل می‌کنند صرفاً جنبه قابلیت استفاده و کاربردی آن است. در شرق، هماهنگی و جهت‌گیری داخل و نمادی



▲ دودکش

دودهای اجاق که از طریق دودکش خارج می‌شوند نشانگر رهایی از فضایی بسته و از وضعیتی خاکی به آسمان‌هاست. در ابتدا که بابائول که از دودکش پایین می‌آمد، به عنوان نمادی از اقتدار الهی مورد توجه بود و از آسمان‌ها، هدایایی را منتقل می‌کرد. دودکش و بخاری پاک‌کن نشانگر اقبال خوب هستند.

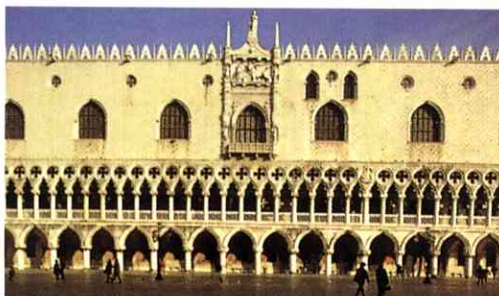


▲ پنجره

درست به مانند چشم است و با «پنجره روح» پیوند دارد. پس پنجره به صورتی نمادین به مدنی طولانی به عنوان «چشم روح» در نظر گرفته می‌شده است که به نور حقیقت اجازه ورود بدهد. نمونه شیشه رنگی، این کار را با نمادپردازی انجام می‌دهد و تاریکی غفلت را روشن می‌سازد.

▲ پلکان

راه‌پله نشانگر پله‌هایی به سوی جاده‌ای معنوی برای رسیدن به معرفت و روشن‌شدگی است. همچنین می‌تواند نمادی از حرکت به سوی پایین و نزول به تاریکی و غفلت را داشته باشد. راه پله‌ای مارپیچی که ابتدا و انتهایش دیده نمی‌شود، نمادی اسرارآمیز است.



▲ نما

وجه آشکار یک ساختمان نشان می‌دهد که شخص می‌خواهد در دنیا چگونه ظاهر بشود. نمایی باز یا پنجره‌های زیاد، دلالت بر صراحت، گشاده‌رویی و صداقت دارد. در صورتی که نمایی بدون پنجره یا حیاطی محصور، حکایت از مخفی‌کاری و وضعیت مرموز دارد. نقش و نگار تزئینی، منزلت اجتماعی و قدرت را اعلام می‌دارد.



▲ ستون

ستون نشانگر پیوستن آسمان و زمین است و اغلب تزئین می‌شود تا این پیوند برجسته گردد.



▲ بالکن

هم خارج است و هم بخشی از ساختمان. یک بالکن نشان‌دهنده ناهمخوانی و تردید و هم ایهام و آدم مرموز است چون تا حدودی مخفی می‌سازد و تا حدودی آشکار. از نظر تاریخی، بالکن‌ها «تکیه‌گاه و پشتیبان» و سبک زندگی مرفه را نمادپردازی می‌کنند.



▲ دیوار

نمادی از توانمندی، تنهایی و زندگی خصوصی و محدوده‌سازی است. دیوار، داخل بنا یا باغ را محصور می‌سازد و حفاظت می‌کند. در برخی موارد همانند حصار باریکه غزه یا دیوار بزرگ چین، نشانگر تقسیم‌بندی، انزوا و جدایی است.



▲ اتاق قوسی

گذرگاه سربوئیده، گذر از یک وضعیت وجود به مرحله دیگری را نمادپردازی می‌کند. در آیین‌های تشریف که یک فرد از زیر طاق قوسی عبور می‌کند، به صورت نمادین دوباره متولد می‌شود. گذرگاه قوسی قدیس لوتیس نشانگر گذرگاهی به غرب آمریکای تاریخی است.



▲ زیرزمین

زیرزمین به صورت نمادین - سرداب یا انبار - اغلب با سقفی قوسی نشانگر دنیای زیرین است. قبرها زیر دنیای آدمیان و آسمان‌ها، قرار می‌گیرند. در برخی فرهنگ‌ها، خانه‌ها بر پایه‌های بلندی در بالا قرار می‌گیرند و فضای زیرین خانه‌ها (جایی که حیوانات اهلی نگهداری می‌شوند) نمودی از حوزه‌های پایین‌تر است.



▲ اتاق زیر شیروانی

در زیر سقف قرار می‌گیرد و اغلب انباری خانه است و پر از اسباب‌بازی‌ها و یادگاری‌های قدیمی. به صورت نمادین نشانگر حقیقتی فراموش شده یا نیمه از یادرفته است که منتظرند تا برای جستجوگر آشکار شوند.



▲ بام

نمودی مونت دارد چون اصلی بنادهنده است. بام، بنا را از نیروهای شر مصنوعی نگه می‌دارد، همچنین فضایی مقدس است که آسمان‌ها یا خدایان و فرشتگان را نمادپردازی می‌کند و در ساختمان‌های مقدس، اغلب آنها را نشان می‌دهد. ناودان‌ها اغلب برای افزایش قدرت حفاظتی اضافه می‌شوند.



▲ گنبد

گنبد از قدیم و از طریق ادیان و فرهنگ‌های متفاوت، قلمرو خدایان و قوس آسمان است. به همین دلیل گنبد داخلی بسیاری از کلیساها و معابد یا ستارگان و دیگر موضوعات آسمانی نقاشی می‌شود.



▲ کف

قلمرو زمین میان آسمان (بام) و جهنم (فضای زیر کف یا زیرزمین) با کف نشان داده می‌شود. گاهی کف با نمادها و الگوهای تزیین می‌شود.



▲ تالار

تالار چه از نظر عملی و چه استعاره‌ای، مکانی برای گذر است که به سوی سایر درها و گذرگاه‌ها هدایت می‌کند و در زمانی که چندین «در» به سوی معنویات یا امکاناتی جدید یا چیزهای دیگر باز است، لحظه انتخاب را در زندگی نمادپردازی می‌کند.

ورودی

ورود به خانه یا فضایی مقدس، به صورت نمادین تقسیم بین دو منطقه مقدس و غیردینی، یا گذر از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر، یا گذر از زندگی به مرگ را مشخص می‌کند. برای اطمینان از در امان بودن ورودی از تأثیرات شرور، مردم نگاره‌هایی را بر تکیه‌گاه‌های پیرامونی، کنده‌کاری می‌کنند یا «توتم»‌های نمادینی نظیر نعل اسب یا کوبه در را بر خود در می‌افزایند.

▲ کوبه در

اگر چه کوبه در می‌تواند با نگارهای از آناتاسی، مهمان‌نوازی را نمادپردازی کند، یا با نعل اسب و یا شیر چهارپا، نمادی از اقبال خوب باشد، اما صدای کوبه در می‌تواند به عنوان علامتی از تقدیر اجتناب‌ناپذیر یا مرگ نزدیک شنوده تفسیر شود.

▲ ستون نما

نعل درگاه و ستون نماهای پیرامون ورودی‌های معابد و کلیساها، اغلب با خدایان نگهبان و محافظ کنده‌کاری شده‌اند و شامل نمادهای اعطای اقبال خوب به کسانی هستند که وارد می‌شوند. در کشورهای شرقی، نیلوفر آبی نگارهای محبوب است.

همچنین ببینید:

- اسلام صص ۱۸۳ - ۱۸۰
- معماری صص ۲۲۷ - ۲۲۶
- معماری دینی صص ۲۳۱ - ۲۲۸
- مکان‌های مقدس صص ۲۳۳ - ۲۳۲
- پله‌هایی به آسمان صص ۳۳۷ - ۳۳۶



▲ نردبان یعقوب

احتمالا شناخته شده ترین نردبان در نمادپردازی غربی، نردبان یعقوب است. در عهد عتیق آمده که یعقوب از خشم برادرش می‌گریزد و بر روی سنگی به عنوان بالش دراز می‌کشد. او نردبانی را به سوی آسمان خواب می‌بیند که فرشتگان از آن بالا می‌روند. خداوند در بالای نردبان به یعقوب در طول سفرش، نویدهایی برای حفاظت و رحمت می‌دهد. بنابراین، نردبان نمادی از آمدورفت بین آسمان و زمین می‌شود.



پله‌هایی به آسمان



يك نردبان يا راه پله مي‌تواند نشانگر دستيابي به تعالي يا نزولي پريشيب به دنياي زيرين مشتعل باشد و هر پله يا هاي پا، مرحله‌اي معنوي يا سطح جديدي از آگاهي در مسير صعود است.

گام‌هايي بر مسير

نردبان‌ها و پله‌ها شبیه به درخت زندگی با معرفت خیر و شر ارتباط دارند. سطوح مختلف نشانگر مسیری بین حوزه‌های آسمانی و زمینی است.

در بسیاری از فرهنگ‌ها، تعداد پله‌های نردبان با تعداد آزمایش‌هایی که فرد بایستی بگذراند تا به معرفت نفس و روشن‌شدگی نایل شود، برابر است. از همه معمول‌تر ۷ پله است. برای مثال در بودیسم، هفت پله با هفت بهشت و هفت مرحله آگاهی مربوط است. از کیهان‌شناسی سومری تا فراماسونری امروزی جدید، این نردبان همچنان ۷ پله تصویر می‌شود. محراب کلیسا که کشیش به آن نزدیک می‌شود، چند پله بالاتر از جمعیت قرار می‌گیرد و نمادی از مقدس بودن این مکان است. یک اریکه هم با پله‌هایی بالاتر از کف قرار می‌گیرد که اغلب علامتی از اقتدار معنوی و گذرا بودن و ناپایداری آن است.



▲ پله‌های بودا

این نقش برجسته گچ کاری شده در معبد مهاتاتا در تایلند، بودا را در حالی تصویر می‌کند که از پلکان نردبانی از آسمان تراپاستری ماشا^۱ پایین می‌آید همراه با بودا و ایندرا که در هر طرف ملازمان او بر نردبان هستند.

پلکان

طبقات مختلف، نشانگر سطوح مختلف کیهانی و دستيابي به روشن‌شدگی در پی طلب آن است. یک راه‌پله مارپیچی دلالت بر سفری شاید آکنده از تردید و دودلی دارد. پیچ‌های آن نمادی از پیچ‌های توفیق و سرنوشت در این سفر معنوی است. باید به یادداشت که نردبان و پلکان صرفاً به سوی بالا هدایت نمی‌کنند. بازی ماروپله، نمادی از حرکت رو به بالا در زندگی معنوی است که در پی آن، پایین آمدن‌های ناگهانی و غیرمترقبه در اثر غوا و وسوسه (که به عنوان مار نمادپردازی می‌شود) وجود دارد.



◀ راه پله مارپیچی

راه پله مارپیچی، نمادی از صعود تدریجی به نوعی جدید از آگاهی است. انتهای آن در معرض دید نیست. چون فرد به صورت گردشی بالا می‌رود، از نظر مادی و نمادین، صعود به سوی اوج است.

▶ پله‌های محراب

محراب‌ها اغلب با چند پله در مکان بالاتری قرار دارند شبیه به این مورد یعنی اسقف‌نشین قدیس یوحنا در شهر والتا^۲ در مالت. پله‌ها به سوی محراب بالا می‌روند و می‌توانند به عنوان صعودی آئینی در نظر گرفته شوند. منطقه تختی که در بالای پله‌ها و در محراب قرار دارد، دلالت بر نزدیک‌تر بودن به الوهیت دارد. محراب‌های



همچنین ببینید:
مار صص ۶۶-۶۷
درختان مقدس صص ۹۶-۹۷
خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹
دین بودایی صص ۱۶۸-۱۶۹
فراماسونری صص ۱۶۱-۲۶۰



خانه

خانه، شبیه به رحم و مونس است و هریم و همچنین امنیتی را جدای از دنیای خارج نشان می‌دهد. بسیاری از اشیاء شناخته شده که ما هر روزه در اطراف خانه، آنها را بی‌اهمیت می‌دانیم نظیر کاسه، ساعت دیواری، جاروی دسته‌بلند و آینه، برای مدتی طولانی، ارتباطات نمادین عمیقی با کیهان‌شناسی و دین داشته‌اند و اغلب بیشتر از آنچه که ما درک می‌کنیم، معنایی این جهانی دارند.



▲ آینه

آینه نمادی بسیار پیچیده و نشانگر حقیقت، وضوح و ارزیابی خود است که روح را باز می‌تاباند. از نظر تائویست‌ها، آینه نمادی از آرامش درونی حکیم است. آینه با خورشید و ماه ارتباط دارد. چون نور را باز می‌تاباند. از نظر هندوها، آینه ماهیت پنداری و فریبدهی واقعیت است. زمانی که یک آینه شکسته می‌شود، نمادی از نبود زیبایی، یا بیگانه‌ی یا حاکی از اقبال بد است.



▲ اجاق

تا همین اواخر، خانه‌ها به صورت نمادین در اطراف یک اجاق یا بخاری به وجود می‌آمدند که خانواده به خاطر گرما دور آن جمع می‌شدند. اجاق ایده گرمای زنانه و پروراندن را تجسم می‌بخشد. در زمان‌های یونان باستان، اجاق وقف ازدیادآوری هستیا بود که او آتش مقدس کوه المپ را مراقبت می‌کرد.



▲ جاروی دسته‌بلند

نمادی از پاکیزگی که مشکلات را بیرون می‌ریزد. در روم باستان، دور کردن شیطان را از خانه نمادپردازی می‌کرد که ممکن بود به بیجه آسیب برساند. جاروی دسته‌بلند، وسیله‌ای در برابر لعنت‌ها و نفرین‌هاست. مردم، جاروی دسته‌بلند را بر جلوی در خانه‌شان آویزان می‌کنند تا خانه‌شان را از ارواح شیطانی حفظ کنند.



▲ میز

از نظر مسیحیان، میز نشانگر شام آخر است. میزگرد نمادی از گستره آسمان‌ها و برابری است. نمونه شناخته شده و مشهور، میزگرد شاه آرتور است.

► ریسمان

نمادی از پیچ و تاب‌های زندگی انسان، به وسیله خدایان است. اسطوره‌شناسی یونانی نقل می‌کند که چطور تستوس توانست بعد از این که رد یک گلوله نخ را گرفت، از لایبرنت فرار کند. در دین هندویی، مردانی از طبقات بالاتر، ریسمانی سه رشته را استفاده می‌کنند که نمادی از واقعیت، شور و میل شدید، و آرامش هستند.



▼ قلم و جوهر

قلم همچون قلم‌موی چینی، علامتی از تعلیم است که تقدیر ما را بر ورقه‌ای از کاغذ مشخص می‌سازد. قلم، شکلی مردانه دارد و با قزو رفتن در دوات که شکلی زنانه دارد، از آن کمک می‌گیرد.



▲ صندوقچه

اسرار می‌توانند در صندوقچه مخفی شوند. لوحه‌های عبری شریعت در صندوقچه‌ای نگهداری می‌شد و صندوقچه‌های یونانی، اسراری را نگه می‌دارند که تنها برای آگاهان آشکار می‌شود. از نظر رومی‌ها، صندوقچه نمادی از عرفان است.



▲ کاسه

کاسه‌ای که از آب پر شده نماد اصل زنانه و باروری است. کاسه صدقات به وسیله راهب بودایی حمل می‌شود و نمادی از کناره‌گیری از امور دنیوی است.



ساعت شنی

شبیه به ساعت آفتابی و ساعت دیواری. ساعت شنی هم زمان را اندازه می‌گیرد و بنابراین نمادی از فناپذیری است. طول زندگی‌های ما شبیه به شن‌های داخل ساعت شنی کاهش می‌یابد.

چاقو

اگر چه چاقوها نمادی از مرگ و قربانی هستند، همچنین می‌توانند نشانگر جدایی و بریدگی باشند که به منظور رهایی می‌برد. از تک‌ها از چاقوهای از جنس سنگ یا شیشه معدنی استفاده می‌کردند تا قلب قربانی را از بدتش خارج سازند. در بودیسم یک چاقو، باعث بریدن از قیود غفلت است. همچنین علامتی از برخی از شهدای مسیحی است نظیر قدیس یارتولومه.^۱



نور

خواه به شکل لامپ باشد یا شمع، نمادی از روشنگری، معرفت و امر الوهی است. پرتوی شبیه به خورشید، همان حقیقت، شکوه و نور آسمان است. در هنر مسیحی شمع اغلب برای نشان دادن نور مسیح که به دنیا می‌آید، به کار می‌رود.



پاراوان

نمادی از راز است. نیمه‌ای را آشکار می‌سازد و نیمه‌ای را می‌پوشاند. در کلیسای مسیحی، لوح شمایل، شبستان را از صدر جدا می‌سازد. در شبستان، جمعیت می‌نشینند و صدر محوطه‌ای است که در آنجا محراب قرار دارد و نشانگر امر الهی است.



جعبه

نمادی از در برگیرندگی که نشان‌دهنده تأیید است. زمانی که بسته باشد نمادی از ناآگاهی است و زمانی که باز باشد، می‌تواند تمام انواع شرور را آزاد سازد. همان‌طور که جعبه پاندورا^۲ بر طبق اسطوره‌شناسی یونانی، این کار را انجام داد.

کلید

کلید نمادی از خردمندی، معرفت و موفقیت است چون دستیابی به اتاق‌های قفل شده را امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین می‌تواند شخصی را آزاد سازد. پس آزاد شدن را نمادپردازی می‌کند. در مسیحیت دو کلید متقاطع و بر روی هم قرار گرفته، علامت قدیس بطرس است که او کلیدهای دروازه‌های آسمان را دارد.



کیف پول

کیف پولی پر از پول، نشانگر بیهودگی دنیا و ناپایداری تمول است. در هنر مسیحی، نمادی از قدیس متی^۳ است که جمع‌کننده مالیات بود و همچنین یهودا اسخریوطی حواری که برای ۳۰ سکه نقره به عیسی خیانت کرد.

دستگاه نساجی

ویژگی‌ای از مادر و ایزدبانوان ماه که نمادی از حفاظت و قدرت زنانه‌اند. اتنا یا ایزدبانوی یونانی مجاهدت قهرمانانه، حامی حرفه و فن و «بافته دنیاها» است.



کتاب

کتاب گشوده نمادی از تعلیم و خردمندی است. کتاب بسته به معنی انتها و فرجام، داوری یا مرگ است به مانند شمع خاموش شده یا به صدا درآمدن ناقوس. (عبارت «رنگ، کتاب و شمع» اشاره به وسایل و موضوعاتی دارد که در مراسم به منظور تکفیر کاتولیک‌های سرکش به کار می‌رود.)



چرخ نخ‌ریسی

به صورت سنتی برای رسیدن نخ به کار می‌رود. چرخ نخ‌ریسی نمادی از گردش جهان است. مهاتما گاندی هم از آن به عنوان نمادی از پیکار هند برای رسیدن به استقلال استفاده می‌کرد.



بادبزن

نمادی نه تنها از تأیید، بلکه از رتبه و مقام است. تصور می‌شد بادبزن ارواح شیطانی را دور می‌سازد. از نظر تائویست‌ها^۴ بادبزن نمادی از ورود او به قلمرو فناپذیری است.

همچنین ببینید:

- ۱- خدایان یونانی و رومی صص ۱۴۱-۱۴۰
- ۲- بودائیت صص ۱۶۹-۱۶۴
- ۳- مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶
- ۴- جام مقدس صص ۲۰۹-۲۰۸
- ۵- ابزار و اسلحه‌ها صص ۲۴۵-۲۴۴
- ۶- سخنان صص ۲۳۵-۲۳۴

1- Hestia
2- Theseus
3- Bartholomew
4- Matthew
5- Pandora





ازدواج آرنولفینی

مشهورترین اثر هنرمند هلندی وان آیک^۱، نقاشی است که تصور می‌شود به یادبود ازدواج تاجر ثروتمند جیووانی آرنولفینی^۲ و جیووانا سنای^۳ کشیده است. تصویر مملو از نمادپردازی، معانی نهفته و کارهایی در سطوح مختلف است. همان‌گونه که تصویر این دو نفر به عنوان ضبط یک ازدواج نشان می‌دهد تصویر گویایی از ازدواج در قرن پانزدهم است.



جزئیات در آینه برآمده یا محدب

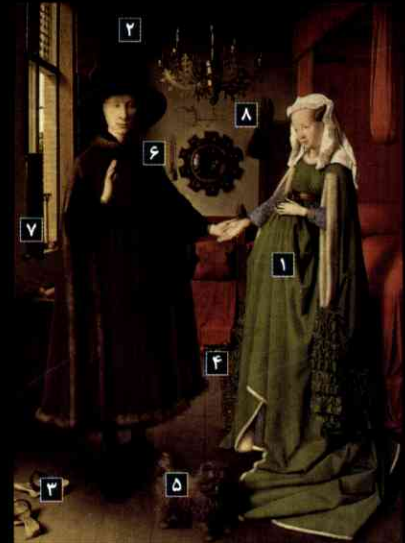
آینه در مرکز نقاشی قرار دارد و ناظران می‌توانند تمام اتاق را در بازتابی از آینه ببینند. از جمله تصویری که شاید خود هنرمند باشد. نشان‌های کوچکی که در قاب آینه قرار دارند، صحنه‌های کوچکی از مصیبت مسیح را نشان می‌دهد و نشانگر وعده همیشگی خداوند برای رهایی و نجات است. پیمان و وعده‌ای که این چهره‌ها را در بازتاب از روی سطح برجسته آینه شامل می‌کند و دربرمی‌گیرد. آینه‌ای پاکیزه همچنین نمادی تثبیت شده از مریم است که اشاره به پاکی و معصومیت مریم مقدس دارد.

۷. پرتقال یا نارنج

این میوه‌های تجملی نمادی از رفاه زوج است. همچنین به عنوان «سیب‌های آدم» شناخته می‌شوند. چون آنها نشانگر ممنوعیت این میوه در باغ عدن بودند و نمادی از شهوت که به وسیله ازدواج، وجهه قانونی می‌یابد.

۸. تختخواب

هیاتی با ازدهایی در پایه‌هایش بر روی تخت. اینجا یافته است که می‌تواند قدیس مارگارت^۴ قدیس حامی تولد بچه باشد.



۱. لباس

رنگ لباس عروس، سبز است و نمادی قدرتمند از باروری است. اگرچه او باردار نیست ولی حالت او بر بارداری تأکید دارد و احتمالاً حاملگی‌هایی در آینده را نشان می‌دهد.

۲. شمع

یک شمع منفرد در لوستر، نمادی از حضور خداوند است. جای آن در کنار رختخواب، ناکیدی بر امید به باروری همسر دارد.

۳ و ۴. کفش‌ها

کفش‌هایی که در پا نیستند، نشان می‌دهند که مراسمی دینی در حال انجام است. بر این باور بودند که باهای برهنه‌ای که زمین را لمس می‌کند، نمادی از باروری است. وضعیت کفش‌ها هم مناسبت و ارتباطی را نشان می‌دهد. کفش‌های مرد به در نزدیک‌تر است. در حالی که کفش‌های قرمز عروس در کنار تخت است که نشان‌دهنده جا و وضعیت مرد در دنیای خارجی و باروری زن است.

۵. سگ

نمادی از وفاداری آنها به یکدیگر و به خداوند است. قرار گرفتن سگ در بین این زوج، شاید نشانگر عشق زمینی هم باشد.

۶. مهره‌های شیشه‌ای نیایش

مهره‌هایی که می‌توانند بر در آویزان شوند. از شیشه ساخته شده‌اند که نمادی از پاکی و ماهیت دیندار عروس است.



کشتی‌ها و قایق‌ها

حمل می‌شوند. از نظر مسیحیان، کشتی نماد کلیسا و همچنین کشتی نوح است. يك قایق می‌تواند امنیت و هم مرگ را نمادپردازی کند، چرا که قایق از رودخانه عبور می‌کند تا به دنیای زیرین برسد یا بدن يك جنگجو یا اشرافزاده را برای سفر نهایی‌اش حمل می‌کند.

کشتی نماد قدرتمندی از امنیت، همچون رحم یا ظرفی گهواره‌ای بر اقیانوس کیهانی است. کشتی همچنین نشانگر کشف قلمروهای جدید است. در مصر باستان و بین‌النهرین، این يك کشتی بود که خورشید و ماه را در سراسر آسمان‌ها حمل می‌کرد. هفت خدای ژاپنی سعادت توسط این وسیله



▲ مجسمه جلوی کشتی

اغلب کشتی‌ها، مجسمه‌های کنده‌کاری شده‌ای را بر سینه خود حمل می‌کردند که تصور می‌شد، کشتی و خدمه را محافظت می‌کنند. این مجسمه‌ها اغلب نمودی از یک خدا، نظیر یوزئیدون یا پری دریایی یا سایر مخلوقات دریایی بودند.

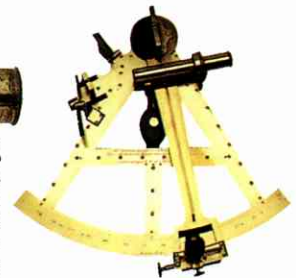
▲ مرغ دریایی

از نظر دریانوردان، مرغ دریایی، بیش از همه، پرنده خوش‌یمنی است که توانمندی خستگی‌ناپذیری را نمادپردازی می‌کند. اما همچنین آب و هوای بد را هشدار می‌دهد. تصور می‌شد که مرغان دریایی، تجسم ارواح ملاحان مرده هستند. پس کشتن آنها، بداقبالی را به همراه داشت.



▲ تلسکوپ

شیبه به زاویه‌یاب، تلسکوپ نمادی از جهت‌یابی است. در سطحی عمیق‌تر، ویژگی بزرگنمایی آن، به سوی معرفت بیشتر هدایت می‌کند و به یل زدن بر فاصله بین انسان‌ها و کیهان کمک می‌کند.



▲ زاویه‌یاب

وسيله‌ای مربوط به جهت‌یابی که برای دریانوردان در گذشته ضروری بود. زاویه‌یاب، نمادی از جهت‌یابی، ماجراجویی و افق‌های جدید است. این وسیله، همچنین با ایده پیشرفت ارتباط دارد چون مناطق جدیدی را روی نقشه مشخص می‌کند و مرزهای معرفت را بسط می‌دهد.



▲ لنگر

لنگر نماد ثبات، توانمندی و امید است. چون یک لنگر، قایق را در دریاهای طوفانی استوار نگه می‌دارد. مسیحیان اولیه از لنگر به عنوان نمادی مخفی و سری از صلیب استفاده می‌کردند. اغلب بر روی مهرها، شیشه‌های رنگی و خالکوبی‌ها دیده می‌شود.



▲ زیردریایی

در آغاز با رفاه و بهروزی ارتباط داشت. یک زیردریایی، نمادپردازی مختلفی دارد. شکل فالوسی و قدرت مردانه دارد و اژدرهایش حاکی از مردانگی است. اما خصوصیات حفاظتی و رحم شکل هم دارد و از طریق کیهان خلایق و مایع سفر می‌کند.

▲ پوشش کشتی

برخی فرهنگ‌ها از اجدادی صحبت می‌کنند که در پهنه دریا به کشتی می‌آیند. مردم لامیانگ از سوماترا پوشش‌هایی برای کشتی دارند که در آیین‌ها استفاده می‌کنند. این پوشش‌ها، کشتی‌هایی را تصویر می‌کنند که گذشته و مثبت آنها را نمادپردازی می‌کنند.



▲ قایق زندگی

قایق زندگی نمادی از امنیت در اوقات خطر است و دریانوردان را به سوی خشکی حمل می‌کند درست همانند تشنگان معرفت که حامل روحی هستند که به صورت امنی، به طرف حقیقت‌نهایی رهسپار می‌شود.

▲ راه رفتن بر الوار

اصطلاحی برای مرگ است. چون این تنبیه نهایی برای مجرمان در دریا بود. چشم‌های مرتکب کار اشتباه را می‌بستند و موج دست‌های او هم در بند بود. او بایستی برالواری که از کنار کشتی بیرون زده بود راه برود تا به دریا بیفتد و غرق شود.



▲ بادبان‌ها

بادبان‌های یک کشتی، بادها، آب و دمیدن روح را نمادپردازی می‌کنند. بادبان‌ها آکنده از یاد، دلالت بر بارداری، اما به صورت ناپایدار دارد. زیرا آنها با باد تغییر می‌کنند. از نظر مسیحیان، بادبان‌ها نماد روح القدس را نشان دهند.





▲ **دکل و بازوی افقی آن**
دکل کشتی، نقطه اصلی و مرکزی در کشتی است و محور کیهانی را در مرکز کیهان نمادپردازی می‌کند. شکل متقاطع آن، همچنین نمادی از صلیب مسیحی است. بازوی افقی دکل، نماد مرگ بود چون دریانوردان مجرم را بر آن به دار می‌کشیدند.



▲ **جمجمه یا استخوان‌های متقاطع**
نمادی بر روی پرچم دزدان دریایی یا «جولی روگر»^۱ است. جمجمه و استخوان‌های متقاطع به استخوان‌های قربانیان دزدان دریایی اشاره داشت. بسیاری از کشتی‌های دزدان دریایی، پرچم کشور بیطرفی را حمل می‌کردند و سپس درست قبل از حمله، پرچم جولی روگر را بر دکل بالا می‌بردند.

▲ **جهت‌نما**

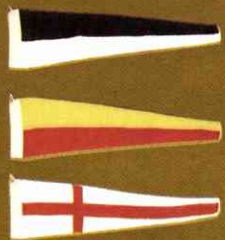
جهت‌نمای دریانوردی با مکان ستاره‌ها که جهت را نشان می‌دهد، نمادی از دریانوردی و کشف و هم بازگشتی امن به بندر است. همچنین نشان‌دهنده‌ی تمامیت جهان و آسمان‌هاست.

نمادهای دریانوردی

علامت دار بودن پرچم‌ها مربوط به قرون قدیم است، اما اولین قوانین مربوط به علامت‌های پرچمی به قرن هفدهم در انگلستان برمی‌گردد. پرچم‌های سه‌گوش و پرچم‌ها معانی خاصی داشتند و اکنون قوانین بین‌المللی استاندارد برای این پرچم‌ها وجود دارد که به وسیله آن کشتی‌ها به یکدیگر علامت می‌دهند.

► **پرچم‌ها یا پیام**

معنای این پرچم، این است که «من در حال سوختن هستم. از من فاصله بگیرید.» در نبرد ترافالگار^۲، نلسون^۳ پرچم‌هایی را برافراشت که می‌گفتند: «انگلستان انتظار دارد هر مردی وظیفه خودش را انجام دهد»

▲ **اعداد**

پرچم‌های عددی در قرون هجدهم به وسیله نیروی دریایی انگلستان معرفی شد. سه پرچم در سمت چپ و بالا، اعداد یک تا سه را نشان می‌دهد و پرچم‌های سمت راست، اعداد شش تا هشت را نشان می‌دهد.

همچنین ببینید:

- پرنده‌گان صص ۵۸۶۱
- مرگ و سوگواری صص ۱۳۱-۱۲۸
- خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۱-۱۴۰
- مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶
- تزئین بدن صص ۱۵۷-۲۵۶
- پرچم‌ها صص ۳۲۹-۳۲۴

مراسم تدفین با کشتی

سراسر آب، به صورت سنتی، اغلب با مرگ و سفر به بعد از زندگی ارتباط دارد. مصریان باستان، قایق‌های تشییع جنازه چوبی موزون و زیبایی را می‌ساختند تا فرعون‌هایشان را در سراسر نیل حمل کند و به آرامگاهشان ببرد. سپس قایق‌ها در نزدیکی فرعون‌ها دفن می‌شدند. گاهی پادشاهان و اکیبک و انگلوساکسون، تشییع جنازه با کشتی داشتند. این کشتی حامل وسایل زندگی، اسلحه‌ها و خزانی بود که امکان داشت پادشاه بعد از مرگ تیز داشته باشد. یک قایق تشییع جنازه حاکی از شأن بالا و احترام و همچنین سفر به سوی خدایان بود.

▲ **سانون هوو^۴**

در سال ۱۹۳۹، بقایای قایق تشییع جنازه ۲۷ متری (۹۰ فوتی) پادشاه انگلوساکسون در منطقه سانون هو از بخش سافولک^۵ در انگلستان همراه با گنجینه‌های پول کشف شد.

▲ **قایق تشییع جنازه مصری**

این تصویر هیروگلیفی در مصر باستان، گروهی از یاروزنان را نشان می‌دهد که با کشتی یادبانی بدن فرعون را روی نیل حرکت می‌دهند. تصویری مشابه، کشتی را آماده برای انتقال فرعون به زندگی پسین نشان می‌دهد.

1- Lampang
2- Jolly Roger
3- Sutton hoo
4- Suffolk
5- Trafalgar
6- Nelson



باغ‌ها

روی زمین که باغبان خالق آن است، طبیعتی رام‌شده و منظم را نمادپردازی می‌کند. از آرامش باغ ذن تا محدودیت و قید و بند باغ رسمی، یا سرسبزی باغ وحشی، هرکدام طرح، ساختار و گیاهان نمادین خودش را دارد.

بهشت‌ها، مکان‌هایی برای تغذیه معنوی یا الهام و فکر خوب، محوطه‌های تفریح و خوشی یا علامتی از شأن و مقام هستند و باغ‌ها می‌توانند همه این چیزها باشند. آن‌ها حریمی را برای زندگی روزانه و آرام‌بخشی روح ارائه می‌دهند. برخی باغ‌ها همچون یادبودی زنده هستند. باغ به عنوان بهشتی بر



▲ باغ وحشی

در تقابل با سبک باغ‌هایی که تحت نظم قرار دارند، باغ وحشی، سرسبزی طبیعت و وحشی بودن روح رام نشده را نشان می‌دهد. طبیعت، شکوفایی خود را به صورت کنترل نشده‌ای نشان می‌دهد که به معنی وفور و ادامه داشتن چرخه زندگی است.



▲ باغ رسمی

باغ‌ها در طول دوران رنسانس اروپایی، به صورت روزافزونی، هندسی و تحت کنترل شدند که نشانگر تسلط انسان بر طبیعت و همچنین منزلت اجتماعی و شأن صاحب باغ است. نمادپردازی قدیمی که در ساختارهای باغ و در مجسمه‌ها ظاهر می‌شود، بر مکانی مناسب برای خدایان دلالت دارد.



▲ باغ اسلامی

تغذیه جسمانی و روحانی را نمادپردازی می‌کند. باغ‌های اسلامی بر مبنای آب و تقارن به محوطه‌هایی تقسیم‌بندی شده‌اند. این امر چهارباغ بهشت یعنی قلب، روح، روان و ذات را نشان می‌دهد.



► باغ ذن

در آغاز به وسیله راهبان بودایی ایجاد شد. باغ‌های ذن، عظمت طبیعت را در نمونه کوچکی نمادپردازی می‌کنند. ماسه‌های شیب‌دار نشانگر آب (بین) است در صورتی که صخره‌های بزرگ نمادی از کوه‌هاست (یانگ). آن‌ها با هم فضایی هماهنگ، آرام و دوردست را ایجاد می‌کنند که موجب مراقبه می‌شود.



▲ باغ آرامگاه

برخی فرهنگ‌های شرقی برای امپراتوران، باغ آرامگاه می‌سازند. نظیر این مورد که برای امپراتور مینه مانگ^۱ در وینتام ساخته شده است. اینها از نظر نمادین، باغ‌های زمینی بودند که شان متوفی را منعکس می‌کردند.



► باغ عدن

باغ عدن به عنوان آسمانی بر روی زمین، نشانگر وضعیت «بیگناهی و معصومیت الهی» است که قبل از این که آدم و حوا از میوه ممنوعه بخورند و برای همیشه تبعید شوند، در آن انسان‌ها، خدا و طبیعت در هماهنگی کاملی با هم زندگی می‌کردند. اغلب در هنر غربی و ادبیات تصویر می‌شود. این باغ همچنین آرزومند بودن برای زیبایی و بیگناهی از دست رفته را نمادپردازی می‌کند.

**باغ سری**

با باغ گمشده عشق و سعادت پیوند دارد. باغ سری نیاز به کلید موهبت معرفت دارد تا قفل رازهای آن باز شود و امکان شکوفایی مادی و معنوی ایجاد شود. این موضوع نمادین در کتاب هاجسن بارت^۱ فرانسوی، به همین نام سایه افکنده است.

**باغ محصور**

در ایران، باغ‌های دیوار کشیده شده، به صورت سنتی مکان‌های دنج، الهام‌بخش و آرامی برای زندگی روزانه بودند. این موضوع پناهگاه روحی، در اروپای قرون وسطی همچنان ادامه یافت. این باغ‌ها همچنین ماهیتی مونث و نمادی از محافظت‌کنندگی بودند که با مریم باکره ارتباط داشتند.

گروتو^۲

در اصل از واژه یونانی kruptos (پنهان) گرفته شده است. گروتوها (غارها) با دنیای زیرین، مادر زمین و رحم ارتباط دارند؛ حضور آب نشانگر زندگی است. در صورتی که خود غار نمادی از محل ملاقات انسان‌ها با الوهیت است. در دوران قدیم، غارها اغلب به عنوان زیارتگاه به کار می‌رفتند.

**شبهه بیج در بیج**

بیه‌ها و چرخش‌های این شبهه بیج در بیج، نشانگر مسیر زندگی است که ورود به آن با مرگ و خروج از آن با تولد مجدد یکی گرفته می‌شود و در درون یک مربع قرار می‌گیرد. شبهه بیج در بیج نشانگر چهار جهت اصلی و کیهان است.

**چشمه**

چشمه به عنوان فوران جوشان آب، نشانگر اصل مونث و جریان زندگی است. چشمه زندگی با فنانابذیری ارتباط دارد. در بهشت از پایه درخت حیات چشمه‌ای بیرون می‌ریزد و چهار رودخانه را به وجود می‌آورد.

**سایه سار**

سایه سار دارای سایه، به صورت سنتی از انگورهای بیج خورده یا گل‌های رونده درست می‌شد که پناهگاه را نمادپردازی می‌کند و همچنین اصلی مونث است. در مسیحیت، سایه سار، مریم باکره است. در ادبیات گاهی با جسمانیات و فریبندگی ارتباط می‌یابد.

**باغ پیوندی**

باغ پیوندی با گره‌های رسمی یا پارت^۳، تقوq انسان بر طبیعت را توصیف می‌کند. محوطه مربع نشانگر زمین و نبات است. الگو و گیاهان انتخاب شده ممکن است نمادی از عشق یا دین باشند.

همچنین ببینید:

- آب صص ۳۲-۳۳
- گل‌ها صص ۸۲-۸۵
- درختان صص ۹۴-۹۵
- درختان مقدس صص ۹۶-۹۷
- شیطان و دیوها صص ۱۹۱-۱۹۲
- الگوها صص ۲۹۰-۲۹۳

1- Minh mang
2- Parterre
3- Hodgson burnett
4- Grotto





پیروزی فضیلت بر زحمت

این نقاشی، باغی محصور را نشان می‌دهد با حوضی که ردائل در آن هستند و به مانند موجوداتی عجیب و غریب و بدقواره و تشخص یافته رشد می‌یابند. گروهی از کویپدها و آتنا یا ایردیانونی جنگ و معرفت در پی آنان هستند و با گام‌های بلند به جلو می‌روند تا ردائل را با کمک دو ایردیانو بیرون کنند. با تبعید ردائل، آتنا درصدد است تا فضیلت را به باغ برگرداند.



۱. ردائل

ردائل تصویر شده، شامل تنبلی، آز، ناسیاسی، نفرت و غفلت هستند. تنبلی به صورت جهرای هولناک و بی‌دست تصویر شده است که به وسیله مینروا (همنای رومی آتنا) کشیده می‌شود که به بدخواهی، کلاهبرداری و نفرت همیشگی اشاره دارد. تنبلی به تماشاگر هشدار می‌دهد تا تفکر عاقلانه و جدیت را با یکباری برای ورود به باغ جایگزین کند. (در منتهی الیه راست). ناسیاسی و آز، غفلت را حمل می‌کنند.

۲. درخت انسان شده

درخت در سمت چپ، گیاه برگ بوی انسان شده است که معنای آن، رها کردن فضیلت است و این که مادر فضیلت زندانی شده است.

۳. دیانا و سنتاتور

در میانه نقاشی، دیانا^۱ یا ایردیانونی عفت و پاکدامنی بر طبق نمونه قدیمی تصویر شده است که سنتاتور^۲ یا نماد شهوت است که می‌تواند او را از بین ببرد.

۴. فضایل اصلی

سه فضیلت اصلی، یعنی اعتدال، عدالت و صبوری (با ایمان، امید و محبت) در زمانی که فساد و تباهی در باغ اقامت دارد، به بیرون رانده می‌شوند و از طریق ابرها به باغ یازمی‌گردند. فضیلت دیگر، دوراندیشی است که در ساختاری سنگی، در منتهی الیه راست نقاشی، به صورت دیوار است و تنها علامتی سفید و در حال تکان خوردن، صدای او را برای طلبیدن کمک، منعکس می‌کند.

۵. منظره دور

آن سوتر، در مسافتی دور، منظره‌ای خوشایند از طریق گذرگاه‌ها و مسیر منجر دیده می‌شود که ردایی را آشکار می‌سازد که می‌گریزند. رشد جدیدی از ریشه‌های قدیمی به ظهور می‌رسد که نمادی از تولید جدید و بیگانه‌ای است - زمانی که ردائل رفته باشند. زیبایی برمی‌گردد.





پوشش و لباس

قومی ما و آنچه که ممکن است ما برای زندگی انجام دهیم، داشته باشد. سبک‌های غربی لباس، بویژه برای زنان، به صورت دائم تحت تأثیر تغییرات مد است. تعداد زیادی از مردم در قسمت‌های دیگر دنیا به سبک‌های سنتی لباس می‌پوشند که ارزش‌های فرهنگی آنها را منعکس می‌کند و نمادهایی از ملیت آنها را در برمی‌گیرد.

آنچه که مردم می‌پوشند به وسیله آب و هوا، فرهنگ، جنسیت، مواد در دسترس و آخرین مد تعیین می‌شود. لباس‌های ما، پیام‌هایی بصری را راجع به آنچه که ما هستیم، جایی که از آن می‌آییم و آنچه که آرمان و آرزوی ماست، می‌فرستد. هرکس به ما نگاه می‌کند، می‌تواند رمزگشایی بیشتری راجع به شخصیت و منزلت اجتماعی ما، خاستگاه‌های



▲ دستکش

دستکش‌ها در اصل نمادی از مقام و نزاکت بودند. این که کسی «دستکش بپوشد» را حمل کند به این معناست که باید با آنها به آرامی رفتار کرد و در دست گرفتن «دستکش‌های مبارزه» (دستکش قرن هفدهم) چالشی برای یک مبارزه بود.



▲ کراوات

اغلب کراوات‌ها وابستگی‌های گروهی را نشان می‌دهند. در دهه ۱۹۵۰ پسران تدی در انگلیس از کراوات‌های خط مدادی استفاده می‌کردند. در صورتی که در دهه ۱۹۷۰ شیک‌پوشان کراوات‌های پهن «ماهی» شکل را می‌پوشیدند. کراوات‌های سیاه را در سوگواری‌ها می‌پوشند، در صورتی که کراوات‌های سفید و کت فراک نمادی از جامعه‌ای اصیل است.



▲ جین

ابتدا در آمریکا برای کارگران معدن در ناحیه طلاخیز کالیفرنیا طرح‌ریزی شد. جین به عنوان لباس کار فراگیر شد. امروزه آنها در هر جایی پوشیده می‌شوند و برابری جنسیت و اجتماعی را نمادپردازی می‌کنند.



▲ شکم‌بند

از قرن شانزدهم تا دهه ۱۹۵۰، زنان غربی نروتمند، شکم‌بندهایی تنگ و انعطاف‌ناپذیر می‌پوشیدند. شکم‌بند‌های دوران ویکتوریایی، بویژه هینت و شکل ساعت شنی را ایجاد می‌کردند که کمر را تنگ می‌کردند و سینه‌ها و باسن را برجسته می‌ساختند. به صورت نمادین، چنین شکم‌بند‌هایی، نقش فرمانبردار زن در جامعه را باز می‌تاباند.



▲ لباس پارک (از پوست درخت)

برای هزاران سال مردم جزایر اقیانوس آرام لباس‌های ساخته شده از پوست درخت توت را می‌پوشیدند که پارچه‌ای از پوست درخت به صورت تزیین شده بود. طرح‌ها شامل تفاسیر هندسی، گیاهان، ماهی و صدف‌ها می‌شود که بازتابی از زندگی روزانه جزیره‌نشینان است و نزدیکی آنها را به طبیعت نشان می‌دهد. توازن و تقارن، اجزا نمادین مهمی در خصوص طرح‌ها بودند. امروزه لباس‌های با پوست درخت توت تنها در مراسم‌های مهمی نظیر ازدواج پوشیده می‌شوند.



الگوهای باتیک (نوعی نقش بر پارچه در بین مردم سلب و جاوه در اندونزی)

به صورت سنتی، باتیک پارچه‌ای است که به خانواده‌های سلطنتی در مراسم خاص در اندونزی می‌پوشند و نمادی از فرهنگ اندونزی است. الگوهای ظریف که از طریق رنگ‌آمیزی مقاوم با موم به دست می‌آید، معمولاً هندسی هستند، اما اغلب برگ‌ها، پرندگان، چهارپایان یا ابرها تصویر می‌شوند. رنگ‌ها معمولاً ملایم هستند که در تطابق با بیزاری اندونزیایی‌ها از تفاخر و تظاهر است.

▲ طرح‌های سنتی

طرح‌های پیچیده می‌توانند خوشامدگویی‌های خاصی را بیان کنند نظیر «عمر طولانی و در رفاه داشته باشی»، «شاد باش» یا «مردی پاکدامن». پیش از این الگوهای گوناگون به معنی تعلق به قبیله یا خانواده ویرهای بود.

**▲ دامن هولا^۱**

این دامن‌های «علقی» در اصل از باریک‌های پوست درخت توت درست می‌شدند و نمادی از فرهنگ هاوایی هستند. در رقص هولا، که این رقص و آواز با داستان‌های قدیمی خلقت و اسطوره‌شناسی ارتباط دارد، آنها از تاج گل‌های گردنی سنگینی استفاده می‌کنند.

**▲ لباس ماسایی**

این ماسایی از آفریقای شرقی، ردهای ساده چین خورده‌ای را می‌پوشند که نمادی غیررسمی از میراث فرهنگی آفریقای شرقی است. این تصویر جنگجوی ماسایی است که مغرور و سرپا ایستاده و نیزه‌ای در دست دارد که تصویری نمادین از این منطقه است.

**▲ لباس عربی**

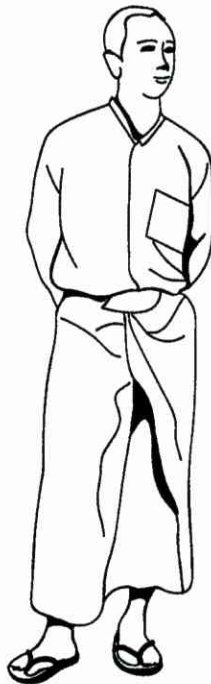
به صورت سنتی، قبا‌های آزاد و بلند مردان عرب نمادی از چشم‌انداز صحراست. این قباها به هوا امکان آزادانه چرخیدن را می‌دهند و پوشندگان را خنک نگاه می‌دارند. همچنین پوشش سرآویزایی دارند که سر آنها را از گرمای آفتاب حفظ می‌کند.

**▲ آنودای^۱**

آنودای ویتنامی، لباسی پرازنده است. تونیک بلند و آویخته‌ای است که با شلوار ابریشمی پوشیده می‌شود. این لباس، زنانه بودن را نشان می‌دهد و نمادی از ویتنام است. نوع مردانه آنودای، تونیک کوتاه‌تری دارد.

**▲ دامن مردانه**

در اسکاتلند، دامن مردانه بخشی از لباس ملی و نمادی از مردانگی و قرابت است. اعضای طایفه‌های گوناگون می‌توانند به وسیله رنگ و الگوهای تارنان (پارچه‌های پیچازی اسکاتلندی) مشخص شوند که از آنها دامن‌های مردانه ساخته می‌شوند و آنها را با غرور در ورزش‌های ملی و سایر وقایع تاریخی به نمایش می‌گذارند.

**▲ لنگ**

این لباس برمه‌ای سنتی از تکه‌ای پارچه درست شده که به دور قسمت پایینی بدن پیچیده می‌شود. مردان و زنان، هر دو این لنگ‌ها را می‌پوشند. گاهی، مردان برای راحتی حرکت، این لنگ‌ها را بین پاهایشان در بالا جمع می‌کنند. این جامه معمولاً از کتان بافته می‌شود اما در اوقات خاصی نوع ابریشمی آن هم پوشیده می‌شود.

**▲ کیمونو**

این کیمونوی گل‌دوزی شده، تی‌شکل به صورت سنتی، نمادی جهانی از ژاپن است. رنگ‌ها و نگاره‌های انتخابی که اغلب از دنیای طبیعی کشیده می‌شود، معنای‌های ضمنی نمادین و قوی دارد و بیشتر چیزها را برای مشاهده‌کننده پنهان می‌سازد.

پوشش پا

پوشش پا از صندل‌های رومی تا کفش‌های پاشنه بلند تجملی، اغلب گواهی نه تنها فقط از آب و هوا، بلکه از شأن اجتماعی و مد بوده است. تا اوایل قرن بیستم در چین معمول بود تا پای دختران را ببندند تا کوچک بماند چون پاهای کوچک نمادی از ظرافت زنانه و اطاعت بود.

**▲ کفش ورزشی**

در اصل به عنوان کفش‌های ورزشی طرح‌ریزی شد، اما به سرعت در موضوعات مد بیست یافت. آنها اکنون به وسیله مردان و زنان همانند کفش‌های معمول روزانه پوشیده می‌شوند.

▲ کفش‌های لژدار

کفش‌های لژدار برای چندین قرن با مد بودند. آنها تمایل انسان را به بلندتر بودن نشان داده و جلب توجه می‌کردند. از نظر عدای این کفش‌ها نمادی از دلربایی و خادیه جنسی است.



پوشش سر

کلاه‌ها و پوشش‌های سر، آکنده از معنا هستند. آنها با یک نگاه می‌توانند علامتی از کل ادیان یا فرهنگ‌ها باشند. یا ممکن است شغل، مقام یا جنسیت یا وظیفه را مشخص سازند. پوشش سر می‌تواند نشانگر اقتدار و توان باشد: «اوج» نمادین آن قدرت، تاجی است که به وسیله پادشاه استفاده می‌شود. ما مجازاً کلاه‌های مختلفی را می‌پوشیم تا دلالت بر تغییر نگرش داشته باشد. برداشتن کلاه در وضعیت‌های اجتماعی خاصی می‌تواند علامتی از تواضع باشد (برای مثال در کلیسا)، یا علامتی از رفتاری خوب باشد.



▲ پوشش سر پردار سرخپوست آمریکایی

تصور می‌شد که خاستگاه آن از قبیله سیوکس^۱ سرخپوستان آمریکایی باشد. پره‌های این پوشش به مقدار زیادی نمادین است، هر پری با انجام عملی شجاعانه به دست آمده است. بالاترین جایزه پری، مربوط به پری عقاب بود.



▲ کلاه اسقفی^۲

اسقف‌ها، اسقف‌های اعظم، کاردینال‌ها و پاپ این پوشش سر بلند را دارند. شکاف در تاج آن، شاید نمادی از «زبان‌های مختلف و فاصله‌دار» در روز پنتکاست باشد، یعنی در زمانی که حواریون مملو از روح القدس شدند و با زبان‌های بیگانه صحبت کردند.

▲ فینه^۱

این کلاه منگوله‌دار بدون لبه، زمانی بخشی از لباس ملی ترکیه بود. غیرقانونی اعلام شدن فینه و حجاب برای زنان در زمانی رخ داد که حکومت ترکیه در ۱۹۲۵ جمهوری شد.



▲ کلاه فارغ‌التحصیلی

کلاه فارغ‌التحصیلی، تحول یافته کلاهی است که به وسیله روحانیون کاتولیک رومی استفاده می‌شد و زمانی که به وسیله فارغ‌التحصیلان و مردم استفاده می‌شود نمادی از معرفتی است که از طریق تحصیلات به دست می‌آید.



▲ عمامه

عمامه در شرق نشانگر ایمان و مرتبه اجتماعی است. عمامه به وسیله عرب‌ها، قوم اینکا، بابلی‌ها و مصری‌ها استفاده می‌شد. از نظر سبک‌ها هنوز هم عمامه بخشی اساسی از جامه آنهاست.



▲ کلاه سیلندری

در دهه ۱۹۴۰ مترادف و هم معنا با جامعه‌ای والا بود. کلاه سیلندری افراد شریف، حکایت از وقار مردانه جاهل منشانه دارد. امروزه «کلاه سیلندری» هنوز هم در مراسم عروسی و دیگر اوقات رسمی استفاده می‌شود.



▲ کلاه آفتابی

در ابتدا از مغز پوست درخت ساخته می‌شد و بعداً از چوب پنبه ساخته شد. کلاه آفتابی برای حکومت استعماری اروپایی در آفریقا و هند، پوشش سر استاندارد مفید و نماد بود.



▲ کپیا^۱

کلاه گرد کوچک سستی که کپیه نامیده می‌شود و به عنوان نمادی دینی در یهودیت استفاده می‌شود. بیشتر مردان یهودی، سرهای خود را در هنگام نیایش یا حضور در کنیسه می‌پوشانند.



▼ کلاه

خاستگاه کلاه بیس‌بال در دهه ۱۸۴۰ با نیم سلواری گشاد در نیویورک بود. چون به منزله یک «مساوات طلبی اجتماعی» تلقی می‌شد و به وسیله رئیس‌جمهورهای آمریکا (بوش و کلینتون) و همچنین گروه زب به صورتی مشابه استفاده می‌شد. به صورت نمادین، به اندازه پای سیب آمریکایی است و در کشورهای سراسر دنیا پوشیده می‌شود. کلاه تخت که ارتباط زیادی با طبقات کارگر در بریتانیای کبیر و ایرلند دارد، اکنون نماد حرفه در این کشور است.



کلاه بیس‌بال



کلاه تخت



کارگر آشپزخانه



معاون سر آشپز



سر آشپز



▲ کلاه پوستی

این کلاه‌های سنگین پوستی که به وسیله نگهبانان ولزی، کلدستریم^۱ (منطقه‌ای در کانادا در بریتیش کلمبیا، پیاده نظام، اسکاتلندی و ایرلندی پوشیده می‌شود. نخست در ۱۸۱۵ اختیار شد. آنها دفاع در واترلو^۲ جنگ بین فرانسه با انگلیس و پروس و هلند در شهر واترلو بلژیک) در برابر گارد امپراتوری فرانسه را شکست دادند و می‌گویند که آنها هم این نماد را می‌پوشیدند.

▲ کلاه پره

پره دایره‌ای، به صورت سنتی یا مردان کارگر فرانسوی ارتباط دارد. همچنین نمادی از شجاعت نظامی است به خصوص وقتی که رنگی باشد همانند کلاه‌های جنگ جهانی اول.



▲ کلاه ایمنی پلیس

این کلاه‌خود پلیس انگلیسی «تویی» یا «شانه‌ای» یا «بارز» در بالای آن» از کلاه سیلندری تحول یافت که در آغاز نیروی پلیس از ۱۸۲۹ استفاده می‌کرد. شکل کنونی و متمایز این کلاه‌ها با القوای از قانون و نظم است.

▼ حجاب

حجاب، جامه‌ای زنانه و سنتی است که به پاکی و حیا اشاره دارد. امروزه انواع گوناگونی از حجاب شامل برقع و نقاب به وسیله زنان مسلمان به عنوان پوششی دینی و نمادی از حجب و حیا پوشیده می‌شود. در مسیحیت زنی که راهبه می‌شود «با حجاب» می‌گردد.



حجاب راهبه قرون وسطی به وسیله همسر مارتین لوتر پوشیده شده است.



زنان مراکشی محجبه

کلاه گیس



کلاه گیس مصری

موهای تصنعی برای سر یا کلاه گیس‌ها در مصر باستان، یونان باستان و به وسیله رومی‌ها استفاده می‌شد. کلاه بخشی از جامه مردان اهل مد در فرانسه و بعداً انگلستان قرن هفدهم شد. در قرن هجدهم، کلاه گیس‌ها به وسیله هر دو جنسیت به عنوان نمادی از مرتبه اجتماعی بالا و رفاه برگزیده شدند.



کلاه گیس وکیل

کلاه گیس‌ها ابتدا به وسیله وکیلان در دوران حکومت چارلز دوم پوشیده می‌شدند. آنها نمادی جهانی از نظام قانونی انگلیسی هستند و همچنین ماهیت ناشناخته بودن و گمنامی را در صحن دادگاه ارائه می‌دهند.

همچنین ببینید:

- 1- Fez
- 2- Mitre
- 3- Sioux
- 4- Kippah
- 5- Coldstream
- 6- Waterloo

یهودیت صص ۷۳-۱۷۲
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶
دین سیک صص ۱۸۵-۱۸۴
پوشش و لباس صص ۱۴۹-۲۴۸
لباس فرم صص ۲۵۳-۲۵۲



لباس فرم نظامی

اعضای گارد احترام برگزیده چین، به صورت هماهنگی در طی مراسم خوشامدگویی، در سالن بزرگ مردم در شهر بیجینگ^۱ چین، برای نخست‌وزیر حکومت جمهوری کره رژه می‌روند. ماهیت تشریفاتی رژه نظامی به صورتی هماهنگ، نمادپردازی لباس‌های فرم را تقویت می‌کند که نشانگر هماهنگی در هدف و حس غرور به عنوان مدافعان ملت است.



[لباس فرم]



در طی قرون، مردم لباس فرم را پوشیده‌اند تا شغل، منزلت اجتماعی یا وابستگی را نمادپردازی کنند. لباس فرم‌های گوناگون، تاثیرات مختلفی را از اقتدار، یا تعلق به گروهی خاص و با هماغه‌ای نوع دوست ایجاد می‌کند.

می‌شوند به عنوان لباس‌های فرم نمادین عمل می‌کنند که باورهای پوشندگان را برای تماشاگران مشخص می‌کنند. سلسله مراتب می‌تواند به وسیله رنگ آن لباس یا شکوه و جلالش بیان شود، برای مثال در برخی ادیان، طلا نشانگر نور و بالاترین حقیقت است. رهبران بودایی، لباس‌های بلند رنگ آخوابی یا زعفرانی ساده می‌پوشند تا ریزش برگ‌های زرد، نارنجی یا قهوه‌ای را به عنوان رنگ‌های کناره‌گیری و اغماض در طلب روشن‌شدگی نمادپردازی کنند. راهبه‌ها همچنین می‌توانند به وسیله جامه‌ای که می‌پوشند مشخص شوند و از آنجایی که آنها از همه ملاحظات دنیوی دوری می‌کنند، لباس آنها ساده است. لباس پرستاران به تدریج از جامه راهبان تحول یافته است (راهبان به صورتی سنتی از بیمار مراقبت می‌کردند) لباس فرم یک پرستار، پاکیزگی و مراقبت این شغل را در سراسر دنیا نمادپردازی می‌کند.



لباس‌های قرم پرستاران اغلب از پارچه آبی است. چون بر این باورند که این رنگ هم آرام‌بخش و هم اطمینان‌بخش و علامتی از دانش حرفه‌ای نیکوخواهانه است.

مرام و مسلك

لباس فرم می‌تواند سرسپاری عقیدتی به گروهی را نیز نشان بدهد مانند انقلابی ایتالیایی ژوزفه گاریبالدی^۲ و «پیراهن‌های قرمز» چریکی او در دهه ۱۸۶۰ و اتحاد فاشیستی انگلیسی اسوالد موسلی^۳ که او را در انگلستان دهه ۱۹۳۰ با «پیراهن‌های سیاه» می‌شناختند. در مقابل، سپاه نجات‌بخش، لباس فرمی را اختیار کرده است که در سبک نظامی

است تا منعکس کننده‌ی «سپاه» مسیحی باشد که برای خوبی و خیر در جامعه «می‌جنگد» و از

کسانی که نیاز به مراقبت دارند، حمایت لازم را به عمل می‌آورد.



▲ پلیس سوار کانادا

پلیس سوار سلطنتی در کانادا، هم لباس فرم قرمز دارد تا ارتباط خود را با انگلستان نشان دهد و همچنین خود را از نظامیان آمریکایی که آبی می پوشند، متمایز سازد.

کسانی که نیاز به مراقبت دارند، حمایت لازم را به عمل می‌آورد.

لباس‌های فرم معمولاً حامل مشخصه یا علامتی هستند که اشاره به پیکره‌ای دارد که آن لباس فرم‌ها، نمود آن هستند. برخی از آنها اقتدار دولت را نشان می‌دهند و نقش روزمره قانون را نمادپردازی می‌کنند همچون تکاوران دریایی آمریکا، در صورتی که سایر لباس‌های فرم، وظیفه‌ای تشریفاتی یا مربوط به جشن را نمادپردازی می‌کنند، همچون نگهبانان سوئیسی واتیکان. از نظر بسیاری، اولین لباس فرمی که آنها می‌پوشند، لباس فرم مدرسه است. لباس‌های فرم مدرسه نیاز دارند که راحت و مناسب و همچنین متمایز باشند به طوری که مدرسه بچه را بتوان به آسانی تشخیص داد.

لباس نظامی

لباس فرم نظامی نمادی از شجاعت و دلیری است، چون مردان و زنان در این لباس‌ها برای کشورشان می‌جنگند. برخی از آنها تشریفاتی هستند نظیر نیم‌تنه‌ی نظامی قرمز و کلاه‌های پوستی سیاه و بزرگ پیاده‌نظام (در بریتانیا). سایر لباس‌های فرم برای رزم طرح‌ریزی شده‌اند نظیر استتار خاکی که به وسیله سربازان جنگنده صحرا به کار می‌رود. درجه معمولاً به وسیله علائم روی بازو و نشانه مشخص می‌شود. معمولاً هر چه درجه‌ها، زر دوزی یا مدال بیشتر باشد، فرد ارشدتر است یا افسر قابل احترامی است.

لباس فرم‌های دینی

پیراهن‌های بلندی که توسط اعضای فرقه‌های دینی پوشیده



▲ لباس فرم مدرسه

در سراسر دنیا، لباس فرم مدرسه به ارتقاء هویت یا ارزش‌های یک مدرسه خاص کمک می‌کند. در اینجا دختران دبستانی ژاپنی با لباس‌های فرم خود جمع شده‌اند تا جشنی را برگزار کنند. به صورت سنتی، لباس‌های مدرسه برای دختران شامل یک لباس نظامی تیره برای سران و برای دختران، لباس سبک دریا برای

www.igra.ahlamontada.com

همچنین ببینید

یوشن و لباس صص ۲۴۸-۲۴۹

پوشش سر صص ۲۵۰-۲۵۱

وابستگی گروهی صص ۲۵۸-۲۵۹



جواهرات

از عشق یا احترام هستند و ممکن است صرفاً به عنوان وضعیت تمول استفاده شوند. برخی از جواهرها یا نگاره‌ها غنی از معانی نمادین هستند، برای مثال نشانگر ایمان یا باروری هستند یا برای فرد جنگجو، نقش حفاظت‌کنندگی را ایفا می‌کنند.

از زمان‌های پیش از تاریخ، مردم خود را با جواهرات، با استفاده از همه انواع مقوله‌های تزئینی از صدف و استخوان گرفته تا سنگ‌های گرانبها می‌آراستند. جواهرات همواره به عنوان نمادی از شأن و قدرت، یا به عنوان علامت مشخصه یک قبیله یا طایفه اهمیت زیادی داشته‌اند. جواهرات همچنین نشانه‌ای



▲ گردن‌بند سکه‌ای مصری
جواهرات باستانی از ثروت هستند و این گردن‌بند مصری، از سکه‌های واقعی تشکیل شده است. در مراسم سنی، چنین گردن‌بندهایی آویخته می‌شدند تا نشانگر چیزی به عروس باشند. گردن‌بند سکه‌ای و سایر جواهرات سکه‌ای، نظیر مچ‌بند پا، ضمانت محبوب رقص عربی هستند.



▲ پرندۀ توت‌م
این سر عقاب طلایی برنقش و نگار، مربوط به دوره پیش کلمبیایی است و به عنوان لب‌گیر^۲ استفاده می‌شد که در شکاف لب بایینی فرو می‌رفت. این وسیله احتمالاً به وسیله یک جنگجو استفاده می‌شده و ممکن است نشانگر حیوانی محافظ و دور کننده ارواح شرور باشد.



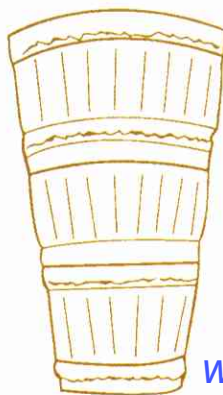
▲ گوشواره سومیا
در سومیا، از جزیره اندونزی، زینت‌آلات متمایزی را که با عنوان آرایه‌های مامولی^۳ شناخته می‌شوند به عنوان هدیه عروسی داده می‌شود که به عنوان گوشواره یا گردن‌بند استفاده می‌گردد. آنها نمادی از باروری هستند و ممکن است نگاره‌های اسطوره‌ای باشند.



▲ گردن‌بند اینکایی
جواهراتی در قبور اینکایی یافت شدند شامل گردن‌بند، دستبند، و گوشواره که جاکي از مهارت‌های زرگری و نقره‌کاری است. در جامعه اینکا، جواهرات نمادی از شأن اجتماعی و قدرت بودند. این گردن‌بند که تزئین آلات کوچک‌تری را احاطه کرده است از طلا، فیروزه و صدف ساخته شده است.



▲ حلقه عشق
حلقه‌های عشق در قرن نوزدهم مد بودند و از حلقه میانی ساخته شده بودند که در دو سوی خود به دست‌هایی ختم می‌شدند که در اطراف یک قلب قرار می‌گرفتند. این حلقه‌ها نمادی از جدا نشدن عاشقانی بود که از آنها استفاده می‌کردند.



▲ تزئین پا
در بخش‌هایی از آفریقا و آسیا، تزئین ساق پا در برخی فرهنگ‌ها، به وسیله زنان انجام می‌شد تا جاکي از تمول آنها باشد. آنها می‌توانستند خیلی سنگین باشند و وزن برخی از آنها در حدود ۱۵ کیلوگرم (۳۳ پوند) بود و به خاطر اندازه و حجم و هنرهای استادکاری بر روی آنها ارزشمند بودند. این زیورآلات پا که از نقره ساخته می‌شد، تأثیرات اسلامی را نشان می‌داد چون برای مسلمانان، نقره دلالت بر پاکی دارد.



▲ انگشتری خاتم‌دار
علامتی از اقتدار که به وسیله پادشاه و یا اشراف استفاده می‌شد تا دقیقاً اقتدار آنها را نشان دهد. آنها انگشتر را درموم فرو می‌بردند تا مهر بزنند و نامه‌ها یا قراردادهای و سایر بندها را اعتبار بخشند.



► بودای یشم

در چین قدیم، یشم از همه سنگ‌های جواهر شریف‌تر بود. بر طریق باورهای تائویی، این سنگ از مٹی ازدها شکل می‌یافت. در دین بودایی، رنگ سبز نشان‌دهنده هماهنگی و توازن است که آن را برای ساختن این گردن آویز مناسب می‌سازد.

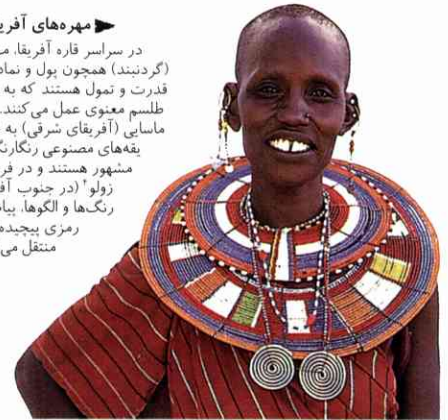


▲ ستاره الماس

این ستاره ۱۲ بر الماس ستاج سینه، مربوط به حدود ۱۸۷۰، دلالت بر درخشندگی و تالو استفاده کننده دارد. ممکن است این ستاره ۱۲ بر استفاده شود تا نشان‌دهنده ۱۲ قبیله بنی اسرائیل یا ۱۲ حواری یا ۱۲ روز کریسمس باشد.

► مهره‌های آفریقایی

در سراسر قاره آفریقا، مهره‌ها (گردنبند) همچون پول و نمادی از قدرت و تمول هستند که به مانند طلسم معنوی عمل می‌کنند. زنان ماسایی (آفریقای شرقی) به خاطر یقه‌های مصنوعی رنگارنگشان مشهور هستند و در فرهنگ زولو (در جنوب آفریقا)، رنگ‌ها و الگوها، پیام‌های رمزی پیچیده‌ای را منتقل می‌کنند.



◀ حلقه‌های گردن

در تپه‌های برمه شرقی، زنان به صورت سنتی از حلقه‌های گردن به عنوان مظهری از زیبایی استفاده می‌کنند. هر چند سال یکبار، یک حلقه اضافه می‌شود تا پادانوک^۱ شکل بگیرد. آنها نمادی از موطن آنها هستند و تصور می‌شود که به زنان آراستگی و زیبایی غذاهای وحشی را می‌دهد و کیفیات جادویی و حفاظتی دارد.



جواهرات میوه‌ای

میوه به صورت نمادین با باروری و جنسیت زنانه پیوند دارد، همچنین حاکی از اقبال خوب، برداشت فراوان و گواهی بر موهبت خداوند است. چنین نمادپردازی مثبتی، میوه را نگاره‌ای محبوب و طبیعی در جواهر می‌سازد. یک میوه می‌تواند چندین معنا داشته باشد برای مثال یک سیب می‌تواند به معنای وسوسه («میوه ممنوعه») و انحطاط باشد، اما همچنین نشانگر جنسیت و سینه‌های زن است.



▲ برگ‌های انگور

برگ‌های انگور و تاک، نشانگر زندگی پرمیجان، رشد در سلامت و اقبال خوب است. این ستاج سینه نارستگ انگوری جلا داده شده و طلا مربوط به دوره ویکتوریایی است و ممکن است به عنوان هدیه ازدواج به صورت نمادین اعطا شده باشد.



◀ انار

این گردن آویز از یونان باستان به حدود ۱۳۰۰ پدم برمی‌گردد و احتمالاً به وسیله یک عروس در مراسم عروسی آویخته شده انار نشانگر باروری‌های متعدد است (به خاطر دانه‌های زیاد) و نمادی محبوب و عامه‌پسند از باروری است.

► جواهرات نقره‌کاری شده

این زن از منطقه لی کانگ‌شان^۱ چین، لباس جشن گلدوزی شده سنتی ظرفی را پوشیده و گردن‌بند نقره‌کاری شده و کلاهخود تزئینی و سینه‌پوش را به کار برده است. این زینت‌آلات نقره‌ای گران، به عنوان علامتی از قبیله فرد و وضعیت آمادگی او برای ازدواج (دم بخت بودن) استفاده شده است.



همچنین ببینید:

سنگ‌های کرانه‌ها صص ۴۲-۴۳

غلاب صص ۶۲-۶۳

میوه‌های زمین صص ۹۸-۹۹

عشق و ازدواج صص ۱۲۶-۱۲۷

تائوایسم و شینتو صص ۱۷۱-۱۷۲

شکل‌ها صص ۲۸۹-۲۸۴

1- Sumba

2- Mamuli

3- Lip plug

4- Zulu

5- Padaung

6- Leigong shan



تزئین بدن

در جوامع غربی جدید، تزئین بدن، تقریباً ابراز خود یا حتی ارزشی ناراحت‌کننده است. اما تزئین بدن از آئین‌های شدیداً ریشه‌داری تحول یافته تا به صورت نمادین، استفاده‌کننده از آن را به عنوان عضوی از یک قبیله، نیروی نظامی یا جامعه‌ای مقدس مشخص سازد. هنر بدن‌آرایی برای هزاران سال اجرا می‌شده. جسد مومیایی شده ۵۳۰۰ ساله که به نام مرد یخی اتزی^۱ شناخته می‌شود و در آلپ یافته شده، حدود ۵۹ خالکوبی دارد.



سرمه

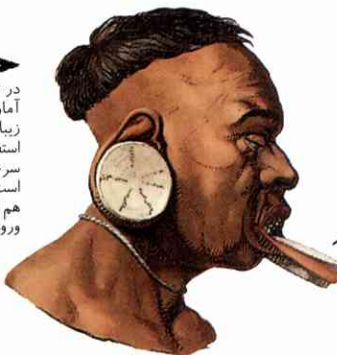
در مصر باستان، خط چشم سرمه نه تنها برای ظاهری متداول و طبق مد استفاده می‌شد، بلکه برای کمک به از میان بردن نور خیره‌کننده چشم و حفاظت چشم در برابر عفونت بود. زن‌ها به پلک بالایی رنگ سیاه و به پلک پایینی رنگ سبز می‌زدند که نمادی از جوانی و تولد مجدد بود. سرمه از مرمر سبز حاصل می‌شد که نمادی از شادی بخشی بود.

هنر جسمانی

از دوران سنگی، مردم از بدن خود به عنوان بوم نقاشی استفاده کرده‌اند که با آن هویت فرهنگی خود را بیان می‌کردند و از این طریق قدرت یا شأن اجتماعی خود را نشان می‌دادند، به ارتباطات اجدادی یا مقدس احترام می‌گذاشتند، یا آئین‌های گذار را مشخص می‌کردند. در بسیاری از جوامع، مردم بدن خود را نه فقط با لباس و جواهرات، بلکه با آرایش، رنگ، خالکوبی، سوراخ کردن بدن و حتی الگوهایی که در داخل پوست بریده می‌شوند، تزئین می‌کردند. این نمادپردازی از فرهنگ به فرهنگ تفاوت می‌کند اما اغلب حاکی از گذار به دوران بزرگسالی، یا حفاظت در برابر چشم شیطانی، یا میل به جنگیدن با دشمن در نبرد است.

لب گیر

در تعدادی از گروه‌های آفریقایی و آمازونی، لب گیرها (یا لپرت^۲) برای زیبایی و نشان دادن شأن اجتماعی استفاده می‌شود. این تصویری از سرخوستان آمریکایی قرن نوزدهم است. مردان جوان از سوراخ کردن هم استقبال می‌کردند که نمادی از ورود آنان به دنیای مردان بود.



نرمه گوش کشیده شده

در بسیاری از فرهنگ‌های قدیمی، نرمه‌های گوش کشیده شده، نمادی از پادشاهی و اقتدار معنوی بود. امروزه در برخی فرهنگ‌ها گیره‌هایی را در داخل نرمه گوش فرو می‌کنند که نشان‌دهنده زیبایی و هویت فرهنگی است. این شخص، زنی از ناحیه پوکوت^۳ در کنیا است.



تبغ‌زنی

بریدن پوست به منظور ایجاد ظاهری تزئین شده، متداول‌ترین روش در آفریقا است. این کار اساساً برای افزایش زیبایی انجام می‌شود. اما الگوهای استفاده شده، نمادی از هویت گروهی یا آئین‌های گذار است. تبغ‌زنی دیده شده در اینجا روی شکم یک نفر از قوم توپوسا^۴ در سودان است که کشاورز - چوپان هستند.

نقاشی جنگ

از زمان‌های دور، جنگجویان، خود را با رنگ، صدف‌ها، پرها یا دندان حیوان تزئین کرده‌اند. در گینه نو رنگ قرمز و زرد آخری به صورت نمادین به کار می‌روند. در صورتی که برها و سایر مقوله‌ها از ارواح جادویی استمداد می‌کنند که به جنگجویان شجاعت و شکست‌ناپذیری را اعطا کنند.

حنا

از گیاهی با نام علمی Lawsonia inermis به دست می‌آید که در مناطق لم‌پوزرغ آفریقای شمالی، خاورمیانه و هند رشد می‌کند. حنا در اوقات جشن، نظیر عروسی، نمادی از شانس خوب است. در اینجا برای تزئین دست زن بربر^۵ (گروهی در شمال آفریقا) مراکشی در تدارک ازدواج به کار رفته است.





سوراخ کردن

سوراخ کردن بدن که همچنین به عنوان تغییر و دستکاری بدن شناخته می‌شود، در فرهنگ غربی جدید محبوب شده است. چند سوراخ کردن گوش، سوراخ کردن ناف، نوک پستان، زبان و لب به صورت رایجی دیده می‌شود و گاهی قفل‌هایی در آلت مردانه زده می‌شود. سوراخ کردن‌ها غالباً به عنوان وضعیتی از مد پذیرفته می‌شوند تا لذت جنسی را افزایش دهند و همچنین گذار به دوران بزرگسالی را نمادپردازی کنند.

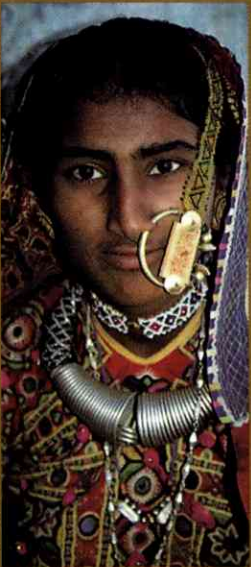
سوراخ کردن‌های چندگانه

زنی که به طرز فوق‌العاده‌ای تزئین شده است و در گنگره جهانی خالکوبی رست گرفته است. سوراخ کردن‌های بیش از حد، نظیر این مورد، روشی برای تمییز فردیت است. آنها آزادی انتخاب و سرسپردگی شخص استفاده کننده را نمادپردازی می‌کنند.



حلقه بینی

در سراسر هند اغلب حلقه‌های بینی به عنوان تزئین استفاده می‌شوند. در سنت این موضوع وجود دارد که یک دختر هندو قبل از ازدواج عمل «پوجا» را (عمل احترام گذاشتن) نسبت به ایزدبانوی پاروتی^{۱۱} انجام می‌دهد تا برای شوهر آینده‌اش رفاه بپروزی. سلامتی و طول عمر را بیاورد. در طول پوجا، بینی او سوراخ می‌شود و حلقه‌ای در سوراخ قرار می‌گیرد که نمادی از وضعیت ناهل اوست. معتقدند که قرار دادن حلقه در پره بینی سمت چپ، وضع حمل را آسان‌تر می‌کند.



همچنین ببینید:

سر صص ۱۰۶-۱۰۹

عشق و ازدواج صص ۱۲۷-۱۲۶

تعویذها صص ۱۹۵-۱۹۴

کشتی‌ها و قایق‌ها صص ۲۴۳-۲۴۲

خالکوبی

خالکوبی یکی از قدیمی‌ترین اشکال هنری و یکی از دردناک‌ترین آنهاست. در برخی جوامع، خالکوبی‌ها علائم پاک نشدنی از قبیله یا شان اجتماعی هستند که نشان‌دهنده ورود به دوران بزرگسالی است که مهارت‌ها یا مقام استفاده‌کننده را مشخص کرده و کشش جنسی را تشدید می‌سازد. بر این باور بودند که خالکوبی‌ها، به صورتی سنتی، شخص استفاده‌کننده را از سر مصون می‌دارد. نگاره‌هایی که بر روی پوست خالکوبی می‌شدند، به صورت نمادین در سراسر زندگی به عنوان طلسم عمل می‌کردند.

نیروی دریایی آمریکا

در اینجا ملوانی به وسیله همکارش در کشتی USS نیوجرسی خالکوبی می‌شود. لوگر نمادی شاخص از نیروی دریایی هم در خالکوبی‌ها و هم در نیروی نظامی است.



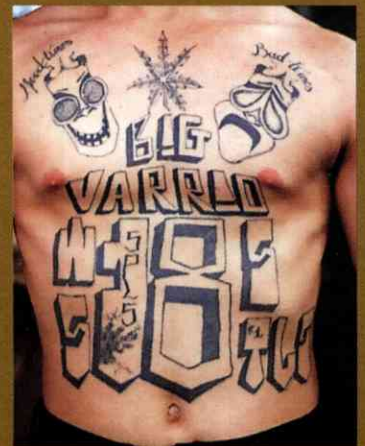
موکا^{۱۲} ای مانوری

تا دهه ۱۸۷۰ مردهای مانوری در زلاندنو، خالکوبی‌های عمیق یا موکا را بر صورت خودشان حک می‌کردند تا شان و هویت یک مرد را نشان دهند. آنها در مراسمی از سن تکلیف به بعد، در مجموعه‌ای از آیین‌های تشریف اضافه می‌شدند.



خالکوبی صورت زن

این زن از قبیله کویا^{۱۳} در جنوب شهر بالی گوئا^{۱۴} در ایالت اوریسسا^{۱۵} در هند، خالکوبی صورت را در این منطقه نشان می‌دهد. خالکوبی‌ها، نشانه‌ای از وابستگی قبیله‌ای و زیبایی است. قبیله کویا هنر «صورت خوانی» را انجام می‌دهند و ایزدبانوی وائادورگا^{۱۶} را می‌پرستند.



خالکوبی کلی

تانوی کلی بدن به صورت سنتی با پاکوژا^{۱۷} یا مافای ژاپنی ارتباط دارد. این مورد، نگاره اژدهای آب است که زمانی به وسیله آتش‌نشانان قرن هجدهم به عنوان نماد محافظت مورد توجه بود.

عضو گروه

خالکوبی‌ها در گروه‌ها رایج است. نظیر این خالکوبی‌ها بر عضو هندوراسی اخراج شده از گروه خیابان هجدهم در لوس آنجلس که منجر به این تصویر کلیشه‌ای شده که حکایت از آن دارد که مردمی با خالکوبی‌های مفصل ممکن است آدم‌های دردسرساز آفرینی باشند.

- 1- Otzi
- 2- Toposa
- 3- Pokot
- 4- Labret
- 5- Berber
- 6- Koya
- 7- Baliguda
- 8- Orissa
- 9- Vana durga
- 10- Moka
- 11- Yakuza
- 12- Puja
- 13- Parvati

وابستگی گروهی

با هم متحد می‌شوند، اغلب این اشتراک‌ها از طریق جنگ و آداب و سنت‌هاست. تعلق و وابستگی، اغلب در ظاهر به وسیله پوشش و لباس، رفتارهای کدگذاری شده، جشن‌ها، مسابقات و موارد فرهنگی نمادینه می‌شوند و امکان شناسایی فوری را به وجود می‌آورند.

حس نیاز تعلق به یک گروه، نیاز مبرم و قدرتمندی است که برای همه جوامع انسانی معمول است، خواه به وسیله تولد، یا باور و عقیده، وابستگی گروهی به ما درکی از اجتماع، تاریخ، خاطرات و آرمان‌ها را می‌دهد که همه آنها به حس هویت فرهنگی ما اضافه می‌شود. جوامع به وسیله تواریخ مشترک

ورزش

بیشتر ورزش‌ها، «آرم‌ها» علامت‌ها و شناساهای بصری بسیاری را منتقل می‌کنند (ورزش عملاً جایگزینی برای جنگ است). حامیان از لباس و سایر علامت‌های تیم خودشان استفاده می‌کنند تا پشتیبانی خودشان را نشان دهند، یکی از تصویری‌ترین نمادهای دنیا، پنج حلقه مرتبط المپیک است که نشان‌دهنده پنج قاره است که در آرمان ورزش‌های رقابتی، با یکدیگر پیوند می‌یابند، در صورتی که مراسم المپیک، از قدیم روحیه ورزشی را زنده می‌کرد.



▲ کلوب فوتبال بارسلونا

علامت‌های تیم‌های فوتبال، نمادپردازی در وراء ورزش را منتقل می‌کند. علامت کانون فوتبال بارسلونا بر پرچم‌های کاتالونیا و قدیس جرج (قدیس حامی کاتالونیا) ضمیمه شده است که ورزش و تاریخ سیاسی یک ملت و شهر پایتخت آن را ترکیب می‌کند.

▲ سه شیر

علامت تیم‌های فوتبال و کریکت انگلستان سه شیر است که از آرم پادشاهی اقتباس شده و در زمان نرماندی‌ها معرفی شد تا نمادی از قدرت پادشاهی باشد. سه شیر بر روی اولین بیراهن فوتبال در ۱۸۷۲ ظاهر شد و اکنون نمادپردازی‌های آن با آوازی به همین نام تقویت می‌شود.



▲ همگی سیاه

تیم ملی و متحد راگی زلاندنو همگی سیاه هستند. نقل شده که اسم آنها از اشتباه جایی روزنامه‌ای گرفته شده که آنها را با صفت «همگی دفاع All backs» توصیف کردند (یعنی مهاجم نیستند) رنگ تیم آنها سیاه است یا سرخس نفرای یومی که نمادی از ملیت آنهاست. آنها قبل از مسابقات رقص جنگ مائوری را اجرا می‌کنند تا از ارواح اقبال خوب را استمداد کنند.

کانون‌ها و گروه‌ها

مردم اغلب تمایل دارند تا به خاطر گروه سنی‌شان یا جنسیت خود به گروهی بپیوندند. این وابستگی به گروه گاهی به خاطر کسب حق اظهار نظر اجتماعی قوی‌تری واقع می‌شود تا موجب ترفیع یافتن و ارتقای آرمانی شود، اما اغلب صرفاً میل به معاشرت با هم‌نوع، علت وابستگی به گروه است. غالباً آداب و رسوم، آیین‌ها و فعالیت‌ها، یا شاید سهم داشتن در یک مد یا موزیک نظیر پانک، یا کشور و غربی بودن، آن تعلق و وابستگی را نمادینه می‌کند، به ویژه نوجوانان به عنوان مقابله با قوانین و رفتارهای بزرگسالی به این گروه‌ها می‌پیوندند و زبان عامیانه‌ای را عمداً به کار می‌برند به این قصد که برای دیگران، غیر قابل فهم باشد.



▲ فرشتگان جهنم

گروه‌های موتورسیکلتی که مجموعاً به عنوان فرشتگان جهنم شناخته شده‌اند و ابتدا پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا دیده شدند و نشانه‌های آنها، الهام گرفته از اسکادران نیروی هوایی است. در ابتدا آنها صرفاً نمادی از طغیان و طرد هنجارهای غالب بودند، اما امروزه این نام اغلب با جرم ارتباط می‌یابد.



▲ سازمان زنان

بزرگ‌ترین سازمان داوطلبانه برای زنان در انگلستان و ولز است. در آغاز سازمان زنان با یک و مربای خانگی ارتباط داشت. با ظهور فمینیسم، این سازمان صدای قدرتمندی از جوامع محلی و در مورد موضوعات زنان شد.

▲ پانک

جشن پانک در موسیقی، مد، ادبیات و گرافیک در نیمه دهه ۱۹۷۰ شدت یافت. این جنبش واکنشی را در برابر افسون موسیقی راک در حال ترقی و نسل‌های قدیمی‌تر نشان داد. اخلاقیات پانک بر انتخاب فردی و آزادی تأکید داشت که به وسیله لباس غیرمتعارف و سبک موها نمادپردازی می‌شد.





▶ کاروان شادی

خاستگاه‌های کاروان شادی به جشن بهاری یونان باستان برمی‌گردد (کارناوال از لاتین Vale گرفته شده است که به معنای «خدا حافظی یا جسم» است) این جشن‌ها با آدیان مسیحی وفق داده شد تا مقدم بر شروع lent یا ایام روزه شود که ایامی است که در آن ایام به صورت سنتی از همه چیزهای خوشایند امساک می‌شود. کاروان شادی مشهور در ریودزانیرو در قوریه نمادی از برزیل و رقص و موسیقی سامبایی منحصر به فرد آن است.



▶ کلیسای ارتدوکس مسیحی

در روسیه، کلیسای ارتدوکس به صورت سنتی به مردم عادی، توانمندی معنوی، تعلیم و تربیت و نیروی متحدکننده‌ای را ارائه می‌دهد. در دوره شوروی سابق، جشن‌ها و عبادت گروهی مسیحی ممنوع شد چون آنها نمادی از نظم و جامعه قدیمی بودند. اعمال مذهبی در خفا انجام می‌شد و کتاب‌های مقدس را باید به صورت قاچاقی وارد کشور می‌کردند.



عبادت و جشن

اشتیاق به سهم بودن در مناسک و آئین‌های مقدس، استفاده از طلسم‌های نمادین و این که اشخاص ایمان خود را به صورت دسته‌جمعی بروز دهند، به زمان‌های قدیم بازمی‌گردد. امروزه عبادتی مرتب در مرکزی دینی، در بیشتر فرهنگ‌ها مبتنی بر سنت است و برای معتقدان نمادی از بجا آوردن دینشان است. مسیحیان احتمالاً در بیشتر مناطق به دور از خانه به قصد یافتن کلیسا سفر می‌کنند تا بتوانند در مراسم روز یکشنبه حضور به هم رسانند. برای مسلمانان اهمیتی ندارد که آنها در کجا هستند، سجاده و جای نماز خود را رو به شرق و مکه باز می‌کنند تا زانو بزنند و عمل آنها به صورت نمادین، اطاعت معنوی آنها را از خداوند نشان می‌دهد.



▲ هفته مقدس

در طول هفته مقدس در اسپانیا (هفته پیش از عید پاک)، بسیاری از شرکت‌کنندگان در این جمعیت‌های سنتی نازارنو با ردای توبه را می‌پوشند و پوشش‌هایی را بر روی سر می‌آویزند که به وسیله مخروط‌های مقوایی، موقعیت خود را حفظ می‌کنند. آنها صلیب‌هایی را حمل می‌کنند و برخی از آنها زنجیرها و دستبندهایی دارند. چهار چرخ‌های پشت سر هم حامل تصاویر و صحنه‌هایی هستند که داستان مصیبت مسیح را نمادپردازی می‌کند.

سیاست

نمادپردازی در سیاست، بویژه در علائم مربوط به وابستگی و تعلق رایج است. هر گروهی علائم و نشانه‌های قدرت خودش را دارد از چرخ‌نخ‌ریسی گاندی که نمادی از مخالفت بدون خشونت بود تا الاغ دموکرات‌ها که نمودی از توان و شجاعت است. حامیان از این علائم استفاده می‌کنند یا آنها را بر روی غلم‌ها و پرچم‌ها حمل می‌کنند تا تعهد و پیمان خود را برای رسیدن به آرمان خود نشان دهند. چنین نمادهایی می‌توانند یک جمعیت را تحریک کنند همانند انبوهی از صلیب‌های شکسته در گردهم‌آیی‌های نورمبرگ هیتلر در دهه ۱۹۳۰.



▲ رهبر مانو

افکار رهبر مانو یا «کتاب قرمز کوچک» مهم‌ترین نماد بصری در انقلاب فرهنگی چین در دهه ۱۹۶۰ بود. تصاویر تبلیغاتی گاردهای سرخ همیشه دارای سوزنه بودند.



▲ چه‌گوآرا

در آرژانتین متولد شد و به فیدل کاسترو پیوست تا برای انقلاب کوبا در دهه ۱۹۵۰ بجنگد. او به عنوان یک قهرمان انقلابی احساساتی در نظر گرفته می‌شد و تصویر او نمادی از مقاومت برای دانشجویان جناح چپ

▶ مائوئانگ

در دهه ۱۹۵۰ نهضت ناسیونالیست آفریقایی مبارز به نام مائوئانگ شروع به مقاومت خشن در برابر حکومت استعماری بریتانیا در کنیا کرد. این نهضت به خصوص برای سونگدهای آنتنی خوددین مورد توجه بوده که



- 1- Catalonia
- 2- Punk
- 3- Nazareno
- 4- Lent
- 5- Samba
- 6- Mau mau
- 7- Che guevara

همچنین ببینید:
مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۷
اسلام صص ۱۸۱-۱۸۰
شکل‌ها صص ۱۸۹-۲۸۴
آرم‌ها و مارک‌ها صص ۳۱۷-۳۱۶
نشان خانوادگی صص ۳۲۳-۳۱۸



فراماسونری

شاید قدیمی‌ترین جمعیت برای مردان، در دنیا فراماسونری باشند که انجمن اخوتی با میلیون‌ها عضو است. (طبق ادعای فراماسون‌ها) کارهای آن سری بوده و استفاده‌ی بسیار زیادی از علائم و تمثیلات دارند. فراماسونری فارغ از گروه‌ها یا لژها، از طریق سنگتراش‌هایی که کلیساهای جامع اروپای قرون

وسطی را ساختند، تحول و توسعه یافت. برخی ادعا می‌کنند که تاریخ آن به ساختمان معبد سلیمان برمی‌گردد، اما گردهمایی‌های مستند و مدرک‌دار، تنها از قرن هفدهم وجود دارد. فراماسونری (ادعا می‌کند) بزرگ‌ترین «جامعه بسته» است و در اشکال گوناگون در سراسر دنیا وجود دارد.

نمادهای فراماسونری

از آنجایی که فراماسونری از صنف صنعتگران به ظهور رسید، بسیاری از نمادهای آنان با ساختمان‌سازی و سنگتراشی پیوند دارد. از نمونه‌های واضح می‌توان گونیا و تراز را نام برد. با رویه پایان رفتن ساختمان کلیسای جامع، لژها پذیرفتند که غیر سنگتراش‌ها را به عضویت بپذیرند و آنها علائمی را توسعه دادند که بیشتر ارتباط با فرقه‌های دینی و انجمن‌های اخوت صلیبی داشت.

تشریف مبتدی

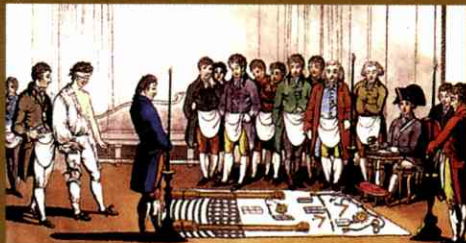
فراماسونری از طریق آئین، درس‌های اخلاقی خود را تعلیم می‌دهد. اعضایی که از طریق آئین‌ها کار می‌کنند در «درجاتی» تعلیم می‌بینند. هر درجه «گامی و پله‌ای» از روند پیشرفت است. فراماسونری هم، همچون بسیاری از جوامع مناسکی برای خود دارد که به داوطلب یادگیری اسرارش، خوشامد می‌گوید.

اولین درجه، صفحه شطرنجی یا ردیابی

اعضای جدید، با زبان سری فراماسونری مشرف شده و به عضویت این گروه درمی‌آیند که این امر از طریق به کارگیری صفحه شطرنجی است که بر روی آن، بسیاری از نمادهای سازمان به نمایش درآمده است.

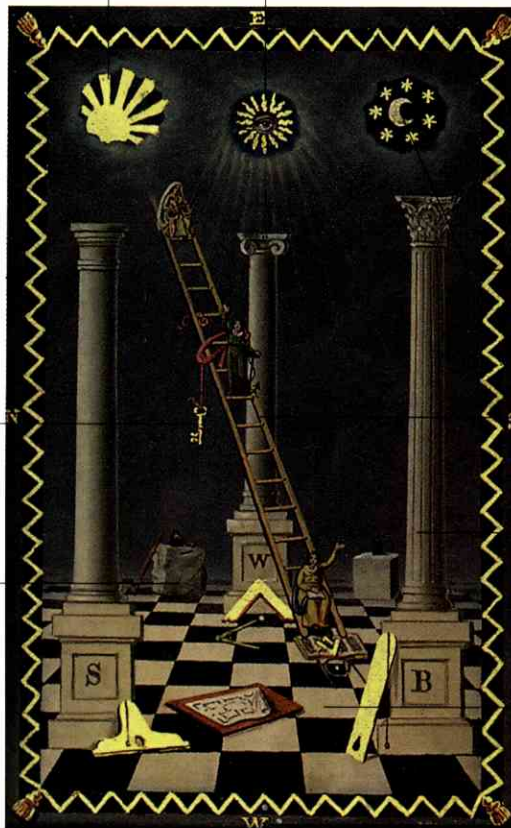
خورشید تجسم انرژی مردانه، نور و گرماس.

چشم جهان‌بین که به وسیله پرتهای نور احاطه شده است، گاهی به عنوان خداوند قادر مطلق در نظر گرفته می‌شود که بر بشریت نظارت دارد.



مراسم تشریف

در طول مراسم، فرد تازه وارد چشم‌هایش بسته می‌شود که نمادی از غفلت او در مورد حقیقت است. سپس برای اولین بار در معرض لژ (ساختمانی که مرکز فعالیت ماسون‌هاست) قرار می‌گیرد و آنها برای او فاش و آشکار می‌شوند و تعهد می‌کنند که وظیفه‌اش را انجام دهد.



ماه نماد راز و آفرینش است.

نردبان یعقوب که مسیر آسمان و زمین را به هم مرتبط می‌کند. سه پله اصلی آن، ایمان، امید و شفقت هستند.

سه ستون از چپ به راست در این سه سبک هستند: در سبک دوریک (دورایی از یونان باستان)، ایونیایی (یونانی)، و کورنتی (قرنتیان). آنها در زمانی که در ساختمان معبد سلیمان ظاهر می‌شوند، نشانگر «حکومت سه» توانمندی، خردمندی و زیبایی هستند.

کف شطرنجی سیاه و سفید، نمادی از نیروهای تیره و روشن یا خیر و شر و نزاع بین این دو است.

چهار نقطه جهت‌نما در کناره‌های صفحه ترسیم شده که اشاره به توانمندی زمینی و تشخیص موقعیت دارد.

کلید نشانگر، کلید حقیقت است که تنها زمانی بالارزش است که بتواند بچرخد و باز کند.

بلوک تراشیده سنگ یا سنگ ساختمانی که نشانگر بی‌شکلی است، در صورتی که بلوک تراشیده شده (در رویه‌روی آن) نشانگر کمال و کامل شدن است.

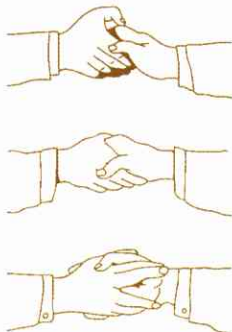


گرفتن و دست دادن

فراماسونری اغلب با دست دادن‌های بند انگشت به بند انگشت، گرفتن و اسم رمزهای سری ارتباط دارد. دست دادن‌های نمادین مختلف و کاملاً پیچیده‌ای وجود دارد که به وسیله آنها فراماسون‌ها یکدیگر را می‌شناسند. به دلیل سری بودن، این معنا و مفهوم برای تشریف‌نیافتگان قابل دسترسی نیست. همین قدر بس که سلسله مراتب خوشامدگویی (و خوشامدگویی به جامعه) بر طبق درجه تشریف فراماسون وجود دارد.

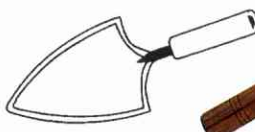
دست دادن

در بین دست دادن‌ها و گرفتن‌های مخفیانه، مدل Booz (در بالا) به عنوان «گرفتن نوآموز ورود یافته» شناخته می‌شود. ادعا شده است که هر فراماسونی، شست را بر بالای اولین مفصل بند انگشت دوست فراماسونش فشار می‌دهد. مدل Tubul cain (در وسط) نشانگر «گرفتن گذرای رئیس فراماسون» است در صورتی که مدل «بنجه شیر» (در پایین) حاکی از «گرفتن واقعی رئیس فراماسون» است.



گونیا

علامتی از رئیس لژ که اعضا را در مسیری درست برای وظیفه مدنی قرار می‌دهد و نشانگر ضوابط اخلاقی است. گونیا همچنین وسیله‌ای است که عناصر ناهمگون را در داخل محدوده نظم جمع می‌کند.



ماله

به معنای دقیق ماله سنگتراشی است و در فضای مجازی «استحکام بخش» برادری و اخوت است که عشق برادرانه را بخش می‌کند. ماله نماد مهمی از اتحاد فراماسونری و اخوت در بین مردان است.

ابزار سنگ‌تراش‌ها

فراماسونری درصدد تعلیم مهارت‌های کار سنگ برنیامد، اگر چه سنگ‌کاران خوبی وجود داشتند که فراماسون بودند. در عوض از کار سنگتراشان قرون وسطی به عنوان تمثیلی برای تحول اخلاقی استفاده شد. بدین ترتیب نمادهای فراماسونری، ابزار معمولی هستند که به وسیله سنگتراشان در قرون وسطی به کار می‌رفتند. نظیر پیش‌بند (در ابتدا از پوست پره بود)، چکش، نردبان، تراز و غیره.



تراز

تراز نمادی از برابری و عدالت است. تراز و شاقول، همیشه با هم هستند. نقل شده که فراماسون‌ها «برتر از» یکدیگر را ملاقات می‌کنند به این معنا که همه آنها بدون توجه به شغل یا درآمد با هم برادرند.

چکش

نیروی مردانه و شکل‌دهنده که نمادی از عدالت و اقتدار است. به صورت سنتی، چکش فراماسونی از چوب راش ساخته می‌شود که حاکی از رفاه و استقامت است.

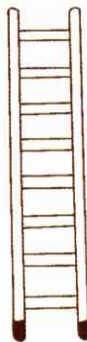
شاقول

بناها از شاقول و نخ استفاده می‌کنند تا عمودی بودن از یک نقطه معلوم را تعیین کنند. از نظر فراماسون‌ها این ابزار به صورت نمادین حاکی از رفتاری درستکارانه و صادقانه است. همچنین شاقول علامتی از سرپرست جزء است.



نردبان

نردبان پیوندی بین آسمان و زمین است. برخی فراماسون‌ها، چشم‌های خود را به هدف و نهایت کار در بالای همان نردبان تثبیت می‌کنند و بالا می‌روند. اما برای بیشتر فراماسون‌ها که قبل از آنها قرار دارند، تنها یک یا دو پله قابل دیدن است. هر چه ویژگی فراماسون قوی‌تر باشد تعداد پله‌های بیشتری برای او به سوی بالا پدیدار می‌شود.



پرگار

علامت فراماسونری مهمی است و یک جفت باهای پرگار به این معناست که خداوند خودش برنامه‌اش را برای دنیا ترسیم می‌کند. زمانی که با گونیا دیده شود، آمیختن دو سه گوش از بالا و پایین ممکن است نمادپردازی اولیه‌ای از آمیختن زن و مرد از لحاظ جسمی و باروری باشد.



اسکناس دلار

اولین رئیس‌جمهور آمریکا، یعنی جرج واشینگتن، همچون بسیاری از امضاکنندگان قانون اساسی، فراماسون بود. ارزش‌های جمهوری آمریکا با ارزش‌های فراماسونری یکی شده است. یعنی وظیفه مدنی و توجه زیاد برای تعلیم و پیشرفت، نمادهای فراماسونری هم به عنوان علائم ملی برگزیده شده است و چشم جهان‌بین و هرم، هر دو بر اسکناس دلار دیده می‌شود.

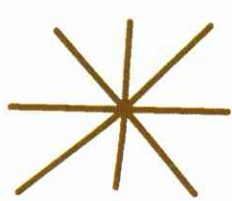
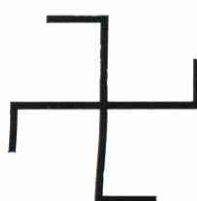


چشم جهان‌بین

هرم

همچنین ببینید:

پله‌هایی به آسمان صص ۳۳۷-۳۳۶
چشم جهان‌بین هرم خانه صص ۳۳۸-۳۴۱





هنر

باورها و عقایدی را مورد بررسی قرار دهیم که طرز تفکر يك هنرمند را معین می‌کند. درك زبان تصویری نمادپردازی می‌تواند عقاید و همچنین احساسات دنیای تخیلی هنرمند را آشکار سازد.

هنرمندان همواره نمادهایی را در کارها و اثرهایشان می‌گنجانند. بسیاری از نقاشی‌ها، زبان نمادین را به گونه‌ای به کار می‌برند که موضوعات و تصویرها فقط نمایانگر خودشان نیستند، بلکه نشان‌دهنده آرمان‌ها و تصورات نیز هستند. ما با نگاه کردن به نمادپردازی موجود در اثرهای هنری، می‌توانیم



بروگل (در پایین) برای نشان دادن چشم‌اندازی روستایی و فعالیت‌های مردمش در سیطره زمستان سرد به کار می‌رود. گوگن^۱ زبان عنان گسیخته و فردگرایانه‌ای را برای بیان بینش یگانه خود راجع به طبیعت و جایگاه مردم در آن به کار می‌رود.

طبیعت

هنرمندان اغلب نمادپردازی از دنیای طبیعی را به صورت نظام‌مندی به کار گرفته‌اند تا معنای تمثیلی را بیان کنند، همچون نقاشی‌های صورت‌بندی شده و رسمی حکومت مینگ در چین (دست چپ). در حالی که زبان بصری و ابتکاری



▲ بین هونگ^۲، پرندگان و گل‌ها در اوایل بهار

این نقش طوماری آویخته، مربوط به حکومت مینگ است که به حدود ۱۵۰۰ برمی‌گردد و مثالی خوب از پرندگان و نوع گل‌های نقاشی شده در حکومت مینگ چین است. این کارها در تالارهای امپراتوری آویزان می‌شدند و به مانند استعاره‌هایی برای امپراتور و دربار او به کار می‌رفتند تا معانی نمادین را به وسیله کاربرد طبیعت منتقل سازند. در اینجا موضوع نقاشی، اشاره‌ای به وفاداری به امپراتوری است. قرقاولان نمادی از دلیری و استواری هستند در صورتی که کبک‌ها، نشانه‌گر بیروان وفادار امپراتوری هستند.



▲ پیتر بروگل، شکارچیان در برف

این نقاشی یکی از مجموعه شش نقاشی در ۱۵۶۵ است که در آن بروگل، فصول و فعالیت‌های روستایی مرتبط با آنها را تصویر کرده است. این صحنه، مردی را در صف مقدم، روبه‌روی بیکرانگی طبیعت نشان می‌دهد. در زمانی که ما به پایین درختان برهنه، به دنیای مادی دهکده پوشیده از برف، دریاچه یخ‌زده و کوه‌های دور می‌نگریم.



- 1- Pieter Bruegel
- 2- Paul Gauguin
- 3- Yin Hong
- 4- Hieronymus Bosch
- 5- Stanley Spencer
- 6- Cookham
- 7- Berkshire

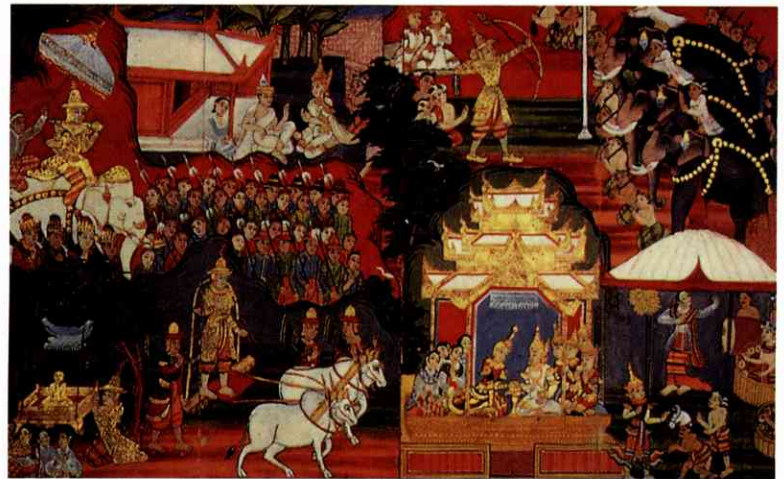
همچنین ببینید:
برندگان صص ۵۸۶-۱
بودیسم صص ۱۶۹-۱۶۴
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶
اعداد صص ۲۸۹-۲۸۴

دین

هیرونیموس پوش: مرگ و خسیس

این تابلویی نقاشی از حدود ۱۴۹۰ م از هنرمند فلاندری هیرونیموس پوش، انتهای زندگی یک خسیس را نشان می‌دهد. تقابل نمادین خیر و شر در سراسر نقاشی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که مرد در حال مرگ، بین رستگاری و طمع گیر کرده است. (یکی از هفت گناه مهلک). یک دیو از زیر تخت به بیرون نگاه می‌کند و او را با کیسه‌ای از طلا وسوسه می‌کند. در صورتی که فرشته نگهبان او در سمت راست، وی را به تائید و پذیرفتن عیسای مصلوب در پنجره ترغیب می‌کند. مرگ به شکل یک اسکلت، تیری در دست دارد و از سمت چپ وارد می‌شود. دیو بی‌بالای تخت، آنتی از جهنم را در قابوسی حمل می‌کند.

هنرمندان همه‌ی فرهنگ‌ها، عقیده راسخ دینی خود را از طریق کارهایشان منعکس کرده‌اند و نمادپردازی بخشی مهم در دینی‌ترین هنر است. تصویرنگاری دینی از مصر باستان تا دوران رنسانس و فراتر از آن برای انتقال معانی دینی در هنر به کار می‌رود. هنر مسیحی از نمادهایی نظیر صلیب، مار و هاله استفاده می‌کند تا معانی تمثیلی را منتقل سازد. پوش یکی از بهترین نقاشان قرون وسطی، انسانی را تصویر می‌کند که اساسا دارای ضعف است. رستگاری و رهایی قابل دستیابی است اما تنها از طریق بزرگ‌ترین تلاش، در صورتی که مینیاتوره‌ای برمه‌ای بودایی، زندگی بودا را تصویر می‌کند که مسیر معنوی به سوی روشن‌شدگی را نشان می‌دهد.



▲ زندگی با وقار بودا در آینده

این نسخه خطی برمه‌ای در قرن نوزدهم، شاهزاده سیدهارته را نشان می‌دهد که به وسیله پدرش که پادشاه است بر روی فیل سفید مقدس و در پناه آفتاب به وسیله یک سالیان حمل می‌شود که پادشاهی را نمادپردازی می‌کند. پادشاه مراسم شخم زدن را انجام می‌دهد که عملی نمادین در تضمین باروری مزارع است.



▲ استلی اسپنسر: رستاخیز، کوکم*

در این نقاشی از حدود ۱۹۲۵، اسپنسر رستاخیز مردگان در حیاط کلیسای کوکم در برکشایر^۵ را نشان می‌دهد که دهکده‌ای است که او در آنجا زندگی می‌کرد. ایمان اسپنسر به عنوان یک مسیحی و خاتم هنر او، شکل دائمی و درخشان بود. تابلوی مقدس را در زندگی مردم هادی می‌دانند.

سیاست

چهره‌نگاری اوایل قرن شانزدهم، همان گونه که نمونه آن از هالبین^۱ آورده شده، با به کارگیری دقیق وسایل و نمادهایی که موضوعات نقاشی را احاطه کرده، ابعاد سیاسی هوشمندانه‌ای را نشان می‌دهد. هالبین به ما بصیرتی را راجع به تنش‌های سیاسی درون انگلستان در ۱۵۲۳ م می‌دهد. در مقابل، نهضت آینده‌گرای ایتالیایی در اوایل قرن بیستم، درگیری مستقیم کمتری را در موضوعات اجتماعی، به ویژه زندگی شهری نشان می‌داد و معنایی سیاسی را منظور داشت. در عوض، هنر واقع‌گرایی اجتماعی در دهه ۱۹۳۰ در اتحاد شوروی، وجهه‌ای از حکومت استالین بود و درصدد بود تا نزاع‌های مردم معمولی را بیان کند و به توده‌ها تعلیم دهد و آنان را برانگیزد. واقع‌گرایی اجتماعی اصرار داشت که هنرمند، صداقت را نشان دهد و از انقلاب حمایت کند.

هانس هالبین: سفرای جوان

نقاشی هالبین در ۱۵۲۳ م دو سفیر فرانسوی را تصویر می‌کند که به وسیله انواعی از موضوعات نمادین احاطه شده‌اند. در طبقه بالایی، کره سماوی است که بر دیدگاه کبرنیک دلالیت دارد که زمین و نه خورشید را در مرکز منظومه شمسی قرار می‌دهد؛ در پیش‌زمینه، تصویر ویرانی از جمجمه‌ای قرار دارد که نمادی از فناپذیری است. زمانی که از نقطه‌ای از سمت راست نقاشی نگریسته شود، کچی شکل اصلاح می‌شود.

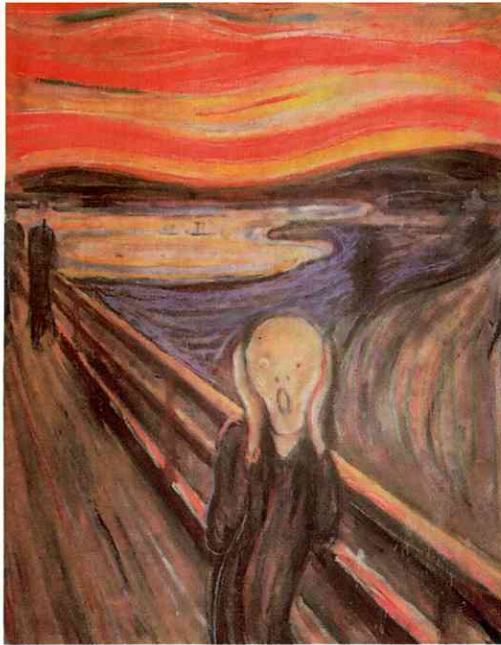


▲ الکساندر دینکا، «ما دنباس» (منطقه‌ای صنعتی در اوکراین) ماشین‌های هستیم دینکا به عنوان یک هنرمند واقع‌گرای اجتماعی، علاقه‌مند به ایجاد تصویر واقعی از زندگی و کار مردم شوروی بود. این پوستر در ۱۹۳۰ م همچنین به صورت موفق‌تری سعی در نمادینه کردن روحیه انقلابی کمونیسم در اتحاد شوروی استالین دارد.



▲ آمبرتیو بوکونی، «سر و صدای خیابان، مهاجم به خانه»

انتر ۱۹۱۱ م بوکونی تلاش او را برای ایجاد نمودی از زمان و جنب و جوش آن به صورت نمادین نشان می‌دهد. بوکونی نه تنها، اشکالی از خیابان را ایجاد می‌کند بلکه ضربان و سر و صدای صحنه آشفته خیابان را به داخل نقاشی ضمیمه می‌سازد.



▲ ادوارد مانچ، جیغ

جیغ مانچ، تصویری از هنر مدرن است. این تصویر اکسپرسیونیست مشهور که در ۱۸۹۳ نقاشی شد، چهره‌ای نگران را تصویر می‌کند که در برابر آفت قرمز خونی فریاد می‌کشد. از نظر بسیاری، او نمادی از انسانی است که در تهاجم اضطراب هستی شناختی قرار دارد.

روح

امپراتور جهانگیر که تصویر مردن عنایت خان درباری را سفارش داد، علاقه خصوصی به ضبط پدیده مرگ داشت همانند این مینیاتور تقریباً واقعی در پایین. در مقابل، در هنر اکسپرسیونیست بر احساسی انتزاعی تأکید دارد و نقاشی، وضعیت ذهن هنرمند را نمادپردازی می‌کند. از رنگ‌های غیرطبیعی و اشکال کج و کوله و بد ریخت استفاده می‌شود تا آشفتگی درونی را نمادپردازی کند. (در سمت چپ) در تصویر جیغ از مانچ^۱ او به طرز ویژه‌ای به سؤال نگران‌کننده هستی شناختی می‌پردازد که ما چطور در جهانی بی‌خدا و با بلاتکلیفی و اضطراب رها شده‌ایم.



► گنم، مرگ عنایت خان

این نمونه از هنر مینیاتور هندی در دوره گورکانیان از ۱۶۱۸، مرگ یک درباری را در دربار امپراتور جهانگیر تصویر می‌کند. امپراتور، حامی بزرگ هنر بود و در حکومت او، نقاشی، حرفه‌ای اشرافی بود که زندگی دربار را تصویر می‌کرد. موضوع نقاشی یا عنایت خان در اینجا به وسیله الکل و اعتیاد به ترپاک تحقیر شده و ناپیدایی او به صورت دلخراشی تصویر شده است. به خاطر صمیمیت اثر، ما دلمان می‌خواهد تا وارد صحنه شویم.

رویا

خواب و رویا برای هنری فوسلی^۲ موضوعاتی معمول بودند. او یکی از مهم‌ترین چهره‌ها در نهضت رمانتیک است، در واقع فوسلی هنرمندی بود که در کشف و بررسی روان انسان از طریق هنرش، جلوتر از دوران خودش بود. در حدود دهه ۱۹۲۰ (نزدیک به یک قرن بعد از مرگ فوسلی) سوررئالیست‌ها که تأثیرات زیادی را به وسیله نظریه فروید در مورد ضمیر ناخودآگاه و رویاها پذیرفته بودند، شروع به کشف موضوعاتی مشابه کردند. هنرمندان سوررئالیست نظیر رنه ماگریته^۳، پل دلوو و سالوادور دالی^۴ همگی از مفهوم ضمیر ناخودآگاه استفاده کردند تا تصویری نمادین به صورتی فردیت‌گرا و عجیب و غریب را بیافرینند.



▲ پل دلوو، پاکدامن

در ۱۹۷۲ نقاشی شد. این اثر به یکی از موضوعات خوشایند دلوو می‌پردازد که راجع به رویای دست نیافتنی است، شبیه به هیئت این زن که در فضا و موقعیت مربوط به معماری قرار گرفته است. در این مورد، این بیکرها، پاک‌رهای معبد هستند که وقف وستا^۵ شده‌اند که ایزدبانوی رومی اجاق و خانه است و قسم خورد تا پاکدامن بماند. موضوعات و معماری، دنیای رویاگونه‌ای را به وجود می‌آورد.

► هنری فوسلی، کابوس

در این نقاشی در ۱۷۸۱، فوسلی زنی را تصویر می‌کند که در چنگال رویای آشفته است. هنرمند تصویری ترسناک را مجسم می‌کند که مملو از ترس و شهوت‌انگیزی است. کابوس نشسته بر روی بدن زن، نمادی از تاریک‌ترین ترس‌های وحشت‌انگیز است. بسیاری این نقاشی را به عنوان پیش‌دستی بر روی رویای کابوس ناخودآگاه تلقی می‌کنند.



همچنین ببینید:

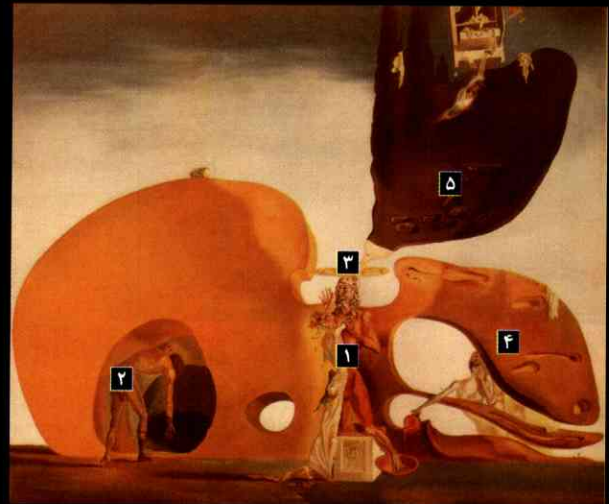
آسمان شب صص ۲۰-۲۳
سیک وانیتاس صص ۱۳۳-۱۳۴

- 1- Hans holbein
- 2- Umberto boccioni
- 3- Alexander deineka
- 4- Donbas
- 5- Edvard munch
- 6- Henry fuseli
- 7- Rene magritte
- 8- Paul delvaux
- 9- Salvador dalli
- 10- Vesta



تولد امیال سیال

یک نقاش حیرت‌انگیز و گاهی نویسنده، مجسمه‌ساز و فیلمساز ابتکاری یعنی سالوادور دالی احتمالاً بزرگ‌ترین هنرمند سوررئالیست بود که از تصاویر خیالی و عجیب و غریب استفاده می‌کرد تا مناظر آشکار و فراموش‌نشده‌ای از دنیای درونی خود ایجاد کند. خیالی‌ترین اثر دالی، ضمیر ناخودآگاه او را مورد بررسی قرار می‌دهد و ترس‌ها و موهومات یافته شده در آنجا را از طریق تصاویر نمادین ضبط می‌کند. در این نقاشی چهار پیکره حضور دارند که با ساختاری عجیب تعامل می‌کنند.



۱۲. پیکره‌ها

آدم‌های در مرکز نقاشی ممکن است پدر، پسر و مادر باشند که به هیئت کابوس مانند مربوط به مخلوق هولناک جوش خورده‌اند. پیکره سمت چپ به عنوان تصویری از خود هنرمند تفسیر شده. این پیکره‌ها ارتباط مشکل دالی را با پدرش نمادپردازی می‌کنند.

۳. قرص نان

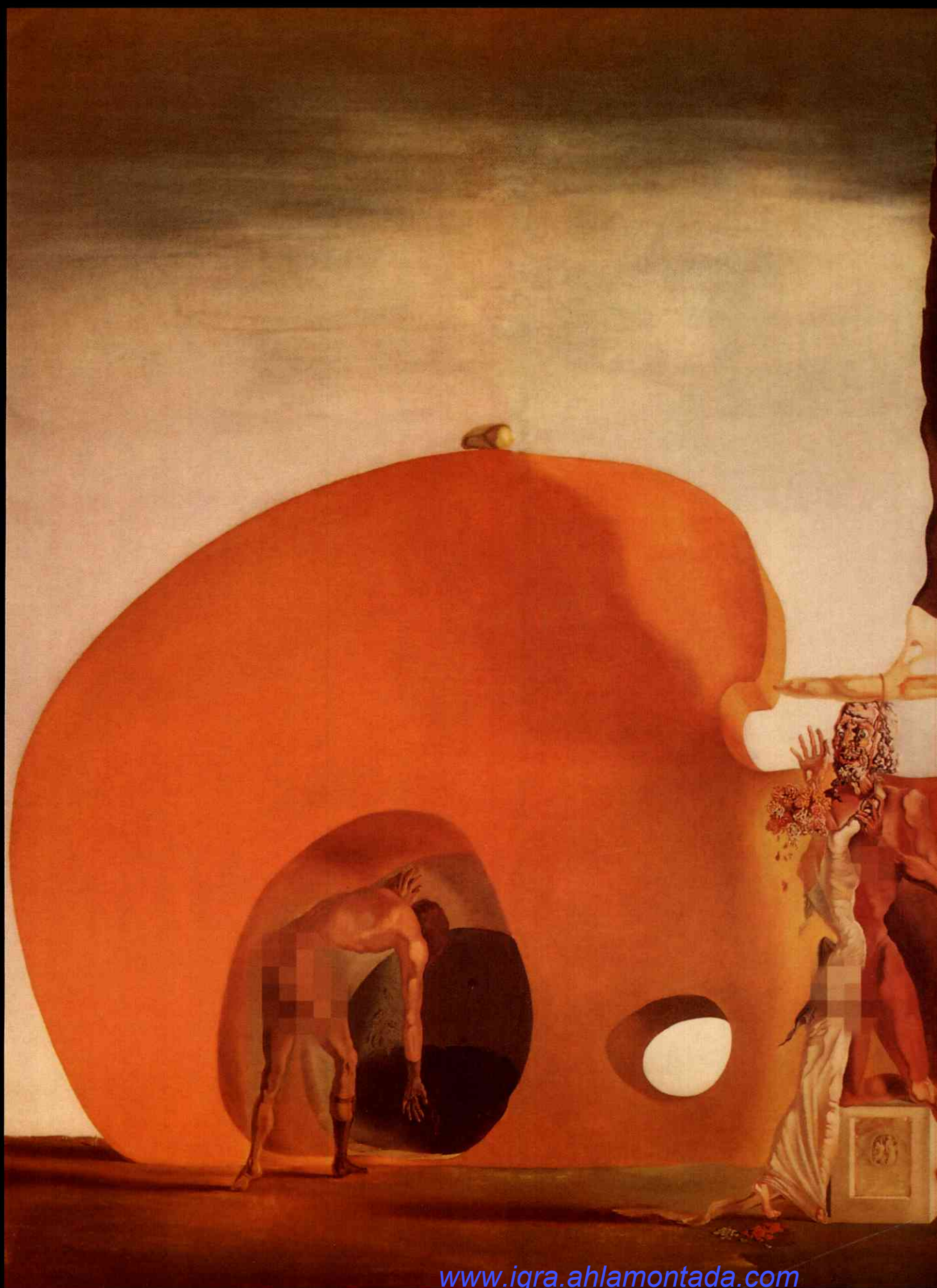
مشکلات سخت بین پدر و پسر، غالباً به وسیله دالی با افسانه ویلیام تل^۱ پیوند می‌یابد که گمانگیر سوئسی بود که مجبور شد به سببی که بر روی سر پسرش قرار گرفت، تیر بزند. از نظر دالی این اسطوره نمادی از ترس دائمی پسر از طرف پدرش است. در اینجا قرص نانی جایگزین سیب شده است.

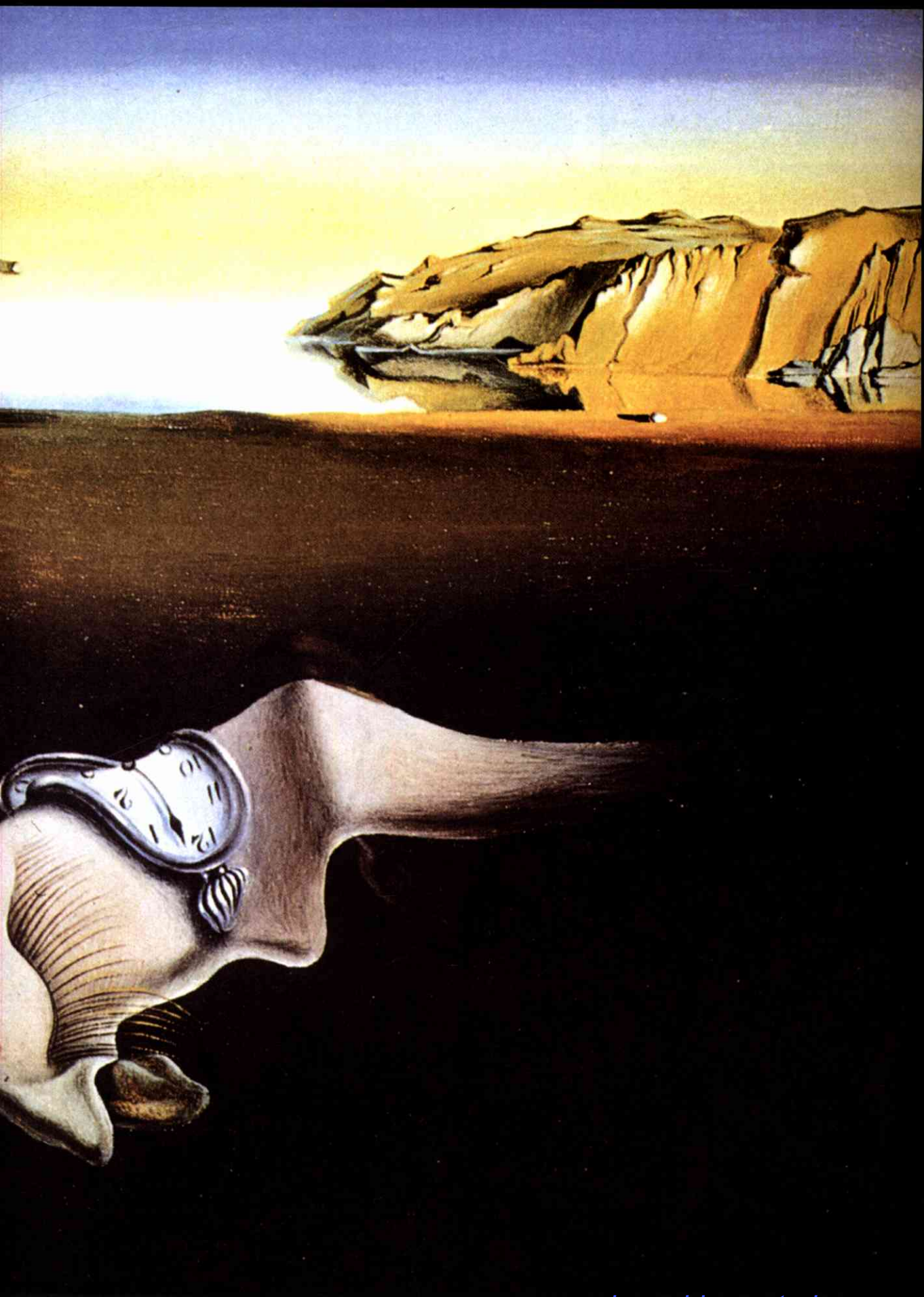
۴. سایه

سایه‌ای تاریک که صحنه را تهدید می‌کند، از منبعی ناشناخته ناشی می‌شود و ممکن است تهدید دالی از جانب پدرش را نمادپردازی کند. به طور معمول‌تر این سایه نشانگر حس غم و مرگ است.

۵. ایر

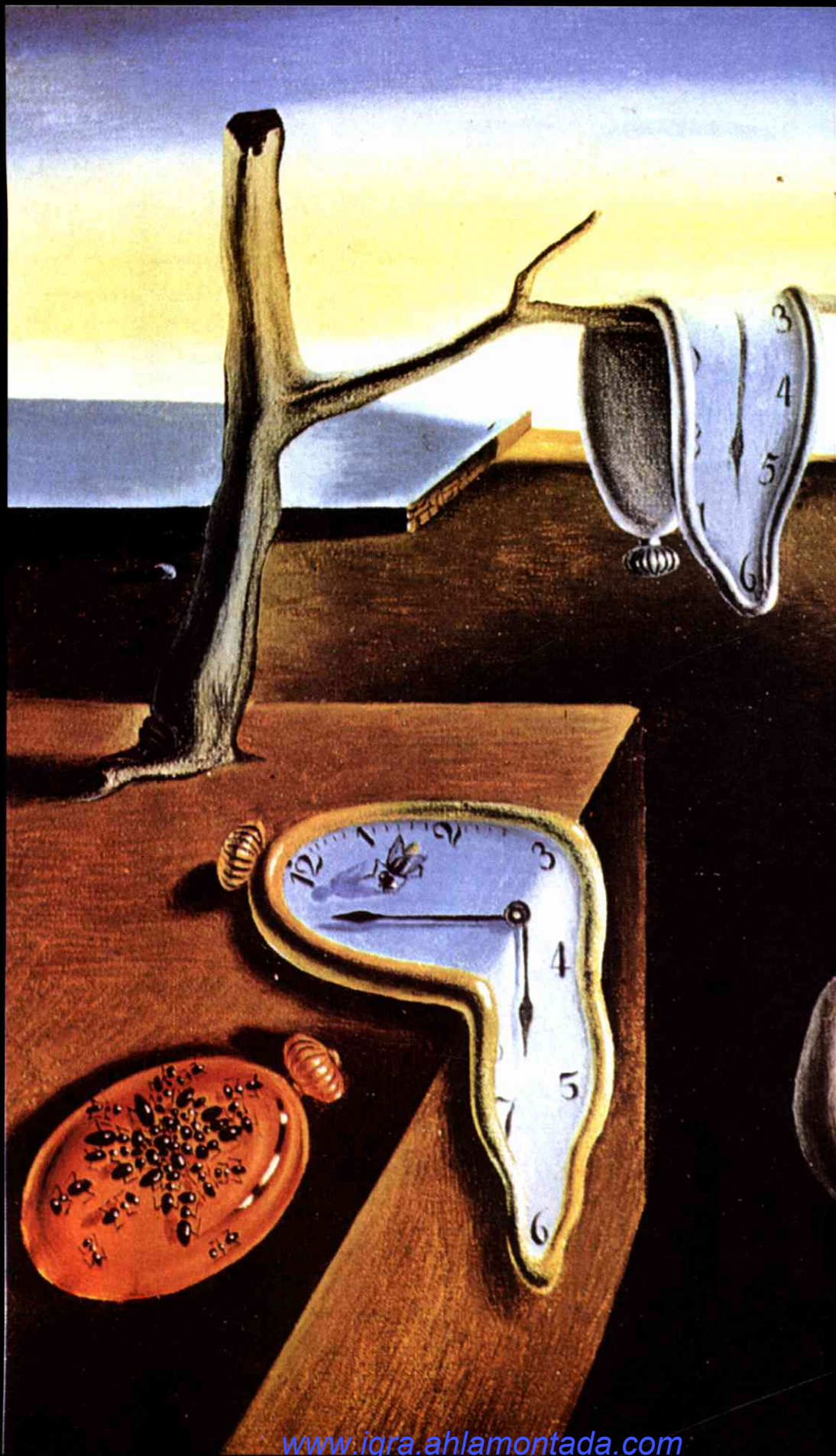
ایر تیره از قرص نان خارج می‌شود. در درون این ایر نوشته‌ای فرانسوی است که می‌توان آن را ترجمه کرد تحت عنوان: «یادداشت ارسال: آیا باید کل صورت حساب را باطل کرد؟» که آن هم به کیفیت رازگونه تصویر اضافه می‌شود.





٢٦٨

(www.ahlamontada.com)





نقاب

نقاب‌ها می‌توانند احساسات یا وجهه‌هایی از شخصیت را علاوه بر نشان دادن پنهان‌کاری و شناخته شدن با تغییر شکل به صورت موجودی دیگر، نمادپردازی کنند. نقاب‌ها در رقص‌های آئینی و مراسم بسیاری از فرهنگ‌ها برای نشان دادن خدایان

یا حیوانات اجدادی به کار می‌رفتند. نقاب‌ها در نمایش‌ها می‌توانند نشانگر خنده یا غم باشند و در هنر غربی، یک نقاب می‌تواند نمادی از فریبکاری و شر باشد.



▲ نقاب تئاتر تیه

در تئاتر سنتی تیه در ژاپن، نقاب‌های بسیار تصنعی، نشانگر خدایان، دیوان و زنان و مردان در صورت‌های پیر و جوان هستند. رنگ آنها می‌تواند نمادی از احساسات باشد نظیر عصبانیت، اشتیاق و امیال و یا این که خصلت و ویژگی را نشان می‌دهد نظیر طرز فکر شیطانی.



▲ نقاب جاوه‌ای

این نقاب دیوی پیر که به مقدار زیادی تصنعی است در رقص نمایشی حماسی ظاهر می‌شود و با نام وایانگ تاینگ شناخته می‌شود. این رقص در دربارهای جاوه‌ای از حدود ۱۰۰۰ ق.م محبوب و عامه‌پسند بود و ممکن است با رقص‌های نقاب‌دار کهن ارتباط داشته باشد که در سراسر جزایر اقیانوس آرام دیده می‌شد.



▲ نقاب هندی

به نظر می‌رسد نقاب‌ها در هند مایا^۱ باشند. یعنی آنها این قدرت را دارند که انسان‌ها را معتقد به توهم سازند. نقاب در تمام انواع آئین‌ها و اجراهای نمایشی استفاده می‌شوند و بر این باورند که در طی آنها، خدایان زنده در پشت نقاب‌ها نزول می‌کنند.



بارونگ



رانگادا

▲ رانگادا و بارونگ

در مراسم‌های بالی (جزیره‌ای در اندونزی) اجرا می‌شود. نمایش رقص بارونگ یا اسطوره‌ای قدیمی ارتباط دارد. رانگادا، یک چهره جادوگر یا «بیوه زن سیاه» و نقاب او شخصیتی از شر است. بارونگ، شفابخشی و اقبال خوب را نمادپردازی می‌کند. یک ریش از موی انسان از نقاب او آویزان است که به آن گل‌های یاسمین آویزان است که معتقدند حاوی قدرت‌های جادویی اوست. نمایشی دو نفره به صورت «رقص خلسه‌ای» به شکل نبرد بین خیر و شر اجرا می‌شود.



◀ نقاب گینه نو

نقاب جیبا^۲ یا «سید» به وسیله قبیله آسمات^۳ استفاده می‌شود تا نشان دهنده عضوی از اجتماع باشد که اخیراً فوت کرده. جیبا در شب از جنگل بیرون می‌آید تا در آئین جشن قبل از جدا شدن روح برای دنیای مردگان به مردان پیوندد. سپس استفاده‌کننده از نقاب، مسئولیت‌های آن فرد را تقبل می‌کند.



▲ نقاب کواکیوتل^۴

رقاص‌های کواکیوتل سرخپوست آمریکایی قادرند تا با استفاده از یک «نقاب تغییر شکل» بیشتر از یک هویت را به خود بگیرند. زمانی که رقصنده، اهرم‌ها و ریسمان‌ها را می‌کشد، نقاب بیرونی باز می‌شود تا نقاب دیگر در درون آشکار شود. نقاب‌های کواکیوتل در ارتباط با اسطوره‌ها به کار می‌روند. سرخپوستان آمریکایی همچنین کاربرد نقاب‌های توهم حیوانی یا پرند را اختیار کرده‌اند تا علامتی از سلسله خانوادگی باشد.



A large, ornate wooden mask with a tall, rounded headdress and a long fringe of dried grass or hair hanging from the chin. The mask has a stylized face with a prominent nose and a wide, open mouth. The headdress is decorated with a grid of small, raised squares. The fringe is made of many thin, dried strands hanging down.

وینیزی
ای نقابدار
دا در قرن
ر محبوب
برهای مسمول،
وج از رسمیت
به دنیای راز،
جنسی بود.

مرو
صدا
فیل و
برای
طبق
تواند
ات به
دهد.

A stylized, abstract line drawing of a face, possibly a caricature. The face is elongated with a large, pointed nose, a wide, open mouth showing a tongue, and large, expressive eyes. The hair is depicted with jagged, spiky lines. The drawing is composed of simple black outlines on a white background.

تصور می‌شد که نقاب نشان داده شده در اینجا که به قرن پانزدهم یا شانزدهم برمی‌گردد، نشانگر خدای آسمان بزرگ از تک‌ها یا تزکانی بوکی^{۱۱} باشد. این نقاب از نواهای یک در میان فیروزه و مجموعه زغال قهوه‌ای بر روی مجموعه انسان ساخته شده است. این مجموعه نشان داده شده است. www.farid.ir



نقابها در طول جشن ماردی گراس استفاده می‌شوند که دوره‌ای از جشن شادی و سرور قبل از لنت^{۱۲} یا دوره روزه و نیایش قبل از ایستر است. در نیواورلند ماردی گراس، مفصل‌ترین جشن است. نقابها طنز آمیز یا خنده‌دار هستند و عموماً توجهی با





▲ جک و ساقه لوبیا

قصه قدیمی جک و ساقه لوبیا، از سنت شفاهی، احتمالاً از افسانه‌های قرون وسطایی نروژی سرچشمه می‌گیرد و آکنده از نمادپردازی است. ساقه لوبیا نشانگر «حیات» یا «خردمندی» است. هر زمان جک از آن بالا می‌رود، با کالاهای دنیایی بیشتر و شیوه‌های عقلاانه‌تر برمی‌گردد.



[داستان‌های پریان]



▲ علی بابا

علی بابا بعد از کشف و بردن گنجینه‌هایی که ۴۰ دزد در یک غار مخفی کرده بودند، سال‌هایی را بدون کفر و عقوبت گذراند و پولدار و موفق، زندگی را به انتها رسانید.

داستان‌های پریان، داستان‌های عجیب و تخیلی، غنی از معانی نمادین، داستان‌های عامه‌ای هستند که نسل به نسل، به ارث رسیده‌اند.

داستان سفید برفی، این است که این داستان نشان‌دهنده غلبه فرقه جدیدی (که کلیسای کاتولیک است) بر فرقه قدیمی است (کیش پیش از مسیحی که ایزدبانوی مادر بود). سفید برفی دوشیزه پاکی است که بعد از این که به وسیله نامادری حسودش بیرون می‌شود، با حیوانات جنگل و هفت کوتوله که از او مراقبت می‌کنند، در جنگل با آرامش زندگی می‌کند که این استعاره‌ای برای ماهیت زن‌سالارانه ادیان قدیمی است. نامادری بی‌رحم نشانگر کلیساست که دین قدیمی را ویران می‌کند که این نامادری جانشین مادر واقعی او یعنی مادر طبیعت شده است. پدر سفید برفی، نشان‌دهنده مرد معمولی است که بین دو دین در حال پیچ و تاب است.

از گدایی به شاهي رسيدن

برخی داستان‌ها قهرمانانی را دارند که در حال جستجو هستند. گاهی آنها شخصیت‌های قهرمانی هستند که در خاتمه داستان با قهرمان زن، قرار ازدواج می‌گذارند و موجب شادی می‌شوند.



▲ سفید برفی

سفید برفی که «نامادری ملکه» (که تغییر چهره به پیرزن مهربان داده است) به سفید برفی می‌دهد، نمادی از محروم شدن خواهر از فیض و لطف است همراه با این مطلب که «کیش مادر طبیعت» توسط کلیسا مطرود می‌شود.

اگرچه، در سایر داستان‌ها، ممکن است قهرمان از نجبا یا حتی به‌ویژه از ثروتمندان هم نباشد. در داستان‌های علی بابا از هزار و یک شب و جک و لوبیای سحرآمیز، ثروت و خردمندی بعد از مشکلات و گرفتاری‌های زیادی به دست می‌آید. درسی که می‌توان گرفت، این است که ضروری است همه چیزهای خوب مادی و معنوی را کسب کرد.



شئل قرمزی

در داستان شئل قرمزی، گرگ شرور، کودک معصوم را به دام می‌اندازد، اما شر شکست می‌خورد و خیر غالب می‌شود.

حیوان چهارپا

ما موضوع آشنایی از غلبه کردن بر حیوان چهار پا را در داستان شئل قرمزی می‌بینیم. طفل معصوم به وسیله گرگ خورده می‌شود، اما شکم گرگ پاره شده و باز می‌شود، بچه (و مادر بزرگش) زنده از درون شکم بیرون می‌آیند. یک بیگانه مرده است، اما زندگی جدیدی به ظهور می‌رسد. در داستان دیو و دلبر، دختر زیبا از خودگذشتگی می‌کند تا پدرش نجات یابد. وقتی او عاشق آن حیوان می‌شود، در او خیر و خوبی می‌یابد. دختر زیبا، آن حیوان را از سحرش رها می‌سازد و او به وضعیت خود برمی‌گردد و شاهزاده‌ای خوش ظاهر می‌شود. بدین ترتیب بر ماهیت حیوانی او غلبه می‌شود و خیر و خوبی پیروز می‌شود.

برخورد فرهنگی

داستان‌های پریان می‌توانند به روش‌های گوناگون تفسیر شوند. برخی از مردم، معنای کیهان‌شناسانه یا دینی در آنها می‌بینند، در صورتی که دیگران، تبیینی روان‌شناختی دارند و احتمال دارد که برخی از داستان‌ها را از لحاظ برخورد فرهنگی قرائت

کرد، چون بیشتر تاریخ، شامل ادغام سنت‌های فرهنگی است. برای مثال یک تفسیر از



► دیو و دلبر

دختر زیبا بعد از ملاقات حیوان در قلعه‌اش، ترس از او را از دست می‌دهد و عاشق او می‌شود. چون دختر او را به خاطر خود حقیقی‌اش دوست دارد، پس حیوان تغییر شکل می‌دهد و به یک پسر زیبا تبدیل می‌گردد.

همچنین ببینید:

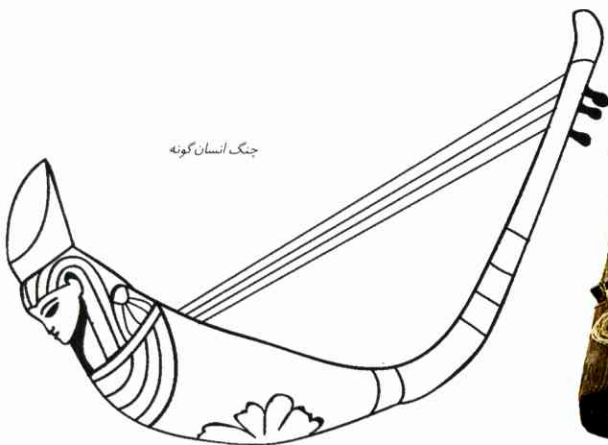
درختان مقدس صص ۹۷-۹۶
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶



[ابزار موسیقی]

در صورتی که طبل‌ها و سایر ابزار کوبه‌ای اغلب با کشف و شهود، خلسه و جذبه و حقیقت الهی ارتباط دارد. برخی ابزارها، نمادهای ملی هستند در صورتی که سایر ابزار با جنگ، سعادت روحی یا جشن و مراسم شناسایی می‌شوند.

شاید اولین موسیقی بر مبنای اصوات و طنین‌های موجود در طبیعت بود نظیر ضربان قلب، صدای رعد یا آواز پرند. ابزارهای موسیقی، هماهنگی در طبیعت و ضربان زندگی را نمادپردازی می‌کنند. ابزار زهی نشانگر اصوات آسمانی است



چنگ انسان گونه



▲ کوتوا

ابزاری دارای ۱۳ تار و شبیه به زیت (نوعی ساز زهی) است و نمادی از موسیقی و ابزار ملی ژاپن است و در آنجا از قرن هجدهم نواخته می‌شد. Ch'in از چین و Kum از کره، شبیه به این ابزار هستند



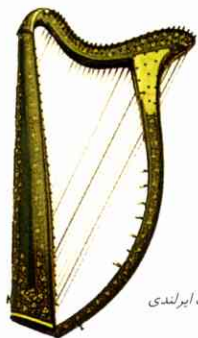
▲ نی انبان

ابزار ملی اسکاتلند و صدای نی انبان‌ها، نمادی از توانمندی و آزادی اسکاتلندی است. سایر فرهنگ‌ها به مدت زیادی، آن را با توانمندی، بنیه مردانگی و آزادی از ستمدیدی پیوند می‌دادند.



▲ فلوت یا نی

از نظر هندوان، نی کریشنا، صدای جهان دیگر است که همگان را فرا می‌خواند. در اقیانوس آرام، نی صدای ارواح است و از نظر مسیحیان، نمادی از اشتیاق روح برای خداوند است. در اسطوره چینی، نی دلالت بر هماهنگی دارد.



چنگ ایرلندی

▲ چنگ

چنگ در یهودیت و مسیحیت، علامتی از پادشاه داوود است و نمادی از موسیقی مقدس است که با فرشتگان ارتباط دارد. پدر خدای سلنی یا داگدا، چنگی جادویی را می‌نوارد تا فصول را در نظم طبیعی خود قرار بدهد. چنگ نمادی از ایرلندی‌ها و ولزی‌هاست. تارهای چنگ، همچنین نمادی از نردبانی است که به حیات دیگر هدایت می‌کند.



▲ زنگ یا ناقوس

صداهای یکدست زنگ، نمادی از هماهنگی بین مردم و آسمان، خردمندی و دور کردن ارواح شیطانی است. صدای زنگ‌ها، ساعت‌های روز را مشخص می‌سازند که علامتی مهم از وقایع است و مردم را به هم بودن فرا می‌خواند. «برای آثانی که زنگ به خاطر مرگ به صدا درمی‌آید» اشاره به مرگ اشخاص دارد. زنگ‌های انگشتی و صداهای بادی نشانگر اصوات آسمان است. در برخی فرهنگ‌ها، زنگ‌ها اشاره به بکارت دارد و در سایر فرهنگ‌ها جایی از مقام و ارزش و اعتبار است.

▲ لیر (نوعی ساز زهی قدیمی شبیه به چنگ)

ارفتوس لیری را می‌نوارد که نمادی از هماهنگی جهان است و او می‌تواند انسان‌ها و حیوانات را با موسیقی خود مهار کند. آپولو هم لیر می‌نوارد و نمادی از تریسکوپور^۳ است که موز^۴ (الهه هنر و دانش) رقص و آواز است.



▲ طبل

طبل یا رعد ارتباط دارد و نمادی از قلب جهان است. شیوا در رقص کیهانی خود، طنین و ریتم خود را می‌نوارد. ضربات طبل، مردم را به نیایش فرا می‌خواند و اغلب در همراهی با سربازان در داخل جنگ استفاده می‌شد.

▲ شبپور^۳

در دوران رومی برای فراخوانی به جنگ، شبپور دمیده می‌شد و اغلب با نبرد پیوند دارد. هم کتاب مقدس و هم قرآن می‌گویند که در روز قیامت، یعنی در زمانی که مردگان برمی‌خیزند، شبپوری به صدا درخواهد آمد.



زیتَر ۱۶

در چین کهن، زیتَر یا چه‌این^{۱۲} نمادی از موسیقی و ابزار عبادت بود. وقتی یک دانشمند زیتَر می‌نواخت، این وسیله این قدرت را داشت تا برای او حقایق اساسی را آشکار سازد.

ارگ

از قرن دهم، صدای ارگ با دین مسیحی و کلیسا ارتباط یافت. بیشتر کلیساهای قدیمی و کلیساهای جامع یک ارگ دارند که منظور اصلی از وجود آن، همراهی با سرودهایی است که در ستایش خداوند و به منظور پرانگیزتن تجربه‌ای معنوی و تاملی آسمانی خوانده می‌شود.



مو - یو ۱۸

در چین به معنی «ماهی جویی» است و این ابزار بادی کوچک به صورت سنتی به شکل ماهی است. آنها به عنوان طبل‌هایی شکافدار و آئینی در سر سپردگی‌های بودایی و تائویی به کار می‌روند. در کره و ژاپن، آنها همچنین مشخص‌کننده زمان آیین هستند. آنها در معابد نواخته می‌شوند و در آنجا آنها آکنده از طنین نیایش بی‌وقفه هستند.

گنگ ۷

بر این باورند که صدای بم گنگ، کیفیات جادویی و حفاظتی دارد. در معابد بودایی مشخص‌کننده مراحل انجام عبادت است و ارواح شیطانی را دور می‌سازد. این وسیله مقدس است و اغلب به صورت مفصلی تزئین می‌شود. در اندونزی، ارکسترهای کاملان^۸ که شامل گنگ و سایر ابزار کوبه‌ای هستند در همه مراسم و آئین‌ها، کم و بیش به کار می‌روند.



دیدچریدو ۹

«صدای» نغمه تکی نی یا دیدچریدو برای هزاران سال به وسیله بومیان استرالیا استفاده می‌شد تا با صدای انسان همراهی کند. پرده و آهنک‌های غران و بم آن، صدای روح و قدرت‌مندی را مجسم می‌کند که نمادی از فرهنگ بومی استرالیایی شده. این وسیله به عنوان قدیمی‌ترین ابزار بادی شناخته شده با نی رقابت می‌کند.



لوت ۱۲

لوت در دوران رنسانس و اروپای باروک (سیک معماری قرن هجدهم که بیقاعده و ناموزن است) خیلی محبوب بود و نماد انسان انگاری‌های موسیقی و شنوایی بود. در چین هماهنگی هر دو مورد ازدواج و حکومت را نشان می‌داد و یکی از چهار نماد و علامت دانشمندان بود.

سج ۸

سج نشانگر دو تیم کره است. آنها ویژگی ایزدبانوی مادر دوران نوسنگی یا سیل^{۱۱} است و با رقص‌های عنان گسیخته یا کوس^{۱۱} با خدای رومی شراب ارتباط دارد. بودائیان تبتی، آنها را برای هر دو مورد آئین‌های «صلح طلبانه» و «خشمت‌گانه» می‌نوازند.



همچنین ببینید:

خدایان رومی و یونانی صص ۴۱-۱۴
دین هندویی صص ۱۶۳-۱۵۸
علیت صص ۲۲۳-۲۲۲
پله‌هایی به آسمان صص ۲۳۷-۲۳۶

سی تار ۱۳

ابزاری زهی از هند است که اغلب با طبل^{۱۲} (ابزار بادی که از طبل‌های کوچک تشکیل می‌شود) همراه می‌شد. برای حدود ۷۰۰ سال محبوب بوده و نمادی از موزیک هندی است و مخصوصاً در سبک‌های موسیقی هندی و نمادی از سی تار یا فرهنگ هندی متراکف و آسمانی است.

- 1- Koto
- 2- Dagda
- 3- Trumpet
- 4- Lyre
- 5- Terpsichore
- 6- Muse
- 7- Gong
- 8- Gamelan
- 9- Didjeridu
- 10- Cybele
- 11- Bacchus
- 12- Lute
- 13- Sitar
- 14- Tabla
- 15- Ravi shankar
- 16- Zither
- 17- Ch'in
- 18- Mu-yu





اسلام میں





نظام نمادی از گروهی از نمادها ساخته شده است که با هم ارتباط دارند. چنین گروه‌هایی، از نظام‌های معین رسمی، شبیه به الفبا و اعداد، تا گروه‌های غیررسمی، نظیر شکل‌ها و رنگ‌ها تغییر می‌کنند. برخی نظام‌های نمادی در طول هزاران سال تکامل یافته‌اند و در میان فرهنگ‌ها متفاوتند، در صورتی که سایر نظام‌ها نسبتاً سریع به وجود آمده‌اند و گسترش یافته یا حتی جهانی شده‌اند. در دنیایی که به صورت یک دهکده کوچک درآمده و با انبوهی از ارتباطات اجتناب‌ناپذیر در آن، سفرهای بین‌المللی با قیمت‌های مناسب، شرکت‌های چند ملیتی و ورزش‌های جهانی، نظام‌های نمادین جهانی جدیدی دائماً به ظهور می‌رسند که به صورت روزافزونی فراسوی موانع زبانی قرار دارند.

حقیقی‌ترین نمونه نظام نمادین، الفبا است که در آن هر یک از حروف به تنهایی، تقریباً بی‌معناست، برخی حروف، زمانی که به تنهایی به کار می‌روند معنا دارند، اما بیشتر آنها، تنها زمانی معنا دارند که با دیگر حروف به کار گرفته شوند. اعداد مستقل‌تر هستند،

اما نمادپردازی وسیع‌تری از بیشتر اعداد، مبتنی بر ارتباط ریاضی یا اولین پنج عدد وجود دارد. برای نمونه، عدد هفت، نمادی از تمامیت است چون از جمع الوهیت (یعنی سه) و چهار عنصر عالم مادی (چهار) به دست می‌آید. نظام‌های کمتر رسمی نظیر شکل و رنگ، اگر چه نمادپردازی هر عضو این نظام می‌تواند به تنهایی صورت پذیرد، اما اغلب این تنها یک سوی داستان است. برای نمونه، تیرگی یا نمادپردازی شر از سیاه، بدون مطرح کردن تقدیس و پاکی که در تقابل با آن قرار دارد و با سفید مرتبط است، خیلی کمتر موثر است. نمادپردازی شکل و رنگ در طی زمان طولانی چنان تحول یافت که تقریباً به نظر می‌رسد از لحاظ ژنتیکی در درون هر فرهنگی برنامه‌ریزی شده است. اما نمادپردازی نشان‌های اصالت خانوادگی و پرچم‌ها بسیار سریع‌تر به وجود آمدند و هر دو مورد به صورتی آگاهانه و مهار شدنی به عنوان نظام‌های قابل شناسایی ایجاد شدند. ساختارهای نشان نجابت خانوادگی یکی از پیچیده‌ترین و قوی‌ترین نظام‌های نمادین است و برای کسانی که

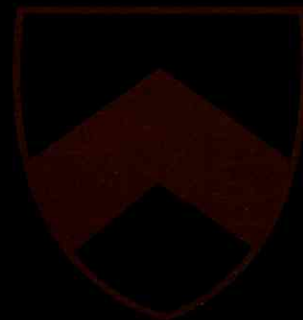
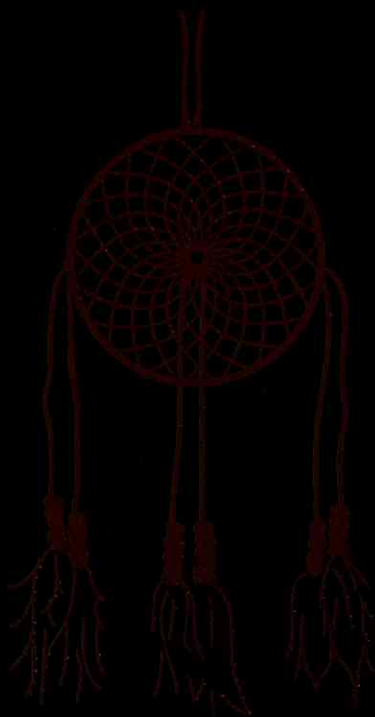




زاده انقلاب هستند، القاء کرد. رنگ‌های پرچم اتیوپی، الهام‌بخش پرچم‌های بسیاری از کشورهای آفریقایی تازه استقلال یافته بود. این رنگ‌های قرمز، سبز و زرد است که به عنوان «رنگ‌های سراسر آفریقایی» شناخته می‌شوند. علائم موسیقی و ریاضی، نمادهای پول رایج و نمادهای هواشناسی، نمونه‌ای از نشانه‌های بین‌المللی هستند که شامل نظام‌های نمادین جهانی می‌شوند. شکل و رنگ‌های نشانه‌ها هم بسیار پر معنا هستند و دلالت دارند بر این که ممنوعیتی را منتقل می‌سازند و یا در بردارنده تذکرات هشدار یا اطلاعاتی هستند. نمادهای شغلی برای مسافران بین‌المللی، به صورت یکسان با هم برابرند و گردشگر را قادر می‌سازند تا داروخانه یا آرایشگری را بیابد و یا این که علامت‌های آرم و نوع خاصی که او را مطمئن می‌سازد که همواره می‌تواند کفش ورزشی مطلوب خود، یا نوشیدنی‌های غیرالکلی یا همبرگر را بیابد. اما راجع به مهم‌ترین نشانه برای ارتباط بین‌المللی چطور؟ البته کاربردی جهانی از تصویر مرد و زن، اشاره به دستشویی‌ها دارد.

شامل نمادپردازی آن می‌شوند، خاص، واضح و بدون ابهام است. نمادپردازی پرچم‌های ملی به صورتی مشابه بدون ابهام است. بسیاری از پرچم‌ها، در پدیده‌ای نسبتاً جدید، دارای نمادهای جهانی هستند نظیر صلیب برای مسیحیان، هلال ماه برای ملل مسلمان و نمایش‌های دقیق از حیوانات یا اجرام آسمانی. در درون این نظام، روابط متقابل پرچم‌های ملی می‌تواند به این روش در نظر گرفته شود که برخی از پرچم‌ها برای دیگران الهام‌بخش بوده‌اند. برای نمونه، سه رنگ پرچم فرانسه، به کار بردن سه رنگ را به وسیله سایر مللی که

حقیقی‌ترین نمونه‌ی
نظام نمادین،
الفاست که هر
يك از حروف به
تنهایی در آن، تقریباً
بی‌معناست.

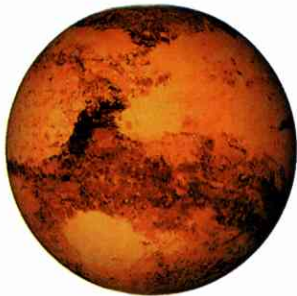




رنگ‌ها

آرامش و تسکین هستند. اگرچه برداشت و تفسیر، از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت دارد، اما نمادپردازی رنگ، امری جهانی است و آن را یکی از مهم‌ترین نظام‌های نمادین انسان می‌سازد.

مردم در هر فرهنگی و اغلب بدون توجه به آن، با حساسیت به رنگ‌ها واکنش نشان می‌دهند. برای مثال، روانشناسان رنگ‌های «گرم» (قرمز، زرد و نارنجی) را تحریک‌کننده می‌دانند، در صورتی‌که رنگ‌های «سرد» (آبی، نیلی و بنفش) باعث



جنگ

قرمز رنگ جنگ است. مریخ یا مارس^۱ یا سیاره قرمز رنگ نام خدای رومی جنگ است و همچنین به اسم سایر خدایان جنگی در فرهنگ‌های دیگر منتقل شده است. بابلی‌ها این سیاره را نرگال^۲ می‌نامیدند و یونانیان باستان «ستاره ارس»^۳ (خدای یونانی جنگ)



آتش

هم در شرق و هم در غرب، قرمز، رنگ آتش است و در بسیاری از فرهنگ‌ها با شعله‌های جهنم ارتباط دارد. قرمز همچنین نشان‌دهنده رفتاری پرشور و متهورانه، نیروی مردانه و عصبانیت است.

قرمز

گرم‌ترین رنگ است. قرمز بسیار تحریک‌کننده و همچنین رازآمیزترین رنگ است. قرمز رنگ عشق، و شور و اشتیاق و همچنین پرخاشگری و جنگ، اقبال خوب و همچنین خطر، باروری و آتش جهنم است. قرمز چه از نظر سیاسی (قرمز رنگ انقلاب است) و چه از نظر احساسی («قرمز دیدن و پنداشتن») هشدار برای ادامه ندادن و پیش نرفتن و همچنین انگیزشی برای عمل کردن است.



خونخواری

قرمز از طریق قدرتش برای برانگیختن عصبانیت و پرخاشجویی، نمادی از دلیری و بنیه مردانگی و همچنین خونخواری است. از نظر کلیسای مسیحی، قرمز نشانگر قربانی شدن مسیح بر صلیب و خون ریخته شده شهیدان است.



باروری و تولد مجدد

قرمز به خاطر ارتباطش با رحم، میوه رسیده و اسطوره ققنوس، در میان سایر چیزها، نماد باروری و تولد مجدد است. ققنوس پرنده‌ای است که خود را در آتش از میان می‌برد، اما مجدداً از خاکسترهای آن برمی‌خیزد.



عشق و اشتیاق

رُز قرمز، نمادی از عشق است. در فرهنگ غربی، نشانگر شور و اشتیاقی است که اغلب غیرمجاز است مانند («منطقه خطر (چراغ قرمز)» و «زن روسپی» (زن اسکارتلت = زن قرمز)) قرمز در شرق، نمادی از عشق پاک است و رنگ لباس عروسان در هند، چین و ژاپن است.

پابندگی

عروسان رومی گاهی نارنجی می‌پوشیدند که به عنوان نمادی از پابندگی ازدواج بود.



کف نفس

راهبان بودایی نارنجی می‌پوشند تا برگزیدن زندگی ساده را اثبات کنند.

نارنجی

نارنجی به عنوان ترکیبی از قرمز و زرد، در برخی از نمادپردازی‌های مربوط به این رنگ‌ها سهیم است. نارنجی می‌تواند نقطه حد واسط بین شور و اشتیاق قرمز و معنویت زرد باشد و یا این‌که به سوی هر یک از آنها بیشترین گرایش را داشته باشد. نارنجی ممکن است نمادی از تجلی بودن و شکوه باشد، اما می‌تواند به معنای کناره‌گیری از لذات دنیوی هم باشد (همچون جامه‌های نارنجی برخی از بوداییان). در روم قدیم، عروس‌ها نارنجی می‌پوشیدند. سنگ نارنجی مایل به قرمز سنگ یمانی یا یاقوت زعفرانی، نمادی از وفاداری است.

**▲ جنبش بوم شناسانه**

سبز به عنوان رنگ طبیعت، جنبش بوم‌شناسانه و دغدغه مردم را در مورد حفاظت از منابع کره زمین نمادپردازی می‌کند. سبز نام بسیاری از گروه‌های سیاسی زیست محیطی است.

**▲ باروری**

مرد سبز در بسیاری از فرهنگ‌ها به عنوان نمادی از خدای طبیعت خاص، یا از باروری به صورتی کلی ظاهر می‌شود. مرد سبز توسط کلیسای مسیحی به عنوان نمادی از ایستر و رستاخیز مسیح برگزیده شده است.

**▲ جوانی**

سبز به خاطر ارتباطش با بهار، نمادی از جوانی است. در مورد این موضوع دو وجه وجود دارد: ارتباطات مثبت با قدرت و توانمندی که به وسیله سادگی یا بی‌تجربگی (سبزی) متعادل می‌شود.

**▲ طبیعت**

کلروفیل باعث رنگ سبز گیاهان می‌شود و این رنگ از قدیم با طبیعت ارتباط دارد. اوزیریس که در مصر باستان در ابتدا خدای سیرجیات بود (بعدها خدای دنیای زیرین شد) اغلب رنگ سبز داشت.

سبز

سبز رنگ بهار و بنابراین جوانی، امید و شادابی است، اما رنگ زوال یافتن هم هست و اغلب نمادی از حسادت می‌باشد. سبز برای مسلمانان مقدس است. برخی می‌گویند این امر به خاطر این است که محمد پیامبر (ص)، ردایی سبز داشت، دیگران می‌گویند به خاطر این است که سبز رنگ زندگی جدید است.

**▲ خورشید**

زرد نمادی از خورشید (و خدای خورشید آپولو) و بنابراین زندگی و گرماست. در تفکر شرقی، زرد، رنگ شیشه خورشیدی چاکرا (گره یا نقطه متمرکز بر بدن که انرژی‌های مادی و معنوی را منتقل می‌کند) است که با عنصر آتش ارتباط دارد.

**▲ به خانه آمدن**

در ایالات متحده آمریکا، تزئین شهر مادری فرد با روبان‌های زرد در زمانی که او از خطری نظیر جنگ برمی‌گردد، یک سنت است. بنابراین آواز محبوب هم «روبان زرد را دور درخت بلوط پیر گره بزن» است.

**▲ خیانت**

یهودا اسخربوطی در هنر رنسانس با ردایی زرد تصویر می‌شود. در ۱۲۱۵ شورای لاتران دستور داد که یهودیان از مشخصه‌های زرد رنگ استفاده کنند بر این مبنا که نژاد آنها به مسیح خیانت کرده است.

**▲ سلطنت**

زرد در چین و جنوب شرقی آسیا نماد سلطنت است و به عنوان رنگ امپراتوری در چین قرن ششم برگزیده شده است. تنها برخی از راهبان و امپراتور می‌توانستند زرد بپوشند که نمادی از برابری امپراتور با خورشید بود.

آبی

آبی، به عنوان رنگ آسمان، نمادی از خلأ، بی‌کراستگی و الوهیت است. این عمیق‌ترین رنگ و پاک‌ترین آنها، از سفید مجزا شده است. آبی همچنین نمادی از آرامش، تأمل و عقل است. در غرب، آبی مفاهیم ضمنی گفتاری فراوانی دارد. نظیر افسردگی (blues = افسردگی)، صراحت جنسی (فیلم‌های آبی) و طبقه و رده (collar – blue = کارگر ساده، و blue-blooded = اشراف‌زاده)

**▲ ساده‌لوحی**

در اسکندینیای، اشاره به شخص «چشم آبی» به این معناست که او ساده‌لوح یا زودبایور است. به همان ترتیب در ژاپن، «آبی» حاکی از ساده‌لوحی یا بی‌تجربگی است و به صورتی مشابه، در غرب هم، «سبز» همین معنا را دارد.

**▲ آرامش**

آبی رنگی سرد است که با آب ارتباط دارد و موجب آرامش و تأمل در مورد ثبات قدم و توانمندی است.

**▲ الوهیت**

آبی اغلب نماد الوهیت است. خدای آمون در مصر باستان اغلب آبی تصویر می‌شود و همچنین خدایان هندو و بودایی آبی رنگ هستند.

**▲ پاکی**

در هنر مرسوم و رایج است که ردهای آبی فرشتگان نمادی از خردمندی الهی است در صورتی که جامه آبی مریم باکره نمادی از پاکی است. در هنر کاتولیک رومی، آبی نشانگر تواضع است و در مصر باستان، آبی رنگ حقیقت بود.

همچنین ببینید:

- 1.Mars
- 2.Nergal
- 3.Ares
- 4.Akshobhya

خدایان مصری صص ۱۳۸-۱۳۹
 خدایان رومی و یونانی صص ۱۴۰-۱۴۱
 دین بودایی صص ۱۶۴-۱۶۹
 مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹



بنفش و ارغوانی

به خاطر هزینه و قیمت رنگ اصلی آن، ردهای ارغوانی مختص اغنیا بودند. بنابراین از قدیم در بسیاری از فرهنگ‌ها، ارغوانی نمادی از تحمل، تمول و قدرت بود. همچنین ارغوانی به خاطر حد وسط بودن بین شور و اشتیاق قرمز و عقل آبی، نمادی از میانه‌روی و عمل حساب شده است.



▲ قدرت کشیشان

در کلیسای کاتولیک رومی، بنفش در طول ایام لنت (آجله روزه) و آدونت (ظهور مجدد مسیح) و برای ردهای کشیشان و پارچه پردهای کلیسا به کار می‌رود و نمادی از مرگ مسیح و رستاخیز است. در اروپا، بنفش زمانی رنگ «نیمروز» بود.

▶ قدرت امپراتوری

رنگ ارغوانی صوری که به نام ارغوانی «امپراتوری» شناخته می‌شد. گران‌تر از طلا بود و نمادی از مقام امپراتوری روم در نظر گرفته می‌شد. در اروپای قرون وسطی، رنگ‌های آبی گران بودند و سایه آبی‌تر «ارغوانی سلطنتی» نمادپردازی برابری را کسب می‌کرد.



صورتی

صورتی در فرهنگ غربی، به صورت سنتی نماد زنانگی (همانند روبان صورتی در پایین و چپ) و شهوت‌انگیزی است. دخترچه‌ها به صورت سنتی در غرب، صورتی می‌پوشند. ارتباط رنگ صورتی با جنبش همجنس‌خواهی در طول جنگ جهانی دوم به ظهور رسید از زمانی که نازی‌ها، همجنس‌خواهان را وادار می‌کردند تا از مثلث‌های صورتی استفاده کنند، ولی حالا صورتی به عنوان مشخصه نمادین گروه «غرور همجنس‌خواهی» است. «پول یا پوند صورتی» اشاره به همجنس‌خواهان به عنوان گروه مصرف‌کننده دارد. (قدرت خرید جامعه همجنس‌خواه را توصیف می‌کند)



▲ روبان صورتی

رنگ صورتی رسماً مشخصه فعالیت‌های آگاهی‌دهنده در مورد سرطان سینه است.



▲ غرور همجنس‌خواهی

مردان در رالی غرور همجنس‌خواهی، در نمایشی پرزرق و برق از همبستگی و اتحاد، از رنگ صورتی استفاده می‌کنند!



▲ فروتنی

نمادپردازی گل بنفش از افراط (در عیاشی‌های دیونیسوسی استفاده می‌شد) به فروتنی (همان‌گونه که در مورد آدم خجالتی گفته می‌شود) (Shrinking violet) تغییر کرده است. بنفش روشن نمادی از بیگناهی و بنفش آبی نمادی از وفاداری و پایبندی است.

سیاه و خاکستری

چون سیاه را غیبت نور یا رنگ در نظر می‌گیرند گاهی آن را خنثی یا بی‌اثر می‌دانند اما اغلب، بیشتر نمادی از شیطان (نیروهای «تاریکی») و پنهان‌کاری است. سیاه همچنین نشانگر دنیای زیرین است همراه با ارتباطاتش با تاسف، بدشانسی و مرگ. خاکستری اغلب نمادی از اندوه، گمنامی، یا دولتی است اما به عنوان حد وسط بین سیاه و سفید، رنگ مراقبه هم هست.



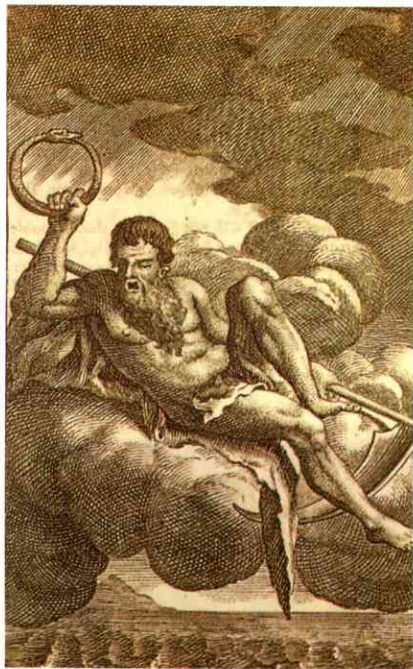
▲ سوگواری

سیاه پوشیدن به عنوان نمادی از سوگواری، رسمی است که تاریخ آن به هزاران سال پیش برمی‌گردد. مشهور است که ملکه ویکتوریا در سال ۱۸۶۱ پس از مرگ همسرش، ۴۰ سال سیاه پوشید.



▲ شیطان

سیاه نمادی از فناپذیری است (همانند ردهای کشیشی) اما اغلب بیشتر نمادی از شیطان است (همان‌گونه که در «جادو و جنل» است) در فرهنگ اروپایی، کلاغ سیاه بیشتر از گنجینه‌های مرگ است.

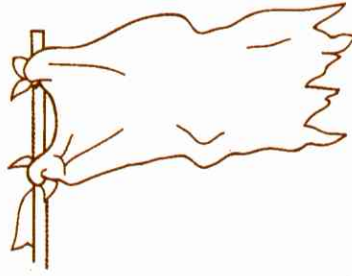


▲ پیری و مرگ

در ستاره‌شناسی، سیاه نماد سیاره زحل و نام خدای رومی ساتورن (یا کرئوس یونانی) است که او با زمان، سن پیری و مرگ ارتباط دارد.

**▲ ترسویی و صلح**

در بریتانیا و امپراتوری انگلستان سابق، یک پر سفید نمادی از ترسویی بود. نقل شده که خروس‌های جنگی با دمی یا پر سفید، جنگجویان ضعیفی هستند. برخی از سازمان‌های صلح‌طلب، آن را به عنوان نماد صلح اختیار کرده‌اند.

**▲ تسلیم**

استفاده از پرچم سفید به عنوان نماد تسلیم به قرن اول میلادی در چین باستان برمی گردد. استفاده از آن، اکنون در موافقت‌نامه ژنو گنجانده شده و سوءاستفاده از این مطلب، جرم جنگی محسوب می‌شود.

**▲ بیگناهی و پاکی**

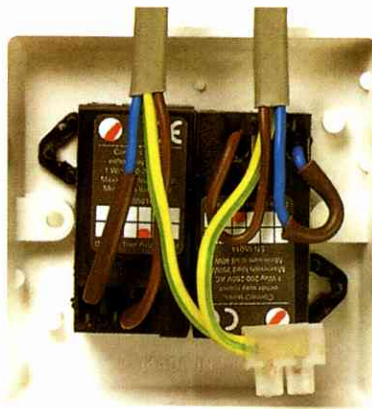
عروس‌ها در دنیای غرب به عنوان نمادی از بیگناهی و پاکی، لباس سفید می‌پوشند همانند کسانی که غسل تعمید را انجام می‌دهند یا اولین غشاء ربانی را بجا می‌آورند. همراه با این تداعی که سوسن سفید نماد پاکی و مریم باکره است.

▲ تقدس

در بسیاری از فرهنگ‌ها، سفید نشانگر تقدس و قداست است. به همین دلیل درون‌های سلتی (در بالا) ردهای سفید می‌پوشند. حیوانات مقدس اغلب سفید هستند و در کلیسای کاتولیک رومی، سفید در جشن‌های عیسی مسیح استفاده می‌شود.

**رمزهای رنگی**

رمزگذاری رنگی، یکی از راه‌هایی است که نمادپردازی رنگ را به زندگی روزانه وارد می‌سازد. به صورتی جهانی، سبز برای نشان دادن امنیت یا «رفتن» به کار می‌رود، در صورتی که قرمز نشانگر خطر یا «ایست» است. زرد یا زرد کهربایی نشان‌دهنده خطرات بالقوه و نهفته است. رمزگذاری رنگی برای کاربردهای صنعتی و ورزشی هم استفاده می‌شود.



سیم‌کشی الکتریکی (در اروپا، قهوه‌ای = زندگی، آبی = خنثی، سبز + زرد = زمین)



رمزهای کیسول آتش‌نشانی
(در اروپا، قرمز = آب، زرد = کف، سیاه = دی‌اکسید کربن، آبی = پودر)

**همچنین ببینید:**

برندگان صص ۵۸-۶۱

نیلوفر آبی صص ۸۶-۸۷

عشق و ازدواج صص ۱۲۵-۱۲۷

مرگ و سوگواری صص ۱۲۸-۱۳۱



شکل‌ها

مکتوب ناشناخته است. شکل‌های اصلی شامل دایره، مربع و سه‌گوش است و به صورت نمادین در همه فرهنگ‌ها استفاده می‌شوند و بسیاری از شکل‌های دیگر ابداع شده‌اند که معانی نمادین اختصاصی دارند.

شکل‌هایی همچون بلوک‌های ساختمانی که در هر چیزی دیده می‌شوند، می‌توانند به میزان زیادی نمادین باشند. از زمان‌های بسیار قدیم، شکل‌ها به کار رفته‌اند تا به مراتب معنایی اشاره داشته باشند که نمی‌توان به سادگی، آن فضاها را به طرق دیگر نشان داد، به خصوص در زمانی که زبان

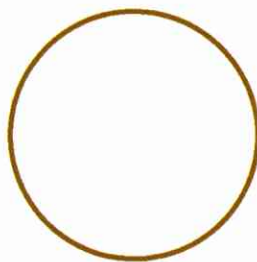
دایره و کره

دایره و کره در بیشتر نمادپردازی‌هایشان شراکت دارند به این عنوان که دو و سه بعد تصورات و ایده‌آل‌هایی مشابه را نشان می‌دهند. دایره نمادی معمول برای خداوند است. بیشتر ادیان، آن را با کره آسمانی و حرکات ستارگان و سیارات برابر می‌دانند. دایره از نظر هندوان و بودائیان نشانگر تولد، مرگ و تولد مجدد است. از نظر بودائیان، همچنین نشانگر چرخ شریعت است.



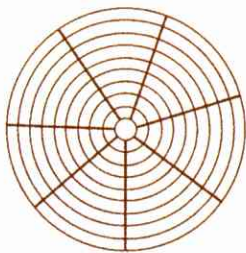
▲ شو^۱

شو مشخصه تائویست‌ها برای عمر طولانی است که اغلب به عنوان نمادی گرد تصویر می‌شود. در چین، گاهی با نمادهای دیگری راجع به طول عمر همراه می‌شود و زمانی که با هلو جفت می‌شود نمادی از ازدواجی شاد و طولانی است.



▲ دایره

نداشتن آغاز و فرجام، دایره را نماد جهانی تمامیت، سرمدیت و کمال می‌سازد. دایره نشانگر اصول زنانه و مردانه است و می‌تواند اشاره به خداوند داشته باشد. یا آب‌ها که کره زمین را دور می‌زنند یا نشانگر چرخه‌های زندگی است.



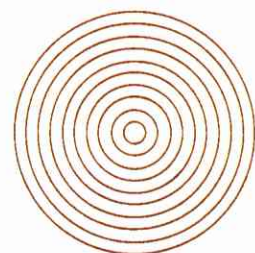
▲ دایره‌های جهنم دانه

شاعر ایتالیایی دانه، جهنم مسیحی را به مانند نه دایره به هم مرتبط در نظر می‌گرفت. هر دایره به دسته‌ای از گنهکاران اختصاص داشت. از مشرکان و تعمیدشدگان در اولین دایره تا خائنان که در نهمین دایره در مرکز قرار دارند.



▲ دایره‌های ذن

از نظر بودائیان ذن، دایره‌های متحدالمرکز نمادی از گام‌های مختلف به سوی کمال درونی است و هماهنگ‌سازی روح به عنوان پیشرفتی برای از یک مرحله به مرحله دیگر رفتن است.



▲ دایره‌های متحدالمرکز

دایره‌های متحدالمرکز نمادی از نظم و ترتیب در آفرینش است. بومیان استرالیا از دایره‌های متحدالمرکز در رویاپردازی‌ها استفاده می‌کنند تا آب‌های آرام یا اردوگاه را نشان دهند.



▲ حلقه

حلقه‌ها نمادی از ماهیت الزامی یک پیمان، نظیر قول ازدواج هستند. آنها به صورت سنتی به عنوان نماد عشق به کار می‌روند و گاهی نماد قدرت و اقتدار هستند. یک حلقه می‌تواند نشانگر حفاظت در برابر نیروهای مخرب هم باشد.



▲ استون هنج

استون هنج شاهی است بر این مطلب که دایره نمادی مهم در بریتانیای پیشا تاریخی بوده، اما کارکرد آن نامشخص است. شاید مکان عبادت، یا ساعتی منجمانه یا زیارتگاهی برای خدای خورشید و مادر زمین بوده باشد.



▲ میزگرد

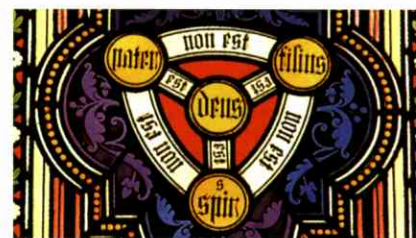
میزگرد افسانه آرتور، نمادی از برابری است که هیچ شوالیه‌ای قادر نیست ادعا کند به خاطر جایش بر سر میز. حق تقدم دارد. چنین نمادپردازی مشابهی در مفهوم میزهای گرد کنفرانس‌ها در قرن بیست و یکم به کار می‌رود.



◀ **گنبد کلیسای جامع قدیس پولس**
کره‌ها نمادی از آسمان هستند و در معماری به وسیله سقف‌های گنبدین مساجد، کلیساهای بیزانسی و برخی از کلیساهای رنسانسی نشان داده می‌شوند. در قاعده و در پایین این گنبدها، ساختمانی به شکل مکعب قرار دارد که نشانگر کره زمین است.

**کره**

در نمادپردازی با دایره سهیم است. کره معمولاً نشانگر آسمان و یا جهان معنوی است. دایره آسمان را به عنوان مجموعه‌ای از کرات متحدالمرکز توصیف کرده است بر مبنای جهانی که زمین در مرکز آن است.

**حفاظ تثلیث**

سه حلقه بیرونی یا Scutum fidei (حفاظ تثلیث)، نمادی از تثلیث مسیحی پدر و پسر و روح القدس است. هر یک از آنها به دایره‌ای چهارم در مرکز متصل می‌شوند که نمادی از خداوند به عنوان سه در یک است.

**رقص‌های چرخان**

در رقص‌های چرخشی، درویش‌های چرخنده به صورت نمادین، سلوکی صعودی و چرخشی را به سوی درک الوهیت انجام می‌دهند. رقص‌های چرخشی نظیر این مورد، منعکس‌کننده حرکات سیارات هم هست.

**حلزونی**

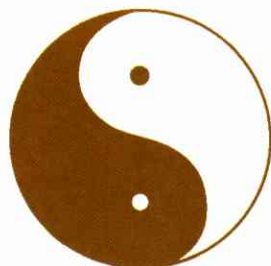
حلزونی نمادی کهن از انرژی و نیرو (که تصور می‌شد در بیجش‌ها جاری می‌شود) و از طنین زندگی است. حلزونی از نظر مایاها، نماد انقلاب زمستانی و دوره سالانه جدید است و برای پلی‌زیایی‌ها نمادی از فناپذیری است.

حلزونی و مارپیچی

حلزونی به صورت واضحی هم در شکل و هم در نمادپردازی با شکل مارپیچی ارتباط دارد و اغلب با آن اشتباه گرفته می‌شود. این شکل‌ها معانی پیچیده‌ای دارند. مهمتر از همه این است که آنها با نیروهای قدرتمندی نظیر گردش زمین، گردبادها و گرداب‌ها ارتباط دارند. در بیشتر فرهنگ‌ها، مارپیچی به عنوان شکلی زنانه است.

**به تلاطم در آمدن اقیانوس شیری**

در این اسطوره هندی، یک مارپیچی، تفکیک‌پذیری اضداد را نمادپردازی می‌کند. افعی واسوکی به دوره کوه ماندارا^۱ می‌پیچد، سپس دوه‌ها (خدایان) و اسورها (دیوان) افعی را به عنوان یک ریسمان به کار می‌گیرند تا کوه را بچرخانند و اقیانوس را متلاطم سازند به این منظور که اکسیر فناپذیری و سایر عجایب را به دست آورند.

**دایره تای چی^۲**

این شکل دوگانه نمادی از ارتباط بین و یانگ است که در فلسفه تائویی از کان مستقلی هستند که با هم یک کل متوازن را ایجاد می‌کنند. این دایره نمادی از زندگی و نشانگر تفکیک اضداد است.

**نماد باروری مادر زمین**

در پیکره‌هایی یافت می‌شود که به دوران سنگی برمی‌گردد. حلزونی به مدت طولانی نمادی از باروری، هم به صورت مستقل و هم از طریق پیوندهای نمادینش با چرخه‌های ماه و دیگر نمادهای باروری نظیر شاخ مارپیچی بوده است.

**مارپیچی**

بیشتر نمادپردازی مارپیچی با حلزونی خورشیدی کهنی است که توسط برخی از مسیحیان انتخاب شده تا تثلیث مقدس را نمادپردازی کند. همچنین به وسیله برخی از یهودیان و مسلمانان برای بیان مفاهیم علمی و فلسفی استفاده می‌شود.

حلزونی سه گانه

سه گانه سلنی (حلزونی سلنی) نماد خورشیدی کهنی است که توسط برخی از مسیحیان انتخاب شده تا تثلیث مقدس را نمادپردازی کند. همچنین به وسیله برخی از یهودیان و مسلمانان برای بیان مفاهیم علمی و فلسفی استفاده می‌شود.

حلزونی دوگانه

شبهه به دایره تای‌چی، این نماد نشانگر وابستگی متقابل اضداد است نظیر تولد و مرگ (یا تولد و «تولد مجدد» که یک آغاز را نشان می‌دهد) و مرد و زن.

همچنین ببینید:

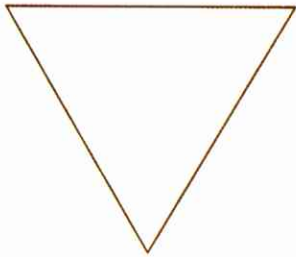
- عشق و ازدواج صص ۱۲۷-۱۲۶
- بودیسم صص ۱۶۹-۱۶۴
- تائوئیسم و شینتو صص ۱۷۱-۱۷۰
- جام مقدس صص ۲۰۹-۲۰۸
- مکان‌های مقدس صص ۲۳۲-۲۳۳

- 1- Shou
- 2- Ta'i chi
- 3- Vasuki
- 4- Mandara



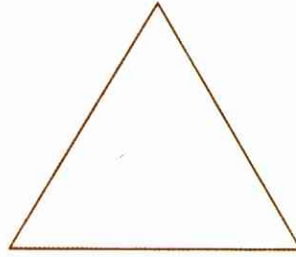
سه‌گوش و هرم

نمادپردازی سه‌گوش با عدد سه سهیم است که نشانگر آغاز، میانه و پایان است. در برخی از فرهنگ‌ها از بابل‌ها و مصریان باستان تا مسیحیان جدید و هندوان، سه‌گوش با سه خداوند ارتباط دارد. همچنین نمادی از سه‌گانه‌های دیگری نظیر جسم، روح و روان، یا مرد، زن و بچه است.



▲ سه‌گوش متساوی‌الاضلاع رو به پایین

این سه‌گوش نمادی از زن است. در بسیاری از فرهنگ‌های سنتی، در روم، یونان و هند باستان، نشانگر محدوده شرمگاهی زنانه است (که سه‌گوش می‌باشد) همچنین نشانگر عنصر آب است.



▲ سه‌گوش متساوی‌الاضلاع رو به بالا

در بسیاری از فرهنگ‌های کهن، این شکل نمادی از اندام مردانه و عنصر آتش است. این مثلث برای هیتی‌ها نشانگر شفابخشی، برای مایاها نشانگر خورشید (به وسیله بسط دادن به باروری) و در هنر دهکده سرخپوستی نشانگر کوه مقدس است.



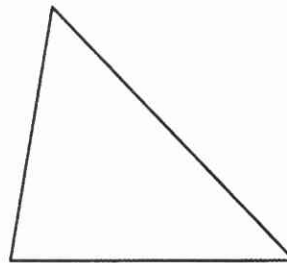
▲ مثلث فراماسونری

قاعده مثلث فراماسونری نمادی از دوام است و اضلاع کناره نمادی از نور و تاریکی هستند. شکل مثلث نمادی از پیشرفت معنوی و آرمان‌هایی نظیر ایمان، امید و محبت است.



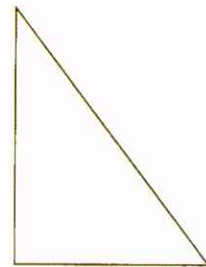
▲ سه‌گوش متساوی‌الساقین

در سه‌گوش متساوی‌الساقین، دو ضلع و دو زاویه با هم برابرند. در نمادپردازی فراماسونری، این گونه از سه‌گوش نشانگر عنصر آتش است.



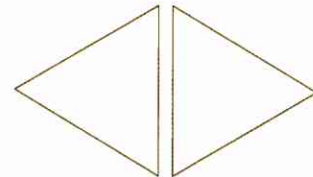
▲ سه‌گوش مختلف‌الاضلاع

در نمادپردازی فراماسونری، سه‌گوش مختلف‌الاضلاع که در آن اندازه زوایا و اضلاع با هم متفاوت است، نشانگر هواست.



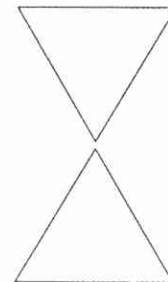
▲ سه‌گوش با زاویه راست

در فرهنگ‌هایی که سه‌گوش متساوی‌الاضلاع نمادی از خداوند است، سه‌گوشی با زاویه راست که دو ضلع آن با هم مساوی است، نشانگر بشریت و در بعضی موارد کره زمین است. این علامت در نمادپردازی فراماسونری نشانگر آب است.



▲ مثلث‌های قاعده به قاعده

در برخی فرهنگ‌ها، مثلث‌هایی که قاعده به قاعده قرار می‌گیرند نمادی از رو به بدر رفتن و رو به هلال رفتن ماه است.

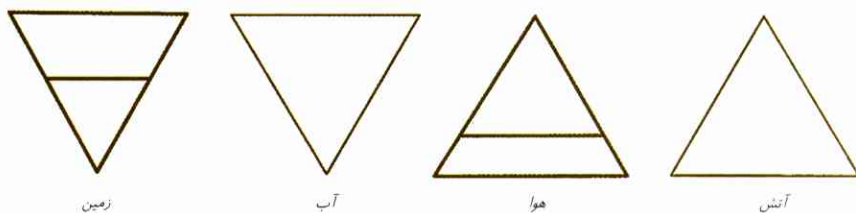


▲ مثلث‌های رأس به رأس

مثلث‌های رأس به رأس نشانگر مرد و زن، تماس آسمان با زمین هستند. در هند نشانگر طبل دو سویه شیوا یا دامارو است که شبیه به ساعت شنی بوده و صدای آن آغاز رقص آفرینش را نشان می‌دهد.

▲ هرم

قاعده چهارگوش هرم نمادی از زمین است در صورتی که رأس آن نشانگر آسمان است. هرم‌ها علاوه بر این که اتاقک‌های دفن فرعون‌های مصری هستند در مکان‌های دینی چند فرهنگ باستانی دیگر نیز ظاهر می‌شوند.



زمین

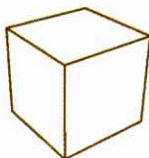
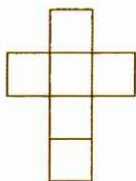
آب

هوا

آتش

سه گوش‌ها و کیمیاگری

چهار عنصر به وسیله مثلث‌های متساوی‌الاضلاع نشان داده می‌شوند. مثلی رو به بالا نمادی از آتش است. مثلث رو به بالا با خطی افقی، نشانگر هواست (چون آتش از هوا برمی‌خیزد) مثلی رو به پایین نماد آب است و مثلی رو به پایین با یک خط در آن، نماد زمین است (آب بر زمین جاری است). هر چهار نماد با هم در ستاره‌ای شش پر ترکیب می‌شوند که نماد کیمیاگری قدرتمندی است.

مربع و مکعب**صلیب مخفی**

مکعب، همچنین نماد مسیحی نهفته است که وقتی مکعب باز می‌شود شکل یک صلیب لاتین یا صلیب عیسی مصلوب را به وجود می‌آورد. صلیبی با شش مربع مساوی، طرح نقشه کف بسیاری از کلیساهای مسیحی را شکل می‌دهد.

مکعب

مکعب نمادی از جهان مادی است که خردمندی، حقیقت و پایداری اخلاقی را نشان می‌دهد. به عنوان نمادی اسلامی، کعبه مکه‌ای شکل، نشانگر اتحاد مردم و یگانگی خداوند است.

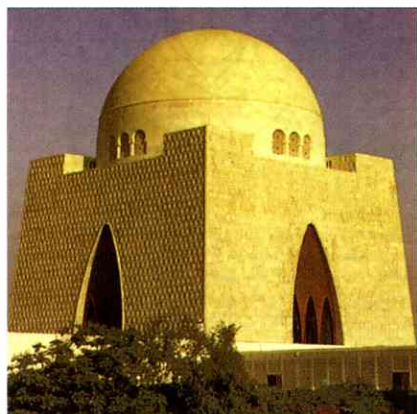
هاله مربعی

برخی تمثال‌های مسیحی، چهره‌هایی را با هاله مربعی نشان می‌دهند. این امر، این واقعیت را نمادپردازی می‌کند که شخص در زمانی که تصویرش نقاشی شده زنده و خاک‌ری بوده چون مربع به معنای کره زمین است.

مربع

در کیهان‌شناسی بسیاری از فرهنگ‌ها، مربع نشانگر کره زمین و چهار جهت است. در تفکر اسلامی، مربع نشانگر قلب است که به روی چهار عامل موثر باز است: الوهیت، فرشته، انسان و شیطان.

همان‌گونه که دایره با کره ارتباط دارد، مربع هم با مکعب در بیشتر نمادپردازی‌هایش سهیم است، چون نشانگر دو یا سه بعد از تصورات و آرمان‌هایی مشابه است. مربع و مکعب در تقابیل با حرکت که به وسیله دایره بیان می‌شود و پویایی سه گوش، نمادی از توقف یا مکث است. این امر همیشه کیفیتی منفی نیست و می‌تواند بیانگر کمال ماندنی و پایداری و استحکام باشد.

**مکعب در معماری**

در معماری اسلامی، ازدواج مکعب که نماد دنیای مادی است با کره که نمادی از معنویت است، می‌تواند در قاعده چهارضلعی و سقف گنبدی مسجد و در قبور اولیا مسلمان دیده شود.

**حیات گوشه‌نشینی**

مربع از دوران قرون وسطی، به عنوان نمادی از پایداری و استحکام در شکل معماری، در طرح‌های مختلف دیده می‌شود. در معماری عمومی و حیات گوشه‌نشینی به کار می‌رفت.

همچنین ببینید:

- دین هندویی صص ۱۶۳-۱۵۸
- مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶
- اسلام صص ۱۸۳-۱۸۰
- کیمیاگری صص ۲۱۱-۲۱۰
- فراماسونری صص ۲۶۱-۲۶۰



ستارگان

معمولا ستارگان نمادی از خردمندی و هدایت معنوی هستند. نور ستاره استعاره‌ای برای نور خردمندی است که از طریق تاریکی غفلت می‌درخشد یا نور اصول اخلاقی است که از تاریکی گناه می‌درخشد. در برخی فرهنگ‌ها، ستارگان با تقدیر پیوند قدرتمندی دارند. علاوه بر این بسیاری از شکل‌های ستاره‌ای منفرد و خاص، نمادپردازی خاص خود را دارند.



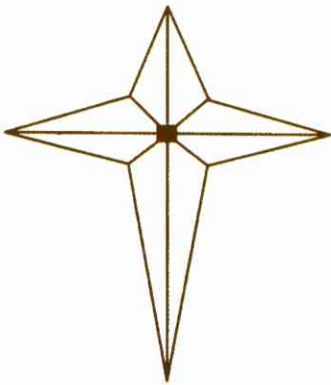
▲ ستاره نشان در امپراتوری بریتانیا

نشان بریتانیایی شوالیه‌گری ستاره‌ای در علامت خود دارد که نمادی از شهرت و شایستگی عضو آن گروه است. ستاره تصویر شده مربوط به فرمانده شوالیه (KBE) یا فرمانده دیم (DBE). (لقبی افتخاری که از طرف ملکه یا پادشاه انگلستان به خانمی داده می‌شود) است که عالی‌ترین نشان امپراتوری بریتانیاست.



▲ ستاره‌های آسمان

در بسیاری از فرهنگ‌ها، ستارگان نشانگر خدایان یا چهره‌های اسطوره‌شناسانه‌ای هستند که ممکن است بر افرادی که تحت نشانه و علامت این ستاره‌ها به دنیا آمده‌اند، تأثیر بگذارند. در فرهنگ‌های دیگر، ستارگان، مرگ را نمادپردازی می‌کنند. از نظر برخی، ستاره صبحگاهی (زهره) نمادی از اصل زندگی است.



▲ ستاره بیت‌الحجم

این ستاره چهار پر، نمادی از تولد عیسی است که عهد جدید داستان میلاد مسیح را بازگو می‌کند. در این داستان، این ستاره سه مرد حکیم را به سوی بیت‌الحجم هدایت می‌کند تا مسیح تازه متولد شده را ستایش کنند.



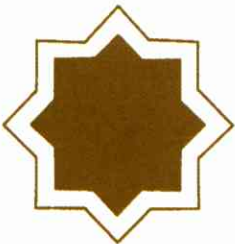
▲ ستاره‌های تایید

ستاره به مدتی طولانی، نمادی از ممتاز بودن بوده است. در حرفه‌های هتل و رستوران، «میزان ستاره» از یک تا سه ستاره «خیلی خوب»، «عالی» و «استثنایی» به وسیله کتاب‌های راهنمای میشلن^۱ (کتاب راهنمای قرمز رنگی که در فرانسه منتشر می‌شود و به ارزیابی کیفیت غذای رستوران‌ها و نشاندار کردن آنها با ستاره پرداخته است، برای اولین بار از سال ۱۹۰۰ انجام شد.



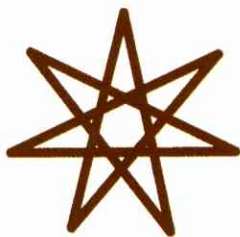
▲ قدیسان و ستاره‌ها

هنر مسیحی، به صورت سنتی، تعدادی از قدیسان را با ستاره تصویر می‌کند نظیر قدیس دومینیک^۲ که او در طراحی‌ها، نقاشی‌ها و مجسمه‌سازی با ستاره‌ای ظاهر می‌شود. سایر قدیسان ستاره‌دار شامل قدیس هامبرت^۳ (راهب فرانسیوی و قدیس قرن هفتم) و قدیس پیتر اهل الکانتارا^۴ (قدیس اسپانیایی از فرقه فرانسیسیان) هستند.



▲ ستاره لکشمی

در دین هندو، ستاره هشت پر نمادی از اشتالکشمی^۵ است که گروهی متشکل از هشت ایزد بانوست که آنها با هم نشانگر هشت صورت لکشمی هستند که ایزدانوی فراوانی است. (از حیث شفابخشی، معرفت، توانمندی و سعادت و رفاه)



▲ ستاره هفت پر یا هپتاگرام

بیشتر نمادپردازی‌های ستاره هفت پر با عدد هفت مشترک است. از نظر مشرکان، این ستاره نمادی جادویی است. از نظر مسیحیان، هفت روز آفرینش را نمادپردازی می‌کند و از نظر بوداییان نشانگر هفت مرحله تا روشن شدگی است.



▲ ستاره شش پر یا هگزاگرام

یک ستاره شش پر از دو مثلث متساوی‌الاضلاع به وجود آمده که در یکدیگر ادغام شده‌اند. این ستاره به خودی خود، در دین هندو نشانگر پیوستن زن و مرد است و در کیمیاگری نشان دهنده تلفیق چهار عنصر و به عنوان ستاره داوود، نماد یهودیت است.

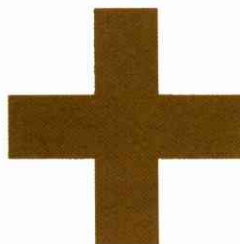


▲ ستاره پنج پر یا پنتاگرام

ستاره پنج پر با یک زاویه به سوی بالا، نمادی از انسان جهانی است. گوشه‌های آن نشانگر سر او، بازوایش و پاهایش هستند. وقتی این ستاره معکوس شود، نمادی از شیطان است که دو گوشه بالایی، نشانگر شاخ‌های شیطان می‌شود.

**▲ کیک صلیبی داغ**

نقل شده که صلیب، نمادی از عیسی مصلوب است. مسیحیان به صورت سنتی در جمعه مقدس (جمعه پیش از عید پاک)، کیک‌هایی را می‌خورند که با صلیبی علامتدار شده‌اند. این کیک‌ها به وسیله کافران ساکسون هم در احترام به ایزدبانوی ایستر خورده می‌شد که او نامش را به ایستر (عید پاک) داده است.

**▲ صلیب یونانی یا اصلی**

در غرب، صلیبی با بازوهای برابر، نمادی از چهار عنصر بود و در شرق نمادی از چهار باد یا چهار جهت اصلی. شکلی مشابه یعنی ویشوه وجره* نمادی از قدرت تعالیم بوداست.

صلیب

اگرچه در دنیای جدید، به عنوان نماد مسیحی، به خوبی شناخته شده، اما از نظر زمانی، بسیار مقدم بر مسیحیت بوده است. برای اقوام نوسنگی، صلیبی در یک دایره، نشانگر خورشید بود و بعدها صلیب برای ازتک‌ها و مصریان باستان، مقدس شد. عموماً بیشتر نمادپردازی‌های صلیب با مربع یا مکعب و یا با عدد چهار اشتراک دارد.

**▲ صلیب شکسته (سواستیکا)***

همچنین تحت عنوان فیلفوت^۱ و گامادیون^۲ شناخته می‌شود و نمادی از خورشید، جهت اصلی، بادهای چهارگانه و چهار عنصر، آذرخش، چکش خدای تور، بودا و مشهورترین آن گروه نازی هیتلر است.

**▲ صلیب لاتینی**

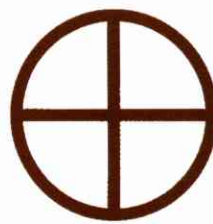
صلیب لاتینی برای نمادینه کردن مسیحیت به کار رفته، اما این صلیب در شرق‌های دست‌ساز دیده شده که مدت‌ها بر دوره مسیحی مقدم بوده و مسیحیان آن را به صورت گسترده تا قرن سوم میلادی اختیار نکرده بودند.

**▲ صلیب تاتو^۳**

اسم این صلیب از حرف یونانی T است و نمادی از رستگاری و نجات است. این صلیب برای علامتگذاری اقوام اسرائیلی بود که از قتل‌عام در امان مانده بودند. همچنین نمادی از خدای رومی میترا و خدای یونانی آتیس و قدیس آنتونی از مصر بود.

**▲ عنخ**

یک هیروگلیف یا خط تصویری مصر باستان (احتمالاً ترکیبی از صلیب tau اوزیریس و بیضی ایزیس) که نمادی از زندگی است. عنخ، بعدها به وسیله مسیحیان قبطی با عنوان ansafe و (صلیبی یا CRUX) اختیار شد.

**▲ صلیب خورشیدی**

به عنوان صلیب چرخي هم شناخته می‌شود. این نماد کهن در هنر پیشاتاریخی سراسر دنیا ظاهر می‌شود و نمادی از بازگشت خورشید و چرخه فصول است. در طول زمان «چرخ» طوفه خود را از دست داده است و یک صلیب اصلی شده است.

**▲ صلیب مالتی**

بسیاری از مدال‌ها به شکل صلیب مالتی هستند. این مدال‌ها شامل صلیب ویکتوریا (در بالا) می‌شود که بالاترین نشان افتخار نظامی در بریتانیا است. صلیب مالتی از زمان جنگ‌های صلیبی، نمادی از شجاعت و فضیلت مسیحی است.

**▲ هلال‌های درهم پیچیده**

نماد دیگری که گاهی برای نشان دادن ایزدبانوی سه‌گانه (راست را ببینید) به کار می‌رفت و از هلال‌های سه‌گانه ساخته شده. این نماد همچنین علامت معشوقه فرانسوی قرن شانزدهم یعنی دیانه بویتیر^{۱۱} را شکل می‌داد.

**▲ ایزدبانوی سه‌گانه**

بسیاری از اسطوره‌شناسی‌های کهن، ایزدبانوی سه‌گانه یا ایزدبانویی با سه وجه را توصیف کرده‌اند. نمادهایی برای چنین ایزدبانویی در بالا نشان داده شده که ماه کامل، ماه در حال بدر شدن، و ماه در حال هلال شدن است.

**▲ هلال ماه**

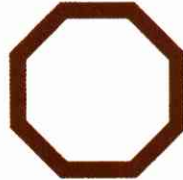
هلال به عنوان نمادی از قدرت به دوران سومری و بابلی برمی‌گردد. در امپراتوری عثمانی و ایران به کار می‌رفت و به وسیله کشورهای مسلمان اختیار شد. بعدها علامت مشخصه خود اسلام شد.

هلال ماه و چند ضلعی

درست همان گونه که صلیب منحصرأ نمادی مسیحی نیست، همین‌طور هلال هم منحصرأ اسلامی نیست. هلال نماد ایزدبانوی رومی دیانا، یا زن به طور کلی است و جالب این که نماد پاکدامنی و تولد است. هلال در نجوم و طالع بینی، نماد دقیقی از ماه است و در کیمیاگری نماد نقره است، یعنی فلزی که با ماه ارتباط دارد.

**▲ شکل بادامی**

گاهی این شکل بادامی در هنر مسیحی ظاهر می‌شود در حالی که به عنوان هاله‌ای که مسیح را و به ندرت مریم بازگه را احاطه کرده است، دیده می‌شود. شکل بادامی تعامل عوالم مادی و روحانی را نمادپردازی می‌کند.

**▲ هشت ضلعی**

در نمادپردازی مسیحی در مورد قدیس آمبروز^{۱۲} هشت ضلعی، همتای شش ضلعی است (در راست) و نشانگر رستاخیز است. سنگاب غسل تعمید، اغلب هشت ستون دارد که نمادی از بازگشت به زندگی است. هشت ضلعی نماد مرگ در اثر گناه است.

**▲ شش ضلعی**

در مسیحیت، شش ضلعی نماد مرگ است. در اسلام نماد آسمان و همچنین شش وضعیت ماده است (بالا، پایین، جلو، عقب، چپ و راست) و شش جهت حرکت (بالا، پایین، به سمت جلو، به سمت عقب، چپ و راست).

1 - St. dominic
2- Humbert
3- Peter of Alcantara
4- Michelin
5- Ashtalakshmi
6- Visvavajra
7- Tau
8- Swastika
9- Fylfot
10- Gammadiion
11- Diane poitiers
12- St. ambrose

همچنین ببینید:

آسمان شب صص ۳۳-۳۰
خدایان مصری صص ۱۳۹-۱۳۸
دین هندو صص ۱۶۳-۱۵۸
دین بودایی صص ۱۶۹-۱۶۴
پهودیت صص ۱۷۳-۱۷۲
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶
کیمیاگری صص ۲۱۱-۲۱۰



الگوها

قرون وسطی، حلزونی‌ها و هزارتوها، نمادی از جستجوی مسیر حقیقی به سوی خداوند بودند که همراه با موانعی می‌شدند که بایستی بر آنها غلبه می‌شد و گزینش‌های اخلاقی که باید در طول مسیر صورت می‌گرفت.

بسیاری از الگوها به عنوان نمادهای جهانی در نظر گرفته می‌شوند. چنین الگوهایی ممکن است بر هر چیزی از سکه‌ها تا ساختمان‌ها دیده شوند و به جای این‌که پدیده‌ای خارجی باشند، اغلب نمادی از وضعیت درونی انسان هستند. برای مثال ینتره و مندله نشانگر جستجوی آرامش درونی است. در

حلزونی و هزارتو

یک هزارتو به معنای واقعی کلمه، شامل راه‌های بسیاری است که فقط یکی به مرکز می‌رسد، (چند مسیره) در صورتی که حلزونی فقط یک مسیر دارد که همیشه به مرکز می‌رسد. (تک مسیره) هزارتوها و حلزونی‌های قدیمی به عنوان دام‌هایی برای ارواح شریر ابداع شدند، در صورتی که در قرون وسطی نشانگر زیارت‌های نمادین بودند.



▲ حلزونی کنوسوس

سکه‌ای از نقره از قرن سوم پیش از میلاد که حلزونی شهر کنوسوس در جزیره کرت را نشان می‌دهد که براساس اسطوره مینوتاورا که نیمه انسان، نیمه گاو بود، در آن زندانی شده بود.



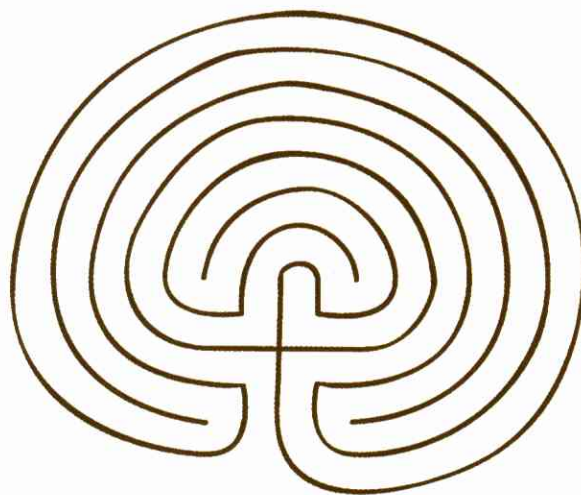
▲ حلزونی قرون وسطی

به نظر می‌رسد که حلزونی‌ها در طول قرون وسطی به اوج کمال رسیده‌اند. الگوی چنین حلزونی‌هایی بر مبنای دوایر متحدالمرکز است.



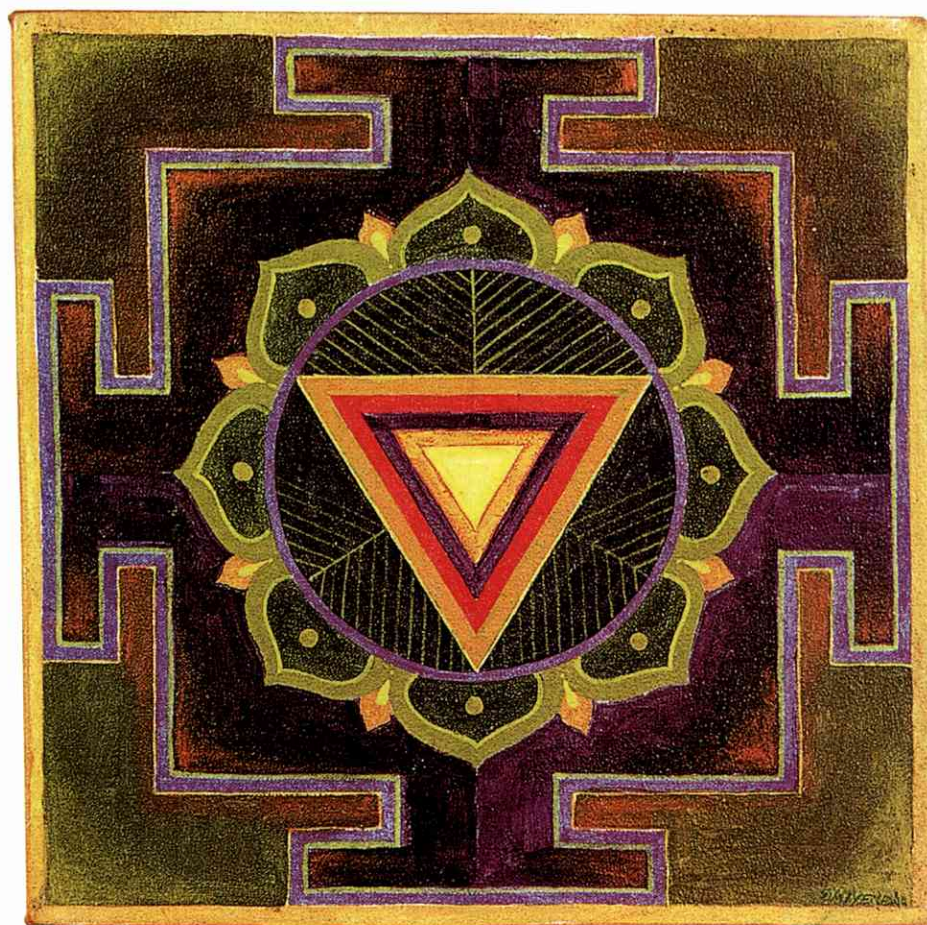
▲ هزارتوی تزئینی

امروزه اهمیت دینی هزارتوها و حلزونی‌ها به میزان زیادی از بین رفته است و بیشتر شبیه به این هزارتوی پرچینی، برای تفریح و سرگرمی یا به عنوان نمونه‌هایی از هنر باغی به کار می‌رود.



▲ حلزونی کرتی

یکی از قدیمی‌ترین الگوهای حلزونی شناخته شده که طرحی نسبتاً ساده است و بر روی سکه‌هایی از جزیره کرت دیده می‌شود و براساس حلزونی بود که از شکل صلیبی شروع می‌شد.



پنتره^۲ و مندله^۳

یک پنتره، نموداری هندویی یا بودایی است که برای مراقبه به کار می‌رود و جهان و قدرت‌های الهی آن را نمادپردازی می‌کند. مندله را حداکثر، می‌توان فقط به عنوان پنتره‌ای دایره‌ای توصیف کرد که مجدداً بازنمودی از جهان است. در مرکز یک مندله، مربعی قرار دارد که نمادی از فضای مقدسی است که اغلب محصور می‌باشد. دست‌سازهای غربی که با بی‌دقتی نام مندله را می‌گیرند و شامل دوایر بافته شده سرخپوستی آمریکایی سنتی است را باید تحت عنوان «خواب‌گیر» شناخت.



پنتره

عناصر اصلی پنتره، سه گوش‌ها (انرژی کیهانی)، گلبرگ‌های نیلوفر آبی (هشیاری شکفته شده) و یک مربع (زمین) با دروازه‌هایی در جهات اصلی هستند.

مندله بتنی

در مرکز این مندله، خدایان بودایی در قصری سکونت دارند. راهبان بودایی، گاهی مندله‌های شفا‌دهندای را از شن قرمز می‌سازند.

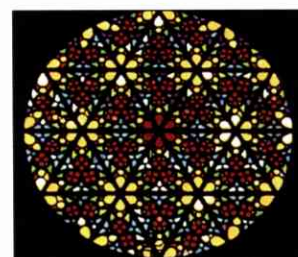
خواب‌گیر

به صورت سنتی، یک خواب‌گیر سرخپوستی در بالای تخت آویزان می‌شود تا دیوهای شرور را قبل از این که به آدم در خواب برسند، به دام اندازد. این تدبیر را به عنوان یک مندله در نظر می‌گیرند که نمادی از ارتباط جهان با ضمیر ناخودآگاه است.



پنجره رز

ممکن است پنجره‌های رز طرح‌ریزی شده باشند تا هدفی مشابه مندله‌ها داشته و به عنوان اشیایی برای تأمل و مراقبه در نظر گرفته شوند. تصور می‌شود که گلبرگ‌های رنگی آنها، نمادی از مسیرهایی باشند که به سوی رستگاری در مرکز هدایت می‌کنند.



مندله در طبیعت

الگوهای اصلی مندله، غالباً از طبیعت برداشت شده، چرخش دانه‌ها در سر گل آفتابگردان، حلقه‌های تنه درخت، مرکز یک دانه برف، اینها همگی نمودی نمادین از مندله‌ها را در مورد جهان منعکس می‌سازد.



حلقه‌های تنه‌ی درخت





مندله تبتی

واژه «مندله» از زبان هندی قدیم یعنی سانسکریت است. ترجمه آن به معنای «دایره» یا «تمامیت» است. طرح این الگو در درون یک دایره، نمادی از تمامیت و کیهان است. هدف این است که این مجموعه از شکل‌های هندسی در هم آمیخته، افکار را هدایت کنند، چون مندله‌ها به عنوان ابزار معنوی برای کمک به مراقبه به کار می‌روند.



۱. دایره درونی

محدوده درونی مندله، نقطه شروع بسیاری از مندله‌هاست که مرکز انرژی کیهان است و مرکزی در نظر گرفته می‌شود که مراقبه تماشاگر به سوی آن کشیده می‌شود. در اینجا خدایان هوجرا و نایرتما در آغوش یکدیگرند و زمانی که این دو نیمه به صورت کامل با هم آمیخته شوند، با یکدیگر هماهنگی لذت‌بخشی را به وجود می‌آورند که نمادی از وضعیت روشن‌شدگی است. آنها تجسم باورهای بودایی هستند که همه موجودات بدون خود در نظر گرفته می‌شوند. این خدایان، بلافاصله به وسیله هشت‌پیکر زبانه محاصره می‌شوند که با عنوان داکینی‌ها شناخته می‌شوند و هر کدام نشانگر جهتی اصلی هستند.

۲. مربع

دایره را احاطه کرده است و هر ضلع، دروازه‌ای دارد که جمعا چهار دروازه می‌شود و نمادی از تفکرات بیکران و بی‌حد و حصر است یعنی مهربانی عاشقانه، شفقت، همدردی و شکیبایی.

۳. دایره‌های متحدالمرکز

الگوی ادامه‌دار دوایر متحدالمرکز، نشانگر وجوه

کیهانی جهان است نظیر میدان‌های انرژی و مناطق اتمسفری. دوایر از داخل به خارج شامل: کلبرک‌های نیلوفر آبی که نمادی از تولد مجدد است، هشت گورستان که نشانگر مکان‌های هیبت برانگیزی هستند که مرتاضان در آنجا مراقبه می‌کنند. یک دایره العاس یا وجره که نمادی از روشنگری است و دایره خارجی شعله که نشانگر روند تغییر انسان‌های عادی است که مجبورند ورود به منطقه درون آن را تحمل کنند.

۴. پیکرهای خارج از دایره

این پیکرها در خارج از دایره به عنوان محافظان هستند.

۵. رنگ‌ها

رنگ‌های به کار رفته، نشانگر ویژگی‌های گوناگون بوداست. سفید نشانگر پاک‌ی اوست. آبی، وسعت تعلیمات او و حقایق آن چیزی است که او تعلیم می‌دهد و قرمز نشانگر محبت و شفقت اوست.





اعداد

فرهنگ‌های باستانی باوری به شانس و احتمال نداشتند. پس وجود عددی مفروض در مورد موضوعات یا پدیده‌ها، اهمیت و معنای زیادی می‌یافت. بنابراین، اعدادی که با سبکی از شمارش ایجاد می‌شدند، نمادپردازی قدرت‌مندی را کسب

می‌کردند. آنها علاوه بر کمیت، کیفیت خاصی را می‌پذیرفتند که مملو از قدرت‌های کیهانی بود. مطالعه آن قدرت‌ها را تحت عنوان «عددشناسی» بیان می‌کنند که افلاطون، آن را «بالاترین سطح معرفت» می‌داند.



۳ سه در بیشتر ادیان، عددی مقدس است. مصریان باستان، تثلیث قدرت‌مندی از خدایان (ایزیس، اوزیریس و هوروس) داشتند و به همین ترتیب، تثلیث یونانی (رومی) در یونان و روم باستان شامل ژوپیتر (ژئوس)، نپتون (پوزیدون)، پلوتو (هادس) در نظر گرفته می‌شد. نماد ژوپیتر، آذرخش سه شاخه، نماد نپتون، نیزه سه شاخه و نماد پلوتو، سگ سه سر است. هندوئیان تثلیثی را می‌پرستیدند که با عنوان تریموتی^۱ («سه شکلی») شناخته می‌شود که شامل برهما، یا خدای خالق، ویشنو یا خدای محافظ و شیوای ویرانگر است. مسیحیان به تثلیث پدر، پسر و روح القدس معتقدند. از نظر فیثاغورس، عدد سه، نمادی از هماهنگی کامل است چون حاصل جمع وحدت (یک) با کثرت (دو) است.



سه گلبرگ زنبق نشان خانوادگی شاهي فرانسه^۲. خداوند، آفرینش و وفاداری است.

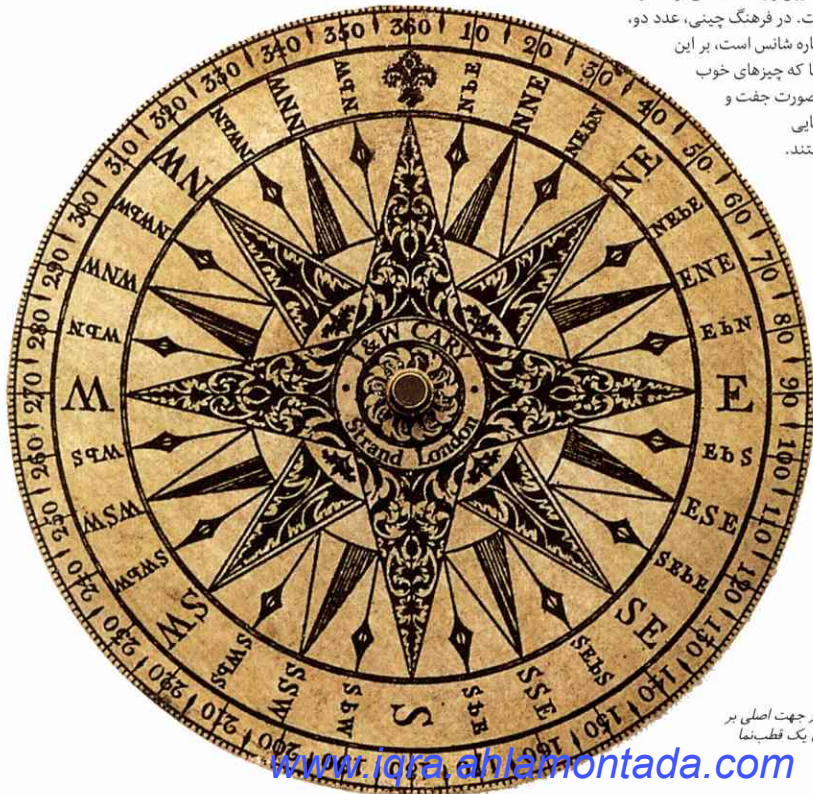
۴ چهار نمادی از وحدت و عمومیت است. عدد چهار، اغلب به وسیله مربع و صلیب نشان داده می‌شود. عدد چهار (4) صلیبی تغییر یافته است. در اشتراک با مربع، این عدد نمادی از ثبات و استواری هم هست. از نظر فیثاغورس، عدد چهار نمادی از کمال است چون اولین عدد مجذور است. در ژاپن و بخش‌هایی از چین، این عدد تابو است چون با «مرگ» هم آواست. (صدایش شبیه صدای کلمه‌ای است که برای واژه مرگ به کار می‌رود) از نظر سرخوستان آمریکایی چهار، نمادی از سازمان یافتگی است: چون فضا به چهار منطقه تقسیم می‌شود، زمان به چهار واحد (روز، شب، ماه و سال) تقسیم می‌شود و زندگی انسان از چهار مرحله (بچگی، جوانی، کمال و پختگی، سن پیری) به وجود می‌آید.

۵ پنج نمادی از انسان است که سر و چهار عضو او به وسیله ستاره پنج پر نشان داده می‌شود. از نظر مایاها، پنج عددی مقدس بود که نمادی از خدای ذرت است چون جوانه آن پنج روز بعد از کاشتن ظاهر می‌شود. از نظر ازتک‌ها، نمادی از تمامیت و بیداری، هشجاری و آگاهی است. پنج در اسلام اهمیت زیادی دارد چون عدد ارکان پارسایی و فضیلت، دفعات نماز، مبادی حج و سایر وجوه دینی، پنج است.

۶ در اشتراک با ستاره شش پر یا هکزاگرام، عدد شش می‌تواند نمادی از هماهنگی و توازن کامل باشد. در چین، عدد شش نمادی از آسمان است و از نظر مسیحیان، نشانگر تمامیت است، چون خداوند دنیا را در شش روز خلق کرد. از نظر مایاها، عدد شش، شماره بدایقالبی بود که حاکی از مرگ در نظر گرفته می‌شد. در فرهنگ غربی جدید، شش نمادی از اقبال است که بالاترین عدد یک تاس در ضمن پرتاب است.

۱ یک نمادی از اولین علت، شروع آغازین یا آفرینش است. در ادیان توحیدی، این عدد نشانگر خدای خالق است. که این امر در ادبیات اسلامی از همه جا بارزتر است، چون عدد یک، به طور خاصی نشانگر خدای یگانه است. عدد یک، همچنین نمادی از نوع بشر است که طرز حالت ایستاده منحصر به فرد نژاد و گونه ما را منعکس می‌کند. شاخ منفرد اسب تک شاخ، نمادی از قدرت و پاکی است. سیکلوپس^۱ یک چشم که غول یونانی اسطوره‌ای است، نمادی از قدرت بی‌منطقی بر عقل است. در فرهنگ غربی جدید، «شماره یک بودن» به معنای بهترین بودن است.

۲ از نظر فیثاغورس، عدد دو نشان‌دهنده کثرت و دارا بودن امکان بالقوه برای بی‌نظمی و شر است، به همین جهت دومین روز از دومین ماه را شوم می‌دانستند و این روز را به پلوتو یا خدای دنیای زیرین اختصاص می‌دادند. اما عدد دو در فلسفه‌هایی همچون تائوئیسم، نماد توازن و نظم هم هست چون در آنجا بین و یانگ، نمادی از تمامیت اتحاد اضداد است. در فرهنگ چینی، عدد دو، شماره شانس است، بر این مبنا که چیزهای خوب به صورت جفت و دوتایی هستند.



چهار جهت اصلی بر روی یک قطب‌نما



* نه سنگ سفید در اسطوره سلتی، نشانگر نه باکره است.



* هفت رنگ رنگین کمان

۷ هفت در بسیاری از فرهنگ‌ها، نمادی از تمامیت است که حاصل جمع اتحاد الوهیت (سه) و زمین مادی (چهار) است. در متون مقدس یهودی، مسیحی، اسلامی و هندی، هفتمین جنبه، تمامیت و کمال را به گروهی شش‌تایی اعطا می‌کند و این عدد در تمام آن فرهنگ‌ها، فرخنده و مبارک است. منوره^۱ یا شمعدان مقدس که هفت شاخه دارد و نشانگر روزهای آفرینش و اجرام آسمان است، نمادی یهودی می‌باشد. در مصر باستان، هفت نمادی از زندگی ابدی بود و از نظر سرخپوستان آمریکایی، نمادی از رویای زندگی^۲ است.

۱۰ عدد انگشتان دست انسان، ده است و اساس نظام‌های شمارشی زیادی است و نمادی از بازگشت به وحدت، بعد از چرخه شمارش انگشتی است، به همین دلیل (و چون عدد ده، حاصل جمع اولین چهار رقم است $1+2+3+4$)، فیثاغورس، آن را عددی مقدس می‌داند که نمادی از آفرینش جهانی است. در چین، چون ده، دو برابر پنج است (که کلیت را نشان می‌دهد) عدد ده، نمادی از ثنویت در نظر گرفته می‌شود.

۹ نه سه برابر عدد سه است و قدرت عدد سه را تقویت می‌کند و نمادی از ابدیت، تمامیت، و تحقق است. در چین «عدد نه»، عدد شانس است. چون صدای آن، مشابه کلمه‌ای است که برای «طول عمر» به کار می‌رود. اما در ژاپن عدد بدشانسی است، چون در آنجا صدایش شبیه صدای کلمه «درد» است. ازتکه‌ها، آن را عدد بدشانسی در نظر می‌گیرند و نمادی از خدایان شب است، اما مایاها، آن را عدد شانس می‌دانستند. در چندین فرهنگ، دسته نه‌تایی، یا ستاره نه‌پر، نشانگر نه خداست و در یهودیت، عدد نه نمادی از قوه هوش و حقیقت است.

۸ عدد هشت در تفکر شرقی، خجسته و میمون است. از نظر بوداییان، عدد هشت از درمه چاکره^۳ یا چرخ شریعت می‌گوید و نمادی از هشت گام تا روشن‌شدگی است. در چین، عدد هشت، عدد شانس است زیرا با کلمه‌ی «رفاه» هم‌آواست و صدایش در هشت مسیر این راه می‌پیچد که هشت سه خطی است که در اثری قدیمی مربوط به پیشگویی بنام ای‌چینگ دیده می‌شود و هشت خدای فن‌انابذیر چین است. در شینتوی ژاپنی هم، عدد هشت، عددی تکرار شونده است.

۱۱ در «شمارش زمینی» سرخپوستان آمریکایی، عدد ۱۱، نشانگر ستاره‌هاست و از طریق استعاره‌ای در مورد سفر به آنجا، نمادی از وضعیت‌های متغیر هوشیاری و خودآگاهی است. در بسیاری از سنت‌های آفریقایی، یازده، مقدس در نظر گرفته می‌شود و نمادی از باروری است زیرا معتقد بودند که منی، یازده روز طول می‌کشد تا به تخمک برسد. در سایر فرهنگ‌ها، عدد یازده، نمادی از افراط و عدم توازن است زیرا افزون بر ده است که نمادی از تمامیت در نظر گرفته می‌شود، به همین دلیل قدیس اگوستین می‌گوید: «عدد یازده، نشان خانوادگی گناه است.»

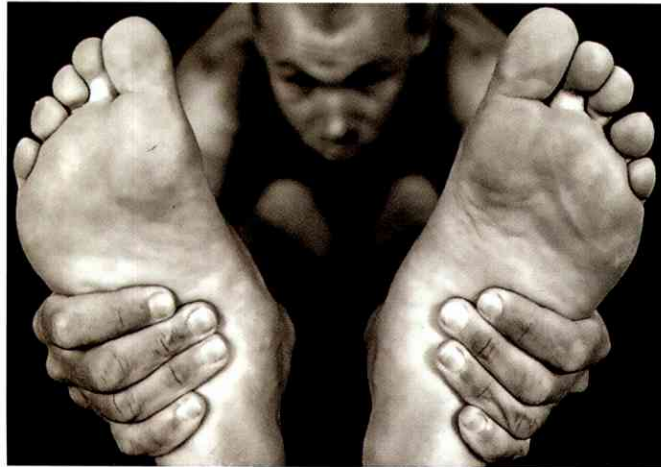
۱۲ دوازده یا ضرب شدن الوهیت (سه) در عناصر چهارگانه زمین مادی (چهار) به دست می‌آید و نمادی از نظم زمینی و معنوی است. در «شمارش زمینی» سرخپوستان آمریکایی، عدد دوازده نشانگر دوازده سیاره و دوازده یاد است. عدد دوازده از نظر کتاب مقدس هم مهم است چون عدد قیایل بنی اسرائیل، حواریون مسیح، میوه‌های درخت حیات و دروازه‌های اورشلیم، دوازده است.





صفر

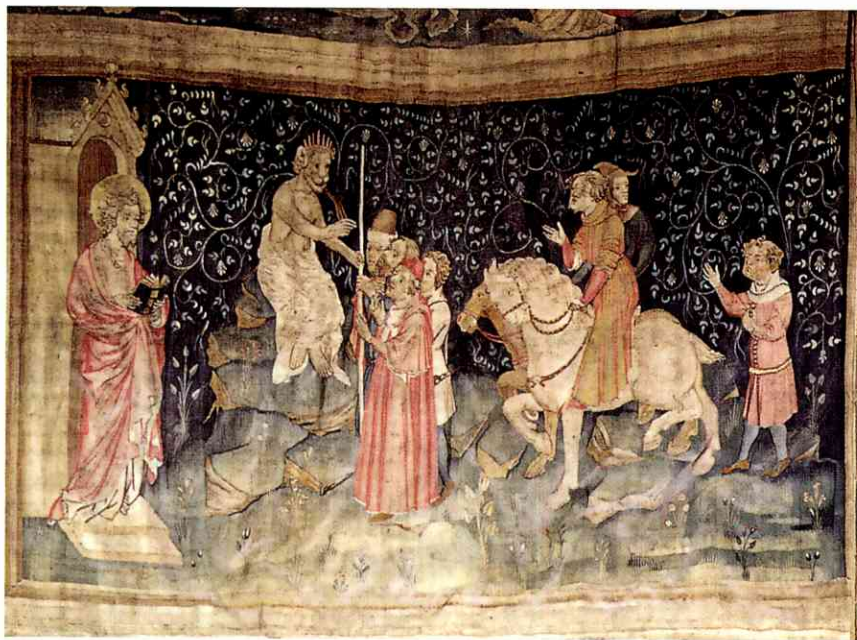
صفر که در عربی به معنای «تهی و خالی» است، نسبتاً از ابداعات جدید است. ریاضیدانان برای هزاران سال، اگر عددی در ستون عددی وجود نداشت، جای آن را خالی می‌گذاشتند. سپس در حدود ۸۷۶ میلادی در هند، نماد ۰ برای اشاره به این جای خالی به کار رفت. جایگاه صفر به عنوان یک عدد مورد مناقشه بود، زیرا با اضافه شدن یا کم کردن از اعداد دیگر، تغییری به وجود نمی‌آمد، اما با قرار دادن آن بعد از یک عدد، آن را ده برابر می‌کند. صفر نماد شخصی است که هیچ قدرتی از خودش ندارد. در فرهنگ مایایی صفر نماد لحظه بین قربانی و تولد مجدد و خدای ذرت است که وضعیت ریاضی بین اعداد مثبت و منفی را منعکس می‌کند.



بیست، نمادی از انسان کامل یا بیست انگشت در دست و پا است.

۲۰ در دنیای توسعه یافته ۲۰ به معنای بصیرتی کامل است، زمانی به شخصی اشاره داشت که می‌توانست نمودار آزمایش چشم را از فاصله بیست فوتی بخواند. در بسیاری از فرهنگ‌های آمریکای جنوبی و مرکزی، عدد بیست نمادی از انسان‌هایی است که با داشتن بیست انگشت یک واحد را شکل می‌دهند.

۱۳ سیزده نمادی از اقبال بد در بسیاری از فرهنگ‌هاست و با سیزده نفر در شام آخر عیسی پیوند دارد که یکی از آنها به او خیانت کرد. برای پسران یهودی، عدد سیزده نشانگر سن مسئولیت‌پذیری است که در آن زمان، آنها بارمیسوا می‌شوند یا «کسی که او امر الهی را اجرا می‌کند».



۶۶۶ عدد دجال است (که دومین نفر از سمت چپ در این فرشینه است)



«کلید در» بیست و یک سالگی

۲۱ به مدتی طولانی، نمادی از کمال در نظر گرفته می‌شد (هفت برابر سه)، در غرب، عدد بیست و یک نمادی از مسئولیت‌پذیری و دوران بزرگسالی هم هست: «کلید در» نمادین، اغلب در این سن اعطا می‌شود. در بسیاری از کشورها، مردم قبل از سن ۲۱ سالگی واجد شرایط برای رای دادن نیستند. (اگرچه، این امر، اکنون عموماً به ۱۸ سالگی کاهش یافته است.)

۴۰ عدد چهل نمادی از انتظار کشیدن و تنبیه است و غالباً در متن مقدس تکرار می‌شود. موسی مدت چهل شبانه‌روز را در کوه سینا گذراند و همین مدت، کلاغ‌ها، الیاس را تغذیه کردند، باران‌های سیل‌آسا چهل روز بارید و روزه عیسی در صحرا، چهل روز طول کشید. کلمه قرنطینه از همین مدت زمان مشتق می‌شود.

۶۰ بابلی‌ها از عدد شصت به عنوان عدد اصلی در محاسبات ریاضی و نجومی استفاده می‌کردند. این نظام در تقسیم‌بندی‌های جدید در مورد زوایا و زمان باقی‌مانده است مثل دایره که ۳۶۰ درجه است و ساعت که ۶۰ دقیقه است و هر دقیقه که ۶۰ ثانیه است.

۷۷۷

از نظر مسیحیان، این عدد نماد شیطان و عدد دجال است که به آن در کتاب مکاشفه در انجیل تحت عنوان «شش صد و شصت و شش» اشاره شده. بسیاری از محققان تصور می‌کنند که رمز عددی برای نام امپراتور نرون بوده که با بسط دادن این موضوع، نمادی از وضعیت خداگونگی کاذب می‌شود. این امر شاید به زمانی برمی‌گردد که مسیحیان اولیه از شکنجه‌های حکومت رومی رنج می‌بردند و می‌توانستند تنها از طریق رمز، دشمنان خود را شناسایی کنند. نظریه‌های زیاد دیگری راجع به نمادپردازی ۶۶۶ وجود دارد که آیا این عدد رمزی برای نام دیگری بوده است؟ اما هنوز هم در دنیای غرب، بسیاری آن را نمادی ضد مسیح در نظر می‌گیرند.

۵۰ در نحوه بیان جدید، پنجاه نمادی از عدالت یا برابری (تقسیم ۵۰:۵۰) یا ایهام (تصمیم ۵۰:۵۰) است در آمریکا عدد پنجاه، نمادی از هاوایی است، چون پنجاهمین ایالت این اتحاد است. پنجاهمین سالگرد وقایعی نظیر ازدواج، تحت عنوان «طلایی» برگزار می‌شود.

۷۰ تا حدودی، تمام مضارب هفت و ده، نمادی از کمال هستند. هفتاد نمادی از کمال دو مرحله‌ای است که ده برابر هفت می‌شود. در کتاب مقدس، عدد هفتاد نمادی از تمامیت است، برای مثال، چرخه زندگی انسان کامل، شصت به علاوه عدد ده است.



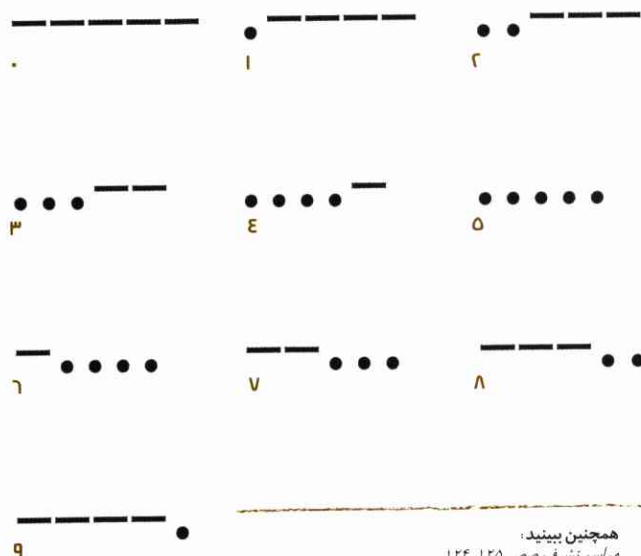
نظام‌های عددی

جایگاهی، نمادها به کار گرفته شدند که جایگاه عدد، قدرت آن را نشان می‌داد. برای مثال در عدد ۷۷۷، عدد ۷، نشانگر ۷۰ و ۷۰۰ هم هست. در دستگاه بریل، اعداد با قرار دادن علامت عددی قبل از یک حرف ایجاد می‌شوند (برای مثال علامت عددی $a=1$) و اعداد مورس، ترکیبی از علامت سمعی و بصری هستند.

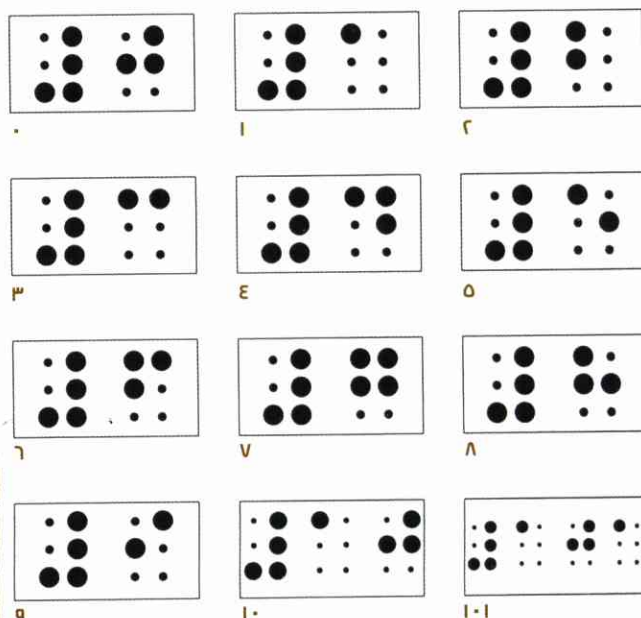
بابلیان، رومیان و مصریان باستان، همگی انگشتان را برای نشان دادن یک عدد ضروری می‌دانستند. (۷ رومی نشانگر دستی با همه انگشتان بود که شست به صورت باز شده باشد X دو تا از این دست بود). بعدها در دستگاه علامت‌گذاری

Babylonian	Egyptian	Greek	Roman	Ancient Chinese	Mayan	Hindu	Arabic	Modern Arabic
𐎶		Aa	I	一	•	१	١	1
𐎺		Bβ	II	二	••	२	٢	2
𐎼		Γγ	III	三	•••	३	٣	3
𐎽		Δδ	IV	四	••••	४	٤	4
𐏀		Eε	V	五	—	५	٥	5
𐏁		Ϛ	VI	六	—•	६	٦	6
𐏂		Zζ	VII	七	—••	७	٧	7
𐏃		Hη	VIII	八	—•••	८	٨	8
𐏄		Θθ	IX	九	—••••	९	٩	9
𐏅	∩	Iι	X	十	==			10

اعداد مورس



اعداد بریل



همچنین ببینید:
مراسم نشرف صص ۱۲۴-۱۲۵
عشق و ازدواج صص ۱۲۶-۱۲۷
یهودیت صص ۱۷۲-۱۷۳
مسیحیت صص ۱۷۴-۱۷۹



ostia ē et sine prudentia
et intelligeret ac novissia pruderet



ostia facit nra ab eis: et ostendit novissia eoz





هفت گناه مهلك

قرون پانزدهم و شانزدهم تحت الشعاع آشوب‌های سیاسی بود و هیرونیموس بوش^۱ نقاش (در حدود ۱۵۱۶-۱۴۵۰) هنر غیر معمولی را ارائه کرد که دغدغه‌های دوره و زمانش را منعکس می‌کرد. در این اثر، او هفت گناه مهلك را تصویر می‌کند که در دور یک چرخ و مسیح به عنوان عامل رهایی بخش در مرکز آن، چیده شده‌اند.



۱- غرور / تکبر

غرور به وسیله زن تروتمندی نشان داده می‌شود که به آینده‌ای (نمادی از خودشناسی) خیره شده است. او اهریمنی را که آینه او را نگاه داشته است، نمی‌بیند.

۲- عصبانیت / خشم

خشم به وسیله نزاع خیابانی بین دو کشاورز مست تصویر می‌شود.

۳- حسادت / رشک

در این صحنه یک زن و شوهر با سگ‌هایی در پایین مقایسه می‌شوند که غافل از استخوان‌های در دسترس‌شان، در آرزوی استخوان‌های دیگری هستند.

۴- حرص / طمع

طمع مرد بولداری است که از مرد فقیری پول می‌گیرد. در حالی که در همان زمان به قاضی رشوه می‌دهد.

۵- شکم‌پرستی

آدم‌هایی که غذای جشن را می‌خورند، نشان‌دهنده شکم‌پرستی هستند. غذا را راهبه‌ای می‌آورد و همان‌گونه که آنها شکم خود را بر می‌کنند، بجای در لباس‌های خود اجابت مزاج کرده است.

۶- تنبلی / کاهلی

تنبلی در این صحنه نشان داده می‌شود به این ترتیب که زنی که لباس کلیسا را به تن دارد، سعی در بیدار کردن مردی دارد که در خواب عمیق است و احتمالاً کشیش تنبل است.

۷- شهوت

در این صحنه، دو جفت عاشق و معشوق را می‌بینیم که در حال صحبت کردن هستند در حالی که ابزار موسیقی بر روی زمین قرار گرفته که نمادی از میل و شهوت است.

۸- چهار موضوع واپسین

در گوشه‌های این تصویر، «چهار موضوع واپسین» ظاهر می‌شود که به تماشایی نشان می‌دهد که ما سرانجام با چه چیزهایی روبه‌رو می‌شویم: بر طبق چرخش ساعت از چپ، آنها شامل مرگ، داوری نهایی، ملکوت و جهنم هستند.

۹- دایره

نقل شده که دایره بزرگ، چشم خداوند است و در مرکز آن یک «مردمک» قرار دارد که در آن، می‌توان عیسی را دید که از قبرش برخاسته است. در پایین، نوشته‌ای لاتین است که تحت این عنوان ترجمه می‌شود: «مراقب باش، مراقب باش، خداوند ناظر است» که اشاره به این امر دارد که از هیچ گناهی غفلت نمی‌شود.





نگارش تصویری

این‌که تصویری باشند، نمادین هستند و نمودهایی از کلمات، برای موضوعات و اندیشه‌ها به شمار می‌روند. بعدها هجاء نگاری‌ها و در آخر، حروف الفبا ایجاد شدند. هجاء نگاری‌ها، نظام‌های نمادینی هستند که بخش‌ها و هجاءهای منفرد را نشان می‌دهند.

بیشتر زبان‌های نگارشی، ریشه در نگارش تصویری دارند که با استفاده از مجموعه‌ای از نمادهای معیار که با عنوان خط‌های تصویرنگار^۱ یا تصویرنگاره^۲ شناخته می‌شوند، از نقاشی جدا می‌شوند. خط‌های تصویرنگار از بازنمایی دقیق موضوعات به علامت نگاره‌ها^۳ تحول یافته‌اند که به جای



▲ قالبی با خط میخی

تاریخ این صفحه کلی به ۳۰۰۰ ق.م بازمی‌گردد. بعدها، خط میخی از نظامی تصویری و صرف به خط تحریری تبدیل شد که نشانگر صداهاست. خط میخی ابتدا به وسیله زبان‌شناس آلمانی جورج فردریش گروتند^۴ در ۱۸۰۲ رمزگشایی شد.



خورشید



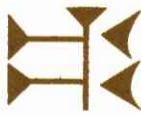
کوه



خدا



غلات



گاو



ماهی

خط میخی، ۳۵۰۰-۱۵۰۰ ق.م

خط میخی به علاوه خط تصویری مصری، یکی از قدیمی‌ترین اشکال نگارش است که در طول چهارمین هزاره قبل از میلاد در بین‌النهرین (عراق امروزی و غرب ایران) به وجود آمد و به وسیله سومری‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها و هیتی‌ها استفاده می‌شد. این خط تحریری، از نقش‌های سه گوش شکلی ساخته می‌شود که با استفاده از نی‌های تیز شده بر گل خیس کنایت می‌شد. خط میخی، نام خود را از کلمه لاتین Cuneus می‌گیرد که به معنای سه گوش است.



◀ لوح سنگی خاکسپاری

در حدود ۲۲۵۰ ق.م: نمادهای بین دو پیکره اصلی، سرنخ‌هایی برای معنای چهار خط نوشته شده بر سمت راست هستند. این لوح سنگی، پیشگشی خاکسپاری پادشاه را توصیف می‌کند.

خط تصویری مصری یا هیروگلیف

خط تصویری مصری در طول هزاره چهارم قبل از میلاد ایجاد شد که نام آن از یونانی hiero (مقدس) و gluphe (به معنای حکاکی) است. این خط به ترکیبی از خط‌های تصویر نگاره (نقاشی‌های مربوط به حروف) و آوانگاره (نمادهایی که نشانگر اصوات هستند) تحول یافت. این خط در سال ۱۸۱۹ با استفاده از متن روی سنگ روزتا^۵ که در حدود ۱۹۶ ق.م در سه خط نوشته، حک شده بود، رمزگشایی شد این سه خط، شامل هیروگلیف، عامیانه (خط معمول در آن موقع مصر) و یونانی است.



آب



عقاب



کوزه



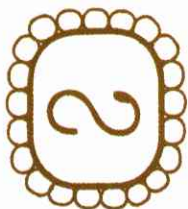
نارنج



چشم



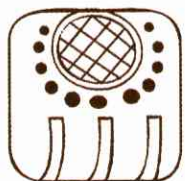
آتش



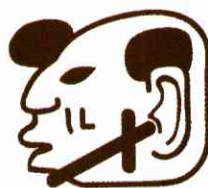
ایر



پراکنده ساختن



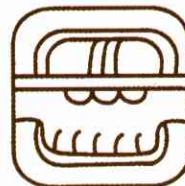
آب



زن



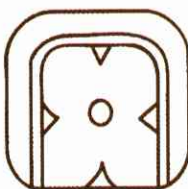
روح



آسمان

خطوط تصویری مایایی

خط تصویری مایایی در حدود سومین قرن قبل از میلاد شکل یافت. این خط از خط تصویر نگاره تکامل یافت و به ترکیبی از خطوط تصویر نگاره، علامت نگاره (همان گونه که نشان داده شده است، این علامت کل یک کلمه است) و هجانگاره (نشانگر هجاها) تبدیل شد. نوشته‌ها معمولاً در ستون‌های دوگانه‌ای نقش می‌بستند و از راست به چپ و از بالا به پایین خوانده می‌شدند.



خورشید



مار



کوه



چینی کهن

خط نوشته چینی، قدیمی‌ترین نظام نگارشی است که هنوز هم امروزه کاربرد دارد و تاریخ آن به حدود ۱۵۰۰ ق.م برمی‌گردد. خط چینی از خط تصویر نگاره به ترکیبی از خط تصویر نگاره و علامت نگاره (نمادهایی که نشانگر کل یک کلمه هستند) تکامل یافت. در نظام جدید، نمادهای قدیمی‌تر، اغلب ترکیب می‌شوند تا کلمات ترکیبی جدیدی را شکل دهند: برای مثال، نمادهایی برای «پروازکننده» و «ماشین» با هم استفاده می‌شوند تا «هواپیما» را نشان بدهند.



▲ استخوان غیگویی

قدیمی‌ترین نمونه‌های خط چینی بر روی کتف شانه گاو و لاک سنگ‌پشته‌ها نقش بسته است. ترک‌ها که در اثر گرما دادن به این به اصطلاح «استخوان‌های غیگویی» ایجاد می‌شدند، به عنوان دریافت الهی تفسیر شده و گزارش و ضبط می‌گردیدند.

酒 馬

اسب

شراب

樂 玉

موسیقی

یشم

兆 安

▲ قاب‌بندی در معبد یاکسچیلان* در حدود ۷۲۵ ق.م

در این قاب‌بندی از سنگ آهک که آئین حجامت را نشان می‌دهد، پادشاه شیلد جاگوار* مشعلی را در دست دارد. در زمانی که ملکه او خون را از زبانش می‌گیرد. خطوط تصویری بالا و پایین این تصویر را تاریخ و سایر اطلاعات را

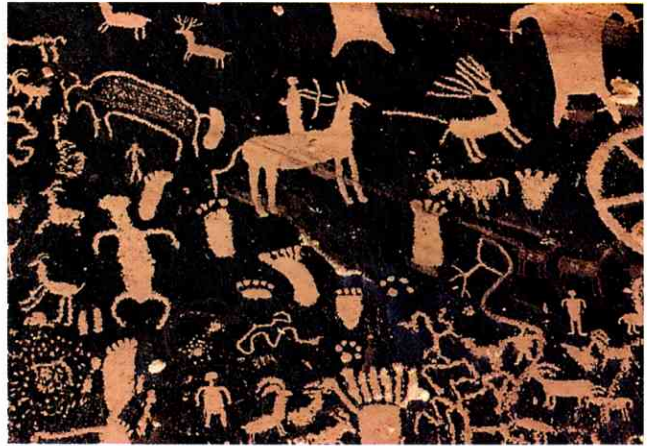
همچنین ببینید:

خدايان مصري صص ۱۳۸-۱۳۹
غیگویی صص ۱۹۶-۱۹۹



هنر صخره‌ای

نقاشی‌های صخره‌های دوران سنگی در سراسر دنیا یافت شده‌اند. برخی از آن‌ها بیشتر از ۳۰۰۰۰ سال قدمت دارند. شکل پیشاتاریخی دیگری از هنر صخره‌ای، سنگ‌نگاری است که نوعی حکاکی است و از این جهت در تقابل با تصویر نقاشی شده است و قدمت آن به حدود ۱۵۰۰۰ سال می‌رسد. هر دو نوع این هنرها، مدت‌های طولانی بر شکل‌گیری و تحول زبان‌های تصویری کاملاً بالغ شده قدمت دارند.

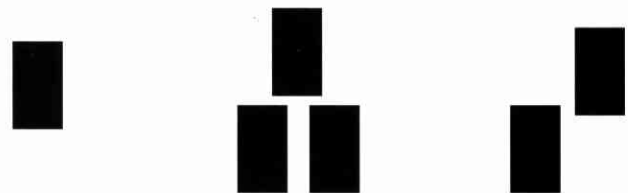


سنگ‌نگاره‌ی ناواجو^۱

غزال، گوسفند کوهی آمریکایی، گاومیش و جای پاهای خرس در این سنگ‌نگاره دیده می‌شود. آن‌ها در طول حدود ۱۵۰۰ سال به وسیله اقوام ناواجو، فرمونت^۲ و آناساز^۳ حکاکی شده‌اند و اکنون به عنوان اثر تاریخی دولتی با نام صخره روزنامه‌های در پارک دولتی کانپولندز^۴ در یوتا^۵ است.

نشانه‌گذاری کردن درخت

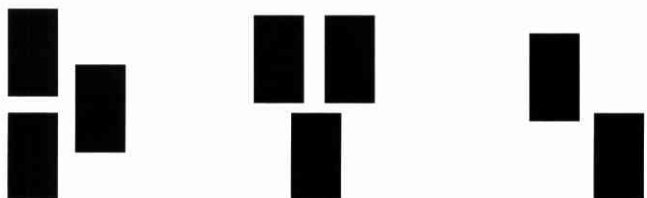
یک نشانه^۱ علامتی است که بر روی یک درخت، به وسیله کندن و برش دادن قسمتی از پوست آن ایجاد می‌شود و معمولاً این کار برای ایجاد یک اثر یا رد به کار می‌رود و به همین ترتیب کلمه «راهگشا»^۲ به وجود آمده است. به ویژه امروزه که کنده‌کاری این نشانه‌ها در مناطقی حفاظت شده کاری بوم‌شناسانه نیست، این اثر یا رد، می‌تواند با رنگ تالو یابد، علائمی ثابت باشد، یا پرچم‌ها و سنگ‌چین‌ها باشد. نظام این نشانه‌ها که در زیر نشان داده شده است، در دهه ۱۹۳۰ به وسیله اعضای کنفرانس رد و اثر در دهه ۱۹۳۰ در نیویورک - نیوجرسی شکل یافته است.



ادامه دادن راه مستقیم

شروع رد

گردش به راست



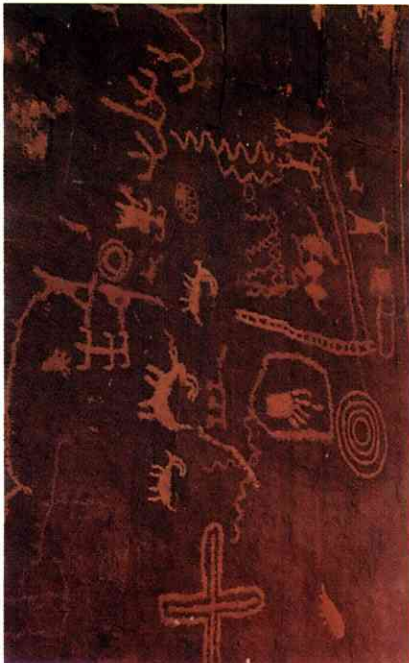
جاده فرعی به سوی ردی دیگر

خانچه رد

گردش به چپ

خط تصویرنگاری سرخپوستان آمریکایی

سرخپوستان آمریکایی هم شبیه به مردم اروپا و آسیا، هنر صخره‌ای را به سوی نظامی رسمی از تصویر نگاره‌هایی توسعه دادند که نظیر آن در پایین تصویر شده. کاربرد نظام‌مند این تصویر نگاره‌ها در زبان بصری ستون‌های توتمی، مسلماً قدیمی‌ترین شکل نگارش در شمال آمریکاست.



خط تصویرنگاری سرخپوستانی آمریکایی

خط تصویرنگاری با اثر دست، حیوانات و تصویر شکل‌های هندسی در این نمونه باستانی در هنر صخره‌ای سرخپوستانی آمریکایی در منطقه پلوسیرینگز^۱ بر روی صخره قرمز در منطقه حفاظت شده ملی کتیون^۲، در نزدیک لاس وگاس در نواداست.



آتش اردوگاه



اکتشاف



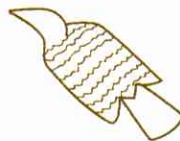
اردی



اردوگاه



اسب تندرو



عقاب



ردپاهای اسب



اسب



ماهی



نقطه‌ای خوب برای اعلامیه



زن



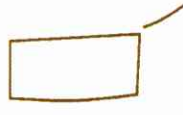
زن مهربان

علائم کارگران فصلی یا هوبو^{۱۰}

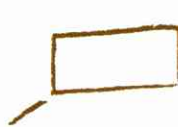
یک هوبو، کارگری مسافر است و نه یک ولگرد که مسافرت می‌کند و کار نمی‌کند، یا یک گدا که نه سفر می‌کند و نه کار می‌کند. نظریه‌ها در مورد اشتقاق و منشأ این کلمه گوناگون است، شاید از «hoe-boy» (کارگر مزرعه) یا «Ho, boy» (خوشامد گفتن) یا مخففی از کلمات Houston (شهری در تگزاس) و Bowery (خیابانی در ماهان) در نیویورک باشد که زمانی کارگران مسافر در آنجا جمع می‌شدند. کارگران فصلی از نمادهایی استفاده می‌کردند تا جهات، هشدارها و اطلاعاتی را به سایر کارگران فصلی بدهند.



آب خوب و مناسب



اجازه مصرف مشروب الکلی در این شهر وجود دارد.



در شهر مشروب الکلی نیست



ثروتمند



مرد محترم



میتوانی در انبار علوفه بخوابی



در اینجا تعارض کن



اینجا داستان رقت‌انگیز بگو



فراهم بودن کار



از این مسیر ترو



به سرعت خارج شو



از این سو برو



سگ بد



سگ



مردی با اسلحه



تلفن



دکتر



اگر بیماری، کمک‌بخواه



خانه بی صاحب



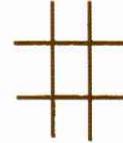
خانه دارای صاحب



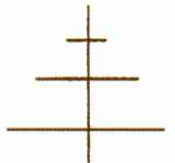
در اینجا کاری انجام نده



قاضی



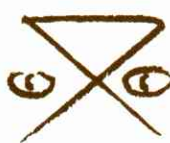
در اینجا مأمور پلیس زندگی می‌کند.



مأمور پلیس



منطقه امن



اردوگاه امن



زیانت را نگهدار



آمادباش تا از خودت دفاع کنی



کسی خانه هست



کسی خانه نیست

- 1 - Navajo
- 2 - Fremont
- 3 - Anasazi
- 4 - Canyonlands
- 5 - Utah
- 6 - Blaze
- 7 - Trailblazing
- 8 - Willow springs
- 9 - Canyon
- 10 - Hobo

همچنین ببینید:
 پستانداران صص ۵۲-۵۵
 پرندگان صص ۵۸-۶۱
 مخلوقات آبی صص ۶۸-۷۱
 حقه‌بازان، قهرمانان و نژادهای قبیله‌ای صص ۱۵۱-۱۵۰





خط تصویری

این نوار خط تصویری، کناره صندوق جواهر مصری را تزئین می‌کند که در قبر یویا^۱ و تویا^۲ یافت شده است که در هجدهمین دوره حکومت (۱۲۹۵-۱۵۳۹ ق.م) زندگی می‌کردند. آنها والدین ملکه تیه^۳ بودند که همسر فرعون امن هوتپ سوم^۴ بود. این خطوط تصویری بر روی صندوق، بیانگر آرزویی برای داشتن اقبال خوب است تا شامل حال این جفت، در زندگی پس از این دنیا شود.



اردک

اردک در کنار سایر پرندگان و حیوانات که رو به سوی چپ دارند، نشانگر این امر است که خطوط تصویری از چپ به راست خوانده می‌شدند.

عنخ

«زندگی» به وسیله عنخ نشان داده می‌شد که در برابر زمینه آبی، معنای بیشتری را از «آب‌ها» کسب می‌کند و آبی کیهانی را مطرح می‌سازد که از آن، همه حیات به وجود می‌آید و سرانجام همه حیات به سوی آن بازمی‌گردد.

علائم هیروگلیفی ترکیب شده

خط تصویری عنخ که در مرکز قرار دارد و کناره‌های آن عصای سلطنت است، نشانگر خدای ناهماهنگی یا ست^۵ است که او نمادی از حکومت است. در پایین آن، شکلی شبیه به نیمه ماه وجود دارد یا تب^۶ که به معنای «همگی و تماماً» است و این شکل، با هم خوانده می‌شود: «تماماً زندگی و حکومت»

قاب تزئینی^۷

نمادهایی که نام پادشاه را نشان می‌دهند، در شکل لوزی قرار گرفته‌اند که با عنوان «قاب تزئینی» شناخته می‌شوند. قاب‌های تزئینی، تنها زمانی به کار می‌رفتند که نام پادشاه حاکم را نشان بدهند که در این مورد امن هوتپ سوم است.





الفبا

الفبای فینیقی هموار ساخت که اولین الفبای اصلی بر مبنای اصوات گفتاری است و این امر منجر به تحول الفبای عبری، الفباهای اروپایی (از طریق یونانی)، و الفبای آسیایی (از طریق آرامی) شد.

اولین الفبا در زمانی پدید آمد که تصویر نگاره‌ها به نمادهایی تحول یافتند که نشانگر صداهای منفردی بودند. تمام الفباها از سامی شمالی ریشه می‌گیرند که در حدود ۱۷۰۰ ق.م در مدیترانه شکل گرفت. این نظام، راه را برای



عبری متاخر	آرامی	عبری اولیه	فینیقی	سامی شمالی	رومی جدید
aleph א	aleph א	'alep א	'aleph א	alef א	A
beth ב	beth ב	bet ב	beth ב	beth ב	B
gimel ג	gimel ג	gimel ג	gimmel ג	gimel ג	G
delath ד	delath ד	dalet ד	daleth ד	daleth ד	D
heh ה	he א	he ה	he ה	he ה	H
vav ו	vav ו	waw ו	waw ו	vav ו	W
zayin ז	zayin ז	zayin ז	zayin ז	zayin ז	Z
cheth ח	cheth ח	het ח	heth ח	cheth ח	H
teth ט	teth ט	tet ט	teth ט	teth ט	T
yod י	yod י	yod י	yodh י	yod י	Y
kaph כ	kaph כ	kap כ	kaph כ	kaf כ	K
lamed ל	lamedh ל	lamed ל	lamedh ל	lamed ל	L
mem מ	mem מ	mem מ	mem מ	mem מ	M
nun נ	nun נ	nun נ	nun נ	nun נ	N
samekh ס	samekh ס	samek ס	samekh ס	samekh ס	S
ayin ע	'ayin ע	ayin ע	'ayin ע	ayin ע	O
peh פ	pe פ	pe פ	pe פ	pe פ	P
tsaddi צ	sadhe צ	tsade צ	tsade צ	tsade צ	S
qoph ק	qoph ק	qop ק	qoph ק	quf ק	Q
resh ר	resh ר	resh ר	res ר	resh ר	R
shin ש	sin ש	sin ש	sin ש	shin ש	S
tau ת	taw ת	taw ת	taw ת	tau ת	T



Α	Β	Γ	Δ	Ε	Ζ	Η	Θ	Ι	Κ	Λ	Μ
ALPHA	BETA	GAMMA	DELTA	EPSILON	ZETA	ETA	THETA	IOTA	KAPPA	LAMBDA	MU
Ν	Ξ	Ο	Π	Ρ	Σ	Τ	Υ	Φ	Χ	Ψ	Ω
NU	XI	OMICRON	PI	RHO	SIGMA	TAU	UPSILON	PHI	CHI	PSI	OMEGA

یونانی

بر تمام الفباهای اروپایی جدید مقدم است. الفبای یونانی از الفبای فینیقی در طول ۲۰۰ سال از ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م تحول یافت. کلمه الفبا «alphabet» از اولین و دومین حرف یونانی، یعنی آلفا و بتا به دست می‌آید.

اتروسکان^۱

A	B	C	D	E	F	G	H	I	K	L
A	B	C	D	E	F	G	H	I	K	L
M	N	O	P	Q	R	S	T	Y	PH	KH
M	N	O	P	Q	R	S	T	Y	PH	KH

رومی

a	B	C	D	e	F	G	H	I	J	K	L	m
A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M
n	O	P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z
N	O	P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z

الفبای رومی از اتروسکان در حدود ۶۰۰ ق.م پدید آمد. این تحول تا اواسط قرن نوزدهم ادامه داشت تا این که سرانجام V و J به عنوان حروف در جای خودشان پذیرفته شدند به جای این که به عنوان انواعی از I و U باشند. اکنون این زبان به وسیله حدود دو میلیون انسان در سراسر دنیا استفاده می‌شود.

فوتارک^۲ قدیمی‌تر

F	U	TH	A	R	K	G	WV	H	N	I	JY
F	U	TH	A	R	K	G	WV	H	N	I	JY
E	P	Z	S	T	B	E	M	L	NG	O	DW
E	P	Z	S	T	B	E	M	L	NG	O	DW

فوتارک قدیمی‌تر یا فوتارک کهنه، قدیمی‌ترین الفبای رونیک^۳ است که در اروپای شمالی احتمالاً از الفبای اتروسکان پدید آمد. الفبای رونیک با عنوان فوتارک^۴ از طریق اولین شش حروفش شناخته می‌شود.

سیریلی^۵

А	Б	В	Г	Д	Е	Ё	Ж	З	И	Й
A	B	V	G	D	E	YO	ZH	Z	I	Y
К	Л	М	Н	О	П	Р	С	Т	У	Ф
K	L	M	N	O	P	R	S	T	U	F
Х	Ц	Ч	Ш	Щ	Ъ	Ы	Ь	Э	Ю	Я
KH	TS	CH	SH	SHCH	-	Y	-	E	IO	YA

اکنون در روسیه و اروپای شرقی استفاده می‌شود. تصور می‌شود که این الفبا در حدود ۹۰۰ بعد از میلاد از الفبای یونانی، توسط قدیس سیریل^۶ و قدیس متودیوس^۷ تکامل یافت. در اصل با نام الفبای گلاگولیتیک^۸ شناخته می‌شد که بعدها، بعد از قدیس سیریل، تغییر نام داد.



عربی

از الفبای آرامی نبطی (پادشاهی عربی قدیمی که در اردن امروزی قرار داشت) در طول قرن چهارم ق.م. پدید آمد. با اضافه کردن نقطه‌ها، تا حد زیادی حروفی به وجود آمد که تعداد بیشتری از حروف بی‌صدای به کار رفته در عربی را ملحوظ می‌داشت و امروزه بعد از رومی و چینی، سومین الفبا در دنیاست که به میزان زیادی با آن نگارش می‌شود.

ص	ش	س	ز	ر	ذ	د	خ	ح	ج	ث	ب	ا	
S	SH	S	Z	R	DH	D	KH	H	J	TH	T	A	
ی	و	ه	ن	م	ل	ك	ق	ف	غ	ع	ظ	ط	ض
Y	W	H	N	M	L	K	Q	F	GH		TH	T	D

براهمی^۱

در هند در طول قرن ششم ق.م از الفبای آرامی یا سامی به وجود آمد و بر بسیاری از الفباهای آسیای (بیشتر هندی) مقدم است از جمله دوانگاری^۲ (الفبایی در هند و نپال، بنگالی، خمری، تبتی و برمه‌ای)



美	清	英	命	花	恕	朋友	恩	福	和
زیبایی	وضوح	نخبگان	سرنوشت	گل	فراموشی	دوست	لطف	سعادت	همراهی
貴	愛	月	平	神	星	日出	安	孚	智
بالارزش	عشق	ماه	صلح	روح	ستاره	طلوع خورشید	آرامش	حقیقت	خردمندی

چینه هان

(بزرگ‌ترین قوم نژادی در چین و در دنیا)

خط چینی، قدیمی‌ترین نظام نگارشی است که هنوز هم امروزه به کار می‌رود و قدمت آن به حدود ۱۵۰۰ ق.م برمی‌گردد و الفبا نیست، بلکه علامت نگاره است. این خط، ترکیبی از تصویر نگاره و علامت نگاره (نمادهای انتزاعی که نشانگر کل کلمه هستند) است که برخی از آنها اینجا نشان داده شده‌اند.

مورس

در طول دهه ۱۸۳۰ و دهه ۴۰، هنرمند و مبتکر آمریکایی ساموئل مورس^۱، الفبای مشهور خود به نام مورس را پدید آورد که شامل نقطه و خط بود. در این الفبا، کوتاه‌ترین رموزها برای حروفی که به طور معمول بیشترین کاربرد را دارند، اختصاص داده شده‌اند. اولین پیام تاریخی «خداوند چه شگفتی‌هایی دارد» بود که در ۲۴ ماه مه ۱۸۴۴ فرستاده شد.

• -	- • • • •	- • • • •	- • • •	•	• • • • •	- - •
A	B	C	D	E	F	G
• • • • •	• •	• - - -	- • -	• • • • •	- -	- •
H	I	J	K	L	M	N
- - -	• - - • •	- - - •	• • •	• • •	-	• • -
O	P	Q	R	S	T	U
• • • • -	• - - -	- • • • -	- • • - -	- • • • •		
V	W	X	Y	Z		

بریل

در ۱۸۲۱ به وسیله لوئیس بریل^۲، کارشناس آموزش و پرورش فرانسوی به وجود آمد. او از سن سه سالگی نابینا بود. مبنای الفبای بریل، نظامی بود که در اصل به وسیله چارلز باربیر^۳ ابداع شد که سعی داشت سپاهیان نابینا را قادر سازد تا در تاریکی به آرامی و سکوت با یکدیگر ارتباط برقرار سازند. لوئیس بریل، این ابداع را به وسیله ایجاد کردن خانه‌های خاصی با شش نقطه در آن اصلاح کرد که شکل معیاری برای ارتباط نگارشی افراد نابیناست.

● ○	● ○	● ●	● ●	● ○	● ●	● ●
○ ○	● ○	○ ○	○ ○	○ ○	● ○	● ○
○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○
A	B	C	D	E	F	G
● ○	○ ●	○ ●	● ○	● ○	● ●	● ●
● ●	● ○	● ●	○ ○	● ○	○ ○	○ ○
○ ○	○ ○	○ ○	● ○	● ○	● ○	● ○
H	I	J	K	L	M	N
● ○	● ●	● ●	● ○	○ ●	○ ●	● ○
○ ○	● ○	● ●	● ●	● ○	● ●	○ ○
○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○
O	P	Q	R	S	T	U
● ○	○ ●	● ●	● ●	● ○	● ○	● ○
● ●	● ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○
○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○
V	W	X	Y	Z		

1- Brahmi
2- Devanagari
3- Hindi
4- Sindhi
5- Marathi
6- Samuel morse
7- Louis braille
8- Charles barbier



علائم بین‌المللی

به کار بردن کلمات انتقال می‌دهند. تصورات و مفاهیم پیچیده‌تر را می‌توان با استفاده از نظام‌های نمادی شناخته شده، به صورت بین‌المللی، نظیر علائم ریاضی و موسیقی به صورت غیرشفاهی انتقال داد.

تصاویر به گونه‌ای از موانع زبانی عبور می‌کنند که کلمات نمی‌توانند. برای نمونه، علامت سیگاری با خطی قرمز بر روی آن، در همه جای جهان به این مفهوم است که «سیگار نکشید». علائم بین‌المللی شبیه به همه علائم ترافیکی و اطلاعات عمومی دیگر، دستوراتی را به صورت واضح و بدون

علائم هشدار هازچم

هازچم Hazchem واژه اختصاری برای Hazardous Chemicals یا مواد شیمیایی مضر است. تمام جاده‌ها و وسایل نقلیه ریلی که چنین موادی را انتقال می‌دهند بایستی دارای علامت هشدار باشند که نشان‌دهنده وجود مواد شیمیایی باشد و اطلاعاتی را برای خدمات اضطراری در مورد هر حادثه‌ای ارائه دهد.



قابل اشتعال



مواد منفجره



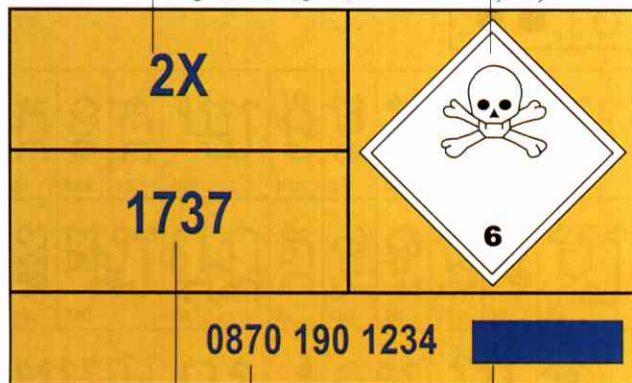
سمی



رادیواکتیو

رمز اقدام اضطراری که نشان‌دهنده روش مهار آتش و احتیاط‌های ایمنی است.

گونه مضر



شماره UN که صراحتاً از ماده شیمیایی صحیح نام می‌برد.

شماره تلفن برای توصیه کارشناسی

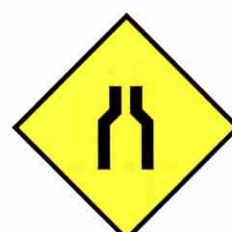
علامت شرکت

علائم اطلاعات عمومی

برای بیشترین تأثیرگذاری بصری، طرح‌ریزی شده‌اند. علائم اطلاعات عمومی و ترافیکی، به صورتی ساده به کار می‌رود و تصاویری بدون ابهام هستند که تقریباً دارای نظامی با معنای نهفته و پنهان از شکل و رنگ هستند. به این منظور که هشدارها، دستورات و راهنمایی‌هایی را منتقل سازند.



هشدار: متلنی یا کتاردهای قرمز (اینجا محل عبور عابر پیاده است)



هشدار: محوطه مربعی یا زمینه زرد (در اینجا جاده باریک می‌شود)



الزام: دایره‌ای با زمینه آبی (اینجا مسیر یکطرفه است)



ممنوعیت: دایره‌ای با کتاردهای قرمز (اینجا ورود وسیله نقلیه ممنوع است)



اطلاعات ایمنی و سلامتی: چهار ضلعی سبز (اینجا کمک‌های اولیه است)



اطلاعات: چهار ضلعی (اینجا رستوران است)



نمادهای آب و هوایی

نمادهای آب و هوایی تلویزیونی، روشن و واضح هستند (پایین صفحه را ببینید)، اما سازمان هواشناسی جهانی، نظام پیچیده‌تری را طرح‌ریزی کرده است که در آن از نمادهایی برای باران، برف، باران نم نم و غیره استفاده می‌شود که در شکل‌های گوناگونی چیده می‌شوند تا شدت هرگونه از بارش را نشان دهند.



باران ملایم بی‌وقفه



باران ملایم متناوب



باران خفیف بی‌وقفه



باران خفیف متناوب و آذواری



باران نهم‌نم



برف



رگبار شدید



رگبار ملایم



رگبار خفیف



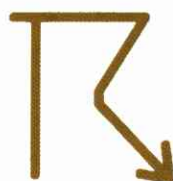
باران شدید بی‌وقفه



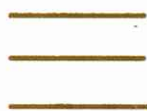
باران بسیار سرد



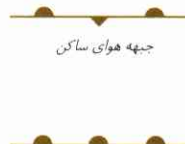
باران نهم‌نم بسیار سرد



توفان تندی



مه



جبهه هوای ساکن



مه رفیق



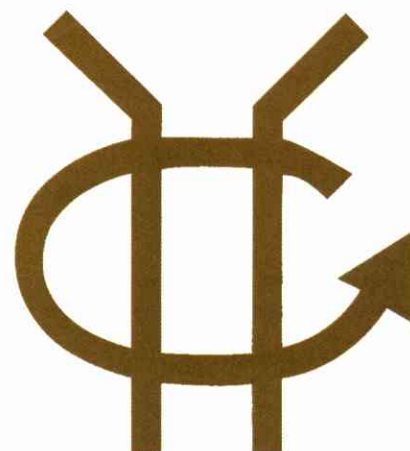
جبهه هوای سرد



جبهه هوای مسدود



جبهه هوای گرم



توفان بیچنده

بسته‌بندی

بسته‌بندی کالاها و محموله‌هایی که به آسانی آسیب می‌بینند، با نمادهایی برجسب‌دار می‌شود که می‌توانند در سراسر جهان قابل شناسایی باشند.



این طرف بالاست



خشک نگاهدارید



شکستی



آفتابی



آفتاب با فاصله و کیهکاهی



باران خفیف



برف شدید



رگبار تندی



رگبار تگرگی



نمادهای ریاضی

نمادهای ریاضی در طول قرون تکامل یافته‌اند. علائم «+» و «-» در ابتدا در کتابی در قرن پانزدهم از ریاضیدان آلمانی یوهانس ویدمن ظاهر شد و «=» و «√» در قرن شانزدهم و «×» و «÷» در قرن هفدهم پدید آمدند.



جمع



تفریق



ضرب



تقسیم



مساوی



برابر نبودن



تقریباً برابر بودن



بزرگتر از



بزرگتر بودن یا مساوی با



کوچکتر



کوچکتر بودن یا مساوی با



ریشه دوم جذر



یک به توان دو



موازی



درصد



یک درجه



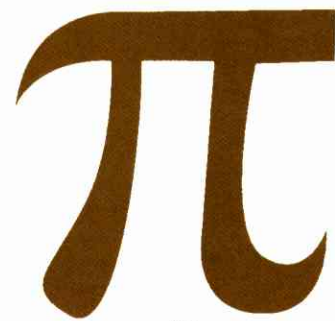
حاصل جمع



متناسب با



بینهایت



عدد پی

نمادهای پول رایج

این نمادها اغلب حروف نخستین نام پول رایج را شامل می‌شود که برای این که با حروف معیار و اصلی تفاوت کند بر روی آنها خطی کشیده می‌شود. استثنائات شامل «£» (از «L» که اشاره به «Libra» لاتین به معنای یک رطل یا پوند است) و «\$» (احتمالاً از آرمی اسپانیایی است)



یورو (اروپا)

پوند استرلینگ (بریتانیای کبیر،
و وابستگان تحت‌الحمایه: مصر،
لبنان و سوریه)دلار: (آمریکا و همچنین سایر
کشورهایی که مخفف نامشان در
جلو قرار می‌گیرد)

ین (ژاپن)



یوان، رنمینبی (چین)

روپیه (هند، موریس، نیال،
سرلانکا)

پزو (آمریکای جنوبی)



ریال (خاورمیانه)



تیره (منچریه)



روبل (روسیه، بلاروس)



کرونا (دانمارک)



بخت (تایلند)

علائم ورزشی

همچون علائم ترافیکی، تصویری واضح و ساده است که همه چیز را به روشی می‌گوید که از تمام حصارهای زبانی عبور می‌کند. اینجا دقیقاً نه مورد از بسیاری از بازی‌های ورزشی وجود دارد که پیکری تصویری و سیاه رنگ را شامل می‌شود.



نوبلیک



گلف



تنیس



شنا



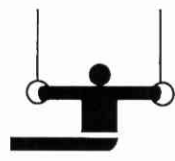
وزنه‌برداری



اسکی



دوچرخه‌سواری



زیمناسیتیک



دو



کلید سل یا گامی از ۸ نت بر خط حامل

دستگاه علائم موسیقی

زیر و بمی، با پنج خط حامل شناخته می‌شود (که نُت‌های بالاتر بر کلید سُـل (صدای زیرتر) و نُت‌های پایین‌تر بر کلید فا (صدای بم‌تر) قرار دارند.) مدت زمان را ظاهر نت یا علامت سکوت نشان می‌دهد. نت‌های دیز (زیرتر از معمول) و از کوک افتاده یا بِمُل (بم) زیر و بمی را تغییر می‌دهند. سایر نمادها شدت صدا را نشان می‌دهند.



کلید فا بر گامی از ۸ نت بر خط حامل



نت گرد مضاعف



سکوت گرد مضاعف



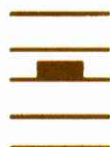
نت گرد



سکوت گرد



سفید



استراحت سفید



سیاه



استراحت سیاه



نت چنگ



سکوت چنگ



نت‌های چنگ



نت نقطه‌دار



نت بمل



نت دیز



نت بمل دوگانه



نت دیز دوگانه



نت یکبار عادی



بلند، قوی (نواختن به بلندی)



ملایم، آهسته (نواختن به آرامی)



(خیلی بلند) بسیار قوی



آوج گیرنده (به تدریج بلندتر می‌شود)



آهسته‌تر شدن تدریجی صدا (به تدریج آرام‌تر می‌شود)

تصویرهای احساسی^۱

یک تصویر احساسی (emotion+icon) به کار می‌رود تا احساسی را به صورت پیام نوشتاری منتقل سازد. اولین نمادها توسط اسکات فالمن^۲ از دانشگاه کارنگی ملون^۳ در ۱۹۸۲ مطرح شد.



لیخنند



چشم سیاه



فوت کردن یک بوسه



گریه کردن



آدم‌مست



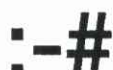
غمگین/اخم‌آلود



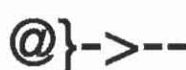
بوسه



خنده



لب‌هایم بسته است



رتر



شک و تردید



عینک آفتابی



چشمیک زدن





نمادهای شغلی

کالاها درجات خاصی از معیارهای اخلاقی یا خلوص را دارا هستند در صورتی‌که در طبقه سوم، مارک‌های پذیرش و رعایت قرار دارند که نشان می‌دهند که کالاها، معیارهای ایمنی وضع شده توسط مجموعه تنظیم‌کننده و کنترل‌کننده را تامین کرده‌اند.

نمادهای تجاری و شغلی در سه طبقه اصلی قرار می‌گیرند. در یک طبقه، آنها طیفی میان مواردی بسیار ساده همچون علامت بیسکویت شور برای نانوائی و نسبتاً پیچیده همچون عصای پزشکی برای اهل طبابت را دربرمی‌گیرند. در طبقه بعد، نمادهای کنترل کیفیت هستند که نشان می‌دهند که

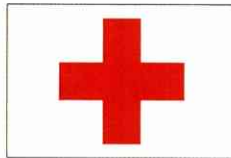
شغل‌ها

هیچ دلیلی وجود ندارد برای این‌که چرا برخی از شغل‌ها و یا صنوف به وسیله نمادهای شناخته شده‌ای به صورت جهانی نشان داده می‌شوند و دیگران این‌طور نیستند. در اینجا گزیده‌ای از برخی از نمادهایی وجود دارد که به معنای شغل خاصی هستند و معانی آن نمادها، نامفهوم است یا به گونه‌ای دیگر در وراء آنها قرار دارد.

R_x

داروخانه

نماد برای داروخانه «R» ساختگی و تصنعی است که پزشکان در تجویز خود می‌نویسند و مخفی از کلمه لاتین recipe به معنای نسخه یا توصیه است.



صلیب قرمز

معکوس پرچم سوئیس است که این نماد احترام به مؤسسان سوئیس صلیب سرخ انتخاب شد تا نمادی از محافظت در مورد کسانی باشد که در کارهای بشردوستانه شرکت دارند.



پیشه قانونی

ترازوهای نمادی از ویژگی عدالت در یونان، روم و مصر باستان و تفکر اسلامی و مسیحیت هستند. ترازوها کردارهای خوب و بد و شواهد را مقایسه می‌کنند.

آرایشگر (سلمانی)

مارپیچ‌های سفید، نوارهای پیچیده به دور ستونی را نشان می‌دهد که در روزگاری که آرایشگران حجامت را انجام می‌دادند، بیماران را جلب می‌کرد. کاسه‌هایی برای زالو و خون هم نشان داده می‌شود.



دندانپزشکی

مثلث و دایره، هر دو نمادی از سلامتی در بسیاری از فرهنگ‌ها هستند. در مرکز این شکل، تمثال عصای آسکلپیوس یا خدای یونانی شفابخشی قرار دارد. (رومی آسکولاپیوس)



شغل پزشکی

به دور کادوسئوس که چوب جادویی اسطوره‌ای بود که با آن خدای یونانی هرمس (رومی مرکوری) خواب را اعطا می‌کرد، دو مار می‌پیچد که نمادی از شفابخشی و سمی بودن و هم بیماری و سلامتی است.



نانوائی

به کار بردن علامت بیسکویت شور به عنوان نماد دقیقی از یک نانوائی. از آلمان و اتریش نشأت می‌گیرد و از آن موقع در سراسر اروپا و آمریکا گسترش یافته است.



کارگشا یا گرو بردار

یکی از چند نظریه راجع به این نماد این‌گونه است که کارگشایان سه کره طلایی را به عنوان نماد اختیار کرده‌اند زیرا شانس‌های موضوعات به گرو گذاشته شده. دو به یک است.



جرم واقعی



دبیرخانه پشم بین‌المللی، ۱۰۰ درصد پشم خالص

علامت خدمات اطلاعاتی
تخم مرغ انگلیسکالاها در مزارع طبیعی
تولید شده‌اند

تخ خالص

معیارهای معامه اخلاقی شایسته
در بنیاد معامله درست

محصول طبیعی

(استاندارد) معیارهای انجمن
خاک مناسب برای مزارع طبیعی

پلاتین حداقل ۹۵ درصد

نشان‌دار شده توسط اداره
عیارسنجی لندننقره با عیار صحتیح حداقل ۹۲۵
درصد مهر شده در لیسبونعیار نقره، حداقل ۹۲۵ درصد
ساخته شده در فنلاندنقره، حداقل ۸۳ درصد ساخته
شده در سوئد

نشان کنترل دولت سوئد

نقره، فرانسه در ۱۷۹۵ نشان‌دار
شده استپلاتین مهر شده در دوبلین توسط
اداره سنجش عیارنقره، مهر شده در دوبلین اداره
سنجش عیارنقره، معیار بریتانیا حداقل ۹۵/۸
درصدطلا، مهر شده در دوبلین توسط
اداره سنجش عیار

نقره، ۹۵ درصد مهر شده در ایتالیا



عیار نقره، حداقل ۹۲۵ درصد

طلا، عیار ۱۸، حداقل ۷۵ درصد
ساخته شده در لیسبون

کنترل کیفیت

مهر گذاشتن بر روی فلزات گرانبها به عنوان دلیلی برای خلوص آنها از قرن چهاردهم آغاز شد. در بریتانیا، این نمادها را تحت عنوان «hall mark» (علامت استاندارد طلا و نقره) می‌شناختند، چرا که سنجش میزان خلوص آنها توسط صنف طلاسازان انجام می‌شد. از آن به بعد، کاربرد نمادهایی برای نشان دادن کیفیت محصولات به تنوع چرم تا تخم مرغ گسترش یافت.

رعایت معیارها (استانداردها)

بسیاری از کشورها، موسسات تعیین معیارهایی (استاندارد) دارند که معیارهای کیفیت، ایمنی، سلامت، تاثیر زیست محیطی و سایر عوامل مرتبط با کالاها و خدمات را مقرر می‌دارد و اندازه‌گیری می‌کند. محصولات و خدماتی که واجد این معیارها هستند، حق نمایش علامت و نماد موافقت این موسسات را دارند.

کنترل تجهیزات الکتریکی
(دانمارک)

شورای اتحادیه اروپایی



موسسه استاندارد انگلیس



موسسه استاندارد استرالیا



طرح گواهی اجباری چین



موسسه استاندارد کانادا

همچنین ببینید:

مار صص ۶۶-۶۷
بدن انسان صص ۱۱۴-۱۱۵
شکلها صص ۲۸۹-۲۸۴



آرم‌ها و مارک‌ها

را ادامه دادند. در قرن نوزدهم، علائم تجاری نه تنها صرفاً علائم خاستگاه و مبداء بودند، بلکه مشخصه یا امضا نیز بودند. این امر منجر به ظهور این تصور شد که آرم‌ها «خصوصیت برجسته» محصولات یا خدمات تولیدکنندگان را منعکس می‌کنند.

تاریخچه آرم‌ها و مارک‌ها به هزاران سال پیش برمی‌گردد. چینی‌ها، رومی‌ها، یونانی‌ها و مصریان باستان، همگی کالاهایی نظیر ظروف سفالی یا خشت‌ها را با نمادهایی ممهور می‌کردند تا نشان دهند که چه کسی آنها را ساخته است. در اروپا، سازمان‌های تجاری قرون وسطی، این رویه



◀ سازمان عفو عمومی بین‌المللی
موسس آن، پیتربنسون تحت تأثیر این تمایل چینی قرار گرفته بود که «بهتر است یک شمع روشن کنی تا این که به تاریکی دشنام دهی». شمع نمادی از امید، حمایت و نور امنیت در جهان است در صورتی که سیم خاردار برای ستمگری و فشار اقدام می‌کند.



CND ▲

آرم مبارزه برای خلع سلاح هسته‌ای اولین ظهور خود را بر اولین رژه صلح در آدرماستون (دهکده‌ای در برکشایر) در ۱۹۵۸ داشت. دایره نمادی از زندگی است. در صورتی که خطوط نشانگر جایگاه بازوها هستند تا هشدار برای «ND» (خلع سلاح هسته‌ای) به وسیله پیام باشند.



WWF ▲

صندوق جهانی حیات وحش در بریتانیا کبیر در ۱۹۶۱ در زمانی وارد کار شد که پاندای عظیم‌الجثه باغ وحش لندن یعنی «چی چی» به صورت جهانی مشهور بود. سرپیت اسکات که این شرکت را ایجاد کرد، این آرم اصلی را طرح‌ریزی کرد تا از جاذبه دوست‌داشتنی پاندا به نفع خود استفاده کند.



اکسفام^۱ بین‌المللی

این نام مختصر شده Oxford committee for famine Relief «سازمان اکسفورد برای کمک به قحطی» است که در ۱۹۴۲ تأسیس شد تا کمک‌هایی را برای یونان اشغال شده توسط آلمان نازی ارائه دهد. این آرم از حروف «O» و «X» تشکیل شده است تا به صورت تصنعی نشانگر سرو شانه‌ها باشند.



◀ پلیس بین‌الملل

کره زمین نمادی از این دامنه دسترسی تشکیلات پلیس، به صورتی جهانی است که در همراهی با آن، شاخه‌های زیتون به نشانه صلح، شمشیر برای اقدام و تأثیر، و ترازوها برای عدالت قرار دارند. «OIPC» و «ICPO» برای نشان دادن تشکیلات پلیس جنایی بین‌المللی در انگلیس و فرانسه بر بالای کره زمین قرار گرفته است.

▶ اتحادیه اروپایی

تعریف رسمی می‌گوید: «در برابر آسمان آبی دنیای غرب، ستارگان نشانگر مردم اروپا در یک دایره هستند که نمادی از اتحاد است. تعداد آنها همواره دوازده عدد خواهد بود که مظهری از تمامیت و کمال است.»



▶ حلقه‌های المپیک

این حلقه‌ها، نمادی از اتحاد ورزشی آفریقا، آمریکا، آسیا، اروپا و اقیانوسیه هستند رنگ‌ها (و از جمله رنگ سفید زمینه) نمادی از ملل رقابت‌کننده است که این رنگها در ۱۹۱۳ زمانی که این حلقه‌ها طرح‌ریزی شدند، در پرچم ملی آنها وجود داشتند.



▲ آجوی سیاه و تلخ گینیس جنگ، بخش مهمی از فرهنگ سلتی است و جنگ پادشاه بزرگ، بریان بورو نمادی از ایرلند قرن سیزدهم بوده است. گینیس آن را در سال ۱۸۶۲ اختیار کرد ولی جهت گیری تصویر، پرنکس آن جنگی است که در نشان و آرم ملی وجود دارد.

FedEx

Fedex ▲

تیر که به سوی راست اشاره دارد و در بین حروف «E» و «X» نشانه شده است، نمادی از سرعت و دقت فدرال اکسپرس (شرکت پست آمریکایی) است. قید و بند طراح برای پوشاندن تیر قابل توجه است، این نماد به عنوان یکی از هشت آرم برتر در تاریخ طراحی اخیر ارتقا یافته بود.



BMW ▲

این آرم خاستگاه‌های ب.ام.دابلو را به عنوان تولیدکننده موتور هواپیما یادآوری می‌کند. آرم گرد و چهارخانه از پرچم باواریا (آلبانی در جنوب شرقی آلمان) برداشته شده که (خانه ب.ام.دابلو) و نشانگر ملخ سفید هواپیما در آسمان آبی است.

مایکروسافت ویندوز

به اصطلاح «ویندوز» نامیده می‌شود، چرا که «محیط»های ترسیمی و روشنی (پنجره‌ها) را ارائه می‌دهد که کاربران با استفاده از یک ماوس در آنها هدایت می‌شوند. ماوس مفهومی انقلابی در دهه ۱۹۸۰ بود، که در آن زمان به کار انداخته شد. این نمادپردازی بسیار دقیق است، چرا که این آرم، پنجره‌های تصنعی با چهار شیشه رنگی است.

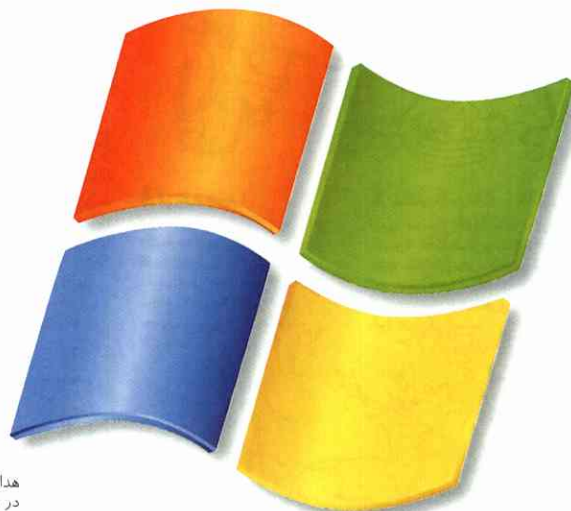


سازمان بهداشت جهانی

آرم سازمان بهداشت جهانی شامل آرم ملل متحد است در حالی که روی آن عصای آسکلیپوس* (خدای طب) قرار دارد که خدای یونانی پزشکی و شفابخشی است. آسکلیپوس اغلب در حالی تصویر می‌شد که عصای خود را در حالی نگاه می‌داشت که ماری به دور آن پیچیده بود.

ملل متحد

آرم UN نمادی از دنیای متحد در وضعیت صلح است. نقشه زمین از سوی قطب، بیشترین گستره خشکی زمین را نشان می‌دهد که با رنگ‌های UN به صورت رسمی کشیده شده است. کره زمین به وسیله شاخه‌های زیتون در بر گرفته شده‌اند که نمادی از صلح جهانی است.



سیترون

همچون پژو، علامت سیترون به قبل از این تجارتش برمی‌گردد. در سال ۱۹۱۳ اندره سیترون* با تولید چرخ‌دنده آغاز به کار کرد. او طرحی با دو مارپیچی را بنیاد نهاد که به وسیله دو علامت هشت نمادپردازی می‌شود.



پژو

شیر که نشان محلی شهر بلقورد French-comte بود. اولین بار در سال ۱۸۴۷ استفاده شد تا نشانگر تیغه‌های اراده باشد که به وسیله ابزارفرشی خانواده پژو ساخته می‌شد و نمادی از قابلیت انعطاف و سرعت برش بود.



مرسدس بنز

ستاره سه پر، نمادی از رویای ساختن ماشین برای زمین، هوا و دریا توسط گوتلیب دایملر* مخترع است، ماشین‌های دایملر با عنوان مرسدس به بازار عرضه شدند که نام دختر عضو هیات رئیسه بود. بعد از این که شرکت دایملر در ۱۹۲۸ با بنز ادغام گردید، ستاره هم حفظ شد.

فراری

این اسب سیاه در احترام به خلیان بی‌نظیر ایتالیایی در جنگ جهانی اول یعنی فرانچسکو باراکا* برگزیده شد چرا که او از این نماد بر روی هواپیمایش استفاده می‌کرد و به عنوان نماد اقبال خوب در نظر گرفته شد تا رانندگان فراری را به سوی پیروزی و شانس (توسعه) در مسابقات جهانی فراری هدایت کند. فراری‌ها در این ساخته شدند.

همچنین ببینید:

پستانداران صص ۵۲-۵۵
خانه صص ۲۳۸-۲۴۱
ابزار موسیقی صص ۲۷۴-۲۷۵
شکل‌ها صص ۲۸۴-۲۸۹



نشان‌های اصالت خانوادگی

یکی از پیچیده‌ترین و واقعاً مهم‌ترین بهره‌گیری از نمادها، در نشان‌ها و آرم‌های اصالت خانوادگی است که از مواردی نشأت می‌گیرد که شوالیه‌های قرون وسطی برای شناسایی در پیکارها استفاده می‌کردند. رکن اصلی در این نشان‌ها، سپر نشان‌دار یا حفاظ است که با انواعی از رنگ‌ها و

شکل‌ها («امور عادی») و علائم («مسئولیت‌ها») تزئین می‌شد. از آنجا که ایجاد نشان‌ها توسط جارچیان پادشاه (Herald) کنترل می‌شد، این هنر به عنوان heraldry یا علم نشانه‌های اصالت خانوادگی (علم انساب) شناخته می‌شود.

رنگ‌ها و امور عادی

سپرها (حفاظ‌ها) ممکن بود توسط «امور عادی» تقسیم شوند. این امور عادی اغلب شامل رنگ‌های نمادین است نظیر سیاه (سیاه: دوران‌دیشی، غصه)، نقره‌ای (سفید/نقره‌ای: بیگناهی و صلح)، نیلی (آبی: وفاداری)، سرخ (قرمز: شکیبایی)، سبز (سبز: عشق، امید، شادی) و یا (طلایی/زرد: ایمان، شکوه) و ارغوانی (پادشاهی و عدالت)

علائم معمول



▲ بلیکان

اغلب در حالی نشان داده می‌شود که آتش ریزان، از خون سینه‌اش، جوجه‌هایش را تغذیه می‌کند. بلیکان نمادی از نوع‌دوستی و فداکاری یا از خودگذشتگی است.



▲ لتویارد (شیر)

در نشان‌های خانوادگی، «لتویارد» و «شیر» را می‌توان به معنای حیوان‌های مشابهی دانست، هر دو نمادی از شجاعت هستند که به طور معمول بر روی نشان‌ها دیده می‌شوند.



▲ انتلوب (بز کوهی)

انتلوب با آگاسلا شخصی را نمادپردازی می‌کند که دیر عصبانی می‌شود، ولی در زمانی که ناراحت یا تحریک شود، تند و شدید خشمگین می‌شود. او نشانگر قربانی و حفاظت است.



▲ گوزن تر

نمادی از صلح و هماهنگی است. در مورد نشان‌های شهر هرت فورد شایر (شهری در هرت فورد شایر انگلستان) حضور یک گوزن تر بالغ، نوعی بازی با کلمات به صورت بصری است (که در علم نشان خانوادگی با عنوان «مقدس‌نما» شناخته می‌شود)



▲ سگ تازی

سگ‌ها، وفاداری و پابندی را نمادپردازی می‌کنند. سگ تازی بالاخص علامتی از سرعت و اشرافیت است.



▲ لنگر

علامتی مسیحی از امید و همچنین نمادی از ثبات قدم و امنیت است که اغلب در نشان‌های موسسات مربوط به کشتیرانی به کار می‌رود.



▲ دست بریده قرمز

این نماد از اولستر* (ایالتی در ایرلند) به وسیله افراد مهم و برجسته به کار می‌رود و به طور معمول از اسطوره‌های ناشی می‌شود که راجع به پادشاهی است که او با دست بریده خود، اولستر را اشغال کرد.



▲ چرخ

به صورتی بسیار معمول به عنوان چرخ درشکه یا چرخي که قدیسه کاترین بر روی آن شهید شد، در نظر گرفته می‌شود. این علامت نشانگر شانس و اقبال است.



▲ زین

نمادی از هنر سوارکاری (و بنابراین آمادگی شخص برای خدمت به کشورش) است. زین به صورتی دقیق‌تر، علامت شرکت سدلر* است.



▲ شاخ شکار

شاخ شیبوری و شاخ شکار نشانگر اشرافیت است چون شکار تفریحی اشرافی در نظر گرفته می‌شود.



▲ شکل هشت

حفاظت را نمادپردازی می‌کند. تغییرات در آن می‌تواند شامل شکل هشت کوتاه شده (که به کناره‌های سپر نمی‌رسد) و شکل هشت در راس باشد (که به لبه بالایی سپر می‌رسد)



▲ شکل کج

نقل شده است که اغلب برای نشان دادن حمایل (حمایل نشانه‌ای سرباز) یا بالا رفتن از نردبان است. در زمانی که این خط به صورت معکوس کشیده شود، تحت عنوان خط کج شوم شناخته می‌شود.



▲ صلیب

در نشان‌های اصالت خانوادگی بیشتر از صد نوع صلیب قابل شناسایی است که نمادی مسیحی بوده و از عیسی مصلوب نشأت می‌گیرد. این علامت در طول جنگ‌های صلیبی اختیار شده است و یکی از قدیمی‌ترین امور عادی است.



▲ نوار افقی^۱

برخی، رد خاستگاه این نوار را به کمربند نظامی می‌رسانند. افرادی که کمتر رمانتیک هستند، تصور می‌کنند که این نوار، صرفاً بازتابی از ساختار مادی یا طبیعی سپرهای اولیه است.



▲ تیرک

نقل شده که از «تیرک‌های» چوبی نشأت گرفته که برای ساختن حصارهای دفاعی به کار می‌رفته است. این امور عادی، نمادی از توانمندی جنگی و شکیبایی هستند.



▲ شمشه (آرم گرد)

دایره‌ای «پایین‌تر از حد امور عادی» (نمادی که به نظر می‌رسد اهمیت کمتری از امور عادی یا «امور عادی قابل احترام» داشته باشد) و نمادی از قابلیت اعتماد است.



▲ توده رنگی

اغلب نقل می‌شود که برای نشان دادن پایه‌هایی به کار می‌رود که در ساختن پل نظامی استفاده می‌شود. توده رنگی (مشابه نوار افقی در بالا) شاید صرفاً ساختار سپرهای اولیه را منعکس سازد.



تلقیات حیوانی (تلقی یعنی وضعیتی که در آن یک حیوان یا مخلوق اسطوره‌ای با وظیفه و مسئولیتی آراسته می‌شود)



▲ شناکننده^{۱۲}

ماهی یا پستانداری آبی در حال شنا نشان داده می‌شود. ماهی اغلب به خاطر بازی با الفاظ به صورت بصری اختیار کرده می‌شود. برای مثال Lucei (نام خانوادگی) برای خانواده Lucy، eel (مارماهی) برای خانواده (نوعی ماهی) Chub یا Ellis، chobbe برای خانواده.



▲ ماهی ایستاده^{۱۱}

یک ماهی یا پستاندار آبی (پستانداران دریایی زمانی به عنوان ماهی در نظر گرفته می‌شدند) در حالی که در حالت ایستاده بر روی دمش قرار گرفته است. اغلب برای نشان دادن حالتی حقیقی است به جای این که دلایل نمادین داشته باشد.



▲ نشان دادن کامل صورت^{۱۰}

حیوانی که صورتش به سوی مشاهده‌کننده است تا نمادی از دوراندیشی باشد. این شیر نشسته (که در حالت نشسته و نگاه‌کننده است) نشانگر دوراندیشی و خردمندی است.



▲ در معرض نمایش

پرنده‌ای (معمولاً عقاب) روی‌روی مشاهده‌کننده قرار دارد در حالی که بال‌ها و پنجه‌هایش در حالت گشوده است و سرش به یک سو چرخیده است. عقابی در معرض نمایش، بر مهر رئیس‌جمهوری آمریکا وجود دارد.



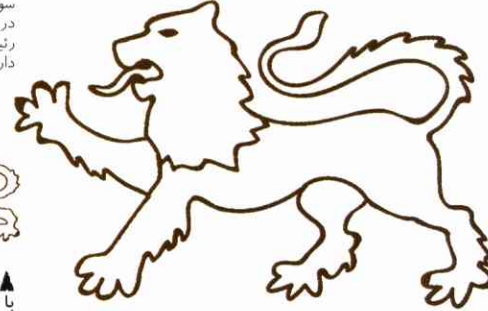
▲ خفته بودن^۹

حیوانی است که بر زمین دراز کشیده در حالی که سرش را بر روی پنجه‌های جلویی در حال استراحت، قرار داده است.



▲ دراز کشیده^۸

حیوان چهارپایی است که بر زمین دراز کشیده است در حالی که سرش در وضعیت ایستاده قرار دارد.



▲ گام برداشتن، قدم زدن^{۱۳}

حیوان شکارگر راه می‌رود. در حالی که پنجه خود را بالا آورده و از خود دور ساخته است و به جلو نگاه می‌کند. (در پایین هم، گام برداشتن برای حیوان شکار وجود دارد ولی با عبارت Trippant این تلقی، نمادی از تصمیم‌گیری است.



▲ گام برداشتن همراه با گرداندن سر به سوی تماشاگر^{۱۴}

حیوان شکارچی راه می‌رود در حالی که مستقیماً به مشاهده‌کننده نگاه می‌کند که نمادی از تصمیم‌گیری همراه با دوراندیشی است.



▲ گام برداشتن همراه با نگاه کردن به عقب^{۱۵}

حیوان شکارچی راه می‌رود در حالی که از بالای نشانه‌اش به پشتش می‌نگرد که نمادی از تصمیم‌گیری و احتیاط است.



▲ عنان گسیختگی^{۱۶}

حیوان شکارچی روی پاهای خود بلند شده، در حالی که به جلو می‌نگرد. این تلقی نمادی از بلندهمتی یا گشاده‌دستی است.



▲ عنان گسیختگی همراه با گرداندن سر به سوی تماشاگر^{۱۷}

حیوان روی پاهای خود بلند شده و به مشاهده‌کننده می‌نگرد. این تلقی نمادی از بلندهمتی و دوراندیشی است.



▲ پروازکننده^{۲۳}

پرنده‌ای در حال پرواز. نمادی از اشرافیتی است که از طریق شایستگی حاصل شده و این تلقی هم نشانگر آمادگی برای عمل یا اقدام است.



▲ گام برداشتن، قدم زدن

حیوان چهار پایی از نوع حیوان شکار (نظیر گوزن تر یا گوزن) در حال دیدن نشان داده می‌شود در حالی که یک پایش را بالا آورده است چنین وضعیتی به صورت مشابه برای چهار پایان شکارگر را با عنوان Passant می‌نامند.



▲ ایستادن^{۲۲}

حیوان چهار پا (یا یک پرنده نظیر لک یا حواصیل) ساکت ایستاده است در حالی که چهار پا یا دو پای او زمین را لمس می‌کند. در مورد چهار پا، این تلقی، نمادی از آمادگی برای بیکار است.



▲ در حال نشسته^{۲۰}

حیوان به صورت نشسته نشان داده نشده که نمادی از عدالت، خردمندی و توصیف پند خوب است. دو حیوان می‌توانند در حالت نشسته پشت به پشت^{۲۱} هم باشند.



▲ در حال جهیدن^{۱۹}

حیوانی نظیر شیر یا گرگ در حال پریدن و جهش کردن نشان داده می‌شود. این تلقی نمادی از شجاعت و ثور است.



▲ عنان گسیختگی همراه با نگاه کردن به عقب^{۱۸}

حیوان شکارچی روی پاهای خود بلند شده در حالی که از بالای نشانه‌هایش به پشتش می‌نگرد که نمادی از بلندهمتی و احتیاط است.

علائم نزولی^{۲۴}

برای افتراق قائل شدن بین دو یا تعداد بیشتری از پسران که مجاز به داشتن نشان‌های اصالت خانوادگی هستند، نظامی از علائم نزولی همراه با نمادهای مختلفی برای هر پسر شکل گرفت. پسران پسران، هر یک علامتی را به علامت پیشین اضافه می‌کردند. برای مثال پنجمین پسر از سومین پسر یک شکل حلقوی را به شاه ماهی اضافه می‌کرد.



چهارمین پسر: پرستوی معمولی اروپایی، یادفیک



سومین پسر: ستاره پنج‌پر



دومین پسر: هلال ماه



اولین پسر: برج‌سب باریکی یا سه دندان



نهمین پسر: گل هشت‌پر^{۲۵}



هشتمین پسر: صلیب شاخه‌دار و انحدار



هفتمین پسر: روز



پنجمین پسر: شکلی حلقوی

- 1- Fesse
- 2- Antelope
- 3- Agacelia
- 4- Leopard
- 5- herford
- 6-Ulster
- 7- Company of saddlers
- 8- Couchant
- 9- Dormant
- 10- Gardant
- 11- Hauriant
- 12- Nayant
- 13- Passant
- 14- Passant gardant
- 15- Passant regardant
- 16- Rampant
- 17- Rampant gardant
- 18- Rampant regardant
- 19- Sallient
- 20- Sejan
- 21- Sajet addorse
- 22- Statant
- 23- Volant
- 24- Cadence
- 25- octofail

همچنین ببینید:

- پستانداران صص ۵۳-۵۵
- پرنده‌ها صص ۵۸-۶۱
- عقاب‌ها صص ۶۲-۶۳
- مخلوقات آبی صص ۶۸-۷۱
- مسیحیت صص ۱۷۶-۱۷۹



آرم‌ها (نشان یا علامت دولت یا خانواده)

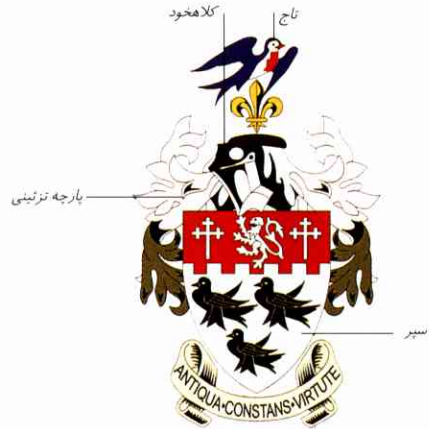
در حداکثر مواقع، نشانه‌ها و آرم‌ها به صورت سپری (تزیین شده) همراه با کلاهخود، تاج آن، پارچه تزیینی و نگهبانان (نگاره‌هایی در طرفین سپر) تشکیل می‌شود. اغلب و نه همیشه، شعاری هم وجود دارد. در اصل،



تاج این سپر را
البرایت اول اعطا
نموده است. شیر تاجی
بر سر و رز تندور را
در دست دارد.

جراغ معدنچیان

نگهبانان



پارچه تزیینی

سپر

▲ شهر اکسفورد^۱

این سپر خاستگاه شهر را تصویر می‌کند و بر روی سطح جلویی آن گاو نری دیده می‌شود. نگهبانان نشانگر و عضو از دربار البرایت اول هستند. یعنی فیل سیاه متعلق به سر فرانسیس کنولیس^۲ و بیدستر سبز متعلق به هنری توری^۳ است.

▲ کاستل فورد^۲ (شهری در انگلستان)

این شهر به وسیله قصری بر روی سطح جلویی سپر، نشان داده می‌شود. خاستگاه رومی آن بر روی تاج سپر است یعنی عقابی رومی که چراغ معدنچیان بر روی آن قرار دارد و نمادی از صنعت زغال سنگ محلی است.

▲ آرنولد^۱ (شهری در انگلستان)

این نشانه‌ی منطقه‌ای (در تقسیمات شهری) سه پرستو را نشان می‌دهد که در علم انساب با عنوان بادفیک (پرستوی اروپایی) شناخته می‌شود. بازی با کلمات به صورت بصری در علم انساب معمول است. واژه فرانسوی برای پرستو Hironde است که صدایش شبیه به Arundel است.



پرچم‌های دومینیکن از
نیزه‌ها آویزان است.

شاخه ریئون
نگهبانان

شاخه نخل
نگهبانان



عصای اسقفی و کلاه
اسقفی اسقف اورگل

سه تیرک قرمز برای
کنت فوینکس

چهار تخته برای آراگون

دو گاو برای خاندان فوینکس



نجیب‌زاده‌های انگلیسی
و ایرلندی مجاز به
استفاده از دست بریده
قرمز هستند.

خرس سیاه خانواده
سیت ول که نمادی از
شجاعت است.

خرس‌های پوزه
بند رده شده
نمادی از قدرت
خانواده فوینکس
هستند.

▲ جمهوری دومینیکن

ربع‌های قرمز و آبی سپر، بازتابی از پرچم ملی است. صلیب در مرکز نمادی از دین ملی است و انجیل باز شده بر روی آن قرار دارد که بر روی آیه یوحنا: ۳۲ است که «و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت».

▲ قلمرو آندورا^۱ (در جنوب غربی اروپا)

صفحه جلویی سپر، نشانگر حاکمان مشترک آندوراست (آندورا به صورت مشترک توسط رئیس‌جمهوری فرانسه و اسقف اورگل^۱ حکومت می‌شود). در یک سو، یک کلاه اسقفی است (برای اسقف اورگل) اسقف‌نشین کانولیک رومی در کاتالونیا، اسپانیا و اورگل. سه تیرک در سوی دیگر (متعلق به کنت فوینکس^۲ [در ۱۲۸۷ بر طبق معاهداتی بین اسقف اورگل و کنت فرانسوی فوینکس، این کشور تاسیس شد] چهار تخته باریک (متعلق به تاج آراگون^۳) [بخش خودمختار در اسپانیا] و دو گاو (متعلق به خاندان فوینکس - بیم^۴) [در نیمه پایین سپر است.

▲ خانواده سیت ول^۶

نشان اصلی سیت ول، سپر بزرگ است در صورتی که سپر کوچکتر نشان خانواده فوینکس^۲ است. لیدی سیت ول که هیچ برادری نداشت مجاز شد تا از آن استفاده کند و همسر او (سر ررسی^۵) آن را به نام خودش به تیت رسانید.



► اکوادور

روی سپر، کوه چیمبورازو^۱ و رودخانه کوایاس^۲ و یک قایق (به معنای تجارت) و خورشید (سنت پیش کلمبیایی) دیده می‌شود. بر روی تاج، یک گنبد آمریکایی به معنای قدرت و شجاعت است. در صورتی که برگ‌های نخل و برگ بو نمادی از صلح و شرافت است.

ایزارهایی که نمادی از
صنعت استخراج معدن است.

► زیمبابوه

خط‌های موجدار،
آب‌های سفید آبشار
ویکتوریا را نمادپردازی
می‌کند. در تاج آن
عقاب طلایی است
که نشانگر آزادی و
امید برای آینده است.
نگهبانان دو نفر
از اعضای این ملت
هستند.



ذرت
نشان‌دهنده
کشاورزی این
کشور است.



نشانه‌های مشرقی احترام

ژاپن تنها کشور در خارج از اروپاست که نظامی سنتی از تاج‌ها و تیغه‌های نمادین را دارد که شبیه به نشان‌های اصالت خانوادگی هستند. مشابه علم انساب، نظام ژاپنی مون^{۱۶} («علائم») از اشرافیت قرون وسطی نشئت می‌گیرد و علائم اغلب در پیکارها برای شناسایی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. مون که اغلب به شکل دایره است، ممکن است نشانگر حشرات، گیاهان، اجرام آسمانی یا موضوعاتی نظیر تیر و زنگ باشد. الگوهای نمادین، شامل نشانه‌های دایره‌ای، زمانی در لباس درباری چینی، به صورت سنتی هم به کار می‌رفت تا اشاره به شأن و رتبه داشته باشد.

سایبان



ترب کوهی



درخت گلدار، بر روی تاج یک ملکه



چتر آفتابی



دانشگاه سوربن

این مهر خاستگاه‌های مذهبی سوربن را منعکس می‌سازد. در قرون وسطی Universitas به معنای «صف» بود پس شعار آن می‌گوید «صف استادان و محققان پاریس».



دانشگاه سیدنی

کتابی گشوده نمادی از معرفت و همچنین نشانگر دانشگاه آکسفورد است. در صورتی که شیر سلطنتی، کمبریج را نشان می‌دهد. در قسمت پایین سیر، چهار ستاره بر روی صلیب جنوبی قرار دارد که صورت فلکی نیمکره جنوبی است.

دانشگاه هایدلبرگ^{۱۷}

همچون سوربن، این مهر خاستگاه‌های مذهبی و معماری قرون وسطایی دانشگاه را منعکس می‌سازد. در اصل با عنوان دانشگاه روپرشت کارلز شناخته می‌شد. هایدلبرگ از قدیمی‌ترین موسسات تحصیلاتی در آلمان است.



هاروارد



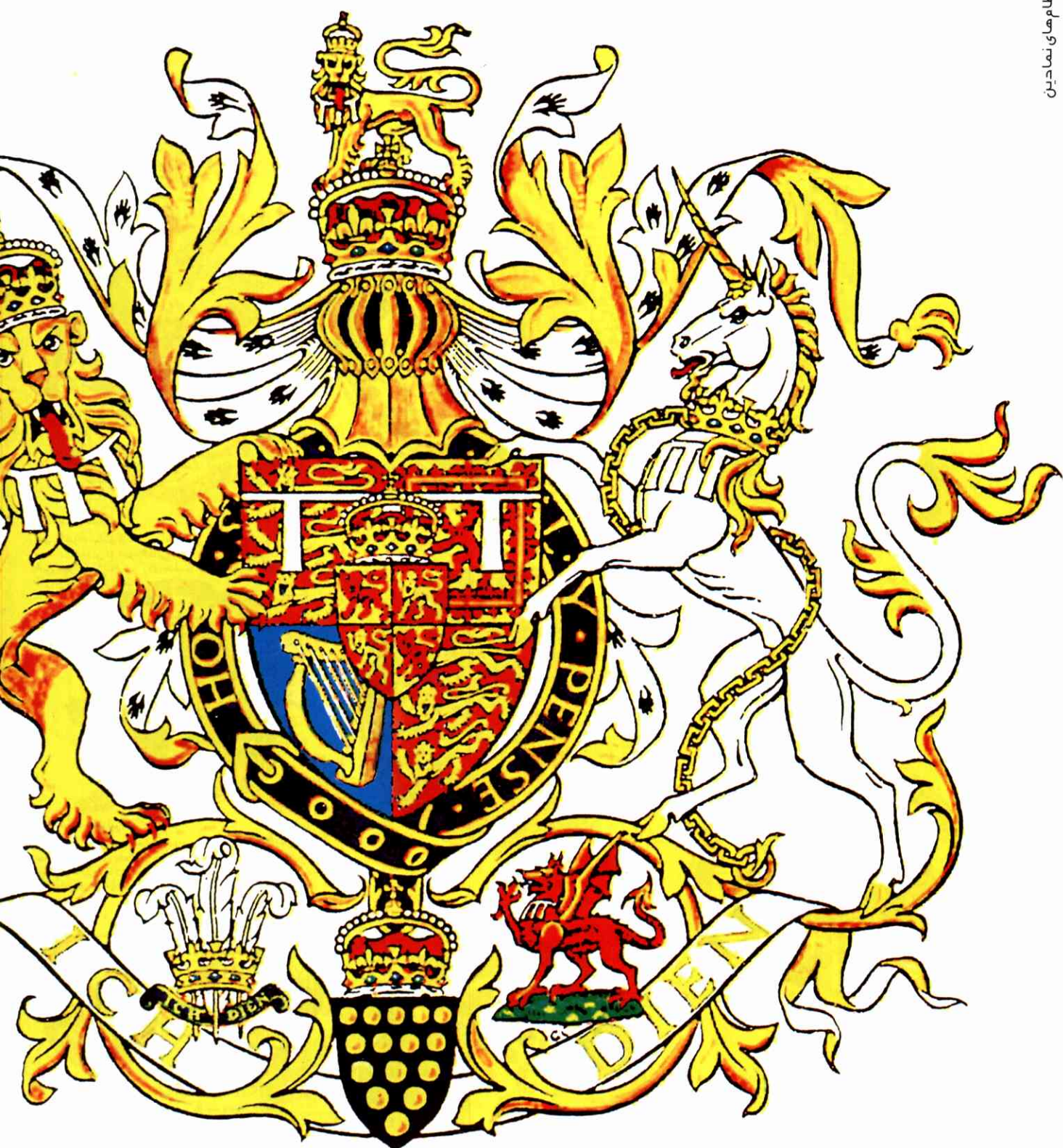
دانشگاه کمبریج

در ۱۵۷۳ واگذار شد. بر روی بخش‌هایی که یک صلیب را به وجود می‌آورند (علائم مسیحیت) چهار شیر در حالت گام برداشتن همراه با گرداندن سر به سوی تماشاگر (تصمیم‌گیری و دوراندیشی) کتبی (معرفت) قرار دارد.

- 1- Arundel
- 2- Castleford
- 3- Oxford
- 4- Sir Francis Knollys
- 5- Henry Norrey
- 6- Sitwell
- 7- Forbes
- 8- Sir Reresby
- 9- Andorra
- 10- Urgell
- 11- Count Foix
- 12- Aragon
- 13- Foix-beam
- 14- Chimborazo
- 15- Guayas
- 16- Heidelberg
- 17- Mon

همچنین ببینید:

- ۵۲-۵۵: پستانداران
- ۸۲-۸۵: گل‌ها
- ۵۸-۶۱: پرندگان
- ۸۰-۸۱: گیاهان
- ۱۷۶-۱۷۹: مسیحیت





نشان دولتی شاهزاده ولز

قدمت طرح نشان شاهزاده ولز به دوره حکومت ملکه ویکتوریا بازمی‌گردد، ولی عناصر گوناگون، نشان‌دهنده قرن‌ها تاریخ است. پسران این شاهزاده، یعنی شاهزادگان ویلیام و هری هر یک نشان خودشان را در روز تولدشان در ۱۸ سالگی دریافت کردند. در هر دو مورد نشان، ارکان اصلی از نشان‌های سلطنتی نشئت می‌گرفتند. به صورت سنتی، این نشان‌ها، علامت‌هایی را از خانواده اسپنسر^۱ داشتند که خانواده مادر شاهزاده یعنی دیانای مرحوم یا ملکه ولز بودند.



نشان شاهزاده ویلیام

یک علامت نزولی سفید، یعنی تکه برجسب باریکی با سه دندانه نشان می‌دهد که این نشانه متعلق به اولین پسر است. صدف خوراکی قرمز از خانواده اسپنسر نشئت می‌گیرد. چنین صدف‌هایی در اصل نمادی از زیارت بودند.



۱ و ۲: نگهدارنده‌ها

نگهدارنده‌های این سیر. یک شیر (شجاعت) و یک اسب تک‌شاخ (فضیلت) هستند. اگر چه برجسب باریکی را در اطراف گردنشان دارند تا نشان دهند که این نشانه‌ها به بزرگ‌ترین پسر پادشاه تعلق دارند.

۳: سیر

هر ربع این پسر. علامت‌های سلطنتی بریتانیای کبیر را تصویر می‌کند. شیرهای طلایی نشانگر حاکمان انگلستان هستند. شیر قرمز به اسکاتلند تعلق دارد و جنگ مربوط به ایرلند است.

۴: علامت شاهزاده

سه سیر شتر مرغ علامت وارث مسلم است که این سه بر به وسیله نیم تاجی جواهرنشان در بر گرفته شده‌اند. در زیر آن شعار شاهزاده ولز است. «(من خدمت می‌کنم)»

۵: اژدهای ولزی

روبه‌روی برهای شاهزاده، علامت اژدهای قرمز است که نمادی از ولز است.

۶: چرخ سکان سلطنتی

بلافاصله در بالای سیر. دسته سکان سلطنتی است. آویزهای طلایی و از پوست قاقم در هر دو طرف آن. برای تزئین به کار رفته است.

۷: تاج سلطنتی

بر بالای آن. شیری طلایی قرار دارد که بر روی نیم تاجی بزرگ ایستاده و در همان حال در اطراف گردنش، نیم تاج شاهزاده ولز و یک تکه برجسب باریکی سفید است.

۸: دوک‌نشین کورنوال^۲

شاهزاده ولز، دوک کورنوال هم هست و سیر کوچکتر، ۱۵ بیژانت (سکه طلا) را تصویر می‌کند که نشانه دوک کورنوال است. سکه‌ها نشانگر پول آزادسازی یا فدی‌ای است که برای آزادی دوک کورنوال پرداخته شد که در طول جنگ‌های صلیبی زندانی شده بود.



نشان شاهزاده هری

علامت نزولی یک تکه برجسب باریکی با ۵ دندانه است که به وسیله همه نوه‌های پادشاه به جز بزرگ‌ترین پسر وارث استفاده می‌شود. نشانه شاهزاده هری دارای سه صدف خوراکی قرمز است که نشأت گرفته از خانواده اسپنسر است.

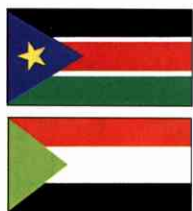


پرچم‌ها

دالالت دارد، مخالفت دارند. در اصل، پرچم برای شناسایی واحدهای نظامی در میدان نبرد به کار می‌رفت، اما حالا پرچم‌ها، به صورتی بسیار معمول به عنوان نمادهای دولتی به کار می‌روند. پرچم‌های همه ۱۹۰ ملل شناخته شده، به صورت بین‌المللی در این شش صفحه تصویر شده است.

پرچم‌ها، علائم قدرتمندی از هویت هستند و می‌توانند نمادهایی از وفاداری و سرسپاری و یا ستم و ستم‌دیدگی باشند. يك پرچم می‌تواند هم ویژگی گرد هم آورنده و متحدکننده برای پشتیبانان يك ملت یا انگیزه و آرمان آنها باشد و هم هدفی برای کسانی که با آنچه که پرچم بر آن

آفریقا



سودان جنوبی



مصر



لیبی



تونس



الجزایر



مراکش



رواندا



کنیا



اوگاندا



سومالی

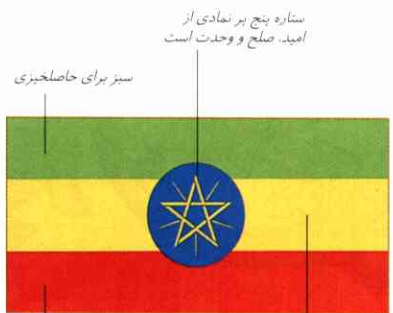


جیبوتی



اریتره

▼ **انتوبی**
از زمان طرد مستعمره‌نشینان ایتالیایی در ۱۸۶۹ سبز، زرد و قرمز، رنگ‌های انتوبیایی بودند که تفاسیر نمادپردازی آن گوناگون است، اما عموماً قرمز برای نشان دادن خونی است که در نبرد برای استقلال ریخته شد، زرد نمادی از صلح است و سبز حاصلخیزی و باروری سرزمین را نشان می‌دهد. این «رنگ‌های سراسر آفریقایی به وسیله دیگر ملل آفریقایی که بر استقلال انتوبی هم پیشی جست‌اند، اختیار شده است. ستاره پنج پر، نشئت گرفته از مهر سلیمان است که نمادی از امید برای آینده است در صورتی که پرتوهای ساطع شده از آن، نمادی از صلح و اتحاد برای گروه‌های قومی گوناگون در انتوبی است.



ستاره پنج پر نمادی از
امید، صلح و وحدت است.

سبز برای حاصلخیزی

زرد برای صلح

قرمز برای خونریزی



نیجر



جمهوری دموکراتیک کنگو



جمهوری آفریقایی مرکزی



بوروندی



سنگال



مالی



موریتانی



چاد



گینه



گینه بیسائو



کیپ ورد



گامبیا



آمریکای جنوبی



ونزوئلا



کلمبیا



سورینام



گویانا



گینه استوایی



سیرالئون



لیبیریا



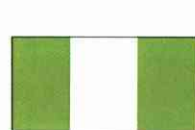
سیرالئون



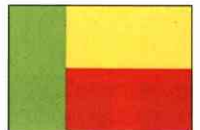
لئون



سیرالئون



سیرالئون



سیرالئون



پرو



اکوادور



تانزانیا



زامبیا



آنگولا



جمهوری کنگو



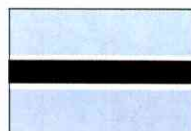
شیلی



برزیل



لسوتو



بوتسوانا



نامیبیا



موزامبیک



پاراگوئه



اوریگوئه



موریتس



ماداگاسکار



کومور



سینگل



آرژانتین



اروگوئه



گابون



سائوتومه و پرنسیپ



توگو



غنا



همچنین ببینید:
رنگ‌ها صص ۲۸۰-۲۸۳
شکل‌ها صص ۲۸۴-۲۸۹



آمریکای شمالی و مرکزی

اروپا



نروژ



ایسلند



بلیز



گوآتمالا



مکزیک



کانادا



سوئد



دانمارک



کاستاریکا



نیکاراگوئه



هندوراس



السالوادور



استونی



فنلاند



جامائیکا



پاناما



لیتوانی



لتونی



باهاماس



کوبا



آلمان



لهستان



جمهوری دومینیکن



هائیتی



ایرلند



بلژیک



سنت لوسیا



دومینیکا



آنتیگوا و باربادا



سنت کیتس و نویس



لوکزامبورگ



فرانسه



ترینیداد و توباگو



باربادوس



گرنادا



سنت وینسنت و گرنادین‌ها

ایالات متحده

اولین پرچم آمریکا (که در ۱۷۷۶ معرفی شد) ۱۳ نوار داشت که نشانگر اتحاد ۱۳ مستعمره‌نشین یانگی بود و پرچم انگلیس در گوشه بالای آن قرار گرفته بود. اولین ستاره‌ها و نوارها، در سال بعد معرفی شدند در زمانی که دایره‌ای با ۱۵ ستاره سفید بر زمینه آبی جایگزین پرچم انگلیس شد. از آن زمان این پرچم ۲۶ تغییر داشته است که اولین آن در ۱۷۹۴ بود در زمانی که دو ستاره و نوار اضافی بعد از پذیرش ورمونت و کنتاکی به این اتحاد، به پرچم اضافه شد. در ۱۸۱۸ تصمیم گرفته شد که تعداد نوارها، دوباره به ۱۳ عدد بازگردانده شود (که نمادی از ایالت‌های اصلی باشد) و این که ستاره‌ها فقط برای دولت‌های جدید اضافه می‌شوند.

۱۳ نوار که نمادی از ایالت اصلی است.
۵۰ ستاره نشانگر ایالت فعلی





ه‌لند

به صورت رسمی در ۱۵۷۲ در طول هشتاد سال جنگ در برابر حاکم اسپانیایی برگزیده شد. پرچم اهالی هلند قدیمی‌ترین سه رنگ دنیاست که بر مبنای رنگ‌های حکومت آن زمان یعنی شاهزاده اورانژ بود که پرچم او نارنجی، سفید و آبی بود و آن را به عنوان پرچم سه رنگ شاهزاده می‌شناختند. به جهت برخی از دلایل از دست رفته در گذر تاریخ - شاید به جهت وضوح بیشتری و یا به جهت این که رنگ نارنجی به سوی قرمز تمایل یافت - این رنگ، بعدها جهش یافت و سه رنگ آبی، سفید و قرمز رایج شد. در ۱۹۷۲، کشور هلند برای چهارصدمین سالگرد پرچم جدید خود مراسم تمبر پستی خاصی بزرگداشتی را برپا داشت. ساکنان هلند پذیرفتند که پرچم شاهزاده اصلی تا ۱۹۹۴ در پرچم آفریقای جنوبی باقی بماند.

قدیمی‌ترین پرچم سه رنگ. این اندیشه ساده و مشخص استفاده از نوارهای سه رنگ از آن زمان به وسیله پنجاه ملت دیگر اختیار شده.



اسپانیا



پرتغال



آندورا



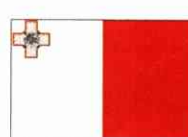
موناکو



سان مارینو



واتیکان



مالتا



ایتالیا



مجارستان



اتریش



لیختن‌اشتاین



سوئیس



مونته‌نگرو



بوسنی و هرزگوین



کرواسی



اسلوونی



اسلواکی



جمهوری چک



بلغارستان



مقدونیه



آلبانی



صربستان



بلاروس



مولداوی



رومانی



یونان



کوزوو



قزاقستان روسیه



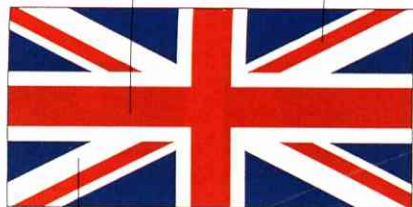
اوکراین

بریتانیای کبیر

این پرچم در تداول عام اتحاد چک نامیده می‌شود. پرچم بریتانیای کبیر، به صورت رسمی، پرچمی متحد شده و نمادی از اتحاد پادشاهی‌های انگلستان، اسکاتلند و ایرلند در نظر گرفته می‌شود. در ۱۶۰۳ پادشاه جیمز ششم از اسکاتلند، پادشاه جیمز اول در انگلستان شد و سه سال بعد پرچم‌های انگلیس و اسکاتلند به صورت پرچم جدیدی برای انگلستان آمیخته شدند که ترکیبی از صلیب قرمز قدیس جرج بر زمینه سفید (از پرچم انگلیس) و صلیب ضربدری قدیس آندرو بر زمینه آبی (پرچم اسکاتلند) بود. در اول ژانویه ۱۸۰۱، بعد از اتحاد با ایرلند، صلیب ضربدری قدیس پاتریک افزوده شد و پرچم حاضر به وجود آمد. این پرچم متحد، در پرچم‌های استرالیا، زلاندنو، فیجی و تووالو هم دیده می‌شود.

صلیب قدیس جرج
(انگلستان)

صلیب ضربدری قدیس
پاتریک (ایرلند)



همچنین ببینید:

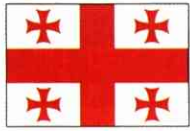
رنگ‌ها صص ۲۸۳-۲۸۱

شکل‌ها صص ۲۸۹-۲۸۴



استرالیا و اقیانوسیه

آسیا



گرجستان



ترکیه



ارمنستان



آذربایجان



وانواتو



استرالیا



قبرس



سوریه



لبنان



پالوآ گینه نو



فیجی



عمان



یمن



عربستان سعودی



اردن



پالائو



جزایر سلیمان

نیپال
پرچم نیپال تنها پرچم است که نه چهار گوش است و نه مستطیل، بلکه از ترکیب دو سه گوش ساخته شده که مربوط به حاکمان نیپالی رقیب است. حاشیه آبی نمادی از صلح و هماهنگی است، در صورتی که زمینه سرخ آتشین نشانگر بی‌باکی و شجاعت است. هلال ماه نشانگر خاندان سلطنتی است در حالی که خورشید نمادی از خاندان رانا در نیپال است. تفسیر برای این نمادها، گویاگون است اما نشان‌دهنده این امید است که به همان میزان که آنها در آسمان هستند، نیپال باقی بماند.



قطر



امارات متحده عربی



جزایر مارشال



میکرونزی



کویت



بحرین



کیریباتی



نائورو



در طول قرن‌ها، پرچم سه گوش نمادی هندی درباری پیروزی بوده است.



ایران



عراق



ساموآ



تووالو



مغولستان



قزاقستان



ازبکستان



ترکمنستان



زلاندنو



تونگا



هند



بوتان



پاکستان



افغانستان



تاجیکستان



قرقیزستان



لائوس



تایلند



برمه



بنگلادش



سریلانکا



مالدیو



سنگاپور



تیمورشرقی



اندونزی



مالزی



وینام



کامبوج

**پرچم آبی**

برای سواحل مقرر شده تا معیارهای تمیزی، امنیت، خدمات و مدیریت زیست محیطی را برآورده سازد که به وسیله بنیادی در امور تحصیلات زیست محیطی مشخص می‌شود.

**پرچم‌های نیایش بودایی**

پنج پرچم نشانگر قضا (آبی)، آب (سفید)، آتش (قرمز)، هوا (سبز)، زمین (زرد) است. آنها تجسم بخش نیایش‌هایی هستند که باد آنها را می‌برد تا اقبال را بیاورد و صلح را ترویج سازد.

همچنین ببینید:

خورشید صص ۱۶-۱۷

ماه صص ۱۸-۱۹

رنگ‌ها صص ۲۸۰-۲۸۳

شکل‌ها صص ۲۸۴-۲۸۹

سایر پرچم‌ها**پرچم سبز**

«برو» - این پرچم در جاده‌ها، جاده‌های ریلی و سایر وضعیت‌ها به کار می‌رود تا علامتی باشند که همه چیز آشکار و امن برای پیش رفتن و ادامه دادن است.

**پرچم سفید**

نمادی شناخته شده از حقیقت، آتش‌بس نظامی یا تسلیم شدن به صورت بین‌المللی است. بر طبق موافقتنامه زنو، حامل پرچم سفید مورد محافظت قرار می‌گیرد.



فیلیپین



برونی



چین



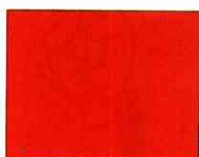
تایوان



کره جنوبی



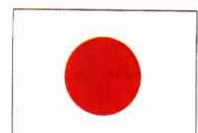
کره شمالی

**پرچم قرمز**

«توقف» - در بیشتر حالات، این پرچم به عنوان علامتی از خطر و یا به عنوان علامتی از توقف شناخته شده است. پرچم قرمز نماد سوسیالیسم است.

**پرچم شطرنجی**

به مدت بیشتر از یک قرن در مسابقات موتوری به کار می‌رفت تا نشان دهد که رهبر یا نفر اول، مسابقه را تمام کرد. این پرچم اکنون در سایر میدان‌ها به کار می‌رود تا نشان‌دهنده موفقیت برای تکمیل یک وظیفه باشد.



ژاپن



زبان‌های نشانه‌ای و علامت‌ها

را به جای صورت شفاهی، از طریق دست منتقل سازد. زبان نشانه‌ای برای ناشنوایان از قرن شانزدهم شکل داده شد و بسیاری از وضعیت‌های دیگری نیز وجود دارد که ارتباط غیرشفاهی را ضروری یا خوشایند می‌سازد.

زبان‌های نشانه‌ای با حالت‌های نمادین تفاوت دارند. اگرچه مشابهاتی هم وجود دارد. يك حالت، می‌تواند يك اندیشه تنها را منتقل سازد. اما زبان نشانه‌ای، نظامی از حالت‌ها و نشانه‌هاست که کاربر را قادر می‌سازد تا مجموعه اندیشه‌هایی

الفبای دستی در زبان نشانه‌ای آمریکایی

الفبای دستی برای یادگیری زبان نشانه‌ای، نقطه آغاز مفیدی است. اما بیشتر این اشارات، به جای هجی حرف به حرف، کل کلمات را منتقل می‌سازند. این الفبا، اساساً برای اسامی ویژه و اختصاصی یا واژگان تخصصی به کار می‌رود.





علامت‌های هدایت هواپیمایی

دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌های منتقل شده به وسیله این علامت‌ها بسیار ساده، اما حیاتی برای هدایت خلبانان و یا کارکنان روی زمین با سر و صدای بسیار زیادی است که در محیط می‌باشد. افراد علامت دهنده از دستکش یا چراغ خطرهای روشن شده استفاده می‌کنند.



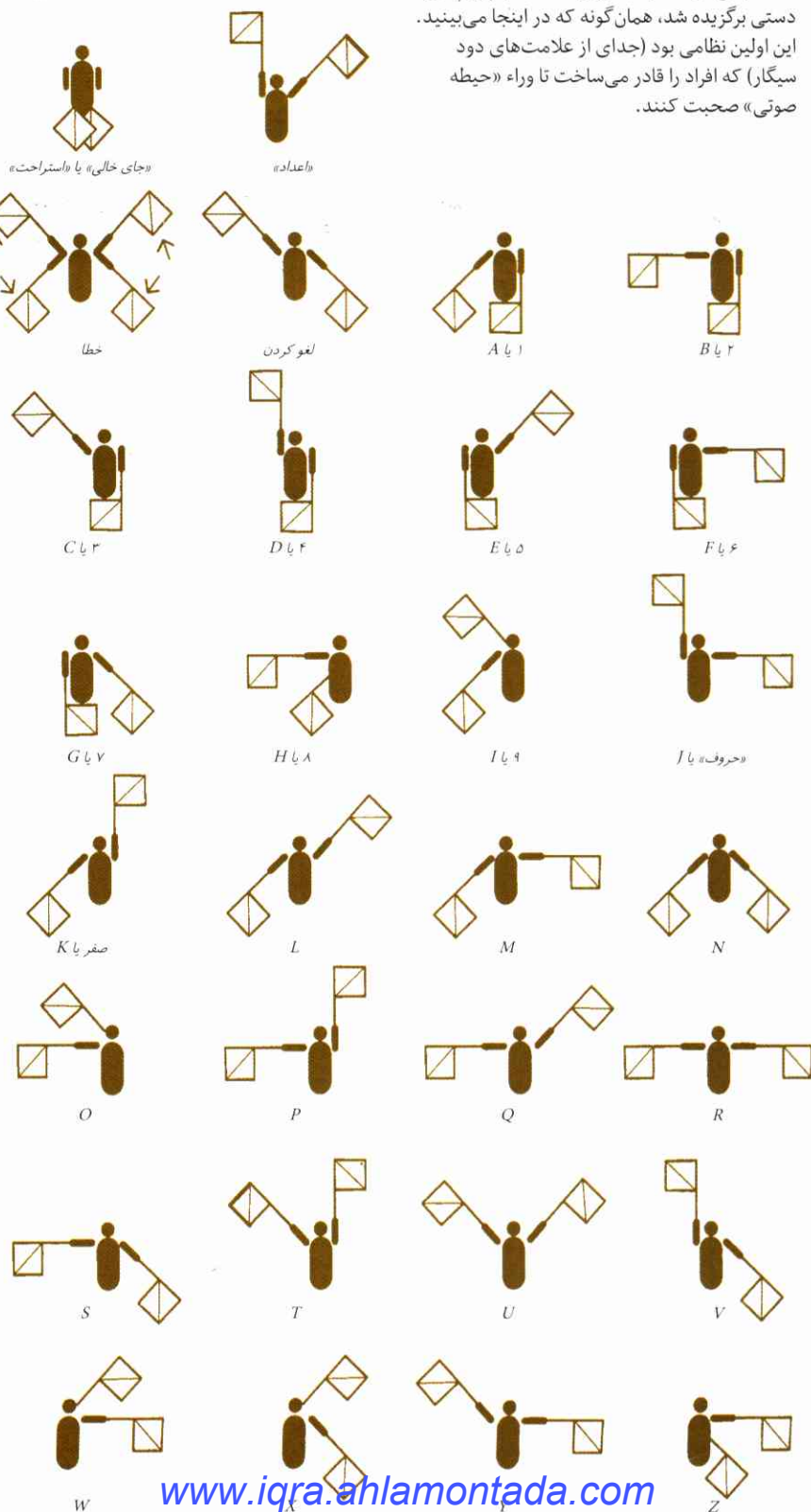
همچنین ببینید:

الفبا صص ۳۰۹-۳۰

حالت‌های نمادین صص ۲۲۷-۲۲۴

پیام^۱

یک فرانسوی به نام کلود چاپ^۲، نظامی از پیام را در ۱۹۷۳ ابداع کرد که بعدها برای استفاده با پرچم‌های دستی برگزیده شد، همان‌گونه که در اینجا می‌بینید. این اولین نظامی بود (جدای از علامت‌های دود سیگار) که افراد را قادر می‌ساخت تا وراء «حیطه صوتی» صحبت کنند.





غواصی

توانایی برقراری ارتباط با دوستان غواص در زیر آب، برای غواصان امری ضروری است. مجموعه‌ای از علامت‌های معیار، شکل یافته است تا پیام‌های حیاتی را منتقل سازد نظیر «بالابرو»، «پایین برو» یا «من اکسیژنی در کپسول ندارم.»



خوبم / آیا تو خوبی؟



مشکلی وجود دارد



بالا می‌روم



پایین می‌روم



در کپسول ۱۵۰۰ پی‌اس‌آی باقی مانده است.



۷۵۰ پی‌اس‌آی در کپسول باقی است.



من هوا ندارم



توقف



آهسته‌تر



با هم حرکت کنیم یا به‌انتم



در همین عمق بمانیم



نگاه کن



من سردم است



گوش‌هایم نمی‌شنود



احساس نفس‌بردگی



احساس نفس‌بردگی



علامت‌های داور کریکت



گذشتن توپ از خط عرضی دروازه امتیاز بدون توپزن



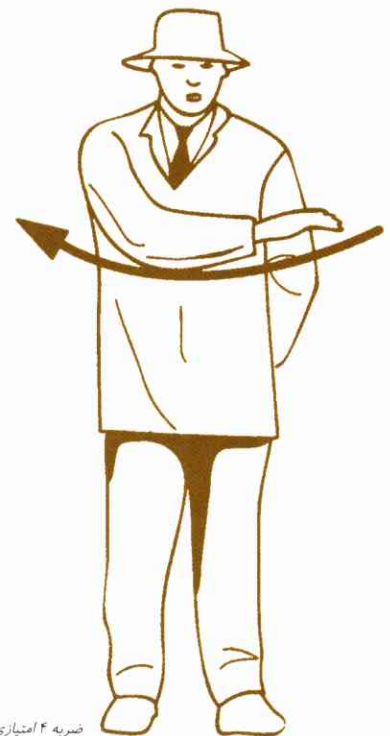
توپ اوت شده، پرتاب دور از میله‌های کریکت و دور از دسترس توپزن



توپ خارج از بازی



ساعت آخر بازی



ضربه ۴ امتیازی



اخراج



پرتاب خطا



ضربه شش امتیازی



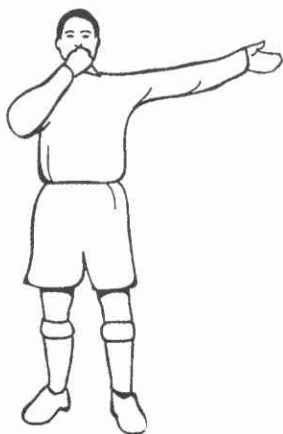
امتیاز با دویدن در نتیجه خوردن توپ به بدن توپزن و منحرف شدن آن



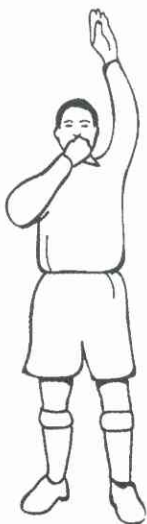
فوتبال رسمی



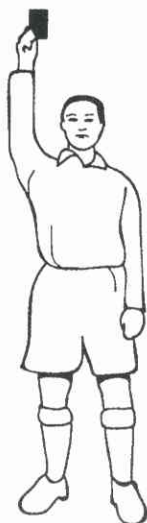
فوتبال آمریکایی



ضربه آزاد مستقیم



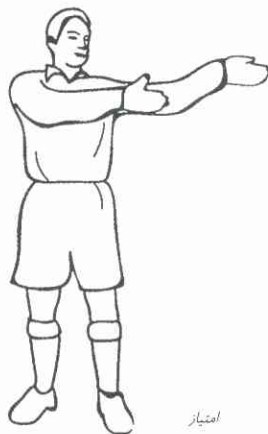
ضربه آزاد غیرمستقیم



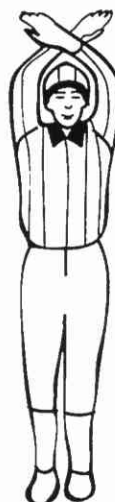
اخراج بازیگر با کارت قرمز



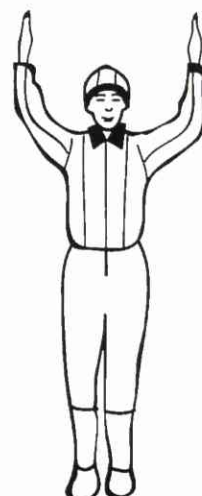
اخطار کارت زرد



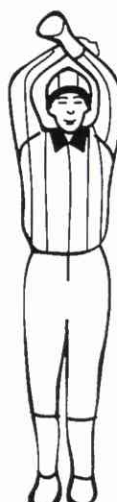
امتیاز



زمان استراحت



کسب ۶ امتیاز یا بردن توپ به آن سوی خط دروازه



خطای فردی



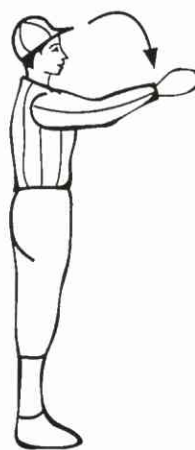
آفساید



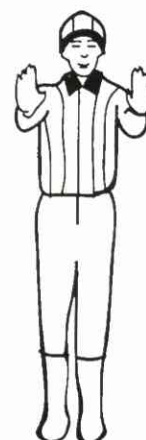
ماندن غیرمجاز توپ در دست



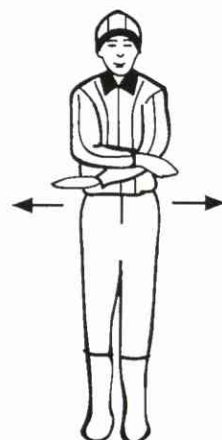
حرکت غیرقانونی



اولین تماس با زمین



جلاگیری غیرمجاز حریف از گرفتن پاس



تیزپرفتن پناهی

همچنین ببینید:

دست و پا صص ۱۱۹-۱۱۶
حالت‌های نمادین صص ۳۲۷-۳۳۴



حالت‌های نمادین

گاهی در فرهنگ‌های مختلف، معانی گوناگون دارند. حالت‌های ناخودآگاه می‌توانند آنچه را که يك شخص واقعا فکر می‌کند، ظاهر سازند، اما تفسیر زبان بدن کمتر دقیق است و همیشه به موقعیت و شرایط وابسته است.

این گفته که «اعمال رساتر از کلمات سخن می‌گویند» اغلب، حقیقت حالت‌ها را نشان می‌دهد. اگرچه، حالات هم شبیه به کلمات می‌توانند به درستی تفسیر نشوند. حالت‌های آگاهانه نظیر علائم دستی، اغلب فراتر از موانع زبانی هستند. اما



▲ چشمک

چشمک می‌تواند هر معنایی داشته باشد، از سر آغازی سالم برای پیشنه‌ای جنسی یا اشاره و کنار یا هشدار تا علامتی از زد و بند بین دو نفر.



▲ چشم‌های بالا داده شده

چشم‌هایی که به سوی بالا گردانده شده است، اغلب با صدای قابل شنیدن «توت» همراه می‌شود که عموماً علامتی از بیان منت‌گذاری، بی‌حوصلگی یا عصیانیت است.



▲ ابروی بالا داده شده

بالا دادن یک ابرو، علامتی از شک و تردید، یا ناباوری است. در این حالت دو طرف صورت که با هم اختلاف دارد، علامتی از افکار ناسازگار و مغایر است.

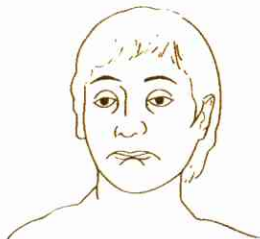
حالت‌های آگاهانه

علائم سر و دست برای تقویت یا جایگزینی کلام گفته شده مناسب هستند، اما باید مراقب بود چون حتی بی‌غرضانه‌ترین علائم ممکن است برای مردم مختلف، معانی گوناگونی داشته باشد. چیزی که برای فردی، ممکن است کاملاً دوستانه باشد شاید مایه دلخوری عمیقی در فرد دیگری شود.



▲ تکان دادن سر به علامت تصدیق

در بیشتر فرهنگ‌های غربی، تکان دادن سر به معنای «آری» است اما در بعضی کشورها از جمله سری‌لانکا به معنای «خیر» است. همچنین این حالت اغلب به عنوان تایید و خوشامدگویی به کار می‌رود.



▲ تکان دادن سر (سرچیناندن)

در بیشتر فرهنگ‌ها به معنای «خیر» است اما در هند و پاکستان «تکان دادن» جلوی صورت از بهلو به بهلو به معنای «آری» است. در شمال آفریقا تکان دادن سر به صورت گردش سریع بکطرفه و برگشت آن است.



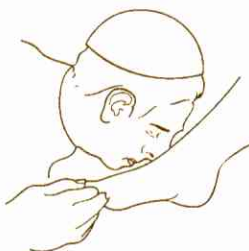
▲ بیرون آوردن زبان

بچه‌ها در سراسر دنیا زبان‌های خودشان را به عنوان بی‌ادبی بیرون آورده و تکان می‌دهند اما این حالت نسبتاً بازگوشانه است و عموماً نخستین اهانتی است که آنها به کار بردن آن را یاد می‌گیرند.



▲ بوسیدن دست

حالتی از احترام و نزاکت است. این حالت زمانی «دقت و انضباط» مردان مشخص را در خوشامدگویی به بانوان نشان می‌داد. این حالت اکنون به ندرت اتفاق می‌افتد به غیر از حالت‌های بسیار رسمی یا زمانی که با احساس طنز و طعنه انجام نشود.



▲ بوسیدن پا

حالتی از تواضع و احترام را نشان می‌دهد. این حالت به بخش‌های گوناگون کتاب مقدس یهودی مسیحی ارتباط دارد و به وسیله پاپ در هفته مقدس (هفته پیش از عید پاک) انجام می‌شود.



▲ فوت کردن بوسه

فوت کردن بوسه، حالتی است که بوسه‌ای از راه دور را نمادپردازی می‌کند و گاهی به جای تکان دادن دست، برای والدین، یک بچه، یک عاشق یا دوستی که جدا و دور می‌شود، انجام می‌گیرد.



▲ تعظیم

در فرهنگ غربی، این حالت بیانگر ضمنی فرد «کم اهمیت‌تر» است که خضوع خود را در مقابل فرد «مهم‌تر» نشان می‌دهد (نظیر آدم‌های معمولی نسبت به پادشاه). در زاین دو فرد برابر و هم‌شان در هنگام ملاقات، اغلب به یکدیگر به عنوان علامتی از احترام متقابل تعظیم می‌کنند.

**تکان دادن دست**

اغلب به عنوان حالت وداع به کار می‌رود. این حالت همچنین به عنوان خوشامدگویی یا جلب توجه هم انجام می‌شود. در چین، تکان دادن دست در حالی که کف دست رو به پایین تکان می‌خورد به معنای «بیا اینجا» است.

**زدن کف دست دو نفر به هم**

حالتی از خوشامدگویی، بزرگداشت یا شادبانی متقابل که اغلب در زمانی به کار می‌رود که تیمی در واقعهای ورزشی، امتیازی را کسب می‌کند.

**دست دادن**

در فرهنگ غربی، دست دادن حالتی نسبتاً رسمی است که به طور ضمنی، احترامی متقابل را بیان می‌کند. این حالت عموماً در ملاقات‌ها، خداحافظی یا دست یافتن به یک توافق به کار می‌رود.

**بالا بردن دست‌ها**

حالت تسلیم است. دست‌های بالا برده نشان می‌دهد که فرد اسلحه‌ای در دست ندارد یا به آن دسترسی ندارد.

**دست‌های نیایش کننده**

تلفی مسیحی از نیایش است که به عنوان نمادی از خوشامدگویی یا احترام در هند و در جنوب شرقی آسیا به کار می‌رود. در غرب به عنوان حالتی این جهانی در مورد تقاضا کردن و خواهش کردن به کار می‌رود.

**دست‌های خواهش کننده**

در غرب این حالت، بیشتر حالتی توأم با احساس همدردی در مورد خواهش و تقاضا کردن است تا این که حالتی از دست‌های نیایش کننده باشد.

**انگشت بر روی لب**

تقریباً به صورت عام و همگانی، نمادی از مهر زدن بر لب‌هاست و به عنوان درخواستی برای سکوت به کار می‌رود. اغلب با صدای قابل شنیدن «شو» همراه است.

**انگشت با اشاره به پیشانی**

اغلب این حالت در شکلی انجام می‌گیرد که انگشت به پیشانی ضربه می‌زند یا این که انگشت در کنار آن می‌چرخد. این حالت دلالت بر حماقت دارد و این که شخص «احمق» است یا در عقلش باره سنگ برمی‌دارد.

**انگشت با اشاره به چشم**

در عربستان سعودی این حالت حاکی از کندذهنی فرد است به این معنا که: «من به وضوح می‌بینم که تو یک احمق!»

**دهن کجی کردن**

حالتی بازیگوشانه یا شوخ‌طبعانه از تمسخر در پاسخ به کسی که زیانتش را در آورده است.

**ضرب زدن به دندان**

حالتی معمول از توهین در کشورهای مدیرانه‌ای است که دعائی‌گر یک نزاع در داستان رومئو و ژولیت شکسپیر است که در آنجا یکی از خدمتکاران کاپولت (پدر ژولیت) در موقع برخورد با خدمتکار مونتاگ (پدر رومئو) «شست خود را کار می‌گیرد».

**فکر کردن**

اغلب در زمانی انجام می‌شود که شخصی در حال فکر کردن عمیق است و حالتی تغییر یافته از «دست‌های نیایش کننده» است در حالتی که انگشتان لب‌ها یا چانه را لمس می‌کنند.

**انگشت‌های متقاطع**

این حالت متداول، دلالت بر این امر دارد که شخصی برای دیگری، آرزوی شانس خوب را دارد که نمادی از علامت مسیحی است.

**انگشت شست رو به بالا**

در غرب علامتی از تائید است و از حالتی نشأت می‌گیرد که برای بیان نظر تماشاجیان در مسابقات گلائیاتوری روم به کار می‌رفت. در خاورمیانه، آفریقای غربی، آمریکای جنوبی و روسیه به عنوان توهین به کار می‌رود.

**شکل V برای پیروزی**

این حالت در جنگ جهانی دوم به وسیله وینستون چرچیل به عنوان نمادی برای پیروزی رایج شد. در طول دهه ۱۹۶۰، هپی‌ها این حالت را به عنوان علامتی از صلح به‌کار بردند.

**انگشتان به شکل شاخ**

اغلب به عنوان علامتی از حفاظت در برابر شیطان یا اقبال بد و یا برای دفع چشم شیطان به کار می‌رفت. امروزه این حالت به وسیله شیطان‌پرست‌ها به کار می‌رود تا به شیطان اشاره داشته باشند.

**انگشتان در حالت استفهام**

در ایتالیا این حالت انگشتان و دست که همراه با تکان خوردن دست به بالا و پایین است به این معناست که «چه می‌خواهی؟» یا «منظورت چیست؟»

**انگشتان در حالت ok**

در آمریکا و اروپا، این حالت به معنای «قبول، ایرادی ندارد» است و در زاین نمادی از پول است. اما در کشورهای دیگر این علامت می‌تواند توهین‌آمیز باشد. در آلمان و برزیل، این حالت یک اشاره کابله‌شناسی است.

همچنین ببینید:
دست و پا صص ۱۱۹-۱۱۶
مسیحیت صص ۱۷۹-۱۷۶
زبان‌های نشانه‌ای و علائم صص ۳۳۱-۳۳۰



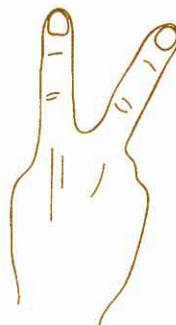
▲ علامت شاخ در بالای سر (به صورت گوناگون)

در کشورهای مدیرانهای، این حالت نشانگر شاخ‌های فردی است که به خانواده خود خیانت می‌کند. در ژاپن با زنی ارتباط می‌یابد که حسود یا عصبانی است.



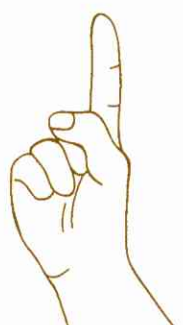
▲ بالا بردن انگشت میانی

به عنوان ادای احترام از طریق انگشت میانی و تلنگر زدن به یک پرنده هم شناخته می‌شود. این حالت معنایی توهین آمیز هم دارد که به معنای «گور پدرت» است. رومی‌ها این حالت را «انگشت بیش‌رمانه»^۱ می‌نامیدند.



▲ برعکس علامت V

در بریتانیا و استرالیا (که در آنجا تحت عنوان «دوراهی» شناخته می‌شود) یک علامت V که مفصل انگشت رو به بیرون است (معکوس V پیروزی) به معنای «برو گم شو» است، اما در آمریکا مترادف با معنای علامت پیروزی و صلح است.



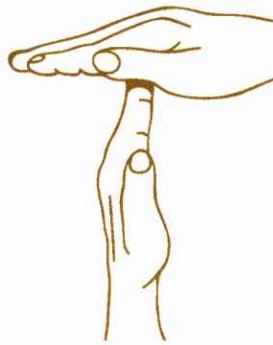
▲ انگشت اشاره

در فرهنگ غربی، این حالت معمولاً اشاره به عدد یک دارد. اگر چه گاهی به عنوان دستور به «انتظار» است. در خاورمیانه، ترکیه، یونان معنی مشابه با انگشت میانی در جاهای دیگر دارد یعنی «گور پدرت».



▲ مشت کلینتون

این حالت به وسیله رئیس‌جمهور آمریکا، بیل کلینتون رایج شد که او شاید آن را از جان اف کندی برداشت کرده باشد. این حالت به کار می‌رود تا تأکیدی را ارائه دهد که بدون نشان دادن انگشت اشاره است که می‌تواند به عنوان اعتماد به نفس زیاد یا پرخاشگری و ستیزه‌جویی تفسیر کرد.



▲ توقف موقت بازی

این حالت در بیشتر ورزش‌ها در آمریکا به معنای «توقف موقت بازی» است به جز استثنای قابل توجه در بسکتبال که در آنجا این علامت در مورد خطای تکنیکی است. در انگلستان نمادی از «وقت جای» و در ژاپن به معنای «لطفاً، صورت حساب» است.



▲ اشاره کردن

حالتی متداول به معنای «بیا اینجا» که اغلب در وضعیتی غیرمودبانه و یا از طرف مقامی ارشد و بالا دست به کار می‌رود. این حالت می‌تواند به عنوان دعوتی جنسی هم باشند که بستگی به بیانات از طریق صورت و شرایط و اوضاع دارد.



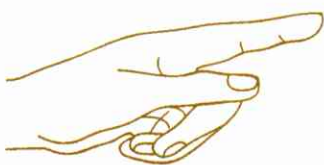
▲ سلام و احترام ولکان

این حالت در مجموعه‌های تلویزیونی «پیش‌نوا فضا» به وسیله آقای اسپاک^۲ استفاده می‌شد. او عضوی از گونه‌های تخیلی شبه انسان با گوش‌های نوک تیز بود و این حالت به معنای «عمر طولانی همراه با رفاه داشته باشی» است و از حالتی پهلودی نشأت می‌گیرد که در مورد دعای خیر است.



▲ مشت‌ی که انگشت شست بین انگشت دوم و سوم قرار دارد^۳

برای رومیان، این حالت به معنای شانس خوب بود و در برخی کشورها هنوز برای شانس و اقبال به کار می‌رود. در ترکیه، اندونزی و روسیه، حالتی رشت است به معنای «گور پدرت». در شبه جزیره هند، این حالت به عنوان تهدید به کار می‌رود.



▲ اشاره

معنای عمومی آن، نشان دادن جهت یا شیء خاصی است. در بیشتر فرهنگ‌ها، این حالت، اشاره داشتن غیرمستقیم به صورتی بی‌ادبانه نسبت به یک شخص است. در حالت مودبانه‌تر، فرد کل دست خود را باز و اشاره می‌کند.



▲ بنگ بنگ

وابسته به شرایط، این حالت ادای شلیک اسلحه کمری می‌تواند خوشامدگویی بازیگوشانه یا تهدیدی پرمخاطره باشند. این حالت با هدف گرفتن روی شقیقه، خطا و اشتباهی را اعلام می‌دارد یا نشان‌دهنده آرزو و میل برای خلاصی از وضعیتی ملال آور یا رنجش آور است.



▲ ال و بل، از این حرف‌ها

این علامت که تقلیدی از لب‌هایی است که به حد افراط حرکت می‌کنند، حالتی تحقیرکننده به معنای «کسل کن‌دگی» یا «من گوش نمی‌کنم» است. همچنین در برخی ورزش‌ها به وسیله داوران به کار می‌رود تا نشان دهد که بازیکن در مورد این پیروی نکردن مجرم است.



▲ مشت فشرده

حالتی عمومی از ستیزه‌جویی در زمانی که در جلوی بدن قرار گرفته می‌شود. مشت فشرده‌ای که بالا برده می‌شود، اغلب به وسیله ملی‌گراها، انقلابیون و گروه‌های ستم‌دیده به کار می‌رود تا اعتراض را نشان دهد و همچنین علامتی نظامی است که اسلحه‌های سنگین را درخواست می‌کند.

**▲ فاصله**

نشستن یا ایستادن با فاصله بسیار زیاد، «کناره‌گیری» را ظاهر می‌سازد. در صورتی که ایستادن با فاصله بسیار کم، اشتیاق شدید، بر رویی و یا صرفاً گستاخی صریح را نشان می‌دهد. فاصله را به صورت دائم نمی‌توان ثابت نگه داشت. لحظاتی وجود دارد که فرد احساس می‌کند برای یک لحظه مایل به نزدیک‌تر شدن است، یا نزدیک‌تر می‌شود و در آن وضعیت باقی می‌ماند.

**▲ تماس چشمی**

تماس چشمی طولانی می‌تواند بی‌ادبانه، صمیمیت زیاد یا پر خاشک‌رانه باشد. تماس چشمی بسیار کم هم می‌تواند نشان‌دهنده بی‌علاقگی باشد. نداشتن تماس چشمی یا تماس چشمی کم، نشان‌دهنده این امر است که فرد یا بسیار خجالتی است یا عمداً غلط‌اندازی می‌کند.

زبان بدن

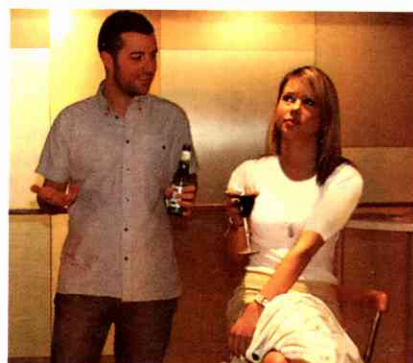
زبان بدن چیزی است که عموماً مردم بروز می‌دهند و نشان دادن واکنش به صورت غیر مستقیم است. اگرچه کسانی که این علائم را می‌فهمند، ممکن است آنها را آگاهانه استفاده کنند تا ارتباط کلامی خود را تقویت کنند. حالت بدن، چرخش و گرایش آن، ترتیب و تنظیم، حرکت چشم و سایر عوامل می‌تواند به میزان زیادی، گرایش‌ها و احساسات واقعی یک فرد را ظاهر سازد، حتی اگر چه خود او هم ممکن است از ارسال این علامات مطلع نباشد. زبان بدن اغلب با ارتباطات جنسی و عشق‌بازی همراه است، اما می‌تواند نقش مهمی را در گفت‌وگوها و روابط تجاری هم داشته باشد.

**▲ ایستاده، بازوها تا شده و حالت قوز کرده بدن**

شانه‌ها قوز کرده، بازوها تا شده یا چسبیده به بدن، سر کج شده و چشم‌ها رو به پایین، همگی نشانگر عصبی بودن یا حالت دفاعی است.

**▲ ایستاده و دست به کمر**

دست‌ها به کمر، نشان‌دهنده صداقت و اعتماد است. گرفتن سر به سوی بالا، به جای این که به سویی کج کند، فضایی از اعتماد به نفس و اقتدار را ایجاد می‌کند.

**▲ چرخش بدن**

بازو بر روی هم قرار داده شده است (همان‌گونه که این زن در اینجا انجام داده) یا بدن به سویی می‌چرخد تا حالت دفاعی یا بی‌علاقگی را نشان دهد و یا برعکس، آن‌گونه که مرد، کف دست‌ها را رو به بالا یا خارج دارد، حالت‌های دوستانه و آزاد را نشان می‌دهد.

**▲ حالت پاهای به هم نزدیک شده**

عموماً صحبت کردن، نشستن یا ایستادن به صورتی که دست و پا آزاد است، به طور تلویحی نشانگر صداقت است. در حالی که خم کردن و نزدیک کردن آنها به هم، به طور ضمنی حالت دفاعی را نشان می‌دهد. اما در مورد دامن‌های کوتاه، حالت نزدیک بودن دست و پا به هم، صرفاً امکان نزاکت و ادب را مطرح می‌سازد.

**▲ حالت نشسته در صورتی که مچ یک پا بر روی زانوی پای دیگر قرار دارد**

حالت نشسته‌ای که مچ یک پا بر روی زانوی پای دیگر قرار دارد به عنوان «شکل ۴» شناخته می‌شود. این حالت اغلب به عنوان وضعیتی نامناسب و بی‌ادبانه در نظر گرفته می‌شود. احتمالاً بیشتر نشانگر راحتی است.

**▲ ایستاده و دست‌ها نزدیک به بدن**

وضعیت ایستاده که دست‌ها به کناره بدن نزدیکند یا در پشت بدن قرار گرفته‌اند، حاکی از این امر است که شخص از اعتماد به نفس کاملی برخوردار است و آمادگی دارد تا هر چه را پیش آید، بپذیرد.

همچنین ببینید:

دست و پا صص ۱۱۹-۱۱۶

زبان‌نشانه‌ای و علائم صص ۳۳۰-۳۳۳



بودا ممکن است مشیر به بودای تاریخی و اخلاقی یعنی Gautama sakyamuni گوتمه شاکامونی باشد و هم تجلی‌های انتزاعی ماهیت بودای متعالی.

Byzantine world

دنیای بیزانسی: اشاره به امپراتوری بیزانسی دارد و هنر و فرهنگ و معماری متمایز آن که به تدریج از امپراتوری روم بعد از ۳۳۰ میلادی در زمانی که پایتخت امپراتوری از روم به بیزانس (استانبول فعلی) منتقل شد، ظهور یافت.



Cadency mark

علامت نزولی: تکامل نظامی از نشانه‌های اصالت خانوادگی تا بین پسرانی که مجاز به داشتن این نشان خانوادگی هستند، تفاوت قائل شود. هر پسر علامت خود را داشت و به نشانه‌های فرزندان این پسران هم علامت‌های دیگری افزوده می‌شد.

Caduceus

کادوسئوس: در اسطوره‌شناسی یونانی، میله‌ای بالدار بود که دو مار به دور آن می‌پیچیدند. این میله توسط خدای هرمس حمل می‌شد که بعدها به عنوان نماد پزشکان،

Black magic

جادوی سیاه: برای مقاصد شیطانی به کار بسته می‌شود و اغلب با ارواح شیطانی هم‌پیمان است.

Blaze

نشانه‌گذاری کردن: به توصیف آرم‌ها و نشانه‌ها در اصطلاحات علم انساب (نشان اصالت خانوادگی) اشاره دارد.

Bodhi tree

درخت بودهی: در دین بودایی درخت انجیری وجود دارد که بودا در هنگام نائل شدن به روشن شدگی در زیر آن نشسته بود.

Bodhisattva

بودی ستوه: بودی ستوه فردی است که برای کسب مقام بودایی در نظر گرفته شده، اما او به عنوان یک راهنما، در مسیر روشن‌شدگی به دیگران خدمت می‌کند.

Brahma

برهما: خدای خالق در دین هندو، که عضوی از یک تثلیث تحت عنوان تریمورتی Trimurti است. این تثلیث شامل خدایان شیوا و ویشنو هم می‌شود.

Braille

بریل: نظامی برای نگارش و چاپ در مورد افراد نابینا یا کم‌بینا که شامل نقاط برجسته‌ای است که نمایانگر حروف و اعدادی هستند که به وسیله لمس شناسایی می‌شوند.

Buddha

بودا: یک روشن شده یا عقل کل.

النهرین در عراق فعلی قرار داشت.

Auspicious symbol

نماد فرخنده: در دین بودایی، هشت نماد فرخنده وجود دارد که هر یک اشاره به برخی جنبه‌های تعلیمات بودا دارد.

Avatar

اوتاره: این واژه سانسکریت به معنای «نزول» یا «هبوط» است و اشاره به تجسد زمینی خدای هندو دارد.



Babylonia

بابل: پادشاهی کهن بابل در بین‌النهرین بود که بین رودهای دجله و فرات در عراق امروزی قرار داشت.

Bar/ Batmitzuah

بار / بت میصوا: در ۱۳ سالگی که یک پسر یهودی، بزرگسال در نظر گرفته شده و برای وظایف دینی و اخلاقی خود مسئول است، مراسمی برگزار می‌شود. در این سن او بار میصوا نامیده می‌شود و در این مراسم شرف یا گذار او را بزرگسال می‌شناساند. معادل آن برای دختران، بت میصوا است.



Allah

الله: واژه‌ای عربی برای خدا

Amulet

تعویذ: این طلسم کوچک، نمادی از قدرت نیوکوکاری یا بخشندگی است که به صورت سنتی برای حفاظت و توانمندی استفاده می‌شود.

Ankh

عنخ: صلیبی که شکلی مشابه «T» دارد که حلقه‌ای در بالای آن قرار گرفته. این نماد مصر باستان به معنای «زندگی ابدی» است و اغلب در اطراف گردن استفاده می‌شود.

Apostle

حواری: مبلغ یا پیرو کلیسای اولیه

Asana

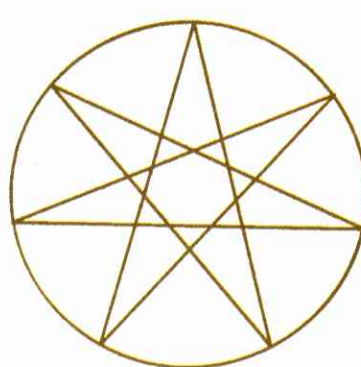
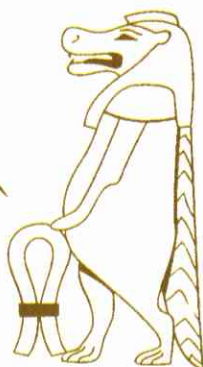
آسانا: چهار حالتی که بودا در آن ظاهر می‌شود - نشسته، ایستاده، قدم زدن یا دراز کشیده - که به آنها تحت عنوان آسانا اشاره می‌شود.

Ascetic

مرتاض، زاهد: این فرد سرسبیده و مخلص دینی، از راحتی‌های مادی به نفع انضباط شخصی و خویش‌نشینی زاهدانه دوری می‌گزیند.

Assyria

آشوری: امپراتوری و ملت کهن آشوری که در نیمه شمالی بین





F

E

رفتاری مشفقانه یا قهرمانانه به کل فرهنگ سود رساننده از برخی از آنها به صورت سنتی، درخواست حفاظت یا راهنمایی و هدایت می‌شود.

مورد استفاده قرار گرفت.

Carnality

شهوانیت: واژه‌ای که توصیف‌گر وجه مادی، به خصوص جنبه جنسی و امیال است.

Chakra

چاکره (گره): بر طبق فلسفه بودا، بدن انسان «هفت چاکره» یا مراکزی برای انرژی معنوی دارد که با وضعیت‌های احساسی، ذهنی و جسمانی ما مربوط است.

Charg

مسئولیت: تصویری برای نشان اصالت خانوادگی است نظیر یک حیوان، شیء یا شکلی بر روی سیر.

Christ's passion

مصیبت مسیح: مصیبت مسیح، نشانگر رنج عیسی بر صلیب است.

Cathonic gad

خدای زیرزمین: خدایی که از دنیای زیرین (مرگ) است و یا با آن ارتباط دارد.

Comet

ستاره دنباله‌دار: جرمی آسمانی که به صورت سنتی شوم است و نمادی از جنگ و یا برخی مصیبت‌های دیگر است.

Cornucopia

شاخ فراوانی: سبیدی مخروطی شکل که گل‌ها، میوه و غلات از آن سرریز شده‌اند و نمادی از رفاه است و با اسطوره‌شناسی یونانی ارتباط دارد.

Cosmic ocean

اقیانوس کیهانی: که نشانگر آبهای ازل است که از آن همه حیات به وجود آمده است.

Culture hero

قهرمان فرهنگی: یک فرا انسان، انسان یا چهره‌ای حیوانی که مورد احترام و تحسین است. یک قهرمان فرهنگی کسی است که از طریق

Emoticone

تصویرهای احساسی: این نماد، نشانه‌های نقطه‌گذاری را به کار می‌برد تا احساسات را به صورت پیامی مکتوب منتقل سازد.

Enlightenment

روشن‌شدگی: در آیین بودایی و هندو، روشن‌شدگی وضعیتی مبارک و مقدس است که یک فرد به ورای میل و رنج رفته و به نیروانا نایل می‌شود.

Ermine

پوست قاقم: با سلطنت ارتباط دارد و خز قاقم سفید برای ردهای سلطنتی تزئینی به کار می‌رود. سرنوک‌های دم سیاه این حیوان با فواصل منظم به هم ملحق و موجب برجسته شدن رنگ سفید می‌شوند.

Evil eye

چشم شیطانی: برخی فرهنگ‌ها بر این باورند که افراد خاصی می‌توانند قربانیانی را با نگاه کردن به آنها مورد لعن و نفرین قرار دهند. مردم معمولاً از تعویذهایی استفاده می‌کنند تا مانع اثرات چشم شیطانی شوند.

Expressionism

اکسپرسیونیسم: این نهضت هنری در اوایل قرن بیستم آغاز شد تا احساسات درونی و شدید هنرمند را تصویر سازد. واقعیت اعوجاج می‌یابد، رنگ‌ها به طور خاص، سیر و تند هستند و شیوه نقاشی آزاد و رهاست همچون آثار ادوارد مانچ.

D

Danse macabre

رقص مرگ: در «رقص مرگ» قرون وسطایی، اسکلتی مرگ را نمادپردازی می‌کند و جمعیت را به سوی گور و مرگ هدایت می‌کند.

Darshan

درشان: اصطلاحی هندو به معنای «تماشا، یک نظر» به خصوص در مورد تصویری مقدس یا شخصی پرهیزکار.

Dharma wheel

چرخ درمه: نماد مهمی از تعالیم بودا که تحت عنوان چرخ شریعت هم شناخته می‌شود.

Dharmachakra mudra

حالت درمه چاکره: حالتی از دست بودایی که به معنای چرخ شریعت در حال حرکت است زیرا که بودا اولین موعظه خود را بعد از نایل شدن به روشن‌شدگی انجام داد.

Diwali

دیوالی: جشن نور هندی که شروع زمستان را مشخص می‌سازد.

Druid

دروئید: روحانی، غیبگو، جادوگر و یا معلم سلتی

Dynasty

سلسله، دوره سلطنت: این واژه نشانگر رشته‌ای از حاکمان است که از یک خاندان یا نسل هستند.

Feng shui

فنگ شویی: این کار معمول در چین باستان در مورد مشخص کردن جای اشیاء یا جهت‌گیری ساختمان بر مبنای باوری است که جریان خوبی از «چی» یا انرژی باعث ارتقای هماهنگی، رفاه و سلامتی می‌شود.

Five pillars of islam

پنج رکن اسلامی: آنها نشانگر پنج وظیفه واجب بر هر مسلمان هستند که شامل تصدیق ایمان به خداوند واحد و محمد(ص) به عنوان پیامبر او، بجا آوردن نمازهای پنجگانه، روزه گرفتن در طول ماه رمضان، زکات و زیارت مکه یا حج است.

Four elements

چهار عنصر: در کیمیاگری، چهار عنصر (هوا، زمین، آتش و آب) به وسیله سه گوش‌های متساوی‌الاضلاع نشان داده می‌شوند.

Fraternity

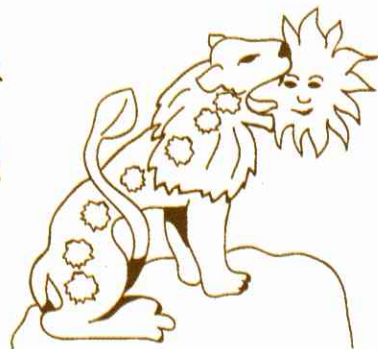
انجمن اخوت: یک انجمن اخوت نشانگر گروهی از مردان است که برای علاقه یا هدفی مشترک دور هم جمع می‌شوند.

Freudian

فرویدی: این واژه، رفتار، باور و نگرش‌های خاصی را توصیف می‌کند که با نظریه‌های روانشناختی زیگموند فروید ارتباط دارد یا موافق است.

Futurism

آینده‌گرایی: آغاز آن از ایتالیا در اوایل قرن بیستم است. این نهضت هنری شروع شد تا پویایی زندگی معاصر، به خصوص از نظر ماشینی شدن را بیان کند.





H G

Inuit

اینوئیت: واژه‌ای بومی به معنای «قوم». اینوئیت نام مشترکی است برای گروهی از مردم که به صورت گسترده‌ای منتشر هستند و در گرین‌لند و بخش شمالگان کانادا زندگی می‌کنند.

J

Jungian

یونگی: سرسپرده آراء روانشناسانه روانشناس و روانپزشک سوئیسی سی.جی.یونگ. نظریه یونگی بر مشارکت خصوصیات ارثی نژادی و فرهنگی در روانشناسی افراد تأکید دارد و بر این باور است که انسان‌ها بر دو نوعند: درون‌گرا و برون‌گرا.

K

Ka'ba

کعبه: کعبه مقدس‌ترین زیارتگاه اسلام است که در مسجد مقدسی قرار دارد.

Kabuki

کابوکی: نمایش ژاپنی سنتی که به میزان زیادی تصنعی است. کابوکی از تئاتر نه تحول یافت که در آن مردی که مفصلاً لباس پوشیده است هم نقش مرد و هم نقش زن را بازی می‌کند.

بدون هدف حرکت می‌کند. یک کارگر فصلی، شغل یا خانه دائمی ندارد.

Homonym

کلمات هم شکل یا هم‌آوا: کلمه‌ای است که صدایش با ظاهرش، شبیه به کلمه دیگری با معنی دیگری است. برای مثال کلمه‌ای برای چهار در چین و ژاپن، صدایش شبیه به صدای کلمه‌ای است که برای «مرگ» به کار می‌رود پس آن را علامت بدشناسی می‌دانند.

I

Iching

ای چینگ: نظام چینی قدیمی در مورد پیشگویی بر مبنای کتاب فلسفه تائویی یا ای چینگ که به صورت انگاره شش خطی است که بر حسب تصادف انتخاب شده و سپس تفسیر می‌شود تا به سوالات خاصی پاسخ گوید و راهنمایی ارائه کند.

در مجموع ۶۴ انگاره شش خطی وجود دارد که هر یک از دو گروه خط‌های سه تایی تشکیل شده که ممکن است پیوسته یا شکسته باشند.

Iconography

تصویرنگاری: هنر یا نمودی از تصاویر یا عکس‌های موضوع انتخاب شده است. طیف تصویرنگاری مسیحی از نمودهای فرشتگان تا قدیسان متفاوت است.

Incarnation

تجسد: این واژه اشاره دارد به تجلی جسمانی یک موجود الهی که اندیشه‌ای معمول در ادیان نظیر بودایی و هندو است.

Hazchem

هازچم: واژه اختصاری از Hazardous chemicals یا مواد شیمیایی مضر

Henna

حنا: رنگی قرمز - قهوه‌ای که از برگ‌های گیاهی با نام علمی Lawsonia inermis به دست می‌آید و برای زینت بخشی به بدن و رنگ مو است و نمادی از اقبال خوب در اوقات جشن‌هایی مثل عروسی است.

Heptagram

ستاره هفت پر: بر این باور بودند که خصوصیات جادویی و تداعی‌های گوناگونی دارد و در طیفی از قبالاتا نمادی برای دور کردن شیطان قرار می‌گیرد.

Heretical

بدعت‌آمیز: این واژه، باورها یا رفتاری را توصیف می‌کند که با اصول اعتقادی تثبیت شده مخالفت می‌ورزد.

Hexagram

ستاره شش پر: توازن هندسی ستاره شش پر آن را نماد جادویی و محبوبی در بسیاری از فرهنگ‌ها می‌سازد.

Hieroglyph

خط تصویری هیروگلیف: حرف و نشانه‌ای از هر تعدادی از نظام‌های نگارشی تصویری که بهترین نظام شناخته شده و یکی از قدیمی‌ترین آنها در مصر باستان است.

Hobo

کارگر فصلی: آدمی سرگردان یا کارگری مهاجر که از جایی به جایی

Granthi

گرانثی: ترجمه آن به صورت دقیق، «نگهدارنده و قاری متون مقدس سیک» است.

Grimoire of honoius

کتاب جادوی هونوریوس: دستورالعملی از جادوی سیاه که برای استغاثه به ارواح و شیاطین به کار می‌رود.

Grim reaper

گرم رپر: این چهره اسطوره‌ای، تشخیص مرگ است و به صورت اسکلتی تصویر می‌شود که داس دسته بلندی را حمل می‌کند و لباس سیاه کلاه‌دار می‌پوشد.

Gunpowder plot

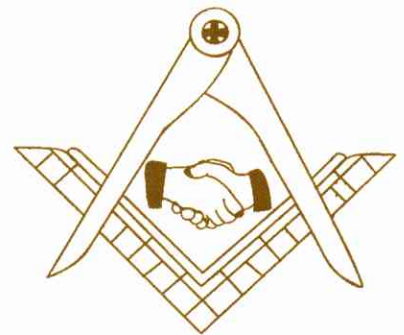
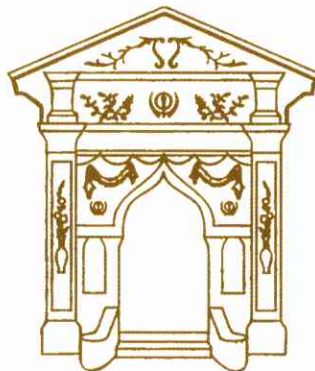
توطئه باروت: تلاشی ناکام از جانب کاتولیک‌های انگلیسی برای منفجر کردن ساختمان پارلمان در ۱۶۰۵ است که هر ساله در پنجم نوامبر، خاطره آن را گرامی می‌دارند.

Gurdwara

گورودوارا: معبد سیک که نقطه مرکزی زندگی دینی برای سیک‌هاست و نمادی از پرستش است.

Guru

گورو: واژه‌ای که به معنای «معلم معنوی» است و در دین سیک، بودایی تبتی و هندو به کار می‌رود.



**Monarchy**

سلطنت: این اصطلاح به حکومت دولتی اشاره دارد که در رأس آن پادشاه (شاه یا ملکه) قرار دارد.

Monotheistic faith

ایمان توحیدی: بر مبنای باور به خدای یگانه، نظیر ایمانی که در مسیحیت و اسلام است.

Morse

مورس: رمز تلگرافی که در آن اعداد و حروف به وسیله رشته‌هایی از نقطه و خط (فاصله) نشان داده می‌شوند.

Mother goddess

ایزدبانوی مادر: در بسیاری از فرهنگ‌ها یافت می‌شود، اندیشه ایزدبانوی مادر به قدیمی‌ترین زمان‌ها برمی‌گردد که در آن ایزدی مونث و پرورش‌دهنده، نشانگر زمین بود و با آفرینش و باروری ارتباط داشت.

Mudra

مودره: در آیین بودایی، یک مودره، یکی از مجموعه حالت‌های دست به صورت ثابت است که هر کدام معنای خاص خود را دارد. مودره‌ها در تصویرنگاری دینی هندو هم کاربرد دارد.

Mughal empire

امپراتوری مغول: در هند از ۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ به شکوفایی رسید. امپراتوری مغول، سبک ویژه ایرانی - اسلامی - هندی را در هنر و معماری به وجود آورد.

Mummification

مومیایی کردن: فرآیند حفاظت از جسم مرده با پیچیدن آن بر طبق روش‌های معمول در مصر باستان است. احشاء و مغز از بدن متوفی خارج شده و در کوزه‌های خاکسپاری محافظت می‌شد، سپس بدن مرده قبل از این که به وسیله باندage پیچیده شود، به وسیله کربنات سدیم، خشک خشک

نمایش، مراقبه یا افسون و ورد تکرار می‌شود و با دین بودایی و هندو مرتبط است.

Martyr

شهید: شهید فردی است که به خاطر اصول دینی خود می‌میرد.

Medieval times

قرون وسطی: یا قرون میانه، این زمان در تاریخ اروپا اغلب از ۴۷۹ تا ۱۴۵۳ میلادی است.

Meditation

مراقبه: عمل تمرکز بر چیزی خاص نظیر یک شیء، صدا و یا تجسم و تصویری است که در آن لحظه، آگاهی را به اوج می‌رساند. فشار روحی کاهش می‌یابد و رشد معنوی تقویت می‌شود. مراقبه در بسیاری از ادیان شرقی، نقش مهمی دارد.

Meso-america

آمریکای مرکزی: محدوده فرهنگی و جغرافیایی در آمریکای مرکزی که از مکزیک تا السالوادور گسترش دارد.

Mesopotamia

بین‌النهرین: این منطقه بین رودهای دجله و فرات است که در عراق فعلی قرار دارد.

Milky way

راه شیری: روشن‌کننده آسمان شب، این کهکشان شامل خورشید و منظومه شمسی است.

Ming dynasty

سلسله مینگ: سلسله امپراتوری چین که از ۱۳۸۸ تا ۱۶۴۴ م حکومت کرد.

Mon

مون: این نظام سنتی ژاپنی در مورد علائم نمادین، مشابه نظام غربی در مورد نشانه‌های نجابت خانوادگی است.

Lutheran

لوتری: وابسته به نهضت پروتستان بر مبنای اصول اصلاح‌گر آلمانی. مارتن لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳)، الهیات لوتری در آلمان در شروع اصلاحات در قرن شانزدهم پی‌ریزی شد و هدف اصلی آن اصلاح کلیسای کاتولیک غربی بود.

Kachina

کاجینا: قوم سرخپوست آمریکایی هوبی، بر این باورند که موجودات فراطبیعی به نام کاجیناها آورنده باران و پیام‌آوران روح هستند که نقش واسطه را هم در زندگی روستایی دارند و کيفر و مجازات را مقرر می‌کنند. عروسک‌های کاجینا که «Ltithu» تیتو» نامیده می‌شوند، در روزهای رقص به دختران و عروسان داده می‌شود تا به آنها راجع به کاجیناهای هوبی تعلیم دهند.

Kami

کامی: ارواح طبیعت که در دین شینتو پرستیده می‌شوند.

Magic square

مربع جادویی: مربعی که شامل اعدادی است که در ردیف‌ها و ستون‌های برابری چیده شده‌اند به طوری که مجموع هر ردیف و هر ستون و گاهی به صورت ضربدری با هم برابر است. در بسیاری از فرهنگ‌ها یافت می‌شود و بر روی سنگ یا فلز کنده می‌شود و یا به عنوان طلسم به کار می‌رود. معتقدند به این که دارای کیفیات غیبگویی و طالع‌بینی همراه با طول عمر و سلامتی است.

Mandala

مندله: طرحی نمادین که نشانگر جهان است. در آیین بودایی و هندو، مندله به عنوان ابزار مراقبه به کار می‌رود.

Mandorla

ماندورلا: هاله بادامی شکلی که اطراف بدن را می‌گیرد و دلالت بر تقدس یا روح‌القدس دارد. در هنر، تصاویر مسیح یا مریم باکره را هم در برمی‌گیرد.

Mantra

منتره: منتره به صورت سنتی، عبارت یا کلام مقدسی است که در

**Labyrinth**

حلزونی: چینی پیچیده و ساختاری از مسیرهای به هم مرتبط، راهروها یا تونل‌ها که تحت عنوان هزارتو هم شناخته می‌شود که فرد به آسانی در آن گم شده و گم می‌شود.

Libation vessel

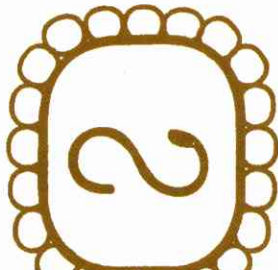
ظرف شراب: ظرفی برای شراب که به صورت سنتی به شکل جام یا شاخ است.

Linga

لینگا: لینگام هم نامیده می‌شود. لینگا، فالوسی تصنعی است که به وسیله هندوان به عنوان نمادی از خدای شیوا پرستیده می‌شود.

Logo

لوگو: یک نماد، نام یا علامت تجاری است که برای شناسایی سریع و آسان طرح‌ریزی می‌شود.





Mysticism

عرفان: این فلسفه بر مبنای این باور است که معرفت مطلق خداوند یا حقیقت روحی را می‌توان از طریق شهود معنوی دریافت داشت که فراسوی فهم درک یا تجربیات حسی معمول است.

Myth

اسطوره: داستانی سنتی که معمولاً شامل خدایان و قهرمانان است و به طور معمول شروع به توضیح خاستگاه‌های رسم و عادت فرهنگی یا پدیده طبیعی می‌کند.

Nirvana

نیروانا: وضعیت نهایی سعادت بودایی و رهایی از چرخه تولد، تولد مجدد و اتحاد با امر مطلق که تنها بعد از زایل شدن همه تعلقات و امیال حاصل می‌گردد.

Noble eightfold path

مسیر هشتگانه شریف: بر طبق باور بودایی، این مسیر به سوی روشن‌شدگی و شامل هشت عامل است نظیر تفکر درست، عمل درست و معیشت درست.

Pagan god

خدای مشرکان: هر خدایی که با مسیحیت، یهودیت یا اسلام ارتباط ندارد به وسیله پیروان این ادیان به عنوان خدای مشرکان در نظر گرفته می‌شود.

Passover

عید پسخ: این جشن یهودی، آزادی یهودیان از مصر را گرامی می‌دارد.

Pentagram

ستاره پنج پر: ستاره پنج پر که ارتباطات جادویی دارد و به صورت نمادین در بابل و یونان باستان اهمیت داشت در مسیحیت نشانگر پنج جراحات مسیح است.

Petroglyph

سنگ نگاری: تصویری است که بر روی صخره‌ای کنده شده و با هنر پیشاتاریخی ارتباط دارد.

Pictogram

خط تصویر نگاره: شکلی از زبان تجسمی یا دیداری است. خط تصویر نگاره، نمادها یا تصاویری را به کار می‌برد تا اطلاعاتی را منتقل سازد نظیر خط هیروگلیف بر قبور مصر باستان یا تصویر یک مرد و زن بر روی در تا نشانگر دستشویی عمومی باشد.

Pictograph

تصویر نگاره: ترسیمی تصویری یا نقاشی شده بر روی یک صخره.

Portent

پیش‌آگهی: واژه دیگری برای گواه یا فال بد که علامت یا اتفاقی است که به عنوان امری نمادین راجع به اهمیت واقعه‌ای که رخ خواهد داد، تفسیر می‌شود.

Primordial waterslocean

اقیانوس یا آب‌های ازلی: آب‌های ازلی، آب‌هایی هستند که از آنها همه حیات به ظهور می‌رسد و اشاره به زمان قبل از آفرینش دارد که در آن زمان، کیهان محلی از آشفتنی بود.

Psychic powers

قدرت‌های فراوانی: این واژه اشاره دارد به کاربرد ادراک فراحسی تا چیزهایی را ببینید که مخفی و پنهان از حس‌ها هستند (از جمله گذشته

Psychopomp

راهنمای ارواح: راهنمای ارواح است به دنیای زیرین نظیر خارون یا هرمس.

Ptolemaic universe

جهان بطلمیوسی: مدلی برای جهان بر طبق نظر منجم یونانی باستان یعنی بطلمیوس که در آن زمین در مرکز جهان بود و خورشید، ماه، سیارات و ستارگان به دور آن می‌چرخیدند.

Pythagoras

فیثاغورس: فیلسوف یونانی که به نظر می‌رسد اولین ریاضیدان حقیقی باشد. فیثاغورس (حدود ۵۸۰-۵۰۰ ق.م) این نظریه را مطرح کرد که اعداد، همه جوهر و ذات امور طبیعی را دارا هستند.

Reincarnation

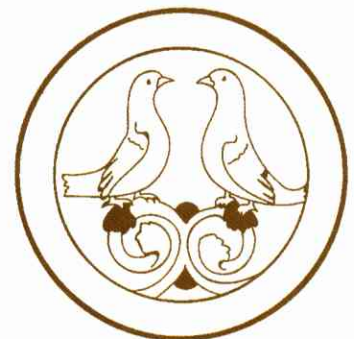
تناسخ: در ادیان آسیایی، تناسخ تولد مجدد روح در بدن دیگر است.

Renaissance

رنسانس: احیاء هنرهای قدیمی، رنسانس در ایتالیا از قرن چهاردهم شروع شد و تا پایان قرن شانزدهم در سراسر اروپا منتشر شد.

River styx

رودخانه استیکس: در اسطوره‌شناسی یونانی، رودخانه استیکس، رودخانه‌ای در طرف دیگر هادس است که مردگان را به دنیای





قدیمی است. یک استوپا بنای یادبود گنبدی شکل است. بعد از مرگ بودا، استوپاها بر پا شدند تا خانه بقایای او باشند. استوپاها با اهمیت مکان‌های زیارت شدند و زائران در اطراف آن در جهت عقربه‌های ساعت قدم می‌زنند.

Sufism

صوفیگری: مکتب اسلامی عرفانی که در جستجوی عشق الهی - حقیقت و معرفت از طریق تجربه مستقیم خداوند است.

Surrealism

سوررئالیسم: مکتب هنری قرن بیستم که قصدش بیان کارکرد ذهن ناخودآگاه بود. سوررئالیسم به طور معمول توسط تصویرپردازی رویاگونه و مجاورت غیرمنتظره با موضوع اصلی مشخص می‌شود. سالوادور دالی هنرمندی سوررئالیست بود.



Tabla

طبله: طبل دستی کوچک که خاستگاه آن در هند شمالی است.

Tai chi circle

دایره تای چی: دو مارپیچ که نمادی از زندگی است و نشانگر ارتباط بین بین و یانگ است که عناصر وابسته به هم فلسفه تائویی هستند که به هم می‌پیوندند تا یک کل متوازن را ایجاد کنند.

Tarot

تاروت: وسیله‌ای برای پیشگویی با استفاده از کارت‌های تاروت که متشکل از ۷۸ کارت بازی است که

Semi-god

نیمه خدا: بخشی انسان و بخشی خداست. نیمه خدا گاهی چهره‌ای قهرمان هم هست نظیر هرکول در اسطوره‌شناسی یونانی.

Shaman

شمن: روحانی در جوامع قبیله‌ای خاص. یک شمن به عنوان واسطه‌ای بین انسان و دنیای ارواح عمل می‌کند و به منظور شفابخشی یا مقاصد غیبگویی و یا برای مهار کردن رخدادهای طبیعی جادو انجام می‌دهد. شمن می‌تواند مرد یا زن باشد.

Shapeshifter

تغییر شکل دهنده: در اسطوره‌شناسی یا آثار داستانی، یک تغییر شکل دهنده کسی یا چیزی است که می‌تواند از یک صورت به صورت دیگر تغییر یابد. مثال مشهور آن تبدیل یک انسان به گرگ آدم است.

Shou

شو: خصیصه‌ای برای طول عمر. شو اغلب با نمادی حلقوی تصویر می‌شود. در چین گاهی با سایر نمادهای طول عمر همراه می‌شود.

Socialist realism

واقع گرایی اجتماعی: سبکی هنری، ادبی و موسیقی که در اتحاد شوروی در دهه ۱۹۳۰ پایه‌ریزی شد. واقع گرایی اجتماعی درصدد بود تا از تحول سوسیالیسم حمایت کند و به طور معمول، کارگران و سایر اعضای جامعه کمونیست را در وضعیتی آرمانی یا قهرمانانه تصویر می‌کرد.

Spirit helper

مدرس‌ان روح: روحی که به عنوان یار یا خدمتکار شمن عمل می‌کند. روح مدرس‌ان مطیع کسی است که به او کمک می‌کند. به جای این که محافظ یا معلمش باشد.

Stupa

استوپا: در اصل تل پشته خاکسپاری

Samurai

سامورایی: اشرافیت فئودالی نظامی در ژاپن یا جنگجوی حرفه‌ای مربوط به این طبقه.

Sarcophagus

تابوت سنگی منقوش: واژه‌ای که توصیف‌گر تابوت سنگی است. یک تابوت سنگی روی زمین قرار می‌گیرد و اغلب به صورت مفصلی تزئین می‌شود.

Satyr

بز مرد: در اسطوره‌شناسی یونانی، ساتیر خدای بیشه‌زار است با سر و بدن انسان و گوش‌های نوک تیز، شاخ و پاهای سم‌دار. بز مردها گرایش به شهوترانی و خوشگذرانی دارند.

Seal of solomon

مهر سلیمان: پسته به قرآن، مهر سلیمان یا ستاره شش بر، هگراگرام است که معتقد بودند قدرت جادویی دارد و نماد یهودی که «ستاره داوود» نامیده می‌شود و یا هر یک از ۲۵ گونه گیاهان گلدار از گونه مهر سلیمان (سرده).

Sefirotic tree

درخت سفیروتی: درخت سفیروتی حیات، شامل ده عدد آغازین و ۲۲ مسیر است که نشانگر نیروهای وراء آفرینش است. این اعداد به عنوان دوایری که سفیروت نامیده می‌شوند، نشان داده می‌شوند و درختی را به وجود می‌آورند. درخت سفیروتی با کارت‌های فالگیری یا تاروت هم مرتبط است.

Semaphore

پیام: نظام بصری برای علامت دادن اطلاعات با استفاده از دو پرچم در هر دست. این واژه به صورت ضمنی رمز القایی را نشان می‌دهد که بر مبنای وضعیت دست‌های علامت دهنده است.

زیرین منتقل می‌سازد.

Rudra/ shiva

رودره، شیوا: به معنای «عریده‌کشنده»، رودره خدای شرور و دایی در مورد توفان و بادهاست. همان‌گونه که باورهای هندو تکامل یافت، نام رودره به شیوا تغییر یافت.

Rune

خط رون: در غیبگویی به کار می‌رفت. رون‌ها مجموعه‌ای از نمادها هستند که خاستگاه‌هایشان در الفبای قبایل آلمانی قدیمی است.



Sadhu

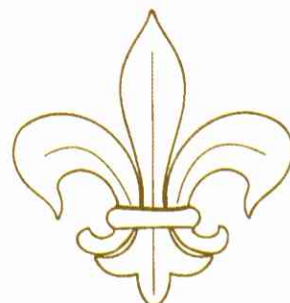
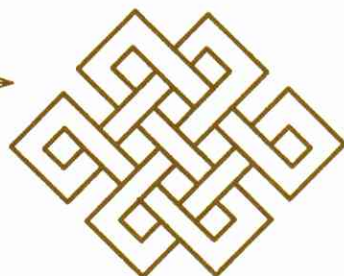
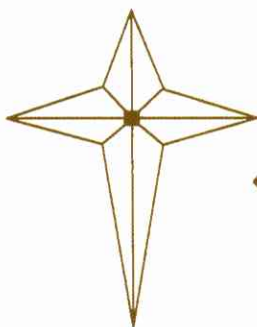
سادهو: در دین هندو، یک سادهو یک فرد مقدس خانه به دوش است که از راحتی‌های مادی و لذایذ زمینی دنیا چشم‌پوشی می‌کند.

Saint

قدیس: در مسیحیت، قدیس کسی است که به صورت رسمی به وسیله کلیسا به خصوص از طریق مقام قدیسی بخشیدن به رسمیت شناخته می‌شود که احترام عمومی نسبت به او را مجاز می‌دارد. او لایق واسطه بودن برای مردم روی زمین می‌شود.

Samsara

سمساره: در سنت هندویی و بودایی، سمساره نشانگر چرخه بی‌انتهای تولد و تولد مجدد است که به وسیله کرمه تحمیل می‌شود (سرنوشت فرد به وسیله رفتار آنها در طول زندگی تعیین می‌شود) رهایی از سمساره فقط از طریق کسب معرفت حقیقی حاصل می‌شود.





۲۲ کارت، نیروهای طبیعت، فضایل و شرور را تصویر می‌کند.

Tefillin

تفیلین: یکی از دو محفظه چرمی کوچک که شامل متونی از کتاب مقدس عبری است و به صورت سنتی به وسیله مردان یهودی در طول نماز صبحگاهی استفاده می‌شود.

The dreaming

رویاپردازی: رویاپردازی در سنت بومی استرالیایی به زمان آفرینش یا به افراد یا مجموعه‌ای از باورهای گروه یا معنویت اشاره دارد.

The great departure

جدایی بزرگ: در آیین بودایی، شاهزاده سیدهارته که در آینده بودا شد، سفری را در زمانی که از زندگی شاهزادگی در قصر چشم‌پوشی کرد، انجام داد و زندگی زاهدانه را همراه با آوارگی برگزید. پسران بودایی وارد دنیای رهبانی می‌شوند تا مجدداً این صحنه را انجام دهند.

Totem

توتم: یک حیوان، گیاه یا موضوع طبیعی یا نمودی از هر کدام از اینها، توتنم است که علامت یک قبیله، طایفه یا خانواده می‌شود گاهی به عنوان اجداد نگهبان یا چهره‌های خالق پرستیده می‌شود.

Tree of knowledge

درخت معرفت: درخت کتاب مقدسی معرفت در مورد خیر و شر در باغ عدن که آدم و حوا از میوه ممنوعه آن خوردند و منجر به هبوط از لطف و تبعید از عدن شد.

Tree of life

درخت حیات: درخت اسطوره‌ای زندگی که در بهشت رشد می‌کند و اگر مصرف شود جاودانگی را به همراه دارد.

Tricolour

سه رنگ: سه رنگ، پرچمی است از سه نوار موازی در رنگ‌های مختلف که ممکن است به صورت افقی، عمودی و ضربدری باشد و با پهنای برابر یا غیربرابر، این پرچم ممکن است ساده و یا این که روی آن خط

تصویری باشد (همچون یک علامت یا شعار)

Trigram

انگاره سه خطی: تصویری که از سه خط توپر یا شکسته موازی تشکیل شده، یک سه خطی به صورت معمول در فلسفه چینی برای غیگویی بر طبق ای‌چینگ به کار می‌رود.

Trimurti

تریمورتی: هندوها، تریمورتی یا تثلیث خدایان برهما، ویشنو و شیوا را می‌پرستیدند.

Trinity

تثلیث: در مسیحیت، تثلیث مقدس نمادی از پدر، پسر و روح القدس است.



Udjat

اودجت: اودجت تعویذی است که به مانند چشم و ابروی راست انسان به جلو می‌نگرد، همچنین به عنوان وادجت یا چشم هوروس شناخته می‌شود.

Ushnisha

اشنیشا: علامتی در بودایی، اشنیشا معمولاً موی گره زده شده است که به شکل شعله یا برآمدگی بر بالای سر بوداست.

Vahana

واهانا: بسیاری از خدایان هندو در حالی تصویر می‌شوند که سوار بر حیوان یا پرند واهانا هستند که این مرکب، نشانگر وظیفه خاصی است که به خدا ارتباط دارد. برای مثال شیوا بر گاو سوار است که نمادی از قدرتمندی و توانایی است.

Vanitas

وانیتاس: گونه‌ای از حامل نماد بودن است، نقاشی از زندگی آرام و همراه با سکون و اندوه که در فتلاند و هلند در قرون شانزدهم و هفدهم محبوب شد. هنر وانیتاس به عنوان تذکری برای کوتاهی زندگی، بیهودگی لذات و اجتناب‌ناپذیری مرگ عمل می‌کرد. **Varna** **وارنا:** در دین هندو چهار طبقه اجتماعی یا وارنا وجود دارد که نظام کاست (طبقات اجتماعی) را در هند به وجود می‌آورند.

Veda

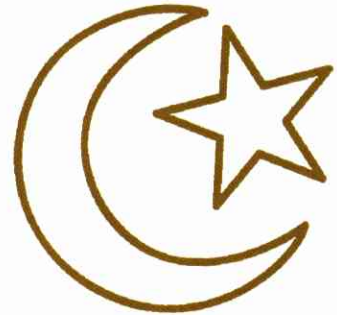
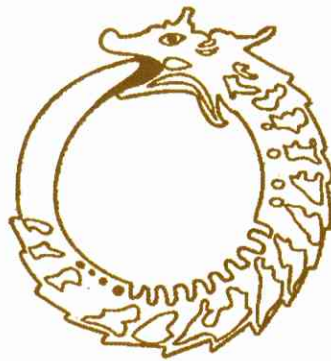
ودا: هر یک از قدیمی‌ترین متون مقدس هندویی مونی که با هم در چهار مجموعه گرد آمده‌اند.

Vedic

ودایی: این واژه اشاره دارد به هر چیزی که به وادها متعلق است یا با آن ارتباط دارد. آنها از گونه‌ای از سانسکریت به وجود آمده‌اند و فرهنگ هندی از آن نشأت می‌گیرد.

Vever

وور: در وودوو هر وور طرحی نمادین از روحی خاص است. این طرح به وسیله کمی بودر نظیر بودر ذرت بر روی زمین در قبل از یک مراسم و یا در طی آن کشیده می‌شود و نقطه مرکزی برای استمداد یا به عنوان محرایی برای پیشکشی‌هاست.



Yang

یانگ: برطبق فلسفه چینی کهن، یانگ یک بخش از دو اصل یا نیروی مکمل است که همه طبیعت را مهار می‌کند و زیربنای آن است. این نیرو مثبت و مذکر است.

Yantra

ینتره: از واژه‌های سانسکریت به معنای «تداوم بخشیدن» است. یک ینتره طرحی هندسی است که به صورت سنتی هندوان بر آن به عنوان کمکی برای تمرکز در طول مراقبه توجه دارند.

Yin

یین: در فلسفه چین کهن، یین منفعل، مرطوب و مونث و برعکس یانگ است.

Yuga

یوگه: یکی از چهار دوره در چرخه دنیای هندو



Zen

ذن: مکتب بودایی مهاییانه که در چین ریشه دارد. بودایی ذن بر این باور است که روشن‌شدگی به جای این که از طریق پرستش حاصل شود، تنها می‌تواند از طریق مراقبه و تحول نظم روحی و ذهنی به دست آید.

Zohar

زهر: کتاب قبایلی یهودی که متن آن به سیمون نسبت داده می‌شود. اما محققان جدید بر این باورند که احتمالاً اثر موسی دلتون است.

Zoroastrian

زرتشتی: عضوی از دینی که در ایران به وسیله زرتشت در حدود اوایل هزاره دوم ق.م پی‌ریزی شد. پیروان روزگار جدید، پارسیان هند هستند.

THE ILLUSTRATED
ENCYCLOPEDIA OF

SIGNS & SYMBOLS



www.iqra.ahlamontada.com